

پیشگویی بای از



پیشگویی های امامان معصوم علیهم السلام از آخر الزمان

علی رضایی



جنتی رسول اللہ ﷺ

تقدیم به درگاه پیامبر اکرم ﷺ و ائمه
مهدی علیهم السلام، ابوالفتح المهدی علیہ السلام: به ولی
امر مسلمین جهان، نایب عام امام زمان ﷺ،
حضرت آیت الله العظمی خاتمی ای. مد ظله العالی، به
مشائقان و منتظران واقعی ظهور حجت بن
الحسن العسکری، مهدی موعود علیہ السلام
و به پدر و مادر مرحوم که اولین بار
من را با معصومان علیهم السلام آشنا کردند.



پیشگویی های امامان معصوم علیهم السلام از آخر الزمان
علی رضایی

پیشگویی‌هایی از آخرالزمان

پیشگویی‌های امامان معصوم علیهم‌السلام از آخرالزمان

نویسنده: علی رضایی

ویراستار: مکینه باشی و فاطمه اکبری

ناشر: انتشارات کتاب جمکران

طرح جلد: حسین همدانیان

چاپ: سوم، زمستان ۱۴۰۰

چاپ: خانه چاپ جمکران

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

بخش: کتاب جمکران: ۹۱۲۱۵۱۸۱۴۹

قیمت: ۱۰۰۰۰۰۰ تومان

سرشناسه رضایی، علی - ۱۳۳۷ -
عنوان و نام پدیدآور: پیشگویی‌هایی از آخرالزمان / علی رضایی
مشخصات نشر: قم: کتاب جمکران، ۱۳۹۶
شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۹۷۳-۴۹۶-۵
وضعیت فهرست نویسی: فیا
پانداخت: کتابخانه
موضوع: آخرالزمان
موضوع: End of the world
موضوع: آخرالزمان (اسلام) -- احادیث
موضوع: Hadiths -- End of the world (Islam)
موضوع: مهدویت -- پیشگویی‌ها
موضوع: Prophecies -- Mahdism
رده بندی کنگره: ۱۳۹۶ آ ۵/۵۶ BPT۲۲
رده بندی دیویی: ۲۹۷/۴۲۲
شماره کتابشناسی ملی: ۲۷۵۹۴۳۳



دفتر مرکزی تحقیق و نشر: خانه چاپ جمکران، قم
تلفن: ۰۲۶۳۳۳۳۳۳۳ - ۰۲۶۳۳۳۳۳۳۳۳
فکس: ۰۲۶۳۳۳۳۳۳۳۳ - ۰۲۶۳۳۳۳۳۳۳۳



www.ketabejamkaran.ir

ketabejamkaran

ketabejamkaran

فهرست

پیشگفتار

۱۷

مقدمه

۲۱

فصل اول: کلیات / ۲۵

۱. پیشگویی‌ها

۲۵

۲. پیشگویی و ناتوانی انسان عادی

۲۷

۳. پیشگویی‌های دروغین

۲۷

فصل دوم

پیشگویی: ظهور تحقق‌خواسته خداوند / ۳۱

مقدمه

۳۱

۱. انتظار ظهور، محبوب‌ترین کارها نزد پروردگار

۳۱

۲. خداوند در انتظار تحقق ظهور

۳۲

۳. ظهور تحقق‌وعددهای خداوند

۳۳

۴. مهدی علیه السلام باقی‌مانده خداوند

۳۵

۵. مهدی علیه السلام آیه مستظر پروردگار

۳۶

۶. مهدی علیه السلام امر خداوند

۳۷

۷. ظهور، گشایش از سوی خداوند

۳۷

فصل سوم

پیشگویی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره مهدی آخرالزمان علیه السلام / ۳۹

مقدمه

۳۹

۱. ظهور مهدی علیه السلام اگرچه یک روز از دنیا باقی بماند

۴۰

۴۰	۱. قطعی بودن ظهور مهدی علیه السلام
۴۱	۲. سخن پیامبر صلی الله علیه و آله درباره دوازده امام علیهم السلام
۴۲	۳. کفر منکر خروج حضرت مهدی علیه السلام
۴۲	۴. عظمت یاران مهدی علیه السلام
۴۳	۵. صبر یاران مهدی علیه السلام

فصل چهارم

پیشگویی های حضرت زهرا علیها السلام درباره مهدی آخر الزمان علیه السلام / ۴۵

۴۵	مقدمه
۴۶	۱. مهدی علیه السلام فرزند فاطمه علیها السلام
۴۷	۲. مهدی علیه السلام از نسل فاطمه زهرا علیها السلام
۴۷	۳. مهدی آرام جان فاطمه علیها السلام
۴۸	۴. مهدی علیه السلام از عترت
۴۹	۵. مهدی علیه السلام از فرزندان امام حسین علیه السلام
۴۹	۶. مهدی علیه السلام در حدیث معراج
۵۰	۷. حدیث لوح فاطمه علیها السلام
۵۲	۸. بشارت به خروج مهدی علیه السلام در صحیفه فاطمه زهرا علیها السلام
۵۲	۹. بیان انتظار حضرت فاطمه علیها السلام در خطبه فدکیه
۵۲	۱۰. رجعت حضرت فاطمه علیها السلام پس از ظهور

فصل پنجم

پیشگویی امامان علیهم السلام درباره ظهور مهدی علیه السلام / ۵۷

۵۷	مقدمه
۵۸	۱. پیشگویی های امامان معصوم علیهم السلام
۵۸	۱-۱. پیشگویی های امیر مومنان علیه السلام
۵۹	۱-۲. پیشگویی امام حسن علیه السلام
۵۹	۱-۳. پیشگویی امام حسین علیه السلام
۶۰	۱-۴. پیشگویی امام علی بن الحسین علیه السلام
۶۱	۱-۵. پیشگویی امام باقر علیه السلام
۶۲	۱-۶. پیشگویی امام صادق علیه السلام
۶۳	۱-۷. پیشگویی امام موسی کاظم علیه السلام
۶۴	۱-۸. پیشگویی امام علی بن موسی الرضا علیه السلام
۶۴	الله گریه اهل آسمان و زمین

۶۴	ب. امامی همچون آب گوارا
۶۸	ج. شعر دعبل در وصف حضرت حجت علیه السلام
۷۰	د. دعا برای فرج در قنوت روز جمعه
۷۱	۱-۹. پیشگویی امام جواد علیه السلام
۷۱	۱-۱۰. پیشگویی امام هادی علیه السلام
۷۲	۱-۱۱. پیشگویی امام حسن عسکری علیه السلام
۷۳	۱-۱۲. پیشگویی امام زمان علیه السلام درباره مدعیان نیابت خاصه در غیبت کبری
۷۵	الف. مدعیان دروغین نیابت خاصه یا مدعیان مهدویت
۷۶	ب. سخن امام زمان علیه السلام درباره مدعیان دروغین
۷۷	۲. رجعت ائمه هدی علیهم السلام
۷۷	۳. کتاب‌هایی درباره پیشگویی ظهور مهدی موعود علیه السلام
۷۷	الف. قبل از غیبت صغری
۷۹	ب. در زمان غیبت صغری
۸۰	ج. پس از غیبت صغری
۸۱	د. کتاب‌هایی از معاصران
۸۱	کتاب منتخب الأثر فی الإمام الثاني عشر علیه السلام
۹۱	پیشگویی‌های موجود در کتاب معجم احادیث الإمام المهدی علیه السلام

فصل ششم

پیشگویی‌های درباره اشتیاق فرشتگان الهی به ظهور مهدی علیه السلام / ۹۳

۹۳	مقدمه
۹۴	۱. امدادهای غیبی
۹۶	۱-۱. ترس دشمنان
۹۸	۱-۲. مانع نبودن دژهای محکم از عذاب الهی
۱۰۰	۱-۳. پیشگویی درباره یاری مهدی علیه السلام به وسیله نیروی باد، آبر و غیره
۱۰۲	۱-۴. امداد غیبی الهی به مهدی علیه السلام
۱۰۳	۱-۵. امداد غیبی به وسیله فرشتگان
۱۰۵	۲. آشنایی فرشتگان با نام مبارک ائمه هدی علیهم السلام
۱۰۶	۳. اشتیاق فرشتگان برای یاری مهدی علیه السلام از زمان تولد
۱۰۶	۴. فرشتگان بدر، یاری‌کنندگان مهدی علیه السلام
۱۰۸	۵. فرشتگان حاضر در گریلا، منتظران مهدی علیه السلام
۱۰۸	۵-۱. فرشتگان حاضر در گریلا، همیشه گریان و منتظر

۱۰۹	۵-۲. فرشتگان حاضر در کربلا، یاوران مهدی علیه السلام
۱۰۹	۶. یاری رساندن جبرئیل امین، میکائیل و اسرافیل به مهدی علیه السلام
۱۰۹	۶-۱. جبرئیل، نخستین بیعت کننده با مهدی علیه السلام
۱۱۱	۶-۲. تأیید امام زمان علیه السلام از سوی روح، جبرئیل و میکائیل
۱۱۱	۶-۳. آوردن پرچم قیام مهدی موعود علیه السلام توسط جبرئیل
۱۱۱	۶-۴. جبرئیل در سمت راست و میکائیل در سمت چپ مهدی علیه السلام
۱۱۲	۷. فرشتگان یاری کننده حضرت عیسی در یاری مهدی علیه السلام
۱۱۲	۸. فرشتگان یاری کننده انبیاء، یاور مهدی علیه السلام
۱۱۲	۹. فرشتگان نشان دار، یاری کنندگان مهدی علیه السلام
۱۱۵	۱۰. فرشتگان و جنیان از یاوران مهدی علیه السلام

فصل هفتم

پیشگویی درباره یاران مهدی علیه السلام / ۱۱۹

۱۱۹	۱. تعداد یاران مهدی علیه السلام (یاران خاص الخاص)
۱۲۰	۲. یاران خاص مهدی علیه السلام
۱۲۱	۳. ویژگی های یاران مهدی علیه السلام
۱۲۱	۳-۱. بیان نام، نام پدر، لقب و نسب
۱۲۲	۳-۲. شناخته بودن نام یاران مهدی علیه السلام نزد اهل آسمان
۱۲۲	۳-۳. حضور یاران مهدی علیه السلام در مکه
۱۲۳	۳-۴. جوان و پرنشاط
۱۲۲	۳-۵. ارکان حکومت حضرت مهدی علیه السلام
۱۲۵	۳-۶. بصیرت عمیق
۱۲۶	۳-۷. خداترسی
۱۲۶	۳-۸. اطاعت محض
۱۲۷	۳-۹. جان فشانی
۱۲۸	۳-۱۰. آرزوی شهادت
۱۲۸	۳-۱۱. دل های همچون باره های آهن
۱۲۹	۳-۱۲. شعار یاران مهدی علیه السلام
۱۲۹	۳-۱۳. شجاعت یاران مهدی علیه السلام
۱۲۹	۳-۱۴. آمادگی برای رزم و جهاد
۱۳۰	۳-۱۵. توانایی و رشادت
۱۳۰	۳-۱۶. تریس و وحشت از یاران مهدی علیه السلام در دل های دشمنان

۱۳۱	۳-۱۷. عمل به تکلیف
۱۳۱	۳-۱۸. صبر و بردباری
۱۳۲	۳-۱۹. دل‌های یک‌دل و متحد
۱۳۳	۳-۲۰. اطاعت موجودات از یاران مهدی علیه السلام
۱۳۴	۳-۲۱. انجام کارهای غیرعادی
۱۳۵	۳-۲۲. عبادت خاص
۱۳۶	۴. یاران مهدی علیه السلام در قرآن

فصل هشتم

ایرانیان یاوران مهدی علیه السلام / ۱۳۹

۱۳۹	مقدمه
۱۴۳	۱. ایرانیان در قرآن
۱۴۴	الف. ایرانیان، جایگزین عرب‌ها
۱۴۷	ب. ایرانیان جایگزین مسلمانان صدر اسلام
۱۴۸	ج. قوم سلمان، یاران مهدی علیه السلام
۱۵۳	د. ایرانیان محافظ اسلام
۱۵۸	ه. ایرانیان، مجاهدان در راه خدا
۱۶۰	و. ایرانیان، یارانی غنوه و شاخص
۱۶۱	ز. اسامی ایرانیان یاور مهدی علیه السلام
۱۶۲	۲. شهرهای شاخص ایران در یاری مهدی علیه السلام
۱۶۲	۲-۱. مردم قم از یاران مهدی علیه السلام
۱۶۳	۲-۱-۱. دری از بهشت در شهر قم
۱۶۴	۲-۱-۲. علت نام‌گذاری شهر قم
۱۶۴	۲-۱-۳. مقدس بودن خاک قم و اهل قم
۱۶۵	۲-۱-۴. تیاهی دین در نبود قمی‌ها
۱۶۵	۲-۱-۵. عدم توانایی دشمنان در ضربه به قم و مردم آن
۱۶۶	۲-۱-۶. دفع بلایا از قم
۱۶۷	۲-۱-۷. قم، مرکز معارف اسلامی در آخر الزمان
۱۷۰	۲-۱-۸. رضایت خداوند از مردم قم
۱۷۰	۲-۱-۹. قم، پناهگاه شیعیان و فاطمیون
۱۷۰	الف. قم، حرم اهل بیت علیهم السلام
۱۷۱	ب. قم، پناهگاه فاطمیون

۱۷۱	ج. قم، پناهگاه شیعیان اهل بیت علیهم السلام
۱۷۱	۲-۱-۱۰. پیشگویی وجود شریف کریمه اهل بیت علیهم السلام در قم
۱۷۴	۲-۱-۱۱. ماجرای تشریف فرمایی حضرت معصومه علیها السلام به قم
۱۷۵	۲-۱-۱۲. مردم قم از یاران مهدی علیهم السلام
۱۷۶	۲-۱-۱۳. مردم قم، قائم مقام حجت بن الحسن العسكري علیهم السلام
۱۷۷	۲-۱-۱۴. مسجد مقدس جمکران در قم
۱۷۹	۲-۲. اهالی طالقان یاوران مهدی علیهم السلام
۱۷۹	گنج‌هایی در طالقان
۱۸۲	۲-۳. اهالی خراسان یاوران مهدی علیهم السلام
۱۸۳	۲-۳-۱. گنج‌های دوست‌داشتنی در خراسان
۱۸۳	۲-۳-۲. پیشگویی درباره خراسان
۱۸۳	۲-۳-۳. خراسانی و بیعت با مهدی علیهم السلام
۱۸۶	۲-۳-۴. سید هاشمی خراسانی
۱۸۸	۲-۳-۵. پرچم‌های سیاه خراسان در احادیث اهل سنت
۱۸۹	۲-۳-۶. راه رفتن روی برف تا رسیدن به امام زمان علیهم السلام
۱۸۹	۲-۳-۷. ظهور و پرچم‌های سیاه
۱۹۰	۲-۳-۸. اهل خراسان از بزرگان
۱۹۰	۲-۳-۹. نظر علما درباره پیشگویی پرچم‌های سیاه
۱۹۱	۲-۳-۱۰. علامت‌های حتمی ظهور
۱۹۹	۲-۳-۱۱. نتیجه‌گیری

فصل نهم

عرب‌ها مشتاق ظهور مهدی علیهم السلام / ۲۰۱

۲۰۱	مقدمه
۲۰۶	۱. پیشگویی درباره رفقا، ابدال (اوتاد)، نجبا و اخیار (عصایب)
۲۰۶	۱-۱. رفقا
۲۰۷	۱-۲. ابدال (اوتاد)
۲۰۸	۱-۳. نجبا
۲۰۹	۱-۴. اخیار (عصایب)
۲۱۰	۲. موقعیت خاص عراق و کوفه
۲۱۱	۳. عظمت شهر کوفه در روایات
۲۱۲	۳-۱. کوفه، باغی از باغ‌های بهشت

۲۱۲	۳-۲. کوفه، «طور سینه»
۲۱۲	۳-۳. حشر هفتاد هزار نفر در روز قیامت از مسجد کوفه بدون حسابرسی
۲۱۳	۳-۴. کوفه، خانه، عبادتگاه و قبر پیامبران الهی و مصلاهی مهدی (عج)
۲۱۴	۳-۵. کوفه (نجف) حرم ابریمومنان (ع)
۲۱۴	۳-۶. مسجد کوفه، محل استجابت دعا و رفع حوائج
۲۱۴	۳-۷. مسجد کوفه برتر از مسجد اقصی
۲۱۵	۳-۸. فضیلت مسجد کوفه
۲۱۵	۳-۹. یاداش صدرابری صدقه و نماز در کوفه
۲۱۵	۳-۱۰. ولایت‌پذیری کوفیان
۲۱۶	۳-۱۱. مسجد کوفه مقر حکومت و قضاوت مهدی (عج)
۲۱۶	۳-۱۲. کوفه منزل و محل سکونت مهدی (عج)
۲۱۶	۳-۱۳. مسجدی با هزار در از کوفه تا کربلا
۲۱۶	۳-۱۴. کشته شدن ابلیس در مسجد کوفه
۲۱۷	۳-۱۵. مسجد کوفه محل ساختن کشتی نوح و قوران آب

فصل دهم

ظهور مهدی (عج) در منابع اهل سنت/ ۲۱۹

۲۱۹	مقدمه
۲۲۰	مختومیت بیان حدیث در میان اهل سنت
۲۲۲	۱. مهدی موعود (عج) در کتاب‌های اهل سنت
۲۲۳	۱-۱. پیش از ولادت
۲۲۴	۱-۲. در دوران غیبت صغری
۲۲۷	۱-۳. در دوران غیبت کبری
۲۳۶	۱-۴. ظهور در کتاب‌های عالمان معاصر اهل سنت
۲۳۹	۲. روایان پیشگویی احادیث مهدویت
۲۴۰	۳. تواتر احادیث مهدویت در منابع اهل سنت
۲۴۱	۱. ابن قیّم جوزیه
۲۴۱	۲. جلال‌الدین سیوطی
۲۴۲	۳. علامه مناری
۲۴۲	۴. حافظ بن حجر عسقلانی
۲۴۲	۵. قاضی شوکانی
۲۴۲	۶. ابن حجر هیثمی

۲۴۲	۷. تفتازانی
۲۴۳	۸. قرمائی دمشقی
۲۴۳	۹. مبارکفوری
۲۴۳	۱۰. احمد بن محمد بن صدیق
۲۴۳	۱۱. سفارینی حنبلی
۲۴۴	۱۲. سید محمد صدیق حسن
۲۴۴	۱۳. ابوالخطیب محمد شمس الحق عظیم آبادی
۲۴۴	۱۴. شیخ ابوالحسن آبری
۲۴۴	۱۵. برزنجی
۲۴۵	۱۶. احمد بن محمد بن صدیق
۲۴۵	۱۷. شیخ محمد خضر حسین
۲۴۵	۱۸. ابوالاعلی مودودی
۲۴۵	۱۹. احمد زینی دحلان
۲۴۶	۲۰. شیخ منصور علی ناصف
۲۴۶	۲۱. شیخ ناصرالدین البانی
۲۴۸	۴. آخر الزمان در منابع اهل سنت
۲۴۸	۴-۱. مهدی علیه السلام در آخر الزمان
۲۴۹	۴-۲. قطعی بودن ظهور مهدی علیه السلام
۲۴۹	۴-۳. اصلاح کار قیام مهدی علیه السلام در یک شب
۲۴۹	۴-۴. ظهور مهدی علیه السلام هم زمان با قسط و عدل جهانی
۲۵۰	۴-۵. مهدی علیه السلام از خاندان پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله
۲۵۰	۴-۶. مهدی علیه السلام هم نام پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله
۲۵۱	۴-۷. شهادت اخلاقی مهدی علیه السلام به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله
۲۵۱	۴-۸. مهدی علیه السلام احیاگر سنت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله
۲۵۲	۴-۹. مهدی علیه السلام از قریش
۲۵۲	۴-۱۰. مهدی علیه السلام از فرزندان عبدالطلب
۲۵۲	۴-۱۱. مهدی علیه السلام از فرزندان ابوطالب
۲۵۲	۴-۱۲. مهدی علیه السلام از فرزندان امیرمؤمنان علی علیه السلام
۲۵۲	۴-۱۳. مهدی علیه السلام از فرزندان فاطمه زهرا علیها السلام
۲۵۴	۴-۱۴. مهدی علیه السلام از فرزندان حسین بن علی علیه السلام
۲۵۵	۴-۱۵. اسامی ائمه هدی علیهم السلام ، پس از امام حسین علیه السلام
۲۵۶	۴-۱۶. مهدی علیه السلام یکی از دوازده خلیفه و از خاندان پیامبر

۲۵۷	۴-۱۷. لزوم بیعت و پیروی از مهدی موعود خلیفه خدا ﷺ
۲۵۸	۴-۱۸. فراوانی نعمت در زمان مهدی ﷺ
۲۵۹	۴-۱۹. بخشش بدون شمارش در روزگار مهدی ﷺ
۲۶۱	۴-۲۰. رضایت اهل زمین و آسمان از حکومت و عدالت مهدی ﷺ
۲۶۲	۴-۲۱. کفر منکر مهدی ﷺ
۲۶۲	۴-۲۲. فرود عیسی علیه السلام و نماز جماعت به امامت مهدی ﷺ
۲۶۳	۴-۲۳. نشانه‌های ظهور در کتاب‌های اهل سنت
۲۶۴	الف. خروج سفیانی
۲۶۴	ب. خسف یداء
۲۶۴	ج. خروج دجال
۲۶۵	د. ندای آسمانی
۲۶۵	۴-۲۴. پرچم‌های سیاه از خراسان
۲۶۶	۴-۲۵. مکه محل بیعت مردم با مهدی ﷺ
۲۶۶	۴-۲۶. سایه ابر بر سر مهدی ﷺ
۲۶۶	۴-۲۷. سیمای مهدی ﷺ
۲۶۶	۴-۲۸. ریخته نشدن خون در حکومت مهدی ﷺ
۲۶۷	۴-۲۹. از بین رفتن شرک در حکومت مهدی ﷺ

فصل یازدهم

زنان یاوران مهدی ﷺ / ۲۶۹

۲۶۹	مقدمه
۲۷۳	۱. نقشی زنان در آخرالزمان
۲۷۳	۲. پیشگویی امام هادی علیه السلام درباره نرجس خاتون (ملیکه) علیه السلام
۲۸۰	۳. همراهی زنان هنگام ظهور

فصل دوازدهم

رجعت کنندگان در آخرالزمان / ۲۸۳

۲۸۳	مقدمه
۲۸۴	۱. رجعت کنندگان چه کسانی هستند
۲۸۴	۱-۱. رجعت همه پیامبران از آدم تا خاتم ﷺ
۲۸۵	۱-۲. رجعت پیامبر اسلام ﷺ
۲۸۵	۱-۳. رجعت ائمه هدی علیه السلام و جانشینان پیامبران
۲۸۵	۱-۴. رجعت دوباره امام علی بن ابی طالب علیه السلام

۲۸۶	۵-۱. نخستین رجعت‌کنندگان در آخرالزمان
۲۸۶	۶-۱. رجعت‌کنندگان خاص در آخرالزمان
۲۸۹	۷-۱. رجعت و اهداف فیلم‌های آخرالزمانی مانند «World War Z»

فصل سیزدهم

اشتیاق پیامبران به ظهور / ۲۹۳

۲۹۳	مقدمه
۲۹۴	۱. گرفتن پیمان از انبیا در روز الست
۲۹۵	۲. پیمان گرفتن خداوند از آدم علیه السلام در روز اول خلقت
۲۹۵	۳. توجده آدم علیه السلام به پنج تن و قبول توبه او
۲۹۷	۴. حضرت نوح علیه السلام و اشتیاق در یاری مهدی علیه السلام
۲۹۸	۵. امتحان ابراهیم علیه السلام به قائم آل محمد علیه السلام
۲۹۹	۶. ادامه امامت تا روز قیامت
۲۹۹	۷. لوط پیامبر علیه السلام مشتاق مهدی علیه السلام
۳۰۰	۸. اشتیاق داوود پیامبر علیه السلام به ظهور مهدی علیه السلام

فصل چهاردهم

واقعه آرماگدون در آخرالزمان / ۳۰۳

۳۰۴	۱. آرماگدون در عهد عتیق و عهد جدید
۳۰۷	۲. آرماگدون در کلام معصومان علیهم السلام
۳۰۷	۱-۲. خروج سفیانی از شام
۳۰۸	۲-۲. جنگ قدرت در شام
۳۰۹	۳-۲. روایات قرقسیا (آرماگدون)
۳۱۲	۴-۲. آرماگدون، جنگ داخلی میان یاران سفیانی
۳۱۳	۵-۲. جمع‌بندی
۳۱۴	۳. ادامه حرکت سفیانی تا بازگشت مسیح علیه السلام
۳۱۵	۱-۳. حرکت سفیانی به عراق پس از آرماگدون
۳۱۵	۲-۳. لشکر ایرانیان (سید خراسانی) و جهاد یا سفیانی
۳۱۷	۳-۳. لشکر سفیانی و خسف بیداء
۳۲۰	۴-۳. نخستین سفرهای مهدی علیه السلام پس از ظهور
۳۲۰	۵-۳. پیشگویی ندای آسمانی
۳۲۱	۶-۳. بیعت با امام زمان علیه السلام
۳۲۱	الف. بیعت جبرئیل

۳۲۱	ب. بیعت ۳۱۳ نفر از یاران و بروز حضرت مهدی علیه السلام
۳۲۲	ج. بیعت ده هزار نفر از یاران خاص
۳۲۳	د. مکان بیعت
۳۲۴	۳-۷. حرکت مهدی علیه السلام از مکه به مدینه
۳۲۵	۳-۸. حرکت امام زمان علیه السلام به سوی کوفه
۳۲۶	۳-۹. حرکت امام زمان علیه السلام به شام و فلسطین (قدس)
۳۲۷	۳-۱۰. هم زمانی بازگشت مسیح علیه السلام با ظهور مهدی علیه السلام
۳۳۱	۳-۱۱. مهدی علیه السلام وارث معجزات پیامبران
۳۳۲	الف. ابری بالای سر حضرت
۳۳۲	ب. حمل پرچم رسول خدا صلی الله علیه و آله ، انگشتر سلیمان علیه السلام ، سنگ و عصای موسی علیه السلام
۳۳۲	ج. قدرت جوانی حضرت مهدی علیه السلام در کهن سالی
۳۳۳	د. تخت سلیمان علیه السلام
۳۳۴	ه. آوردن تورات
۳۳۴	و. آوردن تابوت آدم علیه السلام (تابوت سگینه)
۳۳۶	۳-۱۲. نابودی سفیانی و صودیان

فصل یازدهم

پیشگویی قرآن کریم درباره آخرالزمان ۳۲۹

۳۴۱	۱. پنج آیه در پیشگویی آخرالزمان
۳۴۱	۱-۱. منجی آخرالزمان، برقرارکننده حکومت عدل جهانی
۳۴۲	۱-۱-۱. تفسیر آیه
۳۴۲	الف. حکومت روی زمین
۳۴۴	ب. تمکین جهان به دین اسلام
۳۴۵	ج. امنیت
۳۴۶	د. عبادت خدا
۳۴۶	ه. منکران فاسق
۳۴۷	۱-۲. تأویل آیه
۳۴۷	الف. پیشگویی درباره مهدی موعود علیه السلام
۳۴۸	ب. تأویل وجود مهدی موعود علیه السلام به ایمان به غیب
۳۴۹	ج. نبودن مشرکان در حکومت مهدی علیه السلام
۳۴۹	د. مهدی علیه السلام و یاران او
۳۵۰	ه. امنیت در زمان ظهور مهدی علیه السلام

۳۵۰	و. آیه مبارک درباره انچه هدی ﷺ
۳۵۰	۱-۲. امام و یارانش، وارثان زمین
۳۵۱	۱-۲-۱. تفسیر آیه
۳۵۲	۱-۲-۲. تأویل آیه
۳۵۷	۱-۳. منجی آخرالزمان ﷺ، پیشوای جهانی مستضعفان
۳۵۷	۱-۳-۱. تفسیر آیه
۳۶۰	۱-۳-۲. تأویل آیه
۳۶۰	الف. یوسف و فرزندان او
۳۶۰	ب. پیشگویی آیه درباره امامان معصوم ﷺ تا روز قیامت
۳۶۳	۱-۴. امام جلوه حق و نابودکننده باطل
۳۶۴	۱-۴-۱. تفسیر آیه
۳۶۵	۱-۴-۲. تأویل آیه
۳۶۶	۱-۵. نور امام زمان ﷺ در آخرالزمان
۳۶۶	۱-۵-۱. تفسیر آیه
۳۶۸	۱-۵-۲. تأویل آیه
۳۶۸	الف. در آخرالزمان، با نور امام زمان ﷺ بی نیاز از خورشید
۳۶۹	ب. امام زمان ﷺ و روشنی زمین
۳۶۹	ج. امام زمان ﷺ و روشنی زمین به نور عدالت

پایان/ ۳۷۷

کتابنامه/ ۳۷۷

پیشگفتار

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ بَيْتِ الرَّحْمَةِ وَالتَّوْبَةِ وَمَعْدِنِ الْعِلْمِ وَمَوْضِعِ الرِّسَالَةِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَقِيَّةَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ؛ درود بر شما ای اهل بیت رحمت و نبوت و معدن علم و جایگاه رسالت! درود بر تو ای بقیه الله در زمین!

یکی از واقعیت‌های کتمان‌ناپذیر، پیشگویی امامان معصوم علیهم‌السلام درباره سرنوشت بشر در آخرالزمان و حوادث قبل و بعد از ظهور منجی است. کتاب حاضر به دنبال آن است تا با سبکی نو و از زاویه‌ای جدید و نیز با استناد به منابع موثق فریقین (شیعه و سنی)، به پیشگویی‌های امامان معصوم علیهم‌السلام درباره ظهور مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف، وقایع این زمان و یاران آخرالزمانی ایشان بپردازد.

پس بشارت باد بر شما! که امامان معصوم علیهم‌السلام، آخرالزمان را مانند روزی روشن ترسیم و پیشگویی کرده‌اند. خداوند خلقت جهان را با مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف آغاز کرد و ابتدای هستی تا پایان تاریخ بشر و آینده جهان را با نام مهدی و بقیه الله عجل الله تعالی فرجه الشریف به تصویر کشید. اگر از دنیا یک روز هم باقی بماند، مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف خواهد آمد و جهان سراسر ستم را

۱. محمدباقر، مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۱۸، ح ۱۶.

۲. نام این کتاب با عنوان پیشگویی‌های امامان معصوم علیهم‌السلام از آخرالزمان با الهام از کتاب‌های تفسیری مفسران بزرگ، به ویژه المیزان علامه طباطبائی و تفسیر نمونه آیت الله مکارم شیرازی درباره پیشگویی‌های امامان معصوم علیهم‌السلام از آخرالزمان انتخاب شده است.

از عدل و داد پر خواهد کرد. این کلام، همان حدیث و پیشگویی معروف است که در سنن ابی‌داود (از کتاب‌های شش‌گانه صحیح اهل سنت) و در مسند احمد بن حنبل (پیشوای حنبلی‌های اهل سنت) و کتاب‌های حدیثی دیگر، با چهار طریق از ابوسعید خدری از رسول اکرم ﷺ آمده است. همچنین در منابع موثق شیعه نقل شده است:

قال رسول الله ﷺ: لا تقوم الساعة حتى تملأ الأرض ظلماً وجوراً وعدواناً، ثم يخرج من أهل بيتي من يملأها قسطاً وعدلاً كما ملئت ظلماً وعدواناً؛ پیامبر خاتم ﷺ فرمود: قیامت کبری برپا نمی‌شود تا اینکه زمین از ستم، جور و دشمنی پر شود. سپس مردی از اهل بیت من خارج می‌شود و ظهور می‌کند؛ کسی که زمین را از عدل و داد پر می‌کند، در هنگامی که از ستم و دشمنی پر شده است.

یکی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین مسائل مطرح در جامعه شیعی و جامعه جهانی در آخرالزمان، مسئله منجی است. امروزه جهانیان در اشتیاق زیارت جمال آبا صالح المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و در انتظار آن روز موعود لحظه‌شماری می‌کنند و هرکس با هر زبانی او را می‌خواند و از او یاری می‌طلبد:

دلم هر لحظه می‌گویم تو را من چشم در راهم

بدون شک این موضوع به جامعه شیعیان و حتی مسلمانان اختصاص ندارد، بلکه اشتیاق وصف‌ناپذیر بشر به ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف به خوبی روشن است؛ به طوری که قلم را یارای بیان این همه شوق و اشتیاق نیست و قطعاً این همه شوق و اشتیاق وصف‌ناشدنی، بشارت و مژده وصال و ظهور را می‌دهد. به هر حال، امروز با وجود همه کارشکنی‌ها، جهانیان در انتظار منجی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف به سر می‌برند و این انتظار، عامل پویایی و سبب عدم ناامیدی رهروان آن حضرت است.

۱. سلیمان بن اشعث، سجستانی، سنن ابی‌داود، ج ۲، ص ۴۲۲؛ احمد بن حنبل، مسند، ج ۳، ص ۲۸، ۳۶ و ۷۰؛ محمد بن عبد الله، حاکم نیشابوری، المستدرک علی الصحیحین فی الحدیث، ج ۴، ص ۵۵۷.

آب زنید راه را هین که نگار می‌رسد مژده دهید یار را بوی بهار می‌رسد

السَّلَامُ عَلَى الْقَائِمِ الْمُنْتَظَرِ وَالْعَدْلِ الْمُشْتَهَرِ، السَّلَامُ عَلَى السَّيْفِ الشَّاهِرِ وَالْقَمَرِ الزَّاهِرِ وَالنُّورِ الْبَاهِرِ، السَّلَامُ عَلَى رَبِيعِ الْأَنْامِ وَنَضْرَةِ الْأَيَّامِ؛ سلام بر قائم منتظر^{عجل الله تعالی فرجه الشریف} و عدل پرآوازه، سلام بر شمشیر از نیام برآمده و ماه تابان نور درخشان، سلام بر خورشید تاریکی و ماه تمام، سلام بر بهار مردمان و خرمی زمان.

آخر رمضان (اول عید سعید فطر) ۱۴۳۷.

برابر با ۱۶ تیر ۱۳۹۵ قم المقدسه

علی رضایی

مقدمه

یکی از عوامل مهم در اشتیاق مردم جهان به حوادث آخرالزمان و مهدی موعود علیه السلام - با در نظر نگرفتن جنبه‌های فطری اشتیاق ملت‌های مستضعف و مردم گوناگون جهان به موعود- ظلم و ستم حکومت‌های مستکبر جهانی است که با وجود ادعای دموکراسی و آزادی، جهان را همانند جنگلی وحشی فرض کرده‌اند؛ به گونه‌ای که هرکس قوی‌تر باشد، می‌تواند حق ضعیفان را پایمال کند. بنابراین، با بهانه‌های واهی به کشورهای ضعیف حمله می‌کنند، از حکومت‌های متجاوز و کودک‌کش و جنایتکاران، مانند رژیم غاصب صهیونیستی و آل سعود حمایت و در مقابل، با مردم مظلوم و ستمدیده فلسطین، لبنان، سوریه، یمن و ایران دشمنی می‌کنند.

اکنون که عصر جهانی شدن اطلاعات و فناوری است، مردم جهان به این امر آگاه شده‌اند که سردمداران فریبکار و حيله‌گر جهانی، چه جنایت‌هایی بر سر مردم دنیا، به ویژه قشر مستضعف و دردمند فرومی‌آورند. همه برنامه‌ها و نظریه‌های اندیشمندان غربی و شرقی، سرابی گمراه‌کننده است که با ایده‌های دروغین دموکراسی، جهانی‌سازی و دهکده جهانی، به راحتی جهان را به دهکده‌ای برای ظلم و ستم خود تبدیل کرده‌اند. همچنین کشورهای مستکبر، مانند آمریکا و اسرائیل، همه جهان را ملک شخصی خود می‌دانند و برای رسیدن به امیال دروغین و فریبکارانه خود، از هر وسیله‌ای بهره می‌برند و بدون هیچ پروایی برای مقاصد شوم سیاسی و اقتصادی خود به تجارت‌های

شیطانی دست می‌زنند؛ تجارت‌هایی که با حربه دفاع از حقوق بشر و با عربده‌های دموکراسی همراه است؛ مانند تجارت اسلحه، مواد مخدر، زنان و کودکان، اعضای بدن و تجارت‌های خطرناک و شیطانی گوناگون دیگر که حتی فکر آن در ذهن آدمی نمی‌گنجد و یاد آن، خاطر را پریشان و به درد و رنج آغشته می‌کند.

شرق و غرب با شعارهای تو خالی و دروغین دموکراسی، عدالت محوری، رفاه جهانی، آسایش و ثروتمند شدن فقرای جهان - که البته با رشد آگاهی و آمادگی جهانیان ناکارآمد شده - درواقع به دنبال فریب کاری و تسلط بیشتر بر جهانیان هستند. همچنین با طرح‌های جهانی سازی و دهکده جهانی، چالش‌هایی را در جهان پدید آورده‌اند که بشر را به بحرانی بدتر از گذشته کشانده و این همه، ناشی از نظریه‌های نادرست و ضعف‌های ساختاری نظریه پردازان غربی و صهیونیستی است؛ زیرا از یک سو، با نظریه جهانی سازی شعار دموکراسی سر داده و از سویی دیگر، ستمگری و تجاوز به کشورهای دیگر جهان را سرلوحه کارهای خود قرار داده‌اند. خود را به دروغ مدافع حقوق بشر معرفی می‌کنند و با طرح دموکراسی غربی، آرمان‌های سراب‌گونه و دروغین را به جهانیان ارائه می‌کنند. به دلیل چنین رفتار دوگانه‌ای است که مردم جهان دچار حیرت شده‌اند و نمی‌دانند نظریه‌های متمدنانه آنان را باور کنند یا اعمال وحشیانه‌شان را.

متأسفانه در برابر این همه بی‌عدالتی، فساد و نابودی ارزش‌های انسانی و اسلامی، شاهد سکوت سردمداران مزدور کشورهای اسلامی هستیم. آنان نه فقط سخنی در مخالفت با غرب نمی‌گویند، بلکه تا جایی که بتوانند برای حمایت از غرب در برابر مردم مسلمان و مستضعف کشور خود می‌ایستند. در این میان، علما و روشنفکران سرزمین ما هم، یا با آنان هم صدا می‌شوند یا ترجیح می‌دهند سکوت کنند؛ گویا هیچ‌گاه این سخن پروردگار را نشنیده‌اند که در قرآن کریم می‌فرماید:

وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا؛ در راه خدا و در راه مردان و زنان و کودکانی پیکار

نمی‌کنید که (به دست ستمگران) تضعیف شده‌اند؛ همان افراد (ستم‌دیده‌ای) که می‌گویند: خدایا، ما را از این شهر (مکه) بیرون ببر که اهلش ستمگرند. برای ما از سوی خود، ولی‌ای قرار ده. برای ما از سوی خود، یار و یآوری معین فرما. دنیای ناآرام امروز، دنیای سرگردانی، پریشانی، گرفتاری و ناامیدی‌هاست. با این حجم گسترده از مشکلات مادی و معنوی و با وجود توسعه و پیشرفت‌های فناوری، مردم حیران‌تر از گذشته، خسته و ناامید از ادعاهای دروغ مدعیان حقوق بشر جهانی، روزی هزار بار ظهور مصلح جهانی، موعود بشر و مهدی آخرالزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را آرزو می‌کنند؛ آنچنان که شاید هیچ دورانی از تاریخ بشر، مردم جهان تا این اندازه امیدوارانه منتظر منجی آخرالزمان، مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف نبوده‌اند.

هرچند این حجم از مشکلات، سرگردانی و ناامیدی سبب تأسف و تأثر می‌شود، پیشگویی‌های انسان‌های کاملی چون امامان معصوم علیهم‌السلام نویددهنده دنیایی سرشار از امنیت است. مژده و بشارت جهانی برای این باور که او خواهد آمد و جهان را با قدم پرمهر خود از امید، آسایش و عدالت همراه با معنویت لبریز خواهد کرد.

درحقیقت، دوران سخت و طاقت‌فرسایی که در آن سردمداران ظلم و جور از هیچ جنایتی دریغ نمی‌ورزند، روزگاری پرامید را نوید می‌دهد؛ به‌گونه‌ای که بزرگان و روشنفکران جهان نیز ناامیدانه به این واقعیت اذعان می‌کنند.

شهید مطهری درباره دانشمندانی چون راسل و آلبرت اینشتین که با وجود پیشرفت فناوری، بر این باور بودند که دیگر امید از میان بشر رخت بر بسته است، چنین می‌نویسد: راسل در کتاب/میدهای نومی گوید: امروز دیگر غالب دانشمندان امیدشان را از بشریت قطع کرده و معتقد هستند که علم به جایی رسیده است که به زودی بشر به دست علم نابود خواهد شد. او می‌گوید: یکی از این افراد اینشتین است. این دانشمند معتقد است بشر با گوری که به دست خودش کنده است، یک گام بیشتر فاصله ندارد. بشر به مرحله‌ای رسیده است که فشار دادن چند دکمه همان و کُش فیکون شدن همان، و واقعاً هم اگر ما به خدا و دست غیبی معتقد نباشیم، اگر آن اطمینانی که قرآن به آینده بشریت می‌دهد، ما را مطمئن نکرده باشد، یعنی اگر

ما همین ظواهر دنیای امروز را ببینیم، حق با این‌هاست. روزی نیست که وسایل مخرب به صورت نیرومندتر، مهیب‌تر و وحشتناک‌تر پیدا نشود. از حدود بیست سال پیش، از وقتی بمب اتمی در هیروشیما افتاد تا امروز را نگاه کنید و ببینید قدرت تخریبی صنعتی بشر چند برابر شده است؟ اکنون کار به جایی رسیده که می‌گویند دنیای امروز دیگر غالب و مغلوب ندارد. اگر جنگ سوم جهانی درگیرد، دیگر صحبت این نیست که آیا آمریکا غالب خواهد شد یا شوروی یا چین. اگر جنگ سومی پیش بیاید، آن کسی که مغلوب است، زمین و بشریت است.^۱

بعضی از افراد با مشاهده وضعیت آشفته و اتفاقات ناگوار جهان، از اصلاح امور ناامید و معتقد شده‌اند که این پایان تلخ، فرجام بشر و جهان است؛ درحالی که ما برخلاف این افراد و نظریه ناامیدکننده آن‌ها، به روزهای خوش ظهور و پایان خوب برای جهان معتقد و امیدوار هستیم و اطمینان داریم روزهای روشن به زودی خواهد آمد؛ زیرا خداوند در قرآن کریم به مؤمنان بشارت داده است: «فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا * إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا»^۲ به یقین با سختی آسانی است؛ (آری) با سختی آسانی است».

چنین بشارتی انسان را امیدوار می‌کند؛ زیرا می‌فرماید با هر مشکلی، آسانی و با هر سختی، سهولت همراه است و این دو همواره با هم بوده و خواهند بود. به همین دلیل، خداوند در این آیه تعبیر به «بعد» نمی‌کند، بلکه از واژه «مع» استفاده می‌کند که نشانه همراهی است. همچنین در حدیثی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز آمده است که فرمود: «وَأَعْلَمُ أَنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا. وَأَنَّ مَعَ الصَّبْرِ النَّصْرَ. وَأَنَّ الْفَرْجَ مَعَ الْكُرْبِ»^۳ بدان با سختی‌ها آسانی، با صبر پیروزی، و با غم و اندوه، خوشحالی و گشایش است».

براساس این بشارت، به یقین معتقدیم که پایان ستمکاری‌ها و سختی‌ها فرارسیده، شب سیاه ظلم و ستم بر بشر رو به پایان است و فجر و سپیده فرج حجت خدا، مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف نزدیک است.

۱. مرتضی، مطهری، مجموعه آثار، ج ۱۸، ص ۱۶۵.

۲. إنشراح: ۵-۶.

۳. ناصر، مکارم شیرازی و همکاران، تفسیر نمونه، ج ۲۷، ص ۱۴۸.

فصل اول: کلیات

۱. پیشگویی‌ها

منظور از پیشگویی در این بخش، بیان چگونگی آینده، زندگی و سرانجام بشر در آخرالزمان است. به بیان دیگر، می‌خواهیم آخرالزمان را در بیان راست‌گوترین دانشمندان عالم هستی ترسیم کرده، به تناسب مطلب، پیشگویی‌های دروغین را با سخنان حقیقی مقایسه و تبیین کنیم و آن‌ها را به چالش بکشیم.

این واقعیت که امامان معصوم علیهم‌السلام، همه جهان را -از آغاز تا پایان خلقت- مانند آینه‌ای روشن می‌بینند، در فرمایش امیرمؤمنان، علی علیه‌السلام به أَصْبَغِ بْنِ نُبَاتَه چنین آمده است:

قَالَ يَا مَعْاشِرَ النَّاسِ سَلُونِي قَبْلَ أَنْ تَفْقِدُونِي؛ ای مردم، از من بپرسید، پیش از آنکه (از دست شما بروم و) من را نیابید. از من بپرسید؛ زیرا دانش اولین و آخرین نزد من است. آگاه باشید، به خدا سوگند! اگر بر خلافت بودم، میان اهل تورات (یهودیان) به توراتشان، میان اهل انجیل (مسیحیان) با انجیلشان، میان اهل زبور به زبورشان و میان اهل قرآن به قرآن دآوری می‌کردم؛ به‌گونه‌ای که هر کتابی از این کتاب‌ها به سخن بیاید و بگوید: بار پروردگارا، همانا علی به دآوری تو دآوری کرد. به خدا سوگند! من به قرآن، شرح و تفسیر آن داناترین هستم از هرکسی که ادعای دانستن آن را می‌کند و اگر یک آیه در قرآن نبود، به‌راستی شما را به آنچه تا روز قیامت اتفاق می‌افتاد،

آگاه می‌کردم. سپس فرمود: از من بپرسید، پیش از آنکه من را نیابید. سوگند به آن که دانه را می‌شکافت و انسان را آفرید! اگر درباره هر یک از آیه‌های قرآن از من بپرسید، شما را از هنگام نزول، علت نزول، ناسخ و منسوخ، خاص و عام، محکم و متشابهات، تأویل و تنزیل آیات و اینکه در مکه نازل شده یا در مدینه، آگاه می‌کنم. به خدا! هیچ گروهی تا روز قیامت نیست که گمراه شده یا رستگار می‌شود، جز اینکه شما را از آوازدهنده و خواننده به آن گروه، رهبر و سردار آنان تا روز قیامت آگاه کنم.^۱

همچنین در قسمت دیگری از این خطبه آمده است: «سَلُونِي أُخْبِرْكُمْ بِمَا كَانَ وَمَا يَكُونُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ»^۲ از من بپرسید، از آنچه بود و آنچه تا قیامت پیش می‌آید.

جز معصومان علیهم‌السلام که به دریای بیکران علم الهی متصل هستند و علم خود را از خداوند متعال گرفته‌اند، چه کسی می‌تواند چنین ادعای قطعی و یقینی را مطرح کند؟ پیشگویی‌های امامان معصوم علیهم‌السلام درباره حوادث پیش و پس از ظهور حجت خدا، بیانگر معصومیت و علم الهی آنان است و بدون شک از معجزات آن بزرگواران عالم هستی است.

این امر که امامان معصوم علیهم‌السلام همه اتفاقات، از آغاز خلقت تا پایان ظهور حجت خدا را دیده و پیشگویی کرده‌اند، واقعیتی است که حتی دشمنان از آن آگاه شده‌اند و به خیال واهی خود می‌خواهند تا در راه ظهور منجی آخرالزمان خللی ایجاد کنند؛ به این صورت که این حقیقت بزرگ را کتمان کنند، ولی خداوند آشکارا در قرآن کریم می‌فرماید:

۱. احمد بن علی، طبرسی، الإحتجاج علی أهل اللجاج، ج ۱، ص ۲۵۸؛ محمد بن محمد، شیخ مفید، الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، ج ۱، ص ۳۳۰؛ فضل بن حسن، شیخ طبرسی، إعلام الوری بأعلام الهدی، ص ۱۷۴؛ محمد بن علی، ابن بابویه (شیخ صدوق)، أمالی، ص ۱۳۳، المجلس السابع والعشرون؛ بحار الأنوار، ج ۱۰، ص ۱۱۷-۱۱۸؛ محمد بن علی، ابن بابویه (شیخ صدوق)، التوحید، ص ۳۰۵، ح ۴۳؛ سعید بن هبة الله، قطب راوندی، الخرائج و الجرائح، ج ۲، ص ۹۵۱؛ محمد بن احمد، فتال نیشابوری، روضة الواعظین و بصيرة المتعظین، ج ۱، ص ۳۲؛ عبید الله بن عبد الله، حاکم حسکانی، شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، ج ۱، ص ۴۰ و ۴۲؛ محمد بن علی، ابن بابویه شیخ صدوق، عیون اخبار الرضا علیه‌السلام، ج ۲، ص ۶۷؛ «وَرَوَى مُسْلِمٌ فِي صَحِيحِهِ فِي الْجُزْءِ الْخَامِسِ مِنْهُ» (علی بن موسی، ابن طاووس، الطرائف فی معرفة مذاهب الطوائف، ج ۱، ص ۷۳-۷۴).

۲. همان.

«دشمنان هرگز نمی‌توانند نور خدا را خاموش کنند»^۱.

۲. پیشگویی و ناتوانی انسان عادی

بشر عادی با همه ابزارهای مدرن خود، از پیشگویی آخرالزمان ناتوان است؛ زیرا همه این ابزارها به واسطه عقل، تجربه یا کشف و شهود به وجود آمده است و چنین ابزارهایی توانایی پیمایش همه قرن‌ها و دوران‌ها را ندارد و نمی‌تواند پیشگویی درستی از آخرالزمان به ما ارائه دهد.

۳. پیشگویی‌های دروغین

به دلیل فراوانی پیشگویی‌ها، بیان همه آن‌ها از ظرفیت این کتاب خارج است. بنابراین، تنها به چند مورد اشاره می‌کنیم تا بتوان آن‌ها را با پیشگویی رم‌آلود افرادی، مانند میشل نوستراداموس (ستاره‌شناس و پزشک فرانسوی) و سوء استفاده‌های ابزاری ناشی از آن مقایسه کرد.

حدود پانصد سال پیش فردی به نام «نوستراداموس» درباره آینده جهان پیشگویی‌هایی کرده است که صهیونیست‌ها با استفاده از آن، کتابی با عنوان *مردی که آینده را می‌دید* در آمریکا و اروپا منتشر کردند. همچنین سریالی درباره آخرالزمان با گرایش مخالفت با صاحب الامر عجل الله تعالی فرجه الشریف ساخته‌اند که درون مایه آن، اهداف مدنظر صهیونیسم بین‌الملل است. این سریال، یکی از مهم‌ترین پیشگویی‌های نوستراداموس را درباره آینده جهان، یعنی ظهور یکی از فرزندان پیامبر اسلام در مکه، متحد کردن مسلمانان، پیروزی او بر اروپاییان و ویران کردن شهرهای بزرگ سرزمین جدید (آمریکا) را به تصویر می‌کشد.

این سریال، منجی جهان، مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف را با لباس عربی نشان می‌دهد که با فشار دادن تنها یک کلید، به انجام هر کاری قادر است و از او با لقب‌هایی همچون «پادشاه وحشت» و «خدای جنگ بر ضد غرب و ضد مسیح بزرگ» نام می‌برد. همچنین او را مردی خون‌ریز و بی‌رحم معرفی می‌کند که با جنگ‌های خود، زنان بسیاری را بیوه و فرزندان بسیاری را یتیم می‌کند و در پایان این چنین در ذهن بیننده القا می‌کند که مسلمانان عامل تیره‌روزی و ناامنی جهان هستند و از این رو، چاره‌ای جز متحد شدن

برای جلوگیری از قیام او وجود ندارد؛ زیرا او چیزی غیر از مصیبت و ناامنی برای مردم جهان به ارمغان نخواهد آورد. آنان با آگاهی از این مطلب که مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با ظهور خود موجب اتحاد مسلمانان شده، در حکومتش بساط ظلم و ستم مستکبران را برمی‌چیند، آن دوران را عصر کشتارهای ویرانگر و خشن، حکومتش را حکومتی بی‌رحم و او را حاکمی معرفی می‌کنند که به جنون قدرت گرفتار است.

این سریال هالیوودی به مدت سه ماه پی‌درپی از شبکه تلویزیونی آمریکا پخش و بارها در سراسر آمریکا و اروپا به نمایش گذاشته شده است. صهیونیست‌ها با سوء استفاده از پیشگویی‌های رمزآلود نوستراداموس، اهدافی را که می‌خواستند به دست آورند و کوشیدند عواطف جهانی را تحریک و بستر روانی را برای زمان ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف فراهم کنند.

باید یادآوری کرد که امروزه افرادی با عنوان‌های ستاره‌شناس، مکاشفه‌گر و ریاضت‌پیشه (مرتاضان) درباره آخرالزمان و آینده زندگی بشر پیشگویی‌هایی می‌کنند که به دلیل نداشتن هیچ شایستگی در این باره، حتی نمی‌توانند آینده خود را پیشگویی کنند و پیشگویی‌های آن‌ها قابل اطمینان نیست. روایات، چنین افرادی را که تعیین‌کنندگان زمان خاص برای ظهور هستند، سرزنش و از آنان با عنوان «وَقَاتُونَ» یاد کرده است. فضیل بن یسار از امام محمد باقر علیه السلام درباره دلیل معلوم نبودن زمان ظهور پرسید و گفت: «هَلْ لِهَذَا الْأَمْرِ وَقْتُ؟» امام سه بار فرمودند: «كَذَّبَ الْوَقَاتُونَ، كَذَّبَ الْوَقَاتُونَ، كَذَّبَ الْوَقَاتُونَ» تعیین‌کنندگان وقت ظهور دروغ‌گویان هستند.

حضرت در ادامه با اشاره به داستان حضرت موسی علیه السلام فرمود:

كَذَّبَ الْوَقَاتُونَ إِنَّ مُوسَى عليه السلام لَمَّا خَرَجَ وَافِداً إِلَى رَبِّهِ وَعَدَهُمْ ثَلَاثِينَ يَوْماً، فَلَمَّا زَادَهُ اللَّهُ تَعَالَى عَلَى الثَّلَاثِينَ عَشْرًا قَالَ لَهُ قَوْمُهُ: قَدْ أَخْلَفْنَا مُوسَى فَصَنَعُوا مَا صَنَعُوا؛^۱ کسانی که وقتی را تعیین می‌کنند، دروغ می‌گویند. وقتی موسی علیه السلام از قوم خود

۱. لطف الله، صافی گلپایگانی، منتخب الأثر، ج ۳، الفصل الثامن، ص ۱۱۲، ح ۱۰۸۸-۳.

۲. محمد بن یعقوب، کلینی، اصول کافی، ج ۱، ص ۳۶۸-۳۶۹؛ الإحتجاج، ج ۲، ص ۵۴۲، ش ۳۴۴؛ محمد بن حسن، طوسی (شیخ الطائفة)، الغيبة طوسی، ص ۲۸۶؛ بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۱۸، ح ۴۵.

جدا شد و سی روز نزد خداوند ماند و خدای متعال ده روز به آن اضافه کرد، قومش گفتند: موسی، خُلفِ وعده کرده است و کارهای ناروایی انجام دادند. تعیین زمان خاص برای ظهور حضرت، عواقب ناگواری همچون ناامیدی منتظران را به دنبال دارد؛ چنان که امام نمونه‌اش را درباره قوم موسی علیه السلام بیان کرد.

در روایتی دیگر، کلینی از اسحاق بن یعقوب نقل می‌کند که امام معصوم علیه السلام فرمود: «أَمَّا ظُهُورُ الْفَرَجِ، فَإِنَّهُ إِلَى اللَّهِ وَكَذَّبَ الْوَقَاتُونَ؛ اما ظهور فرج، پس در اختیار خداوند تعالی است و تعیین‌کنندگان وقت ظهور دروغ‌گویان اند».

با وجود چنین روایت‌هایی نمی‌توان به پیشگویی‌های دروغین رمزگشایان صهیونیست، ستاره‌شناسان، مکاشفه‌گران، مرتاضان و مآلان اعتماد کرد و به آن‌ها دل بست.

فصل دوم

پیشگویی؛ ظهور تحقق خواسته خداوند

مقدمه

انتظار کشیدن برای روز موعود نزد خدای متعال، همان کسی که به ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و قیام او در برابر مستکبران و ستمگران عالم امر می‌کند، محبوب‌ترین کارهاست. پروردگار، مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را از نشانه‌های عظمت خود برشمرده و ما را به انتظار فرجش مأمور کرده است. مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف همان کسی است که از سوی خدا برای مردم باقی مانده است و از این رو، او را خلیفه خود، بقیه الله و امرالله نامیده است.

براساس آیه مبارک «أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ»، خدای تعالی هنگام آفرینش زمین، آسمان و انسان‌ها، پیش از خلقت حضرت آدم عليه السلام، همه انسان‌ها را گرد آورد و سر هستی را به آن‌ها نشان داد. شاید سر هستی، اشاره‌ای به این موضوع باشد.^۱

۱. انتظار ظهور، محبوب‌ترین کارها نزد پروردگار

امیرمؤمنان علی عليه السلام در پاسخ به فردی که از ایشان درباره محبوب‌ترین کارها نزد خدای متعال پرسید، فرمود: «إِنْتَظَرُ الْفَرَجَ». همچنین ایشان می‌فرماید: «إِنْتَظَرُوا الْفَرَجَ وَ

۱. محمدحسین، علامه طباطبائی، تفسیر المیزان؛ تفسیر نمونه، سوره اعراف، ذیل آیه ۱۷۲-۱۷۴.

لَا تَيَاسُوا مِنْ رَوْحِ اللَّهِ فَإِنَّ أَحَبَّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَنْتَظَارُ الْفَرَجِ؛^۱ در انتظار گشایش باشید و از رحمت خدا ناامید نشوید؛ زیرا دوست داشتنی‌ترین کارها نزد خدا، انتظار فرج است.»

اکنون که انتظار موعود محبوب‌ترین کارها نزد خدای متعال است، مشتاقان فرج نیز محبوب‌ترین افراد نزد پروردگار هستند؛ همان مؤمنانی که در دوران سخت آخرالزمان، افزون بر حفظ ایمان و تقوای الهی، در انتظار موعود به سر می‌برند که آمدنش آرزوی انبیا، اوصیا و مستضعفان جهان است.

حال که انتظار فرج محبوب‌ترین اعمال است، انتظار محبوب دو عالم نیز عبادت است^۲ و منتظران آن حضرت، مانند جهادگران راه خدا هستند^۳ و اگر در این راه بمیرند، شهید راه خدا هستند.^۴

«وَمَا أُوتِيتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَمَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَزِينَتُهَا وَمَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ وَأَبْقَى أَفَلَا تَعْقِلُونَ؟»^۵ آنچه به شما داده شده، متاع زندگی دنیا و زینت آن است و آنچه نزد خداست، بهتر و پایدارتر است؛ آیا اندیشه نمی‌کنید؟»

۲. خداوند در انتظار تحقق ظهور

براساس روایتی معتبر، محمد بن فضیل درباره انتظار فرج از امام رضا علیه السلام پرسید و امام فرمود: «انتظار فرج، خود فرج و گشایش است.» سپس امام به این آیه از قرآن کریم استناد کرد: «انْتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْتَظَرِينَ»^۶ منتظر باشید که قطعاً من (خدا) هم با شما از منتظران هستم.»

۱. علی بن عیسی، اربلی، کشف الغمة، ج ۲، ص ۲۰؛ الأمالی، ص ۴۳۶؛ بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۲۳، ح ۷؛ منتخب الأثر، ص ۴۹۸.

۲. الأمالی، ص ۴۰۵.

۳. حسن بن علی، ابن شعبه، تحف العقول، ص ۳۷.

۴. بحار الأنوار، ج ۱۰، ص ۱۰؛ منتخب الأثر، ج ۳، فصل ۲، ص ۲۰۸، ح ۸-۱۲۲۷.

۵. قصص: ۶۰.

۶. اعراف: ۷۱؛ یونس: ۱۰ و ۱۰۲.

این آیه - که در چندین جای قرآن بیان شده - گواهی بر این امر است که خداوند متعال نیز منتظر تحقق زمانی است که مهدی صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف ظهور کند و جهان را از عدل و داد لبریز سازد و البته این زمان، هنگامی است که پروردگار اراده فرماید.

۳. ظهور تحقق وعده‌های خداوند

خداوند در قرآن کریم حکومت بر زمین را به صالحان وعده داده و چنین فرموده است:

وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ؛ خداوند به کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند، وعده می‌دهد که قطعاً آنان را حاکمان روی زمین خواهد کرد؛ همان‌گونه که به پیشینیان آن‌ها خلافت روی زمین را بخشید و دین و آیینی را که برای آنان پسندیده، پابرجا و ریشه‌دار خواهد کرد و ترسشان را به امنیت و آرامش مبدل می‌کند؛ چنان‌که فقط من را می‌پرستند و چیزی را شریک من نخواهند کرد و کسانی که پس از آن کافر شوند، آن‌ها فاسقان هستند.

علامه طباطبائی در تفسیر المیزان ذیل این آیه نوشته است: «این آیه برای مؤمنانی که اهل عمل صالح هستند، وعده زیبایی است».

در این آیه که با «وَعَدَ اللَّهُ» آغاز شده است، خداوند به افرادی از امت رسول خدا صلی الله علیه و آله که دو ویژگی مهم، یعنی ایمان (آمنوا) و عمل صالح (عملوا الصالحات) داشته باشند، چهار وعده حتمی می‌دهد:

۱. آنان را قطعاً حکمرانان مطلق زمین خواهد کرد: «لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ».

۲. دین و آیینی را که برای آنان پسندیده است، پابرجا و برتر می‌کند: «وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ».

۳. ترسشان را به امنیت و آرامش بدل می‌سازد: «وَلْيَبَدِّلْهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا».
۴. نه تنها خداپرست می‌شوند، بلکه برای خدا شریک هم قائل نمی‌شوند: «يَعْبُدُونَنِي لَا يَشْرِكُونَ بِي شَيْئًا».

این آیه مبارکه از وعده‌ای سخن می‌گوید که در طول تاریخ بشر، دوران پیامبران، زمان پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله و حتی پس از آن حضرت نیز به طور کامل محقق نشده است. بنابراین، در دوران آخرالزمان باید منتظر تحقق این وعده الهی به دست مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریع باشیم که خواست خداوند و تلاش همه پیامبران الهی است.

مرحوم طبرسی ذیل این آیه می‌نویسد: «از اهل بیت پیامبر نقل شده: أَنَّهَا فِي الْمَهْدِيِّ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ؛ این آیه درباره مهدی آل محمد عجل الله تعالی فرجه الشریع است».

در تفسیر روح المعانی و بسیاری از تفاسیر شیعه چنین آمده است که امام سجاد علیه السلام در تفسیر این آیه فرمود:

هُمُ وَاللَّهِ شِيعَتُنَا أَهْلَ الْبَيْتِ، يَفْعَلُ اللَّهُ ذَلِكَ بِهِمْ عَلَى يَدَي رَجُلٍ مِنَّا، وَهُوَ مَهْدِي هَذِهِ الْأُمَّةِ. يَمَلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَقِسْطًا كَمَا مُلِئَتْ ظُلْمًا وَجَوْرًا، وَهُوَ الَّذِي قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ...؛ به خدا سوگند! آن‌ها شیعیان ما هستند. خداوند این کار را برای آن‌ها به دست مردی از ما انجام می‌دهد که مهدی این امت است؛ زمین را از عدل و داد پر می‌کند، آن‌گونه که از ظلم و جور پر شده باشد و هم اوست که پیامبر در حق وی فرمود: اگر از عمر دنیا جز یک روز باقی نماند....

۱. فضل بن حسن، طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۷، ص ۲۳۹.
۲. تفسیر نمونه، ج ۱۴، ص ۵۶۸-۵۶۷؛ رک. کشف الغمة، ج ۲، ص ۴۴۷؛ الإرشاد، ج ۲، ص ۳۴۱؛ إعلام الوری، ص ۳۳۱؛ علی، استرآبادی، تأویل الآیات الظاهرة، ص ۳۲۶؛ محمد بن جریر، صبور، آملی، دلائل الإمامة، ص ۲۵۰؛ محمد بن احمد بدر العینی، عمدة القاری، ص ۴۳۳؛ ح ۹۰۷؛ عیون أخبار الرضا، ج ۲، ص ۲۶۶؛ الغيبة، ص ۴۶؛ کشف الغمة، ج ۲، ص ۳۲۸؛ علی بن محمد، خزاز رازی، کفایة الأثر، ص ۱۶۳؛ محمد بن علی، ابن بابویه (شیخ صدوق)، کمال الدین و تمام النعمة، ج ۱، ص ۲۸۰؛ بحار الأنوار، ج ۳۸، ص ۳۰۵؛ کتاب‌های اهل سنت؛ مسند، ج ۱، ص ۹۹؛ سنن ابی داود، ج ۲، ص ۴۲۲؛ صدرالدین، صدر، کتاب المهدی، سلیمان بن احمد، طبرانی، المعجم الأوسط، ج ۲، ص ۱۳۵، ش ۱۲۵۵؛ سلیمان بن احمد، طبرانی، المعجم الكبير، ج ۱۰، ص ۱۳۵، ش ۱۰۲۲۲-۱۰۲۲۴؛ احمد بن عبدالله، ابونعیم، اخبار اصبهان، ج ۲، ص ۱۹۵؛ ابن ابی شیبہ، المصنف، ج ۸، ص ۶۷۸، کتاب ۴۰، ح ۱۹۴.

البته این تفسیرها به معنای انحصار معنای آیه نیست، بلکه بیان مصداق کامل است. آری، مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف یکی از وعده‌های حتمی و قطعی خداوند است و یقین داشته باشیم: «إِنَّ اللَّهَ لَا يَخْلِفُ الْمِيعَادَ» همانا خداوند از وعده خود تخلف نمی‌کند».

۴. مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف باقی مانده خداوند

در قرآن کریم از قول خداوند تبارک و تعالی آمده است: «بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ وَمَا أَنَا عَلَيْكُمْ بِحَفِيظٍ»^۱ آنچه خداوند برای شما باقی گذاشته، برایتان بهتر است، اگر ایمان داشته باشید و من پاسدار شما (و مأمور بر اجبارتان به ایمان) نیستم».

به باقی مانده چیزی «بقیه» می‌گویند و اگر گفته شود در فلان کس بقیه‌ای هست؛ یعنی فضلی در او وجود دارد. همچنین این جمله درباره مدح و ستایش نیز به کار می‌رود.^۲ پس «بَقِيَّةُ اللَّهِ» کسی است که از سوی خدا برای مردم باقی مانده است.

سؤال قابل طرح این است که: وصی پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و باقی مانده خداوند پس از ۱۲۴ هزار پیامبر برای ما کیست؟ آیا کسی جز مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌تواند باشد؟ همان حجت، همان منجی و مصلح آخرالزمان که خداوند به او عمری طولانی داده و او را برای ما حفظ کرده است تا جهان لبریز از ستم را از عدل سرشار کند.

در برخی از روایات نیز امام معصوم علیه السلام به صراحت منظور این آیه مبارک را امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف دانسته، در روایتی می‌فرماید: اولین کلام حضرت هنگام ظهور در کنار خانه خدا این جمله است: «من بقية الله هستم». سپس این آیه مبارک را تلاوت می‌کند: «بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ»^۳.

همچنین در روایات مربوط به زمان ظهور حضرت چنین آمده است که هیچ مسلمانی بر حضرت سلام نمی‌کند، مگر اینکه به حضرت می‌گوید: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَقِيَّةَ اللَّهِ»

۱. آل عمران: ۹.

۲. هود: ۸۶.

۳. مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۲، ص ۳۹.

۴. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۱، ص ۳۳۱؛ محمد بن مسعود، عیاشی تفسیر عیاشی؛ بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۵۹، ح ۶۲، ص ۱۲۸، ح ۲۲، ص ۱۹۱.

فِي أَرْضِهِ»^۱.

همین روایت را دانشمند بزرگ اهل سنت، مؤمن شبلنجی شافعی در کتاب نور الأبصار از باقر العلوم علیه السلام نقل کرده است.^۲ علامه ابن صباغ مالکی و دیگران نیز این حدیث را در کتاب‌های خود آورده‌اند.^۳

بنابراین، مهدی موعود علیه السلام یکی از روشن‌ترین مصادیق بقیه الله است و البته از همه به داشتن این لقب شایسته‌تر است؛ به‌ویژه که خاتم اوصیا و تنها باقی‌مانده پس از پیامبران و امامان علیهم السلام است.^۴

۵. مهدی علیه السلام آیه منتظر پروردگار

درست است که همه انسان‌ها در طول تاریخ، منتظر و مشتاق مهدی موعود علیه السلام بوده‌اند، ولی قطعاً خداوند بیش از همه در انتظار دولت کریمه حضرت مهدی علیه السلام است؛ زیرا او می‌تواند به جهانیان ثابت کند که منظور خداوند از دولت کریمه اسلامی کدام حکومت است. شاید پروردگار عالم به‌همین دلیل است که بیش از دیگران مشتاق آن روز است.

شیخ صدوق به نقل از علی بن رباب از امام صادق علیه السلام روایت می‌کند که حضرت درباره آیه مبارک: «يَوْمَ يَأْتِي بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ»^۵ روزی که بعضی از آیات پروردگارت بیاید، آن روز ایمان هیچ‌کس به او سودی نمی‌رساند، اگر قبل از آن ایمان نیاورده باشد»، فرمود:

۱. اصول کافی، ج ۱، ص ۴۱۲، ح ۲؛ کمال الدین و تمام النعمة، ج ۱، ب ۳۲، ص ۳۳۱، ح ۱۶ و ص ۳۳؛ إعلام الوری، ص ۴۱۰، ۴۳۹ و ۴۶۳، فصل دوم و سوم؛ کشف الغمة، ج ۲، ص ۵۳۴، الفصل الثالث؛ محسن، فیض کاشانی، تفسیر صافی؛ بحار الأنوار، ج ۲۴، ص ۲۱۲ و ج ۵۱، ص ۳۶، ح ۶ و ج ۵۱، ص ۱۴۵، ح ۱۳ و ج ۵۲، ص ۱۹۱-۱۹۲، ح ۲۴؛ تأویل الآیات الظاهرة، ص ۱۹۱؛ فرات بن ابراهیم، کوفی، تفسیر فرات، ص ۱۹، ش ۱۹۳-۲۴۹؛ بنیاد معارف اسلامی معجم احادیث الامام المهدی علیه السلام، ج ۵، ص ۱۷۶.

۲. مؤمن، شبلنجی، نور الأبصار، ص ۱۷۲.

۳. علی بن محمد، ابن صباغ، الفصول المهمة، باب الثاني عشر.

۴. تفسیر نمونه، ج ۹، ص ۲۴۸.

۵. انعام: ۱۵۸.

پیشگویی؛ ظهور تحقق خواسته خداوند ۳۷ =

الآيَاتُ هُمُ الْآيَمَةُ. وَالْآيَةُ الْمُنْتَظَرَةُ هُوَ الْقَائِمُ عَلَيْهِ السَّلَام فَيَوْمَئِذٍ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ قِيَامُهُ بِالسَّيْفِ؛ آیات پروردگار، ائمه هدی هستند و آیه منتظر پروردگار، قائم آل محمد عَلَيْهِ السَّلَام است. پس در آن روز (ظهور) ایمان هیچ کس به او سودی نمی‌رساند، اگر قبل از قیام قائم آل محمد عَلَيْهِ السَّلَام به شمشیر ایمان نیاورده باشد.

۶. مهدی عَلَيْهِ السَّلَام امر خداوند

شیخ صدوق به نقل از ابان تغلب می‌گوید: امام در تفسیر آیه «أَتَى أَمْرُ اللَّهِ فَلَا تَسْتَعْجِلُوهُ»^۱ فرمود: «امر خدا به زودی فرامی‌رسد؛ پس تعجیل در آن امر را تقاضا نکنید».^۲ در روایتی دیگر، نعمانی از عبد الرحمان بن کثیر از قول امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام بیان می‌کند که امام به صراحت مهدی عَلَيْهِ السَّلَام را امر خداوند معرفی کرد و فرمود: «هو أمرنا أمر الله عز وجل فلا تَسْتَعْجِلْ بِهِ»^۳ مهدی امر ما، امر خدای صاحب عزت و جلال است؛ پس درباره ظهور او تعجیل نکن».

نکته قابل توجه در بحث آسیب‌شناسی مهدویت، مسئله تعجیل در ظهور و معین کردن زمان خاص برای آن است که براساس روایات، تعیین‌کنندگان زمان خاص برای ظهور از دروغ‌گویان هستند.^۴

به هر حال، باید دانست که طبق وعده خداوند قادر و حکیم، زمان ظهور موعود ادیان با تحقق شرایط و زمینه‌های مناسب محقق خواهد شد.

۷. ظهور، گشایش از سوی خداوند

ظهور مهدی عَلَيْهِ السَّلَام گشایش و فرج از سوی خداوند تعالی است که همان پیروزی حضرت و یارانش بر تمامی حکومت‌های ستمگر و مستکبر جهان است. بنابراین، اگر

۱. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۱، ص ۱۸، ج ۱، ص ۳۰ و ج ۲، ص ۳۳۶، ح ۸؛ بحار الأنوار، ج ۶۴، ص ۳۳.

۲. نحل: ۱.

۳. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۶۷۱.

۴. محمد بن ابراهیم، نعمانی، الغيبة، ص ۱۹۸ و ۲۴۳، ح ۴۳؛ بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۳۹، ح ۴۶.

۵. همان، ص ۱۰۱.

در روایت می‌خوانیم بافضیلت‌ترین کارها انتظار فرج خداوند است، درواقع ما در انتظار گشایش و تحقق همه خواسته‌های الهی برای برپایی حکومت جهانی به‌سر می‌بریم؛ حکومتی که نمونه عدالت‌گستری را به مردم نشان داده، نام خدا را در زمین گسترش می‌دهد و همه را به اسلام فرامی‌خواند.

ابوحمره ثمالی از ابوخالد کابلی نقل می‌کند:

بر سرورم علی بن الحسین زین العابدین علیه السلام وارد شدم و درباره امامان معصوم علیهم السلام پرسیدم که اطاعت آنان واجب است. امام، نام امامان را یک به یک بیان کرد تا اینکه به امام دوازدهم رسید و درباره منتظران دوران ظهور و ارزش آنان مطالب مهمی فرمود و در پایان افزود: «انْتَظَرُ الْفَرَجَ مِنْ أَكْثَرِ الْفَرَجِ؛ انتظار فرج، خود از بزرگ‌ترین فرج و گشایش‌هاست»^۱.

همین معنا در حدیثی از امام رضا علیه السلام در کتاب عیون أخبار الرضا به نقل از رسول خدا صلی الله علیه و آله این‌گونه بیان شده است: «وَبِهَذَا الْإِسْنَادُ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: أَفْضَلُ أَعْمَالِ أُمَّتِي انْتَظَارُ فَرَجِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ؛^۲ بافضیلت‌ترین اعمال امت من، انتظار گشایش از سوی خداوند صاحب عزت و جلال است».

این‌چنین است که با ظهور بقیه‌الله، امرالله، آیت‌الله، وعدالله و فرج‌الله، گشایشی از سوی خداوند عزوجل تحقق می‌یابد.

۱. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۱، باب ۱، ص ۳۲۰، ح ۲؛ الإحتجاج، ج ۲، ص ۳۱؛ بحار الأنوار، ج ۳۶، باب ۴۴، ص ۳۸۶-۳۸۷، ح ۱.

۲. عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، باب ۳۱، ص ۳۶؛ بحار الأنوار، ج ۵۲، باب ۲۲، ص ۱۲۲، ح ۲، (در ابتدای روایت آمده است: بِالْأَسَانِيدِ الثَّلَاثَةِ عَنِ الرِّضَا عَنْ آبَائِهِ علیهم السلام) -؛ امام علی بن موسی الرضا علیه السلام، صحیفه الرضا علیه السلام، ص ۵۴، ح ۶۲.

فصل سوم

پیشگویی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره مهدی آخرالزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

مقدمه

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بیش از هر کس دیگر مشتاق مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف، آن حاصل همه دعاها، دردها و رنج‌های انبیا و اوصیا بود. همچنین ایشان در میان چهارده معصوم، نخستین کسی بود که غیبت، ظهور و حکومت عدل گستر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را پیشگویی کرد. به همین دلیل می‌گوییم پیامبر خدا صلی الله علیه و آله یقین دارد که مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف همان وعده‌ای است که خداوند از روز اول خلقت به همه انبیای الهی، اوصیای آن‌ها و مؤمنان صالح داده است.

مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، همان آیه الهی است که خداوند به او در مقابل همه پیامبران افتخار می‌کند. آن حضرت می‌داند که خود، خاتم پیامبران و مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف خاتم اوصیاست و آخرالزمان نیز نزدیک است. او باید بیاید تا جهان پر از ستم را به گلستانی تبدیل کند که همه انتظارش را کشیده‌اند. او می‌داند که مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌آید و انتقام همه دردها، رنج‌ها، شکنجه‌ها و خون‌های پاک پیامبران و اوصیای آنان و مؤمنان را می‌گیرد. می‌داند که با ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، دوران سخت بی‌ایمانی، تجاوز به مال و ناموس مردم و ستم در جهان به پایان می‌رسد و دوران ایمان و عدالت آغاز می‌شود. نیز از همه مهم‌تر، می‌داند که هدف مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف هدف اوست؛ هدفی که انسان‌ها در آن به سوی کمال انسانی و

الهی رهنمون می‌شوند.

پس از پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله، امامان دیگر درباره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف پیشگویی‌هایی کرده‌اند که در بخش‌های آینده بدان می‌پردازیم.

۱. ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف اگرچه یک روز از دنیا باقی بماند

در سنن ابی‌داود، یکی از کتاب‌های شش‌گانه اهل سنت در کتاب *المهدی* از قول رسول اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده است که حضرت فرمود:

حدثنا عثمان بن أبي شيبة ثنا الفضل بن دكين ثنا فطر عن القاسم بن أبي بزة عن أبي الطفيل عن علي عن النبي صلى الله عليه وآله قال: لو لم يبق من الدهر إلا يوم لبعث الله رجلاً من أهل بيتي يملأها عدلاً كما ملئت جوراً؛ اگر یک روز هم از دنیا باقی بماند، قطعاً خداوند مردی از اهل بیت مرا می‌فرستد و جهان را از عدل پر می‌کند؛ چنان‌که از ظلم پر شده بود.^۱

همچنین این حدیث با مضمون «مگر یک شب مانده باشد» نیز در روایات آمده است: أخبرنا الفضل بن حبان قال: حدثنا مسدد بن مسرهد، حدثنا محمد بن إبراهيم أبو شهاب، عن عاصم بن بهدلة، عن أبي صالح، عن أبي هريرة قال: قال رسول الله: لو لم يبق من الدنيا إلا ليلة لملك فيها رجل من أهل بيت النبي؛ اگر از دنیا فقط یک شب باقی مانده باشد، به‌راستی مردی از اهل بیت نبی صلی الله علیه و آله بر آن حکومت می‌کند.^۲

معنای این نوع احادیث آن است که ظهور حجت، امری قطعی و تخلف‌ناپذیر است؛ اگرچه یک روز یا یک شب به پایان جهان باقی مانده باشد.

۲. قطعی بودن ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

در مسند احمد بن حنبل، از کتاب‌های معتبر اهل سنت پیشگویی از رسول اکرم صلی الله علیه و آله

۱. سنن ابی‌داود؛ کتاب المهدی، ج ۲، ص ۴۲۲؛ سلیمان بن ابراهیم، القندوزی، بنایع المودة، ج ۳، ص ۲۵۶-۲۵۷؛ المصنف، ج ۸، ص ۶۷۸، ش ۱۹۴؛ مسند احمد، ج ۱، ص ۹۹.

۲. محمد بن حبان، ابن حبان الإحسان بترتیب صحیح ابن حبان، ج ۷، ص ۵۷۶، ح ۵۹۲۲؛ علی بن ابوبکر، هیثمی موارد الظمان، ج ۶، ص ۱۲۸، ح ۱۸۷۶ (باب ما جاء فی المهدی).

آمده که حضرت در کنار تأکید بر قطعی بودن ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، حکومتی را بشارت می‌دهد که دنیای لبریز از ستم را به جهانی سرشار از قسط و عدل تبدیل می‌کند. رسول خدا ﷺ فرموده است:

لَا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى تَمْتَلِئَ الْأَرْضُ ظُلْمًا وَعَدْوَانًا قَالَ: ثُمَّ يَخْرُجُ مِنْ عَتْرَتِي - أَوْ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي - يَمْلَأُهَا قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مَلَأْتُ ظُلْمًا وَعَدْوَانًا؛ قِيَامَتُ بَرِّ بِأَنْمِي شُود تَا اَيْنَكِه زَمِينِ اَز ظَلَمِ وَ دَشْمَنِي پَر شُود، سَپَس (مهدی) اَز عَتَرَتِ وَ اَهْلِ بَيْتِ مَنْ ظُهور می‌کند وَ زَمِينِ رَا اَز قِسْطِ وَ عَدْلِ پَر می‌سازد؛ چنان‌که زَمِينِ اَز ظَلَمِ وَ دَشْمَنِي پَر بود.^۱

۳. سخن پیامبر ﷺ درباره دوازده امام عجل الله تعالی فرجه الشریف

یکی از بشارت‌ها و پیشگویی‌های مهم رسول خدا ﷺ جانشینی دوازده امام عجل الله تعالی فرجه الشریف است که حضرت بر خود لازم دانسته، اسامی آن بزرگواران را بیان کند و امام دوازدهم را «مهدی خود» معرفی فرماید.

دانشمند معروف اهل سنت، سلیمان بن ابراهیم حنفی قندوزی در کتاب *ینابیع المودة* در روایتی از اصبع بن نباته از ابن عباس نقل می‌کند که رسول خدا ﷺ در تأویل آیه «وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الْبُرُوجِ»^۲ فرمود:

اَنَا السَّمَاءُ، وَإِمَا الْبُرُوجِ فَالْأَثَمَةُ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي وَ عَتْرَتِي، أُولَئِكَ عَلَى عجل الله تعالی فرجه الشریف وَ آخِرُهُمُ الْمَهْدِيُّ عجل الله تعالی فرجه الشریف. وَ هُمُ اثْنِي عَشْرًا مِنْ أَسْمَانِمْ وَ بَرَجِهَا، أَثَمَةُ مِنْ أَهْلِ بَيْتِ وَ عَتَرَتِ مَنْ هَسْتَنْد. أَوَّلُ اَيْنِ دَوَاذِدِ اِمَامِ عَلِي بْنِ أَبِي طَالِبٍ عجل الله تعالی فرجه الشریف وَ آخِرُ شَانِ مَهْدِي عجل الله تعالی فرجه الشریف اَسْتُ وَ اِيشَانِ دَوَاذِدِ اِمَامِ اَنْد.

او در باب ۷۷ همان کتاب درباره حدیث رسول گرامی اسلام ﷺ که فرمود: «بعدي اثني عشر خليفة» می‌نویسد: «يحيى بن الحسن در کتاب *العمدة* این حدیث را از بیست طریق، بخاری از سه طریق، مسلم از هفت طریق، ابوداود از سه طریق، ترمذی

۱. مسند احمد، ج ۳، ص ۱۷ و ۳۶؛ احمد بن علی، ابویعلی مسند ابی یعلی، ج ۲، ص ۲۷۴، ح ۹۸۷؛ الإحسان بترتيب صحيح ابن حبان، ج ۸، ص ۲۹۰، ح ۶۷۸۴؛ ینابیع المودة، ج ۳، ص ۲۶۲.

۲. بروج: ۱.

۳. ینابیع المودة، ج ۳، ص ۲۵۴.

از یک طریق و حمیدی از سه طریق نقل می‌کنند»^۱.

۴. کفر منکر خروج حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه

جابر از رسول خدا ص نقل می‌کند:

عن محمد بن علی بن الحسن. عن الحسين بن محمد بن احمد. عن اسماعيل بن ابي اويس. عن مالك. عن المنكدر. عن جابر ع رفعه. قال رسول الله ص: من انكر خروج المهدي فقد كفر بما انزل على محمد؛ رسول خدا ص فرمود: هر کس خروج مهدی عجل الله تعالی فرجه را منکر شود، به راستی به همه آنچه بر رسول خدا، محمد مصطفی ص نازل شده، کافر شده است.

۵. عظمت یاران مهدی عجل الله تعالی فرجه

حضرت علی ع در حدیثی طولانی ضمن بیان وصیت پیامبر بزرگوار اسلام ص نقل می‌کند:

عَنْ عَلِي بْنِ أَبِي طَالِبٍ ع فِي حَدِيثٍ طَوِيلٍ فِي وَصِيَّةِ النَّبِيِّ ص يَذْكُرُ فِيهَا أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص قَالَ لَهُ: يَا عَلِيُّ. وَاعْلَمْ أَنَّ أَعْجَبَ النَّاسِ إِيمَانًا وَأَعْظَمَهُمْ يَقِينًا قَوْمًا يَكُونُونَ فِي آخِرِ الزَّمَانِ لَمْ يَخْلُقُوا النَّبِيَّ. وَحُجِبَتْ لَهُمُ الْحُجَّةُ. بِسَوَادٍ عَلَى بَيَاضٍ؛^۲ علی جان، بدان عجیب‌ترین مردم از نظر ایمان و بزرگ‌ترین آنان از نظر یقین، مردم آخرالزمان هستند؛ کسانی که پیامبر را ندیده‌اند و از امام نیز محجوب‌اند، ولی به خطی ایمان دارند که بر کاغذ سفید (قرآن و احادیث) رقم خورده است.

آری، پیامبر خاتم ص به مردم آخرالزمان، مشتاقان و منتظران واقعی آن حضرت غبطه می‌خورد و از ایمانشان در شگفت می‌شود و آنان را برترین مردم از نظر یقین می‌داند. ایشان در حدیثی برای این افراد که در آخرالزمان با ایمان و انتظار روزگار می‌گذرانند، پاداش پنجاه نفر از اصحاب خود را در نظر می‌گیرد.^۳

۱. همان، ص ۲۸۹-۲۹۰.

۲. احمد بن علی. ابن حجر عسقلانی. لسان المیزان، ج ۵، ص ۱۳۰، ش ۴۳۷؛ ينابيع المودة، ج ۳، باب ۸۷، ص ۲۹۵، ح ۱.

۳. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۱، باب ۲۵، ص ۲۸۸، ح ۸؛ بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۲۵، ح ۱۲؛ ينابيع المودة، ج ۳، ص ۳۹۸.

۴. بحار الأنوار، ج ۵۲، باب ۲۲، ص ۱۳۰، ح ۲۶.

۶. صبر یاران مهدی علیه السلام

پیامبر خاتم ﷺ در حدیثی درباره صبر و شکیبایی یاران ابی‌صالح‌المهدی علیه السلام به اصحاب خود فرمود:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: سَيَأْتِي قَوْمٌ مِنْ بَعْدِكُمْ، الرَّجُلُ الْوَاحِدُ مِنْهُمْ لَهُ أَجْرُ خَمْسِينَ مِنْكُمْ.... قَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ! نَحْنُ كُنَّا مَعَكَ بِبَدْرٍ وَأُحُدٍ وَخُنَيْنٍ، وَنَزَلَ فِيْنَا الْقُرْآنُ، فَقَالَ: إِنَّكُمْ لَمْ تُحْمَلُوا لِمَا حُمِلُوا وَلَمْ تَصْبِرُوا صَبْرَهُمْ؛^۱ به زودی پس از شما مردانی می‌آیند که یک نفر از آن‌ها پاداش پنجاه نفر از شما را دارد. اصحاب گفتند: ای رسول خدا، ما با تو در بدر و اُحُد و خُنین بودیم و درباره ما قرآن نازل شد (پس چگونه آنان بر ما برترند؟) پس رسول خدا ﷺ فرمود: قطعاً شما آنچه را آنان برعهده گرفته‌اند، برعهده نگرفته‌اید و همانند آنان شکیبایی ندارید.

۱. الغیبة طوسی، ص ۳۰۰؛ بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۳۰، ح ۲۶.

فصل چهارم

پیشگویی‌های حضرت زهرا علیها السلام درباره مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف آخرالزمان

مقدمه

حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف آینه تمام‌نمای مادرش حضرت زهرا علیها السلام است و به همین دلیل، ایشان سرور زنان دو عالم را الگو و اسوه خود قرار داده است. حضرت در توقیعی پس از دعا برای نجات شیعیان از گمراهی و فتنه‌های آخرالزمان، درباره حضرت فاطمه زهرا علیها السلام به خط مبارک خود می‌نویسد: «وَفِي ابْنَةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لِي أَسْوَةٌ حَسَنَةٌ؛ در دختر رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ برای من اسوه و الگویی نیکوست».

در مقابل، یاد مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز همواره موجب تسلای خاطر دختر پیامبر بود؛ به‌ویژه در سختی‌ها، آن هنگام که به‌وسیله پیامبر از ماجرای کربلا آگاه شد، حضرت فاطمه زهرا علیها السلام در چند مورد شاهد تصریح و پیشگویی پدر گرامی‌اش درباره امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بود.

هنگامی که پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به معراج رفت، در حدیث «معراج» نام مبارک ائمه هدی علیهم السلام، به‌ویژه قائم آل محمد عجل الله تعالی فرجه الشریف با نور در آسمان نقش بسته بود. همچنین در لوحی که پدر گرامی‌اش به او هدیه کرده بود، نام فرزندش حجت بن الحسن

العسکری عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌درخشید.

در حجة الوداع هم که معروف به روز غدیر است، رسول اکرم صلی الله علیه و آله در همان خطبه به همه مسلمانان فرمود:

مَعَاشِرَ النَّاسِ أَلَا وَإِنِّي مُنْذِرُكُمْ عَلَى هَادٍ مَعَاشِرَ النَّاسِ إِنِّي نَبِيٌّ وَعَلَى صلی الله علیه و آله وَصِيٍّ أَلَا
إِن خَاتَمَ الْأَئِمَّةُ مِنَّا الْقَائِمَ الْمَهْدِيَّ عجل الله تعالی فرجه الشریف أَلَا إِنَّهُ الظَّاهِرُ عَلَى الدِّينِ أَلَا إِنَّهُ الْمُنْتَقِمُ
مِنَ الظَّالِمِينَ أَلَا إِنَّهُ فَاتِحُ الْحَصُونِ وَهَادِمُهَا أَلَا إِنَّهُ قَاتِلُ كُلِّ قَبِيلَةٍ مِنْ أَهْلِ الشِّرْكَ
أَلَا إِنَّهُ مُذْرِكُ بِكُلِّ ثَارٍ لِأَوْلِيَاءِ اللَّهِ أَلَا إِنَّهُ النَّاصِرُ لِلدِّينِ اللَّهُ! أَيُّ گُروهِ مردم، بدانید
من اندازکننده‌ام و علی علیه السلام هدایت‌کننده است. ای گُروه مردم، من نبی‌ام و
علی علیه السلام وصی است. بدانید که خاتم امامان، قائم مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از ماست.
بدانید که او مسلط و قاهر در دین است. بدانید که او از ستمکاران انتقام
خواهد گرفت. بدانید که او فاتح قلعه‌ها و شهرهاست. بدانید که او مشرکان و
دشمنان دین را نابود می‌کند. بدانید که او خون‌بهای اولیای خدا را می‌گیرد.
بدانید که او یاری‌رسان دین خداست.

همچنین نام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در صحیفه‌ای آمده است که بعدها به نام «صحیفه فاطمیه»
معروف شد و از همان زمان فاطمه زهرا علیها السلام برای دیدار فرزندش سخت بی‌قرار شد.

۱. مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف فرزند فاطمه علیها السلام

رسول اکرم صلی الله علیه و آله در هر فرصتی ظهور مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف را به فاطمه زهرا علیها السلام بشارت
می‌داد. شاید اولین بار فاطمه زهرا علیها السلام نام مبارک مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را در سخنان گوهربار
رسول اکرم صلی الله علیه و آله شنید که فرمود: «الْمَهْدِيُّ مِنْ وَلَدِ فَاطِمَةَ»^۱ مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از فرزندان
فاطمه علیها السلام است».

در سنن ابی‌داود و سنن ابن‌ماجه، از کتاب‌های شش‌گانه اهل سنت از پیامبر
خاتم صلی الله علیه و آله به نقل از زبان ام‌سلمه آمده است:

۱. الإحتجاج، ج ۱، ص ۶۳-۶۴، إحتجاج النبی صلی الله علیه و آله يوم الغدير علی الخلق.
۲. مسند احمد، ج ۳، ص ۲۸، ۳۶ و ۷۰؛ المُستدرک، ج ۴، ص ۱۲۴؛ محمد بن یزید، ابن‌ماجه، سنن، ج ۲،
ص ۱۳۶۸، ح ۴۰۸۶؛ بیابیع المودة، ج ۲، ص ۸۳ و ج ۳، ص ۲۶۶.

حدثنا احمد بن ابراهيم ثنا عبدالله بن جعفر الرقي ثنا ابوالمليح الحسن بن عمر عن زياد بن بيان عن علي بن نقيل عن سعيد بن المسيب عن ام سلمة قالت: سمعت رسول الله يقول: المهدى من عترتي من ولد فاطمة؛^۱ ام سلمه گوید: شنیدم که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: مهدی عجل الله تعالی فرجه از عترت من، از فرزندان فاطمه علیها السلام است.

در روایت دیگری، رسول خدا صلی الله علیه و آله به فرزندش فاطمه زهرا علیها السلام فرمود: «وَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ لِفَاطِمَةَ: وَمِنَّا الْمَهْدِيُّ وَهُوَ مِنْ وَلَدِكِ؛^۲ پیامبر گرامی علیها السلام به فاطمه علیها السلام فرمود: مهدی عجل الله تعالی فرجه از ماست و او از فرزندان توست».

۲. مهدی عجل الله تعالی فرجه از نسل فاطمه زهرا علیها السلام

در حدیث دیگری خاتم اوصیاء علیه السلام، مهدی عجل الله تعالی فرجه را از نسل فاطمه علیها السلام معرفی کرده و این چنین به دختر گرامی شان بشارت می دهد: «أُبَشِّرُ يَا فَاطِمَةُ أُمَّ الْمَهْدِيِّ مِنْكِ؛^۳ مژده به تو فاطمه جان! که مهدی عجل الله تعالی فرجه از نسل توست».

۳. مهدی آرام جان فاطمه علیها السلام

معروف است که فاطمه زهرا علیها السلام در آخرین لحظه های زندگی پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله، این بشارت را از پدر شنید: «مِنَّا مَهْدِيٌّ هَذِهِ الْأُمَّةِ؛^۴ مهدی عجل الله تعالی فرجه این امت از ماست». با یاری گرفتن از چنین سخنانی بود که حضرت زهرا علیها السلام توانست چنان صبری را در تحمل رنج ها و محنت ها پس از رسول خدا صلی الله علیه و آله پیشه خود کند.

سلیمان بن ابراهیم حنفی قندوزی در کتاب *ینابیع المودة* درباره این موضوع و بی قراری

۱. سنن ابی داود، ج ۲، ص ۴۲۲؛ سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۳۶۸، ح ۴۰۸۶؛ محمد بن اسماعیل - بخاری، *التاریخ الکبیر*، ج ۳ (ق ۱، ج ۲)، ص ۳۴۶، ح ۱۱۷۱؛ *المعجم الکبیر*، ج ۲۳، ص ۲۶۷، ح ۵۶۶؛ جعفر بن محمد، *ابن قولویه*، *کامل الزیارات*، ج ۳، ص ۱۹۶؛ *المستدرک*، ج ۴، ص ۵۵۷؛ *ینابیع المودة*، ج ۳، ص ۲۵۶.

۲. *ینابیع المودة*، ج ۳، ص ۲۶۴، ح ۱۵.

۳. همان، ج ۲، ص ۷۰، (به نقل از *کنوز الحقایق للمناوی و اوهم*، به نقل از *حاکم*)؛ *عبدالرحمن بن ابی بکر*، *سیوطی*، *الحاوی للفتاوی*، ج ۲، ص ۱۳۷؛ *علی بن حسام الدین*، *متقی*، *کنز العمال*، ج ۱۴، ص ۵۸۴، ش ۳۹۶۵۳.

۴. *بحار الأنوار*، ج ۳۶، ص ۳۶۸، ح ۲۳۳.

حضرت فاطمه زهرا علیها السلام و تسلی دادن رسول خاتم صلی الله علیه و آله می‌نویسد: ابن مغازلی شافعی در مناقب از ابویوب انصاری حکایتی را روایت می‌کند که مضمون آن این است:

رسول خدا صلی الله علیه و آله بیمار شده بود و فاطمه علیها السلام گریان بر بالین پدرش آمد. چون صدای گریه‌اش بلند شد، حضرت فرمود: ای فاطمه، یقین بدان که کرامت خدا برای توست. تو را به ازدواج کسی درآورد که اولین مسلمان و عالم‌ترین مردم بود. فاطمه جان، مگر نمی‌دانی که خداوند به اهل زمین نگاه کرد و پدرت را از میان آنان برگزید؛ پس من را نبی مرسل قرار داد. سپس خدا نظر کرد و شوهرت را انتخاب کرد و به من وحی کرد و فرمود که تو را به عقد او درآورم و او را وصی خود کنم. دخترم، فاطمه، بهترین انبیا از ماست و او پدر توست. بهترین اوصیا از ماست و او همسر توست. بهترین شهدا از ماست و او حمزه، عموی پدر توست. جعفر بن ابی طالب از ماست که با دو بال در بهشت با فرشتگان پرواز می‌کند و او پسر عموی پدر توست. دو سبط این امت، یعنی حسن و حسین علیهما السلام از ماست که دو فرزند تو و دو آقای اهل بهشت هستند.

رسول خدا صلی الله علیه و آله در ادامه حدیث می‌فرماید: «یا فاطمة... والذی نفسی بیده منا مهدی هذه الامة وهو من ولدک؛ ای فاطمه،... قسم به خدایی که جانم در دست اوست! مهدی از ماست و او فرزند توست».

۴. مهدی علیه السلام از عترت

حدیثی در این باره آمده است: «ثُمَّ لَأُأْرِضَ ظُلْمًا وَجَوْرًا. ثُمَّ يَخْرُجُ رَجُلٌ مِنْ عِترتی؛ فَيَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا؛ زمین از ظلم و ستم پر می‌شود، سپس مردی که از عترت من است، زمین را از عدل و داد پر می‌کند».

همچنین در روایتی از ام‌سلمة نقل شده است: «سمعت رسول الله صلی الله علیه و آله يقول: المهدی من عترتی من أولاد فاطمة؛^۲ از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که می‌فرمودند: مهدی از عترت من

۱. ینابیع المودة، ج ۳، ص ۲۶۹؛ رک. اربعین حدیث فی المهدی.

۲. مسند احمد، ج ۳، ص ۲۸، ۳۶ و ۷۰؛ المُستدرک، ج ۴، ص ۵۵۸؛ ینابیع المودة، ج ۳، ص ۳۸۵، ح ۹.

۳. سنن ابی داود، ج ۴، ص ۱۸۳۲، ح ۴۲۸۴؛ ینابیع المودة، ج ۳، ص ۲۵۶.

و اولاد فاطمه است».

۵. مهدی عجل الله تعالی فرجه از فرزندان امام حسین علیه السلام

امام حسین علیه السلام در روایتی زیبا و معتبر، از زبان مادر گران قدر خود چنین نقل کرده است:

قَالَتْ أُمِّي فَاطِمَةُ: لَمَّا وَلَدْتُكَ دَخَلَ إِلَيَّ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله وَأَذَنٌ فِي أُذُنِكَ الْأَيْمَنِ وَأَقَامَ فِي أُذُنِكَ الْأَيْسَرِ ثُمَّ قَالَ: يَا فَاطِمَةُ خُذِيهِ فَإِنَّهُ أَبَوُ الْأَيْمَةِ تِسْعَةَ مِائَةٍ مِنْ وَلَدِهِ أَيْمَةُ أَبَرَارٍ وَالتَّاسِعُ مَهْدِيَّهِمْ؛ مادرم، فاطمه زهرا علیها السلام فرمود: هنگامی که تو متولد شدی، رسول خدا صلى الله عليه وآله نزد من آمد و در گوش راست تو اذان گفت و در گوش چپ تو اقامه خواند. سپس فرمود: فاطمه جان، حسین علیه السلام را بگیر؛ زیرا او پدر امامان است. نه تن از فرزندان او امام نیکان، و نهمین آنان مهدی ایشان است.

۶. مهدی عجل الله تعالی فرجه در حدیث معراج

به تصریح قرآن کریم و روایات، پیامبر اکرم صلى الله عليه وآله دست کم یک مرتبه به معراج رفتند. بعضی تعداد این سفر را بیش از یک بار^۱ برخی دو مرتبه^۲ و بعضی هم تعداد آن را تا ۱۲۰ بار^۳ بیان کرده‌اند.

رسول خدا صلى الله عليه وآله پس از بازگشت از معراج، داستان آن را برای دخترشان فاطمه زهرا علیها السلام، علی بن ابی طالب علیه السلام و اصحاب دیگر این گونه بیان کرد:

لَمَّا أُسْرِى بِي أُوحِيَ إِلَيَّ رَبِّي جَلَّ جَلَالُهُ، فَرَفَعْتُ رَأْسِي فَإِذَا أَنَا بِأَنْوَارِ عَلِيٍّ، وَغَاطِمَةَ، وَ الْحَسَنِ، وَ الْحُسَيْنِ، وَ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ، وَ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ، وَ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ، وَ مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ، وَ عَلِيٍّ بْنَ مُوسَى، وَ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ، وَ عَلِيٍّ بْنَ مُحَمَّدٍ، وَ الْحَسَنِ بْنَ عَلِيٍّ، وَ الْحُجَّةَ بْنَ الْحَسَنِ الْقَائِمَ فِي وَسْطِهِمْ كَأَنَّهُ كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ قُلْتُ: يَا رَبِّ مَنْ هَؤُلَاءِ

۱. کفایة الأثر، ص ۱۹؛ منتخب الأثر، الباب الأول، ج ۱، ص ۶۳، ح ۷۶-۲۲۴، فصل هفتم، ج ۲، ص ۱۴۶-۱۵۲ (همین کتاب با ارزش ۲۰۲ حدیث از شیعه و سنی را نقل می‌کند که مهدی عجل الله تعالی فرجه از فرزندان فاطمه علیها السلام سیده زنان عالم است).

۲. المیزان، ج ۱۳، ص ۲۷؛ اسماعیل بن عمر، ابن کثیر، تفسیر قرآن العظیم، ج ۳، ص ۳۸، (اسراء: ۱).

۳. اصول کافی، ج ۱، ص ۴۴۲، ح ۱۳.

۴. محمد بن علی، ابن بابویه (شیخ صدوق)، الخصال، ج ۲، ص ۶۰۰-۶۰۱، ح ۳.

قال: هؤلاء الأئمة وهذا القائم الذي يحل حلالاً ويحرم حراماً. وبه أنتقم من أعدائي وهؤلاء الأعداء وهو الذي يشفي قلوب شيعتك من الظالمين والجاحدين والكافرين؛ وقتي به معراج رفته، پروردگار صاحب عزت و جلال به من وحی کرد. پس سرم را بلند کرده، در این هنگام در آسمان نورهایی را مشاهده کردم. آن نورها علی، فاطمه، حسن، حسین، علی بن حسین، محمد بن علی، جعفر بن محمد، موسی بن جعفر، علی بن موسی، محمد بن علی، علی بن محمد، حسن بن علی و حجت بن حسن القائم علیه السلام در وسط آنها بود و همانند ماه نورانی می درخشید.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: به خداوند عرضه داشتم: پروردگارا، این افراد چه کسانی هستند؟ فرمود: آنها امامان هستند و این (اشاره به قائم آل محمد صلی الله علیه و آله) قیام‌کننده است؛ آن که حلال من را حلال می‌کند و حرام می‌کند آنچه را من حرام کرده‌ام. من به وسیله او از دشمنانم انتقام می‌گیرم و او برای دوستانم راحت است، و اوست کسی که شفای قلب‌های پیروان تو از شترستمکاران، انکارکنندگان و کافران است.

۷. حدیث لوح فاطمه علیها السلام

براساس منابع موثق شیعه در روایتی که به حدیث «لوح فاطمه علیها السلام» معروف شده، نام همه امامان معصوم علیهم السلام از امیرمؤمنان علی علیه السلام تا نام مبارک فرزند گرامی اش حضرت مهدی موعود علیه السلام آمده است.^۱ عبدالرحمان بن سالم به نقل از ابوبصیر روایت می‌کند که امام صادق علیه السلام فرمود:

پدرم به جابر بن عبدالله انصاری فرمود: من با تو کاری دارم؛ چه وقت برایت آسان‌تر است که تنها بینم و از تو سؤال کنم؟ جابر گفت: هر وقت شما بخواهید. پس روزی با او در خلوت نشست و امام به او فرمود: درباره لوحی که آن را در دست مادرم، فاطمه علیها السلام، دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله دیده‌ای و آنچه را در آن لوح نوشته شده بود و مادرم درباره آن با تو سخن گفت، به من خبر

۱. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۷۹، ح ۱۸۵؛ تنبیح المودة، ج ۳، ص ۲۴۹.

۲. اصول کافی، ج ۲، ص ۴۷۰-۴۷۴؛ کمال الدین و تمام النعمة، ج ۱، ص ۳۰۵؛ محمد بن محمد، شیخ مفید، الإختصاص، ص ۲۱۰؛ الغيبة، ص ۹۲.

بده.

جابر گفت: خدا را گواه می گیرم که من در زمان زندگی رسول خدا (ص)، خدمت مادرت (ع) رفتم و ولادت حسین (ع) را به ایشان تبریک گفتم. در دستش لوح سبزی دیدم که گمان کردم از زمرد است. مکتوب سفیدی در آن دیدم که مانند رنگ خورشید می درخشید. به ایشان عرض کردم: دختر پیغمبر، پدرم و مادرم به قربانت! این لوح چیست؟ فرمود: لوحی است که خدا آن را به رسولش (ص) اهدا فرمود: اسم پدرم، شوهرم، دو پسر و اوصیای از فرزندانم تا مهدی صاحب الزمان (عج) در آن نوشته شده است و پدرم آن را به عنوان مؤذگانی به من عطا فرموده است.

جابر گوید: سپس مادرت، فاطمه (ع)، آن را به من داد. من آن را خواندم و از روی آن نوشتم. پدرم به او گفت: ای جابر، آن را بر من عرضه می کنی؟ عرض کرد: آری، آن گاه پدرم همراه جابر به منزل او رفت. جابر ورق صحیفه ای بیرون آورد. پدرم فرمود: ای جابر، تو به نوشته ات نگاه کن تا من برایت بخوانم. جابر در نسخه خود نگریست و پدرم قرائت کرد: حتی هیچ یک از حروفش با آن اختلاف نداشت. آن گاه جابر گفت: خدا را گواه می گیرم که در آن لوح نام های همه امامان (ع) از آغاز تا پایان نوشته شده بود و نام همه امامان تا امام حسن عسکری (ع) که با فرزندش راه امامت کامل می شود، در آن لوح آمده بود. ثم اکمل ذلك بابنه رحمه للعالمين، سپس بعد از شمارش نام امامان معصوم (ع)، نام مبارک فرزندش (حجت بن الحسن (عج)) آن لوح را کامل می کند؛ همان فرزندی که برای جهانیان رحمت است.^۱

در آن لوح مقدس، صفات زیبای منتظران مهدی (عج) این گونه وصف شده بود:

أولئك أوليائي حقاً. بهم أدفع كل فتنة عمياء حنوس، وبهم أكشف الزلازل، وأرفع عنهم الأصار (القيود) والأغلال. أولئك عليهم صلوات من ربهم ورحمة. وأولئك هم المهتدون؛^۲ آنان دوستان حقیقی من هستند و به واسطه

۱. اصول کافی، ج ۲، ص ۴۷۰ و ۴۷۴.

۲. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۱، ص ۳۰۸ و ۳۱۱، ح ۱ و ۲؛ عیون أخبار الرضا (ع)، ج ۱، ص ۴۱، ح ۲ و ص ۴۶، ح ۵؛ الإحتجاج، ج ۱، ص ۱۶۲؛ الغيبة، ص ۱۴۳، ح ۱۰۸.

آن‌ها هر فتنه کور و ظلمانی را دور می‌کنم و سختی‌ها و مسائل هولناک را برطرف می‌سازم و بارهای گران و زنجیرها را از آنان برمی‌دارم. ایشان کسانی هستند که صلوات و رحمت پروردگار بر آنان است و ایشان هدایت‌شدگان واقعی هستند.

۸. بشارت به خروج مهدی عجل الله تعالی فرجه در صحیفه فاطمه زهرا علیها السلام

براساس منابع تاریخی، پس از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله حضرت زهرا علیها السلام به قدری اندوهگین و بی‌قرار بود که بیشتر اهالی مدینه با دیدن بی‌تابی ایشان اندوهگین و بی‌طاقت می‌شدند تا آنکه خداوند فرشته‌ای را برای آرام کردن دختر پیامبر مأمور ساخت و آن فرشته برای فاطمه زهرا علیها السلام حکایت‌ها و پیشگویی‌هایی از آینده بیان کرد؛ از جمله درباره حوادث مربوط به همسر و فرزندانش تا مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه، و بشارت داد که مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه منتقمی است که انتقام شهیدان کربلا را می‌گیرد و جهان لبریز از ظلم و جور را از عدل و داد سرشار می‌کند.

کلینی با استناد به امام صادق علیه السلام نقل می‌کند:

وقتی خدای تعالی پیغمبرش را قبض روح کرد، فاطمه علیها السلام را از وفات آن حضرت اندوهی فراگرفت که تنها خدای عزوجل از اندازه آن باخبر است. پس خدا فرشته‌ای برایش فرستاد که او را دل‌داری دهد و با او سخن بگوید. فاطمه علیها السلام از این داستان به امیرمؤمنان علیه السلام گزارش داد. علی علیه السلام فرمود: چون آمدن فرشته را احساس کردی و صدایش را شنیدی، به من بگو. پس فاطمه علیها السلام به امیرمؤمنان علیه السلام خبر داد و آن حضرت هرچه را می‌شنید می‌نوشت، تا آنکه از آن سخنان مصحفی فراهم کرد، اما در آن چیزی از حلال و حرام نیامده است، بلکه در آن، علم به پیشامدهای آینده هست.^۱

همچنین ابوبصیر از امام صادق علیه السلام درباره این مصحف پرسید و ایشان در پاسخ این‌گونه فرمود:

۱. اصول کافی، ج ۱، کتاب الحجة، ص ۲۴۱، ۳۴۶ و ۳۴۷؛ دلائل الإمامة، ص ۱۰۴ و ۳۴؛ بحار الأنوار، ج ۴۳، ص ۷۹، ح ۶۷.

مصحفی است سه برابر قرآنی که در دست شماست. به خدا! حتی یک حرف هم در آن نیست؛ یعنی مطالبی که شما از ظاهر قرآن و تفسیر آن می‌فهمید، در مصحف فاطمه (ع) نیست، ولی از نظر تأویل و معنای باطنی قرآن که ما آن را می‌فهمیم، تفصیل قرآن است. این مصحف دست به دست از امامی به امام دیگر منتقل شده و اکنون در دست امام دوازدهم، مهدی فاطمه (ع) است.^۱

در این میان، یکی از نشانه‌های امامت، به همراه داشتن همین مصحف حضرت فاطمه (ع) است.^۲

حضرت زهرا (ع) همچنان مشتاق دیدار و منتظر ظهور فرزندش مهدی موعود (ع) است؛ همان فرزندی که به خواست خدا ظهور و جهان را گلستان خواهد کرد. علامه مجلسی در بحار الأنوار از سعید بن المسیب نقل می‌کند: «من خدمت ام‌سلمه بودم. سخن از مهدی (ع) به میان آمد و او گفت: از رسول خدا (ص) شنیدم که می‌فرمود: الْمَهْدِيُّ مِنْ عِثْرَتِي مِنْ وَلَدِ فَاطِمَةَ؛ مهدی موعود از عترت من، از فرزندان فاطمه است».^۳ همچنین عایشه از رسول خدا (ص) نقل کرده است که حضرت فرمود: «الْمَهْدِيُّ رَجُلٌ مِنْ عِثْرَتِي يُقَاتِلُ عَلَى سُنَّتِي»؛ مهدی موعود (ع) مردی از عترت من است؛ او بر سنت من جهاد می‌کند».

بر اساس احادیث معتبر، امام مهدی (ع) فاطمی است و این افتخاری برای ماست که منجی و دادگستر جهان که همه امت‌ها و ملت‌ها منتظر و مشتاق آمدنش هستند، از شیعیان است و همه او را با نام و نشان (شبهات چهره) پیامبر اسلام (ص) می‌شناسند. طبق احادیث معتبر از کتاب‌های اهل سنت و شیعه، مهدی آخرالزمان (ع)، نوه دختری پیامبر خاتم (ص) است. او فرزند فاطمه زهرا (ع) و علی مرتضی و فرزند امام حسین، امام

۱. همان.

۲. همان.

۳. بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۸۶؛ الغيبة، ص ۱۸۶؛ کشف الغمة، ج ۲، ص ۴۳۸.

۴. ينابيع المودة، ج ۳، ص ۲۶۳.

علی بن الحسین، امام محمد بن علی، امام جعفر بن محمد، امام موسی بن جعفر، امام علی بن موسی، امام محمد بن علی، امام علی بن محمد و امام حسن بن علی العسکری علیه السلام است؛ او محمد بن الحسن و همان قائم علیه السلام است.^۱

۹. بیان انتظار حضرت فاطمه علیها السلام در خطبه فدکیه

حضرت صدیقه طاهره، فاطمه زهرا علیها السلام در خطبه معروف «فدکیه» بیاناتی دارد که دل هر شنونده‌ای را می‌لرزاند. این بانوی بزرگوار در قسمت‌هایی از این خطبه با استناد به آیه «وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ»^۲ آن‌ها که ستم کردند به زودی می‌دانند که بازگشتشان به کجاست»، فرمود: «وَأَنَا ابْنَةُ نَذِيرٍ لَكُمْ بَيْنَ يَدَيِ عَذَابٍ شَدِيدٍ. فَعَمَلُوا. إِنَّا عَامِلُونَ وَانْتَظَرُوا إِنَّا مُنْتَظَرُونَ»^۳ و من دختر پیامبری هستم که شما را در برابر عذاب شدید انداز کرد. آنچه از دست شما بر می‌آید، انجام دهید؛ ما هم انجام می‌دهیم و انتظار بکشید؛ ما هم منتظر هستیم».

حضرت زهرا علیها السلام در این خطبه با اعتراض به ظلم ستمگران، بیان می‌کند که آنان گمان نکنند جزای کارهایشان را نمی‌بینند، بلکه سخت در اشتباه‌اند و نمی‌دانند بازگشت آن‌ها به کجاست. مطمئن باشند منجی و منتقم ما می‌آید؛ شما انتظار بکشید که ما هم منتظر هستیم.

۱۰. رجعت حضرت فاطمه علیها السلام پس از ظهور

امامان معصوم علیهم السلام در تأویل و تفسیر این آیات از قرآن کریم می‌فرمایند: «إِنَّهُمْ يَكِيدُونَ كَيْدًا وَأَكِيدُ كَيْدًا فَمَهْلٍ الْكَافِرِينَ أَهْمُ لَهُمْ زُورِدًا»^۴ ای رسول ما، به راستی آن‌ها پیوسته حيله می‌کنند و من نیز طرحی تدبیر می‌کنم. پس کافران را مهلت ده و آنان

۱. رک. اصول کافی، ج ۱، کتاب الحجة؛ کمال الدین و تمام النعمة، ج ۱ و ۲؛ بحار الأنوار، ج ۵۱، ۵۲ و ۵۳؛ ينابيع المودة، ج ۳؛ (صحاح سته با عنوان عمومی شش مجموعه بزرگ و موثق‌ترین کتاب حدیثی اهل سنت).

۲. شعراء: ۲۲۷.

۳. الإحتجاج، ج ۱، ص ۹۸ به بعد؛ کشف الغمة، ج ۱، ص ۴۸۰ و ۴۹۲؛ بحار الأنوار، ج ۲۹، ص ۲۳۹ و ۲۴۵؛ رک. ناصر، مکارم شیرازی، زهرا علیها السلام برترین بانوی جهان، ص ۹۰-۹۳.

۴. طارق: ۱۵-۱۷.

را اندکی به خودشان واگذار».

ابوبصیر از امام باقر (ع) روایت می کند که حضرت فرمود:

قَالَ كَادُوا رَسُولَ اللَّهِ ﷺ وَكَادُوا عَلِيًّا ﷺ وَكَادُوا فَاطِمَةَ ﷺ فَقَالَ اللَّهُ يَا مُحَمَّدُ إِنَّهُمْ يَكِيدُونَ كِيداً وَأَكِيدُ كِيداً فَمَهْلٍ الْكَافِرِينَ يَا مُحَمَّدُ أَمِهْلَهُمْ زَوْيْدًا لَوْ قَدْ بُعِثَ الْقَائِمُ ﷺ فَيَنْتَقِمُ لِي مِنَ الْجَبَّارِينَ وَالطَّوَائِغِ مِنْ قُرَيْشٍ وَبَنِي أُمَيَّةَ وَسَائِرِ النَّاسِ؛ امام باقر (ع) فرمود: رسول خدا (ص) می آید، علی بن ابی طالب (ع) می آید، فاطمه زهرا (ع) می آید. پس خداوند فرمود: ای محمد، آن ها را مهلتی ده. پس این رجعت و برگشتن به دنیا وقتی است که قائم آل محمد (عج) ظهور می فرماید و از ستمگران و طاغوت هایی از قریش و بنی امیه و ستمگران دیگر انتقام می گیرد.

براساس بشارت مطرح شده در این روایت ها، پس از ظهور مهدی موعود (عج)، مادر گرامی اش، حضرت فاطمه زهرا (ع)، مانند پیامبر خاتم (ص)، علی مرتضی (ع) و امامان دیگر به دنیا رجعت می کند.

فصل پنجم

پیشگویی امامان علیهم السلام درباره ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

مقدمه

ائمه هدی علیهم السلام از آغاز تا پایان عالم را به اذن پروردگار به روشنی می دیدند و به آن آگاهی کامل داشتند. به همین دلیل، آن ها همواره بی قرار دیدار مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و در آرزوی حکومت عدل مهدوی بودند. شرح این فراق و سوز هجران آن چنان جان و وجود امامان علیهم السلام را لبریز کرده بود که از سال های دور، برخی نویسندگان کتاب های فراوانی درباره این شوق دیدار نوشته اند. از این رو، در این کتاب فهرست کوتاهی از کتاب های حدیثی در موضوع غیبت و ظهور، پیش از غیبت صغری، در زمان غیبت صغری و پس از آن آورده ایم تا بخشی از این علاقه و شوق وصف ناشدنی را نشان دهیم. ناگفته نماند که نویسندگان معاصر نیز کتاب های حدیثی و تحلیلی بسیاری در موضوع غیبت و ظهور مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف به رشته تحریر درآورده اند.

در آغاز، نمونه هایی از احادیث امامان معصوم علیهم السلام را بیان می کنیم که از این کتاب ها برگرفته شده است.

۱. پیشگویی‌های امامان معصوم علیهم‌السلام

شرح اشتیاق بی‌پایان ائمه به مهدی موعود علیه‌السلام، فراتر از گنجایش یک کتاب است. از این رو، تنها به چند حدیث از امامان معصوم علیهم‌السلام بسنده می‌کنیم.

۱-۱. پیشگویی‌های امیرمؤمنان علیه‌السلام

از اشتیاق پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و بی‌قراری فاطمه زهرا علیها‌السلام چند حدیث آوردیم، اما داستان بی‌قراری و پیشگویی امیرمؤمنان، خود حدیثی دیگر است.

اصبغ بن نباته، از یاران صدیق امیرمؤمنان علیه‌السلام حکایتی را نقل می‌کند که نشان می‌دهد امام علی علیه‌السلام به روشنی آن روز موعود و همه تحولات قبل و بعد آن را می‌دانست و چنین مشتاقانه در آرزوی آن، روزشماری می‌کرد:

عَنِ الْأَصْبَغِ بْنِ نُبَاتَةَ قَالَ: أَتَيْتُ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ علیه‌السلام فَوَجَدْتُهُ مُتَفَكِّرًا يَتَكَلَّمُ فِي الْأَرْضِ فَقُلْتُ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ علیه‌السلام مَا لِي أَرَاكَ مُتَفَكِّرًا تَتَكَلَّمُ فِي الْأَرْضِ أَرْغَبُ مِنْكَ فِيهَا فَقَالَ لَا وَاللَّهِ مَا رَغِبْتُ فِيهَا وَلَا فِي الدُّنْيَا يَوْمًا قَطُّ وَلَكِنِّي فَكَّرْتُ فِي مَوْلُودٍ يَكُونُ مِنْ ظَهْرِي الْخَادِي عَشْرَ مِنْ وَلَدِي هُوَ الْمَهْدِيُّ الَّذِي يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَقِسْطًا كَمَا مِلَّيْتُ جَوْرًا وَظُلْمًا؛ روزی نزد امیرمؤمنان علی بن ابی طالب علیه‌السلام رفتم. او را دیدم که در فکر فرو رفته است و با انگشت بر زمین خط می‌کشد. عرض کردم: ای امیرمؤمنان، چرا در فکر فرو رفته‌اید و بر زمین خط می‌کشید؟ آیا به آن رغبت دارید؟ حضرت فرمود: نه، قسم به خدا! رغبتی به آن ندارم و به دنیا هم حتی یک روز رغبت نداشته‌ام، اما درباره مولودی فکر می‌کنم که از پشت من و از فرزندان یازدهم من است و او مهدی علیه‌السلام است که زمین را از عدل و داد پر می‌کند؛ چنان‌که از جور و ستم پر شده باشد.

کمیل بن زیاد، از یاران خاص امام علی علیه‌السلام نقل می‌کند:

روزی امیرمؤمنان علی بن ابی طالب علیه‌السلام دست مرا گرفت و با هم از کوفه بیرون رفتیم. در آنجا سخنانی طولانی برای من بیان کرد و در پایان فرمود: یا

۱. اصول کافی، ج ۱، ص ۳۳۸، ح ۷: کمال الدین و تمام النعمة، ج ۱، باب ۲۶، ص ۲۸۹، ح ۱: الغيبة، ص ۱۱۵ و ۲۲۷: إعلام الوری، ص ۴۲: بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۱۱، ح ۱۸.

کَمِيلٌ أُولَئِكَ خُلَفَاءُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَالْدُّعَاءُ إِلَى دِينِهِ آه آه شَوْقًا إِلَى رُؤْيَيْهِمْ وَأَسْتَغْفِرُ اللَّهَ لِي وَلَكُمْ! ای کمیل، منتظران ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف خلیفه‌های خدا در زمین هستند و دعوت‌کنندگان به دین خدا. آه! آه! مشتاق دیدن آنان هستم و برای خودم و شما از خدا استغفار می‌طلبم.

۱-۲. پیشگویی امام حسن علیه السلام

امام حسن علیه السلام در حدیثی به نقل از اصبع ضمن تصریح به اسامی امامان دوازده‌گانه، پیشگویی کرده که مهدی این امت، از سلاله برادرش امام حسین علیه السلام است.

امام حسن علیه السلام، مهدی این امت را از نسل برادرش امام حسین علیه السلام معرفی می‌کند و می‌فرماید: «الْأُتَمَّةُ بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اثْنِي عَشْرَ مَنْ صَلَبَ أَخِي الْحُسَيْنُ وَمِنْهُمْ مَهْدِي هَذِهِ الْأُتَمَّةُ! امامان پس از رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ دوازده نفر هستند؛ (نه نفر از آنان) از صلب برادرش حسین است و از آنان مهدی این امت است».

امام حسن مجتبی علیه السلام، ائمه را به تعداد نقیبان بنی اسرائیل، دوازده امام می‌داند و مهدی این امت را از این دوازده تن می‌شمارد و می‌فرماید: «قَالَ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الْأُتَمَّةُ عِدْدُ نَقَبَاءِ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَمِنْهُمْ مَهْدِي هَذِهِ الْأُتَمَّةُ! امامان به تعداد نقیبان بنی اسرائیل، دوازده نفر هستند و مهدی این امت از ماست».

۱-۳. پیشگویی امام حسین علیه السلام

امام حسین علیه السلام سرور آزادگان جهان نیز در اشتیاق دیدار فرزندش مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بی‌قرار است. ایشان در روایاتی به روشنی روزگار سخت آخرالزمان را پیشگویی می‌کند: لَهُ غَيْبَةٌ يَرْتَدُّ فِيهَا أَقْوَامٌ وَيُثَبِّتُ عَلَى الدِّينِ آخِرُونَ، قِيُودُنْ وَيَقَالُ لَهُمْ: «مَتَى هَذَا الْوَعْدُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ» أَمَا إِنَّ الصَّابِرِينَ فِي غَيْبَتِهِ عَلَى الْأَذَى وَالتَّكْذِيبِ يَمْنُزِلَةُ

۱. الأمالی، ص ۲۴، ح ۳: کمال الدین و تمام النعمة، ج ۱، باب ۲۶، ص ۲۹۰-۲۹۱، ح ۲: تحف العقول، ص ۱۶۹-۱۷۱: بحار الأنوار، ج ۱، ص ۱۸۷.

۲. کفایة الأثر، ص ۲۲۳: کشف الغمة، ج ۲، ص ۵۲۲، بحار الأنوار، ج ۳۶، باب ۴۳، ص ۳۸۳، ح ۱.

۳. کفایة الأثر، ص ۲۲۴: بحار الأنوار، ج ۳۶، ص ۳۸، ح ۲.

المُجَاهِدِ بِالسَّيْفِ بَيْنَ يَدَي رَسُولِ اللَّهِ ﷺ؛^۱ برای او (مهدی فاطمه عَلَيْهَا السَّلَام) غیبتی است که در آن دوران، گروهی مرتد می‌شوند و گروهی دیگر در دین ثابت قدم می‌مانند. مرتدان به ثابت‌قدمان می‌گویند: چه وقت این وعده خواهد آمد، اگر شما راست‌گو هستید؟ اما بدانید قطعاً آن که در دوران غیبت در برابر اذیت و آزار و تکذیب صبر پیشه می‌کند، مانند مجاهدی است که با شمشیر در کنار رسول خدا ﷺ جهاد کرده است.

در روایتی دیگر، عبدالرحمان بن سلیط از امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام نقل کرده است که ایشان، همه مهدی‌ها را از خاندان رسالت برشمرده و مهدی آخرالزمان عَلَيْهِ السَّلَام را نهمین فرزند خود و زنده‌کننده زمین پس از هلاکتش دانسته است:

وَمِنَّا اثْنَيْ عَشَرَ مَهْدِيًّا، أُولَهُمْ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ وَآخِرُهُمُ التَّاسِعُ مِنْ وَلَدِي وَهُوَ الْقَائِمُ بِالْحَقِّ، يَحْيِي اللَّهُ بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا؛^۲ از ما دوازده مهدی است که اول آن‌ها امیرمؤمنان علی بن ابی‌طالب و آخر آن‌ها نهمین از فرزندانم است و او امام قائم به حق است که خداوند زمین را به واسطه او پس از هلاکتش زنده خواهد کرد.

۴-۱. پیشگویی امام علی بن الحسین عَلَيْهِمَا السَّلَام

هرچه امامان معصوم عَلَيْهِمُ السَّلَام به زمان ولادت مصلح جهان نزدیک‌تر می‌شدند، اشتیاقشان بیشتر و شرح شوقشان دلنشین‌تر می‌شد. امام سجاد عَلَيْهِ السَّلَام، مشتاقان و منتظران آن حضرت را مخلصان حقیقی و شیعیان راستین معرفی کرده، غیبت و ظهور فرزندش مهدی عَلَيْهِ السَّلَام را چنین پیشگویی نموده است:

ابو حمزه ثمالی از ابو خالد کابلی، از یاران خاص امام علی بن الحسین عَلَيْهِمَا السَّلَام نقل می‌کند که می‌گوید: بر سرورم علی بن الحسین عَلَيْهِمَا السَّلَام وارد شدم و سؤالی درباره امامان معصوم عَلَيْهِمُ السَّلَام کردم که اطاعت از آنان واجب شده است. امام در این روایت طولانی، نام یک به یک آنان را برشمرد تا به امام دوازدهم رسید، سپس به شدت گریه کرد و در ادامه درباره منتظران

۱. کمال الدین و تمام النعمة، باب ۳۰، ص ۳۱۷، ح ۳؛ عیون أخبار الرضا عَلَيْهِ السَّلَام، ج ۱، ص ۶، ح ۳۶؛ بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۱۳۳، ح ۴.

۲. إعلام الوری، باب ۲۶، ص ۴۰، ح ۱؛ بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۱۳۲-۱۳۳.

دوران ظهور و ارزش آنان مطالب مهمی فرمود تا به این قسمت از کلام رسید:

يَا أَبَا خَالِدٍ إِنَّ أَهْلَ زَمَانٍ غَيْبَتِهِ وَالْقَائِلِينَ بِإِمَامَتِهِ وَالْمُنْتَظِرِينَ لظُهُورِهِ عليه السلام أَفْضَلُ مِنْ أَهْلِ كُلِّ زَمَانٍ لِأَنَّ اللَّهَ تَعَالَى ذَكَرَهُ أَعْطَاهُمْ مِنَ الْعُقُولِ وَالْأَفْهَامِ وَالْمَعْرِفَةِ مَا صَارَتْ بِهِ الْغَيْبَةُ عَنْهُمْ بِمَنْزِلَةِ الْمَشَاهِدَةِ وَجَعَلَهُمْ فِي ذَلِكَ الزَّمَانِ بِمَنْزِلَةِ الْمُجَاهِدِينَ بَيْنَ يَدَي رَسُولِ اللَّهِ عليه السلام بِالسَّيْفِ أُولَئِكَ الْمُخْلَصُونَ حَقًّا وَشِيعَتُنَا صِدْقًا وَالِدُّعَاةُ إِلَى دِينِ اللَّهِ سِرًّا وَجَهْرًا وَقَالَ عليه السلام أَنْتِظَارُ الْفَرَجِ مِنْ أَعْظَمِ الْفَرَجِ؛ اِی اباخالد، مردم در زمان غیبت (آخر الزمان) آن امام که به امامت و منتظر ظهور او معتقدند، بافضیلت تر از همه دوران هستند؛ برای اینکه خداوند تعالی به آنان عقل، بصیرت و معرفت عطا فرمود تا غیبت امام زمان علیه السلام نزدشان مانند مشاهده او باشد و آنان را در آخر الزمان در جایگاه مجاهدان به همراه رسول خدا صلی الله علیه و آله قرار داد که با شمشیر جهاد می کردند. آنان مخلصان حقیقی، شیعیان راستین ما و دعوت کنندگان به دین خدای صاحب عزت و جلال، در نهان و آشکار هستند و فرمود: انتظار فرج (مهدی موعود علیه السلام) خود از بزرگ ترین فرج و گشایش هاست.

۵-۱. پیشگویی امام باقر علیه السلام

شوق و اشتیاق امام باقر علیه السلام نیز وصف ناشدنی است. ایشان به کسانی غبطه می خوردند که در آخر الزمان زندگی می کنند و به آنان «طوبی لهم؛ خوشا به حالشان!» گفته و محبت خود را به افراد ثابت قدم در آن دوران نشان داده است:

عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام أَنَّهُ قَالَ: يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ يَغِيبُ عَنْهُمْ إِمَامُهُمْ، فَيَا طُوبَى لِلثَّابِتِينَ عَلَى أَمْرِنَا فِي ذَلِكَ الزَّمَانِ؛ امام باقر علیه السلام فرمود: روزگاری بر مردم می آید که امام ایشان غایب می شود. پس خوشا به حال ثابت قدمان بر امر ما در آن زمان!

در روایت دیگری امام باقر علیه السلام با صراحت و حسرت، شرح بی قراری خویش را

۱. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۱، باب ۱، ص ۳۲۰، ح ۲؛ الإحتجاج، ج ۲، ص ۳۱؛ بحار الأنوار، ج ۳۶، باب ۴۴، ص ۳۸۶-۳۸۷، ح ۱.

۲. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۱، ح ۳۳؛ علی بن عبد الکرم، نیلی نجفی، منتخب الأنوار المضیئة، ص ۷؛ بحار الأنوار، ج ۵۲، باب ۲۲، ص ۱۴۵، ح ۶۶.

این‌گونه بیان کرده است: «أَمَّا أَنِّي لَوَادِرْكُتْ ذَلِكَ لَأَسْتَبْقِيَتْ نَفْسِي لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ؛^۱ امام باقر علیه السلام فرمود: آگاه باشید: قطعاً اگر من آن روزگار را درک می‌کردم، هر آینه جانم را فدای صاحب این امر می‌نمودم».

۶-۱. پیشگویی امام صادق علیه السلام

معروف است که وقتی نام مبارک آخرین ذخیره خداوند تعالی نزد امام صادق علیه السلام برده می‌شد، ایشان با حسرتی از ضمیر و جان خود می‌فرمود: «وَلَوْ أَدْرَكْتُهُ لَخَدِمْتُهُ أَيَّامَ حَيَاتِي؛^۲ و اگر ذخیره الهی را درک می‌کردم، همه عمرم را در خدمت او می‌گذراندم». از ابن ابی عمیر نقل شده است که امام صادق علیه السلام فرمود: «أَمَّا أَنَا فَلَوْ أَدْرَكْتُهُ لَخَدِمْتُهُ وَ لَخَرَجْتُ مَعَهُ؛^۳ اگر من مهدی این امت را درک می‌کردم، به او خدمت و هر آینه با او خروج (رجعت) می‌نمودم».

در روایتی آمده است که امام صادق علیه السلام به احترام نام مهدی علیه السلام از جای خود برمی‌خاست و می‌ایستاد. وقتی از ایشان دلیل این امر را پرسیدند، فرمود:

برای آن امام، غیبتی طولانی است و این لقب یادآور دولت حقه آن حضرت و ابراز تأسف بر غربت اوست. بنابراین، آن حضرت از شدت محبت و مرحمتی که به دوستانش دارد، به هر کس که حضرتش را با این لقب یاد کند، نگاه محبت‌آمیز می‌کند. این از تجلیل و تعظیم آن حضرت است که هر بنده خاضعی در برابر صاحب عصر خود - هنگامی که مولای بزرگوارش به سوی او بنگرد - از جای برخیزد. پس باید برخیزد و تعجیل در امر فرج مولایش را از خداوند بخواهد.^۴

همچنین این برپا خاستن هنگام شنیدن نام قائم، نشانه آمادگی همه جانبه برای ظهور آن حضرت است. آیت الله سید محمود طالقانی در این باره می‌نویسد:

۱. الغیبة نعمانی، ص ۲۷۳، ح ۵۰.

۲. الغیبة نعمانی، ج ۱، ص ۲۴۵، ح ۴۶؛ بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۲۶، ح ۱۸؛ محمد بن علی، ابن شهر آشوب، المناقب، ج ۱، ص ۱.

۳. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۱، ص ۱۷۰-۱۷۱، ح ۲۶.

۴. میرزا حسین، نوری، نجم الثاقب، ص ۵۲۳؛ منتخب الأثر، ص ۶۴۰، ح ۴.

این دستور قیام، شاید برای احترام نباشد؛ وگرنه، برای خدا و رسول و اولیای بزرگوار دیگر هم باید با قیام احترام کرد، بلکه دستور آمادگی و فراهم کردن مقدمات نهضت جهانی و در صف ایستادن برای پشتیبانی این حقیقت است. دینی که پیشوایان حق آن دستور می دهند که چون نام صریح «قائم»، مؤسس دولت حقه اسلام برده می شود، بر پا بایستید و آمادگی خود را برای انجام تمام دستورات اعلام کنید و خود را همیشه نیرومند و مقتدر نشان دهید، هیچ وقت نخواهد مرد.^۱

امام صادق علیه السلام در آرزوی دیدار روی چهره ماه مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می سوزد و پریشان خاطر است. در روایت آمده است که امام صادق علیه السلام در حالی که لباس ساده و بی گریبان پوشیده و روی خاک نشسته بود، همچون مادر فرزند مرده ناله سر می داد و سرشک از دیدگان می بارید و با آن محبوب نیامده، نجوا می کرد.^۲ شیخ صدوق حدیث مفصلی را از امام صادق علیه السلام نقل می کند:

ستقع بالسادس من ولدی وهو الثاني عشر من الأئمة الهداة بعد رسول الله صلی الله علیه و آله، أولهم أمير المؤمنين علي بن أبي طالب وآخرهم القائم بلحق بقية الله في الأرض وصاحب الزمان؛^۳ همانا زود است که ششمین فرزند من غایب شود. او دوازدهمین نفر از امامان هدایتگر پس از رسول خدا صلی الله علیه و آله است که اول آنها امیرمؤمنان و آخر آنها قائم بر زمین و صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است.

۷-۱. پیشگویی امام موسی کاظم علیه السلام

اشتیاق دیدار و یقین به ظهور مهدی صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف به گونه ای است که راویان احادیث نیز به دنبال قائم آل محمد صلی الله علیه و آله می گردند و هر امامی را که در زمانشان می دیدند، همان مهدی موعود می پنداشتند. امامان معصوم علیهم السلام ضمن تأیید این امر که همه امامان برای هدایت آمده اند و به معنایی «مهدی» هستند، بیان می کردند که ما آن مهدی موعودی نیستیم که عالم منتظر اوست و در آخر الزمان ظهور می کند.

۱. مجموعه حکمت، ۱ و ۲، به نقل از محمد رضا، حکیمی، خورشید مغرب، ص ۲۶۵.

۲. کمال الدین و تمام النعمة، ص ۳۵۳.

۳. همان، ج ۱، ص ۳۳؛ اعلام الوری، ص ۲۸؛ بحار الأنوار، ج ۴۲، ص ۷۹، ح ۸.

امام موسی کاظم علیه السلام در پاسخ به این پرسش که «آیا شما مهدی هستید؟» ضمن انکار این امر، مهدی آخرالزمان معرفی می‌کند. یونس بن عبدالرحمان می‌گوید: به امام موسی بن جعفر علیه السلام عرض کردم:

يا بن رسول الله! أنت القائم بالحق؟! قال: أنا القائم بالحق ولكن القائم الذي يطهر الأرض من أعداء الله ويملاها عدلاً وقسطاً كما ملئت جوراً، هو الخامس من ولدي، له غيبة يطول أمدها؛ أي فرزند رسول خدا، آیا شما قائم برحق هستید؟ فرمود: من قائم به حقم، ولی قائمی که زمین را از دشمنان خدا پاک می‌کند و آن را از عدل و داد پر می‌کند، آن طور که از جور پر شده باشد، پنجمین نفر از اولاد من است. برای او غیبتی طولانی خواهد بود.

۸-۱. پیشگویی امام علی بن موسی الرضا علیه السلام

امام علی بن موسی الرضا علیه السلام نیز مانند امامان دیگر در انتظار مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف است و یقین دارد که یکی از فرزندان او در آخرالزمان ظهور می‌کند و به جهان طعم آرامش و آسایش را می‌چشاند.

الف. گریه اهل آسمان و زمین

شیخ صدوق از قول امام علی بن موسی الرضا علیه السلام درباره مهدی صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف نقل می‌کند: «يبكي عليه أهل السماء وأهل الأرض وكل حرى وحران؛^۱ اهل آسمان و زمین و هر زن و مرد دل سوخته و هر دل غمگین و اندوهگین بر آن حضرت (امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف) گریه می‌کند».

ب. امامی همچون آب گوارا

عروسی حویزی در روایتی به سند ابوبصیر در تأویل آیه «قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَعِينٍ؟^۲ بگو: به من خبر دهید که اگر آب‌های (سرزمین) شما در

۱. کفایة الأثر، ص ۲۶۹؛ کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۳۶۱، ح ۵؛ کشف الغمة، ج ۲، ص ۵۲۴؛ إعلام الوری، ص ۴۳۳؛ حسین بن محمد تقی، نوری (محدث نوری)، مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۲۸۲، ش ۶-۱۴۰۹۸؛ بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۱۵، ح ۶.

۲. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۳۷، ح ۳؛ بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۱۵۲، ح ۲.

۳. ملک: ۳۰.

زمین فرورود، چه کسی می‌تواند آب جاری و گوارا در دسترس شما قرار دهد»، بیان می‌کند که امام باقر علیّه فرمود:

هذه نزلت في الامام القائم يقول: ان أصبح امامكم غائبا عنكم لا تدرّون اين هو؟ فمن يأتيكم بامام ظاهر يأتيكم باخبار السماوات والأرض وحلال الله و حرامه، ثم قال عليّه: والله ما جاء تأويل هذه الآية ولا بد ان يجيء تأويلها اين آيه درباره امام قائم علیّه نازل شده است. می‌گوید: اگر امامتان از شما غایب شود و ندانید کجاست، چه کسی برای شما امام می‌فرستد که اخبار زمین و آسمان و حلال و حرام خدا را برای شما بیاورد. سپس فرمود: قسم به خدا! تأویل این آیه نیامده و سرانجام خواهد آمد.

در این آیه به صراحت از امام زمان علیّه به آب تعبیر شده است؛ زیرا آب سبب زندگی دوباره همه موجودات است. مفسرانی چون عروسی حویزی و دیگران نیز نقل می‌کنند:

سئل الرضا علیّه عن قول الله عزوجل: قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَعِينٍ، فقال عليّه: ماءكم أبوابكم الائمه والائمه أبواب الله فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَعِينٍ اِي يَأْتِيكُمْ بعلم الامام؟ فضال بن ايوب گوید: از امام رضا علیّه درباره این آیه مبارک پرسیدند، فرمود: «مائکم»؛ یعنی «ابوابکم» که امامان هستند و آن‌ها ابواب و درهای رحمت الهی‌اند.

براساس این احادیث، هرکدام از ائمه هدی علیّه درهای الهی بین خدا و خلق هستند و اگر این درها بسته شود، همه راه‌ها و درهایی که سرچشمه زندگی معنوی انسان‌ها به سوی خداست، بسته خواهد شد.

امام رضا علیّه در تأویل این قسمت از آیه «فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَعِينٍ» می‌فرماید:

۱. عبد علی بن جمعه، حویزی، تفسیر نور الثقلین، ج ۵، ص ۳، ۷ و ۸، ش ۴۱: محمد بن علی، شریف لاهیجی، تفسیر شریف لاهیجی، ج ۴، ص ۵۳۹: حسین شاه، عبد العظیمی، تفسیر اثنی عشری، ج ۱۳، ص ۲۵۷: کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۳۲۶: الغيبة طوسی، ص ۱۵۸.

۲. سید هاشم بن سلیمان، بحرانی، البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۵، ص ۴۴۹: تفسیر نور الثقلین، ج ۵، ص ۳۸۶، ش ۳۸: تفسیر قمی، ج ۲، ص ۳۷۹: تفسیر صافی، ج ۵، ص ۲۰۶: بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۵: علی، دوانی مهدی موعود علیّه (ترجمه جلد سیزدهم بحار)، ص ۲۵۵-۲۵۶.

«منظور، علم امام است که برای شما می‌آورد».

شیخ صدوق در کتاب ارزشمند عیون أخبار الرضا علیه السلام و کمال الدین و تمام النعمه می‌نویسد: عبد العزیز بن مسلم گفت: روز جمعه در مرو خدمت امام علی بن موسی الرضا علیه السلام رسیدم. ایشان پس از بیان مطالب فراوان و سخنرانی طولانی در مقام و عظمت امام فرمودند:

آیا مردم به قدر امامت و جایگاه آن در امت پی برده‌اند و درباره آن شناخت دارند تا اختیار ایشان در آن جایز باشد؟ بی‌تردید امامت قدری جلیل‌تر، شأنی عظیم‌تر، مکانی بلندتر، جانبی منیع‌تر و باطنی عمیق‌تر از آن دارد که مردم از نظر عقل و خرد خود به آن رسند یا آنکه به اختیار خود امامی را منصوب کنند. بدون شک امامت جایگاهی است که خداوند، ابراهیم خلیل را پس از نبوت و مقام خلیل الهی در مرتبه سوم به آن مخصوص کرده و فضیلتی است که به آن مشرف فرموده و نامش را بلندآوازه کرده است. به‌راستی امامت، جایگاه و مرتبه پیامبران و میراث جانشینان آنان است. امامت، خلافت خدا و رسول او و مقام امیرمؤمنان و میراث حسن و حسین علیهما السلام است.

به‌راستی امام سر رشته امور دین، نظام کار مسلمانان، موجب صلاح دنیا و عزت اهل ایمان است. امام، پایه و ریشه اسلام بالنده و رو به رشد و شاخه بلند و والای آن است. در پرتو امام است که نماز، زکات، روزه، حج و جهاد کامل می‌شود، غنایم (بی‌تاخت و تاز و خون‌ریزی) و صدقات، فراوانی می‌یابد، حدود و احکام اجرا و مرزها و اطراف کشور اسلامی حفظ و نگهبانی می‌شود. امام است که حلال خدا را حلال و حرام خدا را حرام می‌کند، حدود الهی را جاری می‌سازد و از دین خدا دفاع کرده، مردم را با حکمت، پند نیکو و دلیل قاطع به راه خدا دعوت می‌کند.

امام، همچون خورشید درخشانی است که نورش جهان را فرا می‌گیرد و جایگاهش در افق به‌گونه‌ای است که نه دست‌ها به آن می‌رسد و نه دیدگان توان دیدنش را دارد.

امام، ماه (شب چهارده) تابان است؛ چراغ درخشان، نور طالع و ستاره راهنما در شب‌های تاریک و بیابان‌های بی‌آب و علف و دریا‌های پرگرداب است.

امام، (گمشدگان را) چون آتشی بر بلندی و گرمابخش سرمازدگان است و در حوادث هولناک راهنماست و هر که از او جدا شود، نابود می‌گردد.

امام، ابری پر باران، بارانی پربرکت، آسمانی سایه‌افکننده، زمینی گسترده، چشمه‌ای جوشان و برکه و گلستان است.

امام، امانت‌داری همراه و رفیق، و پدری خیرخواه، برادری مهربان و پناهگاهی برای بندگان است.

امام، امین خدا بر زمین، حجت او بر بندگان، خلیفه او در سرزمین‌های خدا، دعوت‌کننده به سوی خدا و نگاه‌دارنده و مدافع حریم اوست.

امام، از گناهان پاک و از هر عیبی برکنار است. او به دانش مخصوص و به حلم و بردباری معروف است.

امام، اساس و نظام دین و موجب عزت اهل اسلام، موجب خشم منافقان و هلاکت کافران است.

امام، یگانه عصر خویش است؛ نه کسی به پایه‌اش می‌رسد و نه دانشمندی هم‌تراز او است و نه جایگزینی دارد.

امام، هیچ مانندی ندارد و تمام فضایل - بی‌هیچ سعی و درخواستی - مخصوص اوست، بلکه این ویژگی و امتیاز از سوی خداوند با فضل و بخشنده به ایشان عنایت شده است.

پس با وجود این ویژگی‌ها چه کسی به معرفت امام می‌رسد یا کنه و صفش را درمی‌یابد؟ هرگز! هرگز! عقل و علم در او گم، خردها حیران، چشم‌ها بی‌فروغ، بزرگان کوچک، حکیمان متحیر، خطیبان الکن، خردمندان قاصر، دانایان جاهل، شاعران درمانده، ادیبان ناتوان و بلیغان عاجزند که شأنی از شئون و فضیلتی از فضایل امام را وصف کنند و به ناتوانی و تقصیر خود معترف‌اند؛ چه رسد به آنکه کنه او وصف یا چیزی از اسرار او فهمیده شود.^۱

امام علی بن موسی الرضا علیه السلام در ادامه این حدیث، وجود شریف امام را به آب گوارا برای

۱. اصول کافی، کتاب الحجّة، باب نادّ جامع فی فضل الإمام و صفاته، ح ۱؛ الغیبة نعمانی، ص ۲۱۷؛ عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۲۱۶-۲۱۷، ح ۱، باب ما جاء عن الرضا علیه السلام فی وصف الإمامة و الإمام و ذکر فضل الإمام و رتبته؛ کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۶۷۵-۶۷۷؛ الإحتجاج علی أهل اللجاج، ج ۲، ص ۴۳۳-۴۳۶.

تشنگان تشبیه می‌کند؛ به این ترتیب که انسان‌های تشنه هنگام تشنگی به این آب نیازمند هستند و به او پناه می‌برند: «الإمام الماء العذب على الظماء امام آب گوارا هنگام تشنگی است».

براساس این حدیث باید بدانیم که امام زمان علیه السلام نیز آب گوارا در عصر تشنگی غیبت است که به او بسیار نیاز داریم.

همچنین امام رضا علیه السلام در حدیثی دیگر، مؤمنان تشنه، ولی بی‌بهره از آب گوارا را در دوران غیبت و حیرت چنین توصیف می‌کند: «وَكَمْ مِنْ مُؤْمِنٍ مُتَأَسِّفٍ حَيْرَانَ حَزِينٍ عِنْدَ فَقْدَانِ الْمَاءِ الْمَعِينِ»^۱ چه بسیار مؤمن دل‌سوخته‌ای که در نبود آب گوارا در حیرت و اندوه به سر می‌برد.

امام علی بن موسی الرضا علیه السلام هنگام توصیف حجت خدا اشک می‌ریخت و به احترام نام مقدس قائم از جا برمی‌خاست و دستان مبارکش را بر سر می‌گذاشت و با آهی سوزان دعا می‌کرد: «خدایا! فرجش را برسان و قیامش را آسان کن».^۲

ج. شعر دعبل در وصف حضرت حجت علیه السلام

داستان علاقه، اشتیاق و بی‌قراری امام علی بن موسی الرضا علیه السلام به فرزندش مهدی علیه السلام را نمی‌توان با چند مورد توصیف کرد. از این رو، تنها به داستان دعبل خزاعی، شاعر شیعی سده سوم اشاره می‌کنیم. صالح هروی به نقل از دعبل می‌گوید: قصیده‌ای را برای مولایم امام علی بن موسی الرضا علیه السلام خواندم که آغاز آن چنین بود:

مَدَارِسُ آيَاتٍ خَلَّتْ مِنْ تِلَاوَةٍ وَ مَنْزِلٌ وَحَى مُقْفَرُ الْعَرَصَاتِ

تا وقتی به این اشعار درباره مهدی موعود علیه السلام رسیدم:

خُرُوجُ إِمَامٍ لَا مَحَالَهَ وَقَعٌ يَقُومُ عَلَى اسْمِ اللَّهِ وَ الْبَرَكَاتِ
يَمِيزُ فِينَا كُلَّ حَقٍّ وَ بَاطِلٍ وَيَجْزِي عَلَى النِّعْمَاءِ وَ النِّقَمَاتِ

۱. همان.

۲. عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۶؛ بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۸، ح ۲۸.

۳. منتخب الأثر، ص ۵۰۶، (به نقل از کتاب آفتاب در نگاه خورشید).

دعبل در این آیات می گوید: خروج امام زمان علیه السلام به طور حتم واقع خواهد شد؛ او که بر نام خدا و برکات قیام خواهد کرد، در بین ما هر حق و باطلی را تمیز خواهد داد و بر نعمت ها و مصیبت ها جزا خواهد بخشید.

بکی الرضا علیه السلام بکاءً شديداً، ثم رفع رأسه إلى، فقال لي: يا خزاعي، نطق روح القدس على لسانك بهذين البيتين فهل تدري من هذا الإمام ومتى يقوم؟
فقلت: لا يا مولاي إلا أني سمعت بخروج إمام منكم يطهر الأرض من الفساد و يملأها عدلاً.

فقال: يا دعبل، الإمام بعدى محمد ابني، وبعد محمد ابنه علي وبعد علي ابنه الحسن وبعد الحسن ابنه الحجة القائم المنتظر في غيبته المطاع في ظهوره لو لم يبق الدنيا الا يوم واحد لطول الله ذلك اليوم حتى يخرج فيملا الأرض عدلاً كما ملئت جوراً.

آن گاه امام به شدت گریست و فرمود: ای دعبل، در این دو بیت، روح القدس بر زبانت سخن نهاده است. آیا می دانی این امام کیست و چه زمانی ظهور خواهد کرد؟ عرض کردم: نه سرورم! جز اینکه از اهل آن شنیده ام که امامی از شما خاندان وحی و رسالت قیام خواهد کرد و زمین و زمان را از تباهی و فساد پاک و از عدل و داد لبریز خواهد نمود.

امام فرمود: ای دعبل، امام پس از من، پسر محمد است و پس از او، پسرش علی و پس از او، پسرش حسن و پس از او، پسرش حجت قائم علیه السلام است. او کسی است که در غیبتش دیدگان در انتظارند و پس از ظهور مبارکش فرمان او را به جان می خرند. اگر از عمر جهان جز یک روز باقی نمانده باشد، خداوند آن روز را آن قدر طولانی خواهد کرد که او ظهور کند و زمین را از عدل و داد پر کند؛ همان گونه که هنگام ظهورش از ستم و بیداد لبریز است.

آن گاه امام رضا علیه السلام افزود: وأما متى يقوم؛ فاخبار عن الوقت ولقد حدثني أبي عن أبيه عن آبائه عن علي عليه السلام؛ أن النبي صلى الله عليه وآله قيل له: يا رسول الله! متى يخرج القائم من ذريتك؟

فقال صلى الله عليه وآله؛ مثله مثل الساعة (القيامة) لا يجليها لوقتها لا هو، ثقلت في السماوات والأرض، لا يأتيكم الا بغتة.

اما از زمان قیام و ظهور مهدی علیه السلام پرسیدی؛ پدران گران‌قدم آورده‌اند که از پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله از وقت قیام فرزندش پرسیدند، فرمود: داستان قیام و ظهور مهدی علیه السلام، مانند داستان برپایی قیامت است که جز خدا هیچ‌کس از زمان آن آگاه نیست. این واقعیت بر آسمان‌ها و زمین گران است و زمان ظهور آن حضرت به ناگاه به شما خواهد رسید.^۱

د. دعا برای فرج در قنوت روز جمعه

امام رضا علیه السلام در قنوت نماز جمعه خود، در اشتیاق ظهور امام عصر علیه السلام این دعا را می‌خواند:

اَللّٰهُمَّ اَصْلِحْ عَبْدَكَ وَ خَلِيفَتَكَ بِمَا اُصْلَحْتَ بِهِ اَنْبِيَاءَكَ وَ رُسُلَكَ وَ خُفِّهِ بِمَلَايِكَتِكَ وَ اَيِّدْهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ مِنْ عِنْدِكَ وَ اسْلِكْهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ رَصْدًا يَحْفَظُوْنَهُ مِنْ كُلِّ سُوْءٍ وَ اَبْدِلْهُ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِ اَمْنًا يَغْبُذُكَ لَا يَشْرِكُ بِكَ شَيْئًا وَ لَا تَجْعَلْ لِاَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ عَلٰى وَّلِيِّكَ سُلْطٰنًا وَ اُذْنٌ لَهُ فِيْ جِهَادِ عَدُوِّكَ وَ عَدُوِّهِ وَ اجْعَلْنِيْ مِنْ اَنْصَارِهِ، اِنَّكَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ^۲ بار الها، کار ظهور بنده شایسته و خلیفه راستینت (امام مهدی علیه السلام) را سامان ده؛ همان‌گونه که کار پیامبران و فرستادگانت را اصلاح کردی. از فرشتگانت، نگاهبانانی بر او بگمار و از سوی خویش با روح القدس او را یاری و پشتیبانی فرما. دیده‌بانانی که از هر گزندی نگاهش دارند، از پیش رو و پشت سر همراه وی گردان و ترس و هراس او را به امن و امان دگرگون کن که او تو را می‌پرستد و هیچ‌چیز را همتا و مانند تو قرار نمی‌دهد و برای هیچ‌یک از آفریدگانت برتری و چیرگی به ولی خود قرار ندهد. او را در جهاد با دشمنت و دشمنش اجازه فرما و من را از یاوران او قرار ده که همانا تو بر هر کاری توانایی.

حضرت در این دعای پرسوز ضمن آرزوی سر و سامان یافتن ظهور حضرت، از

۱. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۳۷۲-۳۷۶، ح ۶؛ ينابيع المودة، ج ۳، ص ۳۰۹، ح ۱؛ كفاية الأثر، ص ۲۷۵-۲۷۷؛ كشف الغمة، ج ۲، ص ۳۱۸-۳۲۸؛ عيون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۲۶۳-۲۶۵، ح ۳۳؛ إعلام الوری، ص ۳۲۸-۳۳۱؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۳۹۳-۳۹۴، ح ۱۲۲۴۶-۹؛ بحار الأنوار، ج ۴۹، ص ۲۳۷-۲۳۸، ح ۶.

۲. بحار الأنوار، ج ۸۶، ص ۵۱؛ محمد بن حسن، طوسی، مصباح المتهجد، ص ۳۶۶-۳۶۷؛ علی بن موسی، سید بن طاووس، جمال الأسبوع، ص ۴۱۳.

حداوند متعال می خواهد همان طور که کار پیامبرانش را اصلاح کرده، امدادهای غیبی خود را نیز شامل حال او بگرداند.

۹-۱. پیشگویی امام جواد علیه السلام

هرچه به دوران ولادت مهدی موعود علیه السلام نزدیک می شویم، بی قراری و مشتاقی بیشتری را از ائمه علیهم السلام شاهد هستیم. به همین دلیل، امام جواد علیه السلام تا نام فرزندش حجت بن الحسن علیه السلام را بر زبان می آورد، به شدت گریه می کرد؛ زیرا ایشان نیز مانند معصومان علیهم السلام دیگر یقین داشت که مهدی علیه السلام می آید و جهان سرشار از ظلم و بیداد را از عدل و داد پر می کند.

شیخ صدوق به نقل از صقر بن ابی دلف بیان می کند که امام جواد علیه السلام فرمود: الإمام بعدی ابني علی، أمره أمری وقوله قولي وطاعته طاعتي، والإمام بعده ابنه الحسن أمره أمر أبيه وقوله قول أبيه وطاعته طاعة أبيه. ثم سكت فقلت له: يا بن رسول الله! فمن الإمام بعد الحسن؟ فبكي بكاء شديداً، ثم قال: إن من بعد الحسن ابنه القائم الحق المنتظر؛ امام پس از من فرزندم علی است. امر او امر من، گفتار او، گفتار من و اطاعت او، اطاعت من است. امام پس از او، فرزندش حسن است. امر او امر پدرش، گفتار او گفتار پدرش و اطاعت او اطاعت پدرش می باشد. سپس امام سکوت کردند. عرض کردم: ای فرزند رسول خدا، امام پس از حسن علیه السلام کیست؟ حضرت به شدت گریه کردند و سپس فرمودند: همانا پس از حسن، فرزندش، قائم علیه السلام امام برحق توست که ظهورش را انتظار می کشند.

۱۰-۱. پیشگویی امام هادی علیه السلام

امام هادی علیه السلام افزون بر علاقه و اشتیاق، وظیفه دیگری برعهده داشت و آن هم آماده کردن شرایط برای ولادت فرزند امام حسن عسکری علیه السلام بود؛ شرایطی مانند انتخاب همسر برای امام حسن عسکری علیه السلام، چگونگی ولادت و تولد مخفی امام مهدی علیه السلام و نیز غیبت صغری و کبری.

نخستین گام در این راه پر فراز و نشیب، انتخاب همسر برای امام حسن عسکری علیه السلام، پدر گرامی امام عصر علیه السلام بود.

داستان انتخاب همسر برای آن حضرت، قصه‌ای واقعی و عجیب است که باید با دقت همه مراحل آن را از انتخاب حضرت نرجس تا تولد فرزندش مهدی موعود علیه السلام به درستی خواند تا عظمت این رسالت بزرگ نمایان شود.^۱

در نگرانی و بی‌قراری امام همان بس که دستور می‌دهد برای حفظ جان مبارک حجت بن الحسن عسکری علیه السلام که امانت الهی است، در آن روزگار پراضطراب و ناامن خلفای جور عباسی، کسی نامش را نبرد تا جان آن باقی‌مانده الهی از تمام بلاها و ظلم ستم‌پیشگان دوران در امان بماند. داوود بن قاسم جعفری می‌گوید:

از امام هادی علیه السلام شنیدم که می‌فرمود: الخلف من بعدی الحسن، فكيف بكم بالخلف من بعد الخلف؟ فقلت: ولم جعلني الله فداك! فقال: إنكم لا ترون شخصه ولا يحل لكم ذكر اسمه. قلت: فكيف نذكره؟ فقال: قولوا: الحجة من آل محمد عليه السلام؛^۲ جانشین پس از من فرزندان امام حسن علیه السلام است. پس درباره جانشین او پس از جانشین من چگونه خواهید بود؟ راوی گوید: عرض کردم: خداوند من را فدای تو گرداند! چرا؟ امام ابوالحسن هادی علیه السلام فرمود: زیرا شما شخص او را نمی‌بینید و نام بردن اسم او بر شما حلال نیست. عرض کردم: پس چگونه یادش کنیم؟ فرمود: بگویید: حجت از آل محمد علیه السلام.

۱۱-۱. پیشگویی امام حسن عسکری علیه السلام

اوج این اشتیاق را در وجود امام حسن عسکری علیه السلام، پدر گرامی ولی الله الأعظم علیه السلام می‌بینیم. او که در مرحله عالی انسان کامل و خداپرستی است، خدا را شکر می‌کند که می‌تواند جمال زیبای فرزند گرامی و محبوبش را پیش از ظهور ببیند؛ همان فرزندی که

۱. رک. ترجمه اعیان الشیعه، جزء امام مهدی علیه السلام؛ محسن، امین، آشنایی با امام زمان علیه السلام؛ نقش زنان در انقلاب جهانی خاتم اوصیاء علیه السلام؛ نقش خانم نرجس (ملیکه)، بخش ۱۱.

۲. الإرشاد، ج ۲، ص ۳۲۰؛ کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۳۸۱؛ اصول کافی، ج ۱، ص ۳۲۸؛ بحار الأنوار، ج ۵، ص ۲۴۰؛ محمد بن علی، ابن بابویه (شیخ صدوق)، علل الشرایع، ج ۱، ص ۲۴۵؛ کشف الغمة، ج ۲، ص ۴۴۹؛ إعلام الوری، ص ۳۷۰.

همه پیامبران، اوصیا، حضرت فاطمه زهرا علیها السلام و امامان معصوم علیهم السلام مشتاق دیدارش بودند. امام حسن عسکری علیه السلام در حدیثی که شیخ صدوق از علی بن احمد رازی و او هم از احمد بن اسحاق نقل می‌کند، چنین نوشته است:

لِلْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يُخْرِجْنِي مِنَ الدُّنْيَا حَتَّى أُرَانِي الْخَلْفَ مِنْ بَعْدِي أَشْبَهَ النَّاسِ بِرَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله خَلْقاً وَخُلُقاً يَحْفَظُهُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى فِي غَيْبَتِهِ ثُمَّ يَظْهَرُهُ فَيَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَقِسْطًا كَمَا مِلْتُ جَوْرًا وَظُلْمًا؛ ستایش خداوندی را سزااست که من را از دنیا خارج نکرد تا اینکه جانشین مرا به من نشان داد. او شبیه‌ترین مردم به رسول خدا صلی الله علیه و آله از نظر خلقت و اخلاق است. خداوند او را در زمان غیبت حفظ خواهد کرد، سپس او ظهور می‌کند و زمین را از عدل و قسط پر می‌کند؛ چنان‌که پر از جور و ستم بود.

۱-۱۲. پیشگویی امام زمان علیه السلام درباره مدعیان نیابت خاصه در غیبت کبری
امام زمان علیه السلام شش روز قبل از وفات علی بن محمد سمری، چهارمین و آخرین نایب خاص امام در غیبت صغری، توقیعی به او دادند که چند پیشگویی در آن آمده بود:

۱. علی بن محمد سمری تا شش روز دیگر طعم مرگ را خواهد چشید.
۲. امر نیابت خاصه پس از او (در سال ۳۲۹ ق) به پایان می‌رسد.
۳. از شش روز دیگر به امرالهی غیبت کبری آغاز می‌شود.
۴. ظهوری واقع نمی‌شود، مگر به اذن الاهی: «فَلَا ظُهُورَ إِلَّا بَعْدَ إِذْنِ اللَّهِ تَعَالَى ذِكْرُهُ وَ ذَلِكَ بَعْدَ طُولِ الْأَمَدِ وَقَسْوَةِ الْقُلُوبِ وَامْتِلَاءِ الْأَرْضِ جَوْرًا؛ ظهوری نیست مگر به اجازه خداوند متعال و آن هم پس از زمان طولانی و قساوت دل‌ها و فراگیر شدن زمین از جور و ستم».
۵. در زمان غیبت کبری هرکس مشاهده آن حضرت یا نیابت خاصه ایشان را ادعا کند،

۱. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۴۰۸، ح ۷؛ بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۱۶۱، ح ۹.

۲. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۵۱، ح ۱.

به یقین دروغ‌گوست و سخن او رد خواهد شد.

علی بن محمد سمري پس از شش روز دار فانی را وداع گفت و بعد از او، امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف دیگر نایب خاصی نداشت. پس از وفات علی بن محمد سمري، غیبت کبری در سال ۳۲۹ قمری آغاز شد و این غیبت تا آخرالزمان ادامه دارد که قساوت قلب‌ها فراوان می‌شود و جهان را ستم فرامی‌گیرد.

پیشگویی دیگر در این توقیع مبارک آن است که به زودی افرادی از شیعیان، ادعای دیدن امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف را خواهند کرد که این ادعا دروغ است؛ زیرا پیش از خروج سفیانی و صیحه ظهور، ادعای مشاهده حضرت کذب محض است.

متن توقیع امام در کتاب‌های موثق آمده و شیخ طوسی هم آن را به نقل از عده‌ای مانند ابن بابویه روایت کرده است. او گفت حسن بن احمد مکتب برای من نقل کرد: من در سال ۳۲۹ قمری در مدینه بودم که علی بن محمد سمري توقیعی از امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را به مردم نشان می‌داد و من نسخه‌ای از آن را نوشتم که چنین است:

بسم الله الرحمن الرحيم، يا علي بن محمد السَّمري اسمع أعظم الله أجراً إخوانك فيك فإِنَّكَ مَيِّتٌ مَا بَيْنَكَ وَبَيْنَ سِتَّةِ أَيَّامٍ فَاجْمَعْ أَمْرَكَ وَلَا تُوصِلْ إِلَى أَحَدٍ يَقُومُ مَقَامَكَ بَعْدَ وَفَاتِكَ فَقَدْ وَقَعَتِ الْغَيْبَةُ الثَّامَّةُ فَلَا ظَهْرَ إِلَّا بَعْدَ إِذْنِ اللَّهِ تَعَالَى ذِكْرُهُ وَذَلِكَ بَعْدَ طُولِ الْأَمَدِ وَقَسْوَةِ الْقُلُوبِ وَامْتِلَاءِ الْأَرْضِ جَوْرًا وَسَيِّئَاتِي مِنْ شِيعَتِي مَنْ يَدَّعِي الْمَشَاهِدَةَ إِلَّا فَمَنْ ادَّعَى الْمَشَاهِدَةَ قَبْلَ خُرُوجِ السُّفْيَانِي وَالصَّيْحَةِ فَهُوَ كَذَّابٌ مُفْتَرٍ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ؛ به نام خداوند بخشنده مهربان. ای علی بن محمد سمري، خداوند به بازماندگان تو صبر عطا کند؛ زیرا تو تا شش روز آینده از دنیا خواهی رفت. پس کارهای خود را سامان ده و کسی را در مقام جانشین خود معرفی نکن؛ زیرا زمان غیبت دوم (غیبت کبری) فرارسیده است. پس از این ظهوری نخواهد بود، مگر به اذن الهی و این پس

۱. الغيبة، ص ۳۹۵؛ الإحتجاج، ج ۲، ص ۴۷۸؛ كشف الغمة، ج ۲، ص ۵۳۰؛ کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۵۱۶، ح ۴۴؛ منتخب الأنوار المضية، ص ۱۳۰؛ إعلام الوری، ص ۴۴۵؛ فضل بن حسن، طبرسی، الصراط المستقیم، ج ۲، ص ۲۳۶؛ الخرائج و الجرائح، ج ۳، ص ۱۱۲۸-۱۱۲۹؛ بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۵۱، باب ۲۳.

از زمانی طولانی و قساوت دل‌ها و پر شدن زمین از جور خواهد بود. به زودی کسانی در میان شیعیان من پیدا خواهند شد که مدعی مشاهده و دیدار من هستند؛ آگاه باشید که هرکس پیش از خروج سفیانی و صیحه، چنین ادعایی کردند، دروغ‌گو و مفتری است ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم.

الف. مدعیان دروغین نیابت خاصه یا مدعیان مهدویت

با توجه به تأکیدهای پی‌درپی پیامبر خاتم ﷺ در حدود ۱۴۰۰ سال پیش بر اینکه مهدی ﷺ می‌آید و جهان را از عدل و داد پر می‌کند و هزاران حدیثی که امامان معصوم درباره مهدی موعود ﷺ روایت و نقل کردند، از همان صدر اسلام، افراد فراوانی نیابت خاصه یا حتی مهدی بودن را ادعا کرده‌اند.^۱

مدعیان دروغین در گوشه و کنار کشورهای اسلامی با نقشه‌های سیاسی و استعماری برای به دست آوردن قدرت و جاه‌طلبی سر برآورده‌اند و این ادعا تا ظهور حجت بن الحسن العسکری ﷺ همچنان مدعی دارد. اسامی تعدادی از مدعیان دروغین مهدویت در طول تاریخ اسلام عبارت است از:

ابوعبیده ثقفی، کی خسرو، ابوالحسن زید بن علی، ابوالعباس سفاح، ابومسلم امین آل محمد (معروف به ابومسلم خراسانی)، ابن مقفع، ابومحمد عبدالله مهدی، حاکم بامر الله، ابوعبدالله مغربی، مهدی سودانی، عباس الریفی، الرَّجُلُ الْجَبَلی، توزری، الرَّجُلُ الطرابلسی، السید محمد الجونیپوری الهندی، سید محمد مشهدی، موسوی کردی، ابوالکرم دارانی، شیخ علایی، عبدالله عجمی، بنگالی، محمد بن احمد سودانی، شیخ سعید یمانی، السید محمد بن علی بن احمد الإدریسی، الشیخ شمس‌الدین محمد الفریانی بن احمد المغربي، الشیخ المغربي، الرجل المصري، محمد بن عبدالله، محمد قرمانی، غلام احمد قادیانی، میرزا طاهر (مشهور به حکاک)، شیخ مهدی قزوینی، سید محمد کجراتی هندی، سید محمد همدانی، سید ولی الله اصفهانی، میرزا حسن همدانی، غلامرضا شاه (معروف به مرکب‌ساز)، سید علی شاه هندی، هاشم شاه نوربخش، شیخ

۱. رک. ینابیع المودة، ج ۲، ص ۱۰۳، به نقل از الجامع الصغیر، ج ۲؛ معجم الکبیر، ج ۱۰، ص ۱۰۶، ح ۴۲۸۲.

عبدالقدیر بخارایی، میرزا بلخی، ملا عرشی کاشانی، سید علی موسوی، میرزا مشتاق علی شیرازی، بایزید ترکمانی، سید علی محمد باب، میرزا یحیی ازل، حسین علی عبدالبهاء و یوسف خواجه کاشغری.^۱

داستان مدعیان دروغین تا ظهور حضرت ادامه دارد و در کشور ما هم این مدعیان کم نبوده و نیستند؛ البته نظام جمهوری اسلامی با صراحت با آنان به مخالفت برخاسته تا مردم را با ادعای بی‌اساس خود فریب ندهند.

ب. سخن امام زمان علیه السلام درباره مدعیان دروغین
امام زمان علیه السلام در توقیعی به نقل از شیخ مؤثق ابوعمر عامری، نایب خاص امام فرمود: «وَلَا يَنَازِعُنَا مَوْضِعَهُ إِلَّا ظَالِمٌ آثِمٌ وَلَا يَدَّعِيهِ دُونَنَا إِلَّا جَاحِدٌ كَافِرٌ» و هیچ شخصی جز ظالمان گناهکار درباره منصب و مقام امامت با ما نزاع نکند و جز منکر کافر در برابر ما ادعای جانشینی نمی‌کند».

امام علی بن موسی الرضا علیه السلام، ضمن بیان حدیثی از امام صادق علیه السلام، درباره چگونگی برخورد شیعیان با مدعیان دروغین مهدویت می‌فرماید: «اسْكُنْ مَا سَكَنَتِ السَّمَاءُ مِنَ النَّدَاءِ وَالْأَرْضُ مِنَ الْخَسْفِ بِالْجَيْشِ»^۲ سکون و آرامش خودتان را حفظ کنید تا اینکه منادی از آسمان ندا دهد و لشکر سفیانی در زمین (خسف بیداء) فروروند».

به هر حال باید دانست که هرگاه حقیقتی معروف و مشهور نزد جماعتی وجود داشته باشد، همواره مدعیان دروغین آن حقیقت هم، بازاری برای فریب ساده‌دلان به راه خواهند انداخت و البته در این میان وظیفه هر عقل سالم و بی‌غرضی است که میان این بازارها با حقیقت ناب تمیز قائل شود.

۱. محمد، بهشتی، ادیان و مهدویت، ص ۷۱-۸۳؛ محمد بن عبدالکریم، شهرستانی، الملل و نحل، ج ۱، ص ۶۲، ۶۷، ۸۰، ۸۳، ۲۴۲، ۲۷۰ و ۲۸۴.

۲. الإحتجاج، ج ۲، ص ۴۶۷؛ الغيبة طوسی، ص ۲۸۶؛ منتخب الأنوار المضیئة، ص ۱۱۸-۱۲۰؛ بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۷۸-۱۸۰، ح ۹.

۳. الأمالی، ص ۴۱۲-۴۱۳، ح ۷۴-۹۲۶؛ الغيبة نعمانی، ص ۲۰۱، ح ۱۷؛ محمد بن علی، ابن بابویه (شیخ صدوق)، معانی الأخبار، ص ۲۶۷، ح ۱؛ عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۳۰۹ و ۳۱۱، ح ۷۵؛ بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۸۸-۱۸۹، ح ۱۶، ص ۹۰، ح ۱۷.

۲. رجعت ائمه هدی علیهم السلام

از جمله دلایل اشتیاق امامان معصوم علیهم السلام به ظهور مهدی موعود علیه السلام، رجعت آنان در زمان ظهور است؛ زیرا در روایات رجعت آمده که ائمه در زمان ظهور رجعت کرده، مهدی موعود علیه السلام را یاری می‌کنند. در بعضی روایات از رجعت امام علی علیه السلام سخن به میان آمده است.^۱ گفته شده امام حسین علیه السلام تا آخرین لحظه حیات طیبه امام زمان علیه السلام در کنار ایشان می‌ماند؛ شاید این امر آرامش خاطری برای مشتاقان آن حضرت باشد.

اللَّهُمَّ اكْشِفْ هَذِهِ الْغُمَّةَ عَنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ بِحُضُورِهِ، وَعَجِّلْ لَنَا ظُهُورَهُ، إِنَّهُمْ يَرَوْنَهُ بَعِيداً وَتَرَاهُ قَرِيباً، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ^۲ بارالها، این غم بزرگ (غیبت) را با ظهور او از این امت برطرف کن که آن‌ها (مخالفان) ظهورش را دور می‌پندارند و ما آن را نزدیک می‌بینیم، ای بخشنده‌ترین بخشنده‌ها.

۳. کتاب‌هایی درباره پیشگویی ظهور مهدی موعود علیه السلام

در طول زندگی یازده امام معصوم علیهم السلام، احادیث بسیاری درباره غیبت، ظهور و انتظار روایت شده است که شیعیان و مشتاقان ظهور به دلیل اشتیاق و علاقه شدید امامان معصوم علیهم السلام به دوران ظهور و دیدار جمال مهدی موعود علیه السلام آن‌ها را نوشته‌اند. این کتاب‌ها را در یک تقسیم‌بندی، از نظر زمان نگارش می‌توان به چهار گروه زمانی تقسیم کرد:

الف. قبل از غیبت صغری

این کتاب‌ها در طول زندگی یازده امام تا زمان شهادت امام حسن عسکری علیه السلام و آغاز امامت امام زمان علیه السلام (۲۶۰ ق/ ۸۷۴ م) نگاشته شده که حدود چهارصد کتاب است و به *الأصول الأربع مائة* یا *اصول چهارصدگانه* مشهور است. این اصول و کتاب‌ها در قرن‌های چهارم و پنجم، اساس جوامع روایی شیعه را تشکیل داده است. در برخی از این نوشته‌ها، احادیثی از رسول خدا صلی الله علیه و آله و ائمه هدی علیهم السلام نقل شده که در آن‌ها از غیبت،

۱. بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۷۴-۷۵، ح ۷۵.

۲. مغایع الجنان، دعای عهد: ابراهیم بن علی، کفعمی، بلد الامین.

چگونگی ظهور، مکان ظهور و یاران امام مهدی عجل الله تعالی فرجه بحث شده است. نام بعضی از آن‌ها به شرح زیر است:

۱. الغیبه: نوشته ابواسحاق ابراهیم بن صالح انماطی کوفی اسدی، از یاران حضرت موسی بن جعفر علیه السلام در موضوع غیبت که ابن قولویه این کتاب را با یک واسطه از او روایت کرده است.^۱

۲. الغیبه: نوشته ابوالحسن، علی بن حسن بن محمد طائی جرمی شاطری که معاصر امام موسی بن جعفر علیه السلام است.^۲

۳. الغیبه: نوشته ابوالحسن علی بن عمر اعرج کوفی که از یاران حضرت موسی بن جعفر علیه السلام است.^۳

۴. الغیبه: نوشته حسن بن علی بن ابی حمزه بطنینی که در عصر امام رضا علیه السلام می‌زیسته است.^۴

۵. الغیبه: نوشته ابوالفضل عباس بن هشام ناشری از یاران امام رضا علیه السلام که در سال ۲۲۰ هجری قمری درگذشته است.^۵

۶. الغیبه: نوشته ابومحمد فضل بن شاذان ازدی که افتخار شاگردی چهار امام معصوم را داشته است. شیخ طوسی نام او را در شمار یاران امام جواد، امام هادی و امام عسکری علیه السلام آورده است، اما نجاشی تردید کرده که او از یاران امام رضا علیه السلام و از راویان حدیث ایشان باشد. این تردید با توجه به روایاتی که از فضل در کتاب عیون اخبار الرضا علیه السلام،^۶ من لا یحضره الفقیه^۷ و علل الشرایع والأحكام آمده است، با تصریح نام فضل

۱. احمد بن علی، نجاشی، رجال نجاشی، ص ۲۸؛ محمد بن حسن، طوسی، الفهرست، ص ۷۵.

۲. رجال نجاشی، ص ۱۹۳؛ محمد بن حسن، طوسی، رجال طوسی، ص ۳۵۷؛ الفهرست، ص ۱۱۸.

۳. رجال نجاشی، ص ۱۹۴.

۴. محمد تقی شوشتری، قاموس الرجال، ج ۳، ص ۱۹۳؛ رجال نجاشی، ص ۲۸؛ الفهرست، ص ۷۵.

۵. رجال نجاشی، ص ۲۱۵؛ رجال طوسی، ص ۳۸۴؛ فهرست، ص ۱۴۷.

۶. عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۱۰۶ و ۱۲۸.

۷. محمد بن علی، ابن بابویه، من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۹۹، ۳۰۵، ۴۵۴، ۵۲۲ و ۵۴۱.

در آخر روایت به سماع او از امام رضا علیه السلام رفع می شود.

فضل بن شاذان متوفی ۲۶۰ هجری قمری، صاحب ۱۸۰ کتاب در حمایت از حریم مقدس ولایت است که یکی از آنها کتاب الغیبة است.^۱

۷. الملاحم و القائم: نوشته علی بن مهزیار که از دستیاران نزدیک امام جواد علیه السلام و نیز وکیل امام نهم و امام دهم در اهواز بود.

۸. المشیخه فی الغیبة: نوشته حسن بن محبوب (۲۲۴ ق / ۸۳۸ م) در موضوع غیبت است. او این کتاب را حدود صد سال قبل از ولادت امام مهدی علیه السلام نوشته است.^۲

۹. کتاب - که نام آن بر ما معلوم نیست - که ابراهیم بن اسحاق از معاصران امام حسن عسکری علیه السلام درباره مهدی موعود علیه السلام نوشته است.^۳

ب. در زمان غیبت صغری

این آثار، شامل کتاب هایی است که در طول غیبت صغری و نزدیک به آن (۳۲۹-۲۶۰ ق) نوشته شده است.

۱۰. الغیبة: تألیف ابراهیم بن اسحاق نهاوندی (۲۸۶ ق / ۸۹۹ م).

۱۱. الغیبة و الحیرة: تألیف عبدالله بن جعفر حمیری (۲۹۳ ق / ۹۰۵ م) که از دستیاران نزدیک امام دهم و امام یازدهم علیهم السلام بود.

۱۲. الامامة و التبصرة من الحیرة: تألیف ابن بابویه (۳۲۹ ق / ۹۴۰ م).

۱۳. الغیبة: تألیف محمد بن قاسم بغدادی، از معاصران نواب اربعه که آن را در سال ۳۳۲ ق نوشته است.^۴

۱۴. بخش الحجة از کتاب الکافی: تألیف ثقة الاسلام محمد بن یعقوب کلینی (۳۲۹ ق / ۹۴۰ م) که این کتاب ارزشمند را با زحمات شبانه روزی، در طول بیست سال تألیف کرده

۱. رجال نجاشی، ص ۲۳۵؛ رجال طوسی، ص ۴۲؛ الفهرست، ص ۱۵۰.

۲. اعلام الوری، ص ۴۱۶.

۳. رجال نجاشی، ص ۱۵۵؛ الفهرست، ص ۲۹.

۴. محمد محسن، آقا بزرگ تهرانی، الذریعة الی تصانیف شیعه، ج ۱۶، ص ۸۰.

است. بخش قابل توجهی از کتاب شریف *الکافی* با عنوان «الحجّة» به مسئله غیبت و ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه اختصاص یافته است.

ج. پس از غیبت صغری

کتاب‌هایی که در موضوع غیبت، پس از آغاز غیبت کبری از سال ۳۲۹ هجری قمری نوشته شده، عبارت است از:

۱۵. *الغیبة*: تألیف محمد بن ابراهیم بن جعفر نعمانی (۳۶۰ ق / ۹۷۰ م)، شاگرد کلینی و نخستین کسی که پس از مسعودی (۳۴۵ ق / ۹۵۶ م) تفسیر احادیث منسوب به ائمه علیهم السلام را از کتاب کلینی گرد آورد. در این کتاب ۴۷۸ روایت در ۲۶ باب آورده شده است.

۱۶. *کمال الدین و تمام النعمة*: تألیف ابوجعفر محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی معروف به شیخ صدوق (۳۸۱ ق / ۹۹۱ م) است.

عالمان شیعه نوشته او را مانند نص منقول و خبر مأثور می‌دانند.^۱ محتوای این کتاب بسیار ارزشمند براساس منابع اصلی نوشته شده قبل از سال ۲۶۰ هجری قمری است. شیخ صدوق انگیزه خود را از نگارش این کتاب، دستور امام زمان عجل الله تعالی فرجه در رؤیای صادقه‌اش عنوان کرده است.^۲ این کتاب *دائرة المعارف* روایی با دسته‌بندی و ترتیبی مناسب درباره وجود مقدس امام زمان عجل الله تعالی فرجه است.

۱۷. *الفصول العشرة فی الغیبة*: تألیف محمد بن محمد بن نعمان معروف به شیخ مفید (۴۱۳ ق / ۱۰۲۲ م) که از مراجع تقلید شیعیان امامیه بوده است.

۱۸. *الإرشاد*: تألیف شیخ مفید. او احادیث این کتاب را به روش کلینی و نعمانی نقل کرده است.

۱۹. *الغیبة*: تألیف محمد بن حسن طوسی، معروف به شیخ طوسی (۴۶۰ ق / ۱۰۶۷ م) که از برجسته‌ترین شخصیت‌های مورد اطمینان شیعه و از بهترین شاگردان شیخ مفید و سید مرتضی بوده است.

۱. بحار الأنوار، ج ۱۰، ص ۴۰۵.

۲. رک. مقدمه کتاب *کمال الدین و تمام النعمة*.

این اثر شیخ طوسی، منبع اساسی نویسندگان بعدی امامیه درباره غیبت امام دوازدهم عجل الله تعالی فرجه الشریف است. براساس آنچه نقل شده، علامه مجلسی بیشترین استفاده را از این کتاب کرده است.^۱

۲۰. بحار الأنوار: تألیف علامه مجلسی (متوفی ۱۱۱۱ق/۱۶۹۹م) که در چاپ‌های جدید ۱۱۰ جلد است. هرچند روایات مهدویت در همه کتاب وجود دارد، جلد‌های ۵۱ تا ۵۳ به‌طور ویژه به احادیث مهدویت اختصاص یافته است.

د. کتاب‌هایی از معاصران

در چند سال اخیر برخی از علما و نویسندگان عالی‌قدر، کتاب‌های فراوانی در موضوع غیبت و ظهور حجت بن الحسن عسکری عجل الله تعالی فرجه الشریف نوشته‌اند که بیان همه آن‌ها از ظرفیت این کتاب خارج است و باید به کتاب‌شناسی‌های مهدویت مراجعه کرد. در اینجا تنها به دو کتاب اشاره می‌کنیم.

کتاب منتخب الأثر فی الإمام الثانی عشر عجل الله تعالی فرجه الشریف

نخستین کتاب، اثر گران‌قدر و ارزشمند **مُتَخَبُ الْأَثَرِ فِي الْإِمَامِ الثَّانِي عَشَرَ عجل الله تعالی فرجه الشریف** نوشته مرجع عالی‌قدر، آیت‌الله حاج شیخ لطف‌الله صافی گلپایگانی است. ایشان این کتاب را به سفارش مرجع تقلید زمان خود، حضرت آیت‌الله العظمی بروجردی در سه جلد تألیف و در آن، از منابع و کتاب‌های باارزش قدمای شیعه و سنی استفاده کرده است. بهتر است یادآوری کنیم که فشرده‌ای از این کتاب باارزش، با عنوان **نوید امن و امان** به فارسی منتشر شده است.

ایشان در این کتاب از حدود ۳۹۰ کتاب، ۶۰۳۶ حدیث و ۲۵۱۵۵ روایت برگرفته از منابع شیعه و منابع معروف اهل تسنن بهره برده‌اند. فهرست تعداد احادیث مربوط به پیشگویی درباره مهدی آخرالزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف که در کتاب **منتخب الأثر آمده**، به قرار زیر است:

- ۲۷۱ حدیث مبنی بر اینکه ائمه دوازده نفر هستند با عنوان «فیما یدل علی أنهم

۱. به نقل از کتاب تاریخ عصر غیبت، نوشته گروهی از نویسندگان، ص ۱۲-۱۹ (با تلخیص و تصرفاتی چند)؛ نک. او خواهد آمد، بخش ۱۰ و ۱۱.

اثنی عشر».

- ۴۰ حدیث مبنی بر اینکه تعداد ائمه به عدد نقیبان بنی اسرائیل هستند با عنوان «عدد هُم عدد نقباء بنی اسرائیل».

- ۱۳۳ حدیث مبنی بر اینکه امامان دوازده نفرند و اولشان علی علیه السلام است با عنوان «الائمة اثنی عشر اولهم علی علیه السلام».

- ۹۱ حدیث مبنی بر اینکه امامان دوازده نفرند و اولشان علی علیه السلام و آخرشان مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است با عنوان «الائمة اثنی عشر اولهم علی علیه السلام و آخرهم المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف».

- ۹۴ حدیث مبنی بر اینکه امامان دوازده نفرند و آخرین آن‌ها امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است با عنوان «الائمة اثنی عشر و آخرهم المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف».

- ۱۳۹ حدیث مبنی بر اینکه امامان دوازده نفرند که نه نفرشان از نسل امام حسین علیه السلام هستند با عنوان «الائمة اثنی عشر تسعة منهم من ولد الحسين علیه السلام».

- ۱۰۷ حدیث مبنی بر اینکه ائمه دوازده نفرند و نه تن آنان از اولاد امام حسین علیه السلام هستند و نهمین آنان قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف است با عنوان «المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف الائمة اثنی عشر تسعة منهم من ولد الحسين و تا سعة قائمهم».

- ۵۰ حدیث مبنی بر اینکه ائمه دوازده نفرند و بیان اسامی امامان با عنوان «الائمة اثنی عشر باسمهم».

- ۶۵۷ حدیث براساس بشارت ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با عنوان «البشائر الواردة في ظهور المهدی».

- ۳۸۹ حدیث مبنی بر اینکه مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از عترت پیامبر و ذریه اوست با عنوان «المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف من اهل البيت علیهم السلام».

- ۴۸ حدیث مبنی بر اینکه اسم و کنیه مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، اسم و کنیه رسول خدا صلی الله علیه و آله است و او شبیه‌ترین مردم به پیامبر است و به سنت او عمل می‌کند با عنوان «اسم المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف اسم رسول الله صلی الله علیه و آله و کنیه کنیه و هو اشبه الناس به».

- ۲۱ حدیث درباره شمایل حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با عنوان «شمایل المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف».
- ۲۱۴ حدیث مبنی بر اینکه مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از فرزندان امیرمؤمنان علی علیه السلام است با عنوان «فی إته من ولد امیرالمؤمنین علی علیه السلام».
- ۱۹۲ حدیث مبنی بر اینکه مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از فرزندان حضرت فاطمه علیها السلام است با عنوان «فی إته من ولد فاطمه علیها السلام».
- ۱۰۷ حدیث مبنی بر اینکه مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از اولاد امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام است با عنوان «فی إته من اولاد السبتین علیهما السلام».
- ۱۸۵ حدیث مبنی بر اینکه مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از فرزندان امام حسین علیه السلام است با عنوان «فی إته من ولد الحسین علیه السلام».
- ۱۶۰ حدیث مبنی بر اینکه مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از نسل امام حسین علیه السلام است با عنوان «فی إته من الأئمه التسعه من ولد الحسین علیه السلام».
- ۱۴۸ حدیث مبنی بر اینکه مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نهمین امام از فرزندان امام حسین علیه السلام است با عنوان «فی إته تاسع من ولد الحسین علیه السلام».
- ۱۸۵ حدیث مبنی بر اینکه مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از فرزندان امام سجاد علیه السلام است با عنوان «فی إته من ولد السجاد علیه السلام».
- ۱۰۳ حدیث مبنی بر اینکه مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از فرزندان امام باقر علیه السلام است با عنوان «فی إته من ولد محمد الباقر علیه السلام».
- ۱۰۳ حدیث مبنی بر اینکه مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از فرزندان امام صادق علیه السلام است با عنوان «فی إته من ولد الصادق علیه السلام».
- ۹۹ حدیث مبنی بر اینکه مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ششمین فرزند از فرزندان امام صادق علیه السلام است با عنوان «فی أنه السادس من ولد الصادق علیه السلام».
- ۱۰۱ حدیث مبنی بر اینکه مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از فرزندان امام کاظم علیه السلام است با عنوان «فی انه من ولد موسی بن جعفر علیه السلام».

- ۹۸ حدیث مبنی بر اینکه مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف پنجمین فرزند از فرزندان امام کاظم علیه السلام است با عنوان «فی أنه الخامس من ولد موسى بن جعفر علیه السلام».
- ۹۵ حدیث مبنی بر اینکه مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف چهارمین فرزند از فرزندان امام رضا علیه السلام است با عنوان «فی أنه رابع من ولد علی بن موسی الرضا علیه السلام».
- ۹۰ حدیث مبنی بر اینکه مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف سومین فرزند از فرزندان امام جواد علیه السلام است با عنوان «فی أنه الثالث من ولد محمد بن علی التقی علیه السلام».
- ۹۰ حدیث مبنی بر اینکه مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از فرزندان امام هادی علیه السلام است با عنوان «فی أنه من ولد علی الهادی علیه السلام».
- ۱۴۶ حدیث مبنی بر اینکه مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف فرزند امام حسن عسکری علیه السلام است با عنوان «فی أنه ابن ابی الحسن العسکری علیه السلام».
- ۱۴۷ حدیث مبنی بر اینکه نام پدر مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف حسن علیه السلام است با عنوان «فی إن اسم ابیه الحسن علیه السلام».
- ۹ حدیث مبنی بر اینکه مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف فرزند بهترین کنیزان است با عنوان «فی إنه ابن سیده الاماه».
- ۲ حدیث مبنی بر اینکه هرگاه سه اسم محمد و علی و حسن پشت سر هم بیاید، قائم آل محمد عجل الله تعالی فرجه الشریف چهارمین است با عنوان «فی أنه اذا توالى ثلثة اسماء كان الرابع هو القائم».
- ۱۲۳ حدیث مبنی بر اینکه مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف دوازدهمین و آخرین امامان است با عنوان «فی انه الثانی عشر منه الائمة و خاتمهم».
- ۱۲۳ حدیث مبنی بر اینکه مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف زمین را از عدل و داد پر می‌کند با عنوان «فی أنه یملاء الارض عدلاً و قسطاً».
- ۱ حدیث مبنی بر اینکه مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف دو بار غیبت می‌کند که مدت یکی کوتاه‌تر از دیگری است با عنوان «فی ان له غیبتین».

- ۹۱- حدیث مبنی بر اینکه مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف غیبتی طولانی دارد با عنوان «فی ان له غیبة طویله».
- ۷- حدیث در بیان علت غیبت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با عنوان «فی علة غیبه».
- ۷- حدیث در فواید وجود مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و بهره‌مندی مردم از او در زمان غیبت با عنوان «فی انتفاع الناس منه فی غیبه».
- ۳۱۸- حدیث در بیان طول عمر مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با عنوان «فی أنه طویل العمر جدا».
- ۸- حدیث مبنی بر اینکه مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به صورت جوان است با عنوان «أنه شاب المنظر».
- ۱۴- حدیث مبنی بر اینکه ولادت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف مخفی است با عنوان «فی خفاء ولادته».
- ۱۰- حدیث مبنی بر اینکه بیعت کسی بر گردن مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیست با عنوان «فی أنه لیس فی عنقه بیعه لاحد».
- ۱۹- حدیث مبنی بر اینکه مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف دشمنان خدا را می‌کشد و زمین را از شرک پاک می‌کند با عنوان «فی أنه یقتل اعد الله و یطهر الارض من الشرک».
- ۴۷- حدیث مبنی بر اینکه مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف امر خدا را آشکار می‌سازد و اسلام را در جهان نشر می‌دهد و بر اهل زمین حکومت می‌کند با عنوان «فی أنه یعلن امر الله و یبسط الإسلام علی الارض و یصیر سلطانا علیها».
- ۱۵- حدیث مبنی بر اینکه مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف مردم را به قرآن و سنت بازمی‌گرداند با عنوان «فی أنه یرد الناس الی الهدی و القرآن و السنه».
- ۴- حدیث مبنی بر اینکه مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از دشمنان خدا انتقام می‌گیرد با عنوان «فی أنه ینتقم من اعدا الله».
- ۲۳- حدیث مبنی بر اینکه در مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف سنت‌هایی از پیامبران است با عنوان «فی أن فیہ سنن من الأنبیاء».
- ۷- حدیث مبنی بر اینکه قیام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با شمشیر است با عنوان «فی أنه یقوم

بالسيف».

۱ - حدیث در بیان اطاعت مردم از حکومت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با عنوان «فی تمکین الناس لسلطانہ».

۳ - حدیث در بیان روش زندگانی مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با عنوان «فی سیرته».

۴ - حدیث در بیان زهد مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با عنوان «فی زهده».

۷ - حدیث در بیان عدالت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و گسترش عدالت و امنیت در حکومت او با عنوان «فی عدالته و بسط الامنية فی دولته».

۵ - حدیث در بیان علم مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با عنوان «فی علمه».

۱۳ - حدیث در بیان جود و بخشش بی اندازه مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با عنوان «فی جوده و سخائه عجل الله تعالی فرجه الشریف».

۵ - حدیث مبنی بر اینکه خداوند معجزات پیامبران را به دست مبارک مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ظاهر می‌کند و موارد آنان برای اتمام حجت با اوست با عنوان «فی ان الله يظهر علی یده معجزات الانبياء و ان معه مواردیهم».

۲۴ - حدیث مبنی بر اینکه مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ظهور نمی‌کند مگر پس از امتحان سخت با عنوان «فی أنه لا يظهر إلا بعد امتحان شدید».

۲۵ - حدیث مبنی بر اینکه روز ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف روز عیسی بن مریم علیه السلام است با عنوان «فی أنه يوم عیسی بن مریم و یصلی عیسی خلفه».

۶ - حدیث درباره پرچم مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و آنچه بر آن نوشته شده است با عنوان «فی صاحب رایت و ما کتب فیها».

۲۱۴ - حدیث درباره چگونگی و تاریخ ولادت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و حالات مادر ایشان با عنوان «فی ولادته و تاریخها و بعض حالات امه».

۹ - حدیث درباره معجزات مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در زمان پدر گرامی‌شان با عنوان «فی معجزاته فی حیوة ابیه».

- ۱۹ حدیث درباره کسانی که مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را در زمان زندگی پدر دیده‌اند با عنوان «فی من رآه فی ایام ایه».
- ۲۵ حدیث درباره کسانی که مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را در غیبت صغری دیده‌اند با عنوان «فی من فاز برویة فی الغیبة الصغری».
- ۲۷ حدیث درباره بعضی از معجزات مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در زمان غیبت صغری با عنوان «فی بعض معجزاته فی الغیبة الصغری».
- ۲۲ حدیث درباره حالات سفیران مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و نواب اربعه در زمان غیبت صغری با عنوان «فی حالات سفرائه و نوابه فی الغیبة الصغری».
- ۱۲ حدیث درباره معجزات مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در زمان غیبت کبری با عنوان «فی معجزاته فی الغیبة الکبری».
- ۱۳ حدیث درباره کسانی که در زمان غیبت کبری، مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را دیده‌اند با عنوان «فی من رآه فی الغیبة الکبری».
- ۱۲ حدیث درباره چگونگی خروج و ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با عنوان «فی بعض کیفیات ظهوره».
- ۳۷ حدیث درباره فتنه و گناه و ظلم بیداد پیش از ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با عنوان «فی بعض علائم ظهوره».
- ۲۹ حدیث درباره بعضی از علامت‌های مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با عنوان «فیما یكون قبل خروجه من الفتن و کثرة المعاصی».
- ۲۷ حدیث درباره ندای آسمانی پس از ظهور که نام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و پدرش را ندا می‌دهد با عنوان «فی النداء باسمه و اسم ایه من السماء».
- ۲۳ حدیث درباره گرانی و بیماری پیش از ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با عنوان «فی غلاء الاسعار و کثرة الاسقام».
- ۳۸ حدیث درباره خروج سفیانی، خسف بیداء، قتل نفس زکیه، یمانی و صیحه

آسمانی با عنوان «خروج السفیانی و الخسف و قتل النفس الزکیه و الیمانی و الصیحة».

- ۱۲ حدیث درباره خروج دجال با عنوان «فی خروج الدجال».

- ۷ حدیث درباره جایز نبودن تعیین وقت ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با عنوان «فی عدم جواز التوقیت».

- ۷ حدیث درباره سال، ماه و روز خروج مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با عنوان «فی سنة خروجه و یومه شهره».

- ۱۷ حدیث درباره مکان ظهور و محل منبر مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با عنوان «فی ذکر القرية التي يخرج منها و موضع منبره».

- ۱۱ حدیث درباره چگونگی بیعت با مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با عنوان «فی کیفیة البیعة له».

- ۱۲ حدیث مبنی بر اینکه مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، شرق و غرب عالم را فتح می‌کند با عنوان «فی أنه یفتح مشارق».

- ۷ حدیث مبنی بر اینکه پس از ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، همه ملت‌ها به اسلام روی آوردند با عنوان «فی اجتماع جمیع الملل علی الإسلام».

- ۱۰ حدیث مبنی بر اینکه پس از ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، زمین گنج‌ها و معادن خود را آشکار می‌سازد با عنوان «فی اظهار الارض کنوزها و معادنه».

- ۱۲ حدیث مبنی بر اینکه پس از ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، برکات آسمانی و زمینی ظاهر می‌شود با عنوان «فی ظهور البرکات السماویة و الارضیة».

- ۲۵ حدیث درباره اجتماع ۳۱۳ اصحاب نزد مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در یک ساعت با عنوان «فی اجتماع ۳۱۳ رجلاً عنده فی ساعة».

- ۲ حدیث درباره اجتماع اهالی شرق و غرب در خدمت مهدی با عنوان «فی اجتماع اهل الشرق و الغرب عنده».

- ۲۹ حدیث مبنی بر اینکه مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف زمین را از عدل و داد پر می‌کند با عنوان «فی امتلاء الارض من العدل».

- ۲۹ - حدیث مبنی بر اینکه عیسی علیه السلام نزول می کند و پشت سر مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نماز می گزارد با عنوان «فی نزول عیسی و صلوته خلف المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف».
- ۶ - حدیث مبنی بر اینکه مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف دجال را می کشد با عنوان «فی أنه یقتل الدجال».
- ۲ - حدیث مبنی بر اینکه مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با سفیانی و لشکرش جنگ کرده، او را می کشد با عنوان «فی أنه یقاتل السفیانی و یقتله».
- ۵ - حدیث درباره آبادانی زمین در دولت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با عنوان «فی عمران الأرض فی دولته».
- ۷ - حدیث مبنی بر اینکه در زمان مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، کارها آسان می شود و عقل ها تکامل می یابد با عنوان «فی تسهیل الأمور و تکامل العقول فی عصره».
- ۱۴ - حدیث درباره حالات و فضیلت های یاران مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با عنوان «فی فضایل اصحابه و انصارهن».
- ۵ - حدیث درباره قدرت و صلابت یاران مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با عنوان «فی قوتهم و شدتهم».
- ۱۸ - حدیث درباره مدت خلافت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف پس از ظهورش با عنوان «فی مدة خلافته بعد ظهوره».
- ۴ - حدیث درباره چگونگی زندگی، خوراک و لباس مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با عنوان «فی کیفیة عیشه و ماکلة و ملبسة».
- ۷ - حدیث درباره آنچه مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به آن دعوت می کند و خود عمل می کند با عنوان «فیما یدعوا الیه و یعمل به».
- ۹ - حدیث درباره حرمت انکار مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با عنوان «فی حرمة انکار القائم عجل الله تعالی فرجه الشریف».
- ۲۳ - حدیث درباره فضیلت انتظار ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با عنوان «فی فضل انتظار الفرج».
- ۵۴ - حدیث درباره تکالیف پیروان مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در برابر حضرت با عنوان «فی بعض

تکالیف شیعه بالنسبه الیه».

- ۱۰ حدیث درباره فضیلت کسانی که مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را درک و به او اقتدا کنند با عنوان «فی فضل من أدركه و یأتم به و یقتدی به».

- ۲۳ حدیث درباره فضیلت کسانی که در زمان غیبت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به او ایمان آورند با عنوان «فی فضل من یومن به فی غیبت».

- ۶ حدیث درباره چگونگی سلام دادن و صلوات فرستادن بر مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با عنوان «فی کیفیة التسلیم و الصلوة علیه».

- ۱۳ حدیث درباره بعضی از دعاهاى مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با عنوان فی «دعائه و بعض الأدعية المأثورة عنه».

ناگفته نماند به تصریح آیت‌الله صافی گلپایگانی، احادیث موجود درباره مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف بر این احادیث مقدم است؛ زیرا از زمان رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله تا غیبت کبری، احادیث فراوانی از ایشان و ائمه هدی علیهم السلام درباره مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف نقل شده که همگی در کتاب‌های شیعه و سنی آمده است و ایشان در این کتاب، تنها قطره‌ای از این اقیانوس عظیم روایی را به عنوان مُشتی از خروار جمع‌آوری کرده است تا نشان‌دهنده اهمیت موضوع و اصل بی‌بدیل مهدویت باشد.

آیت‌الله العظمی مکارم شیرازی در کتاب حکومت جهانی مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف پس از نقل احادیث، این‌گونه نتیجه‌گیری می‌کند و می‌نویسد:

از مجموع این احادیث چنین برمی‌آید که مصلح بزرگ جهانی، مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف دارای مشخصات زیر است:

- از خاندان پیامبر اسلام و فرزندان او علیه السلام است.

- از فرزندان امام حسین علیه السلام است.

- دوازدهمین پیشوا پس از رسول خدا صلی الله علیه و آله است.

- فرزند حسن بن علی العسکری علیه السلام است.

- دنیا را از عدل و داد سرشار خواهد کرد.
- حکومت جهانی در اختیار او قرار می‌گیرد.
- مستضعفان و استعمارشدگان در عصر او از زنجیر اسارت آزاد می‌شوند، جنگ‌ها برچیده می‌شود و صلح و آرامش و عمران جای آن را می‌گیرد. در بعضی از این احادیث، مانند حدیث صحیح بخاری و صحیح ترمذی تعبیر به «اثنی عشر امیراً» و در صحیح مسلم، تعبیر به «اثنی عشر خلیفه» و در صحیح ابوداود نیز «اثنی عشر خلیفه» و در مسند احمد، از ده‌ها طریق «اثنی عشر خلیفه» آمده است. آیا این همه احادیث موجود در کتاب‌های معروف و معتبر را می‌توان انکار کرد؟^۱

پیشگویی‌های موجود در کتاب معجم احادیث الإمام المهدی علیه السلام

دومین کتاب از کتب نویسندگان معاصر، معجمی از احادیث امام مهدی علیه السلام است، در پنج جلد به نام معجم احادیث الإمام المهدی علیه السلام که گروهی از دانشمندان و فرهیختگان حوزه علمیه قم، به سرپرستی شیخ علی کورانی آن را در مؤسسه المعارف الاسلامی جمع‌آوری کرده‌اند.

در این کتاب ۴۰۸ منبع، شامل کتاب‌های اهل سنت و احادیث اهل بیت علیهم السلام، و ۱۹۴۱ حدیث بدون تکرار جمع‌آوری و دسته‌بندی شده است؛ از جمله:

- ۵۶۰ حدیث از پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله با عنوان‌های مختلف در جلد‌های اول و دوم؛
- ۱۳۰ حدیث از امام علی بن ابی طالب علیه السلام در جلد‌های سوم و چهارم؛
- ۹ حدیث از امام حسن بن علی علیه السلام؛
- ۱۰ حدیث از امام حسین بن علی علیه السلام؛
- ۲۳ حدیث از امام علی بن الحسین علیه السلام؛
- ۶۰ حدیث از امام باقر علیه السلام؛
- ۲۹۷ حدیث از امام جعفر صادق علیه السلام؛

۱. ناصر، مکارم شیرازی، حکومت جهانی مهدی علیه السلام، ص ۱۵۵-۱۹۴.

- ۱۹ حدیث از امام کاظم علیه السلام؛
 - ۳۰ حدیث از امام رضا علیه السلام؛
 - ۹ حدیث از امام جواد علیه السلام؛
 - ۱۳ حدیث از امام هادی علیه السلام؛
 - ۴۲ حدیث از امام حسن عسکری علیه السلام؛
 - ۱۳۰ توقیع از امام زمان علیه السلام؛
 - ۵۰۵ حدیث در جلد پنجم همراه با صد عنوان آیه درباره امام زمان علیه السلام و تفسیر و تأویل آن‌ها.
- در میان این کتاب‌های حدیثی که از منابع مختلف فریقین نقل شده است، احادیث فراوانی از امامان معصوم علیهم السلام مشاهده می‌شود که گواه آشکاری بر اشتیاق آنان به ظهور مهدی موعود علیه السلام است.
- باید یاد آوری کرد که در چند سال اخیر، شاهد سیل نوشتاری قابل توجهی با موضوع مهدویت و ظهور حضرت ولی عصر علیه السلام بوده‌ایم و این همه، موجب امیدواری و اثبات این نظریه است که هستی در حال آمادگی و اشتیاق ظهور منجی آخرالزمان است. در هر صورت، برای طولانی نشدن این کتاب از بیان آن‌ها خودداری می‌کنیم و علاقه‌مندان را به همان کتاب‌ها در موضوع کتاب‌شناسی شیعیان معاصر ارجاع می‌دهیم.

فصل ششم

پیشگویی‌هایی درباره اشتیاق فرشتگان الهی به ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

مقدمه

براساس روایات فراوان، امامان معصوم علیهم السلام بسیاری از وقایع پیش از تولد حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، غیبت صغری و کبری، اتفاقات دوران ظهور، یاران حضرت، امدادهای الهی در این دوران و حتی پس از آن را تا زمان قیامت پیشگویی کرده‌اند. طبق همین پیشگویی‌ها، مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف با نیروهای جان بر کف که از سراسر جهان به ایشان می‌پیوندند، حرکت خود را آغاز می‌کند.

سؤالی که اکنون مطرح می‌شود، این است که: چگونه با وجود پیشرفت فناوری و تجهیزات نظامی جدید و بمب‌های هسته‌ای، امام به انجام این کار موفق می‌شود؟ پاسخ این سؤال به دو روش خلاصه و کامل داده می‌شود.

پاسخ اجمالی آن است که مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با کمک و حمایت خدای متعال ظهور می‌کند. براساس آیه «يُدُ اللّٰهُ فَوْقَ اَيْدِيهِمْ» قدرت خدا بالاتر از قدرت‌هاست» و آیه

«وَهُوَ الْقَاهِرُ فَوْقَ عِبَادِهِ»؛ اوست که بر تمام بندگان قاهر و مسلط است»، خداوند همه کارها را به طور طبیعی برای حضرت آسان می‌کند.

پاسخ کامل اینکه، بدون شک خداوند همه امکانات خود را به صورت امداد غیبی به آخرین بازمانده پیامبران الهی و اوصیای آنان خواهد داد. غیب به معنای نهان و پشت پرده است؛ یعنی آن چیزهایی که از حواس ظاهری ما نهان و پشت پرده محسوسات ما واقع شده است. امدادهای غیبی هم همان کمک‌هایی است که خداوند از غیب به بشر می‌رساند.

طبق آیه «وَعِنْدَهُ مَفَاتِيحُ الْغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ»؛ کلیدهای غیب نزد خداست و جز او کسی از آن‌ها آگاه نیست»، کلیدهای عالم غیب دست خداست و او می‌تواند به هرکس که بخواهد، امداد غیبی برساند.

فیلسوفان اسلامی براساس همین تعبیر قرآن، جهان طبیعت را «عالم شهادت» و جهان ملکوت را «عالم غیب» نامیده‌اند.

۱. امدادهای غیبی

انسان در زندگی فردی و اجتماعی خود، شامل این امدادهای غیبی می‌شود و به یاری آن‌ها از سقوط نجات می‌یابد. به همین دلیل، پیامبران کوشیده‌اند نور ایمان را به الطاف الهی و امدادهای غیبی در دل ما زنده کنند که اگر چنین شود، ما با خداوند به معامله بهشت وارد می‌شویم. باید توجه داشت که این امدادها، بی‌دلیل شامل حال انسان نمی‌شود و شرایطی دارد.

کمک‌های غیبی، گاه به صورت فراهم شدن شرایط موفقیت است؛ چنان‌که خداوند در قرآن می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ»^۱ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اگر خدا را یاری کنید، شما را یاری می‌کند و گام‌هایتان را

۱. انعام: ۱۸.

۲. انعام: ۵۹.

۳. محمد: ۷.

استوار می‌دارد». همچنین در آیه دیگری آمده است: «إِنَّ يَنْصُرْكُمْ اللَّهُ فَلَا غَالِبَ لَكُمْ وَإِنْ يَخْذُلْكُمْ فَمَنْ ذَا الَّذِي يَنْصُرْكُمْ مِنْ بَعْدِهِ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ»؛ اگر خدا یاری‌تان کند، کسی نمی‌تواند بر شما غالب آید و اگر یاری‌تان نکند، کیست که بعد از او شما را یاری کند؟ و مؤمنان بر خدا توکل می‌کنند».

براساس این دو آیه، امداد غیبی خداوند به یاری کردن دین خداوند مشروط است؛ یعنی ابتدا باید خداوند را با خدمت و مجاهدت خالصانه یا به تعبیری، مجاهدت لله و فی الله یاری کنیم تا خداوند هم ما را با امداد غیبی یاری دهد. بنابراین، طبق این آیات وظیفه ما فقط انتظار و آرزوی امداد غیبی نیست، بلکه درواقع خود را با تلاش و مجاهده خالصانه، مشمول این امدادها می‌کنیم.

گاهی امداد غیبی به صورت الهام و هدایت‌های الهی است؛ چنان‌که خداوند در قرآن می‌فرماید: «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ»؛ آنان که در راه ما کوشش و جدیت به خرج می‌دهند، ما راه‌های خود را به آن‌ها ارائه می‌دهیم. خداوند با نیکوکاران است».

در این آیه نیز شرط امداد غیبی، تلاش است؛ ضمن آنکه این کوشش باید در راه خدا باشد؛ یعنی باید خداوند را، هم با جسم و هم با روح یاری دهیم تا هدایت و روشنی باطنی به انسان داده شود.^۱ به هر حال، اعتقاد و ایمان به غیب و نیروهای غیبی، یکی از مهم‌ترین آموزه‌های دینی ماست؛ چنان‌که در قرآن برترین صفت پرهیزکاران، ایمان به غیب بیان شده است: «ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ * الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ»؛^۲ آن کتاب با عظمتی است که شک در آن راه ندارد و سبب هدایت پرهیزکاران است و آنان کسانی هستند که غیب (آنچه از حس پوشیده و پنهان است) ایمان می‌آورند».

براساس این آیات، ایمان به غیب از صفات اولیه و بارز پرهیزکاران شمرده شده و

۱. آل عمران: ۱۶۰.

۲. عنکبوت: ۶۹.

۳. مجموعه آثار شهید مطهری، ج ۳، ص ۳۳۶-۳۵۱.

۴. بقره: ۲-۳.

مصدق یکی از این غیب‌ها نیز باور به امدادهای غیبی است. امدادهای غیبی ممکن است از راه‌های گوناگون به ما برسد؛ گاه قدرتی بالاتر از قدرت‌هاست، گاهی با ایجاد ترس در دل دشمنان و زمانی با یاری فرشتگان الهی امداد می‌شویم؛ یعنی امداد غیبی خداوند به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ممکن است به صورت قدرتی برتر از قدرت‌های دیگر باشد. در این صورت، حضرت می‌تواند بدون هیچ نیازی به بمب‌های هسته‌ای و شیمیایی، حرکت خود را به نتیجه برساند و البته طبق آیه «يُدُ اللّٰهُ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ» دست (قدرت) خدا بالای دست (قدرت‌های) آن‌هاست»، قادر است به کمک قدرت بزرگ خداوند، همه بمب‌های هسته‌ای و ضد بشری و نقشه‌های دشمن را در یک لحظه خنثی و بی‌اثر کند.

۱-۱. ترس دشمنان

یک نمونه از امدادهای غیبی به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، وحشتی است که خداوند از ایشان در قلب دشمنان، اعم از کافران، مشرکان و مستکبران می‌اندازد. به دلیل همین وحشت، دشمنان قدرت خود را در تصمیم‌گیری و مخالفت علیه مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف از دست می‌دهند؛ البته این امدادهای غیبی الهی در تاریخ بشر به وقوع پیوسته و خداوند بارها پیامبران الهی و مؤمنان را یاری رسانده است.

در قرآن کریم، مواردی از یاری خداوند به وسیله ایجاد ترس در دل دشمنان آمده است: سَنُلْقِي فِي قُلُوبِ الَّذِينَ كَفَرُوا الرُّعْبَ بِمَا أَشْرَكُوا بِاللّٰهِ مَا لَمْ يُنَزَّلْ بِهِ سُلْطَانًا وَمَأْوَاهُمُ النَّارُ وَبِئْسَ مَثْوًى الظَّالِمِيْنَ؛^۱ به زودی در دل‌های کافران، به خاطر اینکه بدون دلیل، چیزهایی را برای خدا هم‌تا قرار دادند، رعب و ترس می‌افکنیم و جایگاه آن‌ها آتش است و چه بد جایگاهی است جایگاه ستمکاران! در این باره به چند روایت نیز استناد می‌کنیم.

شیخ صدوق از مسلم ثقفی نقل می‌کند که از امام باقر علیه السلام شنیده است که فرمود: الْقَائِمُ مِنَّا مَنْصُورٌ بِالرُّعْبِ مُؤَيَّدٌ بِالنَّصْرِ يُطْوِي لَهُ الْأَرْضَ وَتَظْهَرُ لَهُ الْكُنُوزُ يَبْلُغُ سُلْطَانَهُ

۱. فتح: ۱۰.

۲. آل عمران: ۱۵۱.

الْمَشْرِقَ وَالْمَغْرِبَ وَيُظْهِرُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ بِهِ دِينَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ؛^۱ قائم مابا ترس یاری می‌شود و به نصرت الهی تأیید می‌گردد. زمین برای او در نور دیده می‌شود و گنج‌های خود را ظاهر می‌کند و سلطنتش شرق و غرب عالم را فرا می‌گیرد و خدای تعالی به واسطه او دینش را بر همه ادیان چیره می‌گرداند؛ اگرچه مشرکان را ناخوش آید.

ابوبصیر از امام صادق ع روایت می‌کند که حضرت ضمن حدیثی طولانی درباره ظهور و قیام مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه فرمود:

لَا يَخْرُجُ الْقَائِمُ عجل الله تعالی فرجه حَتَّى يَكُونَ تَكْمِلَةُ الْحُلُقَةِ وَيَسِيرُ الرُّعْبُ قُدَّامَهَا شَهْرًا وَوَرَاءَهَا شَهْرًا وَعَنْ يَمِينِهَا شَهْرًا وَعَنْ يَسَارِهَا شَهْرًا؛^۲ قائم ظهور نمی‌کند تا اینکه حلقه کامل شود و ترس و وحشت پیشاپیش سپاهیان‌ش به فاصله یک ماه و از پشت سر آن‌ها و از سمت راست و چپ کافران با فاصله در حرکت است. در روایت دیگری، نعمانی به نقل از عبدالرحمان بن کثیر می‌گوید که امام صادق ع درباره معنای آیه «أَتَى أَمْرُ اللَّهِ فَلَا تَسْتَعْجِلُوهُ»^۳ امر خدا می‌آید؛ عجله نکنید»، فرمود: هُوَ أَمْرُنَا أَمْرُ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ أَنْ لَا تَسْتَعْجِلَ بِهِ حَتَّى يُوَيِّدَهُ اللَّهُ بِثَلَاثَةِ أَجْنَادٍ الْمَلَائِكَةِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالرُّعْبَ وَخُرُوجَهُ كَخُرُوجِ رَسُولِ اللَّهِ ص وَذَلِكَ قَوْلُهُ تَعَالَى: «كَمَا أَخْرَجَكَ رَبُّكَ مِنْ بَيْتِكَ بِالْحَقِّ»؛^۴ امر خدا همان امر ماست که خدای عزوجل دستور داده در آن باره شتاب نشود تا آنکه خداوند او را به سه لشکریاری کند: فرشتگان، مؤمنان و ترس. خروج آن حضرت مانند خروج رسول الله ص است؛ آنجا که خداوند می‌فرماید: «همچنان‌که پروردگارت تو را از خانه‌ات به حق و راستی بیرون آورد».

علامه مجلسی به نقل از کتاب غیبت فضل بن شاذان می‌گوید که امام صادق ع درباره یاران قائم آل محمد عجل الله تعالی فرجه فرمود:

۱. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۱، ص ۳۳۱، ح ۱۶؛ إعلام الوری، ص ۴۶؛ کشف الغمة، ج ۲، ص ۵۳؛ بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۹۱، ح ۲۴.

۲. الغيبة نعمانی، باب ۱۹، ص ۳۰۷-۳۰۸، ح ۲؛ بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۴۳.

۳. نحل: ۱.

۴. الغيبة نعمانی، ص ۱۹۸، ح ۹؛ بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۳، ح ۴۶.

قَالَ وَهُمْ مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ مُشْفِقُونَ يَدْعُونَ بِالشَّهَادَةِ وَيَتَمَنَّوْنَ أَنْ يُقْتَلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ شِعَارُهُمْ يَا لَثَارَاتِ الْحُسَيْنِ ع إِذَا سَارُوا يَسِيرُ الرَّعْبُ أَمَامَهُمْ مَسِيرَةَ شَهْرٍ! دل‌های ایشان همچون مشعل است و آنان از ترس پروردگارشان نگران‌اند. آنان در آرزوی کشته شدن در راه خدا و شهادت‌اند و شعارشان «یا لَثَارَاتِ الْحُسَيْنِ» است. هنگامی که گام بردارند، وحشت از هیبت ایشان، یک ماه جلوتر از آنان به مقصدشان می‌رسد.

۲-۱. مانع نبودن دژهای محکم از عذاب الهی

در آیات اولیه سوره حشر داستان یهودیان بنی‌نضیر به این صورت بیان شده است:

وَضَنُّوا أَنَّهُمْ مَانِعَتُهُمْ حُصُونُهُمْ مِنَ اللَّهِ فَأَتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ حَيْثُ لَمْ يَحْتَسِبُوا وَقَذَفَ فِي قُلُوبِهِمُ الرُّعْبَ يُخْرِبُونَ بُيُوتَهُمْ بِأَيْدِيهِمْ وَأَيْدِي الْمُؤْمِنِينَ فَاعْتَبِرُوا يَا أُولِيَ الْأَبْصَارِ * وَلَوْ لَا أَنَّ كَتَبَ اللَّهُ عَلَيْهِمُ الْجَلَاءَ لَعَذَّبَهُمْ فِي الدُّنْيَا وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابُ النَّارِ * ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ شَاقُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَمَنْ يُشَاقِ اللَّهَ فَإِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ * (کافران) گمان می‌کردند دژهای محکمشان آن‌ها را از عذاب الهی مانع می‌شود، اما خداوند از آنجا که گمان نمی‌کردند، به سراغشان آمد و در دل‌هایشان ترس و وحشت افکند؛ به گونه‌ای که خانه‌های خود را با دست خویش و با دست مؤمنان ویران می‌کردند. پس عبرت بگیرید ای صاحبان بصیرت، و اگر نه این بود که خداوند ترک وطن را بر آنان مقرر داشته بود، آن‌ها را در همین دنیا مجازات می‌کرد و برای آنان در آخرت نیز عذاب آتش است. این برای آن است که آن‌ها با خدا و رسولش دشمنی کردند و هرکس با خدا دشمنی کند، (باید بداند که) خدا مجازات شدیدی دارد.

علامه طباطبائی در تفسیر المیزان در بیان این آیات می‌نویسد:

معنای آیه این است که خداوند تعالی، همان کسی است که یهودیان بنی‌نضیر را از دیارشان در اولین اخراج بیرون انداخت. خداوند در این آیه به اهمیت بیرون انداختن یهودیان با قولش «مَا ظَنَنْتُمْ أَنْ يَخْرُجُوا» اشاره می‌فرماید. آن‌ها

۱. مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۱۱۴، ش ۱۲۵۶۵-۷: بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۰۸، ح ۸۲.

۲. حشر: ۲-۴.

حتی گمان هم نمی‌کردند که با این همه دژهای محکم، کسی (نه خدا و نه مسلمانان) بتواند آنان را بیرون کند؛ زیرا دارای قدرت و شوکت زیادی بودند؛ پس کسی نمی‌تواند آنان را بیرون بیندازد و در ادامه آمده است: «وَقَطُّوا أَنَّهُمْ مَانِعَتُهُمْ حُصُونُهُمْ مِنَ اللَّهِ»، با اینکه می‌توانست بفرماید: «مانعتهم حصونهم من المسلمين»، فرمود: «من الله»؛ به این دلیل که در آیه قبلی اخراج آنان را به خدا نسبت داده بود و همچنین ذیل آیه، القای رعب را در دل‌های آنان به خدا نسبت داد. از لحن این آیه استفاده می‌شود که بنی‌نضیر چندین قلعه داشتند، نه یکی؛ چون فرموده: «حصونهم».

آن‌گاه به فساد پندار و اشتباه آنان می‌پردازد و می‌فرماید: «فَأَنَاهُمُ اللَّهُ مِنْ حَيْثُ لَمْ يَحْتَسِبُوا». خدای تعالی از جایی و راهی به سراغشان آمد که هیچ گمان نمی‌کردند. منظور از آمدن خدا، همان نفوذ اراده او در میان آنان است، اما نه از راهی که آنان حسابش را می‌کردند که همه دژها و درها بسته است، بلکه از طریق باطن یهودیان که همان راه قلب‌هایشان است؛ پس می‌فرماید: «وَقَدْ فِی قُلُوبِهِمُ الرُّغْبَ». رعب به معنای خوفی است که قلب را پر کند؛ در نتیجه، آنان خانه‌هایشان را به دست خود ویران می‌کردند که فرمود: «يُخْرِبُونَ بُيُوتَهُمْ بِأَيْدِيهِمْ» که به دست مسلمانان نیفتد، و این از قدرت سیطره‌ای بود که خدای تعالی بر یهودیان داشت؛ زیرا آن‌ها خانه‌هایشان را با دست خودشان و به دست مؤمنان خراب کردند؛ چراکه خدا به مؤمنان امر کرد و آنان دستور خدا و اراده او را امتثال کردند.

سپس در پایان آیه، گویی به یهودیان و همه ما می‌فرماید: «فَاعْتَبِرُوا!» پس عبرت بگیرید ای صاحبان بصیرت».

با عبرت گرفتن از داستان یهودیان بنی‌نضیر باید گفت آمریکا و اسرائیل با طرح‌هایی مانند دفاع ضد موشکی یا سپر دفاعی که به ضربه سریع جهانی یا PGS معروف است و رواقع طرحی تهاجمی با هدف تسلط نظامی و امنیتی بر سایر کشورهاست یا هر سلاح مجهز دیگری نمی‌توانند در برابر قدرت الهی ایستادگی کنند؛ چنان‌که در جنگ سی و سه

روژه اسرائیل با حزب‌الله، به یاری خداوند متعال با وجود آن همه تجهیزات نتوانستند در برابر آن‌ها مقاومت کنند.

طرح سپر موشکی، الگوی زمینی جنگ ستارگان آمریکاییان است که برای نخستین بار در سال ۲۰۰۱ در وزارت جنگ آمریکا (پنتاگون) به تصویب رسید و در سال ۲۰۰۶ تجدید نظر نهایی شد. برای این طرح، پانصد میلیون دلار بودجه اختصاص یافته است و گفته شده باید تا سال ۲۰۲۰ اجرایی شود. براساس این طرح (PGS) آمریکا کلاهک‌های هسته‌ای موشک‌های خود را با مواد انفجاری غیر هسته‌ای برای عملیات آماده می‌کند تا در آینده بتواند در مدت شصت دقیقه، بدون نیاز به جابه‌جایی بزرگ نیروی انسانی و تجهیزات فوق‌العاده نظامی، همه اهداف مدنظر را در سراسر کره زمین هدف قرار بدهد. ساخت این همه بمب هسته‌ای و تجهیزات نظامی پیشرفته، به طور حتم نشان‌دهنده ترس بی‌نهایت آن‌هاست، اما به امر الهی در یک چشم به هم زدن، همه این توطئه‌ها به وسیله نیروهای جن و ملک بی‌اثر می‌شود و به تصریح روایات در دستان امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف قرار می‌گیرد؛ چنان‌که محمد بن زیاد از دی نقل می‌کند:

از آقا و سرورم حضرت موسی بن جعفر علیه السلام درباره مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف پرسیدم، امام پاسخ را داد تا به این قسمت از حدیث رسید: هُوَ الثَّانِي عَشَرَ مِنَّا يَسْهَلُ اللَّهُ لَهُ كُلَّ عَسِيرٍ وَيَذِلُّ لَهُ كُلَّ صَعْبٍ؛ او دوازدهمین امام است. هنگام ظهورش خدا کارها را برایش آسان می‌کند و همه مشکلات در برابر امام قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف تسلیم و رام می‌شود.

همان‌طور که بیان شد، یکی از امدادهای غیبی پروردگار به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ایجاد ترس در دل دشمنان اوست که البته سال‌هاست این وحشت، در فیلم‌ها، سریال‌ها، مقالات و کتاب‌هایی دیده می‌شود که علیه حضرت نوشته‌اند.

۳-۱. پیشگویی درباره یاری مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به وسیله نیروی باد، ابر و غیره بخشی از امدادهای غیبی در عصر ظهور، همان نیروها و امکانات طبیعی است که

خداوند در گذشته هم پیامبران خود را با آن‌ها یاری رسانده است؛ مانند نیروی طبیعی باد، ابر، باران و هر آنچه در طبیعت وجود دارد. البته کسی عالم اسباب را انکار نمی‌کند، اما درواقع «لَا مُؤَثِّرَ فِي الْوُجُودِ إِلَّا اللَّهُ»؛ یعنی خداوند تنها مؤثر و مسبب حقیقی عالم هستی است. پس آتش به فرمان خدا می‌سوزاند، درخشندگی خورشید از خداست و آب به اذن پروردگار حیات می‌بخشد. حتی سحر ساحران به اراده الهی اثر می‌کند؛ چنان‌که قرآن کریم درباره ساحران شهر بابل می‌فرماید: «وَمَا هُمْ بِضَارِينَ بِهِ مِنْ أَحَدٍ إِلَّا يَأْذِنُ اللَّهُ»؛ آن‌ها نمی‌توانستند از طریق سحر به کسی زیان برسانند، مگر اینکه خدا بخواهد».

خداوند همواره پیامبران الهی و پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله را با امدادهای غیبی یاری رسانده است. برای نمونه، در قرآن کریم درباره امدادهای الهی به حضرت داوود علیه السلام می‌خوانیم: «وَسَخَّرْنَا مَعَ دَاوُدَ الْجِبَالَ يَسِيحْنَ وَالطَّيْرَ وَكُنَّا فَاعِلِينَ»^۱ کوه‌ها و پرندگان را مستخر داوود ساختیم که (همراه او) تسبیح (خدا) می‌گفتند و ما این کار را انجام دادیم».

همچنین درباره امدادهای الهی به حضرت سلیمان علیه السلام آمده است:

وَلِسُلَيْمَانَ الرِّيحَ عَاصِفَةً تَجْرِي بِأَمْرِهِ إِلَى الْأَرْضِ الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا وَكُنَّا بِكُلِّ شَيْءٍ عَالِمِينَ * وَمِنَ الشَّيَاطِينِ مَنْ يَغُوصُونَ لَهُ وَيَعْمَلُونَ عَمَلًا دُونَ ذَلِكَ وَكُنَّا لَهُمْ حَافِظِينَ^۲ و تندباد را مسخر سلیمان ساختیم که به فرمان او به‌سوی سرزمینی جریان می‌یافت که آن را پربرکت کرده بودیم و ما از همه چیز آگاه بوده‌ایم. گروهی از شیاطین (را نیز مسخر او قرار دادیم که در دریا) برایش غواصی می‌کردند و کارهایی غیر از این نیز برای او انجام می‌دادند و ما آن‌ها را (از سرکشی) حفظ می‌کردیم.

آنچه در این آیه با عنوان «شیاطین» آمده، در آیات سوره سبأ با واژه «جن»^۳ آمده است و روشن است که این دو با هم منافات ندارد؛ زیرا می‌دانیم شیاطین نیز از تیره جنیان هستند.^۴

۱. بقره: ۱۰۲؛ تفسیر نمونه، ج ۱۰، ص ۳۳.

۲. انبیا: ۷۹.

۳. انبیا: ۸۱.

۴. سبأ: ۱۱-۱۲.

۵. تفسیر نمونه، ج ۱۳، ص ۵۱۶؛ المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۴، ص ۳۱۲-۳۱۳.

امدادهایی که براساس آیات قرآن در اختیار حضرت سلیمان نبی ﷺ و برخی از انبیا بوده، در حد کمال آن در اختیار پیامبر اسلام قرار داشته است؛ چنان‌که وقتی پیامبر اکرم ﷺ به معراج رفت، داستان معراج را این‌گونه بازگو کرد:

عرض کردم: بلی پروردگارم. ندا رسید: ای محمد، تو بنده من و من پروردگار تو هستم؛ تنها من را پرست و توکلت فقط بر من باشد. تو در بین بندگانم نور و به‌سوی خلق، رسول و برآفریدگانم حجت من هستی. بهشتم را برای تو و پیروانت آفریده و جهنم را برای مخالفانت ایجاد کرده‌ام؛ به جانشینانت عزت و به شیعیانت اجر و ثواب خواهم داد.

تا به این قسمت از روایت رسید و فرمود:

فَقُلْتُ يَا رَبِّ وَمَنْ أَوْصِيَانِي فَنُودِيْتُ يَا مُحَمَّدُ أَوْصِيَاؤُكَ الْمَكْتُوبُونَ عَلَى سَاقِ عَرْشِي فَتَنَظَرْتُ وَأَنَا بَيْنَ يَدَيَّ رَبِّي جَلَّ جَلَالُهُ إِلَى سَاقِ الْعَرْشِ فَرَأَيْتُ اثْنَيْ عَشَرَ نُورًا فِي كُلِّ نُورٍ سَطْرٌ أَخْضَرُ عَلَيْهِ اسْمٌ وَصِيٍّ مِنْ أَوْصِيَانِي أَوَّلُهُمْ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ ﷺ وَآخِرُهُمْ مَهْدِيُّ أُمَّتِي فَقُلْتُ يَا رَبِّ هَؤُلَاءِ أَوْصِيَانِي بَعْدِي فَنُودِيْتُ يَا مُحَمَّدُ هَؤُلَاءِ أَوْصِيَانِي وَ أَجِبَائِي وَأَصْفِيَائِي وَحُجَجِي بَعْدَكَ عَلَى بَرِيَّتِي وَهُمْ أَوْصِيَاؤُكَ وَخُلَفَاؤُكَ وَخَيْرُ خَلْقِي بَعْدَكَ؛ عرضه داشتم: پروردگارا، جانشینانم چه کسانی هستند؟ ندا رسید: ای محمد، اسامی ایشان بر عمود عرش نوشته شده است. پس درحالی‌که مقابل پروردگار جلّ جلاله ایستاده بودم، به عمود عرش نگریستم؛ دوازده نور دیدم که در هر نور خط سبزی بود که بر آن اسم یکی از اوصیا و جانشینانم به چشم می‌خورد؛ اول ایشان، علی بن ابی‌طالب ﷺ و آخر آن‌ها نام مهدی اتمم بود. عرضه داشتم: پروردگارا، آیا اینان جانشینان پس از من هستند؟ ندا رسید: ای محمد، ایشان والیان، محبوبان، برگزیدگان و حجت‌های من بعد از تو بر مردمان، و ایشان جانشینان تو و بهترین مخلوقات من پس از تو هستند.^۱

۴-۱. امداد غیبی الهی به مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

خداوند در ادامه حدیث معراج قسم یاد می‌کند که موعود بشر را امداد کند و به او

۱. علل الشرایع، ج ۱، ص ۶، (باب العلة التي من أجلها صارت الأنبياء والرسل والحجج أفضل من الملائكة)؛ عيون أخبار الرضا، ج ۱، ص ۲۶۴، ح ۲۲.

یاری رساند:

وَعِزَّتِي وَجَلَالِي لِأُظْهِرَنَّ بِهِمْ دِينِي وَلَأُعْلِينَ بِهِمْ كَلِمَتِي وَلَأُظْهِرَنَّ الْأَرْضَ بِآخِرِهِمْ مِنْ أَعْدَائِي وَلَأُمَكِّنَنَّ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَمَغَارِبَهَا وَلَأَسْخِرَنَّ لَهُ الرِّيحَ وَلَأُذِلَّنَّ لَهُ السَّحَابَ الصِّعَابَ وَلَأَرْقِيَنَّهُ فِي الْأَسْبَابِ فَلَأَنْصُرَنَّهُ بِجُنْدِي وَلَأُمَدِّنَّهُ بِمَلَائِكَتِي حَتَّى تَعْلُو دَعْوَتِي وَتَجْمَعَ الْخَلْقُ عَلَى تَوْحِيدِي ثُمَّ دِينَ مُلْكِهِ وَلَادَا وَلِنِ الْيَوْمَ بَيْنَ أَوْلِيَائِي إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ؛ قسم به عزت و جلالم! به وسیله ایشان دین خود را آشکار، آیین خویش را بر پا و با آخرین ایشان زمین را از دشمنانم پاک خواهم کرد و او را بر مشارق و مغارب زمین مسلط می‌کنم. بادهای را مستخرش و ابرهای سخت را رامش می‌کنم و اسباب و ابزار را در اختیارش می‌گذارم و با لشکریانم کمکش می‌کنم و با فرشتگانم یاری‌اش می‌نمایم تا دعوت من بر فراز کره زمین مستقر گردد و خلق بر یکتاپرستی من اجتماع کنند و سپس مُلک و سلطنتش را بگسترانم و او پیوسته روزگار را بین دوستانم سپری کند تا روز قیامت فرارسد.

۵-۱. امداد غیبی به وسیله فرشتگان

شاید به نظر برسد که تنها اهل زمین مشتاق ظهور و دیدار روی مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف موعود وَجْهَ الشَّرِيفِ هستند، اما فرشتگان الهی بیش از ما مشتاق زیارت و یاری حضرت برای تشکیل حکومت عدل مهدوی هستند.

براساس روایات، خداوند آخرین ذخیره خود را برای پیروزی و تشکیل حکومت عدل مهدوی به وسیله فرشتگان امداد می‌کند؛ چنان‌که در قرآن کریم این‌گونه وعده داده است: «وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ»^۱ و خداوند کسانی را که به او یاری رسانند (و از آیینش دفاع کنند)، یاری می‌کند؛ خداوند قوی و شکست‌ناپذیر است».

۱. علل الشرایع، ج ۱، ص ۶-۷، (باب العلة التي من أجلها صارت الأنبياء والرسل والحجج أفضل من الملائكة)، ح ۱؛ عيون أخبار الرضا عليه السلام، ج ۱، ص ۲۶۲-۲۶۴، ح ۲۲؛ کمال الدین و تمام النعمة، ج ۱، ص ۲۵۴-۲۵۶، ح ۴؛ مسند الإمام الرضا عليه السلام، ج ۱، ص ۷۸-۸۰، ح ۵۴؛ بحار الأنوار، ج ۱۸، ص ۳۴۵-۳۴۷، ح ۵۲، ص ۳۱۲؛ تأویل الآيات الظاهرة، ص ۸۳۶؛ منتخب الأنوار المضيئة، ص ۱۱-۱۲.

۲. حج: ۴۰.

قاسم بن محمد بن علی بن ابراهیم به نقل از پدر و جدش از قول عبدالله بن حماد و او نیز به نقل از اسحاق بن عمار چنین می‌گوید:

محضر مبارک حضرت ابی‌عبدالله علیه السلام عرض کردم: ای پسر رسول خدا، فدایت شوم! شب عرفه در حیره بودم. قریب سه تا چهار هزار مردانی را دیدم که صورت‌هایشان زیبا و بویشان خوش بود و لباس‌های بسیار سفید به تن داشتند و تمام طول شب در آنجا به نماز خواندن مشغول بودند. اراده کردم نزدیک قبر شریف بروم و آن را ببوسم و دعا‌هایی نزدیک قبر بخوانم، ولی از فراوانی و ازدحام جمعیت نتوانستم خود را به قبر برسانم و وقتی صبح طلوع کرد، به سجده رفتم و وقتی از سجده سر برداشتم، هیچ‌یک از آن مردان را ندیدم. امام به من فرمودند: آیا دانستی آن‌ها چه کسانی بودند؟ عرضه کردم: فدایت شوم! خیر. امام فرمودند: پدرم از پدرشان به من خبر دادند که چهار هزار فرشته به حضرت امام حسین علیه السلام گذر کردند، درحالی‌که آن حضرت شهید شده بودند. پس آن فرشتگان به آسمان عروج کردند و حق تعالی به ایشان وحی فرمود: ای گروه فرشتگان، بر پسر حبیب و برگزیده‌ام، محمد صلی الله علیه و آله گذر کردید؛ درحالی‌که او کشته و مقهور و مظلوم بود، پس چرا او را کمک نکردید؟ پس بر زمین فرود آید و ملازم قبرش باشید و با حالی ژولیده و گرفته تا روز قیامت بر او بگریید. پس این فرشتگان نزد قبر هستند تا قیامت بر پا شود.^۱

در ادامه این بحث، اشتیاق فرشتگان برای روز ظهور و بی‌قراری آنان خواهد آمد، اما نکته‌ای که باید به آن دقت کرد، این است که شاید دشمنان بتوانند همه ارزیابی‌های مادی را در به خدمت گرفتن دانشگاه‌ها، محققان، کارشناسان و حتی مجتهدان درباره مهدویت برای ضربه زدن به قیام حجت بن الحسن عسکری علیه السلام فراهم کنند و در این راه موانع بسیاری ایجاد کنند، اما آنان به محاسبه، فهم و تصور امدادهای غیبی پروردگار قادر نیستند و نمی‌توانند آن‌ها را در برنامه‌ریزی‌های خود بگنجانند.

۲. آشنایی فرشتگان با نام مبارک ائمه هدی علیهم السلام

فرشتگان الهی از روز اول خلقت با نام مبارک ائمه علیهم السلام آشنا شده‌اند و این امر بارها اتفاق افتاده است؛ از جمله این موارد، قصه آفرینش حضرت آدم علیه السلام است که در آیات اولیه سوره بقره به آن اشاره شده است:

وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَنَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ * وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا ثُمَّ عَرَضَهُمْ عَلَى الْمَلَائِكَةِ فَقَالَ أَنْبِئُونِي بِأَسْمَاءِ هَؤُلَاءِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ؛ هنگامی که پروردگار تو به فرشتگان فرمود: من قطعاً می‌خواهم در زمین جانشین قرار دهم. فرشتگان گفتند: آیا کسانی را در زمین قرار می‌دهی که فساد می‌کنند و خون‌ها در زمین می‌ریزند؛ درحالی‌که ما تو را حمد، ستایش، تسبیح و تقدیس می‌کنیم. خداوند فرمود: قطعاً من می‌دانم آنچه را شما نمی‌دانید. خداوند به آدم همه اسماء را آموخت، آن‌گاه حقایق آن اسماء را بر فرشتگان عرضه کرد و گفت: اسامی این‌ها را به من خبر دهید، اگر راست‌گو هستید.

سپس فرشتگان گفتند:

قَالُوا سُبْحَانَكَ لَا عِلْمَ لَنَا إِلَّا مَا عَلَّمْتَنَا إِنَّكَ أَنْتَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ * قَالَ يَا آدَمُ أَنْبِئْهُمْ بِأَسْمَائِهِمْ فَلَمَّا أَنْبَأَهُمْ بِأَسْمَائِهِمْ قَالَ أَلَمْ أَقُلْ لَكُمْ إِنِّي أَعْلَمُ غَيْبَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَأَعْلَمُ مَا تُبْدُونَ وَمَا كُنْتُمْ تَكْتُمُونَ؛ فرشتگان گفتند: خدایا، منزهی تو! هیچ علمی برای ما نیست، مگر آنچه تو به ما آموختی؛ همانا تو دانا و حکیم هستی. آن‌گاه خداوند به آدم فرمود: ملائکه را به حقیقت این اسماء آگاه کن. چون آنان را آگاه کرد، خداوند فرمود: ای فرشتگان، اکنون دانستید که من بر غیب آسمان‌ها و زمین دانا و بر آنچه آشکار و پنهان کنید، آگاهم. وقتی خداوند به آدم فرمود ملائکه را از حقایق اسماء آگاه کن، آدم علیه السلام نام مبارک ائمه هدی علیهم السلام را به آنان آموخت و آدم علیه السلام، اولین معلم فرشتگان شد که به آنان اسامی

۱. بقره: ۳۰-۳۱.

۲. بقره: ۳۲-۳۳.

امامان دوازده‌گانه را یاد داد.

به این ترتیب، فرشتگان از همان آغاز خلقت با اسامی دوازده امام معصوم علیهم‌السلام آشنا شدند و همین امر سبب شد همیشه با اشتیاق و علاقه برای ظهور حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالیه و ولایت عجل‌الله‌تعالیه لحظه‌شماری کنند تا پس از زیارت حضرت، با جان و دل به یاری‌اش بشتابند.

۳. اشتیاق فرشتگان برای یاری مهدی عجل‌الله‌تعالیه از زمان تولد

فرشتگان الهی از زمان تولد حجت خدا، توان انتظار تا زمان ظهور آن حضرت را نداشتند. به همین دلیل، آنان به شمایل پرندگانی از آسمان فرود آمدند تا از نزدیک موعود بشریت را زیارت و مشاهده کنند. فرشتگان الهی همواره می‌آمدند و بال‌هایشان را بر سر و صورت و بدن امام می‌مالیدند، پس از آن پرواز می‌کردند و می‌رفتند. شیخ صدوق نقل می‌کند:

قال أبوعلی: وسمعت هذه المجارية تذكر أنه لما ولد السيد عليه السلام رأت له نورا ساطعا قد ظهر منه وبلغ أفق السماء. ورأيت طيوراً بيضاء تهبط من السماء وتمسح أجنحتها على رأسه ووجهه وسائر جسده ثم تطير. فأخبرنا أبا محمد عليه السلام بذلك فضحك. ثم قال: تلك الملائكة نزلت للتبرك بهذا المولود وهي أنصاره إذا خرج؛ أبوعلی می‌گوید: شنیدم که یکی از کنیزان امام حسن عسکری علیه‌السلام می‌گفت: هنگامی که مولای ما متولد شد، نوری از او ساطع شد و به افق آسمان‌ها رسید. در آن هنگام، پرندگان سفیدی از آسمان مشاهده شد که می‌آمدند و بال‌های خود را بر سر و صورت و بدن آن حضرت می‌مالیدند و پرواز می‌کردند. این مطلب را برای امام حسن عسکری علیه‌السلام نقل کردند؛ حضرت لبخندی زد و فرمود: آنان ملائکه آسمان بودند؛ فرود آمده‌اند تا خود را متبرک کنند و هنگامی که خروج کند، ایشان یاران او خواهند بود.

۴. فرشتگان بدر، یاری‌کنندگان مهدی عجل‌الله‌تعالیه

در قرآن کریم و بیشتر تفاسیر فریقین آمده است که خداوند تعالی در جنگ بدر، پنج

۱. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۴۳۱، ح ۷؛ بحار الأنوار، الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار علیهم‌السلام، ج ۵۱، ص ۵، ح ۱۰؛ معجم احادیث الامام المهدی عجل‌الله‌تعالیه، ج ۴، ص ۳۷۲.

هزار فرشته برای یاری حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرستاد.^۱ در قرآن کریم ماجرا به این صورت بیان شده است:

بَلَىٰ إِن تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا وَيَأْتُوكُم مِّن فَوْرِهِمْ هَٰذَا يُمْدِدْكُمْ رَبُّكُمْ بِخَمْسَةِ آلَافٍ مِّنَ الْمَلَائِكَةِ مُسَوِّمِينَ وَمَا جَعَلَهُ اللَّهُ إِلَّا بُشْرَىٰ لَكُمْ وَلِتَطْمَئِنَّ قُلُوبُكُم بِهِ وَمَا النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ؛^۲ آری، اگر صبر پیشه کنید و باتقوا باشید، وقتی کافران بر شما حمله کنند، خداوند تعالی پنج هزار فرشته را با پرچمی که نشان مخصوص سپاه اسلام است، به یاری شما می‌فرستد و خداوند این وعده را نداد، مگر آنکه به شما مژده فتح بدهد و تا قلب‌هایتان مطمئن شود و پیروزی نصیب کسی نمی‌شود، مگر از سوی خداوند صاحب عزت و حکیم.

سپاه اسلام و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در جنگ بدر با امداد غیبی فرشتگان، پیروزی بزرگی به دست آوردند؛ به گونه‌ای که پس از گذشت سالیان سال، سخن از عظمت و شکوه این پیروزی، قلب‌های مسلمانان را شاد و آنان را به وجد می‌آورد.

عیاشی در تفسیر خود به نقل از ضریس بن عبد الملک از امام باقر علیه السلام روایت می‌کند که حضرت یاری فرشتگان را به مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه این گونه پیشگویی کرد:

إِنَّ الْمَلَائِكَةَ الَّذِينَ نَصَرُوا مُحَمَّدًا صلی الله علیه و آله يَوْمَ بَدْرٍ فِي الْأَرْضِ مَا صَعَدُوا بَعْدُ وَلَا يَصْعَدُونَ حَتَّى يَنْصُرُوا صَاحِبَ هَٰذَا الْأَمْرِ وَهُمْ خَمْسَةُ آلَافٍ؛^۳ به راستی فرشتگانی که حضرت محمد صلی الله علیه و آله را در روز بدر، در زمین یاری کردند، بعد از جنگ بدر به سمت بالا نرفتند و نمی‌روند تا اینکه صاحب الأمر، امام زمان عجل الله تعالی فرجه را یاری کنند و این فرشتگان پنج هزار نفر هستند.

همچنین نعمانی به نقل از ابوحمزه ثمالی می‌گوید: امام باقر علیه السلام ظهور و قدم به قدم حرکت امام زمان عجل الله تعالی فرجه را از نجف و اطراف آن، یعنی کوفه تا افراسنه شدن پرچم رسول خدا صلی الله علیه و آله و فرود آمدن فرشتگان بدر را این گونه پیشگویی کرد:

۱. المیزان، ج ۴، ص ۷-۸ و تفاسیر دیگر در ذیل همین آیه.

۲. آل عمران: ۱۲۵-۱۲۶.

۳. تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۹۷، ح ۱۳۸؛ بحار الأنوار، ج ۱۹، ص ۲۸۴؛ الإرشاد، ص ۳۶۲؛ محمد بن حسن، حرّ عاملی، اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۴۹.

عَنْ أَبِي حَمْزَةَ الثَّمَالِيِّ قَالَ: قَالَ لِي أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام يَا ثَابِتُ كَأَنِّي بِقَائِمِ أَهْلِ بَيْتِي قَدْ أَشْرَفَ عَلَى نَجْفِكَ هَذَا وَأَوْمَأَ بِيَدِهِ إِلَى نَاحِيَةِ الْكُوفَةِ فَإِذَا هُوَ أَشْرَفَ عَلَى نَجْفِكَ نَشْرَافَةَ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله فَإِذَا هُوَ نَشَرَهَا انْخَطَّتْ عَلَيْهِ مَلَائِكَةُ بَدْرٍ^۱ اِى ثابت، گویا هم‌اکنون قائم اهل بیت خود را می‌نگرم که به این شهر نجف شما نزدیک می‌شود و با دست خود به سمت کوفه اشاره فرمود و ادامه داد: همین‌که بر نجف شما اشراف پیدا کند، پرچم رسول خدا صلى الله عليه وآله را برخواهد افراشت و چون آن را برافرازد، فرشتگان بدر بر او فرود آیند.

حدیث دیگری از امام صادق عليه السلام نقل شده که امام ضمن بیان همان پیشگویی‌ها، به تعداد ملائک بدر هم اشاره می‌کند: «إِذَا قَامَ الْقَائِمُ عليه السلام، نَزَلَتْ مَلَائِكَةُ بَدْرٍ هُمْ خَمْسَةُ أَلْفٍ^۲ هنگامی که قائم - که درود خداوند بر او باد - قیام کند، فرشتگان روز بدر که در جنگ بدر به یاری پیامبر آمدند، فرود می‌آیند و آنان پنج هزار نفرند».

۵. فرشتگان حاضر در کربلا، منتظران مهدی عجل الله تعالی فرجه له

از آن روز که فرشتگان با اسامی ائمه هدی عليهم السلام آشنا شدند، دیگر آرام و قرار نداشتند؛ به طوری که تعدادی از آنان برای یاری امام به زمین می‌آمدند. براساس روایات، فرشتگانی که در روز عاشورا برای یاری امام حسین عليه السلام دیر رسیدند، به اذن خداوند متعال در زمین باقی مانده‌اند تا پس از ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه له او را یاری کنند.

۵-۱. فرشتگان حاضر در کربلا، همیشه گریان و منتظر

امام صادق عليه السلام درباره این فرشتگان می‌فرماید: «فَهُمْ عِنْدَ قَبْرِهِ شِعْثُ غُبْرِ يَبْكُونَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَهُمْ يَنْتَظِرُونَ خُرُوجَ الْقَائِمِ عليه السلام»^۳ پس این فرشتگان نزد قبر امام حسین عليه السلام پریشان حال و خاک‌آلود تا روز قیامت گریان‌اند؛ درحالی که منتظر ظهور قائم آل محمد عجل الله تعالی فرجه له هستند».

۱. الغيبة نعمانی، ص ۳۰۸-۳۰۹، ح ۳؛ بحار الأنوار، ج ۵۲، باب ۲۷، ص ۳۶۲، ح ۱۳۰.
۲. الإرشاد، ج ۲، ص ۳۸۰؛ إعلام الوری بأعلام الهدی، ص ۴۶۰؛ بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۳۷.
۳. الغيبة نعمانی، ص ۳۰۹، ح ۴؛ بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۲۶، ح ۴۰.

۲-۵. فرشتگان حاضر در کربلا، یاوران مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

در روایت دیگری امام صادق علیه السلام به یکی از شاگردانش به نام «کزام» که مشتاق ظهور حضرت بود، درباره فرشتگان حاضر در کربلا می‌فرماید:

ای کزام، هنگامی که امام حسین علیه السلام به شهادت رسید، آسمان‌ها، زمین و هرچه در آن است و فرشتگان ناله کردند و گفتند: پروردگارا، به ما اجازه بده تا مخلوقات را هلاک و نابود کنیم؛ زیرا به حریم تویی احترامی کردند و برگزیده تو را کشتند. خداوند به آن‌ها وحی کرد: ای فرشتگان و ای آسمان و زمین، آرام باشید! سپس خداوند پرده‌ای از پرده‌ها را کنار زد؛ محمد صلی الله علیه و آله و دوازده وصی او در آنجا بودند. آن‌گاه دست قائم آل محمد عجل الله تعالی فرجه الشریف را میان آن‌ها گرفت و سه بار فرمود: ای فرشتگان و ای آسمان و زمین من، بِهَذَا انْتَصِرُ لِهَذَا؛ به وسیله قائم از خون حسین علیه السلام انتقام می‌گیرم!

براساس این روایت‌ها، فرشتگان حاضر در کربلا نیز در انتظار ظهور مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف لحظه‌شماری می‌کنند و منتظر ظهور قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف هستند و بدون شک آن فرشتگان با خود می‌گویند: اکنون که روز عاشورا نتوانستیم حجت خدا، امام حسین علیه السلام و یارانش را در کربلا یاری کنیم، هرگاه فرزندش، مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف به امر خداوند تعالی ظهور کرد، او و یارانش را یاری خواهیم کرد.

۶. یاری رساندن جبرئیل امین، میکائیل و اسرافیل به مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

دو فرشته مقرب پروردگار، جبرئیل امین و میکائیل نیز از کسانی هستند که در انتظار مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف بی‌قراری می‌کنند.

۱-۶. جبرئیل، نخستین بیعت‌کننده با مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

شیخ صدوق به نقل از ابان بن تغلب از امام صادق علیه السلام روایت می‌کند که جبرئیل امین از نخستین فرشتگانی است که با حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بیعت می‌کند:

قال ابو عبد الله علیه السلام: أول من يبایع القائم عجل الله تعالی فرجه الشریف جبرئیل، ينزل في صورة طير

أبيض فيبايعه ثم يضع رجلا على بيت الله الحرام ورجلا على بيت المقدس، ثم ينادى بصوت ذلق (الفصيح) تسمعه الخلايق: أتي أمر الله فلا تستعجلوه! امام صادق عليه السلام فرمود: نخستین کسی که با حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف بیعت کند، جبرئیل است که به صورت مرغ سفیدی پس از بیعت، یک پا بر بیت الحرام گذارد و یک پا بر بیت المقدس و با صدای بلند فریاد کشد: فرمان خدا رسید؛ پس شتاب کنید.

شیخ مفید رحمته الله نیز از مفضل بن عمر جعفی از امام صادق عليه السلام چنین روایت می‌کند: إذا أذن الله تعالى للقائم في الخروج صعد المنبر، فدعى الناس إلى نفسه وناشدهم بالله ودعاهم إلى حقه، وأن يسير فيهم بسنة رسول الله صلى الله عليه وآله ويعمل فهم بعلمه، فيبعث الله جبرئيل، يأتيه فينزل على الحطيم، يقول: إلى أي شيء تدعوا؟ فيخبره القائم عليه السلام فيقول جبرئيل: أنا أول من يبايعك، أبسط يدك على يده وقد وافاه و قد وافاه ثلاث مائه وبعضه عشر رجلاً فيبايعونه ويقيم بمكة حتى يتم أصحابه عشرة آلاف نفس ثم يسير منها إلى المدينة؛ أن گاه که خداوند به حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف اجازه خروج دهد، آن جناب به منبر رود و مردم را به سوی خویش دعوت کند و آن‌ها را به خدا سوگند دهد و به حق خویش بخواند و به اینکه در میان آنان به روش رسول خدا صلى الله عليه وآله رفتار کند و به کردار آن جناب عمل کند. آن گاه خداوند جبرئیل را می‌فرستد تا در حجر اسماعیل نزد آن حضرت بیاید و بگوید: به چه چیزی مردم را می‌خوانی؟ حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف دعوت خود را به او خبر دهد. جبرئیل گوید: من نخستین کسی هستم که با تو بیعت می‌کنم؛ دست خویش را برای بیعت باز کن. پس دست به دست آن حضرت نهد و بیشتر از ۳۱۰ مرد نزد او بیایند و با او بیعت کنند و در مکه بمانند تا یارانش به ده هزار نفر برسد، سپس از آنجا به مدینه رهسپار شود.

در روایتی دیگر، علامه مجلسی در بحار الأنوار از ابان بن تغلب از امام صادق عليه السلام چگونگی بیعت جبرئیل را بیان می‌کند: «إِنَّ أَوَّلَ مَنْ يَبَايِعُ الْقَائِمَ عليه السلام جَبْرَائِيلُ عليه السلام يَنْزِلُ

۱. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۶۷۱؛ ح ۱۸؛ تفسیر نور الثقلین، ج ۳، ص ۳۸، ح ۳.
۲. الإرشاد، باب ۴۰، ص ۳۵۷، فصل ۵، ح ۱، ج ۲، ص ۳۸؛ مهدی موعود عليه السلام، ص ۱۱۵۴؛ بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۳۷، ح ۷۸.

فِي صُورَةِ طَيْرٍ أَبْيَضَ فَيَبَايَعُهُ؛^۱ به راستی نخستین بیعت‌کننده با قائم آل محمد عجل الله تعالی فرجه الشریف، جبرئیل امین است که به صورت پرنده‌ای سفید نازل می‌شود و با حضرت بیعت می‌کند».

۶-۲. تأیید امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف از سوی روح، جبرئیل و میکائیل

علی بن ابراهیم در شرح تفسیر خود در معنای آیه «وَأَيَّدَهُم بِرُوحٍ مِّنْهُ»^۲ نقل می‌کند که امام فرمود: «الروح ملك أعظم من جبرئيل وميكائيل كان مع رسول الله صلى الله عليه وآله وهو مع الأئمة»^۳ روح فرشته اعظم، جبرئیل و میکائیل است که با رسول خدا صلى الله عليه وآله و امامان معصوم عليهم السلام بوده‌اند».

همچنین روایت‌های بسیاری نشان می‌دهد که آنان همان‌طور که در مشکلات یار و غمخوار رسول گرامی اسلام صلى الله عليه وآله بوده‌اند، امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را هم پس از ظهور یاری می‌کنند.

۶-۳. آوردن پرچم قیام مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف توسط جبرئیل

براساس روایات، از امام صادق عليه السلام پرسیدند: آیا پرچم قیام نزد حضرت است یا اینکه برای او آورده می‌شود؟ آن حضرت فرمود: «بل يأتي بها جبرئيل»^۴ بلکه جبرئیل آن را می‌آورد».

۶-۴. جبرئیل در سمت راست و میکائیل در سمت چپ مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

شیخ مفید به نقل از ابوبکر حضرمی از امام باقر عليه السلام نقل می‌کند که حضرت فرمود: کَأَنِّي بِالْقَائِمِ عَلَى نَجْفِ الْكُوفَةِ قَدْ سَارَ إِلَيْهَا مِنْ مَكَّةَ فِي خَمْسَةِ آلَافٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ، جبرئيل عن يمينه و ميكائيل عن شماله، و المومنون بين يديه. و هو يفرق الجنود في البلاد؛^۵ گویا می‌بینم که قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف از مکه به نجف و کوفه آمده است؛ درحالی‌که پنج هزار فرشته با اوست و جبرئیل در سمت راست و میکائیل در

۱. بحار الأنوار، ج ۵۲، باب ۲۶ (یوم خروجه و ما يدل عليه)، ص ۲۸۵؛ به همین مضمون از: الغيبة نعمانی، باب ۲۰، ص ۳۱۴، ح ۶.

۲. مجادله: ۲۲.

۳. تفسیر قمی، ج ۲، ص ۳۵۸؛ (احادیث بسیاری با همین معانی در کتاب‌ها نقل شده است)؛ رک. اصول کافی، ج ۱، باب الروح التي يسدّد الله بها الأئمة عليهم السلام، ص ۲۷۳.

۴. الغيبة نعمانی، ص ۳۱۰، ح ۵.

۵. الغيبة نعمانی، ص ۳۰۸، ح ۳؛ بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۲۶، ح ۴۱.

سمت چپ و مؤمنان در پیشاپیش او هستند و او از آنجا لشکریان خود را به سرزمین‌ها می‌فرستد.

شیخ مفید در کتاب *أمالی* خود از ابوخالد کابلی به نقل از امام سجاد علیه السلام درباره قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف چنین آورده است:

كَانَ بِصَاحِبِكُمْ قَدْ عَلَا فَوْقَ نَجْفِكُمْ بَظَهْرُ كُوفَانِ فِي ثَلَاثِ مِائَةِ وَبِضْعَةِ عَشَرَ رَجُلًا جِبْرِئِيلُ عَنْ يَمِينِهِ وَمِيكَائِيلُ عَنْ شِمَالِهِ وَاسْرَافِيلُ أَمَامَهُ؛^۱ گویا (می‌بینم) صاحب شما را که بر نجف، پشت کوفه همراه سیصد و چند نفر بالا رفته است و جبرئیل سمت راست او، میکائیل سمت چپ و اسرافیل در مقابل اوست.

۷. فرشتگان یاری‌کننده حضرت عیسی در یاری مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

براساس روایات، فرشتگان بسیاری که همراه حضرت عیسی علیه السلام به آسمان رفتند، هنگام ظهور با حضرت به زمین باز می‌گردند و امام عصر را یاری می‌کنند. امام صادق علیه السلام در این باره می‌فرماید: «برای حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف ۹۳۱۳ فرشته فرود می‌آید. آنان همان فرشتگانی هستند که همراه حضرت عیسی علیه السلام بوده‌اند، هنگامی که خداوند او را به آسمان برد»^۲: «وَالَّذِينَ كَانُوا مَعَ عِيسَى حِينَ رَفَعَهُ اللَّهُ»^۳.

۸. فرشتگان یاری‌کننده انبیا، یاور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

فرشتگان دیگری نیز سال‌ها در اشتیاق و انتظار یاری ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف به سر می‌برند که تعداد آن‌ها را ۱۳۰۰۰۳۱۳ برشمرده‌اند.

حسین بن محمد بن عامر، از احمد بن اسحاق بن سعد، از سعدان بن مسلم، از عمر بن ابان، از ابان بن تغلب، از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که آن حضرت به‌طور دقیق دوران ظهور مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف و فرشتگان یاری‌دهنده ایشان را این‌گونه پیشگویی کرده و به تصویر کشیده است:

گویا حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف را می‌بینم که بر بلندی شهر کوفه ایستاده است

۱. *أمالی*، ص ۴۵، المجلس السادس، ح ۵.

۲. بحار الأنوار، ج ۱۴، ص ۳۳۹؛ به نقل از: چشم اندازی به حکومت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف.

۳. الغيبة نعمانی، ص ۳۱۱، باب ۱۹.

و زره رسول الله صلی الله علیه و آله را بر تن می‌کند. پس آن را حرکت می‌دهد تا بر بدنش احاطه یابد و آن را بپوشاند. آن حضرت در زیر هودجی از استبرق قرار دارد و بر اسبی خاکستری سوار است که بین دو چشمانش سفیدی است. پس اسب حرکتی به خود می‌دهد و اهل هر شهری می‌بیند که راکب و مرکب با ایشان در شهر اوست و به این ترتیب پرچم رسول خدا صلی الله علیه و آله را در تمام بلاد منتشر می‌فرماید. عمود این پرچم از عمود عرش بوده، بر بقیه آن نقش «نَصْرُ مِنَ اللَّهِ» می‌باشد. آن پرچم بر چیزی فرود نمی‌آید، مگر آنکه حق تعالی آن را نابود می‌فرماید. هنگامی که پرچم به اهتزاز و حرکت در می‌آید، هیچ مؤمنی باقی نمی‌ماند مگر آنکه قلبش همچون آهنی سخت باشد. به هر مؤمنی نیروی چهل مرد داده می‌شود و نیز هیچ مؤمن مرده‌ای باقی نمی‌ماند مگر آنکه این فرح و سرور در قبرش داخل می‌شود و این زمانی است که اهل قبور یکدیگر را در قبرها زیارت می‌کنند و به آن‌ها بشارت به قیام قائم داده می‌شود. ۱۳۰۰۰۳۱۳ فرشته به دنبال آن حضرت بانگ برآورند. راوی پرسید: تمام این جمعیت فرشتگان هستند؟ حضرت فرمود: بلی، آن‌ها عبارت‌اند از:

- فرشتگانی که با حضرت نوح علیه السلام در سفینه بودند.
- فرشتگانی که با حضرت ابراهیم علیه السلام بودند، وقتی آن حضرت را در آتش انداختند.
- فرشتگانی که با حضرت موسی علیه السلام بودند، زمانی که دریا را برای بنی اسرائیل شکافتند.
- فرشتگانی که با حضرت عیسی علیه السلام بودند، وقتی حق تعالی او را از زمین به آسمان برد.
- چهار هزار فرشته مسومین (نشانه‌گذارنده) و هزار فرشته مردفین (بعضی تابع برخی دیگر هستند).
- ۳۱۳ فرشته که در جنگ بدر حاضر بودند.

- ۴۰۰۰ فرشته که از آسمان به قصد قتال در رکاب همایون حضرت امام حسین علیه السلام از آسمان نازل شدند، اما به آن‌ها اذن قتال داده نشد. پس کنار

قبر آن حضرت با حالتی ژولیده و حزین و غمگین باقی مانده، از آن روز تا قیامت برای حضرت گریان هستند. رئیس ایشان فرشته‌ای است که به او «منصور» گفته می‌شود. زائری نیست که به زیارت آن حضرت رود، مگر آنکه این فرشتگان به استقبالش می‌روند و آن جناب را وداع نمی‌کند، مگر آنکه آن‌ها به مشایعتش می‌روند و بیمار نمی‌شود، مگر آنکه ایشان از او عیادت می‌کنند و میتی از دنیا نمی‌رود، مگر آنکه بر جنازه‌اش نماز می‌خوانند و پس از مرگش برای او طلب آمرزش می‌کنند و تمام این فرشتگان در زمین منتظر قیام قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف هستند که در وقتش خروج فرماید.^۱

۹. فرشتگان نشان‌دار، یاری‌کنندگان مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

نعمانی در روایتی به نقل از ابو حمزه ثمالی می‌گوید که امام باقر ع درباره فرشتگان نشان‌دار چنین فرمود:

قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ ع يَقُولُ: لَوْ قَدْ خَرَجَ قَائِمُ آلِ مُحَمَّدٍ ع لَنَصَرَهُ اللَّهُ بِالْمَلَائِكَةِ الْمُسَوِّمِينَ وَالْمُرْدَفِينَ وَالْمُنْزِلِينَ^۲؛ از امام باقر ع شنیدم که وقتی قائم آل محمد عجل الله تعالی فرجه الشریف ظهور کند، خداوند او را به وسیله گروه‌های فرشتگان مسوومین (نشان‌دار)، مُردفین (پیامی)، منزِلین (فرود آورده شده) و کُروبین (مقرب) یاری خواهد کرد.

براساس این روایت، خداوند متعال با امدادهای غیبی، مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف را به وسیله چهار گروه از فرشتگان یاری می‌دهد:

- مسوومین: فرشتگان نشان‌داری هستند که نشانه آن‌ها عمامه سفیدی است که تحت‌الحنک انداخته و در جنگ بدر شرکت کرده بودند.

- مُردفین: فرشتگانی که در پشت سر هم برای یاری مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف صف می‌کشند.

- منزِلین: فرشتگانی که فرستاده شده‌اند و براساس روایات، تعداد آن‌ها سه هزار نفر

۱. کامل‌الزیارات، ص ۳۹۱-۳۹۲، ح پنجم.

۲. الغیبة نعمانی، ص ۲۳۴، ح ۲۲؛ بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۳۴۸، ح ۹۹.

است.

- کزوبین: فرشتگانی که سالار فرشتگان هستند. تعداد کزوبین و مقرّبین به طور دقیق مشخص نشده است، اما در کتاب بصائر با توجه به سندی که تا امام صادق ع می‌رسد، چنین آمده است که کزوبیان، گروهی از شیعیان ما و از آفریدگان نخستین هستند که خدا آن‌ها را بالاتر از عرش قرار داده است؛ اگر نور یکی از آن‌ها را بر اهل زمین بتابانند، آن‌ها را بس است. سپس فرمود: چون موسی ع از پروردگارش آنچه را خواست که نباید می‌خواست، به یکی از کزوبیان فرمود تا بر کوه تجلی کند و چون تجلی کرد، کوه را نرم و همچون گرد کرد.^۱

همچنین کلینی در الکافی بابی را به زیارت قبر امام حسین ع اختصاص داده است. در این باره زیارت‌نامه‌ای از امام صادق ع آمده است که در آن سفارش شده که هنگام تشرف به حرم، پس از غسل و انجام مقدمات، به این فرشتگان سلام بدهید:

وَقُلْ حِينَ تَدْخُلُهُ السَّلَامُ عَلَى مَلَائِكَةِ اللَّهِ الْمُنْزِلِينَ السَّلَامُ عَلَى مَلَائِكَةِ اللَّهِ الْمُرْدِفِينَ السَّلَامُ عَلَى مَلَائِكَةِ اللَّهِ الْمُسَوِّمِينَ السَّلَامُ عَلَى مَلَائِكَةِ اللَّهِ الَّذِينَ هُمْ فِي هَذَا الْحَرَمِ مُقِيمُونَ؛ درود بر فرشتگان معین و مشخص حق تعالی! درود بر فرشتگانی که بر زمین نازل شدند! درود بر فرشتگان خدا که ردیف هم قرار دارند! درود بر فرشتگان خدا که در این حرم به اذن خدا اقامت کرده‌اند!

۱۰. فرشتگان و جنیان از یاوران مهدی عج

براساس روایت امامان معصوم ع، یکی دیگر از موارد امدادهای غیبی، یاری تعداد قابل توجهی از طایفه جنیان است که مشتاقانه خود را برای ظهور و یاری حجت خدا آماده می‌کنند. در روایتی که مفضل از یکی از امامان معصوم ع نقل کرده، چنین آمده است:

يَا مُفَضَّلُ يَسْنِدُ الْقَائِمُ ع ظَهْرَهُ إِلَى الْحَرَمِ وَيَمُدُّ يَدَهُ فَتَرَى بَيْضَاءَ مِنْ غَيْرِ سُوءٍ

۱. محمد باقر، مجلسی، آسمان و جهان (ترجمه کتاب السماء و العالم بحار)، ج ۳، ص ۱۵۷، ح ۲۶؛ الغيبة نعمانی، ص ۱۵۴؛ علی، یزدی حائری، الزام الناصب، ج ۲، ص ۳۰۳.

۲. اصول الکافی، ج ۴، باب زیارة قبر ابي عبد الله الحسين بن علي ع، ص ۵۷۲، ح ۱.

وَيَقُولُ هَذِهِ يَدُ اللَّهِ وَعَنِ اللَّهِ وَبِأَمْرِ اللَّهِ ثُمَّ يَتْلُو هَذِهِ الْآيَةَ «إِنَّ الَّذِينَ يَبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يَبَايِعُونَ اللَّهَ يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ فَمَنْ نَكَثَ فَإِنَّمَا يَنْكُثُ عَلَى نَفْسِهِ وَمَنْ أَوْفَى بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهِ اللَّهُ فَسَيُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا». فَيَكُونُ أَوَّلُ مَنْ يَقْبَلُ يَدَهُ جَبْرَائِيلُ عَلَيْهِ السَّلَام ثُمَّ يَبَايِعُهُ وَتَبَايَعُهُ الْمَلَائِكَةُ وَنُجَبَاءُ الْجِنِّ ثُمَّ النَّقَبَاءُ؛ ای مفضل، قائم عَلَيْهِ السَّلَام به خانه خدا تکیه می‌دهد و دستش را دراز می‌کند و نوری از آن می‌بینی که زیانی ندارد و می‌گوید: این دست خدا و از سوی او و به امر خداست، سپس این آیه را می‌خواند: «إِنَّ الَّذِينَ يَبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يَبَايِعُونَ اللَّهَ يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ فَمَنْ نَكَثَ فَإِنَّمَا يَنْكُثُ عَلَى نَفْسِهِ؛ کسانی که با تو بیعت می‌کنند، (درحقیقت) فقط با خدا بیعت می‌کنند و دست خدا بالای دست‌های آن‌هاست. پس هرکس پیمان‌شکنی کند، فقط به زیان خود پیمان شکسته است و هرکس به عهده‌ی که با خدا بسته وفا کند، به زودی پاداش بزرگی به او خواهد داد». اول کسی که دست او را می‌بوسد، جبرئیل است و سپس فرشتگان دیگر و نجبای جن و بعد از آن‌ها، نقبا از وی پیروی می‌کنند.

در روایت دیگری نقل شده است که مفضل از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام درباره یاران حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَام می‌پرسد: چه کسانی او را یاری می‌کنند؟ امام در پاسخ می‌فرماید:

الْمَلَائِكَةُ وَالْمُؤْمِنُونَ مِنَ الْجِنِّ وَسَاقَ إِلَى قَوْلِهِ قَالَ الْمُفَضَّلُ: يَا سَيِّدِي وَتَظْهَرُ الْمَلَائِكَةُ وَالْجِنُّ لِلنَّاسِ، قَالَ: إِي وَاللَّهِ يَا مُفَضَّلُ وَيَخَاطِبُونَهُمْ كَمَا يَكُونُ الرَّجُلُ مَعَ حَاشِيَتِهِ وَأَهْلِيهِ قُلْتُ: يَا سَيِّدِي وَيَسِيرُونَ مَعَهُ قَالَ: إِي وَاللَّهِ يَا مُفَضَّلُ وَعَدَدُ أَصْحَابِهِ سِتَّةٌ وَأَرْبَعُونَ أَلْفًا مِنَ الْمَلَائِكَةِ وَسِتَّةٌ أَلْفٌ مِنَ الْجِنِّ؛^۱ او (مهدی موعود عَلَيْهِ السَّلَام) را فرشتگان و مؤمنان از جن یاری خواهند کرد. مفضل گفت: ای آقایم، فرشته و جن بر مردم آشکار می‌شوند؟ فرمود: بلی، به خدا قسم! با ایشان گفت‌وگو می‌کند، مانند اینکه شخص با اهل و عیال و حواشی خود گفت‌وگو می‌کند. گفتم: ای آقایم، و با او می‌روند؟ فرمودند: آری، به خدا! هر کجا آن حضرت برود، همراهش می‌روند و تعداد یارانش ۴۶ هزار از فرشتگان و شش هزار از جنیان است.

۱. بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۸.

۲. همان، ج ۶۰، باب حقیقة الجن و أحوالهم، ص ۷۵-۷۶، ح ۳۰.

امام علی بن ابی طالب علیه السلام نیز درباره یاری رساندن جنیان به مهدی صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌فرماید: «خداوند، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را با فرشتگان، جتیان و شیعیان مخلص یاری می‌کند»^۱.

علامه مجلسی در جلد پنجم بحار الأنوار، بخش امامت، احادیث فراوانی با عنوان خدمتگزاری جنیان به ائمه علیهم السلام آورده است. براساس این احادیث، جنیان بارها خدمت ائمه هدی علیهم السلام می‌رسیدند و سؤال‌های خود را از ایشان می‌پرسیدند. برای نمونه، به بیان یک حدیث بسنده می‌کنیم.^۲ در بصائر به نقل از سدید صیرفی آمده است:

حضرت امام باقر علیه السلام در مدینه من را از پی چیزهایی که لازم داشتند، به مکه فرستادند. وقتی به راه کوهستانی در روحاء - که نام منطقه‌ای است - رسیدم، بر مرکب سواری خود سوار بودم. دیدم شخصی خود را در جامه پیچیده، به او نزدیک شدم و خیال کردم تشنه است و قمقمه آب خود را به او دادم، گفت: به آب احتیاج ندارم. نامه‌ای به دست من داد که مُرگب آن هنوز خشک نشده بود. همین که مُهر نامه را نگاه کردم، دیدم مُهر حضرت باقر علیه السلام است. پرسیدم: چه وقت از خدمت صاحب نامه آمده‌ای؟ گفت: هم‌اکنون. امام در نامه دستوراتی به من داده بود. همین که نگاه کردم، کسی را ندیدم. وقتی حضرت باقر علیه السلام تشریف آورد، عرض کردم: فدایت شوم! شخصی نامه‌ای از سوی شما برایم آورد، درحالی که مُرگب آن هنوز خشک نشده بود. امام فرمود: هر وقت کاری فوری داشته باشم، یکی از آن‌ها را (جتیان) می‌فرستم.

محمد بن حسین، آخر روایت را با همین سند این‌گونه آورده است که امام فرمود: «سدیر، ما خدمتکارانی از جن داریم؛ وقتی کار فوری دارم، آن‌ها را می‌فرستم».^۳

با توجه به روایات نقل شده از امام علی بن ابی طالب علیه السلام و امام جعفر صادق علیه السلام، باید گفت فرشتگان و جتیان همراه با یاران و یاوران مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف در اشتیاق آن روز موعود به سر می‌برند و در حال خدمت به امام زمان خود هستند.

۱. حسین بن حمدان، خصیبی، الهدایة الکبری، ص ۳۱.

۲. بحار الأنوار، ج ۵.

۳. بصائر الدرجات، ج ۲، ص ۲۰۱؛ بحار الأنوار، ج ۵، ص ۱۳-۱۴.

فصل هفتم

پیشگویی درباره یاران مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

بیش از هزار سال از انتظار لحظه به لحظه اولیای الهی برای دیدار آخرین ذخیره الهی می‌گذرد و این بی‌قراری تنها به آخرالزمان اختصاص ندارد، بلکه در همه ادوار تاریخ بشر، به‌ویژه از زمان رسول اعظم صلی الله علیه و آله همه اولیای الهی در انتظار روز ظهور بوده‌اند.

اولیای الهی در این راه پرفراز و فرود، سختی‌هایی جان‌فرسا به‌جان خریده، رنج فراق کشیده و تلخی صبر را چشیده‌اند؛ زیرا غم غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، برای آنان ناگوارتر از هر رنجی است؛ ضمن آنکه ایمان داشتن و نگه‌داری از آن خود رنجی دیگر است؛ به‌گونه‌ای که امامان معصوم علیهم السلام نیز دل‌ریش مؤمنان در این هیاهوی بی‌ایمانی هستند. آنان می‌دانند که ایمان راستین در این عصر بی‌ایمانی، چون نگه داشتن آهن گداخته در دست است.

۱. تعداد یاران مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف (یاران خاص الخاص)

در روایات، تعداد یاران مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، به عدد یاران رسول خدا صلی الله علیه و آله در جنگ بدر، ۳۱۳ نفر آمده است؛ البته مقصود از این تعداد اندک، یارانی هستند که در وهله اول به حضرت می‌گروند و با حضور آنان، نهضت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف آغاز می‌شود. اینان حاکمان

۱. الغیبة نعمانی، باب ۱۱، ص ۱۹۵؛ بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۱۳۷، ح ۴۲.

و فرماندهان لشکری و کشوری امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف هستند.^۱

احادیث در این باره چنان مشهور شده که به حد تواتر رسیده است و دیگر جای هیچ‌گونه شک و شبهه‌ای باقی نمی‌گذارد.^۲ این ۳۱۳ نفر که از یاران خاص امام هستند، در مکه به حضرت می‌پیوندند و امام در انتظار آنان است تا به او پیوندند و آن‌گاه ظهورش را آغاز می‌کند.^۳

در روایات معتبر آمده که ۳۱۳ یار امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در یک چشم بر هم زدن و در یک روز از مشرق و مغرب زمین به حضور امام می‌رسند.^۴ سپس حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف از گردنه کوه «طوی» (ذی طوی) وارد مسجد الحرام می‌شود و در مقام ابراهیم چهار رکعت نماز می‌گزارد. بعد از آن به حجر الاسود تکیه می‌کند و پس از حمد و ثنای الهی و درود و صلوات بر رسول اکرم صلی الله علیه و آله سخنانی می‌فرماید که هیچ‌کس تاکنون چنین سخنانی نفرموده است و آن‌گاه جبرئیل و میکائیل می‌آیند و با ایشان بیعت می‌کنند.^۵

۲. یاران خاص مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

بر اساس احادیث، پس از بیعت ۳۱۳ نفر با امام، یاران خاص حضرت به همین ترتیب زیاد می‌شوند تا به ده‌هزار تن می‌رسند. در این زمان امام با فرمان و اجازه خداوند تعالی خروج و به سوی مدینه حرکت می‌کند.^۶

نعمانی از ابوبصیر به نقل از امام صادق علیه السلام می‌گوید که حضرت در حدیثی فرمود:

لَا يَخْرُجُ الْقَائِمُ عجل الله تعالی فرجه الشریف حَتَّى يَكُونَ تَكْمِلَةُ الْحَلَقَةِ قُلْتُ وَ كَمْ تَكْمِلَةُ الْحَلَقَةِ

۱. معجم الأحادیث الإمام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ج ۵، ص ۳۴-۳۷، ح ۱۴۵۸.

۲. افزون بر کتاب‌های اولیه، حضرت آیت الله العظمی شیخ لطف الله صافی در کتاب پر ارزش و با قیمت «منتخب الأثر فی الإمام الثانی عشر» تعداد ۲۵ حدیث از منابع معتبر فریقین (اهل سنت و شیعیان) درباره این یاران خاص الخاص ولی الله اعظم امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف نقل کرده است.

۳. الغیبة شیخ طوسی، ص ۱۲۲، ۱۲۳ و ۳۰۸؛ بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۰۵-۳۰۶، ح ۷۸.

۴. الغیبة نعمانی، ص ۱۶۸؛ بنایع المودة، ج ۳.

۵. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۰۶-۳۰۷.

۶. الإرشاد؛ بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۹۴.

قَالَ: عَشْرَةُ آلَافٍ جَبْرِئِيلُ عَنْ يَمِينِهِ وَمِيكَائِيلُ عَنْ يَسَارِهِ؛ قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف خروج نخواهد کرد، مگر حلقه (سپاه) به کمال و تمام رسد. عرض کردم: حلقه به چه مقدار کامل می شود؟ فرمود: ده هزار که جبرئیل سمت راست آن و میکائیل سمت چپ آن قرار دارد.

معنای حدیث بالا در این سخن امام مشخص می شود که فرمود: «ما يخرج إلا في أوله قوم وما يكون القوة اقل من عشرة آلاف»^۱ امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف خروج نمی کند (قیامش را آغاز نمی کند)، مگر ابتدا قومی (۳۱۳ نفر) بیایند، ولی قوای حضرت با ده هزار نفر کامل می شود».

این ده هزار نفر، یاران خاص آن حضرت اند که نهضت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف با حضور آنان آغاز می شود و از این پس در ادامه راه، یعنی در مسیر مکه تا عراق و کوفه، گروه هایی بسیار، از جمله ایرانیان به سپاه آن حضرت می پیوندند. پس از آن، کوفه مرکز حکومت جهانی حضرت می شود و آن گاه امام، ۳۱۳ نفر یاران خاص خود را در مقام حاکم به نقاط گوناگون جهان می فرستد.^۲

۳. ویژگی های یاران مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

یاران اباصالح المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ویژگی هایی دارند که آنان را از دیگران متمایز می کند. بعضی از این ویژگی ها براساس احادیث به این شرح است:

۳-۱. بیان نام، نام پدر، لقب و نسب

یاران مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف انسان های بزرگواری هستند که با نام، نام پدر، لقب و نسب مشخص شده اند و افراد شناخته شده ای هستند.

امیرمؤمنان علی بن ابی طالب علیه السلام در این باره فرموده است: «يُعَرَفُ اسْمُهُ وَاسْمُ أَبِيهِ وَحُلِيِّتُهُ وَنَسَبُهُ»^۳ یاران مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با نام، نام پدر، لقب و ویژگی های دیگر ایشان

۱. الغيبة نعمانی، باب ۱۹، ص ۳۰۷-۳۰۸، ح ۲؛ بحار الأنوار، ج ۵۲، باب ۲۷، ص ۳۶۷-۳۶۸، ح ۱۵۲.

۲. بحار الأنوار، ص ۳۱۷.

۳. همان، ج ۵۲، ص ۳۲۶، ح ۴۲.

۴. الغيبة نعمانی، ص ۳۱۳، ح ۳؛ بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۸۶، ح ۲۱.

شناخته می‌شوند».

همچنین امام صادق علیه السلام از شمشیرهایی نام می‌برد که نام هر کدام از یاران امام زمان علیه السلام بر آن‌ها نوشته شده است: «إِذَا قَامَ الْقَائِمُ نَزَلَتْ سُيُوفُ الْقِتَالِ عَلَى كُلِّ سَيْفٍ اسْمُ الرَّجُلِ وَاسْمُ أَبِيهِ»؛ هنگامی که قائم آل محمد علیه السلام قیام کند، شمشیرهای جنگ فرود می‌آیند که بر هر شمشیری اسم یک مرد و اسم پدرش نوشته شده است».

۲-۳. شناخته بودن نام یاران مهدی علیه السلام نزد اهل آسمان

اسامی یاران حضرت مهدی علیه السلام، نزد اهل آسمان و فرشتگان از اهل زمین معروف‌تر است. مولایمان علی بن ابی طالب علیه السلام در این باره قسم یاد کرده و فرموده است: «أَلَا بِأَبِي وَأُمِّي مِنْ عِدَّةِ أَسْمَاءُهُمْ فِي السَّمَاءِ مَعْرُوفَةٌ وَفِي الْأَرْضِ مَجْهُولَةٌ»؛ آگاه باشید، قسم به پدر و مادرم! اسامی آنان در آسمان معروف است، ولی در زمین ناشناس هستند».

۳-۳. حضور یاران مهدی علیه السلام در مکه

از جمله ویژگی‌های یاران مهدی علیه السلام، حضور در مکه (محل ظهور بقیة الله) آن‌هم در یک چشم بر هم زدن و بدون قرار قبلی است. امام صادق علیه السلام در این باره می‌فرماید: إِذَا أُذِنَ لِلْإِمَامِ دَعَا اللَّهَ بِاسْمِهِ فَأَتِيَتْ لَهُ صَحَابَتُهُ. وَهُمْ أَصْحَابُ الْأُيُوبِ فَمِنْهُمْ مَنْ يُفْتَقَدُ عَنْ فِرَاشِهِ لَيْلاً فَيُصْبِحُ فِي مَكَّةَ؛ زمانی که به امام مهدی علیه السلام اجازه ظهور داده شود، خداوند را با اسم اعظم می‌خواند و تمام یارانش جمع می‌شوند؛ همان‌ها که پرچم‌داران لشکر او هستند. عده‌ای از آن‌ها در شب از رختخواب‌هایشان ناپدید می‌شوند و صبح در مکه هستند.

آری، آنان به خواست خداوند متعال از مشرق و مغرب زمین جمع می‌شوند و در کوتاه‌ترین زمان، حتی به اندازه یک پلک زدن، در کنار خانه خدا و در مکه حاضر می‌شوند.^۲

امام جعفر صادق علیه السلام در تفسیر و تأویل آیه مبارک «أَيُّنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعاً

۱. همان، ص ۲۴۴، ح ۴۵ و ص ۳۱۳، ح ۵؛ بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۵۶، ح ۱۲.

۲. ينابيع المودة، ج ۳، ص ۲۷۲، ح ۸؛ نهج البلاغه، ج ۲، ص ۱۲۶.

۳. الغيبة نعمانی، ص ۳۱۳، ح ۳؛ بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۶۸، ح ۱۵۳.

إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ؛ هر جا باشید، خداوند همه شما را حاضر می‌کند؛ زیرا او بر هر کاری تواناست»، می‌فرماید: «نَزَلَتْ فِي الْقَائِمِ وَأَصْحَابِهِ، وَيَجْتَمِعُونَ عَلَى غَيْرِ مِيعَادٍ»^۱ این آیه مبارک درباره قائم آل محمد عجل الله تعالی فرجه الشریف و یارانش نازل شده است که بدون قرار قبلی در یک جا (مکه) جمع می‌شوند».

همچنین ابو خالد کابلی از علی بن الحسین ع یا محمد بن علی امام باقر ع نقل می‌کند که فرمود: ناپدید شدگان، گروهی هستند که (شب) از بسترهایشان مفقود می‌شوند و صبح در مکه حاضر می‌شوند و آن فرمایش خداوند عزوجل است که «أَيْنَمَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمُ اللَّهُ جَمِيعاً؛ هر کجا باشید، خدا همه شما را جمع می‌کند». آن‌ها یاران قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف هستند.^۲

این فرمایش امام به این معناست که آن یارانی که نتوانند بیایند و در بسترشان خواب باشند، از بسترهایشان ناپدید می‌گردند و بدون قرار قبلی در مکه حاضر می‌شوند.^۳

۴-۳. جوان و پرنشاط

ویژگی مهم دیگر یاران صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف این است که آنان پیر و فرتوت نیستند، بلکه جوان و سرحال و بانشاط هستند. امیرمؤمنان، علی بن ابی طالب ع، در روایتی می‌فرماید:

أَصْحَابُ الْقَائِمِ عجل الله تعالی فرجه الشریف شَبَابٌ لَا كُهُولَ فِيهِمْ إِلَّا كَالْكُحْلِ فِي الْعَيْنِ، وَكَالْمِلْحِ فِي الزَّادِ، وَأَقْلُ الزَّادِ الْمِلْحُ؛^۴ یاران قائم آل محمد عجل الله تعالی فرجه الشریف جوان هستند؛ پیرمردی در میانشان نیست، مگر همانند سرمه چشم و مثل نمک در غذا و کمترین مقدار در غذا نمک است.

۱. بقره: ۱۴۸.

۲. الغيبة نعمانی، ص ۲۴۱، ح ۳۷؛ بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۹۱، ح ۳۷.

۳. الغيبة نعمانی، باب ۲۰، ح ۳ و ۴.

۴. همان، ح ۸؛ بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۷۰، ح ۱۵۷؛ ینابیع المودة، ج ۳، ص ۲۳۵؛ منتخب الأثر، ج ۳، ص ۱۵۱.

۵. الغيبة نعمانی، باب ۲۰، ص ۳۱۶، ح ۱۰؛ الغيبة طوسی، ص ۳۰۸؛ بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۳۳-۳۳۴، ح ۶۳؛ منتخب الأثر، ج ۳، الباب التاسع، ص ۱۷۸، ح ۱۱۸۹-۳.

۵-۳. ارکان حکومت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

ویژگی دیگر یاران خاص مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف این است که آنان رکن و اساس حکومت صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را تشکیل خواهند داد. امام باقر علیه السلام در این باره می‌فرماید:

«وَأَنْتُمْ قُؤَامَ الْأَرْضِ وَخَزَائِنَهَا؛ یاران مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف پایه‌های استوار زمین و خزانه دار آن خواهند بود» و «قوام الأرض أى الاتمين بامور الخلق فى الأرض وحكامهم فيها، والخزان أى يجعل الامام ضبط أموال المسلمين اليهم عجل الله تعالی فرجه الشریف».^۱

امام علی بن الحسین علیه السلام نیز در این باره می‌فرماید: «وَيَكُونُونَ حُكَّامَ الْأَرْضِ وَسَنَامَهَا؛^۲ یاران مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف حاکمان زمین و سنام آن هستند».

از امام باقر علیه السلام نیز منقول است که فرمود: «وَيَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ؛^۳ و یارانش را خلفای بر زمین قرار می‌دهد».

امام صادق علیه السلام در این باره می‌فرماید: «وَهُمْ أَصْحَابُ الْأَلْوِيَّةِ وَهُمْ حُكَّامُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ عَلَى خَلْقِهِ؛^۴ و آنان پرچم‌داران لشکر مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و حاکمان زمین از سوی خدا هستند».

به تعبیری، اگر جهان ۳۱۳ قسمت شود، هریک از یاران امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف لیاقت حکمرانی بر یکی از این قسمت‌ها (کشورها) را دارند؛ حکمرانان شایسته‌ای مانند امام خمینی که حکومت اسلامی را جایگزین حکومت طاغوت کرد و مدیرانی توانمند، مانند امام خامنه‌ای که زمینه‌ساز حکومت جهانی مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف هستند.

بی‌شک حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف چنین یاران بادرایتی دارد که پس از فتح جهان می‌تواند مغرب و مشرق زمین را اداره کند و بهترین الگوی حکومتی را ارائه دهد؛ چنان‌که در حدیث آمده است:

۱. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۳۵، ح ۶۹.

۲. همان.

۳. اصول کافی، ج ۱، کتاب الحجة، ص ۳۴۶-۳۴۷؛ بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۱۷، ح ۱۲.

۴. بحار الأنوار، ج ۵۲، ح ۹۲ و ص ۳۱۶، ح ۱۰.

۵. همان، ج ۵۲، ص ۳۲۶، ح ۴۲.

وَهُمُ الثَّجَبَاءُ وَالْقُضَاءُ وَالْحُكَّامُ وَالْفُقَهَاءُ فِي الدِّينِ، يَمَسِّحُ اللَّهُ بِطَوْنِهِمْ وَظُهُورَهُمْ فَلَا يُشْكَلُ عَلَيْهِمْ حُكْمٌ؛^۱ و آنان نجیبان، قاضیان، حاکمان و فقیهان در دین هستند که خداوند بر شکم و کمرشان دست می‌کشد و هیچ حکمی برای آنها مشکل نیست.

۳-۶. بصیرت عمیق

از ویژگی‌های شاخص یاران مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف شناخت عمیق خداوند تبارک و تعالی و امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است؛ زیرا آنان خداوند را چنان می‌شناسند که شایسته وجود الهی است.^۲

هیچ‌گونه شک و تردید درباره خداوند تعالی در وجود آنها یافت نمی‌شود؛ چنان‌که امام صادق علیه السلام درباره آنان می‌فرماید: «لَا يَشُوبُهَا شَكٌّ فِي ذَاتِ اللَّهِ أَشَدُّ مِنَ الْحَجَرِ»^۳ شک و تردید در ذات الهی ندارند و از سنگ هم استوارترند.

امام علی بن حسین علیه السلام به ابو خالد کابلی فرموده است: «آنان کسانی هستند که به امامت امام زمان اعتقاد دارند».^۴

امام باقر و امام صادق علیه السلام از امیرمؤمنان علیه السلام روایتی نقل کرده‌اند که در آن، حضرت یاران مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف را به گنج‌هایی تشبیه کرده است که از طلا و نقره باارزش‌ترند: وَيَحَا لِلطَّالِقَانِ! فَإِنَّ لِلَّهِ فِيهَا كُنُوزًا لَيْسَتْ مِنْ ذَهَبٍ وَلَا فِضَّةٍ وَلَكِنْ بِهَا رِجَالٌ عَرَفُوا اللَّهَ حَقَّ مَعْرِفَتِهِ. وَهُمْ أَنْصَارُ الْمَهْدِيِّ فِي آخِرِ الزَّمَانِ؛ خوشا به حال طالقان! چراکه در آنجا گنج‌هایی است که طلا و نقره نیستند، بلکه مردانی هستند که خداوند را به حق شناخته‌اند. آنها یاران مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در آخر الزمان هستند.^۵

۱. کامل، سلیمان، يوم الخلاص، ص ۲۲۳، به نقل از ملاحم والفتن، ص ۱۷۱.

۲. منتخب‌الأثر، ج ۳، الباب التاسع، ص ۱۷۷، ح ۱۱۸۸-۱.

۳. کمال الدین و تمام النعمة، باب ۳۱، ح ۲.

۴. الإحتجاج، ج ۲، ص ۳۱۷؛ إعلام‌الوری، ص ۴۰۷.

۵. بحار‌الأنوار، ج ۵۱، باب ۵، ص ۸۷؛ ينابيع‌المودة، ج ۳، ص ۳۹۳، ح ۳۸؛ منتخب‌الأثر، ج ۳، الباب التاسع، ص ۱۷۷، ح ۱۱۸۸-۱.

۷-۳. خداترسی

از ویژگی‌های آشکار یاران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ترس و خشیت الهی است که بر اثر محبت پروردگار در آن‌ها به وجود آمده است. از این رو، همه کارهایشان را برای خدا و در راه و رضای او انجام می‌دهند. امام صادق علیه السلام درباره این ویژگی الهی آنان می‌فرماید: «كَانَ قُلُوبُهُمُ الْقَنَادِيلُ وَهُمْ مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ مُشْفِقُونَ؛^۱ دل‌هایشان همچون مشعل است و آنان از ترس پروردگارشان نگران هستند».

امیرمؤمنان علی بن ابی طالب علیه السلام نیز می‌فرماید: «زمانی می‌رسد که ایمان آن‌چنان کم می‌شود که کلمه «لا اله الا الله» را مخفیانه به زبان می‌آورند و خداوند قوم صالحی را می‌آورد که فقط از خدا می‌ترسند و فریادشان لا اله الا الله است. آنان بهترین مردم همراه با اهل بیت علیهم السلام هستند».^۲

این یاران، آن‌قدر در خشیت الهی به سر می‌برند که امام صادق علیه السلام آنان را چنین توصیف می‌کند: «لَهُمْ فِي اللَّيْلِ أَصَوَاتٌ كَأَصْوَاتِ الثَّوَاكِلِ حُزْنًا مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ»^۳ آنان در دل شب از خشیت الهی همانند مادران جوان از دست داده ناله می‌کنند».

۸-۳. اطاعت محض

اطاعت از خداوند و مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف ویژگی دیگر یاران اباصالح المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است. امام جواد علیه السلام به نقل از پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «هُمْ كَرَارُونَ مُجِدُّونَ فِي طَاعَةِ اللَّهِ وَطَاعَتِهِ»^۴ یاران مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف مجاهدان پرتلاش در اطاعت از خداوند و اطاعت از امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف هستند». این حدیث با سندی دیگر، چنین نقل شده است: «هُمْ كَرَارُونَ مُجِدُّونَ فِي طَاعَةِ»^۵ یاران مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف مجاهدان پرتلاش در اطاعت از امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف هستند».

۱. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۰۸، ح ۸۲.

۲. الغيبة نعمانی، ص ۱۷۰، بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۳۳.

۳. يوم الخلاص، ص ۲۲۴.

۴. همان، ص ۲۱۳.

۵. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۱، ص ۲۶۸؛ إعلام الوری، ص ۴۰۳.

امام صادق علیه السلام در این باره می فرماید: «وَهُمْ أَطَوُّعُ مِنَ الْأَمَةِ لِسَيِّدِهَا؛ اطاعت آنان از امام، از فرمان برداری کنیز از مولایش بیشتر است».

شیخ صدوق از عبدالعظیم حسنی به نقل از امام باقر علیه السلام روایت می کند که فرمود: یا أبا القاسم، إِنَّ الْقَائِمَ مِنَّا هُوَ الْمَهْدِيُّ الَّذِي يَجِبُ أَنْ يُنْتَظَرَ فِي غَيْبَتِهِ، وَيُطَاعَ فِي ظُهُورِهِ وَهُوَ الثَّالِثُ مِنْ وَلَدِي؛^۱ ای ابوالقاسم، به راستی که قائم آل محمد عجل الله تعالی فرجه الشریف از ماست و او مهدی موعود است که واجب است در غیبت او انتظار کشیده شود و در زمان ظهورش از او اطاعت شود و او سومین نواده من است. امام صادق علیه السلام در توصیف یاران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به یکی از یارانش به نام ابوبصیر می فرماید:

يَا أَبَا بَصِيرٍ طُوبَى لِشِيعَةِ قَائِمِنَا الْمُنْتَظَرِينَ لِظُهُورِهِ فِي غَيْبَتِهِ وَالْمُطِيعِينَ لَهُ فِي ظُهُورِهِ، أُولَئِكَ أَوْلِيَاءُ اللَّهِ الَّذِينَ لَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ؛ ای ابابصیر، خوشا به حال پیروان قائم ما که در زمان غیبت او، منتظر ظهورش هستند و در زمان ظهورش مطیع اویند! آنان اولیای خدا هستند که نه ترسی دارند و نه اندوهگین می شوند.^۲

علامه مجلسی از عبدالله بن عجلان نقل می کند که می گوید:

نزد امام صادق علیه السلام بودیم و از خروج قائم آل محمد عجل الله تعالی فرجه الشریف پرسیدیم، فرمود: «يُصْبِحُ أَحَدُكُمْ وَتَحْتَ رَأْسِهِ صَحِيفَةٌ عَلَيْهَا مَكْتُوبٌ: طَاعَةٌ مَعْرُوفَةٌ؛^۳ برخی از شما صبح از خواب بیدار می شوند و می بینند زیر سرشان برگه ای است که در آن نوشته شده: فرمان برداری نیکو».

۹-۳. جان فشانی

از ویژگی های آشکار و ارزنده یاران امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف محافظت از امام با فدا کردن جان خود است. امام صادق علیه السلام در این باره می فرماید:

۱. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۰۸، ح ۸۲.
 ۲. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، باب ۳۶، ص ۳۷۷، ح ۱.
 ۳. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۳۵۷، ح ۵۴؛ بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۵۰، ح ۷۶.
 ۴. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۰۵، ح ۷۶.

كَانَتْهُمْ عَلَى خِيُولِهِمُ الْعُقْبَانُ يَتَمَسَّحُونَ بِسَرَجِ الْإِمَامِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَطْلُبُونَ بِذَلِكَ الْبَرَكَةَ. وَيَحْقُقُونَ بِهِ يَقْوَتَهُ بِأَنْفُسِهِمْ فِي الْحُرُوبِ. وَيَكْفُونَهُ مَا يُرِيدُ! آنان بر اسبشان برای تبرک بر زین اسب امام دست می‌کشند و تبرک می‌جویند و در میان رزم همچون پروانه‌ای برگرد او می‌چرخند و با جان خود از امام محافظت می‌کنند و هرچه او بخواهد، انجام می‌دهند.

ابوبصیر از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ روایت کرده است: «سی نفر همواره همراه و محافظ امام زمان هستند و به محض آنکه یکی از آنان از دنیا برود، یار صالح دیگری جایگزین او می‌شود و آنان با جان خود از امام محافظت می‌کنند».^۱

روایات از این افراد با واژه «اوتاد» یاد کرده‌اند.

۱۰-۳. آرزوی شهادت

آرزوی شهادت در راه خدا، ویژگی دیگر یاران حضرت مهدی عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى است؛ همان چیزی که مستکبران عالم (صهیونیسم بین‌الملل، آمریکا، انگلیس و دشمنان دیگر) همواره از آن می‌ترسند.

امام جعفر صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ در این باره می‌فرماید: «يَدْعُونَ بِالشَّهَادَةِ، وَيَتَمَنُّونَ أَنْ يُقْتَلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ»^۲ آنان گنج‌های پنهان در آرزوی کشته شدن در راه خدا و شهادت هستند» و کسی که از کشته شدن در راه خدا نترسد، از هیچ‌کس جز خدا هراسی در دل ندارد.

۱۱-۳. دل‌هایی همچون پاره‌های آهن

دل‌هایی استوار، ویژگی دیگر آنان است. امام علی بن الحسین عَلَيْهِ السَّلَامُ می‌فرماید: «إِذَا قَامَ الْقَائِمُ أَذْهَبَ اللَّهُ عَنْ كُلِّ مُؤْمِنٍ الْعَاهَةَ، وَرَدَّ إِلَيْهِ قُوَّتَهُ»^۳ هنگامی که قائم عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى قیام کند، خدا سستی و تنبلی (مریضی) را از هر مؤمنی برمی‌دارد».

۱. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۰۸، ح ۸۲.

۲. اصول کافی، کتاب الحجة، باب فی الغیبة، ح ۱۶؛ بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۵۸، ح ۲۰.

۳. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۰۸، ح ۸۳.

۴. همان، ص ۳۶۴، ح ۱۳۸.

امام صادق علیه السلام درباره آنان می فرماید: «كَانَ قُلُوبُهُمْ زُبُرَ الْحَدِيدِ» یاران مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف مردانی هستند که گویا قلب هایشان همچون فولاد سخت است».

امام صادق علیه السلام در روایت دیگری می فرماید: «وَإِنَّ قَلْبَهُ لَأَشَدُّ مِنْ زُبُرِ الْحَدِيدِ» حتی قلب آنان از پاره های آهن (فولاد) محکم تر است».

۱۲-۳. شعار یاران مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

شعار یاران مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به نقل از امام صادق علیه السلام، «يَا ثَارَاتِ الْحُسَيْنِ» است که در آن، به خون خواهی امام حسین علیه السلام شعار می دهند: «شَعَارُهُمْ يَا ثَارَاتِ الْحُسَيْنِ».^۱ در بعضی روایات هم آمده که یاران مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف این شعار را نیز سر می دهند: «أَمِيتْ أَمِيتْ»^۲ بمیران بمیران».

۱۳-۳. شجاعت یاران مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

براساس روایات، یاران مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بسیار شجاع و دلاور هستند. امام صادق علیه السلام در حدیثی می فرماید: «وَلَوْ مَرَوْا بِالْجِبَالِ الْحَدِيدِ لَقَطَعُوها»^۳ یاران مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، چنان شجاع و بی باک اند که اگر بر کوه ها عبور کنند، کوه ها در هم می شکنند».

امیرمؤمنان علی بن ابی طالب علیه السلام در توصیف آنان می فرماید: «كُلُّهُمْ لِيُوثٌ قَدْ خَرَجُوا مِنْ غَابَاتِهِمْ. لَوْ أَنَّهُمْ هَمُّوا بِإِزَالَةِ الْجِبَالِ لَأَزَالُوهَا مِنْ مَوَاضِعِهَا»^۴ همه آنان، شیرانی هستند که از بیشه بیرون شده اند و اگر اراده کنند، کوه ها را از جا می کنند».

۱۴-۳. آمادگی برای رزم و جهاد

یاران صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف همیشه آماده جهاد هستند و هیچ گاه اسلحه خود را بر زمین نمی گذارند. امام صادق علیه السلام در این باره می فرماید:

۱. همان، ص ۳۸۶، ح ۲۰۲.

۲. همان، ج ۵۲، ص ۳۲۷، ح ۴۴.

۳. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۰۸، ح ۸۲؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۱۱۴.

۴. منتخب الأثر، ج ۳، ص ۱۸۰.

۵. بحار الأنوار، ص ۳۲۷، ح ۴۴.

۶. يوم الخلاص، ص ۲۱۴، به نقل از ينابيع المودة.

وَلَوْ مَرُّوا بِجِبَالِ الْحَدِيدِ لَقَطَعُوهَا. لَا يَكْفُونُ سُيُوفَهُمْ حَتَّى يَرْضَى اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ! اگر آنان بر کوه‌های آهن عبور کنند، آن‌ها را قطعه قطعه نمایند. شمشیرهای خود را بر زمین نگذارند تا آن هنگام که خداوند صاحب عزت و جلال خشنود شود.

البته پیداست که به فرمایش امام صادق علیه السلام: «لَا يَقْتُلُ أَحَدًا مِنْهُمْ إِلَّا كَافِرًا أَوْ مُنَافِقًا»^۱ جز کافر یا منافق، هیچ‌کس را نمی‌کشند.

۱۵-۳. توانایی و رشادت

یاران مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف مردانی قوی و چالاک هستند؛ به گونه‌ای که امام صادق علیه السلام درباره آنان می‌فرماید: «فَإِنَّ الرَّجُلَ مِنْهُمْ يُعْطَى قُوَّةَ أَرْبَعِينَ رَجُلًا»^۲ قطعاً هنگام ظهور، به هر فردی قدرت چهل نفر داده می‌شود». نعمانی در حدیث دیگری از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند: «وَأُعْطِيَ قُوَّةَ أَرْبَعِينَ رَجُلًا»^۳ به آنان قدرت چهل مرد عطا می‌شود».

۱۶-۳. ترس و وحشت از یاران مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در دل‌های دشمنان

همان‌گونه که خداوند رسول خاتم صلی الله علیه و آله را با انداختن ترس و وحشت در دل دشمنان به عنوان لشکری مستقل یاری کرد، مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف را هم یاری می‌دهد؛ به گونه‌ای که لشکر ترس و وحشت را پیشاپیش یاران امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌فرستد.

نعمانی به نقل از امام صادق علیه السلام روایت می‌کند: «لَا تَسْتَعْجَلْ بِهِ حَتَّى يُؤَيِّدَهُ (اللَّهُ) بِثَلَاثَةِ (أَجْنَادٍ): الْمَلَائِكَةُ، وَالْمُؤْمِنِينَ وَالرُّعْبَ»^۴ درباره ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف عجله نکنید تا اینکه خداوند تعالی با سه لشکر او را تأیید کند: لشکر ملائکه، لشکر مؤمنان و لشکر ترس و وحشت».

۱. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۶۷۳، ح ۲۶؛ بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۲۷، ح ۴۴؛ منتخب الأثر، ص ۴۸۴؛ ينابيع المودة، ج ۳، ص ۲۴۱.

۲. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۸۶، ح ۲۰۲.

۳. همان، ص ۳۳۵، ح ۶۹؛ منتخب الأثر، ص ۴۸۶؛ ينابيع المودة، ج ۳، ص ۲۴۱.

۴. الغيبة نعمانی، باب ۱۹، ص ۳۱۰، ح ۵.

۵. الغيبة نعمانی، باب ۱۱، ص ۱۹۸، ح ۹؛ بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۵۶، ح ۱۱۹.

همچنین می‌فرماید: «وَلَيْسَ الرُّعْبُ قَدَامَهَا شَهْرًا وَرَاءَهَا شَهْرًا وَعَنْ يَمِينِهَا شَهْرًا وَعَنْ يَسَارِهَا شَهْرًا؛ هِرَاسِي بِهِ فَاصِلُهُ يَكُ مَاهُ پِيشَاپِيشِ اَو، پشت سر، از سمت راست و از سمت چپش در حرکت است».

نیز در حدیث دیگری آمده است:

إِذَا سَارُوا لَيْسَ الرُّعْبُ أَمَامَهُمْ مَسِيرَةَ شَهْرٍ يَمْشُونَ إِلَى الْمَوْلَى أَرْسَالًا، بِهِمْ يَنْصُرُ اللَّهُ إِمَامَهُ الْحَقَّ؛ وَحِشْتُ أَزْ هَيْبَتِ آنَا، يَكُ مَاهُ جَلُوتَرُ أَزْ آنَا بِهِ مَقْصَدُشَانِ مِی‌رَسِد. آن‌ها به‌سوی مولایشان در حرکت‌اند و خداوند به‌وسیله آن‌ها پیشوای حق را یاری می‌کند.

محمد بن مسلم از امام محمد باقر ع نقل می‌کند که فرمود: «الْقَائِمُ مِنَّا مَنْصُورٌ بِالرُّعْبِ، مُؤَيَّدٌ بِالنَّصْرِ؛ قَائِمُ آلِ مُحَمَّدٍ أَزْ مَاسْت، بِهِ وَسِيلُهُ تَرَسِ افْكَندَن (در دل‌های دشمنان) پیروز و به یاری خداوند تأیید می‌شود».

۱۷-۳. عمل به تکلیف

انجام تکلیف الهی دغدغه اصلی یاران حضرت است؛ به‌گونه‌ای که کم و زیاد شدن تعدادشان هیچ تأثیری بر عزم راسخ ایشان ندارد. امام در این باره می‌فرماید: «لَا يَسْتَوْحِشُونَ إِلَى أَحَدٍ، وَلَا يَفْرَحُونَ بِأَحَدٍ دَخَلَ فِيهِمْ؛^۱ یاران مهدی عج از رفتن کسی وحشت نمی‌کنند و از آمدن کسی خوشحال نمی‌شوند».

این ویژگی مردان الهی است که هدفشان انجام تکلیف است و جز به انجام رساندن تکلیف الهی هیچ قصدی ندارند.

۱۸-۳. صبر و بردباری

صبر و بردباری یاران حضرت مثال‌زدنی است؛ صبری بی‌مانند که اولیا و اصحاب پیامبر هم نداشته‌اند. معروف است که روزی پیامبر اکرم ص به اصحاب خود فرمود:

۱. همان، باب ۱۹، ص ۳۰۸، ح ۲؛ بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۶۳۱، ح ۱۲۹.

۲. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۰۸، ح ۸۲.

۳. همان، ص ۱۹۱، ح ۲۴؛ منتخب الأثر، ص ۲۹۲ و ۴۸۲.

۴. منتخب الأثر، ص ۱۶۶.

در آینده مردمی می‌آیند که اجر و پاداش هرکدام از آنان برابر اجر و پاداش پنجاه نفر از شما خواهد بود. پرسیدند: ای رسول خدا، مگر نه این است که ما در حضور شما در میدان‌های بدر، احد و حنین شرکت کرده‌ایم و در قرآن آیاتی در شأن ما نازل شده است؟ پس چگونه آنان اجر و پاداش بیشتری از ما دارند؟ پیامبر اکرم ﷺ در پاسخ به آنان فرمود: «إِنَّكُمْ لَوَتَحْمِلُونَ مَا حَمَلُوا لَمْ تَصْبِرُوا صَبْرَهُمْ؛ اگر آنچه بر آن‌ها روی خواهد داد، برای شما اتفاق افتد، نمی‌توانید مانند آن‌ها صبر و استقامت کنید»^۱.

امام علی بن ابی طالب علیه السلام نیز درباره آنان فرمود:

قَوْمٌ لَمْ يَمْتُوا عَلَى اللَّهِ بِالصَّبْرِ وَلَمْ يَسْتَعِظُوا بِذَلِّ أَنْفُسِهِمْ فِي الْحَقِّ؛^۲ آن‌ها گروهی هستند که به دلیل صبر و بردباری در راه خدا، بر خداوند منت نمی‌گذارند و از اینکه جان خویش را به آستان حضرت حق تقدیم می‌کنند، بر خود می‌بالند و آن را بزرگ نمی‌شمارند.

امام صادق علیه السلام درباره یاران قائم آل محمد ﷺ می‌فرماید:

إِنَّ صَاحِبَ هَذَا الْأَمْرِ مَحْفُوظٌ لَهُ أَصْحَابُهُ لَوْ ذَهَبَ النَّاسُ جَمِيعًا، أَتَى اللَّهُ لَهُ بِأَصْحَابِهِ، وَهُمْ الَّذِينَ قَالَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ: «فَإِنْ يَكْفُرْ بِهَا هَؤُلَاءِ فَقَدْ وَكَّلْنَا بِهَا قَوْمًا لَيْسُوا بِهَا بِكَافِرِينَ»^۳ وَهُمْ الَّذِينَ قَالَ اللَّهُ فِيهِمْ: «فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَ يُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٍ عَلَى الْكَافِرِينَ»^۴؛^۵ به درستی که یارانش برای صاحب این امر محفوظ شده‌اند؛ حتی اگر همه مردم از میان بروند، خدا یارانش را به او می‌رساند و آن‌ها کسانی هستند که خدای عزوجل فرمود: «اگر اینان (مشرکان) به آن کفر ورزند، بی‌گمان گروهی دیگر را بر آن‌ها می‌گماریم که به آن کافر نباشند» و آنان کسانی هستند که خدا درباره آن‌ها می‌فرماید: «به زودی خدا گروهی (دیگر) را می‌آورد که آنان را دوست می‌دارد و آنان (نیز)

۱. الغيبة شیخ طوسی، ص ۲۵۷؛ منتخب الأثر، ص ۵۱۵.

۲. يوم الخلاص، ص ۲۱۴، به نقل از ینابیع المودة.

۳. انعام: ۸۹.

۴. مائده: ۵۴.

۵. الغيبة نعمانی، ص ۳۱۶، ح ۱۲؛ بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۷۱، ح ۱۶۰.

او را دوست می‌دارند، (اینان) با مؤمنان، فروتن و بر کافران سرفراز هستند».

۱۹-۳. دل‌های یک‌دل و متحد

یاران مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف مصداق کلام‌الله مجید هستند؛ آنجا که خداوند تعالی فرموده است: «فَالَّذِينَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا»^۱ پس در دل‌هایشان الفت ایجاد کردیم و شما را به نعمت برادری مفتخر ساختیم».

امام علی بن ابی‌طالب علیه السلام در حدیثی که از طریق عامه نقل شده، می‌فرماید: «يُولَفُ اللَّهُ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ»^۲ خداوند تعالی در دل‌هایشان الفت ایجاد کرد».

همچنین درباره قلب لبریز از محبت یاران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌فرماید: «كَانَتْهُمْ دَائِبُ دَأْبٍ وَاحِدٌ، قُلُوبُهُمْ مُجْتَمِعَةٌ بِالمَحَبَّةِ وَالتَّصَيُّحَةِ»^۳ روش همه آنان یکی است؛ قلب آنان، سرشار از محبت و خیرخواهی است».

در روایت دیگری آمده است: «يُولَفُ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ»^۴ خداوند بین قلب‌هایشان الفت برقرار می‌کند».

امام صادق علیه السلام زیبایی، یک‌دلی و محبت یاران حضرت را این‌گونه به تصویر می‌کشد: فَيَلْقَى أَصْحَابُهُ بَعْضُهُمْ بَعْضًا كَأَبْنَاءِ أَبٍ وَاحِدٍ وَآمٍ وَاحِدَةٍ افْتَرَقُوا عُذْوَةً وَاجْتَمَعُوا عَشِيَّةً^۵؛ یاران قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف به‌گونه‌ای دور هم جمع می‌شوند و یکدیگر را ملاقات می‌کنند که گویی از یک پدر و مادر هستند. آنان شب‌هنگام، همگی در خانه‌ای جمع می‌شوند.

۲۰-۳. اطاعت موجودات از یاران مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

موجودات عالم - چه جماد یا جاندار- به یاران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، این بندگان

۱. آل عمران: ۱۰۳.

۲. المستدرک، ج ۴، ص ۵۵۴؛ البرهان للمتمقی، ص ۱۴۴، باب ۶، ح ۸.

۳. يوم الخلاص، ص ۲۱۴، به نقل از ینابیع المودة.

۴. منتخب الآثار، ج ۲، ص ۱۰۳.

۵. يوم الخلاص، ص ۲۲۶، به نقل از ملاحم و الفتن، ص ۱۶۹-۱۷۱، سید مصطفی، آل سید حیدر کاظمی، بشارة الاسلام، ص ۲۱۰-۲۱۱.

خالص پروردگار محبت دارند و از آنان اطاعت می‌کنند. این مطلب در روایات به صراحت آمده است. امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

كَانَ بِأَصْحَابِ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَام وَقَدْ احَاطُوا بِمَا بَيْنَ الْخَافِقِينَ لَيْسَ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا وَهُوَ مُطِيعٌ لَهُمْ. يَطْلُبُ رِضَاهُمْ حَتَّى سَبَّاحَ الْأَرْضِ وَسَبَّاحَ الطَّيْرِ تَطْلُبُ رِضَاهُمْ (فِي كُلِّ شَيْءٍ، حَتَّى تَفْخُرَ الْأَرْضُ عَلَى الْأَرْضِ، وَتَقُولَ: مَرَّيَ الْيَوْمَ رَجُلٌ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ؛) گویی یاران قائم عَلَيْهِ السَّلَام را با چشم خود می‌بینیم که میان شرق و غرب را تحت سیطره خود درآورده‌اند. دیگر چیزی نمانده، جز اینکه تحت فرمان آن‌هاست و تلاش می‌کند خشنودی آن‌ها را جلب کند؛ حتی حیوانات درنده و پرندگان شکاری به دنبال خشنودی آن‌ها هستند. قطعه‌ای از زمین به قطعه دیگر مباحثات می‌کند و می‌گوید: امروز مردی از یاران قائم عَلَيْهِ السَّلَام از من گذر کرد.

۲۱-۳. انجام کارهای غیرعادی

آن‌گاه که حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَام ظهور می‌کند، یاران حضرت به هر صورت که بتوانند خود را به ایشان می‌رسانند و در این میان، بعضی از ایشان با حرکت کردن روی ابرها به مولایشان می‌پیوندند. گاهی روی آب راه می‌روند و می‌توانند طی الارض کنند. هرچند این کارها برای نیازدگان غیر قابل باور است، اما امید مردان الهی به قدرت نامتناهی پروردگار است و براساس این قدرت کارهایشان را به سرانجام می‌رسانند؛ چنان‌که امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «وَمِنْهُمْ مَنْ يَرَى يَسِيرُ فِي السَّحَابِ نَهَاراً»^۱ و بعضی از ایشان را مشاهده می‌کنی که روی ابرها در حرکت‌اند».

در ادامه این حدیث آمده که مفضل بن عمر می‌گوید: «به امام صادق علیه السلام عرض کردم: جُعِلْتُ فِدَاكَ أَيُّهُمْ أَعْظَمُ إِيمَانًا قَالَ: الَّذِي يَسِيرُ فِي السَّحَابِ نَهَاراً»^۲ فدایت شوم! کدام‌یک از اینان از نظر ایمان برتر هستند؟ امام فرمود: آن که بر ابرها در روز حرکت می‌کند، از نظر ایمان برتر است».

۱. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۲۷، ح ۴۳.

۲. الغيبة نعمانی، ص ۳۱۳، ح ۳.

۳. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۸۶، ح ۲۱.

براساس روایات، یاران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه وقتی به خلیج می‌رسند، بر پاهایشان چیزی می‌نگارند و روی آب راه می‌روند. امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

وَيَبْعَثُ جُنْدًا إِلَى الْقُسْطَنْطِينِيَّةِ فَإِذَا بَلَغُوا الْخَلِيجَ كَتَبُوا عَلَى أَقْدَامِهِمْ شَيْئًا وَمَشَوْا عَلَى الْمَاءِ فَإِذَا نَظَرُ إِلَيْهِمُ الرُّومُ يَمْشُونَ عَلَى الْمَاءِ قَالُوا: هَؤُلَاءِ أَصْحَابُهُ يَمْشُونَ عَلَى الْمَاءِ فَكَيْفَ هُوَ؟ فَعِنْدَ ذَلِكَ يَفْتَحُونَ لَهُمُ أَبْوَابَ الْمَدِينَةِ، فَيَدْخُلُونَهَا، فَيُحْكَمُونَ فِيهَا مَا يَشَاوِرُونَ؛ سِپَاهِي بِه قُسْطَنْطِينِيَّةِ مِي فَرَسْتَد. هنگامی که به خلیج برسند، چیزی بر قدم‌هایشان می‌نویسند و بر آب راه می‌روند. پس وقتی رومیان آن‌ها را می‌بینند که بر آب می‌روند، می‌گویند: آن‌ها یارانش هستند که بر آب راه می‌روند؛ پس خود او چگونه است؟ در آن هنگام دروازه‌های شهر را برای آن‌ها می‌گشایند و داخل می‌شوند و به آنچه بخواهند حکم می‌کنند.

در حدیث دیگری آمده است: «تَطْوِي لَهُمُ الْأَرْضَ وَيَذَلُّ كُلَّ صَعْبٍ؛^۱ زمین زیر پای آنان طی می‌شود و همه سختی‌ها برایشان آسان می‌گردد».

۲۲-۳. عبادت خاص

از نشانه‌های یاران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه، عبادت و سجده‌های شبانه است. آنان شیران روز و زاهدان شب هستند و بر پیشانی‌شان اثر سجده طولانی نقش بسته است. امام صادق علیه السلام درباره عبادت آن‌ها می‌فرماید: «قَدْ أَثَرَ السَّجْدُ بِجَبَا هَيْهَمُ لِيُوثَ بِالنَّهَارِ، هَبَانُ بِاللَّيْلِ؛ اثر سجده بر پیشانی آنان هست؛ شیران روز و زاهدان شب».

همچنین در توصیف شب‌زنده‌داری آنان می‌فرماید:

رَجَالٌ لَا يَنَامُونَ اللَّيْلَ لَهُمْ دَوِيٌّ فِي صَلَوَاتِهِمْ كَدَوِيِّ النَّحْلِ، يَبْتَثُونَ قِيَامًا عَلَى أَطْرَافِهِمْ وَيُسَبِّحُونَ عَلَى خُيُولِهِمْ؛^۲ آنان کسانی هستند که شب‌زنده‌داری می‌کنند و صدای زمزمه نمازشان، همچون صدای زنبور است. شب را به عبادت می‌گذرانند و بر اسب‌هایشان خداوند را تسبیح می‌گویند.

امیرمؤمنان علی بن ابی‌طالب علیه السلام می‌فرماید: «لَهُمْ فِي اللَّيْلِ أَصْوَاتٌ كَأَصْوَاتِ

۱. الغيبة نعمانی، ص ۳۱۹-۳۲۰، باب ۲۱، ح ۸؛ بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۶۵، ح ۱۴۴.

۲. الإرشاد، ص ۳۴۱.

۳. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۰۸، ح ۸۲.

الشواكل حُزنا من خَشِيهِ الله، قُوام بالليل صُوام بالنهار؛^۱ در دل شب، از ترس خداوند ناله‌ای همچون ناله زنان فرزندمرده سر می‌دهند. شب‌ها را با عبادت به صبح می‌رسانند و روزها را با روزه به پایان می‌برند».

۴. یاران مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در قرآن

مفسران حقیقی قرآن، یعنی امامان معصوم علیهم السلام بسیاری از آیات کلام وحی را به یاران و یاوران مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف تأویل و تفسیر کرده‌اند که فقط چند نمونه از این دریای بیکران را در این کتاب می‌آوریم.

الف. نعمانی در تفسیر آیه «أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمُ اللَّهُ جَمِيعاً»^۲ هر کجا باشید همه شما را خداوند خواهد آورد» از ابو خالد کابلی به نقل از امام سجاده و امام باقر علیهما السلام چنین آورده است که منظور از این آیه، «وَهُمْ أَصْحَابُ الْقَائِمِ؛ یاران حضرت است».^۳

از امام صادق علیه السلام نیز روایت شده است که این آیه درباره قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف و یاوران اوست که بدون هیچ وعده‌ای، در زمان ظهور حاضر می‌شوند.^۴

عیاشی در پایان روایت آورده است: «وذلك والله أن لو قد قام قائمنا يجمع الله اليه شعيتنا من جميع البلدان»؛^۵ امام قسم می‌خورد که اگر قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف ما قیام کند، خداوند شیعیان را از همه کشورها به سوی او جمع می‌کند».

همچنین امام صادق علیه السلام در این باره می‌فرماید: «اصحاب القائم يجمعهم الله في يوم

۱. يوم الخلاص، ص ۲۱۴، به نقل از ينابيع المودة.

۲. بقرة: ۱۴۸.

۳. الغيبة نعمانی، ص ۲۴۱؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۳۴۷؛ تأویل الآيات الظاهرة، ص ۸۷؛ مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۴۲۵؛ سید محمد ابراهیم، بروجردی، تفسیر جامع، ج ۱، ص ۲۷۲؛ تفسیر صافی، ج ۱، ص ۲۰۱؛ فتح الله بن شکرالله، کاشانی، تفسیر منهج الصادقین فی إلزام المخالفین، ج ۱، ص ۳۲۷؛ تفسیر نور الثقلین، ج ۱، ص ۱۳۹؛ محمد، صالحی اندیمشکی، القرآن و فضایل أهل البيت علیهم السلام، المتن، ص ۲۳؛ محمد بن محمد رضا، قمی مشهدی، تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، ج ۲، ص ۱۹۱؛ بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۶۸، ح ۱۵۳؛ ينابيع المودة، ج ۳، ص ۲۳۵.

۴. الغيبة نعمانی، ص ۲۴۱، ح ۳۷؛ بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۵۸؛ کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۶۷۲، ح ۲۴.

۵. تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۶۵-۶۶، ح ۱۱۷.

واحد؛^۱ مقصود یاران قائم آل محمد عجل الله تعالی فرجه الشریف است (۳۱۳ نفر یار امام) که همه را در یک روز جمع می‌کند».

در روایت دیگری از امام صادق علیه السلام درباره این آیه آمده است: «همه ۳۱۳ نفر را در یک ساعت جمع می‌کند».^۲

امام باقر علیه السلام در بیان معنای آیه می‌فرماید:

اصحاب القائم علیه السلام الثلاث مائة و البضعة عشر رجلا. قال: و هم و الله
الامة المعدودة، قال: يجتمعون و الله في ساعة واحدة، كقزع الخريف؛^۳ یاران
قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف ۳۱۳ نفر هستند. سپس سوگند یاد می‌کند که: به خدا! این ۳۱۳
نفر امت معدوده‌اند. به خدا! در یک ساعت، مانند قطعه‌های ابر پاییزی
(به سرعت) دور هم جمع می‌شوند.

ب. در آیه مبارک قرآن آمده است: «وَلَيُنْ أَخَرْنَا عَنْهُمُ الْعَذَابَ إِلَى أُمَّةٍ مَّعْدُودَةٍ
لَيَقُولَنَّ مَا يَجِئُ بِهِ إِلَّا يَوْمَ يَأْتِيهِمْ لَيْسَ مَصْرُوفًا عَنْهُمْ وَ حَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ
يَسْتَهْزِئُونَ»؛^۴ و اگر ما عذاب را از کافران تا وقت معین به عقب بیندازیم، آنان
می‌گویند: چه چیزی موجب تأخیر عذاب شده است؟ آگاه باشید که چون
هنگام عذاب برسد، هرگز از آنان بازگردانده نشود و آنچه را تمسخر می‌کردند،
سخت آنان را فرامی‌گیرد».

علی بن ابراهیم از هشام بن عمار، از یاران امام علی علیه السلام به نقل از علی بن
نبی طالب علیه السلام در معنای آیه بالا آورده است: «الامة المعدودة اصحاب القائم الثلاث
مائة البضعة عشر»؛^۵ مقصود از امت معدوده، یاران قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف است که ۳۱۳ نفر هستند».

۱. الغيبة طوسی، ص ۱۱۰.

۲. روضة الکافی، ص ۳۱۳؛ بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۸۸، ح ۲۶؛ تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۵۶، ح ۴۹.

۳. روضة الکافی، ص ۳۱۳؛ ينابيع المودة، ج ۳، ص ۲۴۵.

۴. هود: ۸.

۵. تفسیر قمی، ج ۱، ص ۳۲۲-۳۲۳؛ تفسیر نور الثقلین، ج ۲، ص ۳۴۱-۳۴۲؛ البرهان فی تفسیر
القرآن، ج ۳، ص ۸۲؛ تأویل الآيات الظاهرة، ص ۲۲۹-۲۳۰؛ تفسیر صافی، ج ۲، ص ۴۳۳؛ حسین،
شاه عبدالعظیم، تفسیر اثنی عشری، ج ۶، ص ۲۷؛ تفسیر منهج الصادقین فی إلزام المخالفین، ج ۴،
ص ۴۱۸؛ تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، ج ۶، ص ۱۳۲-۱۳۳؛ محمد، صادقی تهرانی، الفرقان فی
تفسیر القرآن بالقرآن، ج ۱۴، ص ۲۱۷؛ المیزان، ج ۱۰، ص ۱۸۱؛ ينابيع المودة، ج ۳، ص ۲۴۱.

ج. در تفاسیر متعدد، قائم آل محمد صلی الله علیه و آله و یاران او در معنای این آیه آمده‌اند:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٍ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، هرکس از شما از دین خود مرتد شود، پس به زودی خدا قومی را که بسیار دوست دارد و آنان نیز خدا را دوست دارند و با مؤمنان فروتن و با کافران مقتدر هستند (به نصرت اسلامی) برمی‌انگیزاند که در راه خدا جهاد می‌کنند و (در راه سرافرازی دین خدا) از نکوهش و ملامت هیچ‌کس باک ندارند. این فضل خداست که به هرکس بخواهد، عطا می‌فرماید و خدا را رحمت گسترده و بی‌پایان است و به (احوال همه) داناست.

در کتاب *ینابیع المودة* اثر شیخ سلیمان قندوزی حنبلی، از عالمان اهل سنت نیز همین معنا با تعابیر گوناگون آمده است.^۱

۱. مائده: ۵۴.

۲. *ینابیع المودة*، ج ۳، ص ۲۳۷؛ رک. تفسیر قمی، ج ۱، ص ۱۷۰؛ تفسیر نور الثقلین، ج ۱، ص ۶۴۱؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۳۱۵؛ تأویل الآیات الظاهرة، ص ۱۵۵؛ تفسیر الصافی، ج ۲، ص ۴۳؛ تفسیر شریف لاهیجی، ج ۱، ص ۶۶۸؛ تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، ج ۴، ص ۱۴۱؛ الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن، ج ۹، ص ۵۸.

فصل هشتم ایرانیان یاوران مهدی عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فُرْجَةَ الشَّرِيفِ

مقدمه

در احادیث معتبر اسلامی، بشارت‌های بسیاری برای ایرانیان به عنوان زمینه‌سازان ظهور آمده است؛ روایاتی که قوم سلمان فارسی را زمینه‌سازان ظهور و یاران حضرت مهدی عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى
فُرْجَةَ الشَّرِيفِ معرفی می‌کند. از جمله آن‌ها روایتی است که فریقین از رسول اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ نقل کرده‌اند: «يَخْرُجُ نَاسٌ مِنَ الْمَشْرِقِ فَيُوطِنُونَ لِلْمَهْدِيِّ سُلْطَانَهُ؛ مردمی از مشرق زمین بر پا می‌خیزند و زمینه‌سازی حکومت مهدی عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى
فُرْجَةَ الشَّرِيفِ را فراهم می‌کنند».

حافظ ابو عبدالله گنجی شافعی، محدث معروف اهل سنت، باب پنجم کتاب *البيان في اخبار صاحب الزمان* عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى
فُرْجَةَ الشَّرِيفِ را به همین مطلب اختصاص داده و نام آن را «الباب الخامس، في ذكره نصره اهل المشرق للمهدي عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى
فُرْجَةَ الشَّرِيفِ» (باب پنجم، در بیان یاری کردن مهدی عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى
فُرْجَةَ الشَّرِيفِ از سوی مردم مشرق) گذاشته است. او در این باب، این حدیث را از پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ نقل می‌کند: «يَخْرُجُ النَّاسُ مِنَ الْمَشْرِقِ فَيُوطِنُونَ لِلْمَهْدِيِّ سُلْطَانَهُ؛ مردمی از مشرق قیام می‌کنند و زمینه حکومت مهدی عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى
فُرْجَةَ الشَّرِيفِ را فراهم می‌سازند».

حافظ گنجی، پس از نقل این حدیث می‌گوید:

هذا حديث حسن، صحيح، روته الثقات والاثبات، أخرجه الحافظ ابو عبدالله

بن ماجه القزوينی، فی سنته؛ این حدیث، حدیثی حسن و صحیح است که آن را راویان موثق و عالمان حجت، روایت کرده‌اند و حافظ ابن ماجه قزوینی، این حدیث را در کتاب سنن (صحیح) خود آورده است.

در کتاب‌ها و مدارک شیعه نیز از این نوع احادیث، با مضامین گوناگون یاد می‌شود. برای نمونه، امام علی علیه السلام می‌فرماید: «شروع کار مهدی علیه السلام، از سمت مشرق است». براساس شواهد و قرائن و احادیث امامان معصوم علیهم السلام، ایرانیان زمینه‌سازان ظهور مهدی موعود علیه السلام هستند؛ حتی احادیثی نقل شده که در آن آشکارا به قیام مردم ایران اشاره می‌کند. بر این اساس، به نظر می‌رسد پیروزی انقلاب اسلامی ایران به دست امام خمینی رحمته الله علیه و ادامه راه آن به دست آیت‌الله خامنه‌ای آغاز این زمینه‌سازی است؛ هرچند عده‌ای افراد کوتاه‌بین فقط به این حدیث توجه می‌کنند: «مهدی موعود علیه السلام هنگامی ظهور می‌کند که زمین را ظلم و جور فراگرفته باشد» و بر این باورند که باید همه جهان در ظلم و فساد فرو رود تا امام زمان علیه السلام ظهور کند. این تفکر تا آنجا پیش می‌رود که آرزوی ظلم و فساد می‌کنند و با بی‌تفاوتی در برابر آن، اصلاح همه امور را به زمان ظهور امام مهدی علیه السلام واگذار می‌کنند.

بی‌شک، ریشه این تفکرات انحرافی از کج‌فهمی است. ستمگران و فاسدان جهان هم با این نوع نگرش موافق‌اند و با استفاده از این بی‌بصیرتی، این تفکر را رواج می‌دهند که انتظار ظهور امام زمان علیه السلام، یعنی بی‌تفاوتی در برابر ظلم و ستم، و فایده آن برای دشمنان این است که می‌توانند بدون هیچ مانع و مزاحمتی هر ظلم و بیدادگری را بر سر مسلمانان و مستضعفان جهان فرود آورند.

در پاسخ به این تفکر منحرف و نادرست باید گفت:

اول: براساس اصل قرآنی امر به معروف و نهی از منکر، باید همواره در برابر منکر و فساد حساس بود و برای رفع آن تلاش کرد؛ درواقع، دیدگاه بی‌تفاوتی در برابر ظلم، خود منکر بزرگی است.

امام خمینی رحمته الله علیه در این باره می‌فرماید: «ما برخلاف آیات شریفه قرآن از نهی از منکر

دست برداریم؟ از امر به معروف دست برداریم و گناهان را گسترش دهیم برای اینکه حضرت بیایند؟!^۱

دوم: برخی از متفکران براساس برخی از احادیث که به نزدیک بودن قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف اشاره دارد، چنین گمان کرده‌اند که این قیام بدون هیچ مقدمه، تلاش و زمینه‌چینی اتفاق خواهد افتاد؛ درحالی‌که باید گفت آنان به همه احادیث دقت کافی نکرده‌اند؛ زیرا براساس تعداد بسیاری از احادیث موجود، تحقق یافتن حکومت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف چندان هم بدون مقدمه نیست؛ بلکه با مقدمه‌چینی و زمینه‌سازی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله، امامان معصوم علیهم السلام، روحانیت و مراجع گرامی و قیام‌کنندگان در مشرق‌زمین محقق می‌شود. همچنین حرکت پرچم‌های خراسان و خراسانیان (ایرانیان)، خود دلیل آشکاری بر صحت این موضوع است.

سوم: در روایت، ایرانیان زمینه‌سازان قیام جهانی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف معرفی شده‌اند و این امر خود تأیید همین مطلب است که نمی‌توان چنین دگرگونی بزرگی را بدون مقدمه ایجاد کرد.^۲

چهارم: براساس این دیدگاه که زمان ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف باید سراسر دنیا را ظلم و جور فراگیرد، باید توقع داشت که این فساد و بی‌بندوباری جوامع اسلامی و خانواده‌های مسلمان را نیز دربر بگیرد؛ با این دیدگاه چه کسی باید امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را در زمان ظهور یاری و همراهی کند؟! درحالی‌که طبق روایات، گروه‌های مسلمان از دورترین نقاط جهان به‌ویژه ایران و عراق خود را در زمان ظهور به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌رسانند.

پنجم: این اعتقاد که ایرانیان زمینه‌ساز ظهور هستند، فقط عقیده ما ایرانیان نیست؛ این دیدگاه، باور دشمنان قسم‌خورده‌ای چون آمریکا و صهیونیسم بین‌الملل نیز هست. ملت‌های حق جو و مستضعف جهان هم به‌خوبی از این حقیقت آگاهی دارند و می‌دانند

۱. روح الله، خمینی رحمته الله علیه، صحیفه نور، ج ۲۰، ص ۱۹۶.

۲. خورشید مغرب، ص ۳۲۱.

که ایرانیان و انقلاب بزرگ آنان، زمینه‌ساز ظهور و قیام جهانی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است. رهبر فرزانه انقلاب، امام خامنه‌ای مد ظله العالی در این باره می‌فرماید:

شما جوانان عزیز که در آغاز زندگی و تلاش خود هستید، باید سعی کنید تا زمینه را برای چنان دورانی آماده کنید؛ دورانی که در آن، ظلم و ستم به هیچ شکلی وجود ندارد؛ دورانی که در آن، اندیشه و عقول بشر، از همیشه فعال‌تر، خلاق‌تر و آفریننده‌تر است؛ دورانی که ملت‌ها با یکدیگر نمی‌جنگند؛ دست‌های جنگ‌افروز عالم، همان‌هایی که جنگ‌های منطقه‌ای و جهانی را در گذشته به راه انداختند و می‌اندازند، دیگر نمی‌توانند جنگی به راه بیندازند؛ در مقیاس عالم، صلح و امنیت کامل هست. باید برای آن دوران تلاش کرد. قبل از دوران مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف، آسایش و راحت‌طلبی و عافیت نیست.^۱ این انقلاب بی‌گمان خواسته ائمه هدی علیهم السلام است و آن را تأیید می‌کند؛ بر همین اساس ابوخالد کابلی از امام باقر علیه السلام چنین نقل می‌کند:

كَأَنِّي بِقَوْمٍ قَدْ خَرَجُوا بِالْمَشْرِقِ يَطْلُبُونَ الْحَقَّ فَلَا يَعْطُونَهُ ثُمَّ يَطْلُبُونَهُ فَلَا يَعْطُونَهُ فَإِذَا رَأَوْا ذَلِكَ وَضَعُوا سُيُوفَهُمْ عَلَى عَوَاتِقِهِمْ فَيَعْطُونَ مَا سَأَلُوهُ فَلَا يَقْبَلُونَهُ حَتَّى يَقُومُوا وَلَا يَدْفَعُونَهَا إِلَّا إِلَى صَاحِبِكُمْ قَتَلَاهُمْ شُهَدَاءُ أَمَا إِنِّي لَوَ أَدْرَكْتُ ذَلِكَ لَأَسْتَبْقِيَتْ نَفْسِي لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ؛ گویی مردمی را می‌نگرم که از مشرق (ایران) در طلب حق قیام می‌کنند و به آن‌ها پاسخی داده نمی‌شود. پس از مدتی باز قیام می‌کنند و به آنان پاسخی داده نمی‌شود. چون وضع را چنین می‌بینند، به پیکار و مبارزه خونین برمی‌خیزند. در این باره آنچه را می‌خواهند به آنان می‌دهند، اما نمی‌پذیرند و به شورش دست می‌زنند. اینان حکومتی را که به دست می‌آورند، به مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف تسلیم می‌کنند. کشتگان این قیام همه شهید به شمار می‌آیند. اگر من، آن زمان را درک کنم، خود را برای خدمت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نگاه می‌دارم و آماده می‌کنم.

همچنین ابوبصیر از قول امام صادق علیه السلام ضمن بیان حدیثی طولانی، از افراد و

۱. بیانات مقام معظم رهبری مد ظله العالی در اجتماع بزرگ مردم قم در سالروز میلاد حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ۱۳۷۰.

۲. الغیبة نعمانی، ص ۲۷۳، ح ۵۰؛ بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۴۳، ح ۱۱۶.

شهرهای فراوانی از ایران، مانند مردم و اهالی مرورود، مرو، طوس، مغان، جابروان، قومس، اصطخر، فاریاب، طالقان، سجستان، نیشابور، طبرستان، قم، گرگان، اهواز، سیراف، ری و کرمان به عنوان یاران مهدی علیه السلام نام می برد.^۱

امامان معصوم علیهم السلام در روایات خود از ایرانیان با عناوین اعاجم، موالی، فارس، قوم سلمان، اهالی خراسان، اهالی قم، اهالی طالقان، اهالی ری، اهالی دیلم و عنوان های مشابه یاد کرده اند.

براساس احادیث، ایرانیان پیش از ظهور مهدی موعود علیه السلام، صاحب نظامی اسلامی می شوند که همیشه در جهت دفاع از اهداف متعالی ائمه هدی علیهم السلام حرکت می کند و در ظهور حضرت نقش اساسی دارد؛ به همین دلیل سعی و تلاش فراوان می کنند تا رضایت امام زمان علیه السلام را فراهم کنند.

اشعث در اعتراض به اهمیت دادن امیرمؤمنان علیه السلام به ایرانیان گفت:

ای امیرمؤمنان! چرا این عجم ها پیرامون تو گرد آمده، بر ما پیشی گرفته اند؟ حضرت خشمگین شد و در پاسخ فرمود: چه کسی مرا معذور می دارد که در برابر این آدم های بزرگ جثه بی خیر که هر کدام از آنان چون درازگوش بر بستر خود می غلتند و به خاطر آوازه و فخرفروشی از قومی روی گردان می شوند، اینان را از خود دور کنم؟ هرگز، من هرگز آنان را کنار نمی زنم تا از جاهلان گردم. سوگند به خدایی که دانه را شکافت و آفریدگان را آفرید! آنان برای باز گرداندن شما به دین اسلام، با شما به نبرد برمی خیزند؛ چنان که شما برای اسلام آوردن در میانشان شمشیر می کشید.^۲

۱. ایرانیان در قرآن

برای اثبات اینکه امامان معصوم علیهم السلام همیشه ایرانیان را تأیید کرده اند، به تفسیر و تأویل آیاتی از قرآن استناد می کنیم.

۱. دلائل الإمامة، ص ۳۱۴-۳۲۰.

۲. ابراهیم بن محمد، ثقفی، الغارات، ج ۲۴، ص ۴۹۸؛ عباس، قمی، سفینه البحار، ج ۲، ص ۶۹۳؛ شرح بهج البلاغه، ج ۲۰، ص ۲۸۴، به نقل از مرحوم محمد محمدی اشتهاردی.

با بررسی آیات و تفسیر و تأویل آن‌ها به این نتیجه می‌رسیم که شأن نزول این آیات و روایات فقط به گذشتگان مربوط نیست؛ بلکه آینه‌ای است که تصویر آیندگان را هم می‌توان در آن دید.

برای نمونه، در قرآن کریم آیاتی وجود دارد که مفسران واقعی قرآن، یعنی ائمه علیهم‌السلام تأویل آن‌ها را ایرانیان دانسته‌اند. از جمله این آیات:

الف. ایرانیان، جایگزین عرب‌ها

در آیه مبارک قرآن آمده است: «وَإِنْ تَوَلَّوْا يَسْتَبْدِلْ قَوْمًا غَيْرَكُمْ ثُمَّ لَا يَكُونُوا أَمْثَالَكُمْ»؛ و اگر شما روی بگردانید (و پیامبر اعظم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را یاری نکنید)، خدا قومی به جز شما که مانند شما نیستند (بلکه بسی از شما بهتر و فداکارترند) را به جای شما پدید می‌آورد.^۱

در تفسیر برهان به نقل از *أمالی* شیخ صدوق در معنای این آیه آمده است: گفته شد: «وَإِنْ تَوَلَّوْا»؛ چون از ولایت امیرمؤمنان علیه‌السلام دور شده‌اید، پس «يَسْتَبْدِلْ قَوْمًا غَيْرَكُمْ»؛ دیگران جایگزین شما می‌شوند که «ثُمَّ لَا يَكُونُوا أَمْثَالَكُمْ»؛ در برگشت از ایشان و ولایت امیرمؤمنان علیه‌السلام و ظلم به اهل بیت علیهم‌السلام مانند شما نیستند.^۲

در تفسیر *المیزان* ذیل همین آیه آمده است:

«وَإِنْ تَوَلَّوْا وَتَتَّقُوا يُوْتِكُمْ أَجْرَكُمْ»؛ اگر ایمان بیاورید و تقوا پیشه کنید، پاداش شما را می‌دهیم و اگر شما روی بگردانید، قومی به جز شما را که مانند شما نیستند، به جای شما پدید می‌آوریم. کسانی که در ایمانشان موفق هستند و مانند شما نیستند؛ بلکه ایمان می‌آورند، تقوا پیشه می‌کنند و در راه خدا انفاق می‌کنند.^۳

جارالله زمخشری در *کشاف* می‌نویسد: «غیرکم» یعنی «سواکم» و برخلاف صفت شما در ایمان و تقوا. او در این باره به روایتی از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم استناد می‌کند که در منابع تفسیری و روایی شیعیان نیز وجود دارد:

۱. محمّد: ۳۸.

۲. *أمالی*؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۵، ص ۷۳.

۳. تفسیر المیزان، ذیل آیه.

سئل رسول الله ﷺ عن القوم و كان سلمان إلى جنبه، فضرب على فخذيه وقال: «هذا وقومه، والذي نفسي بيده، لو كان الإيمان منوطاً بالثريا لتناولوه رجال من فارس؛ از رسول خدا ﷺ پرسیدند: کسانی که اگر ما اعراض کردیم، خدا آن‌ها را جایگزین ما می‌کند و آنان نیز مانند نخواهند بود چه کسانی هستند؟ حضرت دست به ران سلمان فارسی زد و فرمود: این و طایفه‌اش هستند، اگر دین خدا آویزه ستاره ثریا باشد، حتماً مردانی از فارس به آن خواهند رسید.^۱ در تفاسیر دیگر فریقین در معنای «يَسْتَبْدِلُ قَوْمًا غَيْرَكُمْ» آمده است: «مثل شما در ایمان و اطاعت نباشند؛ بلکه بهترین و مطیع‌ترین هستند».

فخر رازی در تفسیر مفاتیح الغیب، ضمن بحث تفسیری می‌نویسد: «این کسانی که بهترین و مطیع‌ترین هستند، قومی از فارس‌اند»، سپس این روایت را از رسول اکرم ﷺ نقل می‌کند: «روى أن النبي ﷺ سئل عن يستبدل بهم إن تولوا وسلمان إلى جنبه فقال: هذا وقومه؛ ثم قال: لو كان الإيمان منوطاً بالثريا لناله رجال من فارس».^۲

سیوطی نیز در تفسیر الدر المنثور حدیثی از عبدالرزاق، عبد بن حمید، ترمذی، ابن جریر و ابی حاتم نقل کرده که آن را طبرانی هم در اوسط و بیهقی در دلائل به نقل از ابوهریره آورده است:

تلا رسول الله ﷺ هذه الآية: «و أن تتولوا يستبدل قوماً غيركم ثم لا يكونوا أمثالكم» فقالوا: يا رسول الله من هؤلاء الذين إن تولينا استبدلوا بنا فضرب رسول الله ﷺ على منكب سلمان ثم قال: هذا وقومه، والذي نفسي بيده لو كان الإيمان منوطاً بالثريا لتناولوه رجال من فارس؛ رسول خدا ﷺ این آیه را تلاوت فرمود: و اگر شما روی بگردانید، خدا قومی را به جز شما که مانند شما نیستند، به جای شما پدید می‌آورد. مسلمانان گفتند: این‌ها چه کسانی هستند که اگر ما از اسلام روی گردانیم به جای ما می‌نشینند؟! پس پیامبر دست خود را

۱ «أخرجه الترمذی و ابن حبان و الحاكم و الطبری و ابن أبی حاتم و غیرهم من طریق العلاء بن عبد الرحمن عن أبيه عن أبي هريرة و له طرق عنه و عن غيره» (محمود بن عمر، زمخشری، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، ج ۴، ص ۳۳۱).

۲ محمد بن عمر، فخر رازی، مفاتیح الغیب، ج ۲۸، ص ۶۴.

بر شانه سلمان فارسی زد و قسم یاد کرد: اگر ایمان در ثریا باشد، مردمانی از ایرانیان آن را به دست خواهند آورد.^۱

این روایت را سیوطی هم در الدر المنثور از قول ابن مردویه و او هم از جابر نقل کرده است: «ان النبي ﷺ تلا هذه الآية "وَأِنْ تَتَوَلَّوْا يَسْتَبَدِلْ قَوْمًا غَيْرَكُمْ" فسئل من هم قال: فارس لو كان الدين بالثريا لتناوله رجال من فارس».^۲

در مجمع البیان نیز این روایت از قول امام صادق علیه السلام نقل شده است: «روی ابوبصیر عن أبي عبد الله عليه السلام قال: أن تتولوا يا معشر العرب يستبدل قوماً غيركم يعني الموالی؛ ابوبصیر از امام صادق علیه السلام روایت کرد: ای تمامی عرب! اگر از ایمانتان برگردید، به جای شما قومی غیر از شما، یعنی ایرانیان را می‌نشانند».^۳

همچنین در همین تفسیر آمده است که امام صادق علیه السلام فرمود: پیامبر اکرم ﷺ به خداوند قسم یاد کرد: «قد والله أبدل خيراً منهم الموالی؛ قسم به خدا! بهتر از این عرب‌ها موالی (ایرانیان) جانشینان آنان می‌گردند».^۴

در روایت دیگری از قول رسول اسلام ﷺ وارد شده است: «اعظم الناس نصيباً في الإسلام اهل الفارس؛ بیشترین مردمی که از اسلام نصیب می‌برند، اهالی فارس (ایرانیان) هستند».^۵

۱. عبد الرحمن بن ابی بکر، سیوطی، الدر المنثور فی تفسیر المأثور، ج ۶، ص ۶۷.
۲. الدر المنثور فی تفسیر المأثور، ج ۶، ص ۶۷؛ مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۹، ص ۱۶۴.
۳. مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۹، ص ۱۶۴؛ محمد بن شاه مرتضی، فیض کاشانی، الأصفی فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۱۱۷۹.
۴. مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۹، ص ۱۶۴؛ تفسیر المیزان، ج ۱۸، ص ۲۴۹-۲۵۰؛ محمود بن عبدالله، الوسی، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، ج ۱۳، ص ۲۳۶؛ عبدالله بن عمر، بیضاوی، أنوار التنزیل و أسرار التأویل، ج ۵، ص ۱۲۵؛ احمد بن محمد، ابن عجبیه، البحر المدید فی تفسیر القرآن المجید، ج ۵، ص ۳۸۰؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۵، ص ۷۳-۷۴؛ تفسیر اثنی عشری، ج ۱۲، ص ۱۳۶؛ تفسیر الصافی، ج ۵، ص ۳۲؛ تفسیر القرآن العظیم، ج ۷، ص ۳۰۰؛ تفسیر جوامع الجامع، ج ۴، ص ۱۳۰؛ تفسیر قمی، ج ۲، ص ۳۰۸؛ تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، ج ۱۲، ص ۲۵۳-۲۵۴؛ تفسیر منهج الصادقین فی إلزام المخالفین، ج ۸، ص ۳۵۷؛ تفسیر نور الثقلین، ج ۵، ص ۴۶.
۵. کنز العمال، ج ۱۲، ص ۹۰، به نقل از المیزان.

ب. ایرانیان جایگزین مسلمانان صدر اسلام

خداوند در قرآن کریم در این آیه مبارک می‌فرماید: «وَأَخْرَيْنَ مِنْهُمْ لَمَّا يَلْحَقُوا بِهِمْ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ؛ و قوم دیگری از آنان را (که به روایت پیغمبر منظور عجم‌ها از ایرانیان هستند) هدایت فرماید که هنوز به عرب (در اسلام) ملحق نشده‌اند و او خدای مقتدر و همه کارش به حکمت و مصلحت است»^۱.

رسالت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به اعراب منحصر نبوده است؛ بلکه دعوت پیامبر همه مردم عرب و غیر عرب را در بر می‌گیرد؛ به همین دلیل در این آیه مبارک می‌فرماید: «او بر گروه دیگری از مؤمنان نیز مبعوث شده است که هنوز به اینها ملحق نشده‌اند».

طبرسی در تفسیر مجمع‌البیان و علامه طباطبائی در المیزان چنین نقل کرده‌اند که وقتی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله این آیه را تلاوت کردند، از ایشان پرسیدند: این افراد چه کسانی هستند؟ پیامبر صلی الله علیه و آله دست خود را بر شانه سلمان گذاشت و فرمود: «لَوْ كَانَ الْإِيمَانُ فِي الثُّرَيَّا لَنَالَتْهُ رِجَالٌ مِنْ هَؤُلَاءِ؛ اگر ایمان در ثریا (ستاره دوردستی که در این زمینه ضرب‌المثل است) باشد، مردانی از اهل فارس (ایرانیان) به آن دست می‌یابند»^۲.

از آنجا که همه این امور از قدرت و حکمت خداوند سرچشمه می‌گیرد، در پایان آیه آمده است: «وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ».

مفسران بزرگ اهل سنت، مانند آلوسی، سیوطی، جلال‌الله زمخشری، طنطاوی، ابن‌کثیر و سید قطب، در تفاسیر خود درباره این آیه می‌نویسند: این قول خداوند تعالی که فرمود: «وَأَخْرَيْنَ مِنْهُمْ لَمَّا يَلْحَقُوا بِهِمْ»، منظور از مسلمانانی که پس از مسلمانان صدر اسلام اسلام می‌آوردند، ایرانیان هستند.

این حدیث را بخاری، ترمذی، نسائی و جماعتی از ابوهریره این‌گونه نقل کرده‌اند:

۱. جمعه: ۳.

۲. مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۰، ص ۴۲۹؛ تفسیر المیزان، ج ۱۹، ص ۲۶۸؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۵، ص ۳۷۶؛ تفسیر جوامع الجامع، ج ۴، ص ۲۹۰؛ تفسیر نور الثقلین، ج ۵، ص ۳۲۳؛ تفسیر الصافی، ج ۵، ص ۱۷۳؛ تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، ج ۱۳، ص ۲۴۷؛ حسین، بروجردی، تفسیر الصراط المستقیم، ج ۳، ص ۵۵۲؛ تفسیر نمونه، ج ۲۴، ص ۱۰۹-۱۱۰.

قال: كنا جلوسا عند النبي ﷺ حين أنزلت سورة الجمعة فتلاها فلما بلغ «وَأَخْرَيْنَ مِنْهُمْ لَمَّا يَلْحَقُوا بِهِمْ». قال له رجل: يا رسول الله من هؤلاء الذين لم يلحقوا بنا؟ فوضع يده على سلمان الفارسي عليه السلام وقال: والذي نفسي بيده لو كان الإيمان بالثريا لئاله رجال من هؤلاء» فإنه ﷺ أشار بذلك إلى أنهم فارس؛ زمانی که سوره جمعه نازل شد، ما خدمت پیامبر خدا ﷺ نشسته بودیم. ایشان سوره را تلاوت کرد و چون به آیه «و دیگرانی از ایشان، که هنوز به آن‌ها نپیوسته‌اند» رسید، مردی گفت: ای پیامبر خدا! اینان که هنوز به ما نپیوسته‌اند چه کسانی هستند؟ رسول اکرم ﷺ به سوی سلمان فارسی اشاره کرد و فرمود: سوگند به آن که جانم در دست اوست! اگر دین (ایمان) در ثریا باشد، مردانی از ایرانیان آن را به دست خواهند آورد و اشاره کرد که به راستی آنان از فارس هستند.^۱

ج. قوم سلمان، یاران مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

در این آیه مبارک آمده است:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةً لَائِمَةً ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هرکس از شما، از آئین خود بازگردد (به خدا زیانی نمی‌رساند)، خداوند جمعیتی را می‌آورد که آن‌ها را دوست دارد و آنان (نیز) او را دوست دارند؛ در برابر مؤمنان متواضع و در برابر کافران سرسخت و نیرومند هستند؛ آن‌ها در راه خدا جهاد می‌کنند و از سرزنش هیچ ملامتگری هراسی ندارند. این فضل خداست که به هرکس بخواهد (و شایسته ببیند)، می‌دهد و (فضل) خدا وسیع و خداوند داناست.^۲

۱. روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، ج ۱۴، ص ۲۸۹؛ الدر المنثور فی تفسیر المأثور، ج ۶، ص ۲۱۵؛ الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، ج ۴، ص ۵۳۰؛ سید محمد، طنطاوی، التفسیر الوسیط للقرآن الکریم، ج ۱۴، ص ۳۷۹؛ تفسیر القرآن العظیم، ج ۸، ص ۱۴۲؛ عبد القادر ملا حویش، آل غازی، بیان المعانی، ج ۶، ص ۲۵۵؛ محمد طاهر، ابن عاشور، سنی، التحریر و التنویر، ج ۲۸، ص ۸۹؛ عبدالرحمن بن محمد، ابن ابی حاتم، تفسیر القرآن العظیم، ج ۱۰، ص ۳۳۵؛ سید قطب، فی ظلال القرآن، ج ۶، ص ۳۵۶۶.

۲. مائده: ۵۴.

معنای «اذله» در این آیه برگرفته از واژه «ذلّ» به معنای نرمی است و برگرفته از واژه «ذلّ» به معنای خواری نیست.^۱

خطاب قرآن کریم در این آیه به مؤمنان است که اگر هر یک از شما، از دین اسلام روی گرداند و دین دیگری را برگزیند، کسانی (قومی) در آینده می آیند و این رسالت بزرگ را بر دوش می گیرند که چند ویژگی مهم دارند:

اولین صفت آنان با واژه «مُحِبُّهُمْ» بیان شده؛ یعنی آنان خدا را دوست دارند و به خدا عشق می ورزند و به طور طبیعی، خدا نیز آنان را دوست دارد «مُحِبُّونَهُ».

دومین و سومین ویژگی آنان این است که این قوم براساس آیه، «أَذِلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ» هستند؛ یعنی در برابر مؤمنان متواضع اند؛ ولی در مقابل کافران ستمگر با عزت و سربلند هستند.

چهارمین ویژگی این گروه با جمله «يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ» آمده است؛ به این معنا که آنان به طور دائم در راه رضای خدا در حال جهاد هستند.

پنجمین صفت نیک این مؤمنان، نترسیدن از ملامت و تمسخر ملامت کنندگان در راه رسیدن به هدف است: «وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ».

در پایان آیه می بینیم اینان همه این مواهب الهی را از خود نمی دانند؛ بلکه آن را موهبتی از سوی پروردگارشان می دانند؛ همان طور که در آیه آمده «ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَن يَشَاءُ» خداوند به هرکسی عنایت می کند که شایستگی این صفات را داشته باشد؛ زیرا او «وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ» است.

اقوال گوناگونی در تفاسیر اهل سنت با استناد به روایات رسول اسلام ﷺ ذیل این آیه آمده است؛ یکی از اقوال که به صورت اجماع از طریق ثعلبی، از دانشمندان و بزرگان اهل سنت و نیز روایات شیعه مطرح شده، این است که این آیه درباره علی بن ابی طالب (علیه السلام) نازل شده است؛^۲ زیرا بی تردید بهترین مصداق آیه و دارنده این ویژگی ها،

۱. تفسیر مجمع البیان، ذیل آیه.

۲. مفاتیح الغیب، ج ۱۲، ص ۳۸۰؛ حسین بن مسعود، بغوی، معالم التنزیل فی تفسیر القرآن، ج ۲،

علی بن ابی طالب علیه السلام است.

شاهد این امر ماجرای جنگ خیبر است؛ زمانی که پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله از فرماندهان خود ناامید شد و فرمود:

لاعطین الراية غدا رجلا، يحب الله ورسوله ويحبه الله ورسوله، كرا را غير فرار، لا يرجع حتى يفتح الله على يده؛ به خدا سوگند! فردا پرچم را به دست کسی می‌سپارم که خدا و پیامبر را دوست دارد و خدا و پیامبر نیز او را دوست دارند، پی‌درپی به دشمن حمله می‌کند و هیچ‌گاه از برابر آن‌ها نمی‌گریزد و از این میدان باز نخواهد گشت، مگر اینکه خدا به دست او پیروزی را نصیب مسلمانان می‌کند.^۱

قول دیگری که در معنای این آیه در تفاسیر اهل سنت و شیعه مطرح شده، این است که این آیه درباره قائم آل محمد صلی الله علیه و آله و یاران باوفای اوست. روایات ائمه علیهم السلام نیز به همین مطلب اشاره دارد؛ چنان‌که امام علی علیه السلام درباره معنای آیه می‌فرماید: «هم اصحاب القائم؛ اینان یاران قائم آل محمد صلی الله علیه و آله هستند».^۲

نظریه مطرح دیگر در روایات و تفاسیر، این است که این آیه به ایرانیان یا همان قوم سلمان فارسی اشاره می‌کند؛ قومی که براساس روایات، از یاران قائم آل محمد صلی الله علیه و آله خواهند بود؛ چنان‌که وقتی از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله درباره این آیه پرسیدند، ایشان دست

ص ۶۰؛ مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۳۲۱-۳۲۲؛ تفسیر قمی، ج ۱، ص ۱۷۰؛ تفسیر جامع، ج ۲، ص ۲۲۴؛ تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، ج ۴، ص ۱۴۱؛ ابوالفتح بن مخدوم، جرجانی، آیات الأحکام، ج ۲، ص ۸۴-۸۵؛ ناصر، مکارم شیرازی، الأمثل فی تفسیر کتاب الله المنزل، ج ۴، ص ۴۲؛ محمد بن یوسف، ابوحیان، البحر المحیط فی التفسیر القرآن، ج ۴، ص ۲۹۶؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۳۱۵.

۱. مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۳۲۱-۳۲۲؛ تفسیر برهان، ج ۲، ص ۷۳۶؛ تفسیر نور الثقلین، ج ۱، ص ۶۴۲؛ نورالله بن شریف الدین، شوشتری، احقاق الحق، ج ۳، ص ۲۰۰.

۲. ینابیع المودة، ج ۳، ص ۲۳۵؛ منتخب الأثر، ج ۲، ص ۴۹؛ تفسیر نور الثقلین، ج ۱، ص ۶۴۱؛ نزدیک به این مضمون در تفسیر قمی، ج ۱، ص ۱۷۰؛ تفسیر جوامع الجامع، ج ۱، ص ۳۳۶؛ تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، ج ۴، ص ۱۴۱؛ تأویل الآیات الظاهرة، ص ۱۵۵؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۳۱۵؛ محمد، سبزواری، الجدید فی تفسیر القرآن المجید، ج ۲، ص ۴۸۳؛ تفسیر شریف لاهیجی، ج ۱، ص ۶۶۹؛ الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن، ج ۹، ص ۴۱-۴۲.

خود را بر شانه سلمان گذاشت و فرمود: «مقصود، این مرد و هم وطنان اوست».^۱
در تفسیر المیزان آمده که وقتی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره این آیه پرسیدند، دست خود را بر شانه سلمان گذاشت و فرمود: «منظور سلمان و ایرانیان هستند که اگر دین در ثریا باشد، مردمانی از فارس به آن دست می یابند».^۲

این روایت در منابع دیگر نیز این گونه آمده است: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در پاسخ سؤال کننده درباره این آیه مبارک، دست خود را بر شانه سلمان گذاشت و فرمود: «یاران او و هم وطنان او هستند»، رسول اکرم صلی الله علیه و آله سپس فرمود: «لو كان الدين معلقا بالثريا لتناوله رجال من أبناء الفارس؛ اگر دین (و در روایت دیگری اگر علم) به ستاره ثریا بسته باشد و در آسمان ها قرار گیرد، مردانی از فارس آن را در اختیار خواهند گرفت».^۳

مطلب مهمی که لازم است گفته شود، این است که گاهی در تفسیر این آیه و آیات مشابه، امامان معصوم علیهم السلام مصادیق متعدد و مختلفی را در مقام مصداق یک آیه بیان می کنند؛ این امری طبیعی است که هم بیانگر جامعیت قرآن کریم است و هم نشان می دهد که کلام خدا به دنبال بیان مفهومی کلی و جامع است و مانعی ندارد که این بیان کلی، مصداق های جزئی داشته باشد؛ بر این اساس هیچ گونه تضادی در این تأویل ها و تعبیر مصداقی وجود ندارد؛ چنان که این آیه مبارک نیز از معنای عامی صحبت می کند و هر مؤمنی را در بر می گیرد که دین خدا را یاری کرده باشد؛ چه در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله باشد، چه در آخر الزمان. پس تناقضی به وجود نمی آید و اگر گفته شود مصداق آیه امیرمؤمنان علیه السلام، مهدی موعود علیه السلام، سلمان فارسی یا حتی ایرانیان هستند، پس هر

۱. مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۳۲۱.

۲. المیزان، ج ۵، ص ۳۸۸-۳۸۹؛ مجمع البیان، ج ۳، ص ۳۰۸؛ الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، ج ۱، ص ۶۴۶؛ تفسیر جوامع الجامع، ج ۱، ص ۳۳۶؛ سفینه البحار، ج ۲، ص ۶۹۳؛ نور الثقلین، ج ۱، ص ۶۴۱، ح ۲۴۶.

۳. مجمع البیان، ج ۳، ص ۲۰۸؛ نور الثقلین، ج ۱، ص ۶۴۲؛ ابونعیم اصفهانی در حلیه، جلد ششم و صفحه ۶۴ این حدیث را با عبارت «لو كان العلم منوطا بالثريا لتناوله رجال من أبناء فارس» نقل کرده است، ولی ابن عبد البر در استیعاب، جلد دو و صفحه ۵۷۷ آن را با عبارت «لو كان الدين عند الثريا لتناوله سلمان» نقل کرده است؛ تفسیر نمونه، ج ۴، ص ۴۱۸.

انسان آزاده‌ای که در راه علی علیه السلام باشد و سلمان‌وار زندگی کند، مصداق این آیه و در آخرالزمان مانند قوم سلمان فارسی از یاران قائم آل محمد صلی الله علیه و آله خواهد بود.

عده‌ای از مفسران خودخوانده قرآن، با عناد و تعصب شگرفی با آیات کلام خدا برخورد می‌کنند؛ کوتاه‌بینانی که در جای جای تفسیر قرآن، نام افرادی را به عنوان مصداق آیات مطرح می‌کنند که انسان را به تعجب وامی‌دارد. برای مثال افرادی مانند ابوموسی اشعری را مصداق این آیه برمی‌شمارند که در جریان قضاوت جنگ صفین، فریب عمرو عاص را خورد و حق امام علی علیه السلام را ضایع کرد. البته برخی از روایات نیز قوم ابوموسی، یعنی اهالی یمن را مصداق آیه معرفی و خود ابوموسی را از این موضوع استثنا می‌کند.^۱

این در حالی است که نه فقط حاضر نیستند امیرمؤمنان علی علیه السلام را به عنوان یکی از مصادیق نام ببرند، بلکه گاهی می‌گویند ما می‌توانیم همه روایات را -حتی اگر بدترین افراد را به عنوان مصداق آن تعیین کنند- توجیه کنیم، مگر آن روایتی که می‌گوید: این آیه در شأن علی علیه السلام نازل شده است.

همین افراد وقتی به روایات دوازده امام و خلیفه مسلمانان می‌رسند که در منابع موثق اهل سنت و شیعه وجود دارد، با تعصب عجیبی پس از شمارش چهار خلیفه، اشخاصی مانند معاویه، یزید و عباسیان ستمگر دیگر را هم به آن می‌افزایند تا بالآخره تعداد آن‌ها را به دوازده نفر برسانند.

علامه طباطبائی در تفسیر المیزان با بیان این مطلب که آیه «فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ»، نشانه یک حقیقت و پیشگویی غیبی است که در آینده اتفاق می‌افتد، به سرزنش مفسرانی می‌پردازد که به سبب عناد و تعصب ناحقی که دارند، با قرآن که کلام خداوند تعالی است، همانند کلام غیر خدا رفتار می‌کنند. ایشان در ادامه مطلب می‌نویسد:

خداوند تعالی در مقابل این مردم چند چهره و سست‌ایمان -که صدمه‌های زیادی از سوی آنان به دین اسلام خورده و در برابر برتری محبت غیر خدا بر محبت خدا از سوی این افراد چه ضرباتی که نخورده‌ایم و اینان عزت را از

۱. تفسیر طبری، ج ۶، ص ۱۸۴؛ تفسیر نمونه، ج ۴، ص ۴۱۷-۴۱۹.

سوی غیر خدا طلب کردند و نیز در امر جهاد در راه خدا سهل انگاری کردند و از ملامت ها ترسیدند - به زودی قومی را خواهد آورد که آن ها را دوست می دارد و آن قوم نیز خدا را دوست می دارند؛ مردمی که در برابر مؤمنان خاضع و ذلیل و در مقابل کفار شدید و شکست ناپذیر هستند؛ مردمی که در راه خدا جهاد می کنند و از ملامت هیچ ملامتگری پروا نمی کنند.

بیشتر مفسران اهل سنت هرچند متوجه این معنا شده اند که این آیه مبارکه از غیب خبر می دهد؛ زیرا می بینیم که بحث های طولانی درباره این مطلب کرده اند که منظور از آن قومی که بعدها می آیند چیست؟ ولی همین مفسران، با مسامحه و سهل انگاری حق معنا را ادا نکرده اند که در آیه بیان شده است، و نتیجه سهل انگاری آن ها این شده که با کلام خدای تعالی، همان معامله ای را می کنند که با کلام غیر خدا انجام می دهند و این رفتار را جایز می دانند.^۱

د. ایرانیان محافظ اسلام

در قرآن کریم درباره ایرانیان چنین می خوانیم:

فَإِنْ يَكْفُرْ بِهَا هَؤُلَاءِ فَقَدْ وَكَلْنَا بِهَا قَوْمًا لَّيْسُوا بِهَا بِكَافِرِينَ؛ اگر این جمعیت این حقایق را بپذیرند، دعوت تو بدون پاسخ نمی ماند؛ زیرا ما به جمعیتی مأموریت داده ایم که نه فقط آن را بپذیرند، بلکه از آن محافظت و نگهبانی کنند؛ جمعیتی که در راه کفر گام بر نمی دارند و در برابر حق تسلیم هستند.^۲ واژه «قوماً» در این آیه نکره آمده است که بیان کننده عظمت است.

درباره اینکه منظور از این افراد چه کسانی هستند، مفسران فریقین (شیعه و سنی) نظرهای گوناگونی داده اند:

- مقصود از «قوم» در این آیه، پیامبران گذشته هستند که پیش از بعثت پیامبر اسلام ﷺ به او ایمان آورده بودند (عقیده حسن، زجاج، طبری و جبائی).
- منظور از «قوم» فرشتگان هستند (قول ابورجاء عطاردی).

۱. تفسیر المیزان، ج ۵، ص ۳۸۱-۳۸۲.

۲. انعام: ۸۹.

– منظور از «قوم» کسانی هستند که در ایام نزول این سوره در مکه، به پیامبر اسلام ﷺ ایمان آورده‌اند (قول ضحاک و فراء)؛ یعنی اگر قریش به قرآن و نبوت محمد ﷺ ایمان نیاوردند، مردم مدینه (مهاجران و انصار) ایمان آوردند.

– منظور از «قوم»، یا انصار است یا مهاجران و یا اینکه هم مهاجر و هم انصار از اصحاب رسول خدا ﷺ هستند که با نصرت خود در روزهای سخت دعوت، به او در راه دین خدا یاری رساندند و خداوند در قرآن به بهترین وجه آنان را ستوده است.

– منظور از «قوم» روی هم یک جمعیت است و ممکن است در این جمعیت، هم افراد مسلمان و هم کافر وجود داشته باشد؛ چنان‌که صحابه (مهاجر و انصار) مؤمن به اسلام ایمان داشتند؛ اگرچه برخی از این افراد دارای این صفت نبودند.

– مقصود از «قوم» همان انصار هستند و منظور از این آیه که فرمود: «قومی را بر آن می‌گماریم که به آن کافر نباشند»، این است که هرچند هنوز ایمان نیاورده‌اند، ولی مانند مشرکان مکه، همگی به آن کفر نمی‌ورزند.

– منظور از «قوم» همان ایرانیان هستند.

قول‌های دیگری نیز در این باره نقل شده است.^۱

علامه طباطبائی در تفسیر المیزان این اقوال را این‌گونه بررسی کرده است:

اشکال قول اول: این قول خلاف ظاهر جمله «لَیْسُوا بِهَا بِكَافِرِينَ» است؛ چون ظاهر سیاق این جمله، نفی حال و یا استمرار در نفی است و بالأخره کفر موجود در حال خطاب را نفی می‌کند و انبیا ﷺ در زمان نزول این آیه موجود نبودند و اگر مقصود از آیه، نفی کفر ایشان بود، باید می‌فرمود: «لَمْ یَكُونُوا بِهَا بِكَافِرِينَ؛ ایشان به آن کافر نبودند». رسول اکرم ﷺ با توجه به این عنایت در شمار آنان قرار نگرفته است؛ اگرچه جزئی از آنان و برتر از آنها بود.

اشکال قول دوم: لفظ «قوم» اگر بدون قید بیاید، نمی‌توان آن را بر ملائکه حمل کرد؛

۱. تفسیر القرآن العظیم، ج ۳، ص ۲۶۸؛ روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، ج ۴، ص ۲۰۴؛ مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۴، ص ۵۱۳.

زیرا در ادبیات عرب سابقه ندارد که «قوم» بر ملائکه اطلاق شده باشد؛ به ویژه اگر بدون قید بیاید. افزون بر این، سیاق آیه شریفه، سیاق تسلی خاطر رسول اکرم صلی الله علیه و آله است و معنا ندارد که خدای تعالی پیامبرش را چنین تسلی بدهد: غم مخور اگر قوم تو ایمان نیاورند، ما ملائکه را وادار می‌کنیم که به تو ایمان بیاورند.

اشکال قول سوم: همه این نام‌برندگان به ایمان خود باقی نماندند، بلکه عده‌ای از آنان مرتد شدند و به کفر پیشین خود برگشتند. اتفاقاً در همین سوره، در آیه «سَأُنْزِلُ مِثْلَ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ»، به حال یکی از آن مرتدان متعرض شده است. افزون بر اینکه عده‌ای از گروندگان به آن جناب، منافق‌هایی بودند که ایمانشان عاریتی بود و با این حال چگونه جمله «لَيْسُوا بِهَا بِكَافِرِينَ» بر چنین مردمی منطبق می‌شود؟

اشکال قول چهارم: اگرچه عنوان مهاجر و انصار عنوان محترمی است، اما برخی از مصادیق این عنوان، مردمی بودند که پس از ایمان آوردن به آن جناب دوباره به کفر پیشین خود برگشتند و بعضی دیگر، مردم منافقی بودند که ایمانشان برای ما ثابت نشده و معلوم است کسانی که حالشان این است، جمله «فَقَدْ وَكَلْنَا بِهَا قَوْمًا لَيْسُوا بِهَا بِكَافِرِينَ» بر آنان منطبق نمی‌شود؛ چون ظاهر این جمله آن است که اگر این‌ها به دین تو ایمان نیاورند، کسانی را به ایمان آوردن به آن موفق می‌کنیم که به هیچ وجه به آن کفر نمی‌ورزند.

اشکال قول پنجم: اگر این قول درست باشد، باید منظور از آن جمعیت را امت اسلامی در نظر گرفت و وجهی ندارد که آن را به مهاجران و انصار اختصاص دهیم؛ زیرا مزایای ایمان و جهاد سبب نمی‌شود که ما مردم باایمان دیگر را از اتصاف به این وصف محروم کنیم؛ البته اتصاف مهاجران و انصار به این وصف بیشتر از دیگران است و اما افراد بسیاری هستند که آیه مبارکه بر آنان هم صدق می‌کند. به هر حال، اگر این اشکال را هم نادیده بگیریم، در هیچ جای قرآن سابقه ندارد که هرگاه ویژگی اجتماعی یک جمع را بیان می‌کند، متخلفان از آن ویژگی‌ها را استثنا نکرده باشد، بلکه همواره در این‌گونه موارد اگر تمامی افراد آن ویژگی را نداشته باشند، آن‌ها را استثنا می‌کند؛ مانند آیه «لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ ثُمَّ رَدَدْنَاهُ أَسْفَلَ سَافِلِينَ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا؛ همانا

ما انسان را در بهترین قوام و نظام آفریدیم، سپس او را به پایین‌ترین مرحله بازگردانیم»^۱، پس معلوم می‌شود وصفی که در آیه است، وصف تمام مهاجر و انصار نیست.

اشکال قول ششم: افزون بر موارد پیشین، این آیه وقتی نازل شده است که انصار، یعنی اهل مدینه مانند اهل مکه مشرک و بت‌پرست بودند و بنابراین، معنا ندارد درباره چنین مردمی بفرماید: «ما قومی را بر آن می‌گماریم که به آن کافر نباشند»، مگر اینکه کفر مطرح شده در این آیه را به معنای رد دعوت و زیر بار نرفتن بدانند؛ درحالی که کفر اهل مدینه پیش از آن بود که رسول خدا ﷺ آن‌ها را دعوت کند، ولی برای این معنا دلیلی نداریم، بلکه دلیل موجود برخلاف آن است و آن این است که سیاق آیات مورد بحث، بیان وصف هدایت الهی است که مقابل آن شرک است، نه رد دعوت.

گویا این مطلب که منظور از «قوم» در این آیه «عجم» است، از آیه «إِنْ يَشَأْ يُذْهِبْكُمْ أَيُّهَا النَّاسُ وَيَأْتِ بِآخَرِينَ؛ ای مردم! خدا اگر بخواهد همه شما را (به کلی از دنیا) می‌برد و قومی دیگر می‌آورد و البته خداوند بر این کار مقتدر و تواناست»^۲ گرفته شده است؛ زیرا گفته‌اند منظور از واژه «آخرین» در این آیه «عجم» است که در آن زمان هنوز ایمان نیاورده بودند.

علامه طباطبائی بر این باور است که این آیات در مقام توصیف توحید فطری و هدایت پاک از شوائب شرک به خدای سبحان است. ایشان در ادامه بحث، روایتی از نعمانی به نقل از سلیمان بن هارون عجلی بیان می‌کند. در این حدیث با استناد به این آیه و آیه ۵۴ سوره مائده بیان می‌کند که منظور از این آیه، یاران امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است که ویژگی‌های عالی انسانی و اسلامی دارند.

نعمانی روایت می‌کند: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می‌فرمود:

صاحبان این امر (خلافت و جانشینی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله) حقشان نزد خدای تعالی محفوظ است؛ به طوری که اگر تمامی مردم نیز از دنیا بروند، باز هم

۱. تین: ۴-۵.

۲. نساء: ۱۳۳.

خداوند صاحبان این امر را خواهد آورد و حق ایشان را به آنان واگذار خواهد کرد و آنها همان کسانی هستند که خداوند در حقشان فرموده: «فَإِنْ يَكْفُرْ بِهَا هَؤُلَاءِ فَقَدْ وَكَلْنَا بِهَا قَوْمًا لَّيْسُوا بِهَا بِكَافِرِينَ؛ و اگر اینان (مشرکان) بر آن کفر ورزند، بی گمان گروهی دیگر را بر آن گماریم که به آن کافر نباشند»^۱ و نیز فرموده: «فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٍ عَلَى الْكَافِرِينَ؛ پس به زودی خداوند مردمی را خواهد آورد که آنها را دوست دارد و آنها هم خدا را دوست دارند. مردمی هستند که در برابر مؤمنان، فروتن و متواضع و در برابر کفار، گردن فراز و متکبر هستند»^۲. در پایان این حدیث چنین می نویسد که این از قبیل جری و تطبیق است.

در بسیاری از تفاسیر فریقین، منظور از این جمعیت ایرانیان است؛ کسانی که در راه کفر قدم بر نمی دارند و در برابر حق تسلیم هستند.

به هر حال، این قول که مقصود از این آیه، ایرانیان و اهل فارس هستند نیز طرفدارانی دارد؛ همان هایی که تسلیم پیامبران الهی از جمله پیامبر خاتم ﷺ بوده و به فرشتگان و امدادهای غیبی ایمان دارند.

در تفسیر نمونه و تفسیر الأمثل فی تفسیر کتاب الله المنزل به نقل از تفسیر المنار و تفسیر روح المعانی از قول برخی از مفسران آمده است که منظور از این جمعیت، ایرانیان هستند که به زودی اسلام را پذیرفتند و در پیشرفت آن با تمام توان کوشیدند و دانشمندان آنها در فنون گوناگون اسلامی کتاب های فراوانی تألیف کردند.^۳

۱. انعام: ۸۹.

۲. الغیبة النعمانی، ص ۳۱۶، ح ۱۲؛ رک. المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۵، ص ۳۷۹-۳۸۵.

۳. تفسیر نمونه، ج ۵، ص ۳۳۴؛ الأمثل فی تفسیر کتاب الله المنزل، ج ۴، ص ۳۷۰؛ روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، ج ۴، ص ۲۰۴؛ أنوار التنزیل و أسرار التأویل، ج ۲، ص ۱۷۱؛ تفسیر اثنی عشری، ج ۳، ص ۳۲۵؛ سید علی اکبر، قرشی، تفسیر أحسن الحدیث، ج ۳، ص ۲۶۳؛ تفسیر الصافی، ج ۲، ص ۱۳۸؛ تفسیر آلوسی ج ۳، ص ۲۶۸؛ محمد ثناء الله، مظهری (سنی)، تفسیر مظهری، ج ۳، ص ۲۶۵؛ تفسیر شریف لاهیجی، ج ۱، ص ۷۹۱؛ حسن بن محمد، نظام الأعرج تفسیر غرائب القرآن و رغائب الفرقان، ج ۳، ص ۱۱۴؛ فتح الله بن شکر الله، کاشانی، زیدة التفاسیر، ج ۲، ص ۴۲۵؛ الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن، ج ۱۰، ص ۱۲۸؛ نعمت الله، نخجوانی، الفواتح الإلهیة و المفاتيح الغیبیة، ج ۱، ص ۲۲۶.

هـ ایرانیان، مجاهدان در راه خدا

در قرآن کریم آمده است:

إِلَّا تَنْفِرُوا يُعَذِّبَكُمُ عَذَابًا أَلِيمًا وَيَسْتَبْدِلَ قَوْمًا غَيْرَكُمْ وَلَا تَضُرُّهُ شَيْئًا وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ؛ اگر برای جهاد نروید، خدا شما را به عذابی دردناک دچار خواهد کرد و دیگری را به جای شما برمی‌گمارد و شما به خدا زیانی نمی‌رسانید و خدا بر همه چیز تواناست.^۱

مفسران در شأن نزول این آیه شریفه از ابن عباس و دیگران چنین نقل کرده‌اند که این آیه و آیات پیش از آن درباره حوادث جنگ تبوک نازل شده است. پیامبر اسلام ﷺ به مسلمانان اعلام کرده بود که به جنگ امپراطوری روم شرقی می‌رویم. هنگامی که پیامبر ﷺ از طائف به سوی مدینه بازگشت، از مردم خواست برای پیکار با رومیان آماده شوند، اما متأسفانه مسلمانان با آوردن بهانه‌هایی، مانند دوری راه (فاصله‌ای ششصد کیلومتری)، نیاز به آمادگی بیشتر، فصل گرما، زمان برداشت میوه و غلات و دلایل دیگر به سستی و دودلی دچار شدند و از فرمان پیامبر سر باز زدند؛ به همین دلیل این آیه و آیات قبل از آن نازل شد.^۲

در پایان آیه آمده است: «وَلَا تَضُرُّهُ شَيْئًا»، به این معنا که خداوند بی‌نیاز است؛ بنابراین، نیامدن شما هیچ ضرری به خداوند و اسلام نمی‌زند. در تفسیر مجمع البیان نیز آمده است: منظور از «قَوْمًا غَيْرَكُمْ» قومی غیر از شماست که از جهاد در راه خدا تخلف نمی‌ورزند و حدیثی را نقل کرده که منظور از این آیه، ایرانیان هستند.

محمود آلوسی از دانشمندان اهل سنت در تفسیر روح المعانی درباره واژه «قَوْمًا»

۱. توبه: ۳۹.

۲. ترجمه تفسیر طبری، ج ۳، ص ۶۱۲؛ جلال‌الدین محمد بن احمد، محلی و عبد الرحمن بن ابی بکر، سیوطی، تفسیر الجلالین، ص ۱۹۶؛ تفسیر القرآن العظیم، ج ۴، ص ۱۳۵؛ روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، ج ۵، ص ۲۸۶؛ فی ظلال القرآن، ج ۳، ص ۱۶۳۱؛ الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، ج ۲، ص ۲۷۱؛ مفاتیح الغیب، ج ۱۶، ص ۴۷؛ المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۹، ص ۲۷۹؛ أنوار التنزیل و أسرار التأویل، ج ۳، ص ۸۱؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۷۸۵؛ تفسیر نمونه، ج ۷، ص ۴۱۴؛ ابن عربی، أحكام القرآن، ج ۲، ص ۹۴۸.

می نویسد: منظور این است که این قوم مطیع و مؤثر هستند و کارهای آنان در دنیا برای آخرت است؛ این قوم از فرزندان و ارحام شما عرب ها نیستند. بلکه آنان از فرزندان فارس (ایرانیان) هستند (و هم أبناء فارس) و در ادامه به این حدیث استناد می کند: «أنه لما نزل قوله تعالى "وَأِنْ تَتَوَلَّوْا يَسْتَبْدِلْ قَوْمًا غَيْرَكُمْ" ضرب النبي صلى الله عليه وآله بيده على ظهر سلمان الفارسي رضي الله عنه. وقال: إنهم قوم هذا»^۱. امام علی بن ابی طالب علیه السلام سال ها پیش از این خطاب به مسلمانان عرب فرمود:

تَضْرِبُكُمْ الْأَعَاجِمُ عَلَى هَذَا الدِّينِ عَوْدًا كَمَا ضَرَبْتُمُوهُمْ عَلَيْهِ بَدْءًا وَقَالَ لِيَمْلَأَنَّ اللَّهُ أَيْدِيَكُمْ مِنَ الْأَعَاجِمِ وَلِيَصِيرَنَّ أَسَدًا لَا يَفْرُونَ فَلْيَضْرِبُوا أَعْنَاقَكُمْ وَلْيَغْلِبَنَّكُمْ عَلَى فَيْئِكُمْ^۲ به زودی عجم ها برای بازگشت شما به دین، با شما خواهند جنگید؛ چنان که برای پذیرش نخستین اسلام با آن ها جنگیدید، خداوند دست های شما را از آن ها پر می کند و آن ها شیران ژيانی می شوند که هرگز از برابر شما نمی گریزند و گردن های شما را می زنند و ثروت های شما را زیر سیطره خود درمی آورند.

نعمانی از ابی الجارود در روایتی به نقل از امام باقر علیه السلام درباره اینکه یاران مهدی موعود علیه السلام از ایرانیان هستند، چنین می فرماید: «قَالَ أَصْحَابُ الْقَائِمِ ثَلَاثُ مِائَةٍ وَثَلَاثَةٌ

۱. محمد: ۳۸.

۲. روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، ج ۵، ص ۲۸۷؛ ر.ک. أنوار التنزیل و أسرار التأویل، ج ۳، ص ۸۱؛ مفاتیح الغیب، ج ۱۶، ص ۴۸؛ الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، ج ۲، ص ۲۷۱؛ مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۵، ص ۴۷-۴۸؛ عبدالله، شبر، تفسیر القرآن الکریم، ص ۲۰۴؛ محمد محمود، حجازی، التفسیر الواضح، ج ۱، ص ۸۸۵؛ تفسیر غرائب القرآن و رغائب الفرقان، ج ۳، ص ۴۷۰؛ تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، ج ۵، ص ۴۵۸؛ تفسیر منهج الصادقین فی إلزام المخالفین، ج ۴، ص ۲۷۰؛ الأمثل فی تفسیر کتاب الله المنزل، ج ۶، ص ۵۵؛ عبدالله، شبر، الجوهر الثمین فی تفسیر الکتاب المبین، ج ۳، ص ۷۴؛ محمد، سبزواری، الجدید فی تفسیر القرآن المجید، ج ۳، ص ۳۳۸؛ محمد، نووی، مراح لبید نکشف معنی القرآن المجید، ج ۱، ص ۴۴۹؛ معالم التنزیل فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۳۴۸؛ الفوائد الإلهیة و المفاتیح الغیبیة، ج ۱، ص ۳۰۵؛ علی، حائری تهرانی، مقتنیات الدرر و ملتقطات الثمر، ج ۵، ص ۱۴۰؛ حسین، کاشفی، مواهب علیة، ص ۴۱؛ علی بن الحسین، ابن ابی جامع، الوجیز فی تفسیر القرآن العزیز، ج ۲، ص ۱۸.

۳. بحار الأنوار، ج ۳۳، ص ۲۶۴.

عَشَرَ رَجُلًا أَوْلَادُ الْعَجَمِ؛ یاران قائم آل محمد عَلَيْهِمُ السَّلَام ۳۱۳ نفر و از فرزندان عجم هستند». همچنین کلینی در الکافی به نقل از امام باقر عَلَيْهِ السَّلَام آورده است که امام سجاده عَلَيْهِ السَّلَام فرمود: «ابنُ الْخَيْرَتَيْنِ فَخَيْرَةُ اللَّهِ مِنَ الْعَرَبِ هَاشِمٌ وَمِنَ الْعَجَمِ فَارِسٌ؛ بهترین مردم نزد خدا از عرب، قریش و بهترین از عجم، ایرانیان هستند».

البته در جمع بین این روایت و روایات دیگر، می‌توان گفت ایرانیان تعداد زیادی از یاران اولیه امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام را تشکیل می‌دهند.

و. ایرانیان، یارانی نمونه و شاخص

در این آیه از قرآن کریم آمده است: «إِنْ يَشَأْ يُذْهِبْكُمْ أَيُّهَا النَّاسُ وَيَأْتِ بِآخَرِينَ وَكَانَ اللَّهُ عَلَى ذَلِكَ قَدِيرًا»^۲ ای مردم! اگر او بخواهد، شما را از میان می‌برد و افراد دیگری را (به جای شما) می‌آورد؛ و خداوند بر این کار تواناست».

مفسران، این آیه را نیز درباره ایرانیان می‌دانند. آیه بیانگر این مطلب است که برای خداوند تعالی هیچ مانعی وجود ندارد که شما را بردارد و کسان دیگری را جانشین شما کند؛ همان‌هایی که حاضرند در راه اسلام و قرآن جان، مال و هستی خود را فدا کنند و پیرو امر مولای خود هستند. در ادامه آیه آمده است: «وَكَانَ اللَّهُ عَلَى ذَلِكَ قَدِيرًا؛ و خداوند بر این کار تواناست».

در تفاسیر معتبر فریقین (شیعه و سنی) مانند روح المعانی آلوسی، الکشاف زمخشری، مجمع البیان طبرسی، المیزان علامه طباطبائی و بسیاری از تفاسیر دیگر آمده است: وقتی این آیه نازل شد، رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ بر شانه سلمان زد و فرمود: «إِنَّهُمْ قَوْمٌ هَذَا».

طبری به نقل از سهیل و او نیز از پدرش از قول ابوهریره آورده است: «وقتی این آیه نازل شد، پیامبر دست خود را بر پشت سلمان زد و فرمود: آن جمعیت، این مردم عجم

۱. الغيبة النعمانی، ص ۳۱۵، ح ۸؛ بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۷۰، ح ۱۵۷؛ سفینه البحار، ج ۲، ص ۱۶۵.

۲. اصول کافی، ج ۱، ص ۴۶۷.

۳. نساء: ۳۳.

و فارس هستند»^۱.

این بیان رسول اکرم صلی الله علیه و آله پیشگویی درباره ایرانیان مسلمان است؛ از زمانی که اسلام را پذیرفتند تا این دوران که عصر آخرالزمان است. آن‌ها همچنان در میان مردم جهان نمونه و شاخص هستند و اکنون دیگر همه جهان با تمام وجود، این سخن پیامبر را درمی‌یابند.

ز. اسامی ایرانیان یاور مهدی علیه السلام

اصبغ بن نباته نقل می‌کند که امیرمؤمنان علیه السلام ضمن خطبه‌ای، درباره مهدی صاحب‌الزمان علیه السلام و یارانش چنین فرمود:

از اهواز یک نفر، شوشتر یک نفر، شیراز سه نفر به نام حفص، یعقوب و علی، اصفهان چهار نفر به نام موسی، علی، عبدالله و غلفان، بروجرد یک نفر به نام قدیم، نهاوند یک نفر به نام عبدالرزاق، همدان سه نفر به نام جعفر، اسحاق و موسی، قم ده نفر که هم‌نام اهل بیت رسول خدا صلی الله علیه و آله هستند (و در حدیثی هجده نفر بیان شده است)، شیروان یک نفر، خراسان یک نفر به نام درید و نیز پنج نفر که هم‌نام اصحاب کهف هستند، آمل یک نفر، گرگان یک نفر، قزوین دو نفر، فارس یک نفر، ابهر یک نفر، اردبیل یک نفر، مراغه سه نفر، خوی یک نفر، سلماس یک نفر، آبادان سه نفر و کازرون یک نفر.^۲

علامه بحرانی هم در کتاب سیمای حضرت مهدی علیه السلام در قرآن، اسامی یاران مهدی موعود علیه السلام و نام شهرها و روستاهایی را که این یاران از آن شهرها و روستاها به حضرت علیه السلام می‌پیوندند، از قول ابوبصیر به نقل از امام صادق علیه السلام آورده است.^۳

۱. الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، ج ۱، ص ۵۷۴؛ روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، ج ۳، ص ۱۵۹؛ الدر المنثور فی تفسیر المأثور، ج ۲، ص ۲۳۴؛ مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۱۸۷؛ البحر المدید فی تفسیر القرآن المجید، ج ۱، ص ۵۷۲؛ محمد ثناء الله، عثمانی، التفسیر المظهری، ج ۲، قسم ۲، ص ۲۵۸؛ التفسیر الوسیط للقرآن الکریم، ج ۳، ص ۳۳۹؛ تفسیر شریف لاهیجی، ج ۱، ص ۵۶۵؛ تفسیر غرائب القرآن و رغائب الفرقان، ج ۲، ص ۵۱۱-۵۱۲؛ تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، ج ۳، ص ۵۶۰؛ تفسیر منهج الصادقین فی إلزام المخالفین، ج ۳، ص ۱۳۰؛ تفسیر نور الثقلین، ج ۱، ص ۵۶۰؛ جامع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۵، ص ۲۰؛ الجامع لأحكام القرآن، ج ۵، ص ۴۰۹؛ المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۵، ص ۱۰۴.

۲. علی بن موسی، ابن طاووس، ملاحم و الفتن، ص ۱۴۶.

۳. سید هاشم، حسینی بحرانی، سیمای حضرت مهدی علیه السلام در قرآن (نسخه خطی این کتاب در

۲. شهرهای شاخص ایران در یاری مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

شکی نیست که بیشتر ایرانیان در یاری رساندن به مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف پیشتاز و جان‌برکف هستند، ولی نام چند شهر ایران در این زمینه‌سازی، همراهی و یاری نمونه و آشکار است: قم، طالقان و خراسان.

۱-۲. مردم قم از یاران مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

براساس روایات، قم یکی از شهرهای پراهمیت در عصر ظهور است؛ به‌گونه‌ای که در عصر فروپاشی جوامع بشری، پناهگاهی برای همه شیعیان و یاران ولی الله الأعظم، امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف به شمار می‌آید و مردم آن نیز پرچم‌دار نور در دل ظلمت‌ها و تاریکی‌های آخرالزمان هستند.

افزون بر آیاتی که از سوی امامان معصوم علیهم‌السلام به ایرانیان تأویل و تفسیر شده، این آیه شریفه «فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ أُولَاهُمَا بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَنَا أُولَىٰ بَأْسٍ شَدِيدٍ؛ هنگامی که وعده نخستین فرارسید، بندگان از خود را که جنگاورانی نیرومند هستند، بر شما برانگیزیم» به قائم آل محمد عجل الله تعالی فرجه الشریف و یاران قدرتمندش تفسیر شده است؛ چنان‌که در تفسیر عیاشی آمده است: «هُوَ الْقَائِمُ وَأَصْحَابُهُ أُولَىٰ بَأْسٍ شَدِيدٍ».^۱

اصحاب امام جعفر صادق علیه‌السلام از ایشان درباره این آیه پرسیدند: «مَنْ هَؤُلَاءِ؛ آنان چه کسانی هستند؟» امام سه بار در پاسخ فرمود: «هُمْ وَاللَّهِ أَهْلُ قُمْ. هُمْ وَاللَّهِ أَهْلُ قُمْ. هُمْ وَاللَّهِ أَهْلُ قُمْ»^۲ به خدا سوگند! آنان اهل قم، به خدا سوگند! آنان اهل قم، به خدا سوگند! آنان اهل قم هستند.

همچنین روایت‌های بسیاری درباره مردم شهر قم آمده است که همیشه از امامان معصوم علیهم‌السلام پیروی کرده و از چشمه معرفت و زلال آنان بهره‌جسته‌اند.

کتابخانه آیت الله آقای مرعشی نجفی رحمته‌الله در قم مقدسه به شماره ۱۱۵ موجود است؛ دلائل الإمامة، ص ۳۱۴.

۱. اسراء: ۵.

۲. تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۲۸۱، ش ۲۱؛ بحار الأنوار، ج ۵۱، باب ۵، ص ۵۶.

۳. بحار الأنوار، ج ۵۷، ص ۲۱۶، ح ۴۰.

سخنان ائمه هدی علیهم السلام درباره مردم قم نوید و بشارتی برای اهالی آن است که به چند نمونه از آن‌ها اشاره می‌کنیم.

۱-۲-۱. دری از بهشت در شهر قم

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله فرمود: «دری از بهشت از قم گشوده می‌شود».^۱

این روایت در بیان امام علی بن موسی الرضا علیه السلام این‌گونه آمده است: «إِنَّ لِلْجَنَّةِ ثَمَانِيَةَ أَبْوَابٍ وَلِأَهْلِ قُمْ وَاحِدٌ مِنْهَا فَطُوبَى لَهُمْ ثُمَّ طُوبَى لَهُمْ ثُمَّ طُوبَى لَهُمْ»^۲ به راستی برای بهشت، هشت در است و یکی از آن‌ها مخصوص مردم قم است؛ پس خوشا به حالشان! پس خوشا به حالشان! پس خوشا به حالشان!

امام جعفر صادق علیه السلام درباره اهل قم در روایتی می‌فرماید:

مَا رَوَاهُ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مُوسَى بْنِ بَابَوَيْهٍ بِأَسَانِيدٍ ذَكَرَهَا عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الصَّادِقِ عليه السلام أَنَّ رَجُلًا دَخَلَ عَلَيْهِ فَقَالَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ إِنِّي أُرِيدُ أَنْ أَسْأَلَكَ عَنْ مَسْأَلَةٍ لَمْ يَسْأَلْكَ أَحَدٌ قَبْلِي وَلَا يَسْأَلُكَ أَحَدٌ بَعْدِي فَقَالَ عَسَاكَ تَسْأَلُنِي عَنِ الْحَشْرِ وَالنَّشْرِ فَقَالَ الرَّجُلُ إِي وَالَّذِي بَعَثَ مُحَمَّدًا بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَنَذِيرًا مَا أَسْأَلُكَ إِلَّا عَنْهُ فَقَالَ مَحْشَرُ النَّاسِ كُلُّهُمْ إِلَى بَيْتِ الْمَقْدِسِ إِلَّا بُقْعَةً بِأَرْضِ الْجَبَلِ يَقَالُ لَهَا قُمْ فَأَيُّهُمْ يَحْشَرُونَ فِي حُفْرِهِمْ وَيُحْشَرُونَ مِنْ حُفْرِهِمْ إِلَى الْجَنَّةِ ثُمَّ قَالَ أَهْلُ قُمْ مَغْفُورٌ لَهُمْ قَالَ فَوَثَّبَ الرَّجُلُ عَلَى رِجْلَيْهِ وَقَالَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ هَذَا خَاصَّةٌ لِأَهْلِ قُمْ قَالَ نَعَمْ وَمَنْ يَقُولُ بِمَقَالَتِهِمْ؟^۳ مردی بر امام جعفر صادق علیه السلام وارد شد و از او پرسید: ای فرزند رسول خدا! می‌خواهم از تو چیزی بپرسم که کسی پیش از من نپرسیده باشد و پس از من نخواهد پرسید. (امام) فرمود: شاید می‌خواهی از حشر و نشر سؤال کنی؟ گفت: آری، سوگند به آن که محمد صلی الله علیه و آله را بشارتگر و هشداردهنده مبعوث کرد. حضرت فرمود: حشر همه مردم به سوی بیت المقدس است، مگر بقعه‌ای در سرزمین جبل که آن را «قم» می‌نامند و آمرزش الهی شامل حالشان می‌شود. آن مرد درحالی که نیم خیز شد، گفت: ای

۱. سفینه البحار، ج ۷، ماده قمم.

۲. بحار الأنوار، ج ۵۷، ص ۲۲۸، ح ۶۲.

۳. همان، ص ۴۸، ح ۲۱۸.

فرزند رسول خدا! آیا این به مردم قم اختصاص دارد؟ امام پاسخ داد: آری، آنان و هرکس که با ایشان هم عقیده باشد و سخن آنان را بگوید.

۲-۱-۲. علت نام‌گذاری شهر قم

در روایت‌های موجود، دلیل نام‌گذاری شهر قم انتساب به قائم آل محمد عجل الله تعالی فرجه الشریف بیان شده است. امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

إِنَّمَا سُمِّيَ قُمْ هَكَذَا لِأَنَّ أَهْلَهَا يَجْتَمِعُونَ مَعَ قَائِمِ آلِ مُحَمَّدٍ عجل الله تعالی فرجه الشریف وَيَقُومُونَ مَعَهُ وَ يَسْتَقِيمُونَ عَلَى نُصْرَتِهِ عَلَيْهِ وَيَنْصُرُونَهُ؛^۱ به این علت شهر قم را «قم» گویند؛ زیرا اهل قم، اطراف قائم آل محمد عجل الله تعالی فرجه الشریف گرد می‌آیند و با او قیام می‌کنند و در کنار او ثابت قدم می‌مانند و او را یاری می‌کنند.

۲-۱-۳. مقدس بودن خاک قم و اهل قم

الف. امام صادق علیه السلام درباره تقدس شهر قم و اینکه مردم آن از یاران مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف هستند، چنین می‌فرماید:

أَبُو مُسْلِمٍ الْعَبْدِيُّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الصَّادِقِ علیه السلام قَالَ تُرْبَةُ قُمْ مُقَدَّسَةٌ وَأَهْلُهَا مِثَّا وَنَحْنُ مِنْهُمْ لَا يُرِيدُهُمْ جَبَّارٌ بِسُوءٍ إِلَّا عَجَلَتْ عُقُوبَتُهُ؛ ابومسلم العبیدی از امام جعفر صادق علیه السلام نقل می‌کند: خاک قم مقدس است و اهالی قم از ما و ما از ایشان هستیم و هیچ جباری اراده بدی به قم نمی‌کند، مگر آنکه عقوبتش آتش دوزخ است.

امام در ادامه چنین می‌فرماید:

أَمَّا إِنَّهُمْ أَنْصَارُ قَائِمِنَا وَدُعَاةُ حَقِّنَا، ثُمَّ رَفَعَ رَأْسَهُ إِلَى السَّمَاءِ وَقَالَ: اللَّهُمَّ اغْصِنَهُمْ مِنْ كُلِّ فِتْنَةٍ وَنَجِّهِمْ مِنْ كُلِّ هَلَكَةٍ؛^۲ مگر نه اینکه آنان یاران قائم ما و دعوت‌کننده به حق ما هستند؟ سپس سرش را به آسمان بلند کرد و چنین دعا کرد: پروردگارا! اینان را از هر فتنه‌ای نگره‌داری کن و از هر گونه هلاکتی نجات بده.

به برکت دعای امامان معصوم علیهم السلام حدود سال هشتاد هجری به همت اشعریون،

۱. بحار الأنوار، ج ۵۷، ص ۲۱۶؛ منتخب الأثر، ج ۳، الباب التاسع، ص ۱۷۹، ح ۱۱۹۱-۵.

۲. بحار الأنوار، ج ۶۰، ص ۲۱۸-۲۱۹، ح ۴۹.

مکتب شیعه در شهر قم پایه‌گذاری شد و در شهرهای دیگر ایران نیز مانند نیشابور، قزوین و طبرستان رواج یافت و پس از آن، مردم ایران که حقیقت اسلام را در سیمای درخشان فرزندان علی علیه السلام مشاهده کردند، به این مکتب گرایش یافتند.^۱

ب. در حدیثی از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده است که ایشان فرمود: «لِأَنَّ أَهْلَ قُمَّ شِيعَتِي وَشِيعَةُ وَصِيِّ عَلِي بْنِ أَبِي طَالِبٍ؛ هَمانا اِهاالی قم، شیعیان من و شیعه وصی من، علی بن ابی طالب علیه السلام هستند».

۴-۱-۲. تباهی دین در نبود قمی‌ها

دشمنی استکبار جهانی و صهیونیسم بین‌الملل در طول تاریخ، بر ضد اسلام بر کسی پوشیده نیست. آنان برای نابودی اسلام از هیچ اقدامی، حتی خودزنی و انفجارهای دروغین برج دوقلو و موارد دیگر دریغ نکردند.

چند دهه پیش هم به کمک رژیم دست‌نشانده سفاک پهلوی سعی کردند با طرح‌های صهیونیستی، مانند کشف حجاب، ترویج فساد و فحشا، تغییر تاریخ اسلامی به تاریخ شاهنشاهی، جایگزین کردن بهائیت به جای اسلام و قرآن و حذف روحانیت به عنوان مانع بزرگ، طرح اسلام‌زدایی را در ایران به اجرا در آورند. در این شرایط است که معنای پیشگویی امامان درباره مردم قم به خوبی آشکار می‌شود، آن‌گاه که فرمود: «لَوْلَا الْقُمِيُّونَ لَضَاعَ الدِّينُ؛ اگر قمی‌ها نبودند، دین تباه می‌شد».^۲

۵-۱-۲. عدم توانایی دشمنان در ضربه به قم و مردم آن

در زمان رژیم پهلوی، مزدوران آنان ناجوانمردانه به مردم قم و به‌ویژه فیضیه حمله کردند و به گمان باطل خود خواستند به این شهر پر عظمت و مردم آن آسیب برسانند، ولی با وجود آن همه دسیسه، شکوه و قدرت ظاهری نتوانستند کاری از پیش ببرند و با ذلت از بین رفتند، اما شهر مقدس قم، مردم مجاهد و حوزه‌های علمیه آن روز به روز باشکوه‌تر

۱. الإرشاد، ترجمه سید هاشم رسولی محلاتی، ص ۵.

۲. بحار الأنوار، ج ۵۷، ص ۲۱۸.

۳. همان، ص ۲۱۷، ح ۴۳.

و بالنده‌تر شدند و همچنان پابرجا هستند.

امام صادق علیه السلام در این باره می‌فرماید: «وَمَا أَرَادَ أَحَدٌ بِقُمْ وَأَهْلِهَا سَوْءَ إِلَّا أَذَلَّهُ اللَّهُ وَأَبْعَدَهُ مِنْ رَحْمَتِهِ؛ هیچ‌کس به قم و اهالی قم، قصد بدی و شر نمی‌کند، جز اینکه خداوند او را ذلیل می‌کند و از رحمت خود دور نگه می‌دارد»^۱.

در روایت معتبر آمده که بر فراز قم فرشته‌ای است که بال‌های خود را بر قم باز کرده است و نمی‌گذارد ستمکاران به آن نظر بدی داشته باشند، مگر آنکه خداوند قادر متعال، نظر بدکاران را مانند آب شدن نمک در آب ذوب می‌کند.

۶-۱-۲. دفع بلایا از قم

خداوند متعال در قرآن کریم به یاری و هدایت انسان‌های مجاهد وعده حتمی داده است؛ آنان که در راه او با اخلاص قدم برمی‌دارند. مردمان شجاع و دلیری که در این راه از قرآن و اهل بیت علیهم السلام پیروی می‌کنند و منتظران باایمانی که در راه زمینه‌سازی ظهور مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه تلاش می‌کنند؛ چنان‌که در قرآن کریم آمده است: «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا»^۲ کسانی که در راه ما به جهاد برخیزند، ما آن‌ها را به راه‌های خود هدایت می‌کنیم».

براساس روایتی از امام صادق علیه السلام خداوند همه بلایایی را که بر شهرهای دیگر فرود می‌آید، از این شهر و مردمش دور می‌کند. خوب است بدانیم این پیشگویی حضرت پیش از ورود پربرکت خانم حضرت معصومه علیها السلام به شهر قم انجام شده است. ایشان می‌فرماید:

إِنَّ الْبَلَايَا مَدْفُوعَةٌ عَنْ قُمْ وَأَهْلِهَا وَسَيَأْتِي زَمَانٌ تَكُونُ بَلَدَةُ قُمْ وَأَهْلِهَا حُجَّةً عَلَى الْخَلَائِقِ وَذَلِكَ فِي زَمَنِ غَيْبَةِ قَائِمِنَا إِلَى ظُهُورِهِ وَلَوْلَا ذَلِكَ لَسَاخَتْ الْأَرْضُ بِأَهْلِهَا وَإِنَّ الْمَلَائِكَةَ لَتَدْفَعُ الْبَلَايَا عَنْ قُمْ وَأَهْلِهَا وَمَا يَقْصُدُهَا جَبَّارٌ بِسُوءِ الْأَقْصَمَةِ قَاصِمُ الْجَبَّارِينَ وَشَغْلُهُ عَنْهُمْ بِدَاهِيَةٍ أَوْ بِمُصِيبَةٍ أَوْ عَذْوٍ وَيُنْسِي اللَّهُ الْجَبَّارِينَ مِنْ دَوْلَتِهِمْ

۱. همان، ص ۲۱۸، ح ۴۶.

۲. عنکبوت: ۶۹.

ذَكَرْ قُمْ وَأَهْلِيهَا كَمَا نَسُوا ذِكْرَ اللَّهِ؛ به راستی بلایا از قم دفع می شود، روزگاری خواهد آمد که شهر قم و مردم آن بر مردم دیگر حجت باشند؛ آن روزگار از زمان غیبت قائم ما تا هنگام ظهور اوست؛ اگر چنین نبود، زمین اهل خود را در کامش فرومی برد. فرشتگان بلایا را از قم و مردم قم دور می کنند. هیچ ستمگری قصد بدی به آنان نکند، مگر آنکه درهم شکننده ستمگران (خداوند تعالی)، او را درهم می شکند و نابود می کند و به بلاها، مصیبت ها یا به دشمن دیگری مشغول می کند و خداوند یاد قم را از ذهن جباران و ستمگران برده است؛ چنان که یاد خدا را فراموش کرده اند.^۱

امام علی بن موسی الرضا علیه السلام نیز در این باره می فرماید: «إِذَا عَمَّتِ الْبُلْدَانُ الْفِتْنُ فَعَلَيْكُمْ بِقُمْ وَحَوَالِيهَا وَتَوَاجِيحِهَا. فَإِنَّ الْبَلَاءَ مَرْفُوعٌ عَنْهَا؛ وقتی فتنه ها همه شهرها را دربرگرفت؛ پس بر شماست به قم و اطراف و ناحیه های آن (پناه ببرید و بدانید)، قطعاً بلا از قم برداشته می شود».^۲

۷-۱-۲. قم، مرکز معارف اسلامی در آخرالزمان

هرچند امروزه قم یکی از مهم ترین مراکز معارف اسلامی در عصر غیبت است، باور این امر در دوره ای که کوفه (در روایات، کوفه، نجف را هم دربرمی گیرد) مهد علم و دانش الهی بود، سخت به نظر می رسید که در چنین شرایطی امام صادق علیه السلام شهر قم را یکی از مراکز بزرگ پیام رسان به همه عالم در آخرالزمان برشمارد و پیشگویی کند که شهر نجف (کوفه) از مرکزیت عالم اسلام خارج و علم و دانش جهانی در شهر قم مشاهده شود. در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است:

سَخَلُوا كُوفَةَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَيَأْزُرُ [يَأْزُرُ] عَنْهَا الْعِلْمُ كَمَا تَأْزُرُ [تَأْزُرُ] الْحَيَّةُ فِي جُحْرِهَا ثُمَّ يَظْهَرُ الْعِلْمُ بِبَلَدَةِ يَقَالُ لَهَا قُمْ وَتَصِيرُ مَعْدِنًا لِلْعِلْمِ وَالْفَضْلِ حَتَّى لَا يَبْقَى فِي الْأَرْضِ مُسْتَضْعَفٌ فِي الدِّينِ حَتَّى الْمُخَدَّرَاتُ فِي الْحِجَالِ وَذَلِكَ عِنْدَ قُرْبِ ظُهُورِ قَائِمِنَا فَيَجْعَلُ اللَّهُ قُمْ وَأَهْلَهُ قَائِمِينَ مَقَامَ الْحُجَّةِ وَلَوْ لَا ذَلِكَ لَسَاخَتْ الْأَرْضُ بِأَهْلِهَا وَلَمْ يَبْقَ فِي الْأَرْضِ حُجَّةٌ فَيَفِيضُ الْعِلْمُ مِنْهُ إِلَى سَائِرِ الْبِلَادِ فِي

۱. بحار الأنوار، ج ۵۷، ص ۲۱۳، ح ۲۲؛ سفينة البحار، ج ۲، ص ۴۴۷؛ منتخب الأثر، ج ۲، ص ۲۵۸.

۲. بحار الأنوار، ج ۵۷، ص ۲۱۷، ح ۴۴.

الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ فَيَتَمُّ حُجَّةُ اللَّهِ عَلَى الْخَلْقِ حَتَّى لَا يَبْقَى أَحَدٌ عَلَى الْأَرْضِ لَمْ يَبْلُغْ إِلَيْهِ الدِّينَ وَالْعِلْمُ ثُمَّ يَظْهَرُ الْقَائِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَيَسِيرُ سَبَباً لِنِقْمَةِ اللَّهِ وَسَخَطِهِ عَلَى الْعِبَادِ لِأَنَّ اللَّهَ لَا يَنْتَقِمُ مِنَ الْعِبَادِ إِلَّا بَعْدَ انْكَارِهِمْ حُجَّةً؛^۱ به زودی شهر کوفه از مؤمنان تهی می‌شود و علم و دانش از آنجا رخت برمی‌بندد و چون ماری که در گوشه‌ای چنبره زده است، محدود می‌شود و از شهری که آن را قم می‌نامند، ظهور می‌کند و آنجا پایگاه علم و فضیلت و معدن دانش و کمال می‌شود؛ به‌گونه‌ای که روی زمین هیچ مستضعف (فکری) نمی‌ماند که از دین آگاهی نداشته باشد؛ حتی زنان پرده‌نشین و این زمان به زمان ظهور قائم ما نزدیک خواهد بود.

خداوند، قم و مردم آن را جانشین حضرت حجت قرار می‌دهد و اگر چنین نبود، زمین اهلش را فرومی‌برد و حجتی بر زمین نمی‌ماند. بنابراین، علم و دانش از شهر قم به شرق و غرب جهان سرازیر می‌شود و حجت بر جهانیان تمام می‌شود؛ به‌گونه‌ای که هیچ شخصی نمی‌ماند که دین و دانش به او نرسیده باشد و آن‌گاه حضرت قائم عَلَيْهِ السَّلَامُ ظهور می‌کند و عذاب الهی بر کافران، به دست آن حضرت فرود می‌آید؛ زیرا خداوند از بندگان انتقام نمی‌گیرد، مگر هنگامی که حجت بر آنان تمام شده باشد.

به‌هر حال در عصر غیبت و عصر هجوم فتنه‌ها و شیاطین فتنه‌گر، این فقیهان، دانشمندان و عالمان دین هستند که در راه رواج دین اسلام و برداشتن پرده‌های سیاه جهل و نادانی جهاد می‌کنند تا زمینه ظهور حضرت فراهم شود.

در بیان نقش فقیهان و دانشمندان دینی در عصر غیبت، علامه مجلسی در بحار الأنوار و محدثان بزرگوار دیگر به نقل از امام هادی عَلَيْهِ السَّلَامُ آورده‌اند:

لَوْ لَا مَنْ يَبْقَى بَعْدَ غَيْبَةِ قَائِمِنَا عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنَ الْعُلَمَاءِ الدَّاعِينَ إِلَيْهِ وَالدَّالِّينَ عَلَيْهِ وَالدَّائِبِينَ عَنْ دِينِهِ بِحُجَجِ اللَّهِ وَالْمُنْقِذِينَ لَضَعْفَاءِ عِبَادِ اللَّهِ مِنْ شَبَاكِ إِبْلِيسَ وَمَرَدَّتِهِ وَمِنْ فِتْحَاخِ النَّوَاصِبِ لَمَا بَقِيَ أَحَدٌ إِلَّا ارْتَدَّ عَنْ دِينِ اللَّهِ وَلَكِنَّهُمْ الَّذِينَ يُمْسِكُونَ أَرْمَةً قُلُوبِ ضَعْفَاءِ الشَّيْعَةِ كَمَا يُمْسِكُ صَاحِبُ السَّفِينَةِ سُكَّانَهَا أُولَئِكَ

هُمُ الْأَفْضَلُونَ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ! اگر در دوران غیبت قائم آل محمد عجل الله تعالی فرجه الشریف دانشمندانی نبودند که مردم را به سوی او هدایت و راهنمایی کنند و با حجت های الهی از دین دفاع کنند و شیعیان ضعیف را از دام های شیطان و پیروانش رهایی و از شر ناصبی ها (و دشمنان اهل بیت) نجات بخشند، کسی در دین خدا پابرجا نمی ماند و همه مرتد می شدند، ولی آنان رهبری دل های شیعیان ضعیف را با قدرت در دست می گیرند و حفظ می کنند؛ چنان که ناخدای کشتی، سکان و فرمان کشتی را نگاه می دارد. بنابراین، آنان نزد خدا والاترین انسان ها هستند.

پس شکی نیست که وظیفه عالمان، حکما و فقیهان دین است که همه نقشه های شوم دشمنان را نقش بر آب کنند. آنان حجت خدا بر همه جهانیان هستند و دین راستین را از شهر قم به جهان صادر می کنند.

آری، موقعیت خاص و پراهمیت حوزه علمیه قم و وجود پربرکت مراجع تقلید جهان تشیع که به حق، نمایان عام امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف به شمار می روند، یکی از ارزش های گران بهای این شهر مهم اسلامی است.

در اهمیت حوزه پر عظمت قم همین بس که اکنون حدود ۸۵ هزار طلبه از حدود چهل کشور جهان در قم مشغول درس و تدریس هستند و بسیاری از این طلبه ها برای نشر اسلام و تشیع به نقاط گوناگون دنیا می روند و درباره اسلام و امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف تبلیغ می کنند. همین افرادی که از حوزه علمیه مقدس قم به کشورهای دیگر رفته اند، تاکنون توانسته اند هزاران نفر را به اسلام، مکتب اهل بیت علیهم السلام و انقلاب اسلامی ایران دعوت کنند. هر کدام از این افراد سفیر و سرباز امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف هستند که جهان را برای انقلاب بزرگ مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف آماده می کنند.

سیمای پرفروغ عالمان دین در شهر مقدس قم، تداعی کننده این روایت است:

۱. تفسیر الإمام العسکری، ص ۳۴۴-۳۴۵، ح ۲۲۵؛ احتجاج، ج ۱، ص ۱۸ و ج ۲، ص ۴۵۵؛ زین الدین بن علی، شهید ثانی، منیه المرید، ص ۱۱۸؛ محمد بن زین الدین، ابن ابی جمهور، عوالی اللالی، ج ۱، ص ۱۹، ح ۸؛ بحار الأنوار، ج ۲، ص ۶، ح ۱۲.

يُبَدِّلُ اللَّهُ سَيَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ هُمْ (القَمِييُونَ) أَهْلُ رُكُوعٍ وَ سُجُودٍ وَ قِيَامٍ وَ قُعُودٍ. هُمْ الْفُقَهَاءُ الْعُلَمَاءُ الْفُهَمَاءُ هُمْ أَهْلُ الدِّرَايَةِ وَ الرِّوَايَةِ وَ حُسْنِ الْعِبَادَةِ؛ خداوند بدی‌هایشان را به خوبی تبدیل می‌کند، آنان اهل رکوع، سجود، قیام و قعودند؛ آنان فقیه، عالم، فهیم، اهل درایت و روایت و حسن عبادت هستند.

۸-۱-۲. رضایت خداوند از مردم قم

وجود مقدس امامان معصوم علیهم‌السلام، حتی پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و امام علی علیه‌السلام همواره به قم توجه، علاقه و عنایت داشته‌اند؛ چنان‌که در روایتی از امام علی علیه‌السلام آمده است: «صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَى أَهْلِ قُمْ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ عَلَى أَهْلِ قُمْ؛^۱ درود خدا بر اهالی قم و رحمت خدا بر اهالی قم!».

از امام صادق علیه‌السلام نقل شده که فرمود: نزد امیرمؤمنان علیه‌السلام از قم سخن به میان آمد، ایشان فرمود:

خداوند از مردم قم راضی است؛ ثُمَّ قَالَ إِنَّ لِلْجَنَّةِ ثَمَانِيَةَ أَبْوَابٍ وَ وَاحِدٌ مِنْهَا لِأَهْلِ قُمْ وَ هُمْ خِيَارُ شِيعَتِنَا مِنْ بَيْنِ سَائِرِ الْبِلَادِ خَرَّ اللَّهُ تَعَالَى وَ لَا يَتَنَا فِي طِينَتِهِمْ؛^۲ بهشت هشت در دارد که یکی از آن‌ها برای مردم قم است؛ زیرا قم جزء برگزیدگان و منتخبان شیعیان ما از سایر شهرها بوده، خداوند تعالی ولایت ما اهل بیت را با سرشت مردم قم آمیخته است.

۹-۱-۲. قم، پناهگاه شیعیان و فاطمیان

در باره شهر قم و خاک بافضیلت آن روایات زیادی نقل شده که در یکی از آن‌ها چنین آمده است:

الف. قم، حرم اهل بیت علیهم‌السلام

در روایتی که در کتاب تاریخ قم تألیف حسن بن محمد القمی نقل شده، چنین آمده است:

۱. بحار الأنوار، ج ۵۷، ص ۲۱۵، ح ۲۳؛ سفینه البحار، ج ۲، ماده قم.

۲. بحار الأنوار، ج ۵۷، ص ۲۲۸، ح ۶۳.

۳. منتخب الأثر، ج ۳، الباب الحادی عشر، ص ۲۴۵، ح ۱۲۷۰-۱۹؛ بحار الأنوار، ج ۵۷، ص ۲۱۶، ح ۳۹ (به نقل از امام رضا علیه‌السلام).

عده‌ای از اهالی ری به خدمت امام صادق علیه السلام رسیدند. حضرت سخنانی فرمود تا به این کلام رسید: إِنَّ لِلَّهِ حَرَمًا وَهُوَ مَكَّةُ وَلِرَسُولِهِ حَرَمًا وَهُوَ الْمَدِينَةُ وَلِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ حَرَمًا وَهُوَ الْكَوْفَةُ وَلَنَا حَرَمًا وَهُوَ قُمْ وَسَتُذْفَنُ فِيهِ امْرَأَةٌ مِنْ وَلَدِي تُسَمَّى فَاطِمَةً مَنْ زَارَهَا وَجَبَتْ لَهُ الْجَنَّةُ؛ برای خدا حرمی است و آن مکه است؛ برای پیامبر صلی الله علیه و آله حرمی است و آن مدینه است؛ برای علی علیه السلام حرمی است و آن کوفه است؛ برای ما حرمی است و آن قم است و به زودی بانویی از فرزندان من در آن سرزمین دفن شود که نامش فاطمه علیها السلام است؛ هرکس او را زیارت کند، بهشت بر او واجب می‌شود.^۱

ب. قم، پناهگاه فاطمیتون

از امام صادق علیه السلام نقل شده است که حضرت فرمود: «إِذَا أَصَابَتْكُمْ بَلِيَّةٌ وَعَنَاءٌ فَعَلَيْكُمْ بِقُمْ فَإِنَّهُ مَأْوَى الْفَاطِمِيِّينَ»؛ هنگامی که بلا و مصیبتی به شما (شیعیان) رسید، به قم بروید که به راستی پناهگاه فاطمیتون است.^۲

ج. قم، پناهگاه شیعیان اهل بیت علیهم السلام

عبدالعظیم حسنی در بیان اینکه قم پناهگاه شیعیان است، از امام علی بن موسی الرضا علیه السلام چنین نقل می‌کند: «قُمْ عُنْ آلِ مُحَمَّدٍ وَ مَأْوَى شِيعَتِهِمْ»؛ قم، جایگاه آل محمد صلی الله علیه و آله و پناهگاه شیعیان اهل بیت علیهم السلام است.^۳

۱۰-۱-۲. پیشگویی وجود شریف کریمه اهل بیت علیهم السلام در قم

یکی از مهم‌ترین ارزش‌های شهر قم، وجود مرقد کریمه اهل بیت، حضرت فاطمه معصومه علیها السلام است که این امر، عظمت و شکوه فزاینده این شهر را در مقایسه با شهرهای دیگر جهان اسلام به دنبال داشته است. این امر سال‌ها پیش از هجرت حضرت معصومه علیها السلام به ایران در کلام امامان معصوم علیهم السلام آمده است.

الف. علامه مجلسی به نقل از کتاب / اختصاص و تاریخ قم از ابومقاتل دیلمی چنین

۱. بحار الأنوار، ج ۴۸، ص ۳۱۷؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۲۰۶، ح ۱۱۸۶۳-۱۵.

۲. بحار الأنوار، ج ۵۷، ص ۲۱۵.

۳. همان، ص ۲۱۴، ح ۳۱.

نقل کرده است: هنگامی که رسول خدا ﷺ به معراج رفت، در معراج از آسمان چهارم قبه‌ای را می‌دید که بی‌نهایت زیبا بود. وقتی از جبرئیل امین درباره این قبه سؤال کردند، جبرئیل گفت این قبه در قم وجود دارد و سپس درباره قم سخنانی را به حضرت بیان کرد. این مطلب در «حدیث معراج» چنین بیان شده است:

رَوَى عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ الْعَسْكَرِيُّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ:

لَمَّا أُسْرِيَ بِي إِلَى السَّمَاءِ الرَّابِعَةِ نَظَرْتُ إِلَى قُبَّةٍ مِنْ لَوْلُؤِهَا أَرْبَعَةُ أَرْكَانٍ وَأَرْبَعَةُ أَبْوَابٍ كَأَنَّهَا مِنْ إِسْتَبْرَقٍ أَخْضَرَ قُلْتُ يَا جَبْرَائِيلُ مَا هَذِهِ الْقُبَّةُ الَّتِي لَمْ أَرِ فِي السَّمَاءِ الرَّابِعَةِ أَحْسَنَ مِنْهَا فَقَالَ حَبِيبِي مُحَمَّدٌ هَذِهِ صُورَةُ مَدِينَةِ يَقَالُ لَهَا قُمْ يَجْتَمِعُ فِيهَا عِبَادُ اللَّهِ الْمُؤْمِنُونَ يَنْتَظِرُونَ مُحَمَّدًا وَشَفَاعَتَهُ لِلْقِيَامَةِ وَالْحِسَابِ يَجْرِي عَلَيْهِمُ الْغَمُّ وَالْهَمُّ وَالْأُخْزَانُ وَالْمَكَارِدُ قَالَ فَسَأَلْتُ عَلِيَّ بْنَ مُحَمَّدٍ الْعَسْكَرِيِّ عليه السلام مَتَى يَنْتَظِرُونَ الْفَرَجَ قَالَ إِذَا ظَهَرَ الْمَاءُ عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ؛ امام حسن عسکری عليه السلام از پدر و از جدش عليه السلام از امیرمؤمنان عليه السلام از پیامبر اکرم ﷺ نقل می‌کنند که پیامبر خدا ﷺ فرمود: وقتی به معراج رفتم، در آسمان چهارم قبه‌ای از لؤلؤ دیدم که چهار پایه و چهار در داشت، مثل اینکه از حریری سبزرنگ بود. از جبرئیل پرسیدم: این قبه چیست که از آن بهتر ندیده‌ام؟ جبرئیل گفت: ای دوست من، محمد! این صورت شهری است که به آن شهر قم گویند که در آن بندگان مؤمن خدا منتظر شفاعت محمد ﷺ در قیامت و روز حساب هستند. آنان به اندوه، گرفتاری و بدی‌ها دچار بودند. راوی گوید: از امام علی بن محمد عسکری عليه السلام سؤال کردم: تا چه زمانی در انتظار فرج هستند؟ حضرت فرمود: تا زمانی که آب روی زمین پدیدار شود.

از نشانه‌های آشکار این است که مقصود حضرت از پدیدار شدن آب، آبی در شهر قم است؛ زیرا در آن زمان در قم هیچ آب جاری وجود نداشته، اگر هم آبی بوده، این آب قابل نوشیدن نبوده است.

در کتاب تاریخ قم درباره آغاز پیدایش رودخانه‌ای در قم آمده است که پیش از آن

تاریخ در قم، فقط کاریز بوده و هیچ‌گاه آب جاری وجود نداشته است.

ب. شیخ صدوق در کتاب *ثواب الأعمال* به نقل از امام رضا علیه السلام درباره حضرت فاطمه معصومه علیها السلام آورده است: از امام علیه السلام، درباره فاطمه، دختر امام موسی بن جعفر علیه السلام پرسیدم، امام فرمود: «مَنْ زَارَهَا فَلَهُ الْجَنَّةُ!» کسی که فاطمه معصومه علیها السلام را زیارت کند، بهشت برای او خواهد بود».

ج. در روایت دیگری از امام جواد علیه السلام چنین آمده است که حضرت فرمود: «مَنْ زَارَ عَمَّتِي بِقُمْ فَلَهُ الْجَنَّةُ!» هرکس قبر عمه من را در قم زیارت کند، برای او بهشت است».

د. در توجه ویژه امامان علیهم السلام به شهر قم و مردم آن همین بس که امامان معصوم علیهم السلام هرگاه شخص علاقه‌مند به اهل بیت علیهم السلام را می‌دیدند به او می‌گفتند: «قمی».

حسن بن محمد القمی در کتاب *تاریخ قم*، در روایتی از قول امام صادق علیه السلام چنین آورده است:

گروهی از مردم شهر ری خدمت امام صادق علیه السلام رسیدند و اعلام کردند ما از ایران آمده‌ایم و اهل ری هستیم. در این هنگام حضرت فرمود: مرحبا! به برادران ما از اهالی قم. گفتند: چندین بار دیگر خودمان را معرفی کردیم که از شهری آمده ایم و امام دوباره و چندبار فرمود: «مَرْحَبَا يَا خَوَانِنَا مِنْ أَهْلِ قُمْ»^۲؛ مرحبا به برادران ما، از اهالی قم».

فَقَالَ عليه السلام: إِنَّ لِلَّهِ حَرَمًا وَهُوَ مَكَّةُ، وَإِنَّ لِلرَّسُولِ حَرَمًا وَهُوَ الْمَدِينَةُ، وَإِنَّ لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ حَرَمًا وَهُوَ الْكُوفَةُ، وَإِنَّ لَنَا حَرَمًا وَهُوَ بَلَدَةُ قُمْ؛ سپس حضرت فرمود: برای خدا حرمی است و آن مکه است؛ برای پیامبر حرمی است و آن مدینه است؛ برای علی علیه السلام حرمی است و آن کوفه (نجف) است؛ برای ما حرمی است و آن قم

۱. کامل الزیارات، ص ۳۲۴؛ عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۲۶۷؛ محمد بن علی، ابن بابویه (شیخ صدوق)، ثواب الأعمال، ص ۹۹؛ وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۵۷؛ بحار الأنوار، ج ۴۸، ص ۳۱۶؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۲۰۶، ح ۱۱۸۶۳-۱۵.

۲. بحار الأنوار، ج ۴۸، ص ۳۱۷.

۳. بحار الأنوار، ج ۶۰، ص ۲۱۶.

است.

امام صادق علیه السلام سپس به زیبایی توضیح داد: «وَسَتَدْفَنُ فِيهَا امْرَأَةً مِنْ أَوْلَادِي تُسَمَّى فَاطِمَةَ فَمَنْ زَارَهَا وَجَبَتْ لَهُ الْجَنَّةُ؛ و به زودی بانویی از فرزندان من در آن سرزمین دفن شود که نامش فاطمه علیها السلام است؛ هرکس او را زیارت کند، بهشت بر او واجب می‌شود»^۱.
امام صادق علیه السلام هنگامی از ولادت نوه‌اش، حضرت معصومه علیها السلام، در سال ۱۲۸ هجری خبر داده که در آن زمان حتی فرزند گرامی‌اش امام کاظم علیه السلام دیده به جهان نگشوده بود و این در حالی است که حضرت معصومه علیها السلام نزدیک به هفتاد سال بعد در قم به خاک سپرده شد.

۱۱-۱-۲. ماجرای تشریف‌فرمایی حضرت معصومه علیها السلام به قم

بزرگان قم روایت کردند: چون مأمون در سال ۲۰۰ هجری قمری امام رضا علیه السلام را از مدینه به مرو برد، فاطمه علیها السلام، خواهرش در سال ۲۰۱ هجری قمری به دنبال برادر خود از مدینه خارج شد و به سمت ایران حرکت کرد. وقتی به ساوه رسید، حضرت بیمار شد و پرسید: تا قم چه اندازه راه است؟ گفتند ده فرسخ. پس به خادمش فرمود تا او را به قم ببرند و در خانه موسی بن خزرج بن سعد فرود آمد. درست‌تر این است که وقتی خبر به اولاد سعد (پسر مالک اشعری) رسید، همگی به سوی ساوه رفتند تا از حضرت فاطمه معصومه علیها السلام دعوت و تقاضا کنند که در شهر قم و در آنجا فرود آید. وقتی به حضور ایشان رسیدند، موسی پسر خزرج جلو رفت و مهار شتر وی را گرفت و حضرت را تا قم همراهی کرد و حضرت معصومه علیها السلام را در خانه خود جای داد. هنوز شانزده یا هفده روز از اقامت ایشان نگذشته بود که به دلیل بیماری دارفانی را وداع گفت و روح ملکوتی‌اش به آسمان پر کشید.

موسی پسر خزرج، پس از مراسم غسل و کفن، در زمینی متعلق به خودش که هم‌اکنون مرقد شریف آن حضرت است، ایشان را به خاک سپرد و بر آن سقفی از بوریا ساخت تا آن زمان که زینب، دختر امام جواد علیه السلام، بر مزار مبارک آن حضرت بارگاه و گنبدی بنا کرد.

۱. همان، ج ۴۸، ص ۳۱۷؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۲۰۶، ح ۱۱۸۶۳-۱۵.

براساس آنچه گفته شده، وقتی خواستند او را دفن کنند، دو سوار درحالی که چهره خود را پوشانده بودند، شتابان از سمت رمله رسیدند و چون به جنازه نزدیک شدند، فرود آمدند، بر او نماز خواندند، به سرداب وارد شدند و او را دفن کردند، سپس از آنجا رفتند و هیچ کس آن‌ها را نشناخت. محرابی که فاطمه علیها السلام در خانه موسی بن خزیج در آن نماز می خوانده، تاکنون باقی مانده است.^۱

روایات و پیشگویی‌های معصومان علیهم السلام درباره حضرت معصومه علیها السلام حتی پیش از تولد ایشان، از عنایت ویژه و اهمیت آن بانوی مخدیره نزد ائمه هدی علیهم السلام حکایت دارد.

۱۲-۱-۲. مردم قم از یاران مهدی عجله الله تعالی فرجه الشریف

اینک در عصر ظهور و دوران آخرالزمان به خوبی اهمیت احادیث ائمه هدی علیهم السلام، درباره قم و اهالی آن نمایان می شود؛ حتی وقتی کویری ناشناخته در قلب ایران بود و هنوز به شهر معروفی تبدیل نشده بود.

در حدیث معراج، امام حسن عسکری علیه السلام از پدر و از جدش و از امیرمؤمنان علیه السلام از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل می کنند که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

وقتی به معراج رفتم، در آسمان چهارم، قبه‌ای از لؤلؤ دیدم که چهار پایه و چهار در داشت، مثل اینکه از حریر سبزرنگی بود. از جبرئیل پرسیدم: این قبه چیست که از آن بهتر ندیده‌ام؟ جبرئیل گفت: این شهر قم است که در آن بندگان مؤمن خدا منتظر شفاعت محمد صلی الله علیه و آله در قیامت و روز حساب و منتظران فرج مهدی عجله الله تعالی فرجه الشریف هستند.^۲

به همین دلیل است که در احادیث چنین آمده است: «وَأَهْلُ قُمَّ أَنْصَارُنَا»^۳ اهالی قم یاوران ما هستند».

«أَمَّا إِنَّهُمْ أَنْصَارُ قَائِمِنَا وَدُعَاةُ حَقِّقِنَا»^۴ آگاه باشید به راستی اینان (اهالی قم) یاران قائم

۱. آسمان و جهان، (ترجمه کتاب السماء و العالم بحار الانوار)، ج ۴، ص ۱۹۰-۱۹۱.

۲. بحار الانوار، ج ۵۷، ص ۲۰۷، ح ۷.

۳. همان، ص ۲۱۳، ح ۳۰.

۴. همان، ص ۲۱۹.

ما و دعوت‌کننده حق ما هستند».

۱۳-۱-۲. مردم قم، قائم مقام حجت بن الحسن العسکری عجل الله تعالی فرجه الشریف

امام جعفر صادق عجل الله تعالی فرجه الشریف مردم قم را جانشینان حجت خدا، حجت بن الحسن عجل الله تعالی فرجه الشریف معرفی می‌کند: «فَيَجْعَلُ اللَّهُ قُمَّ وَأَهْلَهَا قَائِمِينَ مَقَامَ الْحُجَّةِ؛ پس خداوند قم و اهالی آن را قائم مقام حجت بن الحسن العسکری عجل الله تعالی فرجه الشریف قرار می‌دهد».^۱

همچنین این حدیث شریف که می‌فرماید:

سَيَأْتِي زَمَانٌ تَكُونُ بَلَدُهُ قُمَّ وَأَهْلُهَا حُجَّةً عَلَى الْخَلَائِقِ وَذَلِكَ فِي زَمَنِ غَيْبَةِ قَائِمِنَا إِلَى ظُهُورِهِ وَلَوْلَا ذَلِكَ لَسَاخَتْ الْأَرْضُ بِأَهْلِهَا؛^۲ روزگاری خواهد آمد که شهر قم و مردم آن بر مردم دیگر حجت باشند. آن روزگار از زمان غیبت قائم ما تا هنگام ظهور اوست؛ اگر چنین نبود، زمین اهل خود را در کامش فرومی‌برد. در روایت آمده است که اسحاق بن یعقوب از اولین نایب خاص امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف درخواست می‌کند که نامه‌اش را به محضر مبارک ولی الله الأعظم مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف برساند. او در نامه خود درباره دوران غیبت پرسیده بود و اینکه در حادثه‌هایی که در زمان غیبت واقع می‌شود، برای پاسخ به سؤالات به چه کسی باید مراجعه کرد؟

امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در پاسخ به این سؤال با خط مبارک خود چنین نوشت: «وَأَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَاقِعَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى رِوَاةِ أَحَادِيثِنَا. فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَأَنَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ؛ در حوادث و رخدادها به راویان حدیث ما (فقها) مراجعه کنید که آن‌ها حجت من بر شما هستند و من حجت خدا بر آن‌ها هستم».^۳

براساس این حدیث شریف، امروزه در عصر غیبت کبری، مراجع و فقیهان عظام، جانشین حجت بن الحسن العسکری عجل الله تعالی فرجه الشریف هستند و در نتیجه، اطاعت از آنان اطاعت از حجت خداست.

۱. همان، ص ۲۱۳، ح ۲۳.

۲. همان، ص ۱۹۳، ح ۲۲.

۳. کشف الغمة، ج ۳، ص ۴۵۷؛ اعلام الوری، ص ۴۲۳؛ بحار الأنوار، ج ۵۳، باب ۳۱، ص ۱۸۱.

۱۴-۱-۲. مسجد مقدس جمکران در قم

محمد بن محمد بن هاشم حسینی رضوی قمی پیشگویی‌هایی از امام علی علیه السلام درباره مسجد مقدس جمکران را در کتاب خلاصه البلدان (۱۱۷۹ق) به نقل از کتاب مؤنس الحزین شیخ صدوق آورده است.

شیخ آقا بزرگ تهرانی این کتاب را مشاهده کرده و در الذریعه آن را گزارش کرده است. مرحوم کاتوزیان نیز این کتاب را داشته و قسمت‌هایی از آن را در کتاب أنوار المشعشعین بیان کرده است.

بخش‌هایی از حدیث حضرت امیر علیه السلام در این باره به این شرح است:

ای پسر یمانی! در اول ظهور خروج کند قائم آل محمد عجل الله تعالی فرجه الشریف از شهری که آن را قم گویند و مردم را به حق دعوت می‌کند. همه خلائق از شرق و غرب به آن شهر روی آورند و اسلام تازه شود. ای پسر یمانی! این زمین، مقدس و از همه لوث‌ها پاک است. عمارت آن، هفت فرسنگ در هشت فرسنگ باشد. پرچم او بر این کوه سفید بزنند، نزد دهی کهن که در کنار مسجد است و قصری کهن که قصر مجوس است و آن را «جمکران» خوانند. از زیر یک مناره آن مسجد بیرون آید، نزدیک آنجا که آتش خانه گبران بوده است.^۱

البته شکی نیست که منظور از واژه اول «ظهور» در حدیث، پیش از شهر مکه است؛ زیرا روایات فراوان، ظهور و قیام امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را از مکه معظمه و کنار خانه خدا دانسته‌اند.

احادیث کتاب ملاحم، به تحقیق در سند نیاز چندانی ندارند؛ زیرا جز امامان معصوم علیهم السلام که با سرچشمه وحی در ارتباط هستند، هیچ‌کس نمی‌توانست خبری بگوید که صدها سال بعد تحقق پیدا خواهد کرد.

در آن زمان در سرزمین حجاز و عراق، کمتر کسی نام قم را شنیده بود؛ به همین دلیل

۱. خلاصه البلدان از کتاب مؤنس الحزین (از تصنیفات شیخ صدوق) با سند صحیح و معتبر، از امیرمؤمنان علیه السلام روایت کرده که خطاب به حذیفه فرمودند (ر.ک. محمد علی، کاتوزیان تهرانی، أنوار المشعشعین، ج ۱، ص ۴۵۳؛ به نقل از علی اکبر، مهدی پور، اماکن زیارتی منتسب به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در ایران و جهان، ص ۲۶۳).

در احادیث فراوان، هنگام بحث از قم، به «در نزدیکی ری» تعبیر شده تا به این وسیله، موقعیت جغرافیایی این شهر و جمران به عنوان یکی از دهات قم آشکار شود. بنابراین، کسی پیش‌بینی نمی‌کرد که در آینده در کنار روستای جمران، مسجدی ساخته شود که با حضرت بقیة الله عجل الله تعالی فرجه الشریف - که آن روز متولد نشده بود - ارتباط داشته باشد، اما در این حدیث امیرمؤمنان علیه السلام مناره‌های آن را هم توصیف کرده‌اند.^۱

این مسجد در شهر قم به دستور ولی الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف ساخته شده است؛ حسن بن مثله جمرانی چگونگی ساخت مسجد را این‌گونه توصیف می‌کند:

در شب هفدهم ماه مبارک رمضان در سال ۳۷۳ قمری در سرای خود خوابیده بودم. ناگهان گروهی از مردم در نیمه شب به سرای من آمدند، من را بیدار کردند و گفتند: برخیز! امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف تو را خواسته. برخاستم و همراه جماعت به همان مکانی رفتیم که اکنون مسجد است، امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را دیدم که با گروهی بر تختی نشسته و فرمود: برو به حسن مسلم بگو چند سالی است که این زمین را زراعت می‌کنی و ما خراب می‌کنیم، دیگر اجازه نداری در این سرزمین زراعت کنی؛ این زمین شریفی است، خداوند این سرزمین را برگزیده است و اگر بار دیگر اینجا را کشت کنی، عذابی به تو خواهد رسید. عرض کردم: مردم من را تصدیق نمی‌کنند، نشانه‌ای قرار دهید. فرمود: ما در اینجا علامتی می‌گذاریم؛ به مردم بگو به این محل احترام کنند و آن را بنا و تعمیر نمایند و چهار رکعت نماز بخوانند. در آخر فرمود: کسی که دو رکعت نماز (امام زمان) در این مکان بخواند، گویا در کعبه نماز خوانده است.

حسن مثله و گروهی دیگر سخن امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را اطاعت کردند و در آنجا مسجدی ساختند که هم‌اکنون با اضافه کردن مساجد و بناهای دیگر بر تجلیل و عظمت جمران افزوده شده است.^۲

۱. الذریعة، ج ۷، ص ۲۱۶؛ أنوار المشعشعين، ج ۱، ص ۴۵۳-۴۵۸؛ عباس، فیضی قمی، گنجینه آثار قم، ج ۲، ص ۶۷۲؛ علی اکبر، مهدی پور، «اماکن زیارتی منتسب به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در ایران و جهان»، انتظار، ش ۸ و ۹ (تابستان و پاییز ۱۳۸۲)، ص ۲۶۳-۲۹۰.

۲. علی بن زین العابدین، یزدی حائری، الزام الناصب، ج ۲، ص ۵۸؛ حسن بن محمد، قمی، تاریخ قم.

در تمام سال‌های پس از ساختن مسجد مقدس جمکران به امر آقا و سرورمان، کرامات فراوانی از امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف در این مکان پربرکت برای نمازگزاران و مشتاقان حضرت گزارش شده است که فیلم بعضی از آن‌ها نزد مسئولان مسجد جمکران موجود است. بعضی از این فیلم‌ها می‌تواند موضوع جذابی برای فیلم‌های واقعی باشد. همچنین داستان کرامت و شفای آنان در کتاب‌های فراوانی از جمله کتاب‌های چاپ مسجد مقدس جمکران نقل شده است.^۱

اینکه گفته شده شهر قم دری به سوی بهشت دارد، نشانه عظمت بی‌همتای این شهر مقدس است. شهر مقدس قم به تنهایی مدفن حدود ۴۴۴ امام‌زاده بزرگوار است.^۲

وجود مسجد جمکران، قدمگاه و مکان نماز حجت خدا عجل الله تعالی فرجه الشریف، مرکزیت نشر جهان اسلام و ولایت ائمه هدی علیهم‌السلام، وجود مضجع شریف کریمه اهل بیت حضرت معصومه علیها‌السلام، حضور نایبان عام امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و یاوران ایشان در شهر قم موجب شده تا این شهر با ارزش و با عظمت، مورد توجه خاص و عنایت امامان معصوم علیهم‌السلام قرار گیرد. بی‌گمان، برکت قدوم مبارک امام رئوف، علی بن موسی الرضا علیه‌السلام به شهر قم، خود یکی از مهم‌ترین دلایل عظمت این شهر ولایت‌مدار و زمینه‌ساز ظهور مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف است.

۲-۲. اهالی طالقان یاوران مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

امامان معصوم آشکارا درباره شهر طالقان و شخصیت والای مردم آن سخنانی فرموده‌اند که عمق و معنای ژرف این احادیث برای ما روشن نیست. از این رو، فقط به بیان ظاهر چند حدیث بسنده می‌کنیم.

گنج‌هایی در طالقان

وقتی در روایات موجود از گنج‌های طالقان سخن به میان می‌آید، بی‌گمان منظور از آن،

ص ۱۴۷؛ محمد، محمدی اشتهاردی، حضرت معصومه علیها‌السلام فاطمه دوم، ص ۱۹۱-۲۰۲.

۱. واحد تحقیقات مسجد مقدس جمکران، کرامت‌های حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف.

۲. سفینه البحار، ج ۷، ماده قم.

یاران مخلص امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف است که در احادیث به آنان لقب «انصار المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف» داده‌اند.

الف. ابن أعثم کوفی به نقل از کتاب الفتوح، روایتی از حضرت امیر علیه السلام آورده که در آن گویی حضرت به اهالی طالقان غبطه خورده است:

وَيَحَا لِلطَّالِقَانِ فَإِنَّ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ بِهَا كُنُوزًا لَيْسَتْ مِنْ ذَهَبٍ وَلَا فِضَّةٍ وَلَكِنْ بِهَا رِجَالٌ مُؤْمِنُونَ عَرَفُوا اللَّهَ حَقَّ مَعْرِفَتِهِ وَهُمْ أَيْضًا أَنْصَارُ الْمَهْدِيِّ فِي آخِرِ الزَّمَانِ؛^۱ به به از طالقان! خدا را در آنجا گنج‌هایی است که از طلا و نقره نیست، بلکه آن گنج‌ها، مردان مؤمنی هستند که خدا را به خوبی شناخته‌اند. آن‌ها در آخرالزمان از یاران مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف خواهند بود.

ب. دانشمندان اهل سنت به نقل از امام علی بن ابی طالب علیه السلام آورده‌اند: «برای خداوند در طالقان گنج‌هایی است، ولی نه از سیم و زر، بلکه اینان مردم مؤمن و دانشمندی هستند که خدا را آن طور شناخته‌اند که شایسته اوست و اینان یاوران مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در آخرالزمان هستند».^۲

ج. محمد بن یوسف گنجی الشافعی، دانشمند اهل سنت، از امیرمؤمنان علیه السلام نقل می‌کند که امام فرمود: «بَخْ بَخْ لِلطَّالِقَانِ؛^۳ به به! به حال طالقان».

هـ. روایت معروف و مشهور دیگری را فضیل بن یسار از امام اباعبدالله علیه السلام نقل کرده است که حضرت فرمود:

لَهُ كُنُزٌ بِالطَّالِقَانِ مَا هُوَ بِذَهَبٍ وَلَا فِضَّةٍ وَرَأْيُهُ لَمْ تُنْشَرْ مِنْهُ طَوِيفٌ وَرِجَالٌ كَأَنَّ قُلُوبَهُمْ زُبُرُ الْحَدِيدِ لَا يَشُوبُهَا شَكٌّ فِي ذَاتِ اللَّهِ أَشَدُّ مِنَ الْحَجَرِ لَوْ حَمَلُوا عَلَى الْجِبَالِ لَأَزَالُوهَا لَا يَقْصِدُونَ بِرَأْيَاتِهِمْ بَلَدَةً إِلَّا خَرَّبُوهَا كَأَنَّ عَلَى خِيُولِهِمُ الْعِقَبَانَ يَتَمَسَّحُونَ بِسَرِجِ الْإِمَامِ عليه السلام يَطْلُبُونَ بِذَلِكَ الْبَرَكَةَ وَيَحْفُقُونَ بِهِ يَقُونَهُ بِأَنْفُسِهِمْ فِي الْحُرُوبِ وَيَكْفُونَهُ مَا يَرِيدُ فِيهِمْ رِجَالٌ لَا يَنَامُونَ اللَّيْلَ لَهُمْ دَوَى فِي صَلَاتِهِمْ

۱. کشف الغمة، ج ۲، ص ۴۷۸؛ منتخب الأنوار المضيئة، ص ۴۴؛ بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۸۷؛ منتخب الأثر، ج ۳، الباب التاسع، ص ۱۷۷، ح ۱۱۸۸-۲.

۲. الحاوی للفتاوی، ج ۲، ص ۸۲؛ کنز العمال، ج ۷، ص ۲۶۲؛ منابع المودة، ج ۳، ص ۳۹۳، ح ۳۸.

۳. منابع المودة، ج ۳، ص ۲۹۸، ح ۱۲.

كَدَوَى النَّحْلِ يَبِيْثُوْنَ قِيَاماً عَلَى اطْرَافِهِمْ وَيَضْبِحُوْنَ عَلَى خِيُولِهِمْ رُهْبَانًا بِاللَّيْلِ
لَيُوْثُ بِالنَّهَارِ هُمْ اَطْوَعُ لَهُ مِنَ الْاُمَةِ لِسَيِّدِهَا كَالْمَصَابِيْحِ كَانَ قُلُوْبُهُمُ الْقَنَادِيْلُ
وَهُمْ مِنْ خَشْيَةِ اللهِ مُشْفِقُوْنَ يَدْعُوْنَ بِالشَّهَادَةِ وَيَتَمَنَّوْنَ اَنْ يَقْتُلُوْا فِي سَبِيْلِ اللهِ
شِعَارُهُمْ يَا لثَارَاتِ الْحُسَيْنِ اِذَا سَارُوا يَسِيْرُ الرَّغْبِ اَمَامَهُمْ مَسِيْرَةُ شَهْرِ يَمْشُوْنَ اِلَى
الْمَوْتِ اِرْسَالاً بِهِمْ يَنْصُرُ اللهُ اِمَامَ الْحَقِّ؛ خدای متعال را گنج‌هایی در طالقان
است که نه از طلا و نه از نقره است و درفشی که از آغاز تاکنون باز نشده و به
اهتراز در نیامده است. این خطه مردانی دارد که قلب‌های آنان مانند پاره‌های
آهن محکم و نستوه است. درباره ذات مقدس خداوند در آن قلب‌ها تردیدی
ایجاد نمی‌شود؛ آن‌ها شدیدتر از آتش هستند. اگر بر کوه حمله‌ور شوند، آن را
با در دست داشتن پرچم از جای برمی‌کنند و آهنگ هر دیاری که کنند، آن را
ویران می‌کنند. بر اسب‌هایشان همچون عقاب سوارند. به عنوان تیمن و تبرک
زین مرکب امام رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ را بوسه می‌زنند و با دست لمس می‌کنند. آن بزرگوار
را پروانه‌وار در وسط می‌گیرند و هنگام خطر، آن وجود مقدس را با جان خود
حفظ می‌کنند. شب‌ها را با مناجات سپری می‌کنند و روز سواران کارزارند.
آنان زاهدان شب و شیران روزند. در اطاعت از امام و رهبرشان مطیع‌تر از
کنیزان به مولای خویش هستند. درخشندگی آنان مانند چراغ‌های پرنور
است؛ مانند اینکه قلب‌هایشان چراغی از ایمان است. از بیم خدا می‌هراسند،
شهادت طلب هستند و آرزوی کشته شدن در راه خدا را دارند. شعار آنان
خون‌خواهی سالار شهیدان، حسین رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ است. هنگامی که پیش می‌تازند،
ترس و وحشت آنان بر مسافت یک ماه رفتن در قلب‌های دشمنان جایگزین
می‌شود. گروه‌گروه به سوی حضرت رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ روانه می‌شوند و خداوند به واسطه
این رادمردان امام برحق (مهدی) را پیروز می‌گرداند.

صاحب کتاب عصر ظهور درباره جغرافیای طالقان نظری دارد که عین عبارت ایشان
را نقل می‌کنیم:

پیش از این تصور می‌کردم که منظور از طالقان در این روایت، منطقه‌ای در
دامنه رشته کوه‌های البرز در صد کیلومتری شمال غرب تهران است. منطقه‌ای

که از تعدادی روستا تشکیل شده، به نام طالقان مشهور است و در آنجا شهر بزرگی وجود ندارد. گفتنی است در منطقه طالقان ویژگی‌های زیادی از صفا، صمیمیت، تقوا و علاقه به قرآن و آموختن آن به دیگران از دیرباز وجود داشته؛ حتی عده‌ای از مردم شمال ایران و نقاط دیگر برای انتخاب معلم قرآن به مردم منطقه طالقان مراجعه می‌کنند، اما بعد از بررسی روایات طالقان، به نظرم بهتر رسید که شاید منظور از اهل طالقان، اهل ایران باشد و نه منطقه جغرافیایی و یا ویژگی‌های اخلاقی و دینی اهالی آنجا.^۱

به هر حال بهتر است با صدای بلند و رسا بگوییم: «پرافتخار باد طالقان!».^۲

۲-۳. اهالی خراسان یاوران مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

یکی دیگر از شهرهای ایران که از یاوران، مشتاقان و زمینه‌سازان ظهور هستند و در روایات امامان معصوم علیهم‌السلام از آنان یاد شده، مردم خراسان هستند.

روایاتی از طریق فریقین (اهل سنت و شیعه) درباره «روایات سود خراسان»، یعنی «پرچم‌های سیاه از خراسان» نقل شده و نشانه این است که آن‌ها از یاران و مشتاقان مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف هستند.

در روایات اهل سنت، از خراسانی با عنوان «هاشمی خراسانی» یاد شده است که از ذریه امام حسن مجتبی علیه‌السلام یا امام حسین علیه‌السلام است.

در منابع اولیه حدیثی شیعه مانند کتاب غیبت نعمانی، *الإرشاد* شیخ مفید، غیبت شیخ طوسی و *بحار الأنوار* علامه مجلسی، به خراسانی اشاره شده که او را رهبر خراسانی یا فرمانده لشکر ایرانیان معرفی کرده‌اند.

در منابع فریقین روایاتی درباره پرچم‌های سیاه از خراسان آمده است که در آن به یارانی اشاره می‌شود که گنج‌هایی از خراسان هستند؛ این پرچم‌ها به «پرچم‌های خراسان» معروف شده است.

۱. علی، کورانی، عصر ظهور، ص ۲۴۰-۲۴۱.

۲. ینابیع المودة، ج ۳، ص ۲۹۸.

اکنون بعضی از این روایات را که از منابع شیعه و سنی نقل شده، مرور می‌کنیم.

۱-۳-۲. گنج‌های دوست‌داشتنی در خراسان

اصبغ بن نباته می‌گوید:

امیرمؤمنان علیه السلام خطبه‌ای خواند و از خروج مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و یاران او نام برد. ابوخالد حلبی یا کابلی گفت: یا علی! ویژگی‌های او را برای ما بگو. امام فرمود: آن حضرت از نظر خُلق و خُلق و نیکویی شبیه‌ترین مردم به رسول خدا صلی الله علیه و آله است. آیا می‌خواهید شما را از یاران او آگاه کنم؟ گفتند: آری، یا امیرمؤمنان! امام فرمود: از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که می‌فرمود: در خراسان گنج‌هایی است که طلا و نقره نیستند، ولی مردانی هستند که خدا و رسول، آن‌ها را جمع می‌کنند.^۱

۲-۳-۲. پیشگویی درباره خراسان

معروف بن خربوذ از امام باقر علیه السلام نقل می‌کند که حضرت درباره خراسان فرمود:

قَالَ مَا دَخَلْنَا عَلَى أَبِي جَعْفَرٍ الْبَاقِرِ علیه السلام قَطُّ إِلَّا قَالَ خُرَاسَانَ خُرَاسَانَ سِجِسْتَانَ سِجِسْتَانَ كَأَنَّهُ يَبَشِّرُنَا بِذَلِكَ؛ هیچ‌گاه خدمت امام باقر علیه السلام نرسیدیم، مگر اینکه آن حضرت فرمود: خراسان، خراسان، سجستان، سجستان، مانند این بود که آن حضرت ما را به آن بشارت می‌داد.^۲

۳-۳-۲. خراسانی و بیعت با مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

در روایات مربوط به علامت‌های ظهور چنین آمده است:

سفیانی با لشکر جنایت‌پیشه‌اش به کوفه حمله می‌کند و جنایات بسیار فجیعی در کوفه مرتکب می‌شود و زنان زیادی را به اسارت می‌گیرد و به شام می‌فرستد. در این وضعیت فاجعه‌آمیز و دردناک، سید هاشمی خراسانی با

۱. محمدجواد، نجفی، فتنه و آشوب‌های آخر الزمان، در صفت اصحاب مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، باب هفتاد و نهم، ص ۱۳۶-۱۳۷؛ ملاحم، ص ۱۴۷؛ محمد بن احمد، فتال نیشابوری، روضة الواعظین، ص ۳۱۰؛ بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۳۰۴؛ کنز العمال، ج ۱۴، ص ۵۹۱، در ادامه همین حدیث دارد: «خدا و رسول آنان را دوست می‌دارند».

۲. الغیبة نعمانی، باب ۱۴، ص ۲۷۳، ح ۵۱.

سپاهش که فرماندهی آن را «شعیب فرزند صالح» برعهده دارد، به سوی کوفه حرکت می‌کند. از سوی دیگر، یمانی (از علائم حتمی ظهور) به قصد نجات اسیران با سپاه بزرگ خود از یمن به کوفه می‌رسد و چون می‌دانند لشکر سفیانی به سوی شام در حرکت است، به سوی مسیر سفیانی حرکت می‌کند. پرچم‌های سیاه به رهبری سید هاشمی خراسانی و فرماندهی شعیب بن صالح از بنی تمیم و لشکر یمانی برای جنگ با سفیانی رهسپار می‌شوند. هنگامی که آنان را یافتند، بین آنان و لشکر کفر سفیانی جنگ سختی رخ می‌دهد. سپاه خراسانی و یمانی موفق می‌شوند تعداد زیادی از سپاه سفیانی را از بین ببرند و اسیران را نجات دهند. سفیانی و سپاهش از ترس نابود شدن به سوی شام فرار می‌کنند و سپس این دو سپاه (سپاه خراسانی و یمانی) پیروزمندانه به کوفه می‌روند. نیروهای سید هاشمی خراسانی (ایرانیان) با «رایات سود خراسان» یا همان «پرچم‌های سیاه خراسان» به عراق وارد شده و در کوفه با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف بیعت می‌کنند. امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف فرمانده خراسانی‌ها، شعیب فرزند صالح را از فرماندهان خود می‌کند و او از سوی حضرت، فرماندهی کل نیروها را برعهده می‌گیرد.^۱

مقدسی شافعی در کتاب عقد الدرر از امیرمؤمنان علی علیه السلام چنین نقل می‌کند:

يلتقي السفیانی ذا الرايات السود، فيهم شاب من بني هاشم، في كفه اليسرى خال، وعلى مقدمته رجل من بني تميم، يقال له شعیب بن صالح، بباب اصطخر، فتكون بينهم ملحمة عظيمة، وتظهر الرايات السود، وتهرب خيل السفیانی، فعند ذلك يتمنى الناس المهدى ويطلبونه؛ وقتی سپاه سفیانی به سوی کوفه حرکت می‌کند، دنبال اهل خراسان برای جنگ می‌فرستد و اهل خراسان برای یاری مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با پرچم‌های سیاه قیام می‌کنند و به فرماندهی «شعیب بن صالح» با سپاه سفیانی در محل اصطخر (مسجد سلیمان) روبه‌رو می‌شود و جنگ بزرگی رخ می‌دهد که خراسانی‌ها فاتحانه سپاه سفیانی را شکست می‌دهند. در آن هنگام است که مردم ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را آرزو می‌کنند و او را

می طلبند.^۱

ابن حماد از امیرمؤمنان علیه السلام در روایت دیگری نقل می کند:

وقتی لشکر سفیانی به شهر کوفه وارد می شود و کشتار زیادی به راه می اندازد، امام عجل الله تعالی فرجه الشریف به مردم خراسان پیام می فرستد و آنان را برای یاری می طلبد. لشکر خراسان به سوی کوفه حرکت می کنند. در راه به لشکری برمی خورند که پرچم سیاه دارند و فرمانده آنان مردی به نام شعیب بن صالح از شهرری است و با هم به سوی لشکر سفیانی حرکت می کنند. سرانجام در کنار شهر اصطخر (نزدیک اهواز) بین سپاه اسلام و سفیانی نبرد سختی درمی گیرد و لشکر سفیانی شکست می خورد و فرار می کند. مردم در این زمان به جست و جوی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف می پردازند و به دیدار ایشان دست می یابند.^۲

شیخ طوسی در روایتی که سندش به جابر می رسد، از امام باقرالعلوم علیه السلام نقل می کند که حضرت درباره پرچم های سیاهی که از خراسان برای یاری مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف خارج می شود و در کوفه با امام بیعت می کنند، می فرماید:

تَنْزِلُ الرَّايَاتُ السُّودُ الَّتِي تَخْرُجُ مِنْ خُرَاسَانَ إِلَى الْكُوفَةِ فَإِذَا ظَهَرَ الْمَهْدِيُّ بُعِثَ إِلَيْهِ بِالْبَيْعَةِ؛^۳ پرچم های سیاهی از خراسان بیرون آمده، در کوفه فرود می آید. وقتی مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ظاهر گردید، این پرچم ها برای بیعت گرفتن به سوی آن حضرت فرستاده می شود.

براساس برخی روایات، پس از آنکه ایرانیان از ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف باخبر می شوند، جمعیت انبوهی برای رسیدن به عراق و مکه به مرز اهواز می روند تا به جان جانان، ولی خدا، مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف برسند.

عشق به اهل بیت علیهم السلام، به ویژه امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، از دیرباز در گوشت و خون ایرانیان بجای گرفته است؛ نشانه این امر شرکت در مراسم های عزاداری به ویژه ایام اربعین امام

^۱. یوسف بن یحیی، مقدسی شافعی سلمی، عقد الدرر، ص ۱۲۷.

^۲. نعیم بن حماد، خزاعی مروزی، الفتن، ص ۸۶، به نقل از سید محمد کاظم، قزوینی موسوی، عصر ظهور.

^۳. الغیبة شیخ طوسی، ص ۲۹۸؛ الخرائج و الجرائح، ج ۳، ص ۱۱۵۸؛ البرهان، ص ۱۴۱، ح ۳؛ بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۱۷، ح ۷۷.

حسین علیه السلام است. عزاداران سیاه‌پوش امام حسین علیه السلام در حالی به‌سوی کربلا سرازیر می‌شوند که با انواع تهدیدهای گروه‌های تروریستی وهابی و داعش دست و پنجه نرم می‌کنند، این عاشقان دل‌باخته از هیچ‌کس و هیچ تهدیدی ترسی به دل راه نمی‌دهند و میلیون‌ها زن، مرد، کوچک و بزرگ به سمت عراق حرکت می‌کنند و اگر بگوییم در صورت فراهم شدن شرایط همه آنان به‌سوی عراق راهی می‌شوند، اغراق نکرده‌ایم.

ابن حماد از طریق اهل سنت روایتی را از جابر از قول امام باقر علیه السلام این‌گونه آورده است: «وَتَنْزِلُ الرِّايَاتُ السُّودُ الْكُوفَةَ فَتَبْعُهُ بِالْبَيْعَةِ لِلْمَهْدِيِّ؛ پرچم‌های سیاه خارج می‌شود و در کوفه فرود می‌آید و برای بیعت به‌سوی مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف فرستاده می‌شود».

۴-۳-۲. سید هاشمی خراسانی

از مجموع احادیث چنین به دست می‌آید که سید هاشمی خراسانی، مردی از بنی‌هاشم و از نوادگان رسول خدا صلی الله علیه و آله است که از خراسان ظاهر می‌شود.

درباره نسب و ریشه هاشمی در میان احادیث اختلاف وجود دارد؛ بعضی او را حسنی و برخی حسینی معرفی کرده‌اند، اما احتمال قوی این است که او حسنی نسب باشد.

بعضی از عالمان شیعه معتقدند این هاشمی، فرمانروای خراسانی‌ها یا همان کسی است که در بعضی از روایات او را «نفس زکیه» نامیده‌اند و مشهور است که او همان مرد ذبح‌شده میان رکن و مقام است.

همچنین براساس روایات بسیار با آنکه سید هاشمی خراسانی چندان رغبتی به امر حکومت ندارد، ایرانیان او را با اصرار زیاد در مقام رهبر خود انتخاب کرده‌اند. سید خراسانی هم با ایجاد وحدت کلمه در صفوف نیروهای مسلح ایرانی، سردار رشیدی به نام شعیب بن صالح (شاید نام مستعاری باشد) را به فرماندهی نیروهای مسلح انتخاب می‌کند.

براساس روایات، خراسانی (هاشمی) یکی از نشانه‌های ظهور مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف

است. روایت‌های فراوانی درباره علامت‌های ظهور (علامت‌های حتمی و غیرحتمی ظهور) از امامان معصوم علیهم السلام نقل شده که از جمله آن‌ها خروج سفیانی و ذبح مرد هاشمی، معروف به نفس زکیه بین رکن و مقام است.^۱

به هر حال شکی نیست که سید هاشمی از شیعیان استوار و راسخ در عقیده است که حبویت بسیاری در قلب‌ها دارد. در ادامه، احادیث دیگری را در این باره بیان می‌کنیم: عبدالله بن مسعود می‌گوید:

اتینا رسول الله ﷺ فخرج الینا مستبشرا يعرف السرور فی وجهه، فما سالناده عن شیء الا اخبرناه به ولا سکتنا الا ابتدانا، حتی مرت فتیه من بنی هاشم، فیهم الحسن والحسین علیهما السلام فلما رأهم التزمهم وانهملت عیناه. فقلنا: یا رسول الله! ما نزال نری فی وجهک شیئا نکرهه؟! فقال: انا اهل بیت اختار الله لنا الآخرة علی الدنيا وانه سیلقی اهل بیتی من بعدی تطریدا وتشریدا، حتی ترفع رایات سود من المشرق، فیسیلون الحق فلا یعطونه. فیقاتلون فینصرون، فمن ادركهم منکم او من اعقابکم فلیات امام اهل بیتی ولو حبوا علی الثلج فانها رایات هدی، یدفعونها الی رجل من اهل بیتی؛^۲ روزی نزد رسول خدا ﷺ رفتیم و ایشان با خوش حالی ما را پذیرفت؛ آن چنان که شادی از چهره‌اش معلوم بود و ما هرچه پرسیدیم، پاسخ داد تا اینکه خودمان ساکت شدیم. گروهی از جوانان بنی هاشم از آنجا گذشتند که حسن و حسین علیهما السلام نیز با آن‌ها بودند؛ حضرت به آن‌ها متوجه گشت و چشمانش غرق در اشک شد. سپس فرمود: خداوند برای ما اهل بیت آخرت را بر دنیا برگزید و بی شک پس از من به اهل بیت، تبعید و آواره شدن خواهد رسید تا اینکه پرچم‌های سیاهی از مشرق بلند شود که حق را می‌خواهند، ولی به آن‌ها داده نمی‌شود. می‌جنگند و پیروز می‌شوند؛ پس هرکس از شما یا از نسل‌های شما آن‌ها را درک کرد، باید پیش امامی برود که از اهل بیت من است؛ اگرچه با سختی باشد.

۱. روضة الواعظین، ج ۲، ص ۲۶۲.

۲. مستدرک صحیحین، ج ۴، ص ۴۶۴. قندوزی آن را در نیایع المودة با اختلاف کمی در بعضی از الفاظ روایت کرده است و حافظ ابونعیم اصفهانی و ابن ماجه آن را در سنن، ج ۲، ص ۱۳۶۶ در باب خروج مهدی از ملاحم و فتن روایت کرده‌اند، به نقل از تولد تا بعد از ظهور، فصل شانزدهم.

۵-۳-۲. پرچم‌های سیاه خراسان در احادیث اهل سنت

استاد دانشمند محمدرضا حکیمی درباره پرچم‌های سیاه می‌نویسد: محدث سنی معروف، علاءالدین متقی هندی، در کتاب البرهان فی علامات مهدی آخرالزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف درباره حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف یک باب را به همین موضوع (پرچم‌های سیاه خراسان) اختصاص داده و در آن باب (باب هشتم) ۲۶ حدیث، از طریق ابوداود، ابن ماجه، احمد حنبل، ترمذی، طبرانی، حاکم نیشابوری، نعیم بن حماد، سعید بن مسیب و دیگران آورده است. در این احادیث، از قول پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امیرمؤمنان علیه السلام چنین نقل شده است: هرگاه دیدید که رایات سود (پرچم‌های سیاه) از سوی خراسان (ایران) آمدند، خود را بر آن پرچم‌ها برسانید، اگرچه خویشتن را بر روی برف بکشید؛ زیرا مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف خلیفه الله در میان آنان است. پرچم‌های سیاهی از سوی خراسان ایران می‌آیند. مردمی که با آن پرچم‌ها حرکت می‌کنند، دل‌هایی همچون پاره‌های پولاد دارند؛ آنان راهبان شب و شیران روز هستند.^۱

شیخ سلیمان بن ابراهیم قندوزی حنفی، در کتاب ینابیع الموده می‌نویسد: «در این روایات از پرچم‌های سیاهی نام برده می‌شود که از خراسان، برای یاری مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، خلیفه خدا می‌آیند».^۲

همچنین در سنن ترمذی، از کتاب‌های شش‌گانه اهل سنت از قول پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله چنین آمده است: «تخرج من خراسان رایات سود. لایردها شیء حتی تنصب بایلیا؛ پرچم‌های سیاهی از خراسان به اهتزاز در می‌آید که چیزی نمی‌تواند از پیشروی آن جلوگیری کند تا در ایلیا فرود بیاید و استقرار یابد».^۳

۱. البرهان، ص ۱۴۷-۱۵۲، به نقل از محمدرضا، حکیمی، خورشید مغرب، ص ۳۱۸-۳۱۹.

۲. ینابیع الموده، ج ۲، ص ۲۵۹، ح ۱۵.

۳. محمد بن عیسی، ترمذی، سنن ترمذی، ج ۳، ص ۳۶۲، ح ۲۳۷۱؛ مسند احمد، ج ۲، ص ۳۶۵؛ الفتن والملاحم، ص ۱۱۹؛ محمد بن احمد، ذهبی، میزان الاعتدال، ج ۲، ص ۱۰، ش ۲۶۲۲؛ ینابیع الموده، ج ۲، ص ۸۸ و ج ۳، ص ۲۵۹؛ سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۵۱۸ و ۲۶۹؛ مستدرک، ج ۴، ص ۴۶۴ و ۵۵۳؛ الفتن، ص ۸۴ و ۸۵؛ المصنف، ج ۱۵، ص ۲۳۵؛ عبدالله بن عبد الرحمن، دارمی، سنن، ص ۹۳. شاید حدیثی که ابن ماجه و احمد بن حنبل و دیگران نقل کرده‌اند که «گروهی از مشرق زمین خروج کنند و مقدمات حکومت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را فراهم نمایند»، بخشی از همین روایت باشد. رک. عصر ظهور، ص ۲۲۸-

۶-۳-۲. راه رفتن روی برف تا رسیدن به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

علی بن عیسیٰ اربلی در کتاب کشف الغمة و علامه مجلسی در بحار الأنوار از ثوبان چنین نقل کرده است: او گفت از رسول خدا ص شنیدم که فرمود:

إِذَا رَأَيْتُمُ الرَّايَاتِ السُّودَ قَدْ أَقْبَلَتْ مِنْ خُرَاسَانَ فَاتَّبُوهَا وَلَوْ حَبَوًّا عَلَى الثَّلْجِ فَإِنَّ فِيهَا خَلِيفَةَ اللَّهِ الْمَهْدِيَّ؛ هرگاه دیدید رایات سود (پرچم‌های سیاه) از سوی خراسان (ایران) آمدند، خود را بر آن پرچم‌ها برسانید، اگرچه خویشتن را بر روی برف بکشید؛ زیرا مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، خلیفه الله، در میان آنان است.

شیخ سلیمان فرزند ابراهیم قندوزی حنفی در کتاب ینابیع المودة این روایت را با همین مضمون‌ها از امیرمؤمنان علی ع نقل کرده است.^۱

محمد بن جریر طبری هم در کتاب دلائل الإمامة، روایتی درباره این پرچم‌ها نقل کرده است:

فإنها رايات هدى يدفعونها إلى رجل من أهل بيتي يملأ الأرض قسطاً وعدلاً كما ملئت جوراً وظلماً؛^۲ پس به راستی این پرچم‌ها، پرچم‌های هدایت هستند که آن را به مردی (امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف) از اهل بیت من باز می‌گردانند که زمین را از قسط و داد پر می‌کند؛ چنان‌که از ظلم و بیداد لبریز شده بود.

۷-۳-۲. ظهور و پرچم‌های سیاه

نعمانی در روایتی که سندش به داود دجاجی می‌رسد، از امام باقر ع نقل می‌کند که حضرت در تفسیر آیه اختلاف احزاب چنین فرمود:

سُئِلَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع عَنْ قَوْلِهِ تَعَالَى «فَاخْتَلَفَ الْأَحْزَابُ مِنْ بَيْنِهِمْ»^۳. فَقَالَ: انْتَظِرُوا الْفَرَجَ مِنْ ثَلَاثٍ فَقِيلَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ع وَمَا هُنَّ فَقَالَ اخْتِلَافُ أَهْلِ

۱. کشف الغمة، ج ۲، باب ۲۴، ص ۴۷۲؛ بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۸۲.
 ۲. ینابیع المودة، ج ۲، ص ۸۸؛ الغیبة نعمانی، باب ۱۴، ص ۲۵۱، ح ۸.
 ۳. دلائل الإمامة، ص ۲۳۶؛ رضی الدین علی بن یوسف، حلی، العدد القویة، ص ۹۱؛ منتخب الأنوار المضیئة، ص ۴۴.
 ۴. مریم: ۳۷.

الشَّامِ بَيْنَهُمُ وَالرَّايَاتُ السُّودُ مِنْ خُرَّاسَانَ وَ...؛^۱ از امیرمؤمنان علیه السلام درباره معنای آیه مبارک «فَاخْتَلَفَ الْأَحْزَابُ مِنْ بَيْنِهِمْ» پرسیدند، فرمود: از سه چیز در انتظار فرج باشید. عرض شد: ای امیرمؤمنان! آن سه چیز کدام هستند؟ فرمود: اختلاف داخلی که میان شامیان افتد و پرچم‌های سیاه از خراسان و....

۸-۳-۲. اهل خراسان از بزرگان

زراره بن اعین از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که حضرت اهل خراسان را از بزرگان معرفی کرد و فرمود:

قَالَ أَهْلُ خُرَّاسَانَ أَغْلَامُنَا وَأَهْلُ قُمَّ أَنْصَارُنَا وَأَهْلُ كُوفَةٍ أَوْلَادُنَا وَأَهْلُ هَذَا السَّوَادِ مِنَّا وَنَحْنُ مِنْهُمْ؛^۲ اهل خراسان بزرگان ما هستند و اهل قم یاران ما هستند و اهل کوفه اوتاد (مردان استوار) ما هستند و اهل این پرچم‌های سیاه از ما هستند و ما از اینان هستیم.

۹-۳-۲. نظر علما درباره پیشگویی پرچم‌های سیاه

برخی از علما معتقدند خروج خراسانی با پرچم‌های سیاه از نشانه‌های حتمی ظهور است، ولی دانشمندان ما چنین نظری ندارند؛ زیرا با وجود وجه اشتراکی که میان نشانه‌های ظهور و شرایط ظهور وجود دارد (هر دو قبل از ظهور اتفاق می‌افتد)، اما تفاوت اساسی میان این دو وجود دارد که برخی از آن‌ها در ادامه می‌آید:

الف. منوط شدن ظهور به شرایط و تعلیق بر آن‌ها واقعی است؛ به این معنا که اگر شرایط مهیا نباشد، مشروط بر آن - که همان ظهور است - در خارج تحقق نخواهد یافت؛ برخلاف منوط شدن ظهور به نشانه‌ها و تعلیق بر آن‌ها که واقعی نیست؛ زیرا نشانه‌ها برای ظهور جنبه کاشفیت دارد.

ب. نشانه‌های ظهور حوادثی پراکنده‌اند که در طول عصر غیبت به صورت پراکنده اتفاق می‌افتند؛ برخلاف شرایط ظهور که به صورت متصل و مستمر تا وقت ظهور واقع

۱. الغیبة نعمانی، باب ۱۴، ص ۲۵۱-۲۵۲، ح ۸؛ تأویل الآیات الظاهرة، ص ۳۸؛ بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۲۹، ح ۹۴.

۲. بحار الأنوار، ج ۵۷، باب ۳۶، ص ۲۰۱ و ۲۱۴، ح ۳۰.

خواهند شد.

ج. انسان در برابر شرایط ظهور دارای تکلیف است؛ برخلاف علائم ظهور^۱.

برخی از علما براساس روایات، خروج خراسانی (پرچم‌های سیاه) را مانند خروج عیسی بن مریم عجل الله تعالی فرجه الشریف و موارد دیگر از علائم حتمی ظهور نمی‌شمارند؛ با وجود این معتقدند خراسانی هاشمی، میان رکن و مقام شهید می‌شود (ذبح می‌شود) و این علامت را از نشانه‌های حتمی برمی‌شمارند.

۱۰-۳-۲. علامت‌های حتمی ظهور

نشانه‌های ظهور مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف دو گونه است. باید دقت داشته باشیم که ممکن است نشانه‌های غیر حتمی ظهور در زمان‌هایی غیر از زمان ظهور با فاصله‌های زیادی تا ظهور رخ دهد و یا حتی تا ظهور ادامه داشته باشد؛ برخلاف علامت‌های حتمی ظهور که بدون فاصله هستند و از زمان ظهور مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف حکایت می‌کنند.

روایات ما نیز آشکارا نشانه‌های حتمی ظهور را پنج علامت معرفی می‌کنند. برای نمونه به نقل از منابع اولیه شیعه، مانند الکافی شیخ کلینی، الغیبة نعمانی، کمال الدین و تمام النعمة شیخ صدوق و بزرگان دیگر، این روایت از قول عمر بن حنظله آمده است که امام صادق عجل الله تعالی فرجه الشریف پنج علامت را برای ظهور بیان فرمود: «خَمْسُ عَلَامَاتٍ قَبْلَ قِيَامِ الْقَائِمِ الصَّيْحَةُ وَالسُّفْيَانِي وَالْخُسْفُ وَقَتْلُ النَّفْسِ الزَّكِيَّةِ وَالْيَمَانِي»^۲.

براساس این روایت، این پنج علامت موارد زیر را در بر می‌گیرد:

۱. صیحه آسمانی: فریادی که از سوی جبرئیل در آسمان می‌پیچد و حقانیت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف را به گوش جهانیان می‌رساند.

۲. خروج سفیانی: سفیانی (عثمان بن عنبسه) که از فرزندان ابوسفیان است و از شام

۱. علی اصغر، رضوانی، علایم ظهور، تفاوت علایم و شرایط ظهور، ص ۱۰.

۲. اصول کافی، ج ۸، ص ۳۱۰، ح ۴۸۳؛ الغیبة نعمانی، ص ۲۵۲، ح ۹؛ کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۶۵۰، ح ۷؛ دلائل الإمامة، ص ۲۶۱؛ وسائل الشیعة، ج ۱۵، ص ۵۲، ح ۱۹۹۷۰؛ بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۰۴، ح ۳۴.

خروج می‌کند.

۳. خسف بیداء: همان فرورفتن لشکر سفیانی، در سرزمین بیداء (محلی میان مکه و مدینه) است.

۴. خروج یمانی: قیام یمانی، فردی که از یمن خروج می‌کند و مردم را به پیروی از مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف فرامی‌خواند.

۵. کشته شدن نفس زکیه: نفس زکیه، سیدی هاشمی از خاندان پیامبر است که سرانجام در مکه به شهادت می‌رسد. بعضی بر این باورند که نفس زکیه همان سید خراسانی (هاشمی) است که میان رکن و مقام ذبح می‌شود.

برخی از نویسندگان با طرح حدیثی از امیرمؤمنان علیه السلام معتقدند خلیفه خدا در پرچم‌های سیاهی که از خراسان می‌آید، قرار دارد: «إذا رأيت الرايات السود قد جاءت من قبل خراسان فأتوها فان فيها خليفة الله؛ هنگامی که پرچم‌های سیاه را دیدید که از جانب خراسان می‌آیند، به آنان ملحق شوید؛ چون خلیفه خداوند (حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف) در میان آنان است»^۱.

نویسنده پس از بیان این حدیث می‌نویسد: «من احتمال می‌دهم این حدیث هم از مجعولات بنی‌عباس یا از طرفداران ابومسلم خراسانی باشد؛ زیرا مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از خراسان نمی‌آید و پرچم سیاه، شعار بنی‌عباس بوده است».

ضمن احترام به نویسنده بزرگوار، لازم است نکاتی در این باره بیان شود:

اول: ضمن تأیید جعل حدیث به دست جاعلان با انگیزه‌های گوناگون و پذیرش مخدوش شدن بسیاری از روایات، باید دانست که تشخیص احادیث جعل از صحیح، ملاک خاص خود را دارد و امری وابسته به سلیقه نیست. همچنین تشخیص آن به علومی از جمله علم رجال، حدیث و درایه نیازمند است. نکته جالب توجه اینکه این روایت در منابع شیعه با سندهای معتبر آمده است.^۲

۱. منابع المودة، ج ۱، ص ۱۵۷.

۲. الغيبة نعمانی، باب ۱۴، ص ۲۵۱، ح ۸؛ الغيبة شیخ طوسی، ص ۴۵۲؛ بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۱۷.

دوم: در اثبات اعتبار روایت‌ها، مبانی گوناگونی وجود دارد؛ بعضی از علما خبر ثقه را معتبر می‌دانند، ولی بسیاری دیگر از عالمان برجسته و فقیهان معروف شیعه، معتقدند اعتبار سندی نمی‌تواند تنها راه اثبات اعتبار روایات باشد، بلکه اکثر قریب به اتفاق ایشان، به حجّیت خبر «موثوق به» نیز باور دارند.

حضرت آیت‌الله وحید بهبهانی که از اساتید برجسته علم اصول است، در این راه در برابر دو گروه ایستاده است:

الف. اخباری‌ها که همه روایات را بدون دقت و بررسی می‌پذیرند.

ب. آنان که در پذیرش روایات با سخت‌گیری، تنها خبر ثقه را حجت می‌دانند و در مقام اعتبار سند، فقط توثیق رجالیان را می‌پذیرند.

ایشان در کتاب *الفوائد الحائریه*، در سه جایگاه به طور مفصل در این باره بحث می‌کند که فقط یک راه برای اعتبار سندی روایت کافی نیست، بلکه ۴۷ سبب وجود دارد که حدیث در سایه آن‌ها اعتبار پیدا می‌کند.

همچنین ایشان ضمن انتقاد از شیوه افراطی و سخت‌گیرانه پذیرش احادیث که پس از صاحب معالم و صاحب مدارک شایع شده، این شیوه را رد می‌کند و می‌نویسد این مبنا دقیقاً برخلاف مبنای پذیرفته شده عالمان، فقیهان و محققان شیعه است؛ چراکه بیشتر آن‌ها به حجّیت خبر موثوق به معتقدند و تفاوت نمی‌کند که این وثوق از راه وثاقت راوی به دست می‌آید یا از راه قرائن دیگر.^۱

محقق حلی نیز ضمن انتقاد از گروه افراطی حشویه که هر خبری را می‌پذیرند، خطاب به آن‌ها می‌گوید:

به روایتی عمل می‌شود که سندش سالم باشد و این گروه ندانسته‌اند که دروغگو، گاهی راست می‌گوید و فاسق، گاهی صادق است. اینان ندانسته‌اند

که این روش (پذیرش روایت تنها با سند سالم) موجب طعن به عالمان شیعه و تضعیف مذهب است؛ چراکه نویسنده‌ای یافت نمی‌شود، جز اینکه گاهی به خبر ضعیف، همانند خبر عادل عمل می‌کند.^۱

مانند این گفتار در اعتبار سندی حجیت خبر موثق به را عالمان دیگری چون محقق همدانی در مصباح الفقیه، آخوند خراسانی در حاشیه رسائل و محقق نائینی در فوائد الأصول نیز آورده‌اند.^۲

در این میان، آیت الله العظمی خویی که خبر ثقه را حجت می‌داند و خبر موثق به را حجت نمی‌داند، به دیدگاه مخالف استاد خود اشاره می‌کند و می‌نویسد:

وسمعت شیخنا الأستاذ الشيخ محمد حسین النائینی (قدس سره) فی مجلس بحثه یقول: ان المناقشه فی اسناد روایات الکافی حرفه العاجز؛ شنیدم که استاد بزرگوار ما، شیخ محمد حسین نائینی، در جلسه بحثش فرمود: مناقشه در سند روایات کتاب الکافی، کار عاجزان (کسانی که نمی‌توانند از عهده فهم احادیث برآیند و مناقشه سندی می‌کنند) است.^۳

با بیان این دیدگاه‌ها باید گفت:

علل وثوق به صدور، فقط به وثاقت راوی منحصر نیست، بلکه اسباب و علل پدیدآورنده وثوق به صدور در روایات کتب معتبر نیز ملاک است و لازم است همه راه‌ها و اسباب اعتباربخش را مورد توجه قرار بدهیم و باید در نظر داشت که مبنای بسیاری از عالمان شیعه، بلکه بیشتر آنان حجیت خبر موثق به است. در نتیجه، نباید فقط اعتبار سندی را ملاک دانست و چنین پنداشت که بیشتر روایات مجموعه‌های روایی اعتبار ندارند؛ زیرا با این مبنا باید بیشتر آن‌ها را کنار گذاشت؛ در حالی که عالمان بزرگ شیعه این مبنا را قبول ندارند که فقط خبر ثقه را حجت بدانیم، بلکه مبنایی را که بیشتر

۱. مقدمه معتبر، ج ۱، ص ۲۹.

۲. رضا ابن محمد هادی، همدانی، مصباح الفقیه، کتاب الصلاة، ص ۱۲؛ محمد کاظم بن حسین، آخوند خراسانی، رسائل، ص ۷۰؛ میرزا محمد حسین، محقق نائینی، فوائد الاصول، ج ۳، ص ۶۷ و ۸۳.

۳. سید ابوالقاسم، خوئی، معجم رجال الحدیث، ج ۱، ص ۸۱.

عالمان ما قبول دارند، حجّیت خبر موثوق به است.^۱

سوم: امکان دارد سفیانی هم مانند دوران بنی عباس که با ادعای مهدویت برای خود طرفدارانی جمع کردند، بخواهد از روایات مربوط به رایات السود با جعل حدیث بهره برد و با انتخاب پرچم‌های سیاه برای خود مردم را فریب دهد؛ اکنون آیا این امر باید باعث شود که روایات مربوط به پرچم‌های سیاه را انکار کنیم؟

عمادالدین بن کثیر دمشقی، از علمای اهل سنت می‌نویسد: مقصود از پرچم‌های سیاه در روایات مربوط به مهدی، پرچم‌های سیاه ابومسلم نیست؛ زیرا ابومسلم خراسانی برای کمک به عباسیان رفته است. همچنین با توجه به روایات نقل شده در منابع شیعه، حتی احتمال این موارد منتفی است؛ زیرا براساس این منابع، پرچم‌های سیاه به سید هاشمی خراسانی تعلق دارد.

چهارم: در این روایات آمده است که پرچم‌های سیاه بیرون آمده از ایران به یاری مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌رود و پس از جنگ با سفیانی و لشکرش آنان را فراری می‌دهند و در کوفه فرود می‌آیند و سرانجام برای بیعت به سوی مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌روند و در شمار یاران امام قرار می‌گیرند. بنابراین، طبیعی است که آنان پس از بیعت با حضرت، پرچم خود را به ایشان تحویل دهند و امام در میان آن‌ها و در کنارشان قرار گیرد.

پنجم: روایات فراوانی درباره یاری ایرانیان وجود دارد، اما اگر فرض کنیم این احادیث هم نبودند، داستان این عشق و دلدادگی چنان شهره هر شهری است که هنگام ظهور، آنان از پای فتاده خود را به آن ماه منیر می‌رسانند؛ چنان‌که در حدیث آمده است:

إِذَا سَمِعْتُمْ بِالْمَهْدِيِّ فَأْتُوهُ فَبَايَعُوهُ وَيَسْنَادُهُ عَنْ ثَوْبَانَ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: تَجِيءُ الرَّايَاتُ السُّودُ مِنْ قِبَلِ الْمَشْرِقِ كَأَنَّ قُلُوبَهُمْ زُبُرُ الْحَدِيدِ فَمَنْ سَمِعَ بِهِمْ فَلْيَأْتِيَهُمْ فَبَايَعَهُمْ وَلَوْ حَبَوًّا عَلَى الثَّلْجِ؛^۲ هر وقت شنیدید حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف خروج کرده است، به سوی او بشتایید و با او بیعت کنید. ثوبان می‌گوید: پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: افرادی با بیرق‌های سیاه از ناحیه مشرق می‌آیند که

۱. رک. مهدی، حسینیان قمی، دفاع از روایات مهدویت (نقد کتاب مشرعه بحارالأنوار).

۲. بحارالأنوار، ج ۵۱، ص ۸۴.

دل‌های آنان مانند فولاد محکم است. پس هرکس قیام آنان را شنید، برای بیعت به سوی آنان بشتابد؛ هرچند لازم باشد کشان‌کشان روی برف برود. همچنین امیرمؤمنان علی علیه السلام درباره عظمت مسجد کوفه که جایگاه قائم آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم است، به اصبع بن نباته فرمود: «اگر شنیدید قائم ما ظهور کرده، از دورترین نقاط زمین، خود را روی برف کشان‌کشان به مسجد کوفه برسانید»^۱.

ششم: «اگر پرچم‌های سیاه یا همان شعار بنی‌عباس و پرچم ابومسلم خراسانی در سال ۱۴۰ هجری قمری حکومت هزارماهه بنی‌امیه را ساقط کرده است، آیا این امر دلیلی برای مبعوض بودن همه پرچم‌های سیاه پیشگویی شده در منابع حدیثی است»^۲. هفتم: به هر حال، در روایات فراوانی از فریقین چنین نقل شده است که اهالی مشرق به یاری حضرت می‌شتابند.

امروز نمونه این پرچم‌ها، پرچم‌های سیاهی است که در روزهای عزاداری و سوگواری امام حسین بن علی علیه السلام بر سر در خانه‌ها، مسجدها، حسینیه‌ها و هر کوی و برزن این سرزمین برافراشته می‌شود. نصب این پرچم‌ها هرچند نشانه عزا و سوگ ایرانیان در رسای سرور و سالار شهیدان است، اما مهم‌تر از آن، خبر از آمادگی شیعیان برای دفاع از اهل بیت علیهم السلام می‌دهد و این همان چیزی است که بر اندام دشمنان اهل بیت علیهم السلام لرزه می‌اندازد. به هر حال، درست است که رنگ این پرچم‌ها با پرچم ابومسلم خراسانی یکی است و هر دوی این پرچم‌ها از سمت مشرق و اهالی خراسان برپا شده و می‌شود، اما پرچم‌های سیاه خراسانی کجا و پرچم ابومسلم کجا؟ که حدود یک قرن پیش از میلاد مهدی موعود صلی الله علیه و آله و سلم برپا شده و پایان یافته است.

بدون شک، این پرچم‌ها با آن پرچم‌ها تفاوت اساسی دارد؛ رهبری پرچم‌های خراسانی را سیدی حسنی (هاشمی) برعهده دارد که فرمانده سپاهش شعیب بن صالح تمیمی است که بعدها فرمانده کل قوای حجت بن الحسن العسکری علیه السلام خواهد شد.

۱. الأمالی، ص ۲۲۸.

۲. سید محمد، صدر، تاریخ غیبت کبری، ص ۴۵۸.

آقای کورانی در کتاب عصر ظهور پس از قطعی دانستن قیام ایرانیان به عنوان زمینه سازان ظهور، درباره خراسانی می نویسد:

روایات مربوط به خراسانی که از طریق اهل سنت و همچنین در منابع متأخر شیعه وارد شده است، به روشنی بر این دلالت دارد که آن شخصیت از ذریه امام مجتبی علیه السلام و یا امام حسین علیه السلام است، از او به عنوان هاشمی خراسانی یاد شده است و صفات جسمانی وی شامل صورتی نورانی، خال بر گونه راست و یا دست راست بیان شده است.

ایشان در ادامه همین بحث درباره سید حسنی احتمالاتی را مطرح می کند و می نویسد: اما روایاتی که در منابع حدیث درجه اول شیعه، مانند غیبت نعمانی و طوسی، درباره این شخص وارد شده است، احتمال دارد که ایشان را به یاور خراسانیان و یا رهبر اهالی خراسان و یا فرمانده لشکر خراسان تفسیر کرد؛ زیرا این روایات به خراسانی تنها تعبیر کرده و نه هاشمی خراسانی، اما مجموعه قرائن موجود، درباره شخصیت او بر این امر دلالت دارد که او هم زمان با خروج سفیانی و یمانی ظاهر می شود و نیروهای خود را به سوی عراق اعزام می کند و سرانجام سپاه سفیانی را شکست می دهند.^۱

بنابراین، سید خراسانی آخرین شخصی است که پیش از ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بر ایران حکومت می کند و یا با آخرین فردی معاصر است که فرمانروای ایران خواهد بود. پرسشی که درباره سید خراسانی مطرح می شود، این است که: آیا او دارای مقام مرجعیت تقلید و یا ولایت امر است یا اینکه مانند رئیس جمهور در کنار مرجعیت دارای رهبری سیاسی است یا یکی از برجسته ترین یاران و مشاوران مرجعی است که رهبری مردم را برعهده دارد؟

براساس روایات، او رهبری حکومت مشرق زمین را برعهده دارد؛ فقط این احتمال باقی می ماند که او به فرمان مرجع و رهبر بزرگ، به عنوان رهبری سیاسی، زمام امور را در دست

۱. عصر ظهور، ص ۲۶۵-۲۷۵.

بگیرد که امکان دارد این‌گونه باشد، «و الله العالم»^۱.

سرخوش ز سبوی غم پنهانی خویشیم چون زلف تو سرگرم پریشانی خویشیم
هرچند «امین» بسته دنیا نیم اما دل بسته یاران خراسانی خویشیم^۲

بی شک اگر مشتاقان اهل بیت علیهم‌السلام هنگام ظهور با پرچم‌های سیاه که نشان عزای امام حسین علیه‌السلام است، به خدمت مولای خود امام زمان عجل‌الله‌فرجه‌الشریف برسند، مورد مرحمت ایشان قرار می‌گیرند؛ چنان‌که در روایت درباره پرچم‌های سیاه برافراشته از سمت مشرق این‌گونه آمده است:

فقال إنا اهل بيت اختار الله لنا الآخرة على الدنيا وإن اهل بيتي سيلقون بعدى بلاء وتشريدا وتطريدا حتى يأتي قوم من قبل المشرق ومعهم رايات سود فيسألون الحق فلا يعطونه فيقاتلون وينصرون فيعطون ما سألوا فلا يقبلون حتى يدفعوه إلى رجل من أهل بيتي فيملأها قسطا كما ملئوها جورا فمن أدرك ذلك منكم فليأتهم ولو حبوا على الثلج؛ آن حضرت فرمود: ما اهل بيتي هستيم که خدا برای ما آخرت را بر دنیا اختيار فرمود. به درستی که اهل بيت من به زودی در بلا و مشکلات می‌افتند و به اطراف رانده می‌شوند تا قومی از سوی مشرق بیایند و با ایشان پرچم‌های سیاه باشد. ایشان حق را می‌طلبند و آن را به آنان ندهند؛ پس جهاد کنند و یاری داده شوند. سپس به آنها آنچه را که می‌طلبیدند می‌دهند؛ پس قبول نکنند تا آن را به مردی از اهل بيت من بسپارند. او زمین را از قسط و عدل پر کند؛ چنان‌که از جور پر شده باشد. پس هرکس آن دوران را ادراک کند، باید به سوی او بیاید؛ اگرچه خود را روی برف بکشد.^۳

هشتم: نکته پایانی اینکه در روایات از پرچم‌های خراسانی به پرچم‌های هدایت تعبیر شده است.

امام صادق علیه‌السلام در این باره می‌فرماید: «پرچم‌های هدایت بیرون آمده از خراسان، با

۱. همان.

۲. مقام معظم رهبری رحمته‌الله.

۳. کشف الغمة، ج ۲، باب ۲۶، ص ۴۷۲.

شتابی هرچه تمام تر منازل را طی کرده، پیش می‌تازد و تعدادی از یاران قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف در میان آن‌ها خواهند بود.^۱

در کتاب روزگارهایی آمده که منظور از پرچم هدایت، پرچم سید خراسانی است.^۲

۱۱-۳-۲. نتیجه‌گیری

از مجموع روایات خراسانی، پرچم‌های سیاه و دیدگاه‌های موجود درباره آن، دست‌کم این مطلب را می‌توان پذیرفت که در آخرالزمان مردمی از مشرق‌زمین، خراسان یا ایران به یاری امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌شتابند و با ایشان بیعت می‌کنند و البته همین مقدار هم برای صحه گذاشتن بر این ادعای ما کافی است که اهالی خراسان از مشتاقان و یاوران حجت بن الحسن عجل الله تعالی فرجه الشریف هستند.

ناگفته نماند که غیر از اهالی خراسان، ایرانیان دیگر، مانند مردم شهر ری نیز که بزرگ‌مردی همچون شعیب بن صالح فرمانده سپاه خراسانی و امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را در میان خود دارند، بی‌صبرانه مشتاق زیارت و یاری حجت خدا هستند.

همچنین از مجموع روایات چنین به دست می‌آید که خروج خراسانی با خروج سفیانی هم‌زمان خواهد بود. یمانی نیز همراه لشکر خود در همین زمان خروج خواهد کرد و برای یاری امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف به سوی عراق حرکت می‌کند؛ سرانجام همراه با خراسانی با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف بیعت می‌کنند و در شمار یاران حضرت قرار می‌گیرند.

۱. بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۲۷۳؛ الغیبة نعمانی، ص ۱۴۹.

۲. سلیمان، کامل، روزگارهایی، ج ۲، ص ۱۰۲۴، به نقل از مجتبی، تونه‌ای، موعودنامه، ص ۱۹۶.

فصل نهم

عرب‌ها مشتاق ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

مقدمه

تنها ایرانیان یاوران مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیستند؛ زیرا بیشتر آیاتی که امامان معصوم علیهم السلام به ایرانیان تأویل کرده‌اند، درباره یمن و یمنی‌ها نیز بیان شده است. براساس روایات، فرمانده سپاه ایرانیان، مردی به نام شعیب از قبیله بنی تمیم است. همچنین در روایات فریقین آمده است که یکی از نشانه‌های حتمی ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، خروج مرد یمانی از یاران باوفا و مورد اعتماد حضرت است. ایشان از یمن قیام می‌کند و با یاران خود به سوی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌آید و سرانجام در راه امام و اهدافش شهید می‌شود.^۱ همچنین محل ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، مکه^۲ و محل خلافت و فرمانروایی ایشان شهر کوفه خواهد بود.

با وجود این محاسن، گاهی شاهد نکوهش اعراب در قرآن، بعضی از احادیث یا سخن بزرگان هستیم که با این محاسن در تناقض است. برای نمونه، عرب‌ها در این آیه از قرآن

۱. اصول کافی، ج ۸، ص ۳۱۰، ح ۴۸۳؛ الغیبة نعمانی، ص ۲۵۲، ح ۹؛ کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۶۵۰، ح ۷؛ دلائل الإمامة، ص ۲۶۱.
۲. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۳۴، ح ۶۴.

سرزنش شده‌اند:

الْأَعْرَابُ أَشَدُّ كُفْرًا وَنِفَاقًا وَأَجْدَرُ أَلَّا يَعْلَمُوا حُدُودَ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ؛ کفر و نفاق بادیه‌نشینان عرب، شدیدتر است و به ناآگاهی از حدود و احکامی سزاوارتر هستند که خدا بر پیامبرش نازل کرده و خداوند دانا و حکیم است.

اکنون بحثی که مطرح می‌شود، این است که: آیا این آیه شامل همه اعراب می‌شود و اینکه این آیه یک حکم کلی درباره عرب‌هاست؟

برای روشن شدن این بحث به بررسی این آیه می‌پردازیم:

واژه «الأعراب» معنای جمع دارد و در لغت عرب، مفرد ندارد؛ چنان‌که در کتاب‌های قاموس، صحاح و تاج العروس آمده است، این کلمه فقط به عرب‌های بادیه‌نشین اطلاق می‌شود و هنگامی که معنای مفرد آن را اراده کنند، همین کلمه را با یاء نسبت به صورت واژه «اعرابی» به کار می‌برند. همچنین راغب در مفردات می‌نویسد: «کلمه اعراب در اصل جمع عرب است، اما فعلاً برای عرب‌های بادیه‌نشین اسم شده است».^۱ واژه «أَجْدَرُ» از کلمه «جدار» گرفته شده است؛ به همین دلیل بر هر چیز بلند و مناسب اطلاق می‌شود و واژه «أجدر» بر اساس عادت به معنای سزاوارتر و لایق‌تر به کار می‌رود.^۲ بنابراین، مشخص می‌شود که منظور آیه، برخلاف تصور عموم عرب‌ها نیستند، بلکه فقط بادیه‌نشینان عرب آن زمان منظور آیه است و به مؤمنان هم هشدار می‌دهد که مواظب این افراد باشند؛ زیرا آنان رفتاری منافقانه و خشن‌تر از منافقان مکه دارند.

در این آیه، بادیه‌نشینان از منافقان بدتر هستند؛ زیرا از حدود خدا که بر رسول گرامی او نازل شده، آگاهی ندارند. آنان با وجود نزدیکی به کلام و پیامبر خدا، قرآن را نشنیدند و با فرستاده خدا هم‌نشینی نکردند؛ این افراد از منافقان که با پیامبر همراه بودند، به حدود

۱. توبه: ۹۷.

۲. حسین بن محمد، راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، ص ۱۸۹؛ المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۹، ص ۳۷۰.

۳. الأمثل فی تفسیر کتاب الله المنزل، ج ۶، ص ۱۷۶؛ تفسیر نمونه، ج ۸، ص ۱۱۸-۱۱۹.

شریعت جاهل‌تر هستند.^۱

ظاهراً منظور از «جهل» مقابل «عقل» است؛ شاید به همین دلیل کلینی در کتاب *الکافی* بابی را باز کرده و نام آن را «عقل و جهل» گذاشته است و به تعبیر دیگر، می‌توان اطلاق کلمه «حَق» را بر آنان صادق دانست؛ زیرا قوه دراکه آن‌ها اندک است و نمی‌دانند.^۲

همچنین تاریخ اسلام، گواه روشنی است که همین اعراب بادیه‌نشین بارها وحشیانه به مسلمانان حمله کرده‌اند. بنابراین، قرآن به آنان هشدار می‌دهد که مبادا پیروزی‌های پی‌درپی لشکر اسلام سبب شود که مسلمانان این خطر را نادیده بگیرند.^۳

در ادامه آیه چنین آمده است: «وَأَجْدَرُ أَلَّا يَعْلَمُوا حُدُودَ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ؛ كُفْرًا وَنِفَاقًا أَعْرَابٌ بَادِيَّةٌ نَشِينٌ بِهِ دَلِيلٌ لِّدَوْرٍ مِنْ تَعْلِيمٍ وَتَرْبِيَةٍ وَنَشْنِيدِ آيَاتِ اللَّهِ وَتَرْجُمَانِ رَسُولِهِ شَدِيدٌ تَرَّاسٌ».

در پایان آیه نیز می‌فرماید: «وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ؛ خداوند دانا و حکیم است». پس اگر آیه درباره عرب‌های بادیه‌نشین چنین داوری می‌کند، به دلیل تناسب خاصی است که محیط آن‌ها با چنین صفاتی دارد و از روی علم و حکمت این معنا را بیان می‌فرماید.

این آیه ملاکی کلی به ما می‌دهد؛ آن ملاک این است که جهل و نادانی، دوری از آموزه‌های درست اسلامی و فهم نادرست آیات و احادیث، موجب کفر و نفاق می‌شود و در این کفر و نفاق، میان اعراب بادیه‌نشین و دیگران تفاوتی وجود ندارد و اعراب بادیه‌نشین در این آیه، تنها به عنوان یک مصداق بیان شده است. پس نکوهش موجود در این آیه، به همه مردم عرب ربطی ندارد؛ همان‌هایی که مشتاق و یاور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف هستند.

افزون بر قرآن کریم، روایتی در منابع فریقین و *بحار الأنوار* به نقل از کتاب *الغیبه* شیخ

۱. احکام القرآن، ج ۴، ص ۳۵۳.

۲. عبدالحسین طیب اصفهانی، *أطیب البیان فی تفسیر القرآن*، ج ۶، ص ۲۹۷.

۳. الأمثل فی تفسیر کتاب الله المنزل، ج ۶، ص ۱۷۶؛ تفسیر نمونه، ج ۸، ص ۱۱۸-۱۱۹.

طوسی آمده است که در آن عرب‌ها نکوهش شده‌اند؛^۱ به همین دلیل گمان شده عرب‌ها در میان یاران امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف جایگاهی ندارند. از امام صادق علیه السلام نقل شده است:

اتق العرب فإن لهم خبر سوء أما إنه لا يخرج مع القائم منهم واحد، اتق العرب فإن لهم خبر سوء، أما أنه لم يخرج مع القائم منهم واحد؛^۲ از عرب بپرهیز؛ زیرا برای آن‌ها خبر ناگواری است. آگاه باش! که هیچ‌کس از عرب با قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف خروج نخواهد کرد.

پاسخی که به این تعارض داده می‌شود، این است که نباید هر روایتی را بدون تحقیق و مراحل اثبات آن بپذیریم؛ اگرچه روایت از بزرگانی مانند شیخ طوسی و علامه مجلسی نقل شده باشد؛ زیرا همواره شیوه این بزرگواران دقت در وضعیت سند از نظر قوت و ضعف و وضعیت راویان با توجه به وثاقت بوده است. در صورت درست بودن سند باید دید که آیا این روایت با دیگر روایات معارض نیست. بنابراین، باید حدیثی را پذیرفت که هم از سند درست بهره‌مند باشد و هم اینکه حدیث معارض به نحو تواتر نداشته باشد. بعضی از بزرگان مانند شیخ حرّ عاملی در کتاب *اثبات الهداة* برای توجیه تعارض این روایت بیان می‌کند که شاید منظور از عرب‌ها در این روایت، لشکر اولیه حضرت یا کسانی باشد که به حضرت می‌پیوندند و اصالت عربی ندارند.

به هر حال، این روایت را علامه مجلسی به نقل از کتاب *الغیبة* شیخ طوسی آورده است که در سند آن، نام افرادی مانند «موسی‌الآبار» و «اسباط بن سالم» دیده می‌شود که هر دو مجهول‌الحال هستند و هیچ توثیقی ندارند و به همین دلیل، این روایت از نظر توثیق راویان ضعیف است. همچنین با چشم‌پوشی از ضعف سند روایت، باید دقت کرد که این حدیث با احادیثی معارض است که در آن به یاران عرب امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف اشاره شده است که از جمله آن‌ها می‌توان به روایتی اشاره کرد که شیخ طوسی از قول امام باقر علیه السلام نقل می‌کند.^۳

۱. المستدرک حاکم، ج ۴، ص ۲۳۹؛ بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۳۵، ح ۴۰.

۲. الغیبة شیخ طوسی، ص ۴۷۶.

۳. علی اصغر، رضوانی، موعودشناسی، ص ۵۹۳.

در کلام بعضی از بزرگان نیز سخنانی در سرزنش عرب‌ها آمده است که از آن جمله به این سخن امام خمینی در وصیت‌نامه‌اش می‌توان اشاره کرد:

ملت‌های اسلامی و مستضعفان جهان مفتخرند که دشمنان آن‌ها (شاه) حسین اردنی، این جنایت‌پیشه دوره‌گرد، حسن [شاه مراکش] و حسنی مبارک [مصر] هم‌آخور با اسرائیل جنایتکار هستند و در راه خدمت به آمریکا و اسرائیل از هیچ خیانتی به ملت‌های خود روی‌گردان نیستند و ما مفتخریم که دشمن ما صدام عَفَلَقَی [صدام حسین پادشاه سابق عراق] است که دوست و دشمن او را به جنایتکاری و نقض حقوق بین‌المللی و حقوق بشر می‌شناسند و همه می‌دانند که خیانتکاری او به ملت مظلوم عراق و شیخ‌نشینان خلیج کمتر از خیانت به ملت ایران نیست. در این عصر که عصر مظلومیت جهان اسلام به دست آمریکا و شوروی [پیش از تجزیه] و سایر وابستگان به آنان و از آن جمله آل سعود [که به ناحق خود را خادم حرمین شریفین می‌نامند]، این خائنان به حرم بزرگ الهی، لعنة الله و ملائكة و رسله عليهم است، به طور کوبنده یادآوری و لعن و نفرین شود.^۱

باید گفت که منظور امام خمینی همه عرب‌ها نبوده است، بلکه روی سخن ایشان در نکوهش حکومت‌ها، پادشاهان و حاکمان عرب است که مانند بادیه‌نشینان مورد اشاره در آیه پیشین به دلیل جهل و ناآگاهی از حدود و احکام الهی، در عمل، هیچ‌گونه تعبد و تقیدی به اسلام، قرآن و ولایت ندارند. بنابراین، اسلام در وجود آن‌ها جایی ندارد و منافقانه، هم به کافران مستکبر خدمت می‌کنند و هم به منابع فراوان کشورهای اسلامی چشم طمع دوخته‌اند و هرگاه موقعیتی پیدا کنند، با همکاری قدرت‌های مستکبر و صهیونیسم جهانی، علیه مسلمانان متحد می‌شوند. پس نکوهش نایب عام امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، مردم نجیب عرب را در بر نمی‌گیرد، بلکه منظور ایشان این خودفروختگان خائن است.

چنان‌که گفته شد، ایرانیان تنها یاوران مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف نیستند، بلکه براساس

۱. وصیت‌نامه سیاسی-الهی امام خمینی رحمته الله علیه.

روایات، بسیاری از عرب‌های مؤمن و مخلص نیز امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف را یاری می‌دهند. برای نمونه، ابتدا دو روایت درباره یمانی و سپس درباره وزیران، سپاه، معاونان و فرماندهان مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف نقل می‌کنیم:

۱. یمانی که خروج او از علائم پنج‌گانه حتمی ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است، از یمن که کشوری عربی است، به یاری مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌شتابد.^۱

۲. روایت دیگر درباره وزیران، سپاه معاونان و فرماندهان مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف به شرح زیر است:

يَكُونُ أَهْلُ هَمْدَانَ وَزُرَّاءَهُ وَخَوْلَانُ جُنُودَهُ وَحَمِيرَ أَعْوَانَهُ وَمِصْرَ قَوَادِهِ وَيُكَثِّرُ اللَّهُ جَمْعَهُ وَيَشُدُّ ظَهْرَهُ، فَيَسِيرُ بِالْجِيوشِ حَتَّى يَصِيرَ إِلَى الْعِرَاقِ وَالنَّاسِ خَلْقَهُ وَأَمَامَهُ؛^۲ وزیران او از اهل همدان (از شهرهای عراق) و سپاه او از خولان (شمال یمن) و معاونان او از حمیر و فرماندهان او از مصر هستند. خداوند افراد او را بسیار فراوان و پشت او را بسیار محکم می‌گرداند. پس با لشکریان خود به سوی عراق حرکت می‌کند و مردم از جلو و عقب شمع وجودش را در میان می‌گیرند.

۱. پیشگویی درباره رفقا، ابدال (اوتاد)، نجبا و اخیار (عصایب)

اکنون با یقین به حضور عرب‌ها در نهضت جهانی مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، برخی روایات را مرور می‌کنیم. در روایات موجود از یاران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با واژه‌هایی مانند رفقا، ابدال (اوتاد)، نجبا و اخیار (عصایب) یاد شده است که همه آن‌ها وصف یاران صاحب‌الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و عرب‌ها هستند.

۱-۱. رفقا

با توجه به روایات، یاران مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف با واژه «رفقا» وصف شده‌اند که پنجاه نفر آن‌ها اهل کوفه هستند. آنان هنگام ظهور همچون پاره‌های متراکم ابرپاییزی خود را به مکه می‌رسانند و با حضرت بیعت می‌کنند. از برخی روایات معتبر، چنین دریافت می‌شود

۱. بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۲۰۴، ح ۳۴، ص ۲۱۰، ح ۵۲، ص ۲۳۳، ح ۹۹.

۲. يوم الخلاص، ج ۱، ص ۵۲۳؛ الزام الناصب، ص ۲۰۱.

که پنجاه یا هفتاد نفر از ۳۱۳ یار حضرت اهل کوفه هستند.^۱

«رفیق» از ریشه «رفق» و «رفاقت» گرفته شده است که به معنای دوستان همدل، همراز، باصفا و دوستان بزم و رزم است. دوستی آنان چنان محکم است که گویا مانند برادران تنی، همه از یک پدر و مادر هستند؛ چنان‌که در این روایت آمده است: «گویا یک پدر و مادر آنان را پرورش داده است. دل‌های آنان از محبت و خیرخواهی به یکدیگر آکنده است».^۲ این نکته نمایانگر صفا، دوستی و صمیمیت کوفیان با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است.

دقت در معانی و مصداق چنین واژه‌هایی در روایات، باور آن روایات سرزنش‌گونه را دشوار می‌کند. بنابراین، با وجود چنین روایت‌هایی، در صورت درستی سند آن احادیث هم جز توجیه راهی نداریم.

در عنایت و لطف امام زمان به قوم عرب همین بس که حجت بن الحسن و خانواده ایشان، کوفه و مسجد سهله را برای زندگی انتخاب کرده‌اند؛ چنان‌که امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «مسجد سهله، خانه امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است».^۳

۲-۱. ابدال (اوتاد)

از جمله صفاتی که یاران حجت بن الحسن عجل الله تعالی فرجه الشریف در روایات با آن وصف شده‌اند، «ابدال» یا «اوتاد» است. واژه «اوتاد» جمع «وتد» به معنای میخ است؛ چنان‌که خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «وَالْجِبَالُ أَوْتَادًا»^۴ ما کوه‌ها را میخ‌های زمین قرار دادیم.

یاران امام، مردان خالص و دلاوری هستند که چون کوه استوار، در خدمت آن حضرت به سر می‌برند. طریحی در مجمع البحرین در بیان معنای ابدال می‌گوید: «آن‌ها جمعی از صالحان هستند که همواره در زمین به سر می‌برند. وقتی یکی از آن‌ها رحلت کرد، خداوند

۱. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۰۶، ح ۷۹؛ تنبیح المودة، ج ۳، ص ۲۶۴.

۲. محمد، رحمتی شهرضا، هزار و یک نکته پیرامون امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، نکته ۱۱۹۰.

۳. التهذیب، ج ۳، ص ۲۵۲.

۴. نبأ: ۷.

شخص صالح دیگری را به عنوان بدل او می‌گذارد. این‌ها چهل یا هفتاد نفر در شام هستند و یا سی نفر در جای دیگر.^۱ بنابراین، این‌ها مردان خالص، کامل و صالح روی زمین هستند.^۲ همچنین ابراهیم قندوزی در *ینابیع المودة* در تعریف ابدال آورده است:

ابدال، به جمعی از صالحان اعراب اهل شام اطلاق می‌شود که از شام به مکه می‌آیند و به محض ظهور ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف خود را به مکه می‌رسانند و با حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بیعت می‌کنند؛ اینان مردان مخلصی هستند که در روایات به آنان «ابدال» گویند.^۳

در کتاب *شریف الکافی* در وصف ابدال و اوتاد آمده است:

این ابدال یا اوتاد، همان مردان صالح، خالص و سلحشوری هستند که در حکم نگهبانان و جان‌فدایان امام عجل الله تعالی فرجه الشریف هستند و حدود ۴۷ یا سی نفرند که به محض اینکه یکی از آنان از دنیا برود یا شهید شود، دیگری جایگزین آن فرد می‌گردد.^۴

در روایات آمده که آن‌ها اهل کوفه یا از اهالی شامات هستند:

إذا قام قائم اهل محمد جمع الله له اهل المشرق و اهل المغرب فيجتمعون كما يجتمع قزح الخريف؛ فاما الرفقاء فمن اهل الكوفة و اما الأبدال فمن اهل الشام؛^۵ هنگامی که قائم آل محمد عجل الله تعالی فرجه الشریف قیام می‌کند، خداوند اهل شرق و غرب را برای او جمع می‌کند. آنان مانند ابر متراکم پاییزی گرد می‌آیند؛ پس رفقا از کوفه و ابدال از شام هستند.

۳-۱. نجبا

صفت دیگری که روایات، یاران حضرت را با آن وصف کرده‌اند، «نجبا» است. «نجبا» جمع «نجیب» و به معنای انسان‌های اصیل، پاک‌سرشت و جوانمرد است. نجبا نیز

۱. فخرالدین بن محمد، طریحی، مجمع البحرین، ج ۲، ص ۱۲۳.

۲. هزار و یک نکته پیرامون امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، ۱۱۶۵-۱۱۶۶.

۳. ینابیع المودة، ج ۳، ص ۲۶۴.

۴. اصول کافی، کتاب الحجة، باب فی الغیبة، ح ۱۶.

۵. الأمالی، ص ۳۰؛ منتخب الأثر، ص ۵۹۷، ح ۱؛ علی بن حسن ابن عساکر، تاریخ دمشق، ج ۱، ص ۶۲؛ بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۴۷.

از میان عرب‌ها و از اهالی سرزمین مصرند. آنان از یاران امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف هستند و در روایات به آنان نجباء، یعنی افراد پاک سرشت و نجیب گویند.^۱ در روایت وارد شده است: «فیخرج النجباء من مصر رهبان باللیل لیوث بالنهار کان قلوبهم زبر الحديد»^۲ نجبا از مصر بیرون می‌آیند. آنان راهبان شب و شیران روز هستند و دل‌هایشان چون فولاد سخت است».

۴-۱. اخیار (عصایب)

«عصایب»، ویژگی دیگری است که یاران حضرت در احادیث با آن توصیف شده‌اند. «اخیار»، به معنای نیکان و صالحان و بهترین‌هاست و «عصایب» جمع «عصبه» به معنای جوانمردان رشید و نیرومند است. این نیکان صالح و جوانمردان رشید و دلاور از یاران و مشتاقان امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف هستند.

«اهالی عراق از جمله کسانی هستند که به محض ظهور حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف از عراق به مکه می‌روند و با حضرت بیعت می‌کنند. به اینان در بیان روایات "عصایب" یا "اخیار" گویند».^۳ «فیخرج عصایب العراق رهبان باللیل لیوث بالنهار»^۴ عصایب از عراق خروج می‌کنند که راهبان شب و شیران روز هستند».

شیخ طوسی در حدیثی از جابر جعفی آورده که امام باقر عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌فرماید:

یَبَايِعُ الْقَائِمُ بَيْنَ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ ثَلَاثَ مِئَةٍ وَنِيفٍ، عِدَّةَ أَهْلِ بَدْرٍ فِيهِمُ النَّجَبَاءُ مِنْ أَهْلِ مِصْرَ وَالْأَبْدَالُ مِنْ أَهْلِ الشَّامِ، وَالْأَخْيَارُ مِنْ أَهْلِ الْعِرَاقِ، فَيَقِيمُ مَا شَاءَ اللَّهُ أَنْ يَقِيمَ؛^۵ سیصد و اندی نفر که به تعداد اهل بدر هستند، بین رکن و مقام با قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف بیعت می‌کنند. در میان آن‌ها نجیبانی از مصر، ابدال از شام و برگزیدگانی (اخیری) از عراق هستند و آن حضرت هر قدر که خداوند

۱. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۴۷.

۲. إختصاص، ص ۲۰۸.

۳. بحار الأنوار، ج ۵۹، ص ۳۴۷.

۴. إختصاص، ص ۲۰۸؛ بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۰۴.

۵. الغيبة طوسی، ص ۳۰۸؛ بحار الأنوار، ج ۲، ص ۳۳۴، ح ۶۴؛ ينابيع المودة، ج ۳، ص ۲۲۰.

بخواهد، خلافت می‌کند.

۲. موقعیت خاص عراق و کوفه

سؤال قابل توجه این است که: چرا امام زمان عجل الله تعالی فرجه مرکز حکومت خود را عراق (کوفه) قرار می‌دهد؟ کوفه چه ویژگی‌ای دارد که حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه با وجود همه بی‌وفایی‌های مردم آن در طول تاریخ، پس از ظهور خود، این شهر را محل حکومت خود قرار می‌دهد؟

پاسخ‌های احتمالی به این سؤال چنین است:

اول: ممکن است منظور از کوفه در روایات، منطقه‌ای وسیع‌تر از شهر فعلی کوفه باشد؛ به‌گونه‌ای که شامل نجف، اطراف آن و حتی کربلا هم بشود؛ زیرا هنگام ظهور که مردم از سراسر جهان به سوی حکومت جهانی حضرت به مرکزیت کوفه حرکت می‌کنند، طبیعی است که وسعت این شهر بیش از اندازه کنونی باشد؛ چنان‌که در روایتی درباره گستردگی و شکوه وصف‌ناشدنی کوفه آمده است: «در آن زمان قطر کوفه ۵۴ میل (در حدود ۱۱۰ کیلومتر) است»^۱.

دوم: انتخاب کوفه به عنوان مرکز حکومت حضرت به اراده و دستور خداوند است. براساس مصلحت الهی آغاز قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه از مکه است و سپس به مدینه و شهرهای دیگر گسترش می‌یابد و در نهایت کوفه (مسجد کوفه) مرکز حکومت و مسجد سهله محل سکونت خانواده حضرت قرار می‌گیرد.

سوم: با وجود اینکه اسرار و حکمت‌های الهی درباره این شهر را نمی‌دانیم، به هر حال از برخی روایات چنین برمی‌آید که گویا کوفه شرافت و قداست ویژه‌ای دارد و خدای تعالی این شهر را از آغاز تا پایان، مقدس قرار داده است.

چهارم: برخی روایات عصر ظهور، نشان‌دهنده آن است که هنگام ظهور، هفتاد هزار نفر از لشکریان ستمگر سفیانی به این شهر حمله می‌کنند و همه مردم این شهر را می‌کشند یا به اسارت می‌برند: «وَيَدْخُلُ جَيْشُ السُّفْيَانِيِّ إِلَى الْكُوفَةِ فَلَا يَدْعُونَ أَحَدًا إِلَّا قَتَلُوهُ؛ لشکر

سفیانی به کوفه وارد می‌شوند و هرکسی را ببینند، می‌کشند».

به همین دلیل، با فرض پذیرش بی‌وفایی مردم کوفه در طول تاریخ پس از این شرایط، مردم این شهر یا بر اثر ظلم و ستم سفیانی تغییر کرده‌اند و دیگر بی‌وفا نیستند و یا اینکه اگر هم بی‌وفا باشند، قدرت رویارویی با سیل خروشان یاران جان‌فشان امام را ندارند و چه بسا آنان نیز به مرحمت وجود حجت بن الحسن عجل الله تعالی فرجه الشریف هدایت شوند.

افزون بر این، براساس احادیث موجود، ساکنان کوفه هنگام ورود حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به این شهر، فقط مردم قبلی آن نیستند، بلکه یاران چند هزار نفری و شیفتگان ایشان نیز هستند که از نقاط گوناگون جهان به کوفه وارد می‌شوند. در روایتی از امیرمؤمنان علیه السلام نقل شده است: «إذا دخل القائم الكوفة لم يبق مؤمن إلا وهوبها أويجيء إليها؛ هنگامی که قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف به کوفه وارد شود، همه مؤمنان یا در آنجا (کوفه) هستند و یا به سوی آن عزیمت می‌کنند».

ضمن آنکه نسبت دادن صفت بی‌وفایی برخی مردم دوران گذشته به مردم همه زمان‌ها، تعمیم و نسبت ناروایی است؛ به همین دلیل، امامان معصوم علیهم السلام از گذشته‌های دور برای تغییر این دیدگاه، به روشنگری درباره کوفه پرداخته‌اند.

پنجم: ممکن است انتخاب کوفه با توجه به موقعیت جغرافیایی و سوق‌الجیشی آن باشد؛ زیرا عراق از موقعیت استراتژیکی خاصی برخوردار است؛ از یک سو، به سوریه و فلسطین و از سویی دیگر، به سرزمین حجاز و از طرفی به ایران، ترکیه، مصر، اردن، کشورهای شوروی سابق و خلیج فارس نزدیک است. این کشور قابلیت مرکزیت حکومت جهانی را دارد و به این وسیله مسلمانان به راحتی به امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف دسترسی می‌یابند. بنابراین، مردم عرب نیز از یاران، یاوران و مشتاقان امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف هستند و آنان نیز چونان بقیه مردم دنیا به یاری امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌شتابند و از زمینه‌سازان و مشتاقان ظهور حضرت به شمار می‌روند.

۳. عظمت شهر کوفه در روایات

روایات فراوانی درباره بزرگداشت شهر کوفه و مساجد آن وجود دارد که در ادامه برخی

از آن‌ها را بررسی می‌کنیم.

۱-۳. کوفه، باغی از باغ‌های بهشت

ابوبصیر در یک حدیث تقریباً طولانی از امام باقر علیه السلام نقل می‌کند: «نِعْمَ الْمَسْجِدُ مَسْجِدُ الْكُوفَةِ وَوَسْطُهُ رَوْضَةٌ مِنْ رِيَاضِ الْجَنَّةِ؛ مسجد کوفه، خوب مسجدی است و در وسط مسجد کوفه باغی از باغ‌های بهشت است».

۲-۳. کوفه، «طور سینین»

از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره معنا و تأویل واژه «طور سینین» در سوره تین پرسیدند؛ ایشان، شهر کوفه را مصداق آن دانست و فرمود:

إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى اخْتَارَ مِنَ الْبُلْدَانِ أَرْبَعَةً فَقَالَ عَزَّوَجَلَّ وَالتَّيْنِ وَالزَّيْتُونِ وَطُورِ سَيْنِينَ وَهَذَا الْبَلَدِ الْأَمِينِ فَالَّتَيْنِ الْمَدِينَةُ وَالزَّيْتُونُ بَيْتُ الْمُقَدِّسِ وَطُورُ سَيْنِينَ الْكُوفَةُ وَهَذَا الْبَلَدُ الْأَمِينُ مَكَّةُ؛^۱ خدای تبارک و تعالی از هر چیز چهار شماره برگزید، خداوند می‌فرماید: «سوگند به تین و زیتون و طور سینین و این بلد امین» پس مقصود از تین مدینه، از زیتون بیت المقدس و از طور سینین کوفه و از بلد امین مکه است.

۳-۳. حشر هفتاد هزار نفر در روز قیامت از مسجد کوفه بدون حسابرسی

ابراهیم بن محمد ثقفی در کتاب *الغارات* از حبه عنری و میثم تمار نقل می‌کند:

جَاءَ رَجُلٌ إِلَى عَلِيٍّ عليه السلام فَقَالَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ إِنِّي تَزَوَّدْتُ زَادًا وَابْتَعْتُ رَاحِلَةً وَقَضَيْتُ شَأْنِي يَغْنَى حَوَائِجِي فَأَرْجُو أَنْ أَجِي إِلَى بَيْتِ الْمُقَدِّسِ فَقَالَ لَهُ كُلُّ زَادِكَ وَبِعْ رَاحِلَتَكَ وَ عَلَيْكَ بِهَذَا الْمَسْجِدِ يَغْنَى مَسْجِدَ الْكُوفَةِ فَإِنَّهُ أَحَدُ الْمَسَاجِدِ الْأَرْبَعَةِ... وَيَحْشُرُ مِنْهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ سَبْعُونَ أَلْفًا لَا عَلَيْهِمْ حِسَابٌ وَلَا عَذَابٌ؛^۲ مردی نزد امام علی علیه السلام

۱. اصول کافی، ج ۳، ص ۴۹۱، ج ۱، ص ۴۹۲، ح ۲ و ص ۴۹۳، ح ۹؛ محمد بن محمد، شیخ مفید، کتاب المزار، ص ۹؛ بحار الأنوار، ج ۹۷، ص ۳۸۹-۳۹۱، در جای دیگر آمده است: «و وَسْطُهُ عَلَى رَوْضَةٍ مِنْ رِيَاضِ الْجَنَّةِ» (الغارات، ج ۲، ص ۴۱۵)؛ مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۴۰۸.

۲. معانی الأخبار، ص ۳۶۵، ح ۱؛ خصال، ج ۱، ص ۲۲۵، ح ۵۸؛ وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۳۶۱؛ بحار الأنوار، ج ۵۷، ص ۲۰۵، ح ۲.

۳. الغارات، ج ۲، ص ۴۱۵؛ وسائل الشیعة، ج ۳، ص ۱۶۱؛ مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۴۰۸؛ حسن بن

آمد و عرض کرد: من زاد و توشه خودم را جمع و مرکبی تهیه کرده‌ام و عازم بیت المقدس هستم. امیرمؤمنان فرمود: توشه‌ات را بگیر، مرکبت را بفروش، هرگز از این مسجد جدا مشو که این مسجد یکی از چهار مساجد برگزیده است. ... هفتاد هزار نفر در روز قیامت از مسجد کوفه محشور می‌شوند که حساب و عذابی ندارند.

۳-۴. کوفه، خانه، عبادتگاه و قبر پیامبران الهی و مصلاهی مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریک

کوفه عبادتگاه و مزار پیامبران الهی و مصلاهی مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریک است. حضرت علی علیه السلام به یارانش می‌فرمود: «فَلْيُوعَلِّمُوا النَّاسَ مَا فِيهِ مِنَ الْبَرَكَةِ لَا تَوَدُّ مِنْ أَقْطَارِ الْأَرْضِ وَلَوْ حَبَوُا عَلَى الثَّلْجِ؛ اگر مردم می‌دانستند مسجد کوفه چه برکاتی دارد، از دورترین نقطه عالم به سوی آن می‌آمدند؛ هرچند کشان‌کشان روی برف باشد».

امام در آغاز همین حدیث درباره مسجد کوفه فرمود:

عَنِ الْأَصْبَغِ بْنِ نُبَاتَةَ قَالَ: بَيْنَا نَحْنُ ذَاتَ يَوْمٍ حَوْلَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام فِي الْمَسْجِدِ الْكُوفِيِّ إِذْ قَالَ يَا أَهْلَ الْكُوفَةِ لَقَدْ حَبَّأَكُمْ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِمَا لَمْ يَحُبُّ بِهِ أَحَدًا فَفَضَّلَ مُصَلَّاكُمْ وَهُوَ بَيْتُ آدَمَ وَبَيْتُ نُوحٍ وَبَيْتُ إِبْرَاهِيمَ وَبَيْتُ إِبْرَاهِيمَ الْخَلِيلِ وَ مُصَلَّى أَخِي الْخَضِرِ عليه السلام وَ مُصَلَّى وَإِنْ مَسْجِدَكُمْ هَذَا أَحَدُ الْأَرْبَعَةِ الْمَسَاجِدِ الَّتِي اخْتَارَهَا اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لِأَهْلِهَا وَكَأَنِّي بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِي ثَوْبَيْنِ أَبْيَضَيْنِ شَبِيهٍ بِالْمُحَرَّمِ يَشْفَعُ لِأَهْلِهِ وَلِمَنْ صَلَّى فِيهِ فَلَا تُرَدُّ شَفَاعَتُهُ وَلَا تَذْهَبُ الْأَيَّامُ حَتَّى يَنْصَبَ فِيهِ الْحَجَرُ الْأَسْوَدُ وَلِبَاتَيْنِ عَلَيْهِ زَمَانٌ يَكُونُ مُصَلَّى الْمَهْدِيِّ مِنْ وَلَدِي وَ مُصَلَّى كُلِّ مُؤْمِنٍ وَلَا يَبْقَى عَلَى الْأَرْضِ مُؤْمِنٌ إِلَّا كَانَ بِهِ أَوْ حَنَّ قَلْبُهُ إِلَيْهِ فَلَا تَهْجُرُوهُ وَتَقَرَّبُوا إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ بِالصَّلَاةِ فِيهِ؛^۱ اصبغ بن نباته از امیرمؤمنان علی علیه السلام نقل می‌کند: حضرت در خطبه‌ای طولانی، ویژگی‌های مسجد کوفه را چنین بر می‌شمارد و می‌فرماید: ای اهل کوفه! خداوند به شما نعمت‌هایی

محمد، دیلمی، إرشاد القلوب، ج ۱، ص ۱۸۵؛ بحار الأنوار، ج ۸۰، ص ۳۵۹؛ به همین مضمون درباره زاد و توشه، کتاب المزار، ص ۷. «رواة أنس بن مالك عنه ص يدخل الجنة من أمتي سبعون ألفاً بلا حساب عليهم ولا عذاب ثم التفت إلى علي عليه السلام فقال هم شيعتك وأنت إمامهم» (إعلام الوری، ص ۱۶۰).

۱. أمالی صدوق، ص ۲۲۸، المجلس الأربعون؛ روضة الواعظین و بصيرة المتعظین، ج ۲، ص ۳۳۷.

۲. همان.

عطا فرموده که به هیچ کس عطا نکرده است. از برتری محل برگزاری نماز شما این است که اینجا خانه آدم، خانه نوح، خانه ادریس، عبادتگاه حضرت ابراهیم خلیل و عبادتگاه برادرش حضرت خضر علیه السلام بود و امروز محل عبادت و مناجات من است و زمانی محل عبادت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و هر مؤمنی است. زمانی فرامی‌رسد که مسجد کوفه محل برگزاری نماز حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از تبار من و محل عبادت هر مؤمن می‌شود. هیچ مؤمنی بر روی زمین نمی‌ماند، جز اینکه به این مسجد بیاید یا قلبش برای این مسجد پر بزند. پس، از این شهر مهاجرت نکنید و با تقرب به خداوند در مسجد کوفه نماز بخوانید.

۵-۳. کوفه (نجف) حرم امیرمؤمنان علیه السلام

شیخ طوسی در حدیثی که سند آن به عاصم بن عبدالواحد المدائنی می‌رسد، به نقل از امام صادق علیه السلام آورده است: «مكة حرم إبراهيم عليه السلام والمدينة حرم محمد عليه السلام والكوفة حرم علي بن أبي طالب عليه السلام؛ مکه حرم ابراهیم و مدینه حرم نبوی و کوفه حرم علی علیه السلام است».

۶-۳. مسجد کوفه، محل استجابت دعا و رفع حوائج

در حدیثی درباره اهمیت معنوی مسجد کوفه آمده است که امیرمؤمنان علیه السلام دست بر سینه نهاد و فرمود: «مَا دَعَا فِيهِ مَكْرُوبٌ بِمَسْأَلَةٍ فِي حَاجَةٍ مِنَ الْحَوَائِجِ إِلَّا أَجَابَهُ اللَّهُ وَ فَرَّجَ عَنْهُ كَرْبَهُ؛ هیچ غم‌زده‌ای در این مسجد حاجتی از حاجت‌های خود را از خدا درخواست نمی‌کند، جز اینکه خداوند او را حاجت‌روا می‌کند و اندوهش را می‌زداید».

۷-۳. مسجد کوفه برتر از مسجد اقصی

سلام حناط نقل می‌کند: مردی از امام صادق علیه السلام درباره بافضیلت‌ترین مسجد در میان مساجد چهارگانه پرسید؟ حضرت پاسخ داد: «مسجد الكوفة أفضل منه؛ مسجد

۱. أمالی طوسی، ص ۶۷۲، ش ۱۴۱۶-۲۳.

۲. اصول کافی، ج ۳، ص ۴۹۲، ح ۲؛ کامل الزیارات، الباب الثامن فضل الصلاة في مسجد الكوفة و مسجد سهلة و ثواب ذلك، ص ۳۳؛ اصول کافی، ج ۳، باب فضل المسجد الأعظم بالكوفة و فضل الصلاة فيه و المواضع المحبوبة فيه، ص ۴۹۲.

۳. تفسیر العیاشی، ج ۲، ص ۲۷۹، ح ۱۳؛ بحار الأنوار، ج ۹۷، ص ۴۰۵، ح ۶۲.

کوفه از مسجد بیت المقدس (مسجد اقصی) برتر است».

۸-۳. فضیلت مسجد کوفه

حماد بن زید حارثی می‌گوید: نزد امام صادق علیه السلام بودم. مردی درباره کوفه سؤال کرد و حضرت فرمود:

اِنَّهُ فَلَوْ يَعْلَمُ النَّاسُ مَا فِيهِ لَآتَوْهُ وَلَوْ حَبَوًّا وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَوُيَعْلَمُ النَّاسُ مِنْ فَضْلِهِ مَا اَعْلَمُ لَازِدَحَمُوا عَلَيَّ! آنجا برو که اگر مردم آنچه را در آن است، می‌دانستند، اگرچه چهار دست و پا، به آن روی می‌آوردند. سوگند به خدایی که جانم در دست اوست! اگر مردم از فضیلت این مسجد آنچه را من می‌دانم، می‌دانستند، در آن ازدحام می‌کردند.

۹-۳. پاداش صدبرابری صدقه و نماز در کوفه

در روایتی از امام صادق علیه السلام نقل شده است: «یک درهم انفاق در کوفه با صد درهم انفاق در غیر کوفه برابر است و دو رکعت نماز خواندن در کوفه برابر با صد رکعت نماز در غیر آن به شمار می‌آید».^۱

امام صادق علیه السلام در یک روایت دیگر در فضیلت مسجد کوفه می‌فرماید:

ان الصلاة المكتوبة فيه لتعدل ألف صلاة. وان النافلة فيه لتعدل خمس مائة صلاة وان الجلوس فيه بغير تلاوة ولا ذكر لعبادة^۲ یک نماز واجب در آن، معادل با هزار نماز در جاهای دیگر است و یک نماز نافله در آن، مساوی با پانصد نمازی است که در اماکن دیگر خوانده شود و نشستن در آنجا بدون ذکر و تلاوت قرآن پاداش عبادت را دارد.

۱۰-۳. ولایت‌پذیری کوفیان

با وجود سرزنش بی‌وفایی کوفیان از سوی امیرمؤمنان علیه السلام، امام صادق علیه السلام ولایت‌پذیری

۱. کتاب المزار، ص ۹؛ بحار الأنوار، ج ۹۷، ص ۳۹۵، ح ۳۰.

۲. کتاب المزار، ص ۹؛ سفينة البحار، ج ۷، ص ۵۴۳، به نقل از کامل الزیارة.

۳. اصول کافی، ج ۳، ص ۴۹۱؛ أمالی طوسی، ج ۲، ص ۴۲۹؛ روضة الواعظین، ج ۲، ص ۴۱۰؛ الغارات، ج ۲، ص ۴۱۳؛ کتاب المزار، ص ۲۱؛ المزار الكبير، ص ۱۲۳؛ تهذیب، ج ۳، ص ۲۵۰؛ أمالی صدوق، ص ۳۱۵؛ المحاسن، ج ۱، ص ۱۲۸؛ جامع الأخبار، ص ۸۲؛ کامل الزیارات، ص ۲۸؛ بحار الأنوار، ج ۱۰۰، ص ۳۹۱.

ایشان را این‌گونه می‌ستاید. محمد حَلَبی از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام نقل می‌کند: «إِنَّ اللَّهَ عَرَضَ وَلَايَتَنَا عَلَى أَهْلِ الْأَمْصَارِ فَلَمْ يَقْبَلْهَا إِلَّا أَهْلُ الْكُوفَةِ؛ ولایت ما بر آسمان‌ها، زمین، کوه‌ها و شهرها عرضه شد و هیچ کدام ولایت ما را چون اهل کوفه قبول نکردند».

۱۱-۳. مسجد کوفه مقر حکومت و قضاوت مهدی عَلَيْهِ السَّلَام

مُفَضَّل بن عمرو، یکی از یاران صدیق امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام نقل می‌کند: از حضرت درباره محل حکومت و قضاوت مهدی موعود عَلَيْهِ السَّلَام پرسیدم، ایشان فرمود: «دَارُ مُلِكِهِ الْكُوفَةُ وَمَجْلِسُ حُكْمِهِ جَامِعُهَا؛ مرکز حکومت او، کوفه و مرکز قضاوت او، مسجد کوفه است».

۱۲-۳. کوفه منزل و محل سکونت مهدی عَلَيْهِ السَّلَام

در برخی از روایات چنین آمده است: «مهدی موعود عَلَيْهِ السَّلَام پس از ظهور در مکه، با یارانش به کوفه تشریف می‌برد و منزل و محل زندگی خود را کوفه قرار می‌دهد».^۱

۱۳-۳. مسجدی با هزار در از کوفه تا کربلا

مُفَضَّل می‌گوید: از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام شنیدم که فرمود:

إِذَا قَامَ قَائِمُ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَام بَنَى فِي ظَهْرِ الْكُوفَةِ مَسْجِدًا لَهُ أَلْفُ بَابٍ وَاتَّصَلَتْ بُيُوتُ الْكُوفَةِ بِتَهْرِ كَرْبَلَاءَ؛ هنگامی که قائم آل محمد عَلَيْهِ السَّلَام قیام کند، در پشت کوفه مسجدی تأسیس می‌کند که هزار در دارد و خانه‌های کوفه به دو رود کربلا متصل می‌شود.

۱۴-۳. کشته شدن ابلیس در مسجد کوفه

در روایتی از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام نقل شده است که امام عصر عَلَيْهِ السَّلَام ابلیس را در مسجد کوفه گردن می‌زند:

قَالَ سَأَلْتُهُ عَنْ إِنْظَارِ اللَّهِ تَعَالَى إِبْلِيسَ وَقَتًا مَعْلُومًا ذَكَرَهُ فِي كِتَابِهِ فَقَالَ فَإِنَّكَ

۱. محمد بن حسن، صفار، بصائر الدرجات، ص ۷۶، ح ۱؛ بحار الأنوار، ج ۵۷، ص ۲۰۹، ح ۱۰.

۲. بحار الأنوار، ج ۵۳، باب ۲۸، ص ۱۱.

۳. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۲۴؛ منتخب الأثر، ص ۴۸۸.

۴. الإرشاد، ج ۲، ص ۳۸۰؛ إعلام الوری، ص ۴۶۰؛ الفصل الثالث؛ الصراط المستقیم، ج ۲، ص ۲۵۱؛ کشف الغمّة، ج ۲، باب ذکر علامات قیام القائم عَلَيْهِ السَّلَام ومدة، ص ۴۶۳؛ بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۳۷، ح ۷۶.

مِنَ الْمُنْظَرِينَ إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ قَالَ الْوَقْتُ الْمَعْلُومُ يَوْمُ قِيَامِ الْقَائِمِ فَإِذَا بَعَثَهُ اللَّهُ كَانَ فِي مَسْجِدِ الْكُوفَةِ وَجَاءَ إِبْلِيسُ حَتَّى يَجْثُو عَلَى رُكْبَتَيْهِ فَيَقُولُ يَا وَيْلَاهُ مِنْ هَذَا الْيَوْمِ فَيَأْخُذُ بِنَاصِيَتِهِ فَيَضْرِبُ عُنُقَهُ فَذَلِكَ يَوْمُ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ مُنْتَهَى أَجَلِهِ؛ خداوند ابلیس را تا روز خروج قائم ما مهلت داده است. هنگامی که خداوند قائم ما را ظاهر می‌کند، در مسجد کوفه خواهد بود. پس ابلیس به حضورش می‌آید و در برابر حضرت زانو می‌زند و می‌گوید: ای وای براو از چنین روزی! پس او را با دست قدرت می‌گیرد و گردنش را می‌زند؛ آن روز همان وقت معلوم است.

۱۵-۳. مسجد کوفه محل ساختن کشتی نوح و فوران آب

داستان حضرت نوح ع و ساختن کشتی، از داستان‌هایی است که در قرآن به آن اشاره شده است؛ به این صورت که نوح ع پس از ۹۵۰ سال پیامبری، از خداوند درخواست کرد تا کافران را از زمین بردارد. پس از آن نوح ع به فرمان خداوند ساختن کشتی را در محل مسجد کوفه آغاز کرد. قوم نوح ع تمسخرگونه به او می‌گفتند: باید کشتی را در ساحل بسازی، نه در خشکی، ولی او در پاسخ، آنان را به امر خداوند متعال راهنمایی می‌کرد. به هر حال پس از آماده شدن کشتی، از تنوری که در همان نزدیکی و محل کنونی مسجد کوفه بود، به امر الهی آب فراوانی جوشید.

امام صادق ع می‌فرماید: «فَعَمِلَ نُوحٌ سَفِينَتَهُ فِي مَسْجِدِ الْكُوفَةِ بِيَدِهِ، فَأَتَى بِالْخَشَبِ مِنْ بُعْدِ حَتَّى فَرَّغَ مِنْهَا؛ حضرت نوح ع بر زمین همین مسجد کشتی خود را ساخت و از تنور مسجد کوفه که در زاویه راست آن است، آب از تنور جوشید».

در تفسیر البرهان و در اصول کافی از ابو عبیده الحذاء از امام باقر ع درباره مسجد کوفه نقل شده است: «مسجد الكوفة فيه فار التنور، ونجرت السفينة، وهوسة بابل، و مجمع الأنبياء؛ از تنور مسجد کوفه آب جوشید، کشتی آنجا ساخته شد، آنجا ناف بابل و محل اجتماع پیامبران است».

۱. تفسیر العیاشی، ج ۲، ص ۲۴۲، ح ۱۴؛ منتخب الأنوار المضيئة، ص ۲۰۳؛ بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۷۷، ح ۱۷۸.

فصل دهم

ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در منابع اهل سنت

مقدمه

شیعه و سنی ظهور مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف را پذیرفته است و همه فرقه‌های اسلامی آن را امری قطعی می‌دانند. عالمان بزرگ اهل سنت براساس همین باور درست اسلامی، از هزار سال پیش تاکنون کتاب‌های فراوانی در این باره نوشته‌اند. اهل تسنن نیز با این فرهنگ و باور بزرگ شده و زندگی کرده‌اند.

شهید مطهری در سال‌های پیش از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، درباره یکی از قاریان معروف حجاز، شیخ خلیل الرحمن که مسئولان حسینیّه ارشاد هر ساله از او برای قرائت قرآن دعوت می‌کردند، چنین می‌گوید: «ایشان دائماً از انتظار و ظهور حجت بن الحسن العسکری عجل الله تعالی فرجه الشریف سخن می‌گفت»؛^۱ این، داستان بیشتر اهل سنت است. برادران اهل سنت بر این باورند که مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف از نسل پیامبر خدا صلی الله علیه و آله، حضرت فاطمه علیها السلام^۲ و از نسل امام حسین علیه السلام^۳ است و در آخر الزمان ظهور می‌کند و جهان را

۱. مجموعه آثار شهید مطهری، ج ۱۸، ص ۱۶۲.

۲. سنن ابی داود، ج ۲، ص ۴۲۲؛ سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۳۶۸، ح ۴۰۸۶.

۳. مسند احمد، ج ۳، ص ۳۶، ۲۸ و ۷۰؛ سنن ابی داود، ج ۲، ص ۴۲۲؛ منابع الموده، ج ۳، ص ۳۸۴.

همان‌گونه که از ظلم و جور پر شده است، از عدل و داد لبریز می‌کند. پیشگویی درباره ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در منابع اهل سنت نیز مانند منابع شیعی وجود دارد؛ چراکه ایشان نیز اهتمام ویژه‌ای به گردآوری احادیث رسول خاتم صلی الله علیه و آله و نگارش کتاب درباره آخرالزمان و مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف داشته‌اند، اما کسانی نادانسته یا با غرض ورزی وانمود می‌کنند که اعتقاد به مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف مخصوص شیعیان است و اهل سنت به این موضوع اعتقادی ندارند.

بزرگان اهل سنت در بسیاری از منابع بر بیان این مسئله از سوی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تأکید داشته و موضوع ظهور مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف را اصیل می‌دانسته‌اند. ایشان بر این اساس، حتی به ضروری بودن ایمان به مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف فتوا داده‌اند و آن را از ضروریات دین برشمرده و انکارش را سبب خروج از دین دانسته‌اند. شیخ سلیمان قندوزی حنفی، در کتاب *ینایع المودة* از کتاب *فرائد السمطين* از جابر بن عبدالله انصاری از رسول اسلام صلی الله علیه و آله نقل می‌کند: «من أنکر خروج المهدی فقد کفر بما أنزل علی محمد صلی الله علیه و آله؛ هر که ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را انکار کند، به آنچه بر محمد صلی الله علیه و آله نازل شده، کفر ورزیده است». احادیث مربوط به مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف در کتاب‌های اهل سنت فقط به صورت کلی بیان نشده، بلکه در بسیاری از موارد به جزئیاتی مانند نام قبیله، نام پدر بزرگ، شباهت داشتن به رسول الله، از نسل فاطمه علیها السلام بودن و از فرزندان امام حسین علیه السلام بودن نیز اشاره شده است. در برخی از موارد حتی نشانه‌های ظهور، مکان ظهور، محل بیعت و تعداد یاران ایشان نیز بیان شده است.

ممنوعیت بیان حدیث در میان اهل سنت

مطلب مهمی که باید به آن توجه شود، این است که تدوین حدیث نزد اهل سنت با مشکلاتی مانند ممنوعیت نقل حدیث روبه‌رو بوده که از سوی حکومت‌های وقت انجام می‌شد، اما شیعیان پس از رسول خدا صلی الله علیه و آله همه احادیث حضرت را از قول امیرمؤمنان علیه السلام و ائمه هدی علیهم السلام به راحتی نقل و جمع‌آوری می‌کردند. منشأ این تفاوت، دو اتفاق مهم

حکومتی بود:

۱. منع نقل حدیث: ممنوع شدن نقل، نوشتن و حتی گوش دادن به احادیث پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که با دستور و ابلاغ بخشنامه خلیفه اول و دوم انجام شد و حتی پس از فوت آن دو نیز ادامه پیدا کرد و صد سال به طول انجامید.

۲. جریان «قصاصون»: در این جریان، عالمان مسیحی و یهودی تازه مسلمان، در مسجد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله جمع می شدند و مسلمانان به دورشان حلقه می زدند و در نبود سخنان رسول خدا صلی الله علیه و آله، قصه اسطوره های یهودی تورات را به زندگی مردم وارد می کردند. «حمیریان» یهودی، اولین واسطه چنین اهدافی بودند و در رأس این قصاصون، کعب بن ماتح، معروف به کعب الأحبار قرار داشت. اینان بسیاری از روایت ها، قصه ها و مفاهیم متعلق به تعالیم یهود (بنی اسرائیل) و مسیحیت (نصاری) را به اسم احادیث پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به مردم می آموختند؛ به این نوع احادیث جعلی «اسرائیلیات» می گویند.

عبدالله بن سلام، کعب الأحبار، محمد بن کعب القرظی، وهب بن منبه، تمیم بن اوس الداری، عبدالملک بن عبدالعزیز بن جریح، عبدالله بن عمرو بن العاص و ابوهریره را می توان از جمله مهم ترین نقل کنندگان اسرائیلیات برشمرد.^۱ جریان منع حدیث تا زمان عمر بن عبدالعزیز، هشتمین خلیفه از خلفای اموی، یعنی تا سال ۹۹ هجری قمری ادامه داشت. اگرچه از زمان این خلیفه، پیگیری قضایی حکومت درباره منع نقل حدیث برداشته شد، ولی جریان قصاصون همچنان با قوت ادامه پیدا کرد و عجیب تر آنکه در قرن دوم هجری، جاعلان حدیث برای همه قصه های جعلی سند ساختند و سلسله آن را به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله رساندند. به همین دلیل، متأسفانه این اسرائیلیات در معتبرترین

۱. اسماعیل بن عمر، ابن کثیر، البدایه و النهایه، ج ۱، ص ۴۸، ۱۵۹ و ۳۱۱ و ج ۲، ص ۱۳ و ۲۹۹؛ علی بن محمد، ابن اثیر، اسد الغابه، ج ۳، ص ۱۶۰-۱۶۱؛ علی بن حسین، مسعودی، مروج الذهب، ج ۲، ص ۶۰-۶۲ و ۱۱۳-۱۱۴؛ علی بن حسین، مسعودی، التنبيه و الاشراف، ص ۸۲؛ نصر بن محمد، سمرقندی تنبيه الغافلين، ص ۱۹-۲۰ و ۱۴۱؛ بحار الأنوار، ج ۵۷، ص ۲۴۱-۲۵۱؛ عبدالحسین، آمینی، الغدير، ج ۷، ص ۳۷۴ و ج ۸، ص ۴۹۲؛ ابراهیم بن منصور، نیشابوری، قصص الانبياء، ص ۱۸-۲۴ و ۱۴۴؛ محمد بن اسحاق، ابن ندیم، الفهرست، ص ۱۰۲؛ احمد بن محمد، ابن خلکان وفيات الأعيان، ج ۵، ص ۸۸۵؛ میزان الاعتدال، ج ۴، ص ۳۵۲؛ محمد بن احمد، ذهبی، سير اعلام النبلاء، ج ۴، ص ۵۴۴؛ جعفر مرتضی، عاملی، الصحيح من السيرة، ج ۱۶، ص ۱۰۶.

کتاب‌های برادران اهل سنت (صحیح بخاری و صحیح مسلم) وجود دارد.

۱. مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف در کتاب‌های اهل سنت

با وجود وقفه‌ای که در نوشتن کتاب‌های حدیثی اهل سنت اتفاق افتاد، از قرن دوم هجری به بعد، تألیف و نگارش احادیث، از جمله در موضوع مهدویت آغاز شد و تاکنون نیز درباره وجود مبارک مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و ظهور آن حضرت کتاب‌های فراوانی نوشته شده است.

عالمان اهل سنت احادیثی را در این کتاب‌ها گردآوری کرده‌اند که در صدها منبع معتبر حدیثی سنی و شیعی وجود دارد و در کتاب‌های معتبر جوامع اخبار، تاریخ و رجال نیز به ثبت رسیده است. محدثان اهل سنت این احادیث را به نقل از صحابه، از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نقل کرده‌اند که در معروف‌ترین و معتبرترین کتاب‌های روایی اهل سنت، مانند صحاح سته هم آمده است.

استاد علی محمد علی دخیل در کتاب *الإمام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف*،^۱ اسامی ۲۰۵ نفر از بزرگان عالمان سنی را آورده که سی نفر از آن‌ها به طور جداگانه درباره حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف کتاب نوشته‌اند، سی و یک نفر از آن‌ها یک فصل از کتاب خود را به روایات حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف اختصاص داده‌اند و ۱۴۴ نفر به صورت پراکنده، روایات مربوط به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را در کتاب‌های خود آورده‌اند.

استاد مهدی پور پس از نقل فرمایش استاد علی محمد علی دخیل می‌نویسد: «اگر ما بخواهیم اسامی همه این کتاب‌ها را نقل کنیم، سخن به درازا می‌کشد؛ از این رهگذر فقط کتاب‌هایی را که به طور مستقل درباره حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، از بزرگان اهل سنت به رشته تحریر آمده است به ترتیب حروف نام می‌بریم».

ما نیز مانند تقسیم‌بندی کتاب‌های شیعیان، همه این کتاب‌ها را بیان نمی‌کنیم، بلکه کتاب‌های حدیثی اهل سنت را درباره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از نظر زمانی در سه دسته پیش از غیبت صغری (دوره قبل از سال ۲۶۰ ق)، در دوره غیبت صغری (۳۲۹-۲۶۰ ق)

۱. الإمام المهدی فی کلمات الاعلام من السنه، ص ۲۶۰ و ۲۷۵.

و از آغاز غیبت کبری به بعد (از سال ۳۲۹ ق به بعد) و تاکنون (معاصران) تقسیم‌بندی کنیم تا بهتر آشکار شود که عالمان اهل سنت نیز از سال‌های دور، درباره وجود شریف امام الانس و الجان، مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف کتاب نوشته‌اند.

تا سال ۲۶۰ هجری، یعنی تا زمان شهادت امام حسن عسکری علیه السلام و آغاز امامت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، در بسیاری از کتاب‌های اهل سنت مانند صحاح سته، مسانید، معاجم و تواریخ می‌توان عبارت‌های صریحی درباره بشارت آمدن مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف پیدا کرد. در این دوره، حتی کتاب‌های جداگانه‌ای توسط عالمان بزرگ اهل سنت نوشته شده است. برشمردن نام و نشان این کتاب‌ها یکی از بهترین دلایل برای اثبات وجود حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است. همچنین حجت موثق بر ضد کسانی است که ادعا می‌کنند مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف ساخته ذهن جاعلان است؛ در حالی که به روشنی نام مهدی فاطمه عجل الله تعالی فرجه الشریف چون خورشیدی درخشان در این کتاب‌ها می‌درخشد.

استاد علی محمد علی دخیل، اسامی دست‌کم ۲۰۵ کتاب از عالمان بزرگ سنی را نقل کرده که درباره مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف و مهدویت نوشته شده است. در ادامه، عنوان بخشی از این کتاب‌ها را بیان می‌کنیم که پیش از تولد حضرت نوشته شده است:

۱-۱. پیش از ولادت

این کتاب‌ها شامل کتب نوشته شده از سال ۲۰۴ قمری (زمان آغاز نگارش و تألیف کتاب‌های حدیثی نزد اهل سنت) به بعد است که در آن‌ها از اصالت و قطعی بودن ظهور حضرت سخن به میان آمده است؛ در پایان نیز احادیث اهل سنت را درباره ایشان با بیان مدرک نقل خواهیم کرد:

۱. الرِّسَالَةُ: تألیف محمد بن ادریس شافعی (متوفی ۲۰۴ ق).

۲. المصنف: تألیف عبدالرزاق بن همام بن نافع حمیدی (متوفی ۲۱۱ ق)، معروف به ابوبکر صنعانی.

۳. الفتن: تألیف ابن حماد نعیم بن حماد بن معاویه بن حارث خزاعی (متوفی ۲۲۸ ق)، معروف به ابوعبدالله مروزی که از اساتید بخاری بود.

۴. //المصنف: تألیف ابوبکر بن ابی شیبہ (متوفی ۲۳۵ق).
۵. مسند: تألیف احمد بن حنبل، پیشوای مذهبی حنفی (متوفی ۲۴۱ق) که مورد وثوق برادران اهل سنت است. این کتاب یکی از معتبرترین کتاب‌های حدیثی اهل سنت است. در این کتاب به طور کلی ۱۳۴ حدیث درباره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف روایت شده است.
۶. أخبار المهدی: تألیف عباد بن یعقوب رواجنی (متوفی ۲۵۰ق). او نخستین کسی است که درباره مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف به طور جداگانه کتاب نوشته است.
۷. صاحب الزمان: تألیف ابوالعنبس محمد بن اسحاق بن ابراهیم کوفی قاضی صمره (متوفی ۲۷۵ق). احتمال می‌رود تاریخ نگارش آن پیش از تولد حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف (۲۵۵ق) باشد. این اثر یکی از نخستین کتاب‌هایی است که عالمان اهل سنت درباره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نوشته‌اند. در این کتاب به این مطلب اشاره شده که مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، اهل بیت رسول خدا صلی الله علیه و آله و از فرزندان حضرت فاطمه علیها السلام است. نام او «محمد»، کنیه‌اش «ابوالقاسم» و لقبش «المهدی» است. در بعضی از احادیث اهل سنت نام پدر ایشان «عبدالله» بیان شده است.^۱

۱-۲. در دوران غیبت صغری

تعدادی از کتاب‌های بزرگان اهل سنت درباره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، در دوران غیبت صغری و نزدیک به آن (۲۶۰-۳۲۹ق) نوشته شده که در آن‌ها از مفاهیم شیعی، مانند صاحب الزمان، اخبار المهدی، الأحادیث الواردة فی المهدی، الفتن و غیره استفاده شده است.

کتاب‌های صحاح سته که پس از قرآن کریم معتبرترین و موثق‌ترین کتاب‌ها نزد اهل سنت است، شامل شش مجموعه بزرگ حدیثی است که برادران اهل سنت احادیث آن را صحیح و فرمایش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌دانند. بیشتر صحیح‌های شش‌گانه در زمان غیبت صغری امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف تألیف شده‌اند.

۱. علی محمد، دخیل، الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف.

۸. صحیح بخاری (الجامع الصحیح): تألیف ابو عبدالله محمد بن اسمعیل بخاری (متوفی ۲۵۶ق). او با وجود دوری از امامان معصوم و اهل بیت علیهم السلام، احادیث دوازده جانشین پیامبر را که همگی از قریش و باعث عزت و سربلندی اسلام خواهند بود، در کتاب صحیح (کتاب الأحکام) خود نقل کرده است. بخاری در بخش کتاب الأنبیاء، باب نزول عیسی بن مریم علیه السلام، احادیثی را نقل کرده که نشان دهنده همکاری حضرت عیسی علیه السلام با حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است.^۱

بخاری کتابی تاریخی نیز دارد که در چند جای آن نام مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف را بیان کرده است. او در این کتاب، دو حدیث از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل کرده که در یکی از آنها مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از اهل بیت است: «المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف منا اهل البيت»^۲ و در حدیث دیگر، امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از فرزندان فاطمه علیها السلام است: «المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف حق من ولد فاطمه».^۳

۹. صحیح مسلم: تألیف ابوالحسن مسلم بن حجاج قشیری نیشابوری (متوفی ۲۶۱ق). او نیز با آنکه مانند بخاری، بر نیاوردن نام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در کتابش اصرار دارد، اما به ناچار در کتاب الفتن و اشراف الساعة، باب نزول عیسی علیه السلام، قسمتی از روایات مربوط به مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را از قول پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل کرده است.^۴

۱۰. سنن ابن ماجه: تألیف محمد بن یزید بن ماجه قزوینی (متوفی ۲۷۳ یا ۲۷۵ق). ابن ماجه احادیث مربوط به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را در کتاب الفتن در باب خروج المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف آورده است. هفت حدیث این باب درباره مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف است.

۱۱. سنن ابی داود: تألیف سلیمان بن اشعث بن اسحق سبخستانی (متوفی ۲۷۵ق). ابوداود روایت‌های مربوط به مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف را در بخشی از این کتاب در جلد دوم با عنوان کتاب المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف آورده است. سنن ابی داود ۵۲۷۴ حدیث را در چهل

۱. کتاب الاحکام، ج ۲، ص ۱۷۸، ج ۴، ص ۱۴۳، ج ۸، باب «نزول عیسی بن مریم»، ص ۱۲۷.

۲. التاریخ الکبیر، ج ۱، ص ۳۱۷، ج ۴، ص ۹۴۴.

۳. همان.

۴. صحیح بخاری، ج ۲، ص ۱۹۳، ۱۳۶۷-۱۳۶۸ و ج ۱۲، ص ۲۰۲-۲۰۳ و ج ۱۸، ص ۳۸-۳۹ و ج ۱، باب

«الفتن و اشراف الساعة» و باب «نزول عیسی».

کتاب و ۱۸۷۱ باب دسته‌بندی کرده است. او در جلد چهارم کتاب *المهدی*، دوازده حدیث درباره مهدی صاحب‌الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف نقل کرده است. از جمله این احادیث، روایت اثنی عشر خلیفه به نقل از رسول خدا صلی الله علیه و آله است که براساس آن، امامان معصوم علیهم السلام دوازده تن هستند و دوازدهمین آنان، مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف است.

۱۲. *المهدی*: تألیف ابوداود (صاحب سنن) (متوفی ۲۷۵ ق).

۱۳. *جامع سنن ترمذی*: تألیف ابو عیسی محمد بن عیسی بن سوره (متوفی ۲۷۹ ق). مؤلف در بخشی از این کتاب (الفتن، جلد سوم، ص ۳۴۰ و ۳۴۳) باب «ما جاء فی المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف»، احادیثی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف نقل کرده است؛ چهار حدیث به نام مهدی صاحب‌الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف تصریح دارد و احادیث دیگری درباره نشانه‌های آخرالزمان، نزول عیسی علیه السلام، فتنه دجال و احادیث دیگر آمده است.

این شش محدث نامی و بزرگ اهل سنت که سرآمد همه محدثان و دانشمندان اهل سنت هستند، روایت‌های مربوط به مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف را از عمر بن خطاب، عبدالله بن مسعود، عبدالله بن عباس، ثوبان، جابر بن عبدالله انصاری، جابر بن سمره، عبدالله بن عمر، عبدالله بن عمرو بن عاص، انس بن مالک، ابوسعید خدری، أم سلمه همسر پیامبر و جز این‌ها نقل کرده‌اند.^۱

۱۴. *الاحادیث الواردة فی المهدی*: تألیف ابوبکر بن خثیمه (متوفی ۲۷۹ ق).

۱۵. *اخبار المهدی*: تألیف عبدالعزیز بن یحیی جلودی (متوفی ۳۰۲ یا ۳۳۲ ق).

۱۶. *سنن نسائی*: تألیف ابو عبد الرحمن احمد بن شعیب (متوفی ۳۰۳ ق).^۲

۱۷. *مسند*: تألیف ابو یعلی (متوفی ۳۰۷ ق).

۱۸. *حدیث الولاية*: تألیف محمد بن جریر طبری (متوفی ۳۱۰ ق).

۱. دانشمندان عامه و مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف، ص ۱۳-۱۵.

۲. عبدالرحمن بن ابی بکر، جلال الدین، السیوطی، شرح الحافظ، ج ۵، ص ۲۰۶.

۱-۳. در دوران غیبت کبری

در دوران غیبت کبری (از سال ۳۲۹ ق) نیز کتاب نویسی درباره مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف موعود رحمة الله علیه میان برادران اهل سنت ادامه داشته است. برخی احادیث نقل شده از رسول اسلام صلی الله علیه و آله در کتاب های این دوران بی مانند است. برخی از این کتاب ها عبارت اند از:

۱۹. جزء فی المهدی: تألیف ابو حنین بن المنادی (متوفی ۳۳۶ ق).

۲۰. الملاحم: تألیف ابوالحسن احمد بن جعفر بن محمد، ابن المنادی (متوفی ۳۳۶ ق). گفته شده ابن حجر هیثمی، مقدسی شافعی و متقی هندی از این کتاب نقل کرده اند.

۲۱. صحیح بن حبان: تألیف ابن حبان (متوفی ۳۵۶ ق).

۲۲. المعجم الکبیر: تألیف سلیمان بن احمد طبرانی (متوفی ۳۶۰ ق).

۲۳. موالید الأئمة: تألیف ابن ابی ثلج ابوبکر محمد بن احمد بن بغدادی (۲۳۸-۳۲۲ ق). او را از بزرگان محدثان اهل سنت می دانند. محمد بن احمد بن بغدادی در این کتاب از حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با عنوان حجت بن الحسن العسکری رحمة الله علیه نام می برد و تصریح می کند که ایشان فرزند امام عسکری علیه السلام است. این کتاب در پیوست الفصول العشرة فی الغیبة، شیخ مفید و نوادر راوندی به سال ۱۳۷۰ هجری در نجف چاپ شده است.

۲۴. الفتن: تألیف ابوصالح احمد بن عیسی سلیلی (متوفی ۴۰۰ ق).

۲۵. اخبار الدولة فی ظهور المهدی: تألیف احمد بن ابراهیم، ابن جزار قیروانی (متوفی ۴۰۰ ق).

۲۶. المستدرک علی الصحیحین: تألیف محمد بن عبدالله نیشابوری معروف به حاکم نیشابوری (متوفی ۴۰۵ ق).

۲۷. مسئله فی الغیبة: تألیف قاضی عبدالجبار معتزلی (متوفی ۴۱۵ ق).

۲۸. اخبار المهدی: تألیف ابونعیم اصفهانی (متوفی ۴۳۰ ق).

۲۹. اربعین حدیث فی المهدی: تألیف ابونعیم اصفهانی (متوفی ۴۳۰ ق). جلال‌الدین سیوطی احادیث این کتاب را در کتاب الحاوی للفتاوی نقل کرده است.
۳۰. مناقب المهدی: تألیف ابونعیم اصفهانی، متوفی (۴۳۰ ق).
۳۱. حلیۃ الأولیاء و طبقات الاصفیاء: تألیف ابونعیم اصفهانی (متوفی ۴۳۰ ق).
۳۲. ذکر المهدی و نعوته: تألیف ابونعیم اصفهانی (متوفی ۴۳۰ ق).
۳۳. السنن الواردة فی الفتن: تألیف ابوعمرو دانی (متوفی ۴۴۲ ق).
۳۴. الفتن: تألیف ابوعمرو عثمان بن سعید دانی (متوفی ۴۴۴ ق).
۳۵. شُعَبُ الْإِيمَان: تألیف ابوبکر بیهقی (متوفی ۴۵۸ ق).
۳۶. الْإِسْتِيعَاب: تألیف ابن عبد البر قرطبی (متوفی ۴۶۳ ق).
۳۷. تاریخ بغداد: تألیف ابوبکر خطیب بغدادی (متوفی ۴۶۳ ق).
۳۸. انباز الوهم من کلام ابن حزم: تألیف احمد بن صدیق بخاری بن حزم اندلسی (متوفی ۴۵۶ ق).
۳۹. مَصَابِيحُ السُّنَّة: تألیف ابومحمد قراء بغوی شافعی (متوفی ۵۱۶ ق).
۴۰. کَشَفُ الْأَسْرَار: تألیف رشیدالدین میبدی (متوفی ۵۲۰ ق به بعد).
۴۱. تاریخ موالید الأئمة: تألیف ابومحمد بن الخشاب (متوفی ۵۶۷ ق).
۴۲. اربعین حدیث فی المهدی: تألیف ابوالعلاء همدانی (متوفی ۵۶۹ ق).
۴۳. اخبار المهدی: تألیف ابو العلاء همدانی (متوفی ۵۶۹ ق).
۴۴. السرفی عور الدجال: تألیف عبدالرحمن بن عبدالله اندلسی سهیلی (متوفی ۵۸۱ ق).
۴۵. اشرط الساعة: تألیف ابومحمد عبدالغنی مقدسی جماعلی حنفی (متوفی ۶۰۰ ق).
۴۶. مفاتیح الغیب: تألیف فخرالدین رازی (متوفی ۶۰۶ ق).
۴۷. جامع الاصول فی احادیث الرسول: تألیف مجدالدین بن اثیر جزری (متوفی ۷۰۰ ق).

(۶۰۶ ق).

۴۸. مُعْجَمُ الْبُلْدَان: تألیف یاقوت حَمَوِی (متوفی ۶۲۶ ق).

۴۹. فتوحات مَكِّيَّة: تألیف محیی الدین بن عربی (متوفی ۶۳۸ ق).

۵۰. عنقاء المغرب: تألیف محیی الدین بن عربی (متوفی ۶۳۸ ق).

۵۱. احوال صاحب الزمان: تألیف سعدالدین حموئی (متوفی ۶۵۰ ق).

۵۲. مشاهدة الآيات في اشرار الساعة و ظهور العلامات: تألیف محمد بن مؤید

حموینی (متوفی ۶۵۰ ق).

۵۳. مطالب السُّؤُول: تألیف ابن طلحه شافعی (متوفی ۶۵۲ ق). او در این کتاب

به ولادت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریک تصریح می کند و ایشان را از فرزندان امام حسن عسکری علیه السلام برمی شمارد.

۵۴. تذکرة خواص الامّة: تألیف سبط بن الجوزی (متوفی ۶۵۴ ق).

۵۵. شرح نهج البلاغة: تألیف ابن ابی الحديد مدائنی (متوفی ۶۵۵ ق).

۵۶. البيان في اخبار صاحب الزمان: تألیف محمد بن يوسف گنجی شافعی (متوفی

۶۵۸ ق). این کتاب نظم و ترتیب خوبی دارد.

۵۷. كفاية الطالب: تألیف محمد بن يوسف گنجی شافعی (متوفی ۶۵۸ ق). او نیز

مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریک را فرزند امام یازدهم، امام حسن عسکری علیه السلام می شمارد.

۵۸. علامات يوم القيامة: تألیف ابو عبدالله محمد بن احمد انصاری قرطبی (متوفی

۶۷۱ ق).

۵۹. التذكرة في احوال الموتى وامور الآخرة: تألیف شمس الدین محمد بن احمد قرطبی

(متوفی ۶۷۱ ق).

۶۰. علامت المهدی: تألیف صدرالدین قونوی (متوفی ۶۷۲ ق).

۶۱. عقد الدرر في اخبار المهدی المنتظر: تألیف یوسف بن یحیی دمشقی شافعی

(متوفی ۶۸۵ ق).

۶۲. *العرف الوردی فی اخبار المهدی*: تألیف یوسف بن یحیی دمشقی شافعی (متوفی ۶۸۵ ق).

۶۳. *تاریخ دمشق*: تألیف ابن عساکر (متوفی ۷۱۱ ق).

۶۴. *فرائد السمطين*: تألیف جوینی شافعی (متوفی ۷۲۰ ق).

۶۵. *فرائد السمطين*: تألیف شیخ الاسلام صدرالدین ابراهیم بن سعدالدین محمد الحموی (متوفی ۷۳۲ ق).

۶۶. *تهذیب الکمال فی اسماء الرجال*: تألیف حافظ جمال‌الدین مزنی (متوفی ۷۴۲ ق).
او بر این باور است که احادیث مهدی علیه السلام متواتر هستند.

۶۷. *نبأ الدجال*: تألیف شمس‌الدین محمد بن احمد بن عثمان ذهبی (متوفی ۷۴۸ ق).

۶۸. *المهدی*: تألیف ابن‌قیم جوزیه (متوفی ۷۵۱ ق).

۶۹. *المنار المنیف*: تألیف ابن‌قیم جوزیه حنبلی (متوفی ۷۵۱ ق). او از شاگردان ابن‌تیمیه معروف است و در این کتاب می‌گوید: «احادیث دال بر خروج مهدی، در صحیح‌ترین سندها آمده و در حد تواتر است».

۷۰. *الاحادیث القاضیه بخروج المهدی*: تألیف محمد بن اسماعیل امیریمانی (متوفی ۷۵۱ ق).

۷۱. *شرح الدائرة*: تألیف صلاح‌الدین صفدی (متوفی ۷۶۴ ق).

۷۲. *کتاب المهدی*: تألیف برهان‌الدین ابراهیم بن محمد حنبلی، مشهور به ابن‌قیم جوزیه (متوفی ۷۶۷ ق).

۷۳. *اخبار المهدی*: تألیف بدرالدین حسن بن محمد بن صالح نابلسی (متوفی ۷۷۲ ق).

۷۴. *المهدی*: تألیف عمادالدین ابوالفداء اسماعیل بن عمر، ابن‌کثیر دمشقی (متوفی ۷۷۴ ق).

ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در منابع اهل سنت ۲۳۱ =

۷۵. البدایه و النهایه: تألیف ابن کثیر دمشقی (متوفی ۷۷۴ ق.).
۷۶. ایام مهدی: تألیف ابن کثیر دمشقی (متوفی ۷۷۴ ق.). او در کتاب البدایه و النهایه به نوشتن این کتاب تصریح کرده است.
۷۷. الفتن و الملاحم الواقعة فی آخر الزمان: تألیف ابن کثیر دمشقی (متوفی ۷۷۴ ق.).
۷۸. رساله فی المهدی: تألیف ابن کثیر دمشقی (متوفی ۷۷۴ ق.).
۷۹. جزء فی المهدی: تألیف ابن کثیر دمشقی (متوفی ۷۷۴ ق.).
۸۰. شرح المقاصد: تألیف سعدالدین تفتازانی (متوفی ۷۹۳ ق.). او در این کتاب درباره ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می نویسد: «در این باره احادیث صحیحی وارد شده است».
۸۱. فصل الخطاب: تألیف خواجه پارسای بخاری (متوفی ۸۲۲ ق.).
۸۲. طریق احادیث المهدی: تألیف حافظ ولی الدین ابوزرعه عراقی (متوفی ۸۲۶ ق.).
۸۳. القول المختصر فی علامات المهدی المنتظر: تألیف شهاب الدین احمد بن محمد هیشمی شافعی (متوفی ۸۲۹ ق.).
۸۴. تهذیب التهذیب: تألیف ابن حجر عسقلانی (متوفی ۸۵۲ ق.). او در این کتاب تصریح می کند: «خبرها و روایات مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف متواتر هستند و او از این امت است و عیسی بن مریم علیه السلام پشت سر او نماز می خواند».
۸۵. الفصول المهمة فی معرفة احوال الائمة: تألیف ابن صباغ مالکی (متوفی ۸۵۵ ق.). او نیز مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف را فرزند امام حسن عسکری علیه السلام می داند.
۸۶. جواهر العقدین: تألیف نورالدین سمهودی (متوفی ۹۱۱ ق.).
۸۷. الحاوی فی الفتاوی: تألیف جلال الدین سیوطی (متوفی ۹۱۱ ق.).
۸۸. الجامع الصغیر: تألیف جلال الدین سیوطی (متوفی ۹۱۱ ق.).
۸۹. العرب الوارد فی اخبار المهدی: تألیف جلال الدین سیوطی (متوفی ۹۱۱ ق.).
۹۰. رساله فی رد من انکران عیسی علیه السلام اذا نزل یصلی خلف المهدی: تألیف جلال الدین سیوطی (متوفی ۹۱۱ ق.).

۹۱. نبذة من علامات المهدي: تأليف جلال الدين سيوطي (متوفى ۹۱۱ ق).
۹۲. رسالة في علامات المهدي: تأليف جلال الدين سيوطي (متوفى ۹۱۱ ق).
۹۳. البرهان في علامات مهدي آخرالزمان: تأليف جلال الدين سيوطي (متوفى ۹۱۱ ق).
۹۴. تلخيص البيان في علامات مهدي آخرالزمان: تأليف ابن كمال پاشا حنفی (متوفى ۹۴۰ ق).
۹۵. المهدي الى ما في ورد في المهدي: تأليف محمد بن طولون دمشقي (متوفى ۹۵۳ ق).
۹۶. القول المختصر في علامات المهدي المنتظر: تأليف شهاب الدين احمد بن محمد بن حجر مكي (متوفى ۹۷۳ ق).
۹۷. رسالة في المهدي: تأليف ابن حجر مكي (متوفى ۹۷۳ ق).
۹۸. مختصر القول المختصر في علامات المهدي المنتظر: تأليف ابن حجر هيثمي (متوفى ۹۷۳ ق).
۹۹. اليواقيت والجواهر: تأليف عبدالوهاب شعراني (متوفى ۹۷۳ ق). شعراني احاديث مهدي را صحيح می‌داند.
۱۰۰. الصواعق المحرقة: تأليف ابن حجر هيثمي (متوفى ۹۷۴ ق).
۱۰۱. احوال مهدي آخرالزمان: تأليف متقي بن حسام الدين هندی (متوفى ۹۷۵ ق).
۱۰۲. كنز العمال: تأليف متقي بن حسام الدين هندی (متوفى ۹۷۵ ق).
۱۰۳. البرهان في علامات مهدي آخرالزمان: تأليف ملاعلي متقي هندی (متوفى ۹۷۵ ق).
۱۰۴. تلخيص البيان في اخبار مهدي آخرالزمان: تأليف ملاعلي متقي (متوفى ۹۷۵ ق).
۱۰۵. رسالة في المهدي: تأليف متقي هندی (متوفى ۹۷۵ ق).
۱۰۶. علائم الظهور: تأليف علي بن حسام الدين متقي هندی (متوفى ۹۷۵ ق).

• ظهور مهدی علیه السلام در منابع اهل سنت ۲۳۳ •

۱۰۷. روضة الأحباب: تألیف جمال الدین شیرازی (متوفی ۱۰۰۰ق).
۱۰۸. النجم الثاقب فی بیان ان المهدی من اولاد ابی طالب: تألیف شمس الدین محمد بن محمد بن عبدالرحمان بن علی بهسینی عقیلی خلوتی شافعی (متوفی ۱۰۰۱ق).
۱۰۹. المشرب الوردی فی مذهب المهدی: تألیف ملاعلی سلطان القاری (متوفی ۱۰۱۴ق).
۱۱۰. رسالة مهدی آل الرسول: تألیف ملاعلی سلطان القاری (متوفی ۱۰۱۴ق).
۱۱۱. الرد علی من حکم وقضی، ان المهدی جاء و مضی: تألیف ملاعلی سلطان القاری (متوفی ۱۰۱۴ق).
۱۱۲. كنوز الحقائق: تألیف زین الدین مُناوی (متوفی ۱۰۳۱ق).
۱۱۳. مرآة الفكر فی المهدی المنتظر: تألیف مرعی بن یوسف مقدسی حنبلی (متوفی ۱۰۳۱ق).
۱۱۴. الفوائد: تألیف مرعی بن یوسف کرمی مقدسی حنبلی (متوفی ۱۰۳۱ق).
۱۱۵. فرائد الفكر فی الإمام المهدی المنتظر: تألیف مرعی بن یوسف کرمی حنبلی (متوفی ۱۰۳۱ق).
۱۱۶. تنبيه الوسنان الى اخبار مهدی آخر الزمان: تألیف احمد نوبی (متوفی ۱۰۳۷ق).
۱۱۷. السيرة الحلبیة: نور الدین علی حلبی (متوفی ۱۰۴۴ق).
۱۱۸. الاشاعة لاشراط الساعة: تألیف محمد بن رسول برزنجی شافعی (متوفی ۱۱۰۳ق).
۱۱۹. الهدية الندية للامة المحمدية فيما جاء فی فضل الذات المهدیه: تألیف قطب الدین مصطفی بن کمال الدین حنفی (متوفی ۱۱۶۲ق).
۱۲۰. الإتحاف بحب الأشراف: تألیف عبدالله بن محمد شبراوی شافعی (متوفی ۱۱۷۲ق).
- شبراوی نکاتی همانند اندیشه شیعه درباره تولد، غیبت و نام مبارک پدر گرامی حضرت علیه السلام دارد.
۱۲۱. فتح المنان شرح الفوز والامان فی مدح صاحب الزمان: تألیف احمد بن علی بن

- عمر بن صالح عدوی منینی (متوفی ۱۱۷۳ق).
۱۲۲. روض وردی فی اخبار المهدی: تألیف جعفر بن حسن برزنجی شافعی (متوفی ۱۱۷۹ق).
۱۲۳. رسالة فی المهدی: تألیف جعفر بن حسن بن عبدالکریم برزنجی (متوفی ۱۱۷۹ق).
۱۲۴. سبل السلام: تألیف محمد بن اسماعیل امیریمانی (متوفی ۱۱۸۲ق).
۱۲۵. رسالة فی المهدی: تألیف ادريس بن محمد بن حمدون عراقی فارسی (متوفی ۱۱۸۳ق).
۱۲۶. العرب الوردی فی دلائل المهدی: تألیف عبدالرحمان بن مصطفی، عیدروس یمنی (متوفی ۱۱۹۲ق).
۱۲۷. لوامع الانوار البهية: تألیف شیخ محمد سفارینی (متوفی ۱۱۸۸ق).
۱۲۸. من علامات القيامة الكبرى: المسيح الدجال و اسرار الساعة، تألیف محمد احمد سفارینی (متوفی ۱۱۸۸ق).
۱۲۹. اسعاف الراغبين: تألیف ابوالعرفان صبان (متوفی ۱۲۰۶ق).
۱۳۰. رسالة فی المهدی: تألیف احمد بریر (متوفی ۱۲۲۶ق).
۱۳۱. اشرط الساعة و خروج المهدی: تألیف علی بن محمد میلی جمالی مغربی مالکی (متوفی ۱۲۴۸ق).
۱۳۲. مشرق الاکوان: تألیف سلیمان بن ابراهیم قندوزی حنفی (متوفی ۱۲۴۹ق).
۱۳۳. التوضیح فی تواتر ما جاء فی المهدی المنتظر و الدجال و المسيح: قاضی محمد بن علی شوکانی (متوفی ۱۲۵۰ق).
۱۳۴. الهدایة المهدویة: تألیف ابوالرجا محمد هندی (متوفی ۱۲۹۰ق).
۱۳۵. نور الأبصار فی مناقب آل بیت النبی المختار: تألیف سید مؤمن بن حسن شبلنجی (متوفی ۱۲۹۱ق). او احادیث مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را اخبار متواتر از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

می داند.

۱۳۶. *ینابیع المودّة*: تألیف سلیمان بن ابراهیم قندوزی حنفی (متوفی ۱۲۹۴ق).
۱۳۷. *الفتوحات الإسلامية*: تألیف احمد زینی دحلان (متوفی ۱۳۰۴ق).
۱۳۸. *الاذاعة لما كان وما يكون بين يدي الساعة*: تألیف محمد صدیق حسن قنوجی بخاری (متوفی ۱۳۰۷ق). او معتقد است اخبار مربوط به مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف متواتر است و حضرت مهدی در آخرالزمان ظهور می کند.
۱۳۹. *القطر الشهدي في اوصاف المهدي*: تألیف احمد بن احمد حلوانی شافعی (متوفی ۱۳۰۸ق).
۱۴۰. *العطر الوردی فی شرح القطر الشهدي*، فی اوصاف المهدي: تألیف محمد بن محمد بن احمد بلیسی (متوفی ۱۳۰۸ق).
۱۴۱. *المنازل*: تألیف شیخ محمد عبده (متوفی ۱۳۲۳ق).
۱۴۲. *نظم المتنائر من الحديث المتواتر*: تألیف ابو عبدالله محمد بن جعفر کتانی مالکی (متوفی ۱۳۴۵ق). او احادیث درباره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را متواتر می داند.
۱۴۳. *علامات قیام الساعة الصغرى والكبرى*: تألیف یوسف بن اسماعیل نبهانی (متوفی ۱۳۵۰ق).
۱۴۴. *اصح ما ورد في المهدي وعيسى*: تألیف شیخ محمد حبیب الله شنقیطی جکنی (متوفی ۱۳۶۳ق).
۱۴۵. *الجواب المقنع المحرر، فی الرد علی من طغی و تبهر بدعوی انه عيسى او المهدي المنتظر*: تألیف محمد حبیب الله بن مایانی جکنی شنقیطی (متوفی ۱۳۶۳ق).
۱۴۶. *نظرة في احاديث المهدي*: تألیف محمد خضر حسین مهدی (متوفی ۱۳۷۷ق).
۱۴۷. *ابزار الواهم المکنون من كلام ابن خلدون*: تألیف احمد بن محمد بن صدیق حضرمی (متوفی ۱۳۸۰ق).
۱۴۸. *تحديق النظر في اخبار المهدي المنتظر*: تألیف محمد بن عبدالعزیز بن مانع

(متوفی ۱۳۸۵ق).

۱۴۹. المهدی المنتظر: تألیف جهیمان بن محمد بن سیف عتیبی (متوفی ۱۴۰۰ق).

۴-۱. ظهور در کتاب‌های عالمان معاصر اهل سنت

نگارش کتاب در موضوع مهدویت و ظهور مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف به دست عالمان اهل سنت همچنان ادامه دارد و حتی می‌توان گفت در عصر حاضر، شتاب بیشتری یافته است. اکنون برخی از کتاب‌های نویسندگان معاصر اهل سنت را در موضوع مهدویت که در آن‌ها به عبارت‌هایی مانند المهدی، المهدی المنتظر، الامام المنتظر، شأن المهدی، خروج المهدی، اخبار المهدی، کتاب المهدی و غیره تصریح شده، مرور می‌کنیم:

۱. عقیده اهل السنة والأثر فی المهدی المنتظر: شیخ عبدالمحسن عباد.

۲. المهدی حقیقة لاخرقة: محمد بن احمد بن اسماعیل.

۳. المهدی المنتظر: ابراهیم مشوخی.

۴. الاحادیث الواردة فی شأن المهدی: شیخ عبدالعلیم بن عبدالعظیم بستوی.

۵. احادیث و کلمات حول الإمام المنتظر: سید عبدالله غریفی.

۶. المهدی و اشرط الساعة: محمد علی صابونی.

۷. المهدیة فی الاسلام منذ اقدم العصور حتی الیوم: سعد محمد حسن.

۸. المهدی المنتظر: ابوالفضل عبدالله بن محمد بن صدیق غماری.

۹. المهدی المنتظر: عبدالله حجاج.

۱۰. المهدی المنتظر بین العقیده الدینیة و المضمون السیاسی: محمد فزیده حجاب.

۱۱. مهدویت (ترکی استانبولی): ایلهان عونى.

۱۲. علامات الساعة الصغرى والكبرى: لیلی مبروک.

۱۳. علامات الساعة فی القرآن و السنة: شیخ جزاع شمى.

۱۴. مهدویت و اشغال کعبه (ترکی): احمد فاروق.

۱۵. اقامة البرهان في الرد على من انكر خروج المهدي و الدجال و نزول المسيح في آخر الزمان: حمود بن عبدالله تويجری.
۱۶. امارات الساعة: شاه رفيع الدين دهلوی.
۱۷. الرد على من كذب بالأحاديث الصحيحة الواردة في المهدي: شيخ عبدالمحسن عباد.
۱۸. سيد البشر يتحدث عن المهدي المنتظر: شيخ حامد محمود محمد ليمود.
۱۹. الإحتجاج بالأثر على من انكر المهدي المنتظر: شيخ حمود بن عبدالله تويجری.
۲۰. اقامه البرهان على نزول عيسى في آخر الزمان: ابوالفضل عبدالله بن محمد بن صديق ادريسي غماری.
۲۱. بين يدي الساعة: دكتور عبد الباقي احمد محمد سلامة.
۲۲. دجال از دیدگاه اسلام و سایر ادیان (ترکی استانبولی): دکتر زکی ساری توپراق.
۲۳. دراسات المرويات بشأن الدجال في الكتب الستة: احمد بن عيسى احمد هادی عمر.
۲۴. الصحيح المسند من احاديث الفتن و الملاحم و الشراط الساعة: مصطفى عدودی.
۲۵. عقيدة اهل الاسلام في نزول عيسى: ابوالفضل عبدالله بن صديق غماری.
۲۶. علامات القيامة الكبرى، من بعثة النبي حتى نزول عيسى: شيخ عبدالله حجاج.
۲۷. المسيح عيسى، نزوله في آخر الزمان و قتالة الدجال: مصطفى عبدالقادر عطا.
۲۸. نظريه مهدی (اردو): محمد حسن لطفی.
۲۹. نصيحة النبوة في النجاة من الفتن: محمد عبدالرحمان عوض.
۳۰. ينتظرهم العالم: عيسى، الدجال و المهدي المنتظر: شيخ عبداللطيف عاشور.
۳۱. اتحاف الجماعه بما جاء في الفتن و الملاحم و اشراط الساعة (در دو مجلد):

شیخ حمود بن عبدالله تویجری.

۳۲. احادیث اشراف الساعة الصغرى: صالح بن محمد دخیل الله.

۳۳. الاحادیث الواردة بشأن الدجال: احمد بن عيسى بن الهادی.

۳۴. اشراف الساعة الصغرى والكبرى: شیخ امین حاج محمد احمد.

۳۵. مختصر الاخبار المشاعة فى الفتن و اشراف الساعة و اخبار المهدي: شیخ

عبدالله بن سليمان مشعل.

البته کتاب‌هایی که اهل سنت نوشته‌اند، بیش از این تعداد است. عنوان بسیاری از آن‌ها شامل واژه «المهدی» است؛

۳۶. المهدي قيادة وفكرة: ابراهيم عبدالرحمن عيسى.

۳۷. المهدي: ادریس العراقى المغربی.

۳۸. مهدي آل الرسول: علی بن سلطان محمد هروی حنفی.

۳۹. المهدي الى ما ورد فى المهدي: محمد بن طولون.

۴۰. المهدي المنتظر بين الحقيقة والخرافة: عبدالقادر احمد عطا.

۴۱. كتاب المهدي: ابو موسى عيسى بن مهران مستعطف.

۴۲. المهدي المنتظر وفى الميزان: عبدالمعطى عبد المقصود.

۴۳. المهدي المنتظر و من ينتظرونه: عبدالكريم خطيب.

۴۴. المهدية فى الاسلام: يوسف كرم.

۴۵. اخبار المهدي: ابوالعلاء همدانی.

۴۶. اخبار المهدي: حماد بن يعقوب رواجنى.

۴۷. اخبار المهدية: ابوبكر صنهاجی.

۴۸. الفتوى فى مسألة المهدي المنتظر: شیخ منتصر کتابی.

۴۹. من روی من طرق اصحاب الحدیث، ان المهدی من ولد الحسین علیه السلام : ابوعلی احمد بن محمد بن احمد جرجانی (مقیم مصر).

چنان که مشاهده شد، پیشگویی درباره مهدویت ضمن نقل احادیث مربوط به آن، از سوی برادران اهل سنت همچنان ادامه دارد و بیان نمونه‌های بررسی شده، نشان می‌دهد که موضوع مهدویت، اصلی قطعی میان همه مسلمانان است و بیشتر صحابه و تابعین به مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریک معتقد بوده‌اند. در کتاب سنن ابوداود (از کتب صحیح شش گانه اهل سنت) نقل شده است: «مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریک دوازدهمین جانشین رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم است». این حدیث در بیشتر کتاب‌های اهل سنت آمده است.

نوشتن کتاب درباره مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریک امروزه به کشورهای خاصی اختصاص ندارد و برادران اهل سنت در کشورهای گوناگون جهان در این باره کتاب می‌نویسند. نویسندگان این کتاب‌ها با استناد به سخنان پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم درباره قیام و ظهور مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریک در آخرالزمان مطالب بسیار خوبی می‌نویسند.

۲. راویان پیشگویی احادیث مهدویت

نقل‌کنندگان احادیث مهدویت زیاد و بسیاری از ایشان، صحابی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم هستند. در ادامه، تعدادی از آن‌ها را نام می‌بریم: امیرمؤمنان علی بن ابی طالب علیه السلام، ابوامامه باهلی، صدی بن عجلان، ابویوب انصاری، ابوسعید خدری، ابوسلمی، ابوالطفیل عامر بن واثله، ابولیلی، ابووائل، ابوهریره، انس بن مالک، ثوبان مولی رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم، جابر بن سمره، جابر بن عبدالله انصاری، جابر بن عبدالله صدفی، امام حسن علیه السلام، امام حسین علیه السلام، سلمان فارسی، طلحة بن عبیدالله، عباس بن عبدالمطلب، عبدالرحمان بن عوف، عبدالرحمان بن حرث، عبدالله بن عباس، عبدالله بن عمر بن خطاب، عبدالله بن عمرو بن عاص، عبدالله بن مسعود، عثمان بن عفان، عثمان بن ابی العاص، علقمة بن عبدالله، علی الهلالی، عمار بن یاسر، عمر بن خطاب، عمران بن حصین، عمرو بن عاص، عمرو بن مرّة جهنی، عوف بن مالک، قتادة بن نعمان، قرّة بن

ایاس مزنی، کعب بن علقمه، معاذ بن جبل، فاطمه زهرا علیها السلام، ام سلمه، عایشه و ام حبیبه.^۱

۳. تواتر احادیث مهدویت در منابع اهل سنت

«تواتر» یکی از اصطلاحات علم حدیث است و درباره معنای آن در علم حدیث گفته‌اند:

حدیث یا متواتر است یا آحاد. «متواتر» در لغت، آمدن یکی پس از دیگری بلافاصله است که آیه مبارک «ثُمَّ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا تَتْرَىٰ» به همین معنا آمده و در اصطلاح علم الحدیث، منظور، خبر جماعتی است که (فی حدّ نفسه، نه به ضمیمه قرائن) اتفاق آنان بر کذب محال و در نتیجه، موجب علم به مضمون خبر باشد.^۲

برخی نیز به این صورت آن را تبیین کرده‌اند:

«تواتر» در لغت، پی‌درپی آمدن و آمدن یکی پس از دیگری با فترت و فاصله میان آن دو است. خبر متواتر خبری است که جماعتی آن را نقل کنند؛ به گونه‌ای که راویان در کثرت به حدی باشند که به طور معمول اتفاق و توطئه آن‌ها بر کذب محال باشد و از اخبار آن‌ها علم به صحت خبر حاصل شود و چنین روایتی حجت است.^۳

درجه تواتر احادیث مهدویت در کتاب‌های اهل سنت به قدری است که شاید موضوع دیگری به پای آن نرسد. این احادیث با وجود فراوانی، با واژگان گوناگونی نقل شده است. عالمان و حافظان بزرگ اهل سنت در بسیاری از موارد به تواتر احادیث درباره مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف اذعان دارند؛ زیرا موضوع مهدویت از زبان رسول اسلام صلی الله علیه و آله در مناسبت‌های مختلفی گفته و تکرار شده است. پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله از آغاز بعثت تا آخرین روزهای حیات مادی خود، به وجود مقدس مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف در آخرالزمان تصریح کرده‌اند. بسیاری از صحابه حضرت، این احادیث را به تعداد زیاد و به صورت متواتر بیان

۱. موعودشناسی، ص ۱۴۸-۱۴۹؛ داوود، الهامی، آخرین امید، ص ۲۳۰.

۲. کاظم، مدیر شانه چی، علم الحدیث، ص ۱۴۴.

۳. سید جعفر، سجادی، فرهنگ معارف اسلامی، ذیل واژه «تواتر» ص ۵۹۷. به نقل از کتاب‌های قوانین، کشف، معالم و درایه.

کرده‌اند و بنابراین، مهدویت جزئی از اصول مُسَلَّم مسلمانان شده است. در کتاب‌های محققان بزرگ، اسامی آن دسته از اصحاب و نیز عالمان اهل سنت موجود است که در کتاب‌های خود این احادیث را آورده‌اند.^۱ تأکید محدثان و بزرگان اهل سنت بر تواتر این احادیث، گواه بر تواتر احادیث درباره ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است.^۲

چنان‌که پیش از این نیز اشاره شد، برخی نویسندگان اهل سنت به متواتر بودن احادیث مربوط به مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف و ظهور ایشان تصریح کرده‌اند. در اینجا اسامی تعدادی از این عالمان مشهور اهل سنت را که متخصص علم حدیث هستند، از کتاب ارزشمند دفاع از مهدویت نقل می‌کنیم:^۳

۱. ابن قیم جوزیه

او بعد از بیان برخی از احادیث مهدی منتظر عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌گوید: «این احادیث بر چهار قسم است: بخشی صحیح و بخشی دیگر حسن و برخی غریب و تعدادی دیگر موضوع و جعلی است».^۴

۲. جلال‌الدین سیوطی

او در کتاب الحاوی للفتاوی می‌گوید: «احادیثی که از پیامبر وارد شده و نص بر خروج مهدی از عترت پیامبر و از اولاد فاطمه علیها السلام است، به اثبات رسیده و قابل استناد است».^۵

سپس از ابوالحسن محمد بن حسین بن عاصم سحری نقل می‌کند: «اخبار متواتر و مستفیض با کثرت راویان آن‌ها از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در امر ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف وارد شده است؛ کسی که از اهل بیت پیامبر است و هفت سال حکومت و زمین را پر از عدل و داد

۱. امامت و مهدویت، ج ۳، ص ۷۴-۸۱.

۲. احمد بن حجر، عسقلانی، نزہة الناظر، ص ۱۲؛ سید احمد، شیخ الاسلام (مفتی شافعیه)، احمد زینی، دحلان، تاریخ فتوحات اسلامیہ، ج ۲، ص ۲۵۰.

۳. علی اصغر، رضوانی، دفاع از مهدویت، مبحث تواتر احادیث فریقین بر ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف.

۴. محمد بن ابی بکر، ابن قیم جوزیه، المنار المنیف فی الصحیح والضعیف، ص ۱۳۵-۱۴۱.

۵. همان، ص ۱۷۰-۱۷۱.

خواهد کرد».^۱

۳. علامه مناوی

«اخبار مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف فراوان و مشهور است و گروهی آن‌ها را در کتابی تألیف نموده‌اند».^۲

۴. حافظ بن حجر عسقلانی

«اخبار به حد تواتر دلالت دارد بر اینکه مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از این امت (اسلام) است و به راستی عیسی بن مریم از آسمان فرود می‌آید و پشت سر او به نماز می‌ایستد».^۳

۵. قاضی شوکانی

«احادیث مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بدون شک و شبهه متواتر است، بلکه عنوان تواتر با کمتر از این مقدار نیز بر این احادیث صدق می‌کند؛ آن‌هم با تمام اصطلاحاتی که در علم اصول برای تواتر و خبر متواتر هست».^۴

۶. ابن حجر هیتمی

«احادیثی که در آن‌ها اشاره به ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است، بسیار زیاد و در حد تواتر است».^۵

۷. تفتازانی

«از جمله اموری که به باب امامت ملحق می‌شود، خروج مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و نزول عیسی علیه السلام است که این دو از علائم قیامت بوده، در این باره خبرهای صحیحی وارد شده است».^۶

۱. الحاوی للفتاوی، ج ۲، ص ۱۲۸.

۲. حامد حسین بن محمد قلی، کنتوری، فیض القدر، ج ۶، ص ۳۶۲، ح ۹۲۴۵.

۳. احمد بن علی، ابن حجر عسقلانی، فتح الباری، ج ۵، ص ۳۶۲.

۴. احمد بن محمد، شافعی مغربی، ابراز الوهم المکنون من کلام ابن خلدون، ص ۴؛ به نقل از رساله التوضیح شوکانی.

۵. صواعق المحرقة، ج ۲، ص ۲۱۱.

۶. شرح مقاصد، ج ۲، ص ۶۲.

۸. قرمانی دمشقی

«علما بر این امر اتفاق کرده‌اند که مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف همان قیام‌کننده در آخرالزمان است و اخبار ظهور آن حضرت، یکدیگر را تأیید می‌کنند و روایات بر اشراق نورش در حد زیاد وجود دارد، و به زودی ظلمت و تاریکی شب‌ها و روزها به روشنایی وجود او منور می‌شود و تاریکی‌ها به رؤیت و دیدار او، همانند بیرون آمدن صبح از ظلمت شب از بین خواهد رفت. عدل او در افق‌ها سیر خواهد کرد و پرنورتر از ماه منیر در مسیرش خواهد بود»^۱.

۹. مبارکفوری

«بدان که مشهور بین تمام مسلمانان در طول زمان‌ها این است که به طور حتم در آخرالزمان شخصی از اهل بیت علیهم السلام ظهور خواهد کرد که دین را تأیید کرده، عدل را در میان جامعه ظاهر می‌کند و مسلمین به دنبال او می‌روند و او بر ممالک اسلامی سلطه پیدا خواهد کرد؛ او را مهدی می‌نامند»^۲.

۱۰. احمد بن محمد بن صدیق

«ایمان به خروج مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف واجب، و اعتقاد به ظهور او به دلیل تصدیق خبر پیامبر، حتمی و ثابت است؛ همان‌گونه که در عقاید اهل سنت و جماعت از جمیع مذاهب اسلامی تدوین شده و نیز در دفاتر علمای امت با اختلاف طبقات و مراتب آن تقریر گردیده است»^۳.

۱۱. سفارینی حنبلی

«ایمان به خروج مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف واجب است؛ همان‌گونه که نزد اهل علم تقریر یافته و در عقاید اهل سنت و جماعت تدوین شده است»^۴.

«از جمله علایم قیامت که در روایات به آن اشاره شده و بر مضمون آن اخبار متواتر

۱. احمد بن یوسف، قرمانی، اخبارالدول و آثار الاول، ج ۱، ص ۴۶۳.

۲. محمد عبدالرحمن بن عبدالرحیم، مبارکفوری، تحفه الاحوذی بشرح جامع الترمذی، ذیل ح ۲۳۳۱.

۳. ابراز الوهم المکنون من کلام ابن خلدون، ص ۴۳۳.

۴. الاذاعه، ص ۱۴۶.

رسیده، ظهور امامی است که به اقوال و احوال او اقتدا می‌شود. او خاتم امامان است. بنابراین، بعد از او امامی نیست، همان‌گونه که پیامبر، خاتم نبوت و رسالت بوده و بعد از او نبوت و رسالتی نیست. اسم او محمد و مشهورترین اوصاف او، مهدی است»^۱.

۱۲. سید محمد صدیق حسن

«احادیث وارده در موضوع مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از مقداری که می‌توان بر آن‌ها دسترسی یافت، پنجاه حدیث است که در بین آن‌ها احادیث صحیح، حسن و ضعیفی که ضعفش جبران شده وجود دارد. این احادیث، بدون شک و شبهه متواتر است، بلکه وصف تواتر بر کمتر از این مقدار نیز صادق است»^۲.

۱۳. ابوالخطیب محمد شمس الحق عظیم‌آبادی

«در بین سندهای احادیث مهدویت، احادیث صحیح و حسن و ضعیف وجود دارد، ولی ابن خلدون مغربی در تاریخ خود در تضعیف این احادیث مبالغه کرده است. از این رو به خطا رفته و حق مطلب را ادا نکرده است»^۳.

۱۴. شیخ ابوالحسن ابری

«اخبار در حد تواتر با کثرت راویان از پیامبر صلی الله علیه و آله خبر از آمدن مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف داده‌اند؛ کسی که هفت سال بر کل کره زمین حکومت خواهد نمود و در آن هنگام، زمین را پر از عدل و داد خواهد کرد»^۴.

۱۵. برزنجی

«احادیث وارده در امر مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با اختلاف روایاتش حصر و حدی ندارد. محمد بن حسن اسنوی در کتاب مناقب الشافعی ادعای تواتر روایات از رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره

۱. اخبار الدول و آثار الاول، ج ۱، ص ۳۵۴.

۲. محمد صدیق بن حسن، صدیق حسن خان، الاذاعه، ص ۱۲۵.

۳. شرف الحق، العظیم آبادی، عون المعبود، ج ۱۱، ص ۲۴۳.

۴. محمد، کثانی، نظم المتناثر من الحديث المتواتر، ص ۲۲۵.

حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را نموده است»^۱.

۱۶. احمد بن محمد بن صدیق

«اخبار در حد تواتر دلالت دارد بر اینکه ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از نشانه‌های قیامت است. روایات صحیح در این موضوع از رسول خدا صلی الله علیه و آله رسیده و ذکر مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف شایع و خبرش بین عموم مسلمانان در تمام عصرها منتشر شده است. پس ایمان به خروج او، واجب و اعتقاد به ظهورش به جهت تصدیق خبر رسول خدا صلی الله علیه و آله حتمی و لازم است؛ همان‌گونه که در عقاید اهل سنت و جماعت از تمام مذاهب تدوین یافته و در دفاتر علمای امت با اختلاف طبقات و مراتب مقرر شده است»^۲.

۱۷. شیخ محمد خضر حسین

«ابن خلدون اعتراف کرده که برخی از احادیث مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نقدپذیر نیست و موضوع مهدویت را از آن رو که پیامبر به آن خبر داده، می‌توان با یک روایت صحیح نیز ثابت نمود و به مضمون آن علم حاصل کرد»^۳.

۱۸. ابوالاعلی مودودی

«روایات خروج مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، متحمل حقیقتی اساسی است و قدر مشترک همه آن‌ها این است که پیامبر خبر داده که در آخرالزمان رهبری عامل به سنت ظهور می‌کند، آن‌گاه زمین را پر از عدل و داد کرده، از روی آن اسباب ظلم و تعدی را محو می‌کند»^۴.

۱۹. احمد زینی دحلان

«احادیثی که در آن‌ها یادی از مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است، فراوان و در حد تواتر است. در میان آن‌ها احادیث صحیح، حسن و ضعیف وجود دارد، ولی به دلیل کثرت آن‌ها و فراوانی راویان و تخریج‌کنندگان آن‌ها، یکدیگر را تقویت می‌کنند و بنابراین، می‌تواند افاده

۱. محمد بن رسول، برزنجی، الاشاعه لاشراط الساعة، ص ۱۳۹.

۲. ابراز الوهم المکنون من کلام ابن خلدون، ص ۴۳۳.

۳. محمد، خضر حسین، مجله «التمدن الاسلامی» دمشق، شماره ۳۵ و ۳۶، ج ۱۶.

۴. ابوالاعلی، مودودی، البیانات، ص ۱۱۶.

قطع کند. آنچه مورد قطع است اینکه ظهور او حتمی است و او از اولاد فاطمه علیها السلام است و زمین را پر از عدل و داد خواهد کرد»^۱.

۲۰. شیخ منصور علی ناصف

«مشهور بین علمای گذشته و حال این است که در آخرالزمان به طور حتم مردی از اهل بیت علیهم السلام به نام مهدی ظهور و بر ممالک اسلامی استیلا خواهد کرد. ... این احادیث را جماعتی از بهترین صحابه نقل کرده‌اند و بزرگان از محدثان، مانند ابی داوود، ترمذی، ابن ماجه، طبرانی، ابی‌یعلی، بزار، امام احمد و حاکم نقل کرده‌اند. کسی که احادیث مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را تضعیف کرده، به خطا رفته است»^۲.

۲۱. شیخ ناصرالدین البانی

«همانا عقیده به خروج مهدی، عقیده‌ای ثابت و متواتر از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است که ایمان به آن واجب است؛ زیرا این عقیده از امور غیب است که ایمان به آن در قرآن کریم از صفات پرهیزکاران شمرده شده است»^۳.

اکنون برای نمونه، چند جمله از عالمان مشهور اهل سنت درباره تواتر احادیث مهدویت بیان می‌شود:

۱. ابن ابی‌الحدید معتزلی سنی در شرح نهج البلاغه می‌نویسد:

«قد وقع اتفاق الفريقين من المسلمين أجمعين على أن الدنيا والتكليف لا يتقضي إلا عليه»^۴ اتفاق شیعه و سنی بر این است که دنیا و تکلیف منقضی و تمام نشود، مگر بر آن حضرت، یعنی پس از ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف.

۲. حافظ ابو عبدالله گنجی شافعی (م. ۶۵۸ ق) در کتاب البیان می‌نویسد: «تَوَاتَرَتْ

۱. تاریخ الفتوحات الإسلامیه، ص ۲۹۹-۳۰۰.

۲. منصور علی، ناصف التاج الجامع للاصول، ج ۵، ص ۳۴۱.

۳. ناصرالدین، البانی، مجله التمدن الاسلامی، شماره ۲۲، ص ۶۴۳، چاپ دمشق.

۴. عبدالحسین هبة الله، ابن ابی‌الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۲، ص ۵۳۵.

الْأَخْبَارُ وَاسْتَقَاضَتْ، بِكَثْرَةِ رُؤَاتِهَا عَنِ الْمُصْطَفَى سَلَّمَ، فَيَا مِرَّ الْمَهْدَى عجل الله تعالی فرجه الشریف؛^۱ احادیث پیامبر اکرم سَلَّمَ درباره مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به دلیل راویان بسیاری که دارد، به حد تواتر رسیده است».

۳. حافظ ابن حجر عسقلانی شافعی (م. ۸۵۲ق) در کتاب *فتح الباری* که در شرح صحیح بخاری نوشته، چنین می گوید: «تَوَاتَرَتِ الْأَخْبَارُ، بِأَنَّ الْمَهْدَى مِنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ، وَأَنَّ عِيسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ سَيُنْزَلُ وَيُصَلِّي خَلْفَهُ؛^۲ احادیث متواتر رسیده است که مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از این امت است و عیسی عَلَيْهِ السَّلَامُ از آسمان فرود خواهد آمد و پشت سر مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نماز خواهد خواند».

۴. قاضی شوکانی می نویسد: «وهی متواترة بلا شک ولا شبهة؛^۳ احادیث مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بدون شک و شبهه متواتر است».

۵. ابن حجر هیثمی می گوید: «و الاحادیث التي جاء فيها ذكر ظهور المهدى عجل الله تعالی فرجه الشریف كثيرة متواترة؛^۴ احادیثی که در آن به ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف اشاره شده، بسیار زیاد و در حد تواتر است».

۶. قرمان دمشقی می نویسد:

«اتفق العلماء على أن المهدى هو القائم في آخر الزمان وقد تعاضدت الاخبار على ظهوره؛^۵ علما بر این امر اتفاق دارند که مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف همان قیام کننده در آخر الزمان است و اخبار و احادیث ظهور آن حضرت یکدیگر را تأیید می کنند».

۷. مبارکفوری می گوید:

«واعلم ان المشهور بين كافة من اهل الاسلام على مهر الاعصار ان لا بد في آخر الزمان

۱. به نقل از خورشید مغرب.

۲. فتح الباری، ج ۵، ص ۳۶۲.

۳. ابراز الوهم المکنون، ص ۴.

۴. الصواعق المحرقة، ج ۲، ص ۲۱۱.

۵. اخبار الدول و آثار الاول، ج ۱، ص ۴۶۳.

من ظهور رجل من اهل البيت یسمى بالمهدی؛ بدان که مشهور میان همه مسلمانان در طول زمان‌ها این است که به طور حتم در آخرالزمان، مردی از اهل بیت علیهم‌السلام ظهور خواهد کرد؛ او مهدی نام دارد».

۴. آخرالزمان در منابع اهل سنت

در این بخش، به احادیثی اعتبار داده می‌شود که اهل سنت در کتاب‌های معتبر خود از صحابه رسول اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به نقل از پیامبر خاتم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در موضوع مهدویت آورده‌اند تا شاهی بر صدق گفتارمان درباره باورهای واقعی اهل سنت به امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف باشد.

۴-۱. مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف در آخرالزمان

در روایت‌های اهل سنت از پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌خوانیم که ایشان به این مهم بشارت داده‌اند. احمد بن حنبل از پیشوایان اهل سنت، در مسند خود که از کتاب‌های مهم اهل سنت است، از ابوسعید خدری نقل می‌کند:

ابشرکم بالمهدی. یبعث فی امتی علی اختلاف من الناس، ویزلزل فیملأ الارض قسطاً و عدلاً کما ملئت جوراً و ظلماً. یرضی عنه ساکن السماء و ساکن الارض، یقسم المال صحاحاً فقال له رجل: ما صحاحاً قال: بالسویه بین الناس؛^۱ شما را به ظهور مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف مژده می‌دهم که هنگام اختلاف زیاد و تزلزل مردم قیام کند و زمین را از عدل و داد لبریز کند؛ چنان‌که از ظلم و ستم پر شده باشد، ساکنان آسمان و زمین از حکومت او راضی خواهند بود و اموال را میان مردم به طور مساوی قسمت کند.

این حدیث پیامبر به اتفاق عالمان شیعه و سنی، متواتر است و هیچ‌کس در اینکه این کلام از ایشان صادر شده است، تردیدی ندارد.

۱. تحفة الأحوذی، شرح حدیث ۲۳۳۱. ر.ک. جمعی از محققان مرکز تخصصی مهدویت، امام مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف در احادیث شیعه و سنی، ص ۱۳۸۴.

۲. مسند احمد، ج ۳، ص ۳۷ و ۵۲، ح ۱۱۴۸۴؛ مسند جامع، ج ۶، ص ۵۲۰، ش ۴۷۱۴؛ ینابیع المودة، ج ۳، ص ۳۸۳.

... ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در منابع اهل سنت ۲۴۹

۲-۴. قطعی بودن ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

احمد بن حنبل در مسند خود از ابوسعید خدری درباره بشارت رسول خدا صلی الله علیه و آله به قطعی بودن ظهور مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف چنین نقل می‌کند:

لا تقوم الساعة حتى تحتل الأرض ظلما وعدوانا قال: ثم يخرج من عتري-او من اهل بيتي- يملأها قسطا وعدلا كما ملئت ظلما وعدوانا! رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: قیامت بر پا نمی‌شود تا اینکه زمین از ظلم و دشمنی پر شود، سپس (مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف) از عترت و اهل بیت من ظهور می‌کند و زمین را از قسط و عدل پر می‌کند؛ چنان‌که زمین از ظلم و دشمنی پر بود.

۳-۴. اصلاح کار قیام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در یک شب

رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله در مقام دادن امید به مشتاقان ظهور و نهی از ناامیدی، از قیام یک شبه مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به اذن الهی خبر می‌دهد؛ قیامی که در آن شب تاریک به روز روشن تبدیل می‌شود؛ «الَّتِي سَ الصَّبْحُ بِقَرِيبٍ»

در سنن ابن ماجه از صحاح شش‌گانه در این باره می‌خوانیم:

حدثنا عثمان بن أبي شيبة ثنا ابوداود الحفري ثنا ياسين عن ابراهيم بن محمد بن الحنفية عن ابيه عن علي قال: قال رسول الله: «المهدي منا اهل بيت يصلحه الله في ليلة». رسول اسلام صلی الله علیه و آله فرمود: «مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از ما اهل بیت است، کارش را خدا در یک شب اصلاح می‌کند.»^۱

۴-۴. ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف هم‌زمان با قسط و عدل جهانی

عدالت مجسم و مصداق عینی حکومت عدل جهانی، با ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ممکن می‌شود؛ زیرا در این قیام، خدای هستی اولین نظاره‌گر، یاری‌رسان و مشتاق نشان

۱. مسند احمد، ج ۳، ص ۱۷ و ۳۶؛ مسند ابی یعلی، ج ۲، ص ۲۷۴، ح ۹۸۷؛ الإحسان به ترتیب صحیح بن حبان، ج ۸، ص ۲۹۰، ش ۶۷۸۴؛ ینابیع المودة، ج ۳، ص ۲۶۲.

۲. سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۳۶۷، ح ۴۰۸۵؛ الفتن الملاحم نعیم بن حماد، ص ۲۰۳ و ۲۱۱؛ المصنف، ج ۸، ص ۶۷۸، کتاب ۴۰ (۱۹۰)؛ مسند احمد (دوره ۶ جلدی)، ج ۱، ص ۸۴؛ احمد محمد، شاکر، شرح بر مسند احمد بن حنبل، ج ۲، ص ۵۸، ح ۶۴۵؛ ینابیع المودة، ج ۲، ص ۸۲ و ۱۰۳، ج ۳، ص ۲۶۲ و ۳۸۶.

دادن بقیة الله است. خدایی که در قرآن می‌خوانیم اگر اراده کند و بگوید «کن»، در همان وقت «فیکون» می‌شود: «إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ»^۱.

در سنن ابی‌داود یکی از صحاح شش‌گانه، در کتاب المهدی، به نقل از پیامبر اکرم ﷺ آمده است:

حدثنا عثمان بن أبي شيبة ثنا الفضل بن دكين ثنا فطر عن القاسم بن أبي بزة عن أبي الطفيل عن علي عن النبي ﷺ قال: لولم يبق من الدهر الا يوم لبعث الله رجلا من اهل بيتي يملأها عدلا كما ملئت جورا؛^۲ اگر یک روز هم از دنیا باقی بماند، بی‌گمان خداوند مردی از اهل بیت مرا می‌فرستد، جهان را از عدل پر می‌کند؛ چنان‌که از ظلم پر بود.

۴-۵. مهدی ﷺ از خاندان پیامبر اسلام ﷺ

در حدیثی به نقل از ابوهریره آمده است که حضرت رسول ﷺ، مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف را از اهل بیت خود بیان می‌کند: «لولم يبق من الدنيا الا ليلة لملك فيها رجل من اهل بيت النبي؛^۳ اگر از دنیا فقط یک شب باقی مانده باشد، به‌راستی مردی از اهل بیت نبی بر آن حکومت می‌کند».

۴-۶. مهدی ﷺ هم‌نام پیامبر اسلام ﷺ

در سنن ترمذی (باب ما جاء في المهدی)، سنن ابی‌داود و مسند احمد بن حنبل، از صحاح شش‌گانه و مورد قبول همه اهل سنت و برخی دیگر از کتاب‌های اهل سنت می‌خوانیم که رسول خدا ﷺ فرمود: «يلي رجل من اهل بيتي، يواطى اسمه اسمي؛^۴ مردی از

۱. یس: ۸۲.

۲. سنن ابی‌داود، ج ۲، ص ۴۲۲. «کتاب المهدی»: مسند احمد، ج ۱، ص ۹۹، تحقیق احمد محمد شاکر، ج ۲، ص ۱۱۷-۱۱۸؛ ينابيع المودة، ج ۳، ص ۲۵۶ و ۲۵۷؛ المصنف، ج ۸، ص ۶۷۸ (ش ۱۹۴).
۳. الإحسان بترتيب صحيح بن حبان، ج ۷، ص ۵۷۶، ح ۵۹۲۲؛ موارد الظمآن، ج ۶، ص ۱۲۸، ح ۱۸۷۶، باب ما جاء في المهدی.

۴. سنن ترمذی، ج ۳، ص ۳۴۳، ح ۲۳۳۲، باب ما جاء في المهدی؛ محمد بن عبدالله، ابی بکر (ابن عربی)، عارضة الاحوذی بشرح صحيح الترمذی، ج ۹، ص ۷۵؛ المعجم الكبير، ج ۱۰، ص ۱۳۶، ح ۱۰۲۲۷؛ سنن ابی‌داود، کتاب المهدی، ج ۲، ص ۴۲۱؛ سنن ترمذی، ج ۳، ص ۳۴۳، ح ۲۳۳۱، باب ما جاء في المهدی؛ عارضة الاحوذی بشرح صحيح الترمذی، ج ۹، ص ۷۴؛ مسند احمد، ج ۱، ص ۳۷۶-۳۷۷؛ مسند احمد

اهل بیت می آید که هم نام من است».

از ابوسعید خدری نیز روایت شده که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «اسم المهدی اسمی؛ نام مهدی، نام من است».

نام مهدی نام جمله انبیاست چون که صد آمد، نود هم پیش ماست

۴-۷. شباهت اخلاق مهدی علیه السلام به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله

در منابع معتبر اهل سنت به خلق و خوی حجت بن الحسن علیه السلام نیز تصریح شده است که شبیه اخلاق پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله است. این حدیث را عبدالله بن مسعود از رسول اکرم صلی الله علیه و آله این گونه نقل کرده است: «يُخْرِجُ رَجُلًا مِنْ أَهْلِ بَيْتِي. يَواطِي اسْمَهُ اسْمِي وَخُلُقَهُ خُلُقِي»^۱ مردی از اهل بیتم ظهور می کند؛ نام او، نام من است و اخلاق او، اخلاق من است».

۴-۸. مهدی علیه السلام احیاگر سنت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

ابوسعید خدری نقل می کند که مهدی موعود علیه السلام احیاگر سنت رسول خاتم صلی الله علیه و آله است.

قال: سمعت رسول الله صلی الله علیه و آله يقول: يخرج رجل من امتي، يقول بلسنتي، ينزل الله عز وجل له القطر من السماء، وتخرج له الأرض من بركايتها، تملأ الأرض منه قسطاً وعدلاً كما ملئت جوراً وظلماً، يعمل على هذه الأمة سبع سنين، وينزل بيت المقدس؛^۲ ابوسعید خدری گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: مردی از امتم

حنبل شرح احمد شاکر، ج ۵، ص ۱۹۹، ح ۳۵۷۲ و ج ۱، ص ۳۷۷ و ۴۳۰ و ج ۵، ص ۱۹۹، ح ۳۵۷۳ و ج ۶، ص ۷۴، ح ۴۰۹۸. در شرح احمد شاکر آمده است: إسنادہ صحیح: المعجم الكبير، ج ۱۰، ص ۱۳۱، ش ۱۰۲۰۸ و ص ۱۳۳، ش ۱۰۲۱۵ و ص ۱۳۴، ش ۱۰۲۱۷ و ۱۰۲۱۸؛ المعجم الأوسط، ج ۲، ص ۱۳۵، ش ۱۲۵۵؛ ينابيع المودة، ج ۳، ص ۲۵۶، ۲۶۲ و ۲۶۸ و در صفحات دیگر کتاب نیز آمده است و می گوید: «هذا حديث حسن صحيح».

۱. الفتن والملاحم، باب اسم المهدی، ص ۲۰۶؛ ينابيع المودة، ج ۳، ص ۳۹۴، به صورت «اسمه اسمی».

۲. المعجم الكبير، ج ۱۰، ص ۱۳۶-۱۳۷، ح ۱۰۲۲۹؛ الإحسان بترتيب صحيح بن حبان، ج ۸، ص ۲۹۱، ش ۶۷۸۶، در بیان همین معنا.

۳. المعجم الأوسط، ج ۲، ص ۴۷، ح ۱۰۷۹؛ ينابيع المودة، ج ۳، ص ۲۵۷، ح ۱۰.

ظهور می‌کند؛ قائل به سنت من است. خداوند برای او از آسمان باران می‌فرستد و برای او از زمین برکاتش را بیرون می‌کشد، زمین را به نعمت وجود او از قسط و عدل پر می‌کند؛ چنان‌که از ظلم و ستم پر بود. او هفت سال بر این امت حکومت می‌کند و به بیت‌المقدس وارد می‌شود.

در روایات شیعه از معنا و منظور این «هفت سال» پرسیدند، عبدالکریم خثعمی گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: مدت حکومت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف چقدر است؟ حضرت علیه السلام فرمود: هفت سال. (سپس در تفسیر آن هفت سال فرمودند:) خداوند روزها و شب‌ها را طولانی خواهد کرد، به اندازه‌ای که یک سال از سال‌های او به مقدار ده سال از سال‌های شماست. بنابراین، مدت حکومت آن حضرت هفتاد سال از سال‌های شما خواهد بود.^۱

۴-۹. مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از قریش

روایت‌های فراوانی درباره دوازده خلیفه و قریشی بودن آن‌ها در منابع موثق اهل سنت وارد شده است که به دلیل اختصار، به یک مورد از صحاح شش گانه شامل صحیح البخاری، صحیح مسلم، سنن ابی داود، سنن الترمذی، مسند احمد بن حنبل و سایر منابع اشاره می‌شود:

حدثني محمد بن المثنى، حدثنا غندر، حدثنا شعبة، عن عبد الملك، سمعت جابر بن سمره، قال: سمعت النبي يقول: يكون اثني عشر اميرا فقال كلمة لم اسمعها. فقال ابي انه قال كلهم من قریش؛^۲ جابر فرزند سمره می‌گوید: شنیدم

۱. الغيبة طوسی، ص ۴۳۲؛ إرشاد، ج ۲، ص ۳۵۵-۳۵۶؛ مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف (ترجمه جلد ۵۱ بحار الأنوار)، ص ۱۱۱۹؛ و مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف ترجمه جلد سیزدهم بحار)، ص ۱۰۸۰.
۲. صحیح بخاری، ج ۸، ص ۱۲۸؛ عقد الدرر، ص ۴۲-۴۴؛ مستدرک، ج ۴، ص ۵۵۳؛ یحیی بن شرف، نووی، صحیح مسلم با شرح نووی: کتاب الامارة، ج ۱۲، ص ۲۰۲-۲۰۳. در صحیح مسلم این دسته از احادیث تا هفت طریق نقل شده است؛ سنن ابی داود، ص ۴۲۱؛ خلیل احمد، السهارة نفوری بذل مجهود فی حل سنن ابی داود، ج ۲، ص ۱۸۶، ح ۱۸۷۴۳؛ سنن الترمذی، ج ۳، ص ۳۴۰، ش ۲۳۲۳، (باب ما جاء فی الخلفاء)؛ عارضة الأحوذی بشرح صحیح الترمذی، ج ۹، ص ۶۶، ابواب الفتن، باب ما جاء فی الخلفاء؛ مسند احمد، ج ۵، ص ۸۷، ح ۲۰۸۴۰ «و آخر امام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و عندي هذا هو الحق؛ به نظر من، قول حق همین است که امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف دوازدهمین خلیفه پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله است» (بذل المجهود، ج ۱۷، ص ۱۸۸).

که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله می فرمود: دوازده امیر هستند، پس کلمه ای گفت که نشنیدم، پدرم گفت: پیامبر فرمود: همه این دوازده امیر از قریش می باشند.

۱۰-۴. مهدی علیه السلام از فرزندان عبدالمطلب

ابن ماجه در کتاب سنن، حدیثی را از انس بن مالک از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل کرده به این مضمون که مهدی موعود علیه السلام از فرزندان عبدالمطلب است؛^۱

حدثنا هديه بن عبد الوهاب، ثنا سعد بن عبد الحميد بن جعفر، عن علي بن زياد اليمامي، عن عكرمة بن عمار، عن اسحاق بن عبد الله بن أبي طلحة، عن انس بن مالك، قال سمعت رسول الله صلی الله علیه و آله يقول: انا ولد عبدالمطلب، سادة اهل الجنة. انا و حمزة و علي و جعفر و الحسن و الحسين و المهدي؛^۲ ابن ماجه از انس بن مالک نقل کرده که رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: ما فرزندان عبدالمطلب سروران اهل بهشتیم؛ من، حمزه، علی، جعفر، حسن، حسین و مهدی.

۱۱-۴. مهدی علیه السلام از فرزندان ابوطالب

این حدیث را مقدسی شافعی مذهب، در کتاب عقد الدرر از امام باقر علیه السلام روایت می کند و می گوید که این حدیث را از نعیم بن حماد از کتاب الفتن نقل می کنم. شیخ مفید نیز در کتاب ارشاد این حدیث را بیان کرده است که به دلیل طولانی نشدن از بیان متن کامل آن صرف نظر می کنیم.^۳

۱۲-۴. مهدی علیه السلام از فرزندان امیرمؤمنان علی علیه السلام

عبدالله بن عمر حفص بن عاصم نقل می کند که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در یک مجلس حدیثی فرمودند که امام علی بن ابی طالب علیه السلام نیز آنجا حضور داشت:

سيخرج من صلب هذا فتى يملا الارض عدلا وقسطا. فاذا رأيتم ذلك فعليكم بالفتى التميمي. فانه يقبل من المشرق وهو صاحب راية؛^۴ به زودی از صلب این

۱. دیگران هم آن را نقل کرده اند.

۲. سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۳۶۸، ح ۴۰۸۷؛ باب قیام المهدی؛ مستدرک، ج ۳، ص ۲۱۱؛ جمع الجوامع، ج ۱، ص ۸۵۱؛ عقد الدرر، ص ۱۹۵؛ الغيبة طوسی، ص ۱۱۳؛ ينابيع المودة، ج ۳، ص ۲۶۶، ح ۱۹.

۳. عقد الدرر، باب ۴، ص ۱۴۹؛ شیخ مفید، ج ۲، ص ۳۷۰-۳۷۱.

۴. المهدی المعجم الاوسط، ج ۵، ص ۷۹، ح ۴۱۴۲.

(امام علی بن ابی طالب علیه السلام) جوانی می‌آید که زمین را از عدالت و قسط پر می‌کند؛ پس هنگامی که آن جوان را دیدید، بر شماست که به جوان اهل بنی تمیم پیوندید. او از مشرق می‌آید و صاحب پرچم است.
امام علی بن ابی طالب علیه السلام نیز در فرمایشی درباره مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌فرماید: «منا المهدی؛ او مردی از تبار من است»^۱.

۱۳-۴. مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از فرزندان فاطمه زهرا علیها السلام

در سنن ابی داود، سنن ابن ماجه و کتاب‌های معتبر دیگر اهل سنت از رسول اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده است که مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از فرزندان فاطمه زهرا علیها السلام است: «عن ام سلمة قالت: سمعت رسول الله يقول: المهدی من عترتی من ولد فاطمة؛^۲ ام السلمه گوید: شنیدم که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از عترتم، از فرزندان فاطمه علیها السلام است».

۱۴-۴. مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از فرزندان حسین بن علی علیه السلام

حذیفه بن یمان از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل می‌کند که مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف از فرزندان حسین بن علی علیه السلام است:

عن حذيفة قال: خطبنا النبي صلی الله علیه و آله فذكر ما هو كائن. ثم قال: لولم يبق من الدنيا الا يوم واحد. لطول الله ذلك اليوم حتى يبعث رجلا من ولدي اسمه اسمي، فقال سلمان: يا رسول الله صلی الله علیه و آله من ای ولدك؟ قال: من ولدي هذا. وضرب بيده على الحسين؛^۳ حذيفة بن یمان نقل می‌کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله برای ما خطبه‌ای

۱. الفتن، ج ۱، ص ۳۶۹، ح ۱۰۸۴؛ علی بن موسی، سید بن طاووس، التشریف بالمنن فی التعریف بالفتن، باب ۱۹، ص ۱۷۶، ح ۲۳۸؛ ینابیع المودة، ج ۳، ص ۲۷۰، ح ۴ و ص ۲۹۱، ح ۶.

۲. سنن ابی داود، ج ۲، ص ۴۲۲؛ سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۳۶۸، ح ۴۰۸۶؛ التاریخ الکبیر، ج ۳ (ق ۱)، ج ۲، ص ۳۴۶، ح ۱۱۷۱؛ المعجم الکبیر، ج ۲۳، ص ۲۶۷، ح ۵۶۶؛ الکامل، ج ۳، ص ۱۹۶ در ترجمه زیاد بن بیان، ص ۲۰ که با دو طریق نقل می‌کند؛ المستدرک، ج ۴، ص ۵۵۷؛ ینابیع المودة، ج ۳، ص ۲۵۶.

۳. میزان الاعتدال، ج ۳، ص ۴۴۹، ش ۷۱۱۴؛ احمد بن عبدالله، طبری، ذخائر العقبی، ص ۱۳۶ که پس از آن، این حدیث را آورده است: «مطلقاتی که پیش از این بیان شده‌اند، بر این مقید حمل می‌شوند؛ فیحمل ماورد مطلقا... علی هذا المقید»؛ عقد الدرر، ص ۴۵، باب اول؛ ابراهیم بن محمد، حموئی جوینی، فرائد السمطین، ج ۲، باب ۶۱، ص ۳۲۵، ح ۵۷۵؛ ینابیع المودة، ج ۲، ص ۲۱۰ و ج ۳، ص ۲۹۸، ۳۸۵ و ۳۹۰.

خواند و در آن از حوادث آینده خبر داد و افزود: اگر از عمر دنیا بیش از یک روز باقی نماند، خداوند بزرگ آن یک روز را چنان طولانی می‌کند که مردی از نسل من در آن روز قیام کند که هم اسم من است. آن‌گاه سلمان برخاست و پرسید: ای رسول خدا! او از کدام فرزند تو خواهد بود؟ حضرت فرمود: از این پسر من و با دست خود بر پشت حسین علیه السلام زد.

همچنین در کتاب *ینابیع المودة* در این درباره می‌خوانیم:

قال رسول الله ﷺ: لا تذهب الدنيا حتى يقوم بامتي رجل من ولد الحسين يملأ الارض عدلا كما ملئت ظلما؛ پیامبر اسلام ﷺ فرمود: دنیا از بین نمی‌رود تا اینکه مردی از فرزندان (امام) حسین علیه السلام قیام کند و زمین را از عدل پر کند؛ چنان‌که از ظلم و بیداد پر است.

سلیمان بن ابراهیم حنفی قندوزی، از قول امام علی علیه السلام نقل می‌کند که امام فرمود: «مهدی عجل الله تعالی فرجه از صلب فرزندش حسین علیه السلام است». او تأکید می‌کند که ابوداود نیز این روایت را آورده، بدون آنکه قصه‌اش را نقل کند.^۱

۱۵-۴. اسامی ائمه هدی علیهم السلام، پس از امام حسین علیه السلام

عالم بزرگ اهل سنت، سلیمان بن ابراهیم قندوزی حنفی در *ینابیع المودة* حدیثی طولانی نقل می‌کند که در کتاب‌های دیگر اهل سنت نیز از مجاهد از ابن عباس نقل شده است: فرد یهودی به نام نعثل به خدمت رسول خدا ﷺ رفت و گفت:

از چیزهایی که در قلبم مانده است، اگر پاسخ من را بدهی، به دست تو اسلام می‌آورم. سؤال‌های فراوانی درباره موضوعات گوناگون کرد و حضرت به او پاسخ داد تا رسید به اینکه پس از حسین بن علی علیه السلام چه کسانی هستند؟ ای محمد! آنان را برایم نام ببر؛ قال رسول الله ﷺ: نعم اذا مضى الحسين فابنه علي. فاذا مضى علي فابنه محمد. فاذا مضى محمد فابنه جعفر. فاذا مضى جعفر فابنه موسى. فاذا مضى موسى فابنه علي. فاذا مضى علي فابنه محمد. فاذا مضى محمد فابنه علي. فاذا مضى علي فابنه الحسن. فاذا مضى الحسن فابنه الحجة

۱. ینابیع المودة، ج ۳، ص ۲۹۱، ح ۶، ج ۳، ص ۲۵۹، ح ۱۶.

محمد المهدی، قهولاء اثنی عشرائه عدد نقباء بنی اسرائیل؛^۱ پیامبر اسلام ﷺ در ادامه پاسخ به یهودی فرمود: هنگامی که حسین بن علی رفت، پس فرزندش علی بن حسین است، هنگامی که علی رفت، پس فرزندش محمد بن علی است، هنگامی که محمد بن علی رفت، پس فرزندش جعفر است، هنگامی که جعفر رفت، پس فرزندش موسی است، هنگامی که موسی رفت، پس فرزندش علی بن موسی است، هنگامی که علی رفت، پس فرزندش محمد بن علی است، هنگامی که محمد رفت، پس فرزندش علی بن محمد است، هنگامی که علی رفت، پس فرزندش حسن است، هنگامی که حسن بن علی رفت، پس فرزندش حجت خدا، محمد، مهدی امت است، پس این‌ها دوازده تا شدند.

۱۶-۴. مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف یکی از دوازده خلیفه و از خاندان پیامبر

این مضمون در بیشتر کتب‌های معتبر مثل صحیح بخاری، صحیح مسلم، سنن ابی داود، سنن الترمذی، مسند احمد بن حنبل و غیره نقل شده است که مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف یکی از دوازده خلیفه و از خاندان پیامبر اسلام ﷺ است. متن روایت چنین است:

حدثني محمد بن المثنى. حدثنا غندر. حدثنا شعبة. عن عبد الملك، سمعت جابر بن سمرة. قال: سمعت النبي يقول: يكون اثني عشر اميرا فقال كلمة لم اسمعها. فقال ابى: انه قال: كلهم من قريش؛^۲ جابر بن سمرة می‌گوید که رسول اسلام ﷺ فرمود: دوازده امیر هستند که همه آن‌ها از قریش هستند.

بعضی گفته‌اند: عنوان دوازده خلیفه بر زندگی امامان معصوم عليه السلام تطبیق ندارد و آنان به جز امام علی بن ابی طالب و امام حسن عليه السلام خلافتی نداشتند. پاسخ این شبهه این است که براساس حدیث دوازده خلیفه رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم، امامان معصوم عليه السلام باید به همان

۱. همان، ج ۳، باب ۷۶، ص ۲۸۱-۲۸۲، ح ۱؛ فرائد السمطين، باب دوم، ص ۱۳۲، ح ۴۳۱؛ منتخب الأثر، ج ۱، ص ۱۶۷-۱۷۰.

۲. صحیح البخاری، ج ۸، ص ۱۲۷؛ صحیح مسلم بشرح النووی، کتاب الامارة، ج ۱۲، ص ۲۰۲-۲۰۳؛ این دسته از احادیث در صحیح مسلم تا هفت طریق نقل شده است؛ سنن ابی داود، ج ۲، ص ۴۲۱، کتاب المهدی؛ بذل المجهود فی حل ابی داود، ج ۱۷، ص ۱۸۶-۱۸۷؛ سنن ترمذی، ج ۳، ص ۳۴۰، ش ۲۳۲۳؛ مسند احمد، ج ۵، ص ۸۷، ح ۲۰۸۴ (مضمون این‌گونه احادیث در مسند احمد، ج ۵ از چند طریق روایت شده است)؛ بنایع المودة، ج ۳، ص ۲۸۹.

ترتیبی خلافت می‌کردند که در روایت آمده است، اما واقعیت این است که خلافت را از امامان معصوم علیهم السلام غصب و آن بزرگواران را به اجبار از خلافت منع کردند.

اگر مردم خواسته رسول خدا صلی الله علیه و آله را اجابت می‌کردند، ائمه هدی علیهم السلام باید چنان‌که بر جان‌ها امامت و پیشوایی دارند، حکومت ظاهری نیز می‌داشتند؛ زیرا آنان جانشینان بر حق خدا و رسول او بر روی زمین هستند.

براساس آیه مبارک «وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ»، رسول اسلام صلی الله علیه و آله این احادیث را از پیش خود نگفته، بلکه مشیت الهی را به مردم ابلاغ فرموده است. افزون بر اینکه در بسیاری از روایات موثق اهل سنت، رسول اکرم صلی الله علیه و آله به اسامی، ویژگی‌ها و ترتیب این جانشینان بر حق تصریح فرمودند.^۱

متأسفانه برخی از جاعلان برای تقابل با این روایات صریح و درست، نام افرادی همچون معاویه، یزید و مانند آن‌ها را زیر عنوان خلفای دوازده‌گانه درج کرده‌اند:

و منهم عمر بن عبد العزيز بلا شك عند الأئمة وبعض بني العباس، ولا تقوم الساعة حتى تكون ولايتهم لا محالة؛^۲ و از میان این دوازده نفر عبدالعزیز مروان بدون شک از ائمه است و بعضی از عباسیان ائمه هستند و قیامت بر پا نمی‌شود تا اینکه بدون شک ولایت اینان بر پا می‌شود.

اینان حاضر شده‌اند اسامی معاویه، یزید بن معاویه، مروان، عبدالملک و عمر بن عبدالعزیز و دیگران را با همه جنایت‌پیشگی، جزء این دوازده نفر بشمارند، ولی احادیث روشن و صریح را نادیده بگیرند.^۳

۱۷-۴. لزوم بیعت و پیروی از مهدی موعود خلیفه خدا عجله الله تعالی فرجه الشریک

بزرگان اهل سنت درباره پیروی از مهدی عجله الله تعالی فرجه الشریک هنگام ظهور، احادیث بسیاری از پیامبر

۱. ینابیع المودة، ج ۳، باب ۹۳، ص ۱۶۱.

۲. تفسیر القرآن العظیم (ابن کثیر)، ج ۳، ص ۵۹، ذیل آیه دوازده سوره مائده.

۳. عل بن علی، ابن ابی العز، شرح العقبة الطحاویه، ج ۲، ص ۷۳۶؛ شرح ابن قیم علی سنن ابی داود، ج ۱۱، ص ۲۶۳، ح ۴۲۵۹؛ الحاوی للفتاوی، ج ۲، ص ۸۵؛ احمد بن علی، مقریزی، السلوک لمعرفة دول الملوک، ج ۱، ص ۱۳-۱۵؛ رک. در انتظار ققنوس، ص ۱۲۶.

اکرم علیه السلام نقل کرده‌اند. ابن ماجه در سنن در این باره، از ثوبان هاشمی تعبیر زیبایی را از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نقل کرده است: «ولو حبوا علی الثلج، فانه خلیفه الله المهدی؛ اگرچه بر روی برف، خود را می‌رساند؛ زیرا مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف جانشین خداست».

در حدیثی دیگر از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده است:

جی فتنه غبراء مظلمة ثم يتبع الفتن بعضها بعضا حتى يخرج رجل من اهل بیتی يقال له المهدی فان ادركته فاتبعه وكن من المهتدين؛^۱ فتنه و آزمایش‌های غبراء مظلمه می‌آید، سپس فتنه پشت فتنه می‌آید تا اینکه مردی از اهل بیت من ظهور می‌کند، به او مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌گویند؛ پس اگر او را درک کردی، از او پیروی کن تا از هدایت شدگان باشی.

عبدالله بن عمر نیز از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل می‌کند که فرمود: «مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ظهور می‌کند، در حالی که ابری بر او سایه افکنده است و فرشته‌ای در بالای سرش فریاد می‌زند: این مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف خلیفه و جانشین خداست؛ پس از او پیروی کنید».^۲

۱۸-۴. فراوانی نعمت در زمان مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

ابوسعید خدری از رسول اسلام صلی الله علیه و آله نقل می‌کند که در روزگار مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، شاهد فراوانی نعمت‌های بی‌مانند زمینی و آسمانی خواهید بود:

تنعم امتی فی زمن المهدی نعمة لم ينعموا مثلها قط ترسل السماء عليهم مدرارا و لا تزرع (لا تدع) شیتا من النبات الا اخرجته و المال کدوس يقوم الرجل فيقول: یا مهدی اعطني فيقول: خذ؛^۳ در زمان مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، امت من آن چنان از نعمت بهره‌مند می‌شوند که هرگز مانند آن دیده نشده است. آسمان برکاتش را می‌ریزد و ثروت در آن روز، روی هم انباشته شده است. مردی بر پا می‌خیزد

۱. سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۳۶۷، ح ۴۰۸۴؛ المستدرک علی الصحیحین، ج ۴، ص ۴۶۳؛ اسماعیل بن عمر، ابن کثیر، دلائل النبوة، ج ۶، ص ۵۱۵ و ۵۱۶.

۲. المعجم الكبير، ج ۸، ص ۵۱، ح ۹۱.

۳. میزان الاعتدال، ج ۱، ص ۶۳، ش ۱۹۹ و ج ۲، ص ۶۷۹، ح ۵۳۱۶، در ترجمه عبد الوهاب بن ضحاک؛ ينابيع المودة، ج ۳، ص ۲۹۶ و ۲۹۹.

۴. مسند احمد، ج ۱۷، ص ۴۱۶؛ كشف الغمة، ج ۲، ص ۹۷۰؛ منتخب الأثر، ج ۳، ص ۱۴۲؛ به همین مضمون در سنن ابن ماجه، ج ۵، ص ۵۴۰؛ ينابيع المودة، ج ۳، ص ۳۸۵.

و می‌گوید: یا مهدی! بر من عطا کن، می‌فرماید: بگیر.
به این معنا که نعمت به قدری فراوان خواهد شد که پیش از آن در امت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله سابقه نداشته است و همه در نعمت الهی غرق خواهند بود.
همچنین در مسند احمد حنبل و منابع دیگر نیز چنین نقل شده است:
تَنْعَمُ أُمَّتِي فِي دُنْيَاهُ نَعِيمًا لَمْ تَنْعَمْ مِثْلَهُ قَطُّ. الْبَرُّ مِنْهُمْ وَالْفَاجِرُ وَالْمَالُ كَدُوسٌ.
يَأْتِيهِ الرَّجُلُ فَيَحْثُولُهُ؛ در آن زمان، اَمتَم (چه مؤمن، چه گناهکار) چنان در نعمت غرق می‌شوند که تا آن روز سابقه نداشته است و اموال آن قدر زیاد می‌شود که هر کس نزد او می‌رود، مال فراوانی به او عطا می‌کند.
در مستدرک حاکم نیز به نقل از رسول بزرگوار اسلام صلی الله علیه و آله نزدیک به این مضمون آمده است.

۱۹-۴. بخشش بدون شمارش در روزگار مهدی علیه السلام

در مسند احمد بن حنبل، پیشوای حنبلی‌ها، از جابر بن عبدالله انصاری نقل شده است که رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرموده‌اند: در روزگار مهدی علیه السلام، بخشش بدون شمارش است:

حدثنا عبد الصمد بن عبد الوارث حدثني أبي. ثنا داود. عن أبي نضرة عن أبي سعيد وجابر بن عبد الله قالا: قال رسول الله: يكون في آخر الزمان خليفة يقسم المال ولا يعده؛ جابر بن عبد الله انصاری از رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله نقل می‌کند که در آخر الزمان خلیفه‌ای می‌آید که مال را (بین همه) تقسیم می‌کند، در حالی که آن را نمی‌شمارد.

در حدیث دیگری سنن ابن ماجه، صحیح مسلم و صحیح بخاری از رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله نقل کرده‌اند: «پس از ظهور، شخصی بلند می‌شود و می‌گوید: ای مهدی! به من عطا کن و حضرت می‌گوید: بگیر و مردم در کمال نعمت زندگی می‌کنند».

۱. مسند احمد، ج ۳، ص ۴۸؛ بیابیع المودة، ج ۳، ص ۲۶۶، ح ۱۷.

۲. مسند احمد، ج ۳، ص ۳۸، ۴۸، ۴۹، ۶۰، ۹۶، ۹۸؛ صحیح مسلم، ج ۸، ص ۱۸۵؛ سنن ابی داود، ج ۳، ص ۳۴۳؛ بیابیع المودة، ج ۳، ص ۲۵۵.

در جای دیگری نقل شده است:

قَالَ النَّبِيُّ ﷺ يَكُونُ فِي أُمَّتِي الْمَهْدِيُّ. يَتَنَعَّمُ فِيهِ أُمَّتِي نِعْمَةً لَمْ يَتَنَعَّمُوا مِثْلَهَا قَطُّ تَوَتَّى الْأَرْضُ أَكْلَهَا وَلَا تَدْخِرُوا مِنْهُمْ شَيْئًا وَالْمَالُ يَوْمَئِذٍ كَذُوسٌ يَقُومُ الرَّجُلُ فَيَقُولُ: يَا مَهْدِيُّ أَعْطِنِي فَيَقُولُ: خُذْ! پیامبر گرامی اسلام ﷺ فرمودند: مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از امت من است. در زمان او، امت من آن چنان از نعمت بهره‌مند می‌شوند که هرگز مانند آن دیده نشده است و ثروت در آن روز روی هم انباشته شده است. مردی بر پا می‌خیزد و می‌گوید: ای مهدی! بر من عطا کن، می‌فرماید: بگیر.

در حدیث دیگری که شیعه و سنی نقل کرده‌اند، چنین آمده است:

در زمان ظهور، امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف به منادی دستور می‌دهد که میان مردم برو و اعلام کن هرکس به مال دنیا نیاز دارد، بیاید. از میان مردم فقط یک نفر بلند می‌شود و می‌گوید: من نیازمند هستم. حضرت به کلیددار دستور می‌دهد که هرچه می‌خواهد، به او بدهد. کلیددار به او می‌گوید: لباس را پهن کن و وسط لباس او را پر می‌کند، ولی پس از آنکه آن فرد خود را در این وضع می‌بیند، از خواسته خود پشیمان می‌شود که چرا از میان این همه مردم فقط من طمع کردم و عزت نفس نداشتم؟ آن‌گاه آن را برمی‌گرداند، ولی حضرت از او نمی‌پذیرد. وَيَقُولُ الْمَهْدِيُّ: إِنَّا لَنَأْخُذُ شَيْئًا أُعْطِينَاهُ؟^۲ و مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌فرماید: ما آنچه را که بخشیدیم، پس نمی‌گیریم.

آری، مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف نمونه مجسم عدل، مصداق عینی عدالت اجتماعی و اقتصادی و عدالت راستین الهی است. او برخلاف مدعیان دروغین عدالت و مردم‌سالاری که برای رسیدن به مقام‌های دنیوی از عدالت و آزادی دم می‌زنند، گرمای عدالت را به خانه‌های مردم می‌برد؛ همان‌گونه که سرما به خانه‌هایشان نفوذ کرده است. این فرمایش امام صادق علیه السلام رئیس مذهب شیعه است: «زُرَّارَةُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَرْوَانَ عَنِ

۱. بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۸۸.

۲. سنن ابن ماجه، ج ۲، باب سيرة المهدي و عدله و...، ص ۲۰۲؛ الكامل؛ ج ۳، ص ۲۰۱؛ المستدرک، ج ۴، ص ۵۸۸؛ صحيح مسلم بشرح النووي، ج ۱۸، ص ۳۹؛ نک. صحيح بخاری، ج ۲، ص ۱۳۵؛ ينابيع المودة، ج ۳، ص ۲۶۵؛ ح ۱۷؛ مسند احمد، ج ۳، ص ۵۲؛ ح ۱۱۴۸۴.

الْفَضِيلَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ إِنَّ قَائِمَنَا إِذَا قَامَ، أَمَّا وَاللَّهِ لَيَدْخُلَنَّ عَلَيْهِمْ عَدْلُهُ جَوْفَ بُيُوتِهِمْ كَمَا يَدْخُلُ الْحَرُّ وَالْقُرُ^۱.

ابن ابی شیبہ روایتی را از رسول خدا ص نقل کرده که ضمن تصریح به اینکه مقصود از «رجل» و «خلیفه رسول خدا ص» مهدی از اهل بیت است، از عطای فراوان و بی شمار او سخن می گوید: «يُخْرِجُ رَجُلًا مِنْ أَهْلِ بَيْتِي عِنْدَ انْقِطَاعِ مِنَ الزَّمَانِ وَظُهُورِ مِنَ الْفِتَنِ يَكُونُ عَطَاؤُهُ حَشِيًّا^۲» مردی از اهل بیت پس از وقفه ای از زمان و ظاهر شدن فتنه ها ظهور می فرماید که عطای او ریزان است».

۲۰-۴. رضایت اهل زمین و آسمان از حکومت و عدالت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

قندوزی حنفی در *ینابیع المودة* و دیگران در منابع شیعی، حدیثی را نقل کرده اند که رضایت اهل زمین و آسمان از حکومت و عدالت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را تبیین می کند:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص الْمَهْدِيُّ رَجُلٌ مِنْ وَلَدِي. يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ جَوْرًا يَرْضَى فِي خِلَافَتِهِ أَهْلُ الْأَرْضِ، وَأَهْلُ السَّمَاءِ وَالطَّيْرِ فِي الْحَيَاةِ^۳ مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف مردی از فرزندان من است. زمین را از عدل پر می کند؛ چنان که از ظلم و بی عدالتی پر بود و در خلافت او اهالی زمین و آسمان و (حتی) پرندگان آسمان از آن حضرت راضی هستند.

وقتی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ظهور کنند، همه ساکنان زمین و آسمان از او راضی هستند؛ زیرا او با همه عادلانه و منصفانه رفتار و اموال را به طور مساوی میان مردم تقسیم می کند. آن قدر مال و نعمت انبوه خواهد شد که همه از نظر مادی و اقتصادی بی نیاز می شوند و آن قدر مردم ثروت و دارایی خواهند داشت که اگر بخواهند صدقه دهند، فرد نیازمندی را نمی یابند؛ زیرا همه مؤمنان بی نیاز هستند. گنج های زمین بیرون می آید و زندگی بدون فقر در زمان حکومت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف تجربه می شود:

وَأُخْرِجَتِ الْأَرْضُ بَرَكَاتِهَا، فَحِينَئِذٍ تَظْهَرُ الْأَرْضُ كُنُوزَها، وَتُبْدِي بَرَكَاتِها، حَتَّى لَا يَجِدَ

۱. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۶۲، ح ۱۳۱.

۲. المصنف، ج ۸، ص ۶۷۸.

۳. ینابیع المودة، ج ۳، ص ۲۶۳، ح ۱۲؛ الفتن، باب اجتماع الناس بمكة وبيعتهن للمهدي فيها، ص ۱۹۰.

الرَّجُلُ مِنْكُمْ مَوْضِعاً لِّصَدَقَتِهِ وَلَا يَبْرَهُ، لِيُشْمُولَ الْغَنَى جَمِيعَ الْمُؤْمِنِينَ؛^۱ زمین برکاتش را آشکار می‌کند و گنج‌های مخفی شده در زمین بیرون می‌ریزد و برکاتش را عرضه می‌کند؛ به طوری که انسان، جایی را برای صدقه دادن و نیکی کردن پیدا نمی‌کند؛ زیرا همه مؤمنان بی‌نیاز هستند.

از رسول خدا ﷺ نقل شده است: در زمان حکومت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف «حَتَّى تَتَمَنَّى الْآحْيَاءُ الْأَمْوَاتِ؛ مردگان آرزو می‌کنند کاش زنده شوند و بازگردند».^۲ بنابراین، همه در زمان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بی‌نیاز می‌شوند و به طور کلی فقر از جامعه ریشه‌کن می‌شود.

۲۱-۴. کفر منکر مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

براساس روایات نقل شده از رسول خدا ﷺ در منابع اهل سنت، انکارکننده ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف کافر است: «عن جابر بن عبد الله رفعه قال قال رسول الله ﷺ: من انكر خروج المهدي فقد كفر بما انزل على محمد؛^۳ هر کس خروج مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را منکر شود، پس به راستی به همه آنچه بر رسول خدا، محمد مصطفی نازل شده، کافر شده است».

۲۲-۴. فرود عیسی عليه السلام و نماز جماعت به امامت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

در حدیث معروفی که صحیح مسلم، صحیح بخاری به استناد ابوهریره، مسند احمد بن حنبل در چند مورد و نیز ینابیع المودة از جابر بن عبدالله از رسول بزرگوار اسلام ﷺ نقل می‌کنند، چنین آمده است که حضرت عیسی مسیح عليه السلام فرود می‌آید و نماز جماعت را به امامت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌خواند:

حدثنا الوليد بن شجاع و هارون بن عبد الله و حجاج بن الشاعر، قالوا: حدثنا حجاج (وهو بن محمد)، عن ابن جريج، قال: اخبرني ابو الزبير، انه سمع جابر بن عبد الله، يقول: سمعت النبي يقول: لا تزال طائفة من امتي يقاتلون على الحق ظاهرين الى

۱. ینابیع المودة، ج ۳.

۲. عبد الرزاق بن همام، صنعانی، المصنف (باب المهدی)، ج ۱۱، ص ۳۷۱، ح ۲۰۲۷۰؛ الفتن، باب سيرة المهدي وعدله و...، ص ۲۰۱.

۳. لسان المیزان، ج ۵، ص ۱۳۰، ش ۴۳۷؛ ینابیع المودة، ج ۳، باب ۸۷، ص ۲۹۵، ح ۱.

يوم القيامة. قال: فينزل عيسى بن مريم فيقول اميرهم: تعال صل لنا. فيقول: لا؛ ان بعضكم على بعض امراء. تكرم الله هذه الامة؛ جابر بن عبد الله گفت: شنيدم که رسول گرامی اسلام ﷺ فرمود: همیشه طایفه‌ای از امت من در راه حق تا روز قیامت جهاد می‌کنند. پیامبر اکرم ﷺ فرمود: عیسی بن مریم عليه السلام نزول می‌کند، پس امیر اینان می‌گوید: جلو بایست تا نماز جماعت بخوانیم، پس عیسی بن مریم عليه السلام فرمود: نه، به طور قطع شما امیر ما هستید و خدا شما را بر این امت کرامت داد.

بخاری از ابوهریره از رسول خدا ﷺ نقل می‌کند که حضرت فرمود: «كيف انتم إذا نزل ابن مريم فيكم وامامكم منكم؟» شما را چه خواهد شد زمانی که فرزند مریم در میان شما فرود خواهد آمد؛ در حالی که امام شما از میان شماست». همه شارحان صحیح بخاری و مسلم توافق دارند که «امام» در این روایات کسی جز مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف نیست.

۲۳-۴. نشانه‌های ظهور در کتاب‌های اهل سنت

چنان‌که گفتیم، برادران اهل سنت نه فقط احادیث کلی ظهور مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف را نقل کرده‌اند، بلکه احادیث مربوط به نشانه‌های حتمی ظهور را نیز در کتاب‌های خود آورده‌اند. این احادیث در کتاب‌هایی مانند سنن نسائی، صحیح مسلم، سنن ترمذی، مسند احمد بن حنبل، ینابيع المودة و منابع دیگر نقل شده است.

در ابتدا باید یادآوری کرد که درباره ظهور حجة بن الحسن عسکری عجل الله تعالی فرجه الشریف دو نوع نشانه در روایات آمده است: نشانه‌های قطعی و نشانه‌های غیر قطعی. برخی از این نشانه‌ها را در ادامه بررسی می‌کنیم:

۱. صحیح مسلم بشرح النووی، ج ۲، باب نزول عیسی بن مریم، ص ۱۹۲ و ۱۹۳؛ صحیح البخاری، ج ۴، کتاب بدء الخلق، باب نزول عیسی بن مریم، ص ۱۴۳؛ صحیح مسلم، ج ۲، ص ۱۹۳؛ مسند احمد، ج ۲، ص ۲۷۲ و ۳۳۶ و ج ۳، ص ۳۴۵ و ۳۸۴ و ج ۴، ص ۲۱۶ و ۲۱۷؛ ینابيع المودة، ج ۳، ص ۲۶۰، ح ۱۸ و ص ۲۶۶، ح ۲۲.
۲. صحیح بخاری، ج ۴، ص ۱۴۳؛ صحیح مسلم، ج ۱، ص ۹۴.

الف. خروج سفیانی

خروج سفیانی از نشانه‌های قطعی ظهور مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف است. براساس منابع، سفیانی یا عثمان بن عنبسه از فرزندان خالد بن یزید بن معاویه است و چون از نسل ابوسفیان است، به سفیان معروف است. او مردی با چهره‌ای ترسناک، آبله‌رو و با چشمانی کبود است که از سرزمین خشک بیداء، سرزمینی بی‌آب و علف در میان مکه و شام خروج می‌کند.

در سنن نسائی حدیثی طولانی درباره خروج سفیانی آمده است که چنین آغاز می‌شود: «يُخْرِجُ رَجُلٌ يُقَالُ لَهُ سَفْيَانِيٌّ». این حدیث مفصل، توضیحات بسیاری درباره سفیانی و خروج او ارائه می‌دهد و با این عبارت پایان می‌یابد: «هَذَا حَدِيثٌ صَحِيحُ الْإِسْنَادِ عَلَى شَرِّطِ الشَّيْخَيْنِ وَلَمْ يُخْرَجْ»^۱.

ب. خسف بیداء

در کتاب صحیح مسلم از رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله نقل شده که حضرت فرمود: «يَعُوذُ عَائِذُ بِالْبَيْتِ فَيُبْعَثُ إِلَيْهِ بَعْثٌ فَإِذَا كَانُوا بِبِيدَاءٍ مِنَ الْأَرْضِ خَسَفَ بِهِمْ^۲» شخصی به خانه پناه می‌برد، لشکری به‌سوی او فرستاده می‌شود، آن لشکر به سرزمین بیداء که می‌رسد، همانجا در زمین فرومی‌رود».

ج. خروج دجال

اهل سنت یکی دیگر از نشانه‌های قطعی ظهور مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف را خروج دجال می‌دانند. در کتاب‌های اهل سنت، برای دجال قدرت خارق‌العاده‌ای بیان شده است؛ او چشم راست ندارد و تنها چشم او در پیشانی‌اش قرار دارد.

امیرمؤمنان علی علیه السلام درباره او می‌فرماید: «او یک چشم خون‌آلود در پیشانی‌اش دارد و

۱. سنن نسائی به شرح الحافظ؛ المستدرک، ج ۴، ص ۵۲۰. صحیح مسلم نیز به سندش از رسول بزرگوار اسلام صلی الله علیه و آله، حدیثی درباره خروج سفیانی دارد.

۲. صحیح مسلم، ج ۸، ص ۱۶۷؛ مستدرک حاکم، ج ۴، ص ۵۲۰.

از قریه‌ای معروف در اصفهان به نام یهودیه خروج می‌کند»^۱.

در صحیح مسلم به نقل از رسول بزرگوار اسلام صلی الله علیه و آله، درباره دجال چنین می‌خوانیم: «او مردی چاق، سرخ‌رو، با موی سر مجعد و اعور است. چشمش همچون دانه انگوری است که روی آب قرار گرفته باشد»^۲.

در جایی دیگر از همین کتاب از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده است: «دجال در امت من در چهل روز بیرون می‌شود (خروج می‌کند)، پس خداوند عیسی بن مریم علیه السلام را مأمور می‌کند؛ او را طلب می‌کند و ازین می‌برد»^۳.

در صحیح ترمذی درباره دجال به نقل از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آمده است: «هر پیامبری پس از نوح، قوم خود را از فتنه دجال باز داشت و من نیز شما را بر حذر می‌دارم»^۴.

د. ندای آسمانی

یکی از نشانه‌های قطعی ظهور، ندای آسمانی است که در کتاب‌های اهل سنت نیز آمده است. ندای آسمانی، همان ندایی است که دستور می‌دهد از مهدی عجل الله تعالی فرجه پیروی کنید: «قال رسول الله صلی الله علیه و آله: يخرج المهدي و على رأسه ملك ينادي. هذا المهدي فاتبعوه؛ مهدی ظهور می‌کند، در حالی که فرشته‌ای بالای سرش فریاد می‌زند: این مهدی است؛ از او پیروی کنید».

۲۴-۴. پرچم‌های سیاه از خراسان

در روایت‌های نقل شده از برادران اهل سنت نیز پرچم‌های سیاه از خراسان و پیوستن یارانی از خراسان به مهدی عجل الله تعالی فرجه یکی از نشانه‌های حتمی ظهور مطرح شده است. در سنن ترمذی آمده است: «قال رسول الله صلی الله علیه و آله: تخرج من خراسان رايات سود، لايردها

۱. مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه، ص ۹۶۵.

۲. صحیح مسلم، ج ۹، باب ۱۰۹۴، ح ۱۹۴۷.

۳. صحیح مسلم با شرح نووی، ج ۱۸، ص ۶۵.

۴. صحیح ترمذی، باب ما جاء في الدجال، ص ۴۲.

۵. میزان الاعتدال، ج ۱، ص ۶۳، ش ۱۹۹؛ لسان المیزان، ج ۱، ص ۱۰۵، ش ۳۱۱؛ ينابيع المودة، ج ۳، ص ۲۹۶ و ۲۹۹.

شیء حتى تنصب بايليا؛ رسول خدا ﷺ فرمود: پرچم‌های سیاهی از خراسان به اهتزاز در می‌آید که چیزی نمی‌تواند از پیشروی آن جلوگیری کند تا اینکه در "ایلیا" فرود بیاید و استقرار یابد.^۱ منظور از «ایلیا»، بیت المقدس است.

۴-۲۵. مکه محل بیعت مردم با مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

محل بیعت مردم با مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف مسجد الحرام است و کسانی هستند که در میان رکن و مقام با ایشان بیعت می‌کنند. در مسند احمد بن حنبل آمده است: «قال رسول الله ﷺ: يبايع لرجل بين الركن والمقام^۲؛ در میان رکن و مقام با مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بیعت می‌کنند».

۴-۲۶. سایه ابر بر سر مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

عبدالله بن عمر از رسول گرامی اسلام ﷺ نقل می‌کند: «مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ظهور می‌کند، در حالی که ابری بر او سایه افکنده است و فرشته‌ای در بالای سرش فریاد می‌زند: این مهدی خلیفه و جانشین خداست؛ پس از او پیروی کنید».^۳

۴-۲۷. سیمای مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

در منابع معتبر اهل سنت، احادیث فراوانی به جزئیات سیمای مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف اشاره دارد: «قال رسول الله ﷺ: المهدي رجل من ولدِي وجهه كالكوكب الدري^۴؛ رسول خدا ﷺ فرمود: مهدی از فرزندان من است که چهره‌اش همچون ستاره درخشان است».

۴-۲۸. ریخته نشدن خون در حکومت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

ابوسعید خدری از پیامبر اکرم ﷺ درباره امنیت زمان حضرت نقل می‌کند: «قال

۱. سنن ترمذی، ج ۳، ص ۳۶۲، ح ۲۳۷۱؛ مسند احمد، ج ۲، ص ۳۶۵؛ الفتن و الملاحم، ص ۱۱۹؛ میزان الاعتدال، ج ۲، ص ۱۰، ش ۲۶۲۲؛ ينابيع المودة، ج ۲، ص ۸۸ و ج ۳، ص ۲۵۹.
 ۲. مسند احمد، ج ۲، ص ۲۹۱، ۳۱۲، ۳۲۸، ۳۵۱؛ المصنف، ج ۸، ص ۶۱۲؛ المستدرک، ج ۴، ص ۴۵۲؛ سنن ابی داود، ج ۲، ص ۴۲۳؛ الفتن، ص ۱۹۰، باب اجتماع الناس بمكة و بيعتهم للمهدي فيها؛ ينابيع المودة، ج ۳، ص ۳۳۹.
 ۳. میزان الاعتدال، ج ۱، ص ۶۳، ش ۱۹۹ و ج ۲، ص ۶۷۹، ح ۵۳۱۶؛ ينابيع المودة، ج ۳، ص ۲۹۶ و ۲۹۹.
 ۴. المعجم الكبير، ج ۸، ص ۱۰۱، ح ۷۴۹۵؛ میزان الاعتدال، ج ۳، ص ۴۴۹، ش ۷۱۱۴؛ لسان الميزان، ج ۴، ص ۳۸۳، ش ۱۱۵۳.

النبي ﷺ: لا يوقظ نائما ولا يهريق دما؛ مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف خوابیده‌ای را بیدار نمی‌کند و خونی را نمی‌ریزد».

۲۹-۴. از بین رفتن شرک در حکومت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

امیر مؤمنان علی بن ابی طالب علیه السلام می‌فرماید: از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله سؤال کردم: «المهدی منا الهدی ام من غیرنا؟ قال بنا یختم الدین کما بنا فتح، و بنا یستنقذون من ضلاله الفتنه کما استنقذوا من ضلاله الشرک؛^۱ ای رسول خدا! مهدی از ما اهل بیت است یا از غیر ما؟ پیامبر فرمود: او از ماست. خداوند دین را به وسیله او ختم کند؛ چنان‌که آن را به واسطه ما گشود و به وسیله ما مردم از آشوب‌ها نجات پیدا می‌کنند».

نکات دیگری از اتفاقات زمان ظهور و پس از آن نیز در متون اهل سنت آمده است؛ مانند اینکه «مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌آید و جهان را از قسط و عدل پر می‌کند؛ چنان‌که از ظلم و جور پر شده است».^۲

بر اساس احادیث نقل شده از منابع اهل سنت، دانشمندان و عالمان بزرگ اهل سنت، طبق سخنان مکرر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بر این باور هستند:

مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف از نسل پیامبر صلی الله علیه و آله و یکی از دوازده خلیفه ایشان و نیز هم‌نام ایشان است. خُلق و خوی او، خُلق و خوی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله است. او احیاگر سنت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است. امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از قریش و از فرزندان عبدالمطلب و از فرزندان ابوطالب و حضرت فاطمه علیها السلام و فرزند امام علی بن ابی طالب علیه السلام و از نسل امام حسین علیه السلام است. در آخر الزمان ظهور و جهان را از عدل و داد پر می‌کند؛ چنان‌که از ظلم و جور پر شده است.^۳

بنابراین، اعتقاد اهل سنت درباره مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با جزئیاتی همانند اعتقاد شیعیان

۱. الفتن، ص ۲۰۱، باب سره المهدی و عدله....

۲. الفتن، ص ۲۰۷؛ المعجم الاوسط، ج ۱، ص ۱۳۶، ش ۱۵۷.

۳. مسند احمد بن حنبل، ج ۳، ص ۳۶، ص ۱۷؛ مسند ابی یعلی، ج ۲، ص ۲۷۴، ح ۷۹۸؛ الإحسان بترتیب صحیح ابن حبان، ج ۸، ص ۲۹۰، ش ۶۷۸۴.

۴. سنن ابن داود، ج ۲، ص ۴۲۲؛ سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۳۶۸، ح ۴۰۸۶؛ مسند احمد، ج ۳، ص ۲۸، ۳۶، ۷۰؛ ینابیع المودة، ج ۳، ص ۳۸۴.

است. به اصل ظهور مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریع اعتقاد دارند و پیروی از او را واجب شمرده، منکر او را کافر می‌دانند. ایشان به نشانه‌های قطعی ظهور حضرت نیز پرداخته‌اند. استاد داوود الهامی، از محققان نامدار اسلامی نقل می‌کند: «یکی از عالمان شیعه کتابی تألیف کرده و نام آن را کشف المخفی فی مناقب المهدی نامیده است و در این کتاب ۱۱۰ حدیث از طریق رجال عامه روایت کرده است»^۱.

فصل یازدهم

زنان یاوران مهدی عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفَ

مقدمه

زنان مظهر جمال و جلال خداوندی هستند. همیشه در طول تاریخ زنانی بوده‌اند که همگام با حرکت پیامبران الهی، سختی‌ها را تحمل کرده و استقامت‌هایی ورزیده‌اند که خیلی از مردان توان آن را ندارند. البته در مقابل نیز زنانی منشأ بسیاری از فسادها بوده‌اند؛ چنان‌که براساس احادیث زمان ظهور، بخشی از پیروان دجال را یهودیان و زنان تشکیل می‌دهند!

زنی مانند هاجر، همسر ابراهیم خلیل الرحمن، برای اطاعت از فرمان خدا و پیامبر الهی، در بیابان خشک و بی‌آب و علف مکه، در بدترین وضعیت زندگی فرزندش را حفظ کرد و برای یافتن آب میان کوه صفا و مروه دوید تا آبی بیابد.

مادر موسی هنگامی که دژخیمان فرعون برای جلوگیری از تولد موسی، شکم‌های مادران مصری را می‌دریدند، با توکل و اعتماد به خدا، فرزندش را به امر الهی داخل جعبه‌ای گذاشت و به رود نیل سپرد. خدای تعالی نیز شرایطی فراهم کرد تا او بتواند

۱. مسند احمد، ج ۲، ص ۷۶؛ شیرویه بن شهردار، دیلمی، فردوس الأخبار، ج ۵، ص ۴۲۴؛ علی بن ابی بکر، هیشمی، مجمع الزوائد، ج ۷، ص ۱۵.

فرزندش را با کمک همسر فرعون، آسیه، بزرگ کند.

آسیه، همسر فرعون و فرزند مردی به نام مزاحم، بانوی خداپرستی بود که خداوند بزرگ کردن پیامبرش، موسی علیه السلام را به او سپرد. او بهشت آخرت را به جاه و جلال ظاهری فرعون ترجیح داد. خداوند متعال در قرآن کریم چنین زنانی را برای نمونه معرفی می‌کند:

وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِّلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَتَ فِرْعَوْنَ إِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ وَنَجِّنِي مِّنْ فِرْعَوْنَ وَعَمَلِهِ وَنَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ! و خداوند برای مؤمنان، به همسر فرعون مثل زده است، در آن هنگام که گفت: پروردگارا! خانه‌ای برای من نزد خودت در بهشت بساز و من را از فرعون و کار او نجات ده و من را از گروه ستمگران رهایی بخش!

آسیه علیها السلام هنگامی که معجزه موسی علیه السلام در برابر ساحران را دید، اعماق قلبش به نور ایمان روشن شد و از همان لحظه به موسی علیه السلام ایمان آورد. او پیوسته ایمان خود را پنهان می‌کرد، ولی ایمان و عشق به خدا چیزی نیست که بتوان آن را همیشه کتمان کرد، وقتی فرعون از ایمان او باخبر شد، بارها او را نهی کرد و اصرار داشت که از آیین موسی علیه السلام دست بردارد و خدای او را رها کند، ولی این زن با استقامت، هرگز در برابر خواست فرعون تسلیم نشد.

سرانجام، فرعون دستور داد دست‌ها و پاهایش را با میخ ببندند، در زیر آفتاب سوزان قرار دهند و سنگ بزرگی بر سینه او بیفکنند. وقتی آسیه آخرین لحظه‌های عمر خود را می‌گذراند، این چنین دعا کرد: «پروردگارا! برای من خانه‌ای در بهشت، در جوار خودت بنا کن و من را از فرعون و اعمالش رهایی بخش و من را از این قوم ظالم نجات ده». خداوند نیز دعای این زن مؤمن پاک‌باز و فداکار را اجابت فرمود و او را در ردیف بهترین زنان جهان همچون مریم قرار داد؛ چنان‌که در همین آیات در ردیف او قرار گرفته است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این باره فرموده است:

أَفْضَلُ نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ خَدِيجَةُ بِنْتُ خُوَيْلِدٍ، وَفَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ علیها السلام وَ مَرْيَمُ بِنْتُ

عِمْرَانِ وَآسِيَهُ بِنْتِ مُزَاجِمٍ. اِمْرَأَةٌ فِرْعَوْنُ؛ برترین زنان اهل بهشت (چهار نفر هستند): خدیجه دختر خویلد، فاطمه دختر محمد صلی الله علیه و آله، مریم دختر عمران و آسیه دختر مزاحم همسر فرعون.

نقش زنان در دوران ائمه اطهار علیهم السلام نیز بسیار برجسته بوده است. برخی زنان در دوران امامان معصوم علیهم السلام با همه مشکلات و سختی‌هایی که بر آنان گذشت، هیچ‌گاه از امام و مراد خود دست برنداشتند و با همه وجود از آنان پشتیبانی کردند و در راه امامت و ولایت، فرزندان خود را قربانی کردند و از جان شیرین خود نیز گذشتند.

نمونه والای این زنان حضرت فاطمه زهرا علیها السلام است. وی در دوران پیامبر بزرگوار اسلام صلی الله علیه و آله خدمات بسیاری کرد. شخصیت او به اندازه‌ای برجسته و اثرگذار بوده که امام زمان علیه السلام، حضرت فاطمه زهرا علیها السلام را نمونه و الگوی خود قرار داده است. علامه مجلسی از امام مهدی علیه السلام نقل کرده است که حضرت علیها السلام فرمود: «وَفِي ابْنَةِ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله لِي أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ؛ در دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله برای من اسوه و الگویی نیکوست». حضرت فاطمه علیها السلام، این الگوی کامل همه زنان عالم از اولین و آخرین، در راه دفاع از حریم امامت و ولایت و رسوا کردن غاصبان، جان خود و فرزند شش‌ماهه‌اش (محسن) را فدا کرد. او در خانه‌ای کوچک، فرزندان به عظمت همه جهان پرورش داد و فرزندان را چون امام حسن مجتبی علیه السلام و امام حسین علیه السلام سرور شهیدان عالم و زینب کبری علیها السلام را تربیت کرد.

زینب کبری علیها السلام که تربیت شده مادری چون فاطمه زهرا علیها السلام است، نیز از جمله زنانی است که خوش درخشیده است. او یک‌تنه همه مصیبت‌های رحلت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله، شهادت مادرش فاطمه زهرا علیها السلام، بی‌مهری امت و شهادت پدر گرامی‌اش امیرمؤمنان علیه السلام و شهادت برادرش امام حسن علیه السلام را تحمل کرد و در کربلا شهادت برادران و برادرزاده‌های گرامی‌اش و اسیری اهل بیت امام حسین علیه السلام را با صبری ستودنی از سر گذراند؛ مصیبت‌هایی که هرکدام به‌تنهایی می‌توانست مردان بزرگی را از پای درآورد، ولی زینب

۱. الدر المنثور فی تفسیر المأثور، ج ۲، ص ۲۳.

۲. بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۸۰.

کبری علیها السلام همه این مشکلات را به جان خرید و سرانجام پیام‌رسان خون شهدای کربلا شد و پیام کربلا را به جهانیان رساند.

ام‌البنین، همسر امیرمؤمنان علیه السلام پس از حضرت زهرا علیها السلام بود. او افزون بر نگهداری فرزندان حضرت زهرا علیها السلام، فرزندان رشیدی تربیت کرد که در ولایت‌مداری زبانزد هستند. او مادر ابوالفضل العباس علیه السلام و سه پسر دیگر از علی بن ابی طالب علیه السلام است که همه آن‌ها را در کربلا در راه اسلام و ولایت تقدیم کرد.

ام‌البنین هنگام واقعه عاشورا در کربلا حاضر نبود. خبر واقعه کربلا و شهادت فرزندانش به او در مدینه رسید، به قبرستان بقیع آمد و برای فرزندانش نوحه‌سرایی کرد. نوحه‌سرایی این بانوی بزرگوار چنان دردناک بود که حتی دشمنانی چون مروان حکم نیز از گریستن او به گریه افتاد. یکی از مرثیه‌های او به شرح زیر است:

يَا مَنْ رَأَى الْعَبَّاسَ كَثَّرَ عَلَى جَمَاهِيرِ التَّقَدِّ
وَوَرَاهُ مِنْ ابْنَاءِ حَيْدَرَ كُلِّ لَيْثٍ ذِي لَبَدٍ
اَنْبِئْتُ أَنَّ ابْنِي اصِيبَ بِرَأْسِهِ مَقْطُوعٌ يَدِ
وَيَلِي عَلَى شِبْلِي اِمَالٌ بِرَأْسِهِ ضَرْبُ الْعَمَدِ
لَوْ كَانَ سَيْفُكَ فِي يَدِيكَ لَمَا دَنَى مِنْكَ اَحَدٌ

ای چشم‌ناظر! ای چشمی که در کربلا بودی و آن مناظر را می‌دید! ای کسی که در کربلا بودی و می‌دید! ای کسی که آن لحظه را تماشا کردی که شیربچه من ابوالفضل از جلو، شیربچه‌گان دیگر من پشت سرش، بر این جماعت پست حمله برده بودند، ای چنین شخصی! ای حاضر در واقعه کربلا! به من گفته‌اند - نمی‌دانم راست است یا دروغ - وقتی که دست‌های بچه من بریده بود، عمود آهنین بر فرق فرزند عزیز من وارد شد. آیا راست است؟... ابوالفضل، فرزند عزیزم! من خودم می‌دانم اگر تو دست داشتی، مردی در جهان نبود که با تو روبه‌رو شود. اینکه آمدند و چنین جسارتی کردند، برای این بود که دست‌های تو از بدن بریده شده بود.^۱

زنان بزرگ دیگری نیز بودند که نقش‌های اثرگذاری در زمان ائمه علیهم السلام ایفا کردند.

۱. مرتضی، مطهری، مجموعه آثار، ج ۱۷، ص ۱۰۰-۱۰۱.

ام‌السلمه از ولایت علی بن ابی طالب علیه السلام دفاع می‌کرد. فاطمه معصومه علیها السلام به عشق ولایت برادر گرامی اش علی بن موسی الرضا علیه السلام سختی‌های زیادی را به جان خرید و سرانجام جان خود را نیز فدا کرد.

در دوران معاصر نیز زنان در انقلاب اسلامی ایران نقش اساسی و مؤثر داشتند. زنان مسلمان ایرانی، جوانان انقلابی را در دامان پاک خود پرورش دادند و آنان را به جبهه‌های نبرد حق علیه باطل فرستادند و خود نیز در پشت جبهه‌ها، پشتیبان محکمی برای این دلاوران بودند. زنان سلحشور در جبهه‌ها نیز به درمان زخمی‌ها پرداختند.

مادران با تربیت فرزندان پاک و بافضیلت، انسان‌های بزرگی را به جامعه تحویل می‌دهند. آنان مظهر عطف و محبت هستند. صبری که به زنان داده شده، مقام آنان را از فرشته‌های آسمانی بالاتر می‌برد. مردان بزرگ الهی و شهیدان عالی مقام، از دامان پاک چنین زنان بزرگی به معراج می‌روند.

برای نشان دادن عظمت زنان، در قرآن کریم سوره‌ای به زنان (نساء) اختصاص داده شده است. سوره‌ای دیگر به نام یک زن (مریم) نام‌گذاری شده است و در آن از پاک‌دامنی یک بانو (مریم مقدس) تمجید و تکریم شده است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برای بزرگداشت چنین زنانی فرموده است: «الْجَنَّةُ تَحْتَ أَقْدَامِ الْأُمَّهَاتِ؛ بهشت زیر پای مادران است.»

۱. نقش زنان در آخرالزمان

امروزه زنانی هستند که همسران و فرزندان خود را برای یاری دین آخرین وصی خاتم انبیا تربیت و برای سربازی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف آماده می‌کنند.

۲. پیشگویی امام هادی علیه السلام درباره نرجس خاتون (ملیکه) علیها السلام

مادر گرامی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و همسر امام حسن عسکری علیه السلام، نرجس خاتون علیها السلام است که نام اصلی او «ملیکه» و دختر یشوعا پسر قیصر روم است.

داستان شنیدنی فرزند قیصر روم که راوی آن بشر بن سلیمان نخاس است، در بسیاری از کتاب‌های موثق شیعه آمده است.^۱ بشر از شیعیان مورد اعتماد امام هادی علیه السلام و امام عسکری علیه السلام بوده و عالمان علم رجال او را توثیق کرده‌اند. او می‌گوید:

در سامرا، پاسی از شب گذشته بود که دیدم در خانه‌ام را می‌کوبند. در را که باز کردم، فرستاده امام هادی علیه السلام به من گفت که امام من را به حضورش فراخوانده. چون وارد خانه شدم، دیدم که با پسرش امام حسن عسکری علیه السلام گفت‌وگو می‌فرماید و خواهرش حکیمه هم پشت پرده نشسته بود. همین‌که نشستیم، امام هادی علیه السلام فرمود: ای بشر! من اکنون می‌خواهم تو را به فضیلتی ویژه برسانم و رازی را برایت فاش کنم که تو آن را انجام دهی. سپس نامه کوچکی به زبان رومی نوشت، بر آن مهر زد، ۲۲۰ دینار به من داد و فرمود: این را بگیر و به بغداد برو و پیش از ظهر فلان روز در گذرگاه فرات حاضر باش. وقتی زورق‌هایی می‌رسد که حامل بردگان و کنیزان است، گروه بسیاری از خریداران نمایندگان فرماندهان عباسی و جوانمردانی عراقی را می‌بینی. در آن روز برده‌فروشی به نام عمرو بن یزید را می‌بینی. او کنیزی دارد که دو جامه حریر خوش‌رنگ و تازه بر تن کرده است. او را برای فروش عرضه می‌کنند، ولی کنیز به کسی اجازه نمی‌دهد روی او را بگشاید و به اندامش دست بکشد یا حتی جامه از تنش بیرون آورد. برده‌فروش او را می‌زند، ولی او به زبان رومی فریاد می‌کشد که از حال خود و کشف حجابم راضی نیستم.

یکی از خریداران خواهد گفت: این کنیز را سیصد دینار خریدارم که عفت و پاک‌دامنی‌اش موجب رغبت بیشتر من شد، ولی آن کنیز به زبان عربی می‌گوید: اگر در جامه و تخت پادشاهی سلیمان هم ظاهر شوی، در من هیچ‌گونه رغبتی برای تو ظاهر نخواهد شد؛ مالت را برای خودت نگهدار و خرجش نکن. برده‌فروش به آن کنیز می‌گوید: چاره چیست؟ ناچار تو را باید فروخت. کنیز می‌گوید: این همه شتاب چرا؟ باید خریداری باشد که دل من به امانت و وفای او آرام گیرد. در این هنگام تو برخیز و پیش عمرو بن یزید برده‌فروش برو و به او بگو یکی از اشراف نامه کوچکی به من داده است که

۱. کتاب‌هایی، مانند کمال الدین و تمام النعمة، الغيبة طوسی، دلائل الامامة، منتخب الأنوار المضيئة، مناقب ابن شهر آشوب، روضه الواعظین، إثبات الهداة، بحار الأنوار، حلیة الأبرار و غیره.

به خط رومی نوشته و در آن کرم، وفا، خرد و سخای خویش را نوشته است. اکنون این نامه را به او بده تا آن را بخواند و خوی و اخلاق نویسنده را بشناسد و اگر به او راضی شد و تمایل پیدا کرد، من وکیل نویسنده هستم که او را از تو بخرم.

بشر بن سلیمان می‌گوید: من تمام دستورهای سرور خودم، حضرت هادی علیه السلام را انجام دادم. همین‌که آن کنیز به نامه نگریست، به سختی و با صدای بلند گریست و به عمرو بن یزید گفت: باید من را به نویسنده این نامه بفروشی و سوگند سخت خورد که اگر از فروختن او خودداری کند، خود را خواهد کشت. من درباره قیمت با عمرو چانه می‌زدم تا به همان مقدار که در چنته بود، به توافق رسیدیم و آن دوشیزه را درحالی که شاد و خندان بود، از او گرفتم و به خانه‌ای بردم که در بغداد به آنجا می‌رفتم. او آرامش پیدا نکرد تا هنگامی که دوباره نامه حضرت هادی علیه السلام را بیرون آورد و آن را بوسید و بر گونه و سینه خود نهاد. با شگفتی به او گفتم: نامه‌ای را می‌بوسی که صاحب آن را نمی‌شناسی؟ گفت: ای عاجز ناتوان که میزان شناخت تو از منزلت اولاد پیامبران اندک است! گوش به من بسیار و دل بده به من که چه می‌گویم.

من، ملیکه، دختر یثوعا و نوه قیصر پادشاه روم و از اعقاب حواریون هستم و نسب من به شمعون، وصی مسیح علیه السلام می‌رسد. اکنون به تو خبر شگفتی می‌دهم. پدر بزرگم، قیصر می‌خواست من را در سیزده سالگی به همسری برادرزاده خود در آورد.

سیصد تن از اعقاب حواریون را جمع کرد که همگی کشیش و راهب بودند و هفتصد تن از کشیشان دیگری که دارای اهمیت بودند و چهار هزار تن از فرماندهان سپاه، امیران لشکرها و سرپرستان عشایر را نیز دعوت کرد و از مال و ویژه خود تختی آراسته به گوهرهای گوناگون فراهم آورد و دستور داد آن را در حیاط کاخ قرار دادند، درحالی که چهل پله داشت. چون برادرزاده‌اش از آن تخت بالا رفت و صلیب‌ها را بر گرد او به گردش در آوردند و اسقف‌ها خواستند تا مراسم ازدواج را انجام دهند و اوراق انجیل را منتشر کردند. ناگهان همه صلیب‌ها از بالا به زیر فرو ریخت و پایه‌های تخت به لرزه در آمد و فرو افتاد و آن جوان که بر تخت نشسته بود، بیهوش بر زمین افتاد. رنگ کشیشان پرید و بر

اندامشان لرزه افتاد. بزرگ ایشان گفت: پادشاه! ما را ببخش؛ این نافرندگی‌ها که آشکار شد، دلیل بر زوال آیین مسیحی و مذهب ملکائی است. پدر بزرگم از این پیشامد سخت افسرده شد و فال بد زد و به کشیشان گفت: این ستون‌ها و صلیب‌ها را دوباره برپا دارید. او گفت: برادر این نگون‌بخت درمانده را فراخوانید و بیاورید تا این دختر را به او تزویج کنم و نحوست این با فرزندگی او برطرف شود و چون این کار را کردند، برای او هم، همان پیش‌آمد که برای نخستین بار رخ داد. میهمانان پراکنده شدند و قیصر اندوهگین برخاست و به اندرون حرم رفت و پرده‌ها را برافکندند.

آن شب در خواب دیدم که مسیح علیه السلام، شمعون و گروهی از حواریون در کاخ پدر بزرگم گرد آمده‌اند و منبری از نور در آن برپا کرده‌اند که سر بر آسمان دارد و آن را همان‌جا گذاشتند که پدرم تخت خود را گذاشته بود. در این هنگام حضرت محمد صلی الله علیه و آله و دامادش، امیرمؤمنان علیه السلام که وصی اوست و گروهی از فرزندان او وارد شدند. مسیح علیه السلام پیش رفت و حضرت محمد صلی الله علیه و آله را در آغوش کشید. حضرت محمد صلی الله علیه و آله به مسیح علیه السلام فرمود: ای روح الله! من آمده‌ام که از وصی تو شمعون، دخترش ملیکه را برای پسرم خواستگاری کنم و با دست خود به ابومحمد، پسر نویسنده این نامه اشاره فرمود. مسیح علیه السلام به شمعون نگریست و گفت: ای شمعون! شرف به تو روی آورده است و پیوند خویشاوندی خود را با نسل حضرت محمد صلی الله علیه و آله استوار کن. شمعون گفت: اطاعت می‌کنم.

حضرت محمد صلی الله علیه و آله بر آن منبر رفت، خواستگاری فرمود، خطبه عقد را ایراد کرد، من را به همسری فرزند خویش درآورد و مسیح علیه السلام و فرزندان محمد صلی الله علیه و آله گواهان عقد بودند.

وقتی از این رؤیا بیدار شدم، ترسیدم که اگر این خواب را به پدر و پدر بزرگ خویش بگویم، من را بکشند؛ پس آن را بر آنان پنهان کردم، ولی سینه‌ام چنان از محبت «ابومحمد» آکنده شد که نتوانستم هیچ چیزی بخورم و بیاشامم و سخت ناتوان و بیمار شدم. هیچ پزشکی در شهرهای روم باقی نماند، مگر اینکه پدر بزرگم او را آورد و از داروی من پرسید و چون ناامید شد، به من گفت: ای نور چشم من! آیا خواسته و خواهشی داری که در این دنیا برآورم؟ گفتم: پدر بزرگ جان! درهای گشایش را به روی خود بسته

می‌بینم، ولی خوب است بند و زنجیر دست و پای اسیران مسلمانی را که در زندان تو هستند، برداری و دیگر از شکنجه آن‌ها دست برداری و بر آنان منت گذاری و دستور آزادی آنان را بدهی. امیدوارم که حضرت مسیح و حضرت مریم سلامت را به من ارزانی کند. چون پدر بزرگم چنین کرد، اندکی چابکی کردم و خود را سالم‌تر نشان دادم و کمی خوراک خوردم و او نیز به اسیران محبت و کرم بیشتری می‌کرد.

پس از چهارده شب دوباره در خواب دیدم که سرور زنان هر دو جهان، فاطمه علیها السلام در حالی به دیدار من آمدند که مریم علیها السلام و هزار تن از خدمتکاران بهشت همراه ایشان بودند. مریم علیها السلام به من فرمود: این بانوی بانوان دوجهان و مادر شوهرت، ابومحمد است. من به دامن فاطمه علیها السلام آویختم و گریستم و از اینکه ابومحمد به دیدار من نمی‌آید، شکوه کردم. فاطمه علیها السلام فرمود: پسر ابومحمد تا هنگامی که تو مشرک باشی، به دیدار تو نمی‌آید و نباید بر آیین مسیحیان باشی و این خواهرم، مریم، از آیین تو به پیشگاه خداوند بیزاری می‌جوید. اکنون اگر خواهان رضایت خدا، مسیح و مریم هستی و طالب دیدار ابومحمدی، بگو: «اشهد ان لا اله الا الله واشهد ان محمداً رسول الله».

چون این دو گواهی را بر زبان آوردم، فاطمه علیها السلام مرا به سینه خود چسبانید و خوشدل شد و فرمود: اکنون توقع آن را داشته باش که ابومحمد به دیدار تو بیاید و من او را پیش تو خواهم فرستاد. بیدار شدم و منتظر دیدار ابومحمد بودم. شب بعد او را در خواب دیدم و گویا چنین به او می‌گفتم: ای حبیب من! پس از آنکه دل من سراپا از محبت تو آکنده شد، به من بی‌مهری فرمودی؟

گفت: تأخیر و خودداری من از دیدار تو فقط به سبب شرک تو بود و اکنون که به راستی مسلمان شده‌ای، همه شب در خواب نزد تو می‌آیم تا خداوند در بیداری ما را به یکدیگر برساند و از آن زمان تاکنون هیچ شب دیدار خود را در خواب از من قطع نفرموده است.

بشر می‌گوید: به او گفتم: پس چگونه اسیر شدی؟ گفت: در یکی از شب‌ها در خواب، ابومحمد به من فرمود: به زودی در فلان روز پدر بزرگت لشکریایی به جنگ مسلمانان می‌فرستد و خود از پی لشکریان روان می‌شود. تو هم به طور ناشناس و در

لباس خدمتکاران همراه زن‌های دیگر از فلان راه به آنان پیوند. من از او اطاعت کردم و ناگهان پیشتازان مسلمانان ما را محاصره کردند و من هم اسیر شدم. بدون اینکه کسی تا کنون متوجه شده باشد که من نوه قیصر روم هستم. اکنون هم خودم این موضوع را به تو گفتم. کسی که من در سهم او قرار گرفتم، چون از نام من پرسید، نام خویش را از او پنهان کردم و گفتم: نامم نرگس است. گفت: آری، این نام از نام‌های کنیزان است.

بشر بن سلیمان می‌گوید: من گفتم: عجیب است که تو رومی هستی و این چنین به لهجه عربی سخن می‌گویی. گفت: آری، پدر بزرگم از شدت کوششی که در راه آموختن فرهنگ و ادب به من داشت، به یکی از بانوانی که مترجم بود، دستور داد صبح و شام نزد من آید و به من عربی بیاموزد و به این ترتیب من زبان عربی را به خوبی آموختم.

بشر می‌گوید: چون او را به سامرا و حضور مولای خود، امام ابوالحسن هادی علیه السلام بردم، آن حضرت به او فرمود: عزت اسلام و ذلت مسیحیت و شرف خاندان محمد را چگونه دیدی؟ گفت: ای پسر رسول خدا! چگونه برای شما چیزی را که از من به آن آگاه‌تری توصیف کنم؟

امام هادی علیه السلام فرمود: می‌خواهم به تو پاداشی بدهم. آیا ده هزار درهم را خوش‌تر می‌داری یا مژده‌ای را که در آن شرف جاودانه است؟ گفت: آن مژده فرزندی را.

فرمود: «ابشری بولد یملک الدنيا شرقا و غربا، ویملاء الارض قسطا و عدلا، کما ملئت ظلما و جورا؛ تو را مژده باد به پسری که خاور و باختر جهان را به ملک خویش در می‌آورد و جهان را از عدل و داد آکنده می‌کند، پس از آنکه از ظلم و ستم لبریز باشد».

نرجس پرسید: از چه کسی؟ فرمود: از همان کسی که پیامبر تو را برای او در فلان شب از فلان ماه خواستگاری و عقد فرمود.

گفت: از مسیح یا وصی او؟ فرمود: مسیح و وصی او تو را به همسری چه کسی در آوردند؟ گفت: آیا کنیه پسر شما ابومحمد است؟ فرمود: آیا او را می‌شناسی؟

گفت: مگر از شبی که به دست مادرش بانوی بانوان دو جهان مسلمان شده‌ام، شبی گذشته که به دیدار من نیامده باشد؟

حضرت امام هادی علیه السلام به خدمتکار خود، کافور فرمود: خواهرم حکیمه را فراخوان و چون حکیمه آمد، به او فرمود: «هاهی؛ این همان بانوی معهود است». حکیمه مدتی نرجس را در آغوش گرفت و خوش حالی کرد، سپس حضرت هادی علیه السلام فرمودند: ای دختر رسول خدا! او را به خانه خود ببر و فرایض دینی را به او بیاموز که او همسر ابومحمد و مادر قائم است.^۱

چنان که در داستان بالا گفته شد، یکی از بانوانی که در این باره نقش اساسی داشتند، حکیمه خاتون، دختر امام محمد تقی علیه السلام، خواهر امام هادی علیه السلام و عمه گرامی امام حسن عسکری علیه السلام است. او زنی مورد اعتماد، پرشرافت، درست کردار، اهل عبادت و پارسایی بود که افزون بر این همه محاسن و بزرگواری، خداوند به او چهار فضیلت بزرگ عنایت فرمود که شاید به کس دیگری چنین عطایی نشده باشد:

۱. اولین فضیلت بزرگ او، آموزش مسائل دینی به نرجس خاتون علیه السلام است که به دستور برادر و سرورش، امام هادی علیه السلام به آن مأمور شد.

۲. دومین فضیلت و افتخار حکیمه خاتون، کمک در به دنیا آوردن مهدی امت است.^۲ او یکی از چند نفری است که به ولادت مهدی علیه السلام تصریح کرده است.^۳

۳. سومین فضیلت و افتخار حکیمه خاتون، رازداری و محرم اسرار بودن برای امام زمان علیه السلام در دوران غیبت صغری بود. حکیمه خاتون در آن فضای خفقان آور و نگران کننده که افرادی چون جعفر کذاب برای دربار خبرچینی می کردند، رازدار مادر گرامی امام زمان علیه السلام بود و بار مسئولیت، نگه داری و حفظ ایشان را بر عهده داشت تا بتواند وظیفه خویش را به درستی انجام دهد.

شیخ صدوق از احمد بن ابراهیم نقل کرده است:

۱. الغیبة الطوسی، ص ۲۱۰-۲۱۴؛ کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، باب ۴۱، ص ۴۱۷-۴۲۳؛ (ما روی فی نرجس أم القائم علیه السلام و اسمها ملیكة بنت یسوعا بن قیصر الملک)؛ منتخب الأتوار المضیئة، ص ۵۴؛ بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۶، ح ۱۲؛ روضة الواعظین، ج ۱، ص ۲۵۲-۲۵۵ و ترجمه مهدوی، ص ۴۱۱ و ۴۱۷.

۲. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۴۲۴؛ روزگار رهایی، ج ۱، ص ۱۲.

۳. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۴۳۳.

در سال ۲۶۲ هجری قمری بر حکیمه دختر امام جواد علیه السلام وارد شدم و از پس پرده با وی سخن گفتم و از حکیمه خاتون، درباره اعتقادش به امامان پرسیدم. او همه ائمه هدی را یک به یک شمرد و آن‌گاه حجة بن الحسن بن علی را نیز نام برد، از او پرسیدم: این فرزند کجاست؟ گفت: در پس پرده غیب است. گفتم: پس شیعه به چه کسی پناه ببرد؟ گفت: به جدّه، مادر امام حسن عسکری علیه السلام. سپس افزود: این دستور از سوی امام حسن عسکری علیه السلام و به پیروی از امام حسین علیه السلام صادر شده است؛ زیرا امام حسین علیه السلام در ظاهر برای حفظ جان فرزندش امام سجاد علیه السلام، به خواهرش زینب کبری علیه السلام وصیت کرد و در نتیجه تا مدتی هر آنچه از امام زین العابدین علیه السلام صادر می‌شد، به حضرت زینب علیه السلام نسبت داده می‌شد تا امر پنهان باشد و حساسیت‌ها به امام سجاد علیه السلام کمتر شود. این امتیاز برای جدّه باقی بود تا آنکه کسانی مانند عثمان بن سعید، سفیران و نمایان خاص دیگر امام زمان علیه السلام در بین شیعیان شناخته شدند و منزلت یافتند.^۱

۴. چهارمین و مهم‌ترین فضیلت و افتخاری که حکیمه خاتون به آن دست یافت، در آغوش گرفتن بقیه الله است که آرزوی همه پیامبران، اوصیای آنان و همه دلباختگان آن حضرت بوده است. مزار حکیمه خاتون در کنار حرم امامین عسکریین علیه السلام در شهر سامراست.

۳. همراهی زنان هنگام ظهور

براساس روایات، تعداد زیادی از زنان در زمان ظهور، امام مهدی علیه السلام را همراهی می‌کنند. سیزده زن همراه حضرت قائم علیه السلام هستند که زخمی‌ها را مداوا و از بیماران پرستاری می‌کنند. در کتاب *دلائل الإمامة* از مفضل بن عمر نقل شده که امام صادق علیه السلام فرمود:

يكون مع القائم ثلاث عشرة امرأة قلت وما يصنع بهن قال يداوين الجرحى ويقمن على المرضى كما كان مع رسول الله قلت فسمهن لي قال القنوا بنت رشيد وأم

۱. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۵۰۷؛ الغيبة طوسی، ص ۱۳۸ به نقل از محمد جواد، طبسی، زنان در حکومت امام زمان علیه السلام.

أیمن وحبابة الوالبيّة وسمية أم عمار بن ياسر وزبيدة وأم خالد الأحمسية وأم سعيد الحنفية وصبانة الماشطة وأم خالد الجهنية؛^۱ همراه حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف، سیزده زن هستند. عرض کردم: آنان چه می کنند و چه نقشی خواهند داشت؟ فرمود: زخمی ها را درمان و از بیماران پرستاری می کنند؛ همچنان که همراه رسول خدا صلی الله علیه و آله بودند. گفتم: آن سیزده نفر را نام ببرید؟ فرمود: قنوا دختر رشید، أم ایمن، حبابه والبيّه، سمیّه مادر عمار یاسر، زُبَيْدَة، أم خالد أحمسيه، أم سعيد حنفيّه، صبانة ماشطه و أم خالد جهنيه.

در حدیث دیگری، امام باقر علیه السلام تعداد زنان همراه حضرت را پنجاه نفر برمی شمارد. جابر بن یزید جعفی از امام باقر علیه السلام نقل می کند:

وَيَجِيئُ وَاللَّهِ ثَلَاثُ مِائَةٍ وَبِضْعَةُ عَشْرٍ رَجُلًا مِنْهُمْ خَمْسُونَ إِمْرَةً يَجْتَمِعُونَ فِي مَكَّةَ عَلَى غَيْرِ مِيعَادٍ قَزَعًا كَقَزَعِ الْخَرِيفِ؛^۲ سوگند به خدا! سیصد و اندی نفر می آیند، در میان شان پنجاه نفر زن هستند، در مکه اجتماع می کنند، بی آنکه پیش از این وعده داده باشند، آمدن شان همانند ابر پاییزی است.

براساس روایات، این پنجاه زن کسانی هستند که به یاران اولیه امام می پیوندند، ولی در ادامه حرکت امام، چهارصد زن در قسمت بهداشت و درمان مشغول می شوند و در بعضی روایات نیز تعداد این زنان را ۷۸۰۰ نفر نقل کرده اند. ابن حمّاد در کتاب فتن نقل کرده است: «تعداد مؤمنان هنگام خروج دجال، دوازده هزار مرد و ۷۸۰ یا هشتصد زن هستند».^۳ البته در ادامه نهضت و قیام جهانی امام زمان علیه السلام، زنان دیگری هم که در شمار منتظران حضرت بوده اند، او را همراهی و یاری خواهند کرد.

۱. دلایل الإمامة، ص ۲۶؛ إثبات الهداة، ج ۳، ص ۷۵؛ يوم الخلاص، ص ۲۲۰.

۲. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۲۳، ح ۸۷ به نقل از تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۶۵؛ الغیبة نعمانی، ص ۲۷۹.

۳. الفتن، ص ۱۵۱.

فصل دوازدهم رجعت‌کنندگان در آخرالزمان

مقدمه

براساس روایات، هنگام ظهور، خوبان و بدان خالص که در دوران آخرالزمان در این دنیا زندگی نمی‌کنند، از عالم برزخ به دنیا باز می‌گردند. خوبان خالص که به طور طبیعی یا حوادث غیرطبیعی، مانند شهادت از این دنیا رفته‌اند، از جمله یاران و آرزومندان دیدار مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف هستند که برای چشیدن طعم عدل مهدوی و دیدن وعده پروردگار به این دنیا باز می‌گردند که ذلت ستمکاران و سربلندی مستضعفان است.

دشمنان اهل بیت علیهم السلام و مستکبران محض هم به دنیا باز می‌گردند تا جزا و کیفر قسمتی از کارهای ناشایست خود را در همین دنیا بینند. بازگشت به دنیا پس از مرگ، فقط در زمان ظهور اتفاق نمی‌افتد، بلکه در قرآن کریم هم به مواردی از این نوع، مانند داستان اصحاب کهف و عزیر اشاره شده است. امام باقر علیه السلام در این باره می‌فرماید: «مؤمنان برمی‌گردند تا عزیز شوند و چشمان آنان روشن شود و تبه‌کاران بر می‌گردند تا خداوند آن‌ها را خوار و ذلیل کند»^۱.

دیدار عصر ظهور فقط به مردم آخرالزمان اختصاص ندارد، بلکه همه منتظران منجی

۱. بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۶۴.

بشریت که برای ظهور مهدی فاطمه عَلَيْهَا السَّلَام لحظه شماری کرده و دار دنیا را وداع گفته‌اند، به محض ظهور مهدی موعود عَلَيْهِ السَّلَام به دنیا باز می‌گردند تا یاری منجی بشریت را در پرونده خود داشته باشند.^۱

۱. رجعت‌کنندگان چه کسانی هستند

سؤالی که در بحث رجعت مطرح می‌شود، این است: آیا همه مؤمنان و فاسقان رجعت می‌کنند؟

در پاسخ باید گفت که براساس روایات امامان معصوم عَلَيْهِمُ السَّلَام، تنها کسانی رجعت می‌کنند که ایمان یا کفر محض و خالص داشته باشند؛ چنان‌که امام جعفر صادق عَلَيْهِ السَّلَام در پاسخ به چنین سؤالی فرمود:

إِنَّ الرَّجْعَةَ لَيْسَتْ بِعَامَّةٍ وَهِيَ خَاصَّةٌ لَا يَزْجَعُ إِلَّا مَنْ مَحَضَ الْإِيمَانَ مَحْضًا أَوْ مَحَضَ الشِّرْكَ مَحْضًا؛ تأویل الآيات الظاهرة؛^۲ رجعت عمومی نیست، بلکه خصوصی است و فقط گروهی بازگشت می‌کنند که ایمان خالص یا شرک خالص دارند.

۱-۱. رجعت همه پیامبران از آدم تا خاتم عَلَيْهِ السَّلَام

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام پس از تلاوت آیه شریفه «وَإِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ النَّبِيِّينَ»^۳ و هنگامی که خداوند تعالی از پیامبران پیمان گرفت»، فرمود:

نَعَمْ وَاللَّهِ مِنْ لَدُنْ آدَمَ فَهَلَمَّ جَرًّا. فَلَمْ يَبْعَثِ اللَّهُ نَبِيًّا وَرَسُولًا إِلَّا رَدَّ جَمِيعَهُمْ إِلَى الدُّنْيَا حَتَّى يُقَاتِلُوا بَيْنَ يَدَيِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَام؛^۴ به خدا سوگند! از زمان حضرت آدم تا رسول اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، پیامبری مبعوث نشد، جز اینکه خداوند آن‌ها را باز می‌گرداند تا در رکاب علی بن ابی طالب شمشیر بزنند.

۱. محمدرضا، طبسی نجفی، شیعه و رجعت، ج ۲ و ۳۴۹؛ ص ۱۶۱، محمدرضا، مظفر، عقائد الامامية؛ تفسیر میزان، ج ۲، ص ۱۰۶ و ۱۵۹ و ج ۱۵، ص ۳۹۶ و ۵۶۸.

۲. تصحیح الاعتقاد، ص ۹۰؛ تفسیر قمی، ج ۱، ص ۲۵؛ دلائل الإمامة، ص ۲۳۷؛ امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام مصباح الشریعة، ص ۶۶؛ بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۳۹، ح ۱.

۳. آل عمران: ۸۱.

۴. بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۴۱، ح ۹.

۱-۲. رجعت پیامبر اسلام ﷺ

پیامبر اکرم ﷺ در تفسیر آیه «الَّذِي فَرَضَ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لَرَأْدِكَ إِلَىٰ مَعَادٍ» به راستی کسی که بر تو قرآن را واجب کرد، تو را به جایگاهت باز می گرداند»، فرمود: «پیامبر خاتم ﷺ به سوی شما رجعت می فرماید».

همچنین در تفسیر قمی، روایتی از امام سجاد علیه السلام نقل شده که در تفسیر و تأویل این آیه مبارک می فرماید: «يَرْجِعُ إِلَيْكُمْ نَبِيِّكُمْ ﷺ؛ پیامبر اکرم ﷺ به سوی شما رجعت می کند».

۱-۳. رجعت ائمه هدی علیهم السلام و جانشینان پیامبران

امام صادق علیه السلام در این باره می فرماید: «مَا مِنْ إِمَامٍ فِي قَرْنٍ إِلَّا وَيَكْرَمَعُهُ الْبِرُّ وَالْفَاجِرُ فِي ذَهْرِهِ؛ هیچ امام و رهبری در تاریخ نیست، مگر آنکه رجعت می کند و تمام نیکان و بدان عصرش او را همراهی می کنند».

۱-۴. رجعت دوباره امام علی بن ابی طالب علیه السلام

در روایات فراوان به رجعت رسول خدا ﷺ، فاطمه زهرا علیها السلام و امامان معصومین علیهم السلام اشاره شده است.^۱ همچنین روایات فراوانی درباره رجعت امام علی بن ابی طالب علیه السلام آمده است^۲ که به چند روایت از آن ها بسنده می کنیم. از امامان معصومین علیهم السلام نقل شده است: خداوند همه پیامبران و مؤمنان را برای یاری امیرمؤمنان علیه السلام گرد می آورد. در آن روز علی بن ابی طالب علیه السلام، پرچم رسول اکرم ﷺ را در دست می گیرد و امیر همه مخلوقات می شود. همه مخلوقات در زیر پرچم او قرار می گیرند و او بر همه فرمانروایی می کند.^۳

براساس روایات، همه امامان در زمان ظهور مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه رجعت می کنند تا

۱. تفسیر قمی، ج ۱، ص ۱۴۷؛ ر.ک. بحار الأنوار، ج ۵۳، باب ۲۹، ص ۱۲۰.

۲. بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۴۲.

۳. بحار الأنوار، ج ۱۲۰، باب ۲۹ رجعت، ص ۵۳.

۴. اصول کافی، ص ۱۹۷؛ علل الشرایع، ج ۱، ص ۱۶۴.

۵. تفسیر برهان، ج ۱، ص ۲۹۵.

امام را برای برپایی حکومتی عادلانه در جهان یاری کنند.

۵-۱. نخستین رجعت‌کنندگان در آخرالزمان

براساس احادیث موجود، نخستین وجود مبارکی که زمین برای او شکافته می‌شود و برای یاری فرزندش مهدی صاحب‌الزمان عجل الله تعالی فرجه می‌آید، امام حسین علیه السلام است؛ چنان‌که امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

أَوَّلُ مَنْ يَرْجِعُ إِلَى الدُّنْيَا الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ فَيَمْلِكُ حَتَّى يَسْقُطَ حَاجِبَاهُ عَلَى عَيْنَيْهِ مِنَ الْكِبَرِ؛ نخستین کسی که به دنیا رجعت می‌کند، حسین بن علی علیه السلام است؛ به قدری حکومت می‌کند که از کثرت سن، ابروان مبارکش بر دیدگانش می‌ریزد.

در بعضی از روایات، افزون بر امام حسین علیه السلام به رجعت ۷۲ شهید کربلا و هزار نفر اشاره شده است.^۲

علامه مجلسی درباره رجعت می‌نویسد:

ای برادر! گمان نمی‌کنم که پس از نقل آن همه آیات و روایاتی که درباره اثبات رجعت برای تو نقل کردم، هنوز در عقیده به رجعت شک داشته باشی. باید بدانی که رجعت مسئله‌ای است که شیعیان در تمام دوران‌ها همگی به آن معتقد بوده‌اند و میان آن‌ها همچون آفتاب نیم‌روز مشهور و معلوم بوده است؛ چنان‌که آن را به شعر در آورده‌اند.^۳

۶-۱. رجعت‌کنندگان خاص در آخرالزمان

در برخی از منابع، به اسم یا ویژگی عده‌ای خاص در میان رجعت‌کنندگان اشاره شده است:

۱. رجعت مؤمنان راستین و خالص؛^۴

۱. اصول کافی، ص ۱۹۷؛ علل الشرایع، ج ۱، ص ۱۶۴؛ بحارالأنوار، ج ۵۳، ص ۳۹.

۲. تفسیر برهان، ج ۲، ص ۴۰۸؛ بحارالأنوار، ج ۵۳، ص ۴۶.

۳. بحارالأنوار، ج ۵۳، ص ۱۶.

۴. مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه (ترجمه جلد سیزدهم بحار)، ح ۱۲۲۶.

۵. تفسیر قمی، ج ۲، ص ۱۳۱.

رجعت کنندگان در آخر الزمان ۲۸۷

۲. رجعت عبدالله بن شریک عامری میان چهارهزار نفر رجعت کننده؛^۱
۳. رجعت هفت نفر از اصحاب کهف؛^۲
۴. رجعت هشتصد مرد و چهارصد زن همراه عیسی علیه السلام؛^۳
۵. رجعت حمران بن اعین و میسر بن عبدالعزیز؛^۴
۶. رجعت «تمنیحا» یکی از یاران اصحاب کهف؛^۵
۷. رجعت «بکمینابدو»، یکی دیگر از یاران اصحاب کهف؛^۶
۸. رجعت اسماعیل بن صادق با ده نفر از یارانش؛^۷
۹. رجعت ۲۷ نفر که پانزده نفرشان از قوم موسی علیه السلام هستند؛^۸
۱۰. رجعت داوود رقی؛^۹
۱۱. رجعت عقیل و حارث؛^{۱۰}
۱۲. رجعت یوشع بن نون وصی عیسی علیه السلام؛
۱۳. رجعت سلمان فارسی؛
۱۴. رجعت ابودجاجه انصاری؛
۱۵. رجعت مقداد؛

۱. إختبار معرفة الرجال، رجال کشی، ص ۲۱۷.
۲. منتخب الأثر، ج ۳، الباب التاسع، ص ۱۷.
۳. معجم الامام المهدي عليه السلام، ج ۱، ص ۵۳۴؛ كنز العمال، ج ۱۴، ص ۳۳۸.
۴. بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۴۰.
۵. حسين بن محمد تقی، نوری، نجم الثاقب، باب سؤم، ص ۱۵۸.
۶. همان.
۷. بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۷۶؛ محمد بن حسن، حر عاملی، الإيقاظ، ص ۲۶۶، ج ۶۹.
۸. بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۹۰، ج ۹۵؛ تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۳۵.
۹. محمد بن عمر، کشی، رجال کشی، ص ۴۰۷؛ بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۷۷.
۱۰. الشيعة والرجعة، ج ۱، ص ۱۵۸.

۱۶. رجعت مالک اشتر نخعی؛^۱
 ۱۷. رجعت نجم بن أعین؛^۲
 ۱۸. رجعت مفضل بن عمر به همراه ۴۴ نفر؛^۳
 ۱۹. رجعت پنجاه نفر از زنان پارسا که همدوش پیامبر در جنگ‌ها حاضر بودند.^۴
در میان این زنان نام سمیه، مادر عمار یاسر، اولین زن شهید اسلام می‌درخشد.
 ۲۰. رجعت شهیدان در راه خدا؛^۵
 ۲۱. کسانی که شبیه سلمان فارسی در عمل باشند؛^۶
 ۲۲. هرکس که هر شب سوره اسراء را قرائت کند؛^۷
 ۲۳. کافران و مشرکان محض؛^۸
 ۲۴. هرکس که چهل صبح دعای عهد را بخواند.^۹
- بی‌تردید افراد بسیاری در طول تاریخ آرزومند رجعت بوده‌اند؛ مانند اسماعیل پسر حزقیل پیامبر که همچون امام حسین علیه السلام آرزوی بازگشت به دنیا را داشت تا انتقام خود را از ستمکاران بگیرد و خداوند نیز به او وعده رجعت همراه با امام حسین علیه السلام را می‌دهد.^{۱۰}

۱. الإرشاد، باب ۴۰، ص ۳۶۱، ج ۱۰؛ تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۳۲، بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۹۰-۹۱.

۲. الإیقاظ، ص ۲۶۹.

۳. دلائل الإمامة، ص ۲۴۸.

۴. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۲۳؛ إثبات الهدی، ج ۷، ص ۱۵۰، ج ۳، ص ۷۵؛ دلائل الإمامة، ص ۲۶۰.

۵. تفسیر العیاشی، ج ۲، ص ۱۱۲؛ بحار الأنوار، ج ۴۳، ص ۲۹.

۶. بحار الأنوار، ج ۲۵، ص ۶.

۷. معجم احادیث امام المهدی، ج ۵، ص ۱۲۲.

۸. بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۳۹.

۹. همان، ج ۵۳، ص ۹۵.

۱۰. کامل الزیارات، ص ۲۰۰.

۷-۱. رجعت و اهداف فیلم‌های آخرالزمانی مانند «world war Z»

مسئله رجعت فقط به شیعیان اختصاص ندارد. این موضوع در آموزه‌های ادیان دیگر، از زرتشتیان^۱ گرفته تا کتاب‌های مقدس آسمانی یهودیان و مسیحیان^۲، گذشته از تحریف‌های موجود در آن هم دیده می‌شود.

یهودیان و مسیحیان صهیونیست به دلیل دشمنی با منجی موعود و حکومت عدل جهانی، سال‌های متمادی با استفاده از امکانات رسانه‌ای خود به تبلیغات منفی در این باره پرداخته و فیلم‌های بسیاری با موضوع «آرماگدون» و کتاب و مقاله‌های فراوانی در مخالفت با مسئله رجعت در آخرالزمان نوشته‌اند؛ به گونه‌ای که سال‌های متمادی از رجعت‌کنندگان با نام «زامبی» یاد کرده‌اند تا به گمان باطل خود رجعت یاران مهدی موعود علیه السلام را کم‌رنگ و ضدبشری نشان دهند. آنان از سال ۱۹۶۶ میلادی تا امروز سیصد فیلم با مفهوم زامبی ساخته‌اند که نیمی از آن‌ها (حدود ۱۸۵ فیلم) پس از سال ۲۰۰۱ میلادی تهیه شده که فقط به تعدادی از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

۱. ساخت فیلم «شب مردگان زنده» در سال ۱۹۶۸، آنان با فرهنگ‌سازی به وسیله این فیلم توانستند زامبی‌ها را به زندگی و تفکر مردم آمریکا و اروپا وارد کنند.
۲. ساخت فیلم «Dawn of the Dead»، ۱۹۷۸ م.
۳. ساخت فیلم «Day of the Dead»، ۱۹۸۵ م.
۴. ساخت فیلم «Beetlj Juice»، ۱۹۸۸ م.
۵. ساخت فیلم «Shaun of the Dead»، ۲۰۰۴ م.
۶. ساخت فیلم «28 Weeks later»، ۲۰۰۷ م.
۷. ساخت فیلم «I Am Legend»، ۲۰۰۷ م.

۱. نهاوندی، علی‌اکبر، العبقری الحسان فی احوال مولانا صاحب‌الزمان رحمته الله، ج ۱، ص ۴۷؛ رک. بشارات عهدین، ص ۲۵۸، به نقل از جاماسب نامه.

۲. کتاب مقدس: عهد قدیم، حزقیال نبی، باب ۳۷، آیات ۱۰-۱۱؛ عهد قدیم (تورات)، کتاب دانیال نبی، باب دوازدهم، ص ۱۳۰۹، آیات ۱-۵؛ انجیل متی، باب ۲۷، آیات ۵۰-۵۴.

۸. ساخت فیلم «Zombieland»، ۲۰۰۹م.

۹. ساخت فیلم «The Walking Dead»، ۲۰۱۰م.

۱۰. ساخت فیلم «Zombie»، ۲۰۱۱م.

ساخت این همه فیلم با موضوع ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و اعتقاد مسلمانان به رجعت در آخرالزمان، ترس بی‌اندازه آنان را از منجی آخرالزمان و تلاش بی‌دریغشان را برای ضعیف نشان دادن این حرکت بزرگ جهانی نشان می‌دهد.

معروف‌ترین، جدیدترین و پرخرج‌ترین فیلم در این باره، «فیلم جنگ جهانی زامبی‌ها» یا همان «World War Z» است. این فیلم که محصول سال ۲۰۱۳ آمریکا است، با پشتوانه مالی شش کمپانی بزرگ فیلم‌سازی و هزینه دویست میلیون دلار ساخته شده و در ۳۶۰۰ سالن هم به اکران رسیده است.

این فیلم براساس کتاب تاریخ شفاهی جنگ زامبی‌ها نوشته «ماکس بوکس» ساخته شده و «متیو مایکل کارناهاال» فیلمنامه‌نویس آن به خواست صهیونیسم بین‌الملل در فیلمنامه فیلم تغییرات اساسی داده است. آقای «متیو مایکل کارناهاال» در این فیلم بر عدد دوازده بسیار تأکید می‌کند تا به مردم جهان چنین القا کند که ایرانیان منتظر و چشم به راه امام دوازدهم، با تلاش برای دسترسی به تسلیحات هسته‌ای به دنبال به آشوب کشیدن جهان و نابودی اسرائیل هستند تا از این راه زمینه ظهور امام خود را فراهم کنند. سازندگان فیلم زامبی برآن‌اند تا به مردم جهان القا کنند که رجعت‌کنندگان، انسان‌های وحشی هستند و در آخرالزمان از زیر خاک بیرون می‌آیند. آن‌ها هرکس را که گاز بگیرند، ظرف مدت دوازده ثانیه به زامبی تبدیل می‌شود.

برای آشنایی بیشتر خوانندگان با این فیلم خلاصه‌ای از داستان فیلم آورده می‌شود: همه چیز در فیلادلفیا روال عادی خود را طی می‌کند تا اینکه ناگهان مخاطب با دیدن تهاجم انسان‌هایی وحشی غافلگیر می‌شود که به سرعت می‌دوند و حمله می‌کنند. در ادامه فیلم معلوم می‌شود که این افراد به نوعی ویروس مبتلا شده و ویژگی‌های غیرانسانی پیدا کرده‌اند.

زامبی‌ها به انسان‌های شهر فیلادلفیا حمله می‌کنند و آن‌ها را گاز می‌گیرند. فردی را که زامبی‌ها گاز می‌گیرند، در طول دوازده ثانیه و به سرعت به زامبی دیگری تبدیل می‌شود. سرعت این تبدیل، به قدری زیاد است که فرصت واکنش یا حتی فرار برای هیچ‌کس باقی نمی‌ماند. آنان آمریکا را اشغال و سعی می‌کنند مناطق دیگر جهان را زیر سلطه خود در آورند.

سرانجام، مسلمانانی که جهان را گرفته‌اند، نمی‌توانند اسرائیل را فتح کنند و اورشلیم مانند دژ محکمی جلوی آن‌ها می‌ایستد. لشکر اسرائیل که سربازان صلح و امنیت و حافظ بیت المقدس هستند، در بیت المقدس بسیاری از زامبی‌ها و زامبی‌شده‌های فلسطینی را نابود می‌کنند و در پایان دختر عریان یهودی و دختر محجبه مسلمان در حال شادی و سرور با هم سرود عبری می‌خوانند.

نترسیدن از مرگ، آدم‌خوار بودن، داشتن مرض مسری، مسلمان بودن و ارتباط با عدد دوازده، ویژگی‌هایی است که نویسنده سعی کرده در این فیلم به وسیله آن‌ها زامبی‌ها را به تصویر بکشد.

آنان با طرح این خیال‌پردازی‌ها به دنبال آن هستند که به جهانیان بگویند اگر در آخرالزمان گروهی را دیدید که رجعت کرده‌اند، بدانید آنان دوستان شما نیستند، بلکه زامبی‌های آدم‌خواری هستند که هرکس را گاز بگیرند، در طول دوازده ثانیه به زامبی تبدیل می‌شود و گوشت بدنشان فرومی‌ریزد، در حالی که برپاهای خود ایستاده‌اند و چشم‌هایشان در حلقه گذاخته می‌شود و زبان‌شان در دهانشان ریخته خواهد شد. بنابراین، به هیچ‌وجه به آنان اطمینان نکنید و حتی به آن‌ها نزدیک نشوید، بلکه تا می‌توانید از آنان فرار کنید؛ زیرا آن‌ها دشمن بشر هستند.

آنان برای باورپذیر شدن ادعایشان به کتاب عهد عتیق یهودیان، کتاب زکریای نبی علیه السلام نیز استناد می‌کنند که در آن چنین آمده است:

یهوه بر تمامی زمین پادشاه خواهد بود* در آن روز یهوه واحد خواهد بود و اسم او واحد* و تمامی زمین از جمع تا رمون که به طرف جنوب اورشلیم

است، متبدل شده مثل عرب‌ها خواهد گردید و (اورشلیم) مرتفع شده در مکان خود از دروازه بنیامین تا جای دروازه اول و تا دروازه زاویه و از برج حننیل تا چرخشت پادشاه مسکون خواهد شد* و در آن ساکن خواهند شد و دیگر لعنت نخواهد بود و اورشلیم به امنیت مسکون خواهد شد* و این بلایی خواهد بود که خداوند بر همه قوم‌هایی که با اورشلیم جنگ کنند، وارد خواهد آورد* گوشت ایشان در حالتی که برپاهای خود ایستاده باشند، کاهیده خواهد شد و چشمانشان در حدقه گداخته خواهد گردید و زبان ایشان در دهانشان کاهیده خواهد شد.^۱

اگر نگوییم این عبارت، از تحریف‌های موجود در کتاب‌های عهدین است، دست‌کم باید گفت که داستان پس از نزول عیسی علیه السلام و ظهور امام زمان علیه السلام را بیان می‌کند که حکومت عدل جهانی برپا می‌شود. در آن زمان است که امنیت و آسایش بر اورشلیم داخل می‌شود؛ زیرا مسیحیت هدف از بازگشت عیسی علیه السلام را ایجاد حکومت الهی می‌داند.^۲

۱. عهد عتیق، زکریای نبی، باب ۱۴، آیات ۹-۱۲.

۲. حسین، توفیقی، «هزاره‌گرایی در فلسفه تاریخ مسیحیت»، مجله موعود، ش ۱۷، ص ۱۴-۲۰.

فصل سیزدهم اشتیاق پیامبران به ظهور

مقدمه

در این فصل می‌خواهیم با دلایل روشنی ثابت کنیم که برخلاف دیدگاه بعضی از غرض‌ورزان، مسئله ظهور و منجی آخرالزمان، بحث تازه به وجود آمده‌ای نیست، بلکه این امر، حقیقت ماندگاری بر سینه تاریخ بشر و زمان بوده و هست؛ به گونه‌ای که پیش از آفرینش بشر هم مطرح بوده است.

پیامبران در طول تاریخ در انتظار مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف، همان منجی و مصلح آسمانی به سر بردند و در این راه انواع مشکلات و سختی‌ها همچون تمسخر، بی‌ادبی، ناسزا، شکنجه و حتی کشته شدن را با یقین به این وعده الهی به جان خریدند. آنان می‌دانستند که مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف ظهور خواهد کرد و جهانیان را از ظلم و ستم مستکبران رهایی خواهد داد و به سوی زندگی الهی راهنمایی خواهد کرد.

این، همان خواسته و آرزوی پیامبران الهی، مردم مستضعف جهان و تمامی ادیان و مذاهب مختلف جهان، و بشارتی است که براساس کتاب‌های آسمانی از آغاز آفرینش تاکنون به مردم جهان داده شده است. به همین دلیل، خبر از ظهور منجی موعود در آخرالزمان، از مهم‌ترین رسالت‌های پیامبران الهی است.

۱. گرفتن پیمان از انبیا در روز الست

از روز اول آفرینش حتی پیش از آن، برنامه عالم هستی با رسالت ۱۲۴۰۰۰ پیامبر برای هدایت مردم رقم خورده و پروردگار هستی بخش، وجود مقدس پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله و ائمه هدی علیهم السلام را به برگزیدگان هستی بشارت داد که مردی در آخرالزمان می‌آید و دین خدا را زنده و دولتش را در زمین برقرار خواهد کرد و انتقام دشمنانش را خواهد گرفت و از آنان در عالم الست پیمان گرفت که مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف را یاری می‌کند.

شیخ مفید از حمران بن اعین به نقل از امام محمد باقر علیه السلام در تفسیر آیه «وَإِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ النَّبِيِّينَ؛ و (به خاطر بیاورید) هنگامی را که خداوند از پیامبران پیمان مؤکد گرفت»، روایتی را این‌گونه نقل می‌کند:

أَخَذَ اللَّهُ الْمِيثَاقَ عَلَى النَّبِيِّينَ فَقَالَ أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَى وَأَنْ هَذَا مُحَمَّدٌ رَسُولِي وَأَنْ عَلِيًّا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ قَالُوا بَلَى فَثَبَّتَ لَهُمُ النَّبُوءَةَ ثُمَّ أَخَذَ الْمِيثَاقَ عَلَى أُولَى الْعِزْمِ أَنِي رَبُّكُمْ وَ مُحَمَّدٌ رَسُولِي وَعَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْأَوْصِيَاءِ مِنْ بَعْدِهِ وَلَا أَمْرِي وَخِزَانِ عَلِيٍّ وَأَنْ الْمَهْدِيَّ أَنْتَصِرَ بِهِ لِدِينِي وَأُظْهِرَ بِهِ دَوْلَتِي وَأَنْتَقِمَ بِهِ مِنْ أَعْدَائِي وَأَعْبُدَ بِهِ طَوْعًا وَكَرْهًا قَالُوا أَقَرَرْنَا يَا رَبَّنَا! خَدَّاهُ تَعَالَى فِي عَالَمِ السَّيِّئَةِ (پیش از آفرینش بشر و شاید به بیانی در عالم ماکت الهی) از انبیا پیمان گرفت و فرمود: آیا من پروردگار شما نیستم و این محمد رسول من و این علی امیرمؤمنان نیست؟ گفتند: بله. چنین است و نبوت (به این سبب) برای آنان ثابت شد. سپس از اولوالعزم (رسولان) پیمان گرفت به اینکه من پروردگار شما هستم و محمد رسول خدا و علی امیرالمؤمنین و اوصیا و جانشینان بعد از او، والیان امر من و صاحبان علم من هستند و اینکه مهدی، کسی است که به وسیله او، دینم را یاری می‌کنم، دولت را آشکار می‌نمایم، از دشمنانم انتقام می‌گیرم و به وسیله او خواهی نخواهی پرستش می‌شوم. گفتند: ای پروردگار! ما به آنان اقرار کردیم.

همچنین در زیارت حضرت صاحب‌الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف آمده است: «السَّلَامُ عَلَى وَارثِ

الأنبياء وخاتم الأوصياء، المنتهى إليه موارث الأنبياء ولديه موجود آثار الأوصياء؛ سلام بر وارث پیامبر و خاتم اوصیا! آن که میراث تمام پیامبران به او رسیده و آثار همه برگزیدگان نزد او موجود است».

۲. پیمان گرفتن خداوند از آدم عليه السلام در روز اول خلقت

براساس روایات، پروردگار عالم از حضرت آدم ابوالبشر عليه السلام درباره ائمه هدی عليهم السلام در روز الست پیمان گرفته است؛ چنان که امام باقر عليه السلام در تفسیر آیه «وَلَقَدْ عَهِدْنَا إِلَىٰ آدَمَ مِنْ قَبْلِ قَنُوسِي وَلَمْ نَجِدْ لَهُ عَزْمًا»^۱ همانا ما پیش از این (درعالم الست) با آدم عهدی بستیم و او فراموش کرد و در آن عهد او را استوار و ثابت قدم نیافتیم»، می فرماید: «مقصود از عهدی که در آیه مبارک به آن تصریح شده، به این مضمون که از آدم عليه السلام پیمان گرفتیم و او فراموش کرد، درباره حضرت محمد صلی الله علیه و آله و امامان پس از اوست». سپس درباره معنای «اولوالعزم» فرمود:

وإنما سمي أولوالعزم، لأنه عهد إليهم في محمد والأوصياء من بعده والمهدي وسيرته، اجمع عزمهم على ذلك كذلك والاقرار به؛^۲ پیامبران را اولوالعزم می نامند؛ زیرا خداوند از آن ها درباره حضرت محمد صلی الله علیه و آله و اوصیای پس از او و مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و روش او پیمان گرفته است و عزم و اراده همه پیامبران بر این مطلب و اقرار به آن است.

۳. توجه آدم عليه السلام به پنج تن و قبول توبه او

نام حضرت آدم عليه السلام به عنوان نخستین پیامبر خدا در نه سوره و ۲۵ آیه آمده است که از آن میان شانزده مرتبه با عنوان آدم عليه السلام، هشت مرتبه بنی آدم عليهم السلام و یک بار هم با عنوان ذریه آدم عليه السلام آمده است.^۳

علامه مجلسی نقل می کند که خداوند، آدم عليه السلام را به این دلیل بدون پدر و مادر آفرید

۱. مفاتیح الجنان، زیارت حضرت صاحب الامر عجل الله تعالی فرجه الشریف.

۲. طه: ۱۱۵.

۳. اصول کافی، ج ۱، ص ۴۱۶؛ تفسیر قمی، ج ۲، ص ۵۶.

۴. قاموس قرآن، ج ۱، ص ۳۸ که در مجموع ۲۵ مرتبه در قرآن کریم آمده است.

تا قدرت خود را به بشر نشان دهد.^۱ همچنین عمر شریف آن حضرت، ۹۳۰ سال بیان شده است؛^۲ هرچند عمر ایشان را تا هزار سال هم گفته‌اند.

داستان آدم و حوا و فریبکاری شیطان، قصه‌ای طولانی است که در آن شیطان به فریب آدم و حوا در نافرمانی از پروردگار موفق می‌شود، در این هنگام خداوند مهربان به یاری آدم اندوهگین و پشیمان می‌آید، به او کلمات مقدسی می‌آموزد تا به توبه موفق شود.

در بیان اینکه این کلمات چه بوده‌اند، شیخ صدوق از مفضل بن عمر به نقل از امام جعفر صادق علیه السلام در معنای آیه «فَتَلَقَىٰ آدَمُ مِن رَّبِّهِ كَلِمَاتٍ فَتَابَ عَلَيْهِ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ»^۳ سپس آدم از پروردگارش کلماتی دریافت کرد (که با آن‌ها توبه کرد) و خداوند توبه او را پذیرفت؛ چراکه خداوند توبه‌پذیر و مهربان است»، چنین می‌نویسد:

از امام صادق علیه السلام از این قول خداوند صاحب عزت و جلال سؤال کردم که معنای این کلمات چیست؟ امام صادق علیه السلام فرمود: آن کلماتی که پروردگار به او القا کرد و حضرت آدم علیه السلام با آن توبه کرد، ما نمی‌دانیم که آیا این اسامی اسم اعظم خدا است یا نه؟ آدم گفت: «أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ وَفَاطِمَةَ وَالحَسَنِ وَالحُسَيْنِ إِنَّهُ تُبْتُ عَلَى، فَتَابَ عَلَيْهِ إِنَّهُ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ»^۴ خدایا! از تو درخواست می‌کنم به حق محمد، علی، فاطمه، حسن و حسین توبه من را بپذیر و خدا توبه‌اش را پذیرفت و به راستی خداوند توبه‌پذیر و مهربان است».

حتی جلال‌الدین سیوطی، از دانشمندان نامی و مفسران بزرگ اهل سنت نیز در تفسیر الدر المنثور همین دعا را نقل می‌کند: خداوند به حضرت آدم کلماتی آموخت که به وسیله آن کلمات توبه کرد و آدم علیه السلام چنین گفت:

فعلیک بهؤلاء الكلمات فان الله قابل توبتك و غافر ذنبك. قل: «اللهم انی أسألك بحق محمد و آل محمد سبحانه لا إله إلا أنت عملت سوا و ظلمت

۱. بحار الأنوار، ج ۱، ص ۱۰۸.

۲. همان، ج ۱۱، ص ۲۶۸.

۳. بقره: ۳۷.

۴. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۳۵۸، ح ۵۷؛ ينابيع المودة، ج ۱، ص ۲۸۸، ح ۴.

نَفْسِي فَأَغْفِرْ لِي إِنَّكَ أَنْتَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
سُبْحَانَكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ عَمِلْتَ سِوَا وَظَلَمْتَ نَفْسِي فَتُبْ عَلَيَّ إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ
الرَّحِيمُ» فهؤلاء الكلمات التي تلقى آدم.

همچنین از قول ابن عباس این روایت را این گونه نقل کرده است:

سالت رسول الله ﷺ عن الكلمات التي تلقاها آدم من ربه فتابَ عليه قال: سال
بحق محمد وعلى وفاطمة والحسن والحسين الا تبت على فتابَ عليه؛^۱ از رسول
خدا ﷺ درباره آیه «فَتَلَقَى آدَمُ مِنْ رَبِّهِ كَلِمَاتٍ فَتَابَ عَلَيْهِ» پرسیدم: آن
کلماتی که به حضرت آدم ﷺ آموختند، چه بود که خدا به وسیله آن کلمات
توبه‌اش را پذیرفت؟ حضرت رسول فرمود: آن کلمات این بود که خدا را به
حق محمد، علی، فاطمه، حسن و حسین قسم داد و خدا توبه‌اش را قبول
کرد.

۴. حضرت نوح ﷺ و اشتیاق در یاری مهدی ﷺ

یکی از پیامبران اولوالعزم حضرت نوح ﷺ است که صبر و استقامت بی‌مانندی داشته
است. حضرت نوح ﷺ ۹۵۰ سال قوم خود را به خدا دعوت کرد و آنان را از فتنه دجال
برحذر داشت،^۲ ولی آنان راه دجال و مشرکان را پسندیدند و از راه حق دور شدند و او
و آیین الهی‌اش را مسخره کردند. نوح ﷺ به ناچار با حالت ناامیدی دستش را بالا برد
و از خداوند برای نابودی این قوم کافر دعا (نفرین) کرد؛ چنان‌که در قرآن آمده است:
«فَدَعَا رَبَّهُ أَنِّي مَغْلُوبٌ فَانْتَصِرْ»^۳ پروردگار خود را خواند و عرض کرد: خدایا! من در برابر
آن‌ها مغلوبم، مرا یاری کن».

همان‌طور که در این آیه آمده است، حضرت نوح ﷺ دستانش را به سوی خداوند بالا
برد و از او درخواست یاری کرد؛ زیرا او چشم داشت یاری از کسی را داشت که خداوند
به آنان وعده‌اش را داده بود. پروردگار به او بشارت مهدی عجل الله تعالی فرجه را داده بود؛ کسی

۱. الدر المنثور فی تفسیر المأثور، ج ۱، ص ۶۰-۶۱؛ شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، ج ۱، ص ۱۰۰؛ تأویل
الآیات الظاهرة، ص ۴۶-۴۷؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۱۶۴.

۲. صحیح ترمذی، باب ماجاء فی الدجال، ص ۴۲.

۳. قمر: ۱۰.

که منتقم است و انتقام همه ظلم‌ها و ستم‌هایی را می‌گیرد که بر آنان وارد شده است. مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف، منصور و یاری‌دهنده دین خداست، دولت خدا را ظاهر می‌کند و از دشمنان خدا انتقام خواهد گرفت؛ چنان‌که در حدیث آمده است:

أَنْ الْمَهْدِي أَنْتَصِرَ بِهِ لِدِينِي وَأُظْهِرَ بِهِ دَوْلَتِي وَأَنْتَقِمَ بِهِ مِنْ أَعْدَائِي وَأُعْبِدَ بِهِ طَوْعًا وَ كَرْهًا قَالُوا أَفَرَرْنَا يَا رِبَّنَا؟ مَهْدِي مَوْعُودٌ عجل الله تعالی فرجه الشریف مَنْصُورٌ وَ يَارِي دَهْنَدَهُ دِينَ مِنْ (خدا) است و دولتم (خدا) را ظاهر کند، از دشمنانم انتقام بگیرد و (دشمنان) به دلخواه خود یا از روی کراهت (خواه و ناخواه) عبادت کنند و می‌گویند: ای پروردگار! ما به آنان اقرار کردیم.

این انتظار هرچند طولانی است، اما دنیا به پایان نمی‌رسد، مگر اینکه دین خدا بر همه کافران و مشرکان غلبه کند و با ظهور مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف همه آن‌ها ریشه‌کن شوند و سرانجام جهان -خواسته یا ناخواسته- خدا را خواهد پرستید.

۵. امتحان ابراهیم علیه السلام به قائم آل محمد عجل الله تعالی فرجه الشریف

حضرت ابراهیم علیه السلام نیز به دنبال میثاقی که با خداوند در روز الست، درباره مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف بسته بود، همواره دعا می‌کرد؛ چه آن زمان که در آتش بود و چه دورانی که کعبه را بازسازی می‌کرد و دعایش این بود: «پروردگارا! مکه را مکان امن الهی قرار بده تا روزی که فرزندی از نسل فرزندانم، در کنار کعبه و خانه خدا ظاهر شود و ندای توحید را به گوش همه جهان برساند».

مفضل، از اصحاب نزدیک امام جعفر صادق علیه السلام نقل می‌کند:

از امام درباره آیه «وَإِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ»^۱ و (به یاد آر) که خدا ابراهیم را به اموری امتحان فرمود و او همه را به جای آورد»، پرسیدم، امام صادق علیه السلام در معنای «فَاتَمَّهُنَّ» فرمود: «فَاتَمَّهُنَّ» إِلَى الْقَائِمِ اثْنَيْ عَشَرَ إِمَامًا، تِسْعَهُ مِنْ وَلَدِ الْحُسَيْنِ علیه السلام؛^۲ البته امتحان کرد به قائم آل محمد عجل الله تعالی فرجه الشریف

۱. تأویل الآيات الظاهرة، ص ۳۱۴؛ اصول کافی، ج ۲، ص ۸، ح ۱.

۲. بقره: ۱۲۴.

۳. ينابيع المودة، ج ۱، ص ۲۹۰، ح ۶.

که نهمین فرزند امام حسین علیه السلام است.

۶. ادامه امامت تا روز قیامت

مفضل درباره آیه «وَجَعَلَهَا كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي عَقِبِهِ» خدا (این خداپرستی را) در همه ذریه او تا قیامت، کلمه باقی گردانید»^۱ از امام جعفر صادق علیه السلام پرسید؛ امام در پاسخ فرمود: «يَعْنِي بِذَلِكَ الْإِمَامَ جَعَلَهَا اللَّهُ تَعَالَى فِي عَقَبِ الْحُسَيْنِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ»^۲ مقصود امام است که خداوند تعالی در نسل امام حسین علیه السلام تا روز قیامت قرار داده است»؛ به این معنا که امام زمان علیه السلام کلمه باقیه‌ای در نسل امام حسین علیه السلام است که آدم علیه السلام و ابراهیم خلیل علیه السلام به او امتحان شده‌اند؛ چنان‌که دانشمند بزرگ اهل سنت، شیخ سلیمان حنفی قندوزی نیز به آن تصریح کرده است.^۳

۷. لوط پیامبر علیه السلام مشتاق مهدی علیه السلام

حضرت لوط علیه السلام نیز آن هنگام که در برابر قوم هوس‌باز فاسد خود قرار گرفت که همه ارزش‌های انسانی را زیر سؤال برده بودند، آن‌گونه که قرآن می‌فرماید: «انْكفُ لَتَأْتُونَ الرِّجَالَ شَهْوَةً مِنْ دُونِ النِّسَاءِ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ مُّجْهَلُونَ»^۴ آیا شما به جای زنان از روی شهوت به سراغ مردان می‌روید؟! شما قوم نادانی هستید!»، آرزو می‌کرد که ای کاش قدرتی داشتم تا با تکیه بر آن بر این قوم مفسد پیروز می‌شدم. براساس روایات، او نیز آرزوی یاری مهدی علیه السلام را داشته است. وقتی از امام صادق علیه السلام درباره این سخن لوط علیه السلام پرسید: «أَنْ لِي بِكُمْ قُوَّةٌ أَوْ آوِي إِلَى رُكْنٍ شَدِيدٍ»^۵ ای کاش برای من بر منع شما قدرتی بود یا پشتیبانی محکمی داشتم» پرسیدند، فرمود: «آرزوی لوط علیه السلام دسترسی به قدرت قائم آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم بود و منظورش از آن نیروهای استوار، یاران مهدی ما بود که قدرتمند بودند؛ به این معنا که مقصود از "قوه" در این آیه، قائم آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم است و منظور از "رکن

۱. زخرف: ۲۸.

۲. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۳۵۸، ح ۵۷؛ معانی الأخبار، ص ۱۲۶، ح ۱؛ ينابيع المودة، ج ۱، ص ۳۵۳، ح ۱.

۳. ينابيع المودة، ج ۳، ص ۲۴۸-۲۴۹، ح ۴۳.

۴. نمل: ۵۵.

۵. هود: ۸۰.

شدید" ۳۱۳ یاران او هستند»^۱.

۸. اشتیاق داوود پیامبر علیه السلام به ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

حضرت داوود علیه السلام، یکی از بزرگ‌ترین پیامبران صاحب کتاب است که همراه قوم خود، یعنی مستضعفان بنی اسرائیل بر ضد مستکبران جنگید و به کمک آنان حکومت عدل تشکیل داد؛ باوجوداین، آن حضرت هم (در زبور خود) آرزوی مهدی آخرالزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را داشته است؛ زیرا او فقط توانست یک قوم (بنی اسرائیل) را زیر پرچم حکومت خود در آورد، اما مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف که خداوند بشارت او را به پیامبران داده، حکومت عدل و حق را در سراسر جهان تشکیل خواهد داد. در کتاب مزمر داوود این‌گونه آمده است: «زیرا که شریان منقطع خواهند شد و اما منتظران خداوند، وارث زمین خواهند بود. هان! بعد از اندک زمانی شریر نخواهد بود، در مکانش تأمل خواهی کرد و نخواهد بود»^۲.

البته در مزمر حضرت داوود علیه السلام از این نوع تعبیرها فراوان دیده می‌شود که همه آن‌ها مدارک و دلایل استواری بر درستی احادیث شیعه درباره ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و تشکیل حکومت مؤمنان صالح است.

همچنین پیامبران الهی دیگر نیز در رویارویی با سختی‌ها و رنج‌ها همیشه در اشتیاق و انتظار ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به سر می‌بردند؛ مانند حضرت یوسف علیه السلام آن‌گاه که در ته چاه زندانی بود، حضرت موسی کلیم علیه السلام در همه ایامی که مسئولیت قوم ناسپاس خود را داشت و حضرت عیسی روح علیه السلام در همه ایامی که در میان مردم حضور داشت و حتی وقتی یهودیان او را دنبال کردند تا به صلیب بکشند و سرانجام خاتم پیامبران، حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله، تمام این پیامبران منتظر امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بودند؛ انتظاری که با ظهور حضرت و آغاز رجعت به پایان خواهد رسید؛ چنان‌که امام صادق علیه السلام پس از تلاوت آیه «وَإِذَا أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ النَّبِيِّينَ»^۳ و هنگامی که خداوند تعالی

۱. تفسیر العیاشی، ج ۲، ص ۲۵۶، ح ۵۵؛ تفسیر البرهان، ج ۲، ص ۲۲۸؛ کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۶۷۳، ح ۲۶؛ ینابیع المودة، ج ۳، ص ۲۴۱، ح ۲۱-۲۲؛ منتخب الاثر، ج ۳، ص ۱۵، ح ۱۱۵-۱۲.

۲. عهد قدیم، مزبور ۳۷، جمله ۹.

۳. آل عمران: ۸۱.

از پیامبران پیمان گرفت»، به خداوند قسم می خورد و می فرماید: «پیامبران الهی که همه ۱۲۴۰۰۰ هزار نفر می شوند، رجعت می کنند تا در رکاب امیرمؤمنان، علی بن ابی طالب علیه السلام بر ضد ظلم، بیداد و فساد مستکبران مبارزه کنند؛^۱ یعنی هنگام ظهور، همه پیامبران رجعت می کنند و در رکاب امیرمؤمنان و در راه اهداف والای حجت بن الحسن علیه السلام به آرزویشان می رسند و امام زمان علیه السلام نیز هنگام ظهور در حالی که به کعبه تکیه کرده است، این چنین فریاد می زند:

وَالْقَائِمُ يَوْمَئِذٍ بِمَكَّةَ قَدْ أَسْنَدَ ظَهْرَهُ إِلَى الْبَيْتِ الْحَرَامِ مُسْتَجِيرًا بِهِ فَيَنَادِي: يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا نَسْتَنْصِرُ اللَّهَ فَمَنْ أَجَابَنَا مِنَ النَّاسِ فَإِنَّا أَهْلُ بَيْتِ نَبِيِّكُمْ مُحَمَّدٍ وَنَحْنُ أَوْلَى النَّاسِ بِاللَّهِ وَبِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَمَنْ حَاجَّنِي فِي آدَمَ فَإِنَّا أَوْلَى النَّاسِ بِآدَمَ وَمَنْ حَاجَّنِي فِي نُوحٍ فَإِنَّا أَوْلَى النَّاسِ بِنُوحٍ وَمَنْ حَاجَّنِي فِي إِبْرَاهِيمَ فَإِنَّا أَوْلَى النَّاسِ بِإِبْرَاهِيمَ وَمَنْ حَاجَّنِي فِي مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَإِنَّا أَوْلَى النَّاسِ بِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَمَنْ حَاجَّنِي فِي النَّبِيِّينَ فَإِنَّا أَوْلَى النَّاسِ بِالنَّبِيِّينَ؛^۲ در روز ظهور، مهدی قائم علیه السلام به دیوار بیت الحرام تکیه می زند و با حالتی متضرعانه به درگاه الهی می فرماید: ای مردم! ما از خداوند و هرکسی که دعوت ما را بپذیرد، کمک می خواهیم که ما اهل بیت پیامبر شما و شایسته تر از دیگران به نزدیکی به خدا و محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ هستیم. هرکس که به آدم علیه السلام حجت و دلیل بیاورد، من نزدیک ترین مردم به او هستم و هرکس که بخواهد به نوح علیه السلام حجت و دلیل بیاورد، من نزدیک ترین مردم به او هستم و هرکس که بخواهد به ابراهیم علیه السلام حجت و دلیل بیاورد، من نزدیک ترین مردم به او هستم و هرکس که بخواهد به محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ حجت و دلیل بیاورد، من نزدیک ترین مردم به او هستم و هرکس که بخواهد به پیامبران، حجت و دلیل بیاورد، من نزدیک ترین مردم به انبیا و پیامبران هستم.

شیعه نیز در زیارت حضرت صاحب الزمان علیه السلام خاضعانه خدمت آن حضرت می گوید: «السَّلَامُ عَلَى وَاثِ الْأَنْبِيَاءِ وَخَاتَمِ الْأَوْصِيَاءِ، الْمُنْتَهَى إِلَيْهِ مَوَارِثُ الْأَنْبِيَاءِ وَلَدَيْهِ

۱. بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۴۱، ح ۹.

۲. الغيبة نعمانی، باب ۱۴، ص ۲۸۱؛ بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۳۸، ح ۱۰۵.

مَوْجُودُ أَثَارِ الْأَصْفِيَاءِ؛ سلام بر وارث پیامبران و خاتم اوصیا، آن که میراث تمام پیامبران به او رسیده و آثار همه برگزیدگان نزد او موجود است».

فصل چهاردهم واقعه آرماگدون در آخرالزمان

باور یهودیان و مسیحیان این است که حضرت مسیح علیه السلام پس از واقعه آرماگدون (armageddon) از سال ۲۰۰۰ میلادی به بعد ظهور می‌کند. آرماگدون نام جنگی است که در منطقه هرمجدون اتفاق می‌افتد و بنابراین، از نظر مسیحیان و یهودیان، واقعه آرماگدون یکی از نشانه‌های ظهور مسیح علیه السلام به‌شمار می‌آید.

ازسوی دیگر، در روایات شیعه و اهل سنت، چنین آمده است که ظهور حضرت عیسی علیه السلام با مهدی موعود علیه السلام هم‌زمان خواهد بود که به آن واقعه «قرقیسیا» می‌گویند. یهودیان و مسیحیان معتقدند این ماجرا در کتاب‌های آن‌ها آمده است.^۱ باور مسیحیان به بازگشت عیسی مسیح علیه السلام در کتاب‌هایی همچون رساله اول و دوم «پولس» به «تسالونیکیان» آمده است. مسیحیان بر این باورند که پایان جهان نزدیک است و ما اکنون در دوران آخرالزمان زندگی می‌کنیم. آن‌ها به آرماگدون باور دارند که مقدمه ظهور مسیح علیه السلام است و از این رو، معتقدند باید برای زمینه‌سازی ظهور مسیح علیه السلام کاری انجام داد.

بسیاری از پژوهشگران موضوع آخرالزمان در آمریکا و اروپا، افزون بر پژوهش درباره

۱. عهد جدید، مکاشفه یوحنا، رسول، باب ۱۶، آیه ۱۴.

بازگشت عیسی علیه السلام و ماجرای آرماگدون، درباره مهدی علیه السلام نیز در منابع شیعه پژوهش می‌کنند و به نزول عیسی علیه السلام هم‌زمان با مهدی موعود علیه السلام اطمینان دارند.

از نظر این پژوهشگران هم‌زمانی ظهور مسیح علیه السلام و واقعه آرماگدون در آخرالزمان در کتاب‌های مقدس مثل انجیل متی، انجیل لوقا، انجیل مرقس و مکاشفات یوحنا آمده و موضوعی یقینی است.^۱

واژه آرماگدون (قرقیسیا) در اصل «هرمجدون» بوده است که مرکب از «هر» به معنای کوه در زبان عبری و «مجدو» که اسم وادی یا کوه کوچکی در شمال فلسطین است که به آن تپه شریفان نیز می‌گویند.

از نظر جغرافیایی، هرمجدون در بیست مایلی جنوب شرقی «حیفا» در شمال فلسطین و شش کیلومتری شهر «رقه» در کشور سوریه قرار دارد. هرمجدون در معجم البلدان، شهر کوچکی در نزدیکی مدخل نهر خابور از رود فرات و نزدیک مرزهای سوریه، عراق، ترکیه و در محدوده کرانه‌های باختری رود اردن معرفی شده است. فاصله هرمجدون با عراق حدود صد و با ترکیه حدود دویست کیلومتر است. هرمجدون در فاصله ۵۵ مایلی شمال «تل‌آویو» و با پانزده مایل فاصله از دریای مدیترانه و در مجاورت کوه صیهون قرار دارد. در این منطقه جنگ بزرگی رخ می‌دهد^۲ و مسیحیان این جنگ را نشانه‌ای برای نزول عیسی مسیح علیه السلام در آخرالزمان می‌دانند و مبلغان مسیحی هم سال‌هاست به تبلیغ آن می‌پردازند.

۱. آرماگدون در عهد عتیق و عهد جدید

این پیشگویی در عهد عتیق (کتاب مورد اعتماد یهودیان و مسیحیان) آمده است. در عهد جدید (کتاب مقدس مسیحیان) نیز در مکاشفه یوحنا رسول، با تعبیر «جنگ آن روز عظیم» به آن اشاره شده است.^۳ در عهد قدیم، زکریای نبی چگونگی کشته شدن

۱. خورشید مغرب، ص ۵۷-۵۸؛ رک. عهد جدید، مکاشفه یوحنا رسول، باب ۱۶، آیه ۱۴.

۲. عهد جدید، مکاشفه یوحنا رسول، باب ۱۶، آیه ۱۴؛ رک. نشریه موعود، ش ۲۸ و ۳۲.

۳. عهد جدید، مکاشفه یوحنا رسول، باب ۱۶، آیه ۱۴.

این افراد را چنین بیان می‌کند: «گوشت ایشان در حالتی کاسته که بر پای‌های خود ایستاده‌اند، چشمانشان در حدقه گداخته و زبان ایشان در دهانشان کاسته خواهد شد»^۱.

در مکاشفه یوحنا، از این کشتار با عنوان «ضيافت عظیم خداوند برای پرنندگان» یاد می‌شود:

و دیدم فرشته‌ای را در آفتاب ایستاده که به آواز بلند تمامی مرغانی را که در آسمان پرواز می‌کنند، ندا کرده، می‌گوید: بیایید و برای ضیافت عظیم خدا فراهم شوید تا گوشت پادشاهان، گوشت سپه‌سالاران، گوشت جباران، گوشت اسبان و سواران آن‌ها و گوشت همگان را چه آزاد، چه غلام و چه صغیر و چه کبیر بخورید.^۲

واقعه آرماگدون یا به تعبیر روایات ما قرقیسیا، در هرکدام از عهد قدیم و جدید، فقط یک‌بار، آن هم با عبارت‌های مبهم مطرح شده است. این واقعه جنگی بسیار خطرناک، وحشتناک و با کشتار فراوان توصیف شده است که در پایان تاریخ رخ خواهد داد. دکتر عبد الکریم زبیدی در مقاله‌ای در مجله *الفکر الجدید* می‌نویسد:

این حادثه همان حادثه بزرگی است که پیش از ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف تحقق خواهد یافت و در روایات، از آن به معرکه «قرقیسیا» یاد شده است. در آن واقعه، میلیون‌ها لشکر از آمریکا، اروپا، روسیه، ترکیه، مصر و دولت‌های مغرب عربی و لشکریانی از شهرهای شام، یعنی سوریه، اردن، لبنان، فلسطین و اسرائیل شرکت خواهند داشت. همگی در منطقه‌ای به نام قرقیسیا از بلاد شام با هم روبه‌رو خواهند شد و سفیانی در این هنگام خروج خواهد کرد. گفته شده امروز در آمریکا، همه فرقه‌های مسیحی از وقوع حادثه آرماگدون خبر می‌دهند؛ چراکه این واقعه می‌تواند مسیح ع را دوباره به زمین بازگرداند و به‌طور حتم او

۱. عهد قدیم، کتاب زکریا، باب ۱۴، ص ۱۳۸۳، آیه ۱۲؛ رک. عهد عتیق، حزقیال نبی، باب ۳۸، ص ۱۳۶۲، آیات ۲-۸ و باب ۳۸، ص ۱۳۶۳-۱۳۶۴، آیات ۱۸-۲۰.
۲. عهد جدید، مکاشفه یوحنا، باب ۱۹، آیات ۱۸-۱۷.

در آینده‌ای نزدیک خواهد آمد.^۱

همچنین در مجله *الفکر الجدید* در این باره آمده است:

مؤسسه‌های دینی همگام با وسایل ارتباط جمعی، اعم از رادیو و تلویزیون در کشورهای غربی و آمریکا، مردم خود را به این نکته متوجه کرده و آنان را به وقوع حادثه‌ای بزرگ در شهرهای شام معتقد کرده‌اند که به تحقق جنگی هسته‌ای در منطقه‌ای به نام آرماگدون منجر خواهد شد. پس از این جنگ، مسیح دوباره به زمین فرود خواهد آمد و رهبری عالم را بر عهده خواهد گرفت و در آن هنگام است که صلح در سطح عالم گسترش خواهد یافت. آن حضرت دولت صلح را روی کره زمین با آسمان جدیدی از نو بنا خواهد کرد و این حرکت از قدس آغاز خواهد شد. رونالد ریگان، جورج بوش و کلینتون، این سه نفر از رؤیس جمهورهای آمریکا، همگی به حتمیت واقعه آرماگدون ایمان داشته‌اند و در زمان ریاست جمهوری خود، همگام با دولت‌های بزرگ دیگر، سیاست‌های خارجی خود را بر اساس این واقعه ترسیم می‌کرده‌اند.^۲

«هالسیل» نویسنده آمریکایی نیز در کتاب *خبر و سیاست* می‌نویسد:

ما مسیحیان ایمان داریم که تاریخ انسانیت در آینده در معرکه‌ای به نام آرماگدون به پایان خواهد رسید؛ معرکه‌ای که در آن مسیح عليه السلام بازگشته، بر تمام زنده‌ها و مردگان حکومت خواهد کرد. شکی نیست که معرکه (آرماگدون) یک جنگ هسته‌ای خواهد بود و این امری است که مورد مشیت الهی قرار گرفته است.^۳

همچنین رونالد ریگان بیش از یازده بار به نزدیک بودن پایان عالم و به ایمانش درباره معرکه آرماگدون تصریح کرده است. او در گفت‌وگوی خود با «ایبال»، مدیر اجرایی لابی صهیونیست‌ها می‌گوید: «هنگامی که به خبرهای قدیمی شما مراجعه می‌کنم که در توارت آمده، در می‌یابم که معرکه آرماگدون در راه است که فاصله‌ای میان خیر و شر است. من

۱. مجله *الفکر الجدید*، ۱۵ و ۱۶.

۲. همان.

۳. *عمرامة الإسلام*، ص ۶۳.

□ واقعه آرماگدون در آخرالزمان ۳۰۷ □

خودم را در بین نسلی می‌یابم که شاهد این واقعه خواهد بود»^۱.

۲. آرماگدون در کلام معصومان علیهم‌السلام

واقعه آرماگدون در منابع اسلامی نیز با عنوان قرقیسیا آمده است؛ با این تفاوت که این حادثه نشانه حتمی ظهور معرفی نشده است. قرقیسیا پیش از حمله سفیانی به عراق (کوفه)، در محلی به نام هرمجدون میان دشمنان رخ خواهد داد و بنابراین، باید راه خروج و حرکت سفیانی تا عراق و نابودی سفیانی به خوبی تبیین شود.

۲-۱. خروج سفیانی از شام

براساس روایات، نخستین جایی که کشتار و شورش در آن رخ می‌دهد، کشور شام (سوریه فعلی) است؛^۲ زیرا در آن دوران این کشور جولانگاه گروه‌های مسلح و جنگ‌های داخلی شده است. افرادی که رهبری این جنگ و خون‌ریزی‌های اولیه را در شامات برعهده دارند، عبارت‌اند از: ابقع، اصبه و سفیانی.^۳ براساس روایات، هیچ یک از این سه گروه به خاطر خدا نمی‌جنگند. در ادامه سعی می‌کنیم تا براساس روایات، شخصیت این افراد را بهتر بشناسیم.

در کتاب غیبت شیخ طوسی از عمار فرزند یاسر نقل شده است: «وَيُظْهَرُ ثَلَاثَةٌ نَقَرٍ بِالشَّامِ كُلُّهُمْ يَطْلُبُ الْمَلِكَ رَجُلٌ أَبْقَعٌ وَرَجُلٌ أَصْبَهٌ وَرَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِ أَبِي سُفْيَانَ»^۴ سه نفر در شام برای به دست آوردن حکومت خروج می‌کنند: مرد ابقع، مرد اصبه و مردی از خانواده ابوسفیان».

نخستین سرزمینی که در زمان ظهور آسیب می‌بیند و خراب می‌شود، سوریه و شامات است که بیشتر مردم آن، پیرو این سه نفرند و زیر پرچم آن‌ها جمع می‌شوند. ابقع که به مرد ابلق (دورنگ)، دوچهره، سیاه و سفید و به شخص پلید نیز گفته می‌شود، از مصر

۱. المسيح المنتظر و نهاية العالم، ص ۲۷۰-۲۷۱، به نقل از علایم ظهور.

۲. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۳۷، ح ۱۰۵.

۳. همان.

۴. الغيبة شیخ طوسی، ص ۴۶۲-۴۶۵؛ بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۰۸، ح ۴۵؛ معجم الأحادیث الإمام المهدي علیه‌السلام، ج ۳، ص ۸۱؛ روزگار رهایی، ج ۲، ص ۹۹۵.

است. اصهب مردی سرخ‌مو و سرخ‌رنگ است و پرچم سوم نیز به سفیانی، از فرزندان ابوسفیان و هند جگرخوار مربوط است که از نظر پلیدی و بی‌بند و باری کم‌نظیر است. او در اولین اقدام برای اطمینان از اینکه مخفیگاهش فاش نمی‌شود، زن باردار خود را زنده به گور می‌کند.^۱

از مجموع روایات شیعه و سنی در این باره چنین برمی‌آید که نام اصلی سفیانی، «عثمان بن عُنْبَس» و خروج او، از نشانه‌های قطعی ظهور بقیة الله عجل الله تعالی فرجه الشریک است.^۲ لشکر سفیانی از یهودیان، ضددین‌ها و دشمنان اهل بیت علیهم السلام تشکیل شده است.

۲-۲. جنگ قدرت در شام

اختلاف و جنگ‌های این سه پرچم باطل در منطقه شامات، موجب آشوب‌های فراوان در همه شهرها، مناطق و قبیله‌های عرب می‌شود و جنگ و خون‌ریزی شیوع پیدا می‌کند. هر قبیله‌ای هم که قدرت بیابد، خروج می‌کند. یکی از این قبایل، قبیله «بنی ذنب الحمار» است.

براساس کتاب‌های روایی، سفیانی با طایفه بنی ذنب الحمار می‌جنگد؛ چراکه آن‌ها نیز خروج کرده‌اند و چنان کشتاری از آنان به راه می‌اندازد که مانند آن هرگز در جایی اتفاق نیفتاده است: «یظهر السفیانی ومن معه علی بنی ذنب الحمار حتی یقتلوا قتلا لم یقتله شیئا قط».^۳

طبق روایات، ویرانی شام یکی از نشانه‌های غیر قطعی ظهور، پیش از خروج این سه تن است. چنان‌که در روایت آمده، قریه‌ای از قراء، ارم، به دلیل زلزله در زمین فرومی‌رود و قسمت غربی مسجد آن خراب می‌شود و سقوط می‌کند.^۴ هر دو مورد، مقدمه سومین

۱. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۰۶.

۲. الغیبة نعمانی، باب ۱۸ (باب ما جاء فی ذکر السفیانی و أن أمره من المحتوم و أنه قبل قیام القائم عجل الله تعالی فرجه الشریک، ص ۳۰۰؛ المستدرک، ج ۴، ص ۵۲۰؛ صحیح مسلم، ج ۸، ص ۱۶۷.

۳. معجم احادیث المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریک، الجزء الخامس؛ إلزام الناصب فی اثبات الحجة الغائب، ج ۱، ص ۷۳.

۴. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۳۷، ح ۱۰۵.

نشانه، یعنی خروج سفیانی، نشانه حتمی ظهور خواهد بود.

در روایات، هم ابقع و هم اصبه، مانند سفیانی نکوهش شده‌اند؛ زیرا این سه نفر با لشکر خود برای گرفتن قدرت و تسلط کامل بر شامات خروج می‌کنند. شورش اصبه از خارج پایتخت آغاز می‌شود و جنگ سختی میان لشکر او و ابقع در می‌گیرد. در این جنگ، هیچ‌یک از این دو، پیروزی قاطعی بر یکدیگر به دست نمی‌آورند و فقط نیروهایشان ضعیف می‌شود. در این شرایط سفیانی از این ضعف استفاده می‌کند و از خارج پایتخت به آنان یورش می‌برد و نابودشان می‌کند. بنابراین، همه خاک سوریه، فلسطین، اردن، حمص و حلب در تسلط کامل او قرار می‌گیرد.^۱ پس از این سفیانی به سوی عراق حرکت می‌کند.^۲

۲-۳. روایات قرقیسیا (آرماگدون)

براساس روایتی از امیرمؤمنان علی علیه السلام، جنگ بزرگ قرقیسیا به وسیله سفیانی و با کمک یهودیان و پس از کشتار در سوریه و حرکت به سوی عراق انجام می‌شود. در راه سوریه به عراق، در مکانی که به زبان عبری هارمجدون نامیده می‌شود، واقعه قرقیسیا را به وجود می‌آورند و این، پیش از حمله سفیانی و یهودیان به عراق و کوفه رخ خواهد داد:^۳

عن أمير المؤمنين عليه السلام، قال: يظهر السفیانی علی الشام، ثم یكون بینهم وقعة بقرقیسیا، حتی تشبع طیر السماء وسباع الأرض من جیفهم؛^۴ سفیانی بر دشمنان در شام پیروز می‌شود. پس از آن میان او و دشمنان دیگرش در قرقیسیا جنگی روی می‌دهد که پرندگان آسمان و درندگان زمین از باقی مانده‌های کشته‌ها سیر می‌شوند.

۱. الغیبة نعمانی؛ بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۵۲، ح ۱۴۱ و ج ۵۲، ص ۲۳۷، ح ۱۰۵ و باب ۱۴، ص ۳۹۱، ح ۶۷؛ إلزام الناصب، ص ۲۰۴؛ بحار الأنوار، ج ۵۲، باب ۲۵، ص ۲۱۲ و ۲۶۹؛ کنز العمال، ج ۱۱، ص ۲۸۴، ح ۳۱۵۳۶؛ روزگار رهایی، ج ۲، ص ۹۹۳؛ الملاحم و الفتن فی ظهور الغائب المنتظر عجل الله فرجه، ص ۵۵.

۲. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۳۷، ح ۱۰۵.

۳. همان، ح ۱۰۵.

۴. عقد الدرر فی أخبار المنتظر عجل الله فرجه، ص ۸۷ به نقل از کتاب الفتن، فی باب الملاحم؛ سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۳۷۰-۱۳۷۱.

در این روایت، آغاز حرکت سفیانی از شامات بیان شده و از کلمه «بینهم» فهمیده می‌شود که واقعه قرقیسا میان خود کافران رخ می‌دهد و کشتار زیادی انجام می‌شود؛ تا آنجا که پرندگان آسمان و درندگان زمین از باقی‌مانده‌های این کشته‌ها سیر می‌شوند. امام باقر علیه السلام در روایتی از این حادثه نام می‌برد و می‌فرماید: «در قرقیسا واقعه‌ای رخ می‌دهد که مانند‌ی ندارد». در کتاب الکافی از شیخ کلینی به سندش از امام باقر علیه السلام نقل شده است که حضرت به «میسر» می‌فرماید: «یا مُیسِرُ کَفَّ بَیْنکُم وَبَیْنَ قَرْقِیسَا؛ ای میسر! چه مقدار بین شما و قرقیسا فاصله است؟» میسر گفت: «قُلْتُ هِی قَرِیبٌ عَلٰی شَاطِئِ الْفُرَاتِغ؛ آنجا نزدیک فرات است». سپس امام باقر علیه السلام فرمود:

أَمَّا إِنَّهُ سَيَكُونُ بِهَا وَقْعَةٌ لَمْ يَكُنْ مِثْلُهَا مُنْذُ خَلَقَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَلَا يَكُونُ مِثْلُهَا مَا دَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ مَا ذُبَّةٌ لِلطَّيْرِ تَشْبَعُ مِنْهَا سِبَاعُ الْأَرْضِ وَطُيُورُ السَّمَاءِ؛ آگاه باش که در آن مکان، واقعه‌ای اتفاق خواهد افتاد که مانند آن از زمان آفرینش آسمان‌ها و زمین از سوی خداوند تبارک و تعالی اتفاق نیفتاده است و نخواهد افتاد. آنجا محل پذیرایی پرندگان خواهد بود و درندگان زمین و پرندگان آسمان از آن سیر خواهند شد.

عبدالله ابی‌یعفور نقل می‌کند که امام باقر علیه السلام فرمود:

إن لولد العباس والمروانی لوقعة بقرقيساء يشيب فيها الغلام الحزور ويرفع الله عنهم النصر ويوحى إلى طير السماء وسباع الأرض اشبعي من لحوم الجبارين ثم يخرج السفیانی؛^۱ برای بنی‌عباس و مروانی واقعه‌ای در قرقیسا روی می‌دهد که در آن جوانان نورس پیر می‌شوند. خداوند پیروزی را نصیب آن‌ها نمی‌گرداند و به پرندگان آسمان و درندگان زمین فرمان می‌دهد گوشت ستمگران را بخورید، سپس سفیانی خروج می‌کند.

امام صادق علیه السلام نیز فرمود:

إِنَّ لِلَّهِ مَائِدَةً بِقَرْقِيسَاءَ يَطَّلِعُ مُطَّلِعٌ مِنَ السَّمَاءِ فَيُنَادِي يَا طَيْرَ السَّمَاءِ وَيَا سِبَاعَ

۱. اصول کافی، ج ۸، ص ۲۹۵، ح ۴۵۱.

۲. الغيبة نعمانی، ص ۳۰۳-۳۰۴، ح ۱۲؛ بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۵۱، ح ۱۴۰.

الْأَرْضِ هَلُمُّوا إِلَى السَّبْعِ مِنَ الْحُومِ الْجَبَارِينَ؛^۱ به راستی برای خداوند در قرقیسیا سفره‌ای است که سروش آسمانی (از آن) خبر می‌دهد. پس ندا می‌دهد: ای پرندگان آسمانی و ای درندگان زمین! برای سیر شدن از گوشت ستمکاران شتاب کنید.

گفتنی است حادثه آرماگدون برخلاف خواسته سفیانی اتفاق می‌افتد و اصلاً با برنامه طبیعی حرکت سفیانی مطابق نیست؛ زیرا بنای حرکت سفیانی و لشکر او بر این بوده که مستقیم از سوریه به جنگ عراق و مسلمانان، به ویژه شیعیان بروند، ولی به طور ناگهانی در راه عراق، در محلی که یهودیان و مسیحیان آن را آرماگدون می‌نامند و در منابع اسلامی از آن با نام قرقیسیا یاد شده، به حادثه عجیبی برمی‌خورند. این مکان در نزدیکی مدخل نهر خابور از رود فرات - که امروز خرابه‌های آن نزدیک شهر «دیرالزور» سوریه و مرزهای سوریه و عراق قرار دارد - و نزدیک مرزهای ترکیه و سوریه واقع شده است.^۲

گنجی در مجرای فرات یا نزدیک آن آشکار می‌شود و به همین دلیل، گروه‌هایی که برای پیوستن به سفیانی رفته بودند، با یکدیگر درگیر می‌شوند؛ چنان‌که امام سجاد علیه السلام در صحیفه سجادیه می‌فرماید: «اللَّهُمَّ اشْغَلِ الْمُشْرِكِينَ بِالْمُشْرِكِينَ»^۳ پروردگارا! مشرکان را به خودشان مشغول ساز...».

سرانجام، جنگ سختی میان یاران سفیانی رخ می‌دهد که بیش از صد هزار نفر از این ستمگران کشته می‌شوند و هیچ‌یک از آن‌ها با پیروزی از این میدان بیرون نمی‌آیند و ممکن است با میانجیگری سفیانی از آن گنج‌ها منصرف شوند.

در روایتی از امام باقر علیه السلام چنین نقل شده است که در این جنگ صد هزار نفر از دشمنان از بین می‌روند: «ویمرجیشه بقرقیسیا فیقتلون بها فیقتل من الجبارین مائة ألف»^۴ سپاه سفیانی به قرقیسیا می‌رسند. در آنجا نبردی در می‌گیرد و از ستمگران صد

۱. الغیبة نعمانی، ص ۷۸، ح ۶۳؛ بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۴۶، ح ۱۲۵؛ منتخب الأنوار المضية، ص ۱۹۳.

۲. کورانی، عصر ظهور، ص ۱۳۰.

۳. «وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ علیه السلام لِأَهْلِ الثُّغُورِ»، الصحیفه السجادیة، ص ۱۳۰، ش ۱۰.

۴. الغیبة نعمانی، باب ۱۴، ص ۲۸۰، ح ۶۷؛ الإختصاص، ص ۲۵۶؛ بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۳۷، ح ۱۰۵؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۳۵۳ و ج ۲، ص ۸۸؛ تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، ج ۳، ص ۴۱۹.

هزار نفر کشته می‌شوند».

روایات اسلامی و عهد قدیم و عهد جدید، درباره این جنگ و بزرگی کشتار آن سخن گفته‌اند؛ با این تفاوت که در عهدین از جزئیات این داستان هیچ سخنی وجود ندارد.^۱ یوحنا در مکاشفه خود از فرشته‌ای صحبت می‌کند که سخن می‌گوید و با آواز بلند، همه مرغان آسمان را ندا می‌دهد تا بیایند و در این ضیافت بزرگ خدا، گوشت پادشاهان، سپه‌سالاران، جباران، اسبان و سواران آن‌ها و گوشت همگان را بخورند.^۲

صاحب کتاب عصر ظهور می‌نویسد:

اما گنج مورد نزاع، روایاتی چند در این باره آمده است که روشن‌ترین آن‌ها در نسخه خطی ابن حماد از پیامبر است که فرمودند: «رود فرات، از کوهی از طلا و نقره پرده برمی‌دارد و آن را آشکار می‌کند و بر سر آن جنگ و درگیری به وجود می‌آید؛ به گونه‌ای که از هر نه تن، هفت تن کشته می‌شوند. پس هرگاه آن را درک کردید، به آن نزدیک نشوید».^۳

ممکن است این گنج، معادن طلا و نقره‌ای باشد که در آنجا کشف می‌شود و سه دولت و حامیان آن‌ها بر سر آن به اختلاف دچار می‌شوند یا نفت و یا معادن دیگری باشد. گویا منطقه قرقیسیا، از نظر نفت و معادن دیگر، حتی اورانیوم غنی است.^۴

۴-۲. آرماگدون، جنگ داخلی میان یاران سفیانی

روایات موجود نشان می‌دهد که فرمانده اصلی جنگ قرقیسیا، سفیانی است که با کمک صهیونیسم بین‌الملل، یهودیان آمریکا و اروپا و فریب‌خوردگان دیگر به جنگ مسلمانان می‌آید. آنان در سوریه به جنایت و فجایعی بی‌مانند دست می‌زنند و قصد حرکت به سوی عراق را دارند که در منطقه قرقیسیا، بر سر گنج (طلا، از نوع سفید یا سیاه یا اورانیوم) به درگیری داخلی دچار می‌شوند و بیشتر نیروهای خود را از دست می‌دهند.

۱. عهد جدید، مکاشفه یوحنا، رسول، باب ۱۶، آیه ۱۴.

۲. عهد جدید، مکاشفه یوحنا، رسول، باب نوزدهم، ص ۴۱۷، آیات ۱۷-۱۸.

۳. نسخه خطی الفتن، ص ۹۲.

۴. عصر ظهور، ص ۱۳۱-۱۳۲.

این ماجرا، با سپاهی که حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، پس از فرار سفیانی به شام آماده می‌کند و سبب کشتن او و یارانش می‌شود، کاملاً متفاوت است.^۱

مطلب آخر اینکه، صهیونیسم بین‌الملل با تبلیغ‌های دروغین خود، استفاده‌های ابزاری فراوانی از آرماگدون کرده است.

۵-۲. جمع‌بندی

جمع‌بندی این قسمت در چند بند ارائه می‌شود:

۱. صهیونیست‌ها با انجام کارهایی، از جمله نوشتن مقالات، کتاب‌ها، ساخت فیلم‌ها و سریال‌هایی درباره آرماگدون، دشمنی آشکار خود را با مسلمانان، عرب‌ها، مسیحیت و بشر نشان داده‌اند.

۲. هیچ‌کدام از دو طرف این جنگ، امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و مسلمانان نیستند؛ چراکه این جنگ، پیش از ظهور مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف و نزول عیسی علیه السلام رخ می‌دهد و این برخلاف داستان‌پردازی یهودیان صهیونیست در این باره است.

۳. در هیچ عبارتی از مطالب کتاب مقدس، درباره واقعه آرماگدون، نامی از مسلمانان و امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف برده نشده و مطالبی که در این باره القا شده، همگی دروغ و برای مقابله با اسلام و امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است.

۴. این حادثه برخلاف القائات فراوان صهیونیست‌ها، از نشانه‌های حتمی ظهور نیست.

۵. فراوانی تعداد کشته‌ها در این واقعه درست است، اما اینکه میلیون‌ها نفر از کشورهای روسیه، ترکیه، اسرائیل، مصر، دولت‌های مغرب عربی، سوریه، اردن، لبنان، فلسطین، آمریکا و اروپا در آن شرکت می‌کنند، مطلبی نادرست و بدون منبع است.

۶. در روایات مربوط به این واقعه، تنها به وقوع فاجعه‌ای بزرگ و وحشتناک میان سپاهیان دشمن، آن‌هم با سلاح‌های معمولی و همچنین از بین رفتن دوسوم نیروهای

۱. نجم‌الدین، طبسی، تا ظهور، فصل پنجم: بررسی جریان فرقیسیا یا آرماگدون؛ موعودشناسی، ص ۵۲۵؛ معرکه هرمجدون چیست؟؛ علی، کورانی، عصر ظهور، درباره واقعه فرقیسیا (آرماگدون).

آنها و درگیری داخلی میانشان اشاره دارد و هیچ سخنی از جنگ اتمی و شیمیایی به میان نیامده است.

۷. در صورت استفاده از سلاح اتمی و شیمیایی در این جنگ، از بین رفتن همه موجودات امری ضروری است؛ درحالی‌که براساس احادیث، یک سوم نیروهای سفیانی زنده می‌مانند، به سمت عراق حرکت می‌کنند و در کوفه کشتار به راه می‌اندازند.

۸. در کتاب مقدس و نیز روایات اسلامی از پرندگان و حیواناتی نام برده شده که به آنان مرده غذای خوبی از کشتگان این جنگ داده می‌شود؛ درحالی‌که اگر برای کشتن آنها از سلاح اتمی یا شیمیایی استفاده شود، دیگر غذای خوبی برای آنها فراهم نمی‌شود؛ چراکه باید از این غذاهای آلوده به مواد شیمیایی دوری کنند.

۹. اسرائیل، آمریکا، اروپا و روسیه کشورهای هسته‌ای هستند که در نبرد آرماگدون حضور دارند و ممکن است با هم درگیر شوند و از سلاح هسته‌ای نیز استفاده کنند؛ هرچند با توجه به دلایل پیشین، این احتمال دور از ذهن است.

صهیونیست‌ها با تبلیغ‌های دروغین با ساخت فیلم‌هایی با نام «آرماگدون» یا «پایان جهان با آرماگدون»، چنان وحشتی ایجاد کرده‌اند که گفته می‌شود تعدادی از مسیحیان ساده‌انگار برای ندیدن جنگ آرماگدون، به‌طور دسته‌جمعی خودکشی می‌کنند. از جمله این گروه‌ها می‌توان به موارد گوناگونی اشاره کرد، از جمله «کوکلس کلان»، نژادپرستان، نازی‌های جدید، کله‌پوستی‌ها، گروه «دان کورش» که چند سال قبل به دستور رهبر خود (کورش)، در شهر «اکو» واقع در ایالت «تگزاس» خودکشی دسته‌جمعی کردند و نیز کشیش «جونز» و پیروانش که در ایالت «ویرجینیا» به دلیل شتاب در پایان جهان خودکشی کردند.^۱

۳. ادامه حرکت سفیانی تا بازگشت مسیح ﷺ

در این قسمت درباره ادامه حرکت سفیانی تا بازگشت مسیح ﷺ، ظهور امام

۱. سلیمان، عمرو و سید عباس، میر جمکرانی، «رسالت آرماگدون»، ص ۵، روزنامه کیهان، (۲۶ خرداد ۱۳۸۲).

زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و مقابله لشکر حضرت مطالبی بیان خواهیم کرد.

چنان که گفته شد، سفیانی از جنگ آرماگدون، جنگ داخلی و درگیری میان یارانش خشنود نخواهد بود؛ زیرا افزون بر تضعیف روحیه نیروها، کشته شدن و کاهش لشکر او را به دنبال دارد.

۱-۳. حرکت سفیانی به عراق پس از آرماگدون

سفیانی پس از واقعه آرماگدون، بقیه نیروهای خود را سازمان دهی و ارتشی با ۱۴۲۰۰۰ نفر آماده می کند. بخشی از این ارتش را به سمت مدینه و به دنبال امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف می فرستد و خود با افراد باقی مانده به سمت عراق (کوفه) حرکت می کند. لشکر سفیانی در روهاء، از توابع نجف اشرف ساکن می شود تا به کوفه حمله کند، ولی در راه ورود به نجف، با نیروهای چند هزار نفری از مدافعان عراقی روبه رو می شود. سپاه سفیانی با شکست دادن نیروهای عراقی به سوی کوفه به راه می افتد و آن را تسخیر می کند. مردم شهر و زنان و کودکان بسیاری را می کشد، برخی زنان را اسیر می کند، همه امکانات کوفه را از بین می برد و آن را به خرابه ای تبدیل می کند.^۱

۲-۳. لشکر ایرانیان (سید خراسانی) و جهاد با سفیانی

براساس فرمایشی از امیرمؤمنان علی علیه السلام، امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف به سید خراسانی پیامی می فرستد و او و لشکریانش نیز که در راه عراق بودند، به سوی کوفه حرکت می کنند:^۲

عَبْدَ اللَّهِ قَالَ بَيْنَا نَحْنُ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ إِذْ أَقْبَلَتْ فِثْيَةٌ مِنْ بَنِي هَاشِمٍ فَلَمَّا رَأَاهُمُ النَّبِيُّ ﷺ اغْرَوْرَقَتْ عَيْنَاهُ وَتَغَيَّرَ لَوْنُهُ فَقَالُوا يَا رَسُولَ اللَّهِ ﷺ مَا نَزَالُ نَرَى فِي وَجْهِكَ شَيْئاً نَكْرَهُهُ فَقَالَ إِنَّا أَهْلُ بَيْتِ اخْتَارَ اللَّهُ لَنَا الْآخِرَةَ عَلَى الدُّنْيَا وَإِنَّ أَهْلَ بَيْتِي سَيَلْقَوْنَ بَعْدِي بَلَاءً وَتَشْرِيداً وَتَطْرِيداً حَتَّى يَأْتِيَ قَوْمٌ مِنْ قَبْلِ الْمَشْرِقِ وَ

۱. الغيبة نعمانی، باب ۱۴، ص ۲۸۰، ح ۶۷؛ الإختصاص، ص ۲۵۶؛ بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۳۷، ح ۱۰۵؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۳۵۳ و ج ۲، ص ۸۸؛ الفتن، ص ۲۳۴.

۲. رک. إعلام الوری، ص ۲۷۹؛ الخرائج والجرائح، ج ۲، ص ۶۴۵، ج ۳، ص ۱۱۵۸؛ دلائل الإمامة، ص ۱۴۰ و ۲۴۸؛ روضة الواعظین، ج ۲، ص ۲۶۲-۲۶۳؛ الصراط المستقیم، ج ۲، ص ۲۶۱؛ الغيبة النعمانی، ص ۱۹۷ و ۲۵۱؛ کتاب سلیم بن قیس، ص ۷۴۴، در «أن أصحاب الرايات السود التي تقبل من خراسان هم الأعاجم» کشف الغمة، ج ۲، ص ۴۷۳ و ۴۷۸؛ المناقب، ج ۴، ص ۲۲۹.

مَعَهُم رَايَاتٌ سُودٌ فَيَسْأَلُونَ الْحَقَّ فَلَا يَعْطُونَهِ فَيَقَاتِلُونَ وَيَنْصَرُونَ فَيَعْطُونَ مَا سَأَلُوا فَلَا يَقْبَلُونَ حَتَّى يَذْفَعُوهُ إِلَى رَجُلٍ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي فَيَمْلُؤُهَا قِسْطاً كَمَا مَلَأُوهَا جَوْرًا فَمَنْ أَدْرَكَ ذَلِكَ مِنْكُمْ فَلْيَأْتِيهِمْ وَلَوْ حَبْوًا عَلَى الثَّلَجِ^۱

ابن حماد نیز از امام علی عليه السلام نقل می‌کند که فرمود:

وقتی لشکر سفیانی به شهر کوفه وارد می‌شود و کشتار زیادی به راه می‌اندازد، امام عليه السلام به مردم خراسان پیام می‌فرستد و آنان را برای یاری می‌طلبد. لشکر خراسان هم به سوی کوفه حرکت می‌کنند و در راه به لشکری برمی‌خورند که پرچم سیاه حمل می‌کند و فرمانده آنان مردی به نام «شعیب بن صالح» از شهر ری است و با هم به سوی لشکر سفیانی حرکت می‌کنند و در کنار شهر اصطخر (نزدیک اهواز)، میان سپاه اسلام و سفیانی نبرد سختی در می‌گیرد و لشکر سفیانی شکست می‌خورد و فرار می‌کند. در این زمان مردم به جست‌وجوی امام زمان عليه السلام می‌پردازند و به دیدار ایشان دست می‌یابند.^۲ در نقل دیگری آمده است:

وقتی سپاه سفیانی به سوی کوفه حرکت می‌کند، از اهل خراسان برای جنگ یاری می‌طلبد، ولی آن‌ها برای یاری مهدی عليه السلام با پرچم‌های سیاه قیام می‌کنند و به فرماندهی «شعیب بن صالح» با سپاه سفیانی در محل اصطخر (مسجد سلیمان) روبه‌رو می‌شوند. جنگ بزرگی رخ می‌دهد که خراسانی‌ها پیروزمندان سپاه سفیانی را شکست خواهند داد. در آن هنگام است که مردم

۱. عبدالله عمر گفت: روزی در خدمت پیغمبر بودیم که عده‌ای از جوانان بنی‌هاشم آمدند. از مشاهده آن‌ها دیدگان پیغمبر پر از اشک شد و رنگ مبارکش تغییر کرد. اصحاب عرض کردند: یا رسول خدا! سیمای مبارکتان گرفته است، ما نمی‌توانیم شما را به این حالت ببینیم. حضرت فرمود: «ما اهل بیتی هستیم که خداوند آخرت را برای ما بر دنیا ترجیح داده است. بعد از این، اهل بیت مصیبت‌ها می‌بینند و از وطن آواره می‌گردند، تا آن‌گاه که مردمی که از جانب مشرق با پرچم‌های سیاه به طلب حق قیام کنند. این حق را به آن‌ها نمی‌دهند تا جنگ کنند و پیروزی بیابند و حق را بگیرند و آن را به مردی از اهل بیت من بسپارند که دنیا را بر او عدل می‌کند؛ همچنان‌که از ظلم پر باشد. هرکس آن زمان را درک کند، به آن‌ها پیوندد، اگرچه به رفتن از روی برف باشد» (علی بن عبدالکریم، نیلی نجفی، منتخب الأنوار المضيئة، ص ۴۳-۴۴؛ بحار الأنوار، ج ۵، باب ۱، ص ۸۲-۸۳).

۲. الفتن، ص ۸۶ به نقل از تولد تا بعد از ظهور، فصل شانزدهم؛ کورانی، عصر ظهور، ص ۲۶۹.

ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را آرزو می‌کنند و او را می‌طلبند.^۱

در نقل‌های دیگر نیز گفته شده است:

لشکر سفیانی پس از کوفه به سوی اصطخر (اهواز) ایران حرکت می‌کند و در آنجا با سپاه ایرانیان برخورد می‌کند که پرچم یاری امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را برداشته‌اند. فرمانده آن سپاه مرد ناشناسی به نام شعیب بن صالح است؛ البته رهبر اصلی ایرانیان در این نهضت، سیدی حسنی یا حسینی است.^۲

لشکر سید هاشمی خراسانی در راه به لشکر یمانی برخورد می‌کند و با هم به سوی کوفه حرکت می‌کنند و چون می‌دانند لشکر سفیانی به سوی شام در حرکت است، به سمت او روانه می‌شوند و به آن می‌رسند. جنگ سختی میان آن‌ها درمی‌گیرد و سرانجام سپاه اسلام تعداد زیادی از لشکریان سفیانی را از بین می‌برد و اسیران را از دست آن‌ها نجات می‌دهد. بالاخره سفیانی و لشکرش از ترس نابودی به سوی شام فرار می‌کنند و سپاه اسلام (سپاه خراسانی و یمانی) نیز پیروزمندانه به کوفه می‌رسند و در آنجا با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف بیعت می‌کنند.

شیخ طوسی نیز روایتی از جابر از امام باقر علیه السلام درباره پرچم‌های سیاه بیرون آمده از خراسان به این مضمون نقل می‌کند: «پرچم‌های سیاهی از خراسان بیرون آمده، در کوفه فرود می‌آید. پس وقتی مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ظاهر شد، برای بیعت گرفتن به سوی آن حضرت فرستاده می‌شود».^۳

۳-۳. لشکر سفیانی و خسف بیداء

لشکر دوازده هزار نفری که از سوی سفیانی برای دستگیری امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف به سوی مدینه می‌روند، وقتی به این شهر می‌رسند که امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از آنجا رفته است. این لشکر سه روز در مدینه می‌ماند و در این مدت جنایت‌ها، بی‌حرمتی‌ها، قتل‌ها و

۱. یوسف بن یحیی، مقدس شافعی، عقد الدرر، ص ۱۲۷ و در ادامه می‌نویسد: «أخرجه الحافظ أبو عبدالله ابن حماد، فی کتاب الفتن».

۲. الغیبة نعمانی، ص ۲۵۶-۲۵۷، ح ۱۳؛ بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۳۲-۲۳۳.

۳. الغیبة شیخ طوسی، ص ۲۹۸؛ الخرائج والجرائح، ج ۳، ص ۱۱۵۸؛ البرهان، ص ۱۴۱، ح ۳؛ بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۱۷، ح ۷۷.

غارتگری‌های زیادی انجام می‌دهد، ولی سرانجام ناامیدانه بازمی‌گردد و شکست نهایی خود را به فرمانده گزارش می‌دهد.^۱

آن‌ها پس از مدینه به سمت مکه حرکت می‌کنند و در این راه از منطقه «بیداء» می‌گذرند. در *منتهی الآمال* نقل شده است: «منطقه بیداء، بیابانی نرم، هموار و بی‌آب و علف است. هنگامی که لشکر سفیانی به این منطقه می‌رسد، زمین به خواست خدا آن‌ها را می‌بلعد و در خود فرومی‌برد»؛^۲ به این ترتیب که زمین به امر الهی، شکاف بزرگی با ابعاد نامعلوم برمی‌دارد و ناگهان همه لشکر سفیانی به اعماق زمین فرومی‌روند و با ریخته شدن میلیون‌ها تُن خاک روی آن‌ها، همگی نابود می‌شوند.

در واقعه خسف بیداء (فرو رفتن در سرزمین بیداء)، همه این دوازده هزار نفر نابود می‌شوند به جز دو نفر که از قبیله جهینه هستند: یکی از آن دو «بشیر» است که به سوی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌رود و بشارت نابودی سپاه سفیانی را می‌دهد و دیگری «نذیر» است که این خبر را به سفیانی می‌رساند^۳ که این خسف بیداء نیز یکی دیگر از پنج نشانه حتمی ظهور است.^۴

امام صادق علیه السلام درباره سرانجام بشیر می‌فرماید:

وسیدنا القائم عليه السلام مسند ظهره الى الكعبة، ... ثم يقبل على القائم عليه السلام رجل وجهه الى قفاه، وقفاه الى صدره ويقف بين يديه فيقول: يا سیدی! انا بشیر امرنی ملک من الملائكة ان الحق بک و ابشرک بهلاک جيش السفیانی بالبیداء، فيقول له القائم عليه السلام: بین قصتک وقصه اخیک؟

فيقول الرجل: كنت واخي في جيش السفیانی وخرینا الدنيا من دمشق الى الزوراء وترکناها جماء وخرینا الکوفه وخرینا المدینه وکسرنا المنبر. وراثت بغالنا في

۱. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۳۸.

۲. عباس، قمی، *منتهی الآمال*، باب ۱۴، فصل ۷.

۳. کشف الغمة، ج ۳، ص ۳۲۵؛ کتاب سلیم بن قیس، ص ۷۷۵؛ بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۱۶، ج ۵۲، ص ۲۷۲، ج ۱۶۷ و ج ۵۳، ص ۹ و ۸۳.

۴. ینابیع المودة، ج ۳، ص ۲۳۷ و ۲۴۷؛ منتخب الأثر، ج ۳، ص ۵۳، ۵۴ و ۵۹؛ الغيبة نعمانی، ص ۲۵۷، ۲۶۴ و ۲۹۰؛ کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۶۴۹.

مسجد رسول الله ﷺ و خرجنا منها.... نريد اخاب البيت وقتل اهله. فلما صرنا في البیداء عرسنا فيها فصاح بنا صايح: يا بیداء! ابیدی القوم الظالمين. فانفجرت الارض وبلعت كل الجيش. فوالله ما بقى على وجه الارض عقال ناقة فما سواه غیرى و غیراخی. فاذا نحن بملك قد ضرب وجوهنا فصارت الى وراينا كما ترى. فقال لاخی: ویلک امض الى الملعون السفیانی بدمشق فانذرہ بظهور المهدی من آل محمد وعرفه ان الله قد اهلك جیشہ بالبیداء.

وقال لی: یا بشیر الحق بالمهدی بمکه وبشره بهلاک الظالمين وتب على یده فانه یقبل توبتک. فیمر القايم یده فیرده سویا كما كان ویبایعه ویكون معه! آقای ما درحالی که پشت به دیوار کعبه زده.... پس از آن، مردی نزد وی می آید که صورت او به پشتش برگشته، پشت گردنش به سمت سینه اش آمده، می ایستد و می گوید: ای آقا و مولا! من بشارت دهنده هستم، ملائکه ای از فرشتگان حق به من امر کرده که به شما بشارت دهم که لشکر سفیانی در بیداء نابود شده است. حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف به او می فرماید: ماجرای خود و برادرت را برایم بیان کن؟ آن مرد می گوید: من و برادرم در لشکر سفیانی بودیم و دنیا را از بغداد تا دمشق خراب کردیم و پشت سر خود، تلی از ویرانه ها برجای گذاشتیم. کوفه و مدینه را نیز خراب کردیم، منبر پیامبر را شکستیم و مرکب های خود را در مسجد رسول خدا ﷺ قرار دادیم و می خواستیم کعبه را خراب کنیم و اهل آنجا را به قتل برسانیم، اما وقتی به بیداء رسیدیم، در آن فرورفتیم. پس ندادهنده ای گفت: «ای بیداء! این قوم ظالم را در خود فرو ببر». زمین ترک برداشت و همه لشکر را بلعید. به خدا سوگند! هیچ کس روی زمین، جز من و برادرم باقی نماند! و ملکی به ما زد و صورتمان به پشت برگشت، همان گونه که می بینی و به برادرم گفت: «وای بر تو! به طرف سفیانی ملعون در دمشق برو و او را از ظهور مهدی آل محمد عجل الله تعالی فرجه الشریف آگاه کن و بگو که خداوند لشکرت را در بیداء نابود کرد و به من گفت: ای بشیر! به سمت مکه برو، به مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ملحق شو و نابودی ظالمان را بشارت ده و به دست امام توبه کن. حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف بر او دست می کشد و او به همان حالت

و شکل اول خود باز می‌گردد و با امام بیعت می‌کند و همراه ایشان می‌ماند.

۳-۴. نخستین سخنرانی مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف پس از ظهور

حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به فرمان الهی از گردنه کوه طوی (ذی طوی) به مسجدالحرام وارد می‌شود و در مقام ابراهیم چهار رکعت نماز می‌گزارد، سپس به حجرالأسود تکیه می‌زند و با حمد و ثنای خداوند و درود و صلوات بر رسول اکرم صلی الله علیه و آله، سخنانی می‌گوید که پیش از این هیچ‌کس چنان نگفته است، آنگاه جبرئیل و میکائیل با ایشان بیعت می‌کنند.^۱

نعمانی به سندش از جابر بن یزید جعفی از امام باقرالعلوم علیه السلام نقل می‌کند که حضرت فرمود:

در روز ظهور، مهدی قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف به دیوار بیت‌الحرام تکیه می‌زند و با حالتی متضرعانه به درگاه الهی می‌فرماید: ای مردم! ما از خداوند و کسی کمک می‌خواهیم که دعوت ما را بپذیرد. ما اهل بیت پیامبر شما هستیم. ما اهل دعوت و شایسته‌تر از دیگران به نزدیکی به خدا و محمد صلی الله علیه و آله می‌باشیم. هرکس که به آدم علیه السلام حجت و دلیل بیاورد، من نزدیک‌ترین مردم به او هستم و هرکس که بخواند به نوح علیه السلام حجت و دلیل بیاورد، من نزدیک‌ترین مردم به او هستم و هرکس که بخواند به ابراهیم علیه السلام حجت و دلیل بیاورد، من نزدیک‌ترین مردم به او هستم و هرکس که بخواند به محمد صلی الله علیه و آله حجت و دلیل بیاورد، من نزدیک‌ترین مردم به او هستم و هرکس که بخواند به پیامبران، حجت و دلیل بیاورد، من نزدیک‌ترین مردم به انبیا و پیامبران هستم.^۲

۳-۵. پیشگویی ندای آسمانی

یکی دیگر از نشانه‌های حتمی ظهور، ندای آسمانی است. ندای «از مهدی پیروی کنید» از آسمان بلند می‌شود؛ به گونه‌ای که همه جهان آن را می‌شنوند. در منابع اهل سنت

۱. بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۳۰۶-۳۰۷.

۲. الغیبة نعمانی، باب ۱۴، ص ۲۸۱؛ بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۲۳۸، ح ۱۰۵؛ الحاوی للفتاوی، ج ۲، ص ۱۵۲.

در این باره آمده است: «قال رسول الله ﷺ: يخرج المهدي وعلى راسه ملك ينادي؛ هذا المهدي فاتبعوه!» مهدی ظهور می‌کند، در حالی که بالای سرش فرشته‌ای فریاد می‌زند: این مهدی است؛ از او پیروی کنید».

در منابع شیعه نیز از امام صادق علیه السلام نقل شده است: «من المحتوم... والمانادي من السماء»^۱ یکی از نشانه‌های حتمی ظهور این است که منادی از آسمان ندا دهد».

از امام باقر علیه السلام نیز نقل شده است: «منادي ندا می‌دهد که این مهدی از آل محمد که فرزندان... و اسم او و پدرش امام حسن عسکری را می‌گوید و در سمت دیگر، شیطان نیز ندا می‌دهد که سفیانی و پیروانش بر حق هستند»^۲.

از مجموع روایات چنین برمی‌آید که صاحب ندای برحق، جبرئیل و صاحب ندای باطل، شیطان است.

۳-۶. بیعت با امام زمان علیه السلام

پس از ندای آسمانی، ظهور امام زمان علیه السلام و اولین سخنرانی که در آن همانند جد بزرگوارش ندای «هل من ناصر» و «هل من معين» سر می‌دهد، بیعت با ایشان آغاز می‌شود.

الف. بیعت جبرئیل

بر اساس روایتی که شیخ صدوق از ابان بن تغلب از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند، نخستین کسی که با مهدی علیه السلام بیعت می‌کند، جبرئیل امین است که به صورت پرنده‌ای سفید نازل می‌شود: «إِنَّ أَوَّلَ مَنْ يَبَايِعُ الْقَائِمَ مُحَمَّدٌ وَجْهَ الشَّرِيفِ جَبْرَائِيلُ يَنْزِلُ فِي صُورَةِ طَيْرٍ أبيضَ فَيَبَايِعُهُ»^۳ به راستی نخستین بیعت‌کننده با قائم آل محمد علیه السلام، جبرئیل امین

۱. میزان الاعتدال، ج ۱، ص ۶۳، ش ۱۹۹؛ لسان المیزان، ج ۱، ص ۱۰۵، ش ۳۱۱؛ ينابيع المودة، ج ۳، ص ۲۹۶ و ۲۹۹.

۲. الغيبة نعمانی، ص ۲۶۴، ح ۲۶.

۳. الغيبة نعمانی، ص ۱۴۲، ح ۲۸ و ص ۲۶۴، ح ۲۷ و ۲۸؛ بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۰۳، ح ۲۹ و ص ۲۲۲، ح ۸۶ و ص ۲۹۴، ح ۴۳-۴۶؛ تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۶۴-۶۵.

۴. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۶۷۱، ح ۱۸؛ بحار الأنوار، ج ۵۲، باب ۲۶، ص ۲۸۵، «يوم خروجه و

است که به صورت پرنده‌ای سفید نازل می‌شود و با حضرت بیعت می‌کند».

ضمن اینکه پرچم قیام امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز به دست جبرئیل آورده می‌شود.^۱

ب. بیعت ۳۱۳ نفر از یاران ویژه حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

در مرحله اول، یاران ویژه امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف که ۳۱۳ نفر هستند، به خدمت امام می‌رسند.

ایشان اولین یاران، حاکمان و فرماندهان لشکری و کشوری مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف هستند.^۲

احادیث ۳۱۳ یاور به صورت متواتر از امامان معصوم علیهم السلام نقل شده است. این افراد

در مکه به حضرت می‌پیوندند و مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز در انتظار آنان است تا به سرعت

یک پلک زدن، از مشرق و مغرب زمین به حضور امام عجل الله تعالی فرجه الشریف برسند و او را یاری کنند تا

قیامش را آغاز کند.^۳

ج. بیعت ده هزار نفر از یاران خاص

امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف فقط با ۳۱۳ نفر یاران ویژه و برگزیده حرکت خود را آغاز نمی‌کند، بلکه

همچنان در انتظار می‌ماند. پس از ظهور و حرکت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، بر تعداد یاران ایشان

افزوده می‌شود و به ده هزار نفر هم می‌رسد. در این زمان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به اذن

الهی خروج می‌کند و در آغاز از مکه به سوی مدینه حرکت می‌کند.^۴

نعمانی به نقل از ابوبصیر، از امام صادق علیه السلام روایتی را بیان می‌کند: «قائم خروج

نخواهد کرد، مگر آنکه حلقه (سپاه) به کمال و تمام رسد». ابوبصیر می‌گوید: عرض کردم:

حلقه به چه مقدار کامل می‌شود؟ فرمود: «ده هزار نفر که جبرئیل در سمت راست آن و

میکائیل در سمت چپ آن قرار دارند».^۵

ما يدل عليه: الغيبة نعمانی، باب ۲۰، ص ۳۱۴، ح ۶.

۱. الغيبة نعمانی، ص ۳۱۰، ح ۵.

۲. معجم الاحادیث الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ج ۵، ص ۳۴-۳۷، ح ۱۴۵۸؛ يوم الخلاص، ص ۲۲۳، به نقل از ملاحم و الفتن، ص ۱۷۱.

۳. الغيبة شيخ طوسي، ص ۱۲۲-۱۲۳ و ۳۰۸؛ بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۰۵-۳۰۶، ح ۷۸؛ الغيبة نعمانی، ص ۱۶۸؛ ينابيع المودة، ح ۳.

۴. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۹۴.

۵. الغيبة نعمانی، باب ۱۹، ص ۳۰۷-۳۰۸، ح ۲؛ بحار الأنوار، ج ۵۲، باب ۲۷، ص ۳۶۷-۳۶۸، ح ۱۵۲.

پس از این، یاران زیادی به حضرت ملحق خواهند شد؛ یعنی در راه مکه تا مدینه و سپس کوفه، گروه‌های زیادی از جمله لشکر سید هاشمی خراسانی (ایرانیان) و سپاه سرافراز یمنی به نیروهای حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌پیوندند.

د. مکان بیعت

به فرموده امام سجاد علیه السلام: «بین رکن و مقام، بافضیلت‌ترین بقعه‌های روی زمین است»^۱ و براساس روایات، بیعت با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز در همین مکان اتفاق می‌افتد.^۲ «رکن و مقام» میان حجرالأسود و مقام حضرت ابراهیم علیه السلام است. این مکان جایگاه قبر هفتاد پیامبر خداست.^۳ ۳۱۳ یار ویژه حضرت^۴ و نیز جبرئیل هم در این مکان با حضرت بیعت می‌کنند.^۵

حذیفه از رسول خدا صلی الله علیه و آله چنین نقل می‌کند: «عَنْ حُذَيْفَةَ قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله وَ قَدْ ذَكَرَ الْمَهْدِيَّ عجل الله تعالی فرجه الشریف فَقَالَ إِنَّهُ يَبَايِعُ بَيْنَ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ...»^۶ حذیفه گوید: از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را یاد می‌کرد و می‌فرمود: به‌راستی با او میان رکن و مقام بیعت می‌کنند.

نعمانی از ابوبصیر از امام باقر علیه السلام نقل می‌کند:

قَالَ يَقُومُ الْقَائِمُ عجل الله تعالی فرجه الشریف ... فَوَاللَّهِ لَكَأَنِّي أَنْظُرُ إِلَيْهِ بَيْنَ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ يَبَايِعُ النَّاسَ بِأَمْرِ جَدِيدٍ وَكِتَابٍ جَدِيدٍ وَ سُلْطَانٍ جَدِيدٍ مِنَ السَّمَاءِ أَمَّا إِنَّهُ لَا يَرُدُّ لَهُ رَأْيَةً أَبَدًا حَتَّى يَمُوتَ؛^۷ امام باقر علیه السلام می‌فرماید: قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف قیام می‌کند ... به خدا سوگند! گویا او را می‌بینم که در میان رکن و مقام با مردم برای امر جدید،

۱. بحار الأنوار، ج ۲۷، ص ۱۷۲.

۲. منتخب الأنوار المضية، ص ۲۵؛ الإختصاص، ص ۲۰۸؛ بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۸۸ و ۳۲۰.

۳. بحار الأنوار، ج ۱۷، ص ۲۶۹.

۴. الغيبة شيخ طوسي؛ بحار الأنوار، ج ۵۲، باب ۲۷، ص ۳۳۴، ح ۶۴.

۵. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۶۷۱.

۶. الخرائج و الجرائح، ج ۳، باب العلامات الكائنة قبل خروج المهدي و معه عجل الله تعالی فرجه الشریف، ص ۱۱۴۹؛ بحار الأنوار، ج ۵۲، باب ۲۶، ص ۲۹۱.

۷. الغيبة نعمانی، باب ۱۴، ما جاء في العلامات التي تكون قبل قيام القائم عجل الله تعالی فرجه الشریف، ص ۲۶۲، ح ۲۲؛ بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۳۵، باب ۲۵، علامات ظهوره، ح ۱۰۳.

کتاب جدید و سلطنت جدید بیعت می‌کند که از سوی آسمان آمده است. آگاه باشید! تا او زنده است، لشکرش ابداً شکست نخواهد خورد. نعمانی از ابوبصیر از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند: «وَاللَّهِ لَكَأَنِّي أَنْظُرُ إِلَيْهِ بَيْنَ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ يَبَايِعُ النَّاسَ عَلَى كِتَابٍ جَدِيدٍ؛ به خدا سوگند! گویا او را می‌بینم که در بین رکن و مقام با مردم برای کتاب جدید بیعت می‌کند». «فیما ذكره نعيم أن المهدي... يبايع المهدي بين الركن والمقام...»^۱ مهدی علیه السلام بین رکن و مقام با مردم بیعت می‌فرماید».

۷-۳. حرکت مهدی علیه السلام از مکه به مدینه

پس از بیعت جبرئیل و یاران ویژه حضرت مهدی علیه السلام و نیز پیوستن مردم به ایشان و فروپاشی نظام حاکم بر مکه، حضرت مهدی علیه السلام قدرت را به دست می‌گیرد و جامعه را اداره می‌کند. مکه و مناطق گوناگون آن به سرعت در قلمرو حکومت امام قرار می‌گیرد و عدالت در همه جا حاکم می‌شود.

با تدبیر امام زمان علیه السلام، افزون بر تأمین زندگی مادی و معنوی، مردم به کارهایی مانند باز گرداندن مسجد الحرام و مقام ابراهیم به حدود و جایگاه اصلی آنها می‌پردازند. سپس حضرت مهدی علیه السلام به گزینش افراد باتقوا و کاردان می‌پردازد و از مکه به سوی مدینه حرکت می‌کند. پس از خروج آن حضرت از مکه، برخی جنایتکاران شورش می‌کنند و نماینده امام مهدی علیه السلام را به قتل می‌رسانند.

خبر این جنایت هولناک در میانه راه به امام مهدی علیه السلام می‌رسد و به مکه بازمی‌گردد. امام این گروه شورشی و تجاوزکار را سرکوب می‌کند و ریشه فتنه را می‌خشکاند، سپس مرد دیگری را برای اداره امور می‌گمارد و به سوی مدینه رهسپار می‌شود و در آن شهر نیز کارهای مهمی انجام می‌دهد.^۲

۱. الغيبة نعمانی، باب ۱۴، ما جاء فی العلامات التي تكون قبل قیام القائم علیه السلام، ص ۲۶۳، ح ۲۴؛ بحار الأنوار، ج ۵۲، باب ۲۲، ص ۱۳۵، فصل انتظار الفرج، ح ۴۰.

۲. الملاحم والفتن فی ظهور الغائب المنتظر علیه السلام، ص ۶۳.

۳. امام مهدی علیه السلام از تولد تا ظهور، ص ۶۶۴-۶۶۵ و ۶۷۰.

۸-۳. حرکت امام زمان عجل الله تعالی فرجه به سوی کوفه

امام پس از مدینه به سوی کوفه حرکت می‌کند و خانواده خود را به مسجد سهله می‌برد، اما محل حکومت جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه مسجد کوفه است. امام همچنین ۳۱۳ نفر از یاران ویژه خود را برای حکومت به نقاط گوناگون جهان می‌فرستد.^۱

بیعت‌ها در کوفه ادامه پیدا می‌کند. امام باقر علیه السلام در این باره می‌فرماید:

كَانَ بِالْقَائِمِ عَلَى نَجْفِ الْكُوفَةِ قَدْ سَارَ إِلَيْهَا مِنْ مَكَّةَ فِي خَمْسَةِ آلَافٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ. جِبْرِئِيلُ عَنْ يَمِينِهِ وَمِيكَائِيلُ عَنْ شِمَالِهِ، وَالْمُؤْمِنُونَ بَيْنَ يَدَيْهِ، وَهُوَ يَفَرِّقُ الْجُنُودَ فِي الْبِلَادِ؛^۲ گویا هم‌اینک حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه را بر نجف کوفه می‌بینم که پنج هزار فرشته از مکه به سوی آن در حرکت‌اند و جبرئیل در سمت راست و میکائیل در سمت چپ مهدی عجل الله تعالی فرجه در حال حرکت هستند و مؤمنان در پیشاپیش او قرار دارند و از آنجا لشکریان خود را به اطراف پراکنده می‌سازد. افزون بر آن، فرشتگان بسیاری به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه می‌پیوندند؛ از جمله ۹۳۱۳ فرشته‌ای^۳ که حضرت عیسی علیه السلام را یاری کردند و به همراه او به آسمان رفتند،^۴ همه فرشتگانی که با حضرت نوح علیه السلام، ابراهیم علیه السلام و حضرت موسی علیه السلام بودند، چهار هزار فرشته نشان‌دار و هزار فرشته مردفین،^۵ ۳۱۳ فرشته‌ای که در جنگ بدر بودند، چهار هزار فرشته‌ای که به قصد یاری امام حسین علیه السلام از آسمان فرود آمدند و با رئیس خود، منصور، منتظر قیام قائم آل محمد عجل الله تعالی فرجه بوده‌اند.^۵

افزون بر فرشتگان، جتیان نیز همراه و در خدمت امام هستند. مفضل از امام صادق علیه السلام

۱. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۲۶، ح ۴۲.

۲. الغيبة نعمانی، ص ۳۰۸، ح ۳؛ بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۲۶، ح ۴۱؛ أمالی شیخ مفید، ص ۴۵، المجلس السادس، ح ۵.

۳. الغيبة نعمانی، باب ۱۹، ص ۳۱۱.

۴. بحار الأنوار، ج ۱۴، ص ۳۳۹.

۵. ر.ک. الغيبة نعمانی، ص ۲۳۴، ح ۲۲؛ بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۴۸، ح ۹۹؛ کامل الزیارات، ص ۳۹۱-۳۹۲، ح ۵؛ آسمان و جهان (ترجمه کتاب السماء و العالم بحار)، ج ۳، ص ۱۵۷، ح ۲۶؛ الغيبة نعمانی، ص ۱۵۴؛ إلزام الناصب، ج ۲، ص ۳۰۳.

نقل می‌کند: «مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را فرشتگان و جتیان مؤمن، یاری خواهند کرد».^۱ همچنین در حدیث آمده است: «۴۶۰۰۰ فرشته و شش هزار جن، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را یاری می‌کنند».^۲

یاران دیگر امام، لشکر پیروز سید هاشمی خراسانی، ایرانیان و لشکر یمانی در کوفه هستند که با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف بیعت می‌کنند. همچنین رجعت‌کنندگان شامل ۱۲۴۰۰۰ پیامبر و جانشینان آن‌ها، ائمه هدی علیهم السلام و دیگران و هفتاد هزار نفر رجعت‌کننده از پشت کوفه هستند که به یاران امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌پیوندند.^۳

۹-۳. حرکت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف به شام و فلسطین (قدس)

امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف پس از بیعت با ایشان و تشکیل حکومت در کوفه، برای دستگیری و مجازات سفیانی به سوی شام و فلسطین حرکت می‌کند. وقتی امام به شام می‌رسد، عده زیادی از مردم شام به ایشان می‌پیوندند. در این زمان، سفیانی و لشکر او در سرزمین رمله (شهری در فلسطین) در شمال شرقی قدس به سر می‌برند. سپس امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف با لشکریان خود به سوی فلسطین حرکت می‌کند. این لشکر چنان شکوه و ابهتی دارد که هنگام رسیدن به قسطنطنیه و خلیج، روی پاهایشان چیزی می‌نویسند و روی آب راه می‌روند. امام باقر علیه السلام واقعه را چنین بیان می‌فرماید:

و یبعث جنداً الى القسطنطنیه فاذا بلغوا الخلیج كتبوا علی اقدامهم شیئا و مشوا علی الماء فاذا نظر الیهم الروم یمشون علی الماء قالوا: هولاء اصحابه یمشون علی الماء فکیف هو؟ فعند ذلک یفتحون لهم ابواب المدینه، فیدخلونها، فیحکمون فیها ما یشاؤون؛^۴ سپاهی به قسطنطنیه می‌فرستد. هنگامی که به خلیج برسند، چیزی بر قدم‌هایشان می‌نویسند و روی آب راه می‌روند. پس وقتی رومیان آن‌ها را در این حال می‌بینند، چنین می‌گویند: آن‌ها یارانش هستند که بر آب

۱. بحار الأنوار، ج ۶، باب ۲، ص ۷۵.

۲. بحار الأنوار، الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، ج ۶، باب ۲، ص ۷۵-۷۶، حقیقة الجن و أحوالهم، ح ۳۰؛ الهدایة الکبری، ص ۳۱.

۳. ر.ک. مبحث رجعت همین کتاب.

۴. الغیبة نعمانی، باب ۲۱، ص ۳۱۹-۳۲۰، ح ۸؛ بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۶۵، ح ۱۴۴.

راه می روند. پس خود او چگونه است؟ در آن هنگام، دروازه های شهر را برای آنها می گشایند و به شهر وارد می شوند و به آنچه بخواهند، حکم می کنند.

علی بن عیسی اربلی به این واقعه و فتح قسطنطنیه به دست امام، در باب ۳۶ کشف الغمة اشاره کرده است.^۱ علامه مجلسی در بحارالأنوار به نقل از کتاب الغیبه شیخ طوسی از ابوبصیر نقل می کند: «أَنَّهُ يَفْتَحُ الْقُسْطَنْطِينِيَّةَ وَالرُّومِيَّةَ وَبِلَادَ الصِّينِ»؛ همانا مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف قسطنطنیه، روم و شهرهای چین را فتح می کند.

سرانجام دو لشکر حق و باطل در فلسطین با هم روبه رو می شوند و پس از نبردی سخت، لشکر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف پیروز می شود و گروهی از لشکر سفیانی نیز به لشکر امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می پیوندند. از امام باقر علیه السلام نقل شده است:

پس از خسف بیداء و نابودی تعداد زیادی از لشکر سفیانی، امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با سفیانی ملاقات و گفت و گویی می کند که در نتیجه آن، سفیانی با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف بیعت می کند، ولی پس از آنکه نزد لشکریانش باز می گردد و در پاسخ به آنها می گوید: تسلیم شدم و بیعت کردم. آنها می گویند: از این کار شرمت باد، تو فرمانده و امیر هستی، ولی با او بیعت کرده ای؟! بنابراین، سفیانی بیعت خود را می شکند و برای جنگ با امام آماده می شود. صبح فردا میان دو لشکر جنگ آغاز می شود و خداوند لشکر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را بر آنها پیروز و سفیانی و لشکرش را نابود می کند.^۲

۱۰-۳. هم زمانی بازگشت مسیح علیه السلام با ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

مسیحیان بر اساس منابع خود بر این باورند که بازگشت عیسی علیه السلام هم زمان با ظهور مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف است.^۴ در روایات چنین آمده است: «هنگامی که امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

۱. کشف الغمة، ج ۲، ص ۴۷۴؛ بحارالأنوار، ج ۵۱، ص ۸۴، باب ۳۶، بحارالأنوار، ج ۴۴، ص ۲۲۴، ح ۴ و ج ۵۱، ص ۹۶.

۲. بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۳۳۳، ح ۶۱؛ الغیبه شیخ طوسی، ص ۴۷.

۳. بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۳۸۸، ح ۲۰۶؛ عقد الدرر، ص ۸۵؛ رک. از تولد تا بعد از ظهور.

۴. کتاب مقدس (عهد جدید)، انجیل متی، باب ۲۴، آیات ۴۲-۵۰؛ انجیل لوقا، آیات ۳۶-۴۱، ص ۱۱۶؛ قاموس کتاب مقدس، ماده پسر انسان، ص ۲۱۹؛ او خواهد آمد، ص ۱۰۰.

به دروازه شهر "لد" در فلسطین نزدیک می‌شود، حضرت عیسی بن مریم علیه السلام از آسمان به زمین فرود می‌آید و با حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بیعت می‌کند».

همه مسلمانان درباره این موضوع اتفاق نظر دارند که در منابع شیعه و سنی هم آمده است. توافق بر سر این مسئله میان مسلمانان به اندازه‌ای است که حتی کسانی در این باره توافق دارند که بر روایات مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف اشکال وارد می‌کنند. در ادامه برخی از نقل‌های موجود در منابع اسلامی را در این باره مرور می‌کنیم:

۱. «مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف هر زمانی ظهور کند، عیسی مسیح علیه السلام نیز بر او نازل می‌شود».^۱

۲. «عیسی یصلی خلف مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف؛ عیسی علیه السلام به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف اقتدا می‌کند».^۲

۳. برخی روایات، عیسی علیه السلام را وزیر سمت راست و نایب مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف معرفی می‌کنند:

و هو الوزير الايمن للقائم و حاجبه و نائبه، و يبسط في المغرب و المشرق الامن كرامة الحجة الحسن عجل الله تعالی فرجه الشریف...؛^۳ عیسی بن مریم علیه السلام وزیر سمت راست، حاجب و نایب امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است. امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف به کمک او امنیت را در مشرق و مغرب گسترش می‌دهد که کرامتی از حجت بن الحسن عجل الله تعالی فرجه الشریف است.

۴. «حضرت مسیح علیه السلام یکی از یاران و فرماندهان امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است و به ایشان اقتدا می‌کند».^۴

۵. در منابع اهل سنت نیز با وجود اختلاف در مذهب، مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف حلقه وحدت

۱. ینابیع المودة، ج ۳، ص ۲۵۹، ح ۱۷.

۲. ینابیع المودة، ج ۳، ص ۲۹۵ و ۳۴۳؛ تفسیر برهان، ص ۱۶۰، ح ۷ و ۸؛ الغیبة نعمانی، ص ۱۴۶؛ کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۳۴۵، ح ۳۱؛ بحار الأنوار، ج ۵۱، الملاحم و الفتن، باب ۱۷۸.

۳. هاشم بن سلیمان، بحرانی، حلیة الأبرار، ج ۲، ص ۶۲؛ مفلح بن حسن، صیمری، غایة المرام فی شرح شرایع الاسلام، باب ۱۴۱، ص ۶۹۷، ح ۳۸۰.

۴. بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۱۳۲؛ کمال الدین و تمام النعمة، ج ۱، ص ۵۸۲؛ إعلام الوری، ص ۲۰۰؛ صواعق محرقة، ص ۱۶۲.

مسلمان و جهانیان است. در صحیح مسلم و صحیح بخاری و مسند احمد بن حنبل و حدیثی از جابر بن عبدالله از رسول اکرم ﷺ نقل شده است که حضرت عیسیٰ ﷺ پس از نزول، نماز جماعت را به مقتدای خود مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف اقتدا می‌کند:

انه سمع جابر بن عبدالله، يقول: سمعت النبي يقول: «لا تزال طائفة من امتي يقاتلون على الحق ظاهرين الى يوم القيامة. قال: فينزل عيسى بن مريم فيقول اميرهم: تعال صل لنا. فيقول: لا؛ ان بعضكم على بعض امراء. تكرمة الله هذه الامة؛ جابر بن عبدالله گفت: شنیدم رسول گرامی اسلام ﷺ فرمود: همیشه طایفه‌ای از امت من در راه حق تا روز قیامت جهاد می‌کنند. ایشان فرمود: عیسی بن مریم نزول می‌کند، پس امیر اینان می‌گوید: جلو بایست تا نماز جماعت بخوانیم، پس عیسی بن مریم می‌فرماید: نه به طور قطع شما امیر ما هستید و خدا شما را بر این امت کرامت داد.

بخاری از ابوهریره از رسول خدا ﷺ نقل می‌کند: «كيف انتم إذا نزل ابن مريم فيكم و امامكم منكم؛ شما را چه خواهد شد، زمانی که فرزند مریم در میان شما فرود خواهد آمد، درحالی که امامتان میان شماست».

همه شارحان صحیح بخاری و صحیح مسلم توافق نظر دارند که «امام» در این روایات کسی جز مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف نیست.^۱

صاحب کتاب امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از ولادت تا ظهور در این باره می‌نویسد:

شاید تنها حکمت فرود آمدن آن حضرت در قیام امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، تقویت حرکت جهانی آن حضرت و اعتراف و تصدیق به حقانیت آن وجود گرانمایه

۱. صحیح مسلم بشرح النووی، ج ۲، ص ۱۹۲ (باب نزول عیسی بن مریم) و ص ۱۹۳: صحیح بخاری، ج ۴، ص ۱۴۳، کتاب بدء الخلق، باب نزول عیسی بن مریم؛ مسند احمد، ج ۲، ص ۲۷۲ و ۳۳۶، ج ۳ و ص ۳۴۵ و ۳۸۴ و ج ۴، ص ۲۱۶-۲۱۷؛ منابع المودة و ج ۳، ص ۲۶۰، ح ۱۸ و ص ۲۶۶، ح ۲۲.

۲. صحیح بخاری، ج ۴، ص ۱۴۳: صحیح مسلم، ج ۱، ص ۹۴: صحیح بخاری، ج ۲، باب نزول عیسی بن مریم، ص ۱۵۸: معجم احادیث الإمام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ج ۱، ص ۵۱۹: صحیح مسلم، کتاب الايمان، ج ۲، باب نزول عیسی بن مریم، ص ۵۰۰؛ مسند احمد، ج ۲، ص ۳۳۶: نور الأبصار، ص ۱۷۰: عقد الدرر، ص ۲۲۹: الملاحم و الفتن، باب ۱۸۷، ص ۸۳: معجم احادیث الإمام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ج ۱، ص ۳۲۱، ۵۲۷ و ۵۳۵: عقد الدرر، باب ۱۰، ص ۲۳۰: معجم احادیث الإمام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ج ۱: فرائد السمطين، ج ۲، ص ۳۱۲: بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۷۱.

و امامت اوست؛ به‌ویژه که حضرت عیسی علیه السلام به امام مهدی علیه السلام اقتدا می‌کند، به امامت او نماز می‌گزارد و امامت جهانی و آسمانی او را تصدیق و تأیید می‌نماید.

فرود آمدن عیسی علیه السلام از آسمان به زمین، از شگفت‌انگیزترین وقایع تاریخ، بزرگ‌ترین نشانه‌ها و پرشکوه‌ترین دلایل بر حقانیت امام مهدی علیه السلام است. آیا شگفت‌انگیز نیست که انسانی مدتی بر روی زمین زندگی کند، آن‌گاه به آسمان‌ها عروج نماید و در آنجا هزاران سال زندگی کند، سپس همگام با قیام جهانی حضرت مهدی علیه السلام به خواست خدا و دستور او فرود آید و ضمن تصدیق و اقرار به امامت آن حضرت، با او نماز بگزارد و به حرکت نجات‌بخش و آسمانی امام زمان علیه السلام یاری رساند؟ به‌ویژه که ایشان انسانی عادی نیست و امتیازاتی دارد؛ از جمله:

۱. پیامبری از پیامبران بزرگ الهی است.

۲. صاحب شریعت و کتاب آسمانی است؛ گرچه شریعت و مکتب او تحریف شده است.

۳. خدای جهان‌آفرین او را بدون پدر و فقط از مادری پاک و پاکیزه آفریده است.

۴. جمعیت امت او اکنون در سراسر جهان بیش از هزار میلیون نفر است و در میان آنان اشخاصی از طبقه‌های گوناگون، از انسان‌های عادی گرفته تا شاهان، رؤسای جمهور و چهره‌های مشهور دیگر وجود دارد.

۵. میلیون‌ها تمثال از آن حضرت و به نام او در معبرها و کلیساها، مدرسه‌ها، خانه‌ها و غیره نصب شده و بر سینه پیروانش آویخته است.

۶. عقاید انحرافی و شرک‌آلودی مانند «پسر خدا» یا «خدا» پنداشتن او را نیز باید در نظر گرفت که برخی از مسیحیان به آن دچار شده‌اند؛ گرچه ذات مقدس ربوبی از گفتار باطل و بی‌اساس کافران و مشرکان منزّه است.

با دقت در همه این امور، آشکار می‌شود که عیسی بن مریم علیه السلام نزد مسیحیان مقدس‌ترین موجود است و طبیعی است مکتب‌ها و ادیان دیگر نیز در برابر شخصیت آن

حضرت سر تعظیم فرود می آورند.^۱

۱۱-۳. مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف وارث معجزات پیامبران

یکی از مهم ترین مسائلی که سبب هدایت عده ای از مردم به وسیله امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می شود، معجزات و الواحی است که در اختیار حضرت است یا ایشان آن اشیاء را از جاهای گوناگون بیرون می آورد و باعث ایمان تعداد زیادی از جمله یهودیان می شود. در این قسمت چند مورد از این معجزات را با استناد به روایات معتبر می آوریم.

امام صادق علیه السلام درباره معجزات امامان معصوم علیهم السلام می فرماید: «هیچ معجزه ای از معجزات پیامبران نیست مگر اینکه خداوند آن را به دست حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف برای اتمام حجت بر دشمنان ظاهر خواهد کرد».^۲

معجزه، کاری برخلاف شیوه و روند عادی است که به فرمان الهی انجام می شود و تعارض ناپذیر و قابل تحدی است. گاهی معجزه به صورت خبر از غیب و حوادث آینده است. متکلمان، معجزه را، هم دلیلی بر صدق ادعای نبوت و هم نشانه شناخت و اثبات امامت می دانند.

عالمان بزرگ ما معجزه های بسیاری را از وجود مقدس امامان هدی علیهم السلام نقل و تشریح کرده اند. شیخ مفید در کتاب /ارشاد و کتاب های دیگر، موارد فراوانی از این نوع را بیان کرده است؛ همچنین شیخ طوسی در فصل چهارم کتاب /الغیبه به غیر قابل شمارش بودن معجزات تصریح می کند که بر صحت امامت حجت بن الحسن عسکری عجل الله تعالی فرجه الشریف دلالت می کند و حدود سی مورد از آن ها را بیان می کند: «فهی أكثر من أن تحصی؛ آن معجزات بیشتر از شمارش است».

در ادامه بحث، به آن دسته از معجزات و کرامت های حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف اشاره می کنیم که با موضوع این کتاب ارتباط دارد؛ از جمله پیش از ولادت (سخن گفتن در شکم مادر)، پس از ولادت (شکرگزاری و غیره) و دوران غیبت صغری و کبری.

۱. امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف؛ از ولادت تا ظهور، ص ۶۷۹-۶۸۰.

۲. منتخب الآثار فی الإمام الثانی عشر، ص ۳۱۲.

الف. ابری بالای سر حضرت

عَبْدُ اللَّهِ بْنُ عُمَرَ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: يَخْرُجُ الْمَهْدِيُّ وَعَلَى رَأْسِهِ غَمَامَةٌ فِيهَا مُنَادٍ يَنَادِي هَذَا الْمَهْدِيُّ خَلِيفَةُ اللَّهِ فَاتَّبِعُوهُ؛ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ عُمَرَ نَقَلَ كَرْدَهُ كَيْهَ بَيْغَمْبَرِ أَكْرَمِ ﷺ فَرَمُود: دَرْ حَالِي كَيْهَ قَطْعِهِ اِبْرِي بَرِ سَرِ مَهْدِي سَايَه اِفْكَنْدِه، قِيَامِ مِي كَنْد. دَرْ اَن وَقْتِ كُوِينْدِه اِي اَعْلَامِ خَوَاهِد كَرْد: اَيْنِ مَهْدِي خَلِيفَه خُدَا سَت؛ اَز وِي پِيروي كُنيد.^۱

ب. حمل پرچم رسول خدا ﷺ، انگشتر سلیمان ﷺ، سنگ و عصای موسی ﷺ
نعمانی از ابوالجارود زیاد بن منذر نقل می‌کند:

أَبِي الْجَارُود عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ﷺ قَالَ إِذَا ظَهَرَ الْقَائِمُ ﷺ ظَهَرَ بِرَأْيَةِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَ خَاتَمِ سُلَيْمَانَ وَ حَجَرِ مُوسَى ﷺ وَ عَصَاهُ ثُمَّ يَأْمُرُ مُنَادِيهِ فَيَنَادِي أَلَا لَا يَحْمِلُ رَجُلٌ مِنْكُمْ طَعَامًا وَلَا شَرَابًا وَلَا عِلْفًا فَيَقُولُ أَصْحَابُهُ إِنَّهُ يَرِيدُ أَنْ يَقْتُلَنَا وَيَقْتُلَ دَوَابَّنَا مِنَ الْجُوعِ وَالْعَطَشِ فَيَسِيرُونَ مَعَهُ قَائِلِينَ مَنَزِلَ يَنْزِلُهُ يَضْرِبُ الْحَجَرَ فَيَنْبُعُ مِنْهُ طَعَامٌ وَ شَرَابٌ وَ عِلْفٌ فَيَأْكُلُونَ وَيَشْرَبُونَ وَ دَوَابُّهُمْ حَتَّى يَنْزِلُوا النَّجْفَ بِظَهْرِ الْكُوفَةِ؛^۲ ابوالجارود از امام باقر ﷺ روایت کرده که حضرت فرمودند: هنگامی که قائم رَحْمَةُ اللَّهِ عَلَيْهِ ظهور کند، با پرچم رسول خدا ﷺ و انگشتری سلیمان ﷺ و سنگ و عصای موسی ﷺ ظهور خواهد کرد. سپس به منادی خود دستور می‌دهد و او ندا در می‌دهد: توجه کنید! هیچ‌کس از شما هرگز غذا، آشامیدنی و علوفه به همراه خود بر ندارد و یاران او خواهند گفت: حتماً او می‌خواهد ما و چهارپایانمان را از گرسنگی و تشنگی هلاک کند. پس او حرکت می‌کند و آنان به دنبالش به راه می‌افتند. در نخستین منزلی که در آن فرود می‌آیند، به سنگ ضربه‌ای می‌زند و خوراک، آشامیدنی و علوفه از آن بیرون می‌آید. آنان و چهارپایانشان می‌خورند و می‌آشامند تا اینکه در نجف، بیرون کوفه فرود می‌آیند.

ج. قدرت جوانی حضرت مهدی رَحْمَةُ اللَّهِ عَلَيْهِ در کهن سالی

شیخ صدوق از ریان بن صلت به نقل از امام رضا ﷺ، درباره قدرت جوانی حضرت

۱. بحار الأنوار، ج ۵۱، باب ۱، ص ۸۱.

۲. الغيبة نعمانی، ص ۲۳۸؛ بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۵۱، ح ۱۰۵.

در کهن سالی روایتی به این مضمون نقل می‌کند:

قَالَ قُلْتُ لِلرَّضَا عليه السلام: أَنْتَ صَاحِبُ هَذَا الْأَمْرِ فَقَالَ أَنَا صَاحِبُ هَذَا الْأَمْرِ وَلَكِنِّي لَسْتُ بِالَّذِي أَمْلَأُهَا عَدْلًا كَمَا مُلِئْتُ جَوْرًا وَكَيْفَ أَكُونُ ذَلِكَ عَلَى مَا تَرَى مِنْ ضَعْفِ بَدَنِي وَإِنَّ الْقَائِمَ هُوَ الَّذِي إِذَا خَرَجَ كَانَ فِي سِنِّ الشُّيُوخِ وَمَنْظَرِ الشَّبَابِ قَوِيًّا فِي بَدَنِهِ حَتَّى لَوْ مَدَّ يَدَهُ إِلَى أَعْظَمِ شَجَرَةٍ عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ لَقَلَعَهَا وَلَوْ صَاحَ بَيْنَ الْجِبَالِ لَتَذَكَّدَتْ صُخُورُهَا يَكُونُ مَعَهُ عَصَا مُوسَى وَخَاتَمُ سُلَيْمَانَ ذَلِكَ الرَّابِعُ مِنْ وَلَدِي يَغِيبُهُ اللَّهُ فِي سِتْرِهِ مَا شَاءَ اللَّهُ ثُمَّ يَظْهَرُهُ فَيَمْلَأُ بِهِ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مُلِئْتُ جَوْرًا وَظُلْمًا! ريان بن صلت گفت: به حضرت رضا عليه السلام عرض کردم: آیا صاحب الامر شما هستید؟ فرمود: من صاحب الامر هستم، ولی نه آن صاحب الامری که زمین را از عدل و داد پر می‌کند؛ چنان‌که از ظلم پر شده باشد. چگونه من می‌توانم چنین کسی باشم با این ضعف بدن که در من می‌بینی؟! قائم کسی است که وقتی ظهور می‌کند، به سن پیرمردان و به صورت جوانان است و بدنی نیرومند دارد؛ به طوری که اگر به سوی بزرگ‌ترین درخت روی زمین دست دراز کند، می‌تواند آن را از ریشه جدا کند و چنانچه در میان کوه‌ها نعره بکشد، سنگ‌های سخت از هیبت صدایش خرد می‌شوند. عصای موسی و انگشتر سلیمان با اوست. او چهارمین از فرزندان من است. خدا تا زمانی که مصلحت می‌داند، او را از نظرها غایب می‌کند، آن‌گاه او را آشکار می‌کند و زمین را به وسیله او از عدل و داد پر می‌کند؛ چنان‌که از ظلم و ستم پر شده باشد.

د. تخت سلیمان عليه السلام

یکی از معجزه‌های بقیه الله عليه السلام، بیرون آوردن تخت معروف حضرت سلیمان عليه السلام است. سلیمان نبی عليه السلام بر آن می‌نشست و به وسیله آن هر بامداد به اندازه یک ماه حرکت می‌کرد. در وصف تخت سلیمان آمده است که پله‌های آن به دست‌های پهن شیر شباهت داشت و هنگامی که حضرت سلیمان عليه السلام قصد سوار شدن بر آن را داشت، این تخت با سرعت شگفت‌آوری به او نزدیک می‌شد.^۱

۱. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، باب ۳۵، ص ۳۷۶، ح ۷؛ بحار الأنوار، ج ۵۲، باب ۲۷، ص ۳۲۲، ح ۳۰؛ رک. اصول کافی، ج ۱، باب ما عند الأئمة من آیات الأنبياء عليهم السلام، ص ۲۳۱-۲۳۲.

۲. روزگار رهایی، ج ۱، ص ۴۹۵، ج ۲، ص ۶۹۲ به نقل از موعودنامه.

هـ آوردن تورات

از جمله معجزات امام مهدی عجنا الله وعلی آله، بیرون آوردن تورات از کوه‌های شام است که به وسیله آن یهودیان بسیاری را به سوی خود جلب خواهد کرد:

وانما سمي (المهدي) لانه يهدي الى اسفار من التوراه يستخرجها من جبال الشام، يدعو اليها اليهود، فيسلم على تلك الكتب جماعه كثيره، ثم ذكرنحو من ثلاثين الفا؛ او مهدي ناميده شد برای اینکه به اسفار تورات هدایت می‌شود و تورات را از کوه‌های شام بیرون می‌آورد و یهود را به سوی آن فرامی‌خواند و با آن کتاب، تعداد زیادی (حدود سی هزار نفر) مسلمان می‌شوند.

از اسعاف الراغبین نیز نقل شده است: «مهدی، تابوت سکینه را از غار انطاکیه و اسفار تورات را از کوه‌های شام بیرون می‌آورد و به وسیله تورات با یهودیان مناظره می‌کند که بسیاری از آن‌ها مسلمان می‌شوند».^۱

و. آوردن تابوت آدم عليه السلام (تابوت سکینه)

نعمانی در کتاب الغیبه از عبدالله بن سنان نقل می‌کند:

سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ كَانَتْ عَصَا مُوسَى قَضِيبَ آيٍ مِنْ غَرَسِ الْجَنَّةِ أَنَاةً بِهَا جَبْرَائِيلُ عليه السلام لَمَّا تَوَجَّهَ يَلْقَاءَ مَدْيَنَ وَهِيَ وَتَابُوتُ آدَمَ فِي بُحَيْرَةِ طَبْرِيهَ وَلَنْ يَبْلَا وَلَنْ يَتَغَيَّرَ حَتَّى يُخْرِجَهَا الْقَائِمُ إِذَا قَامَ عليه السلام؛^۲ عبدالله بن سنان گوید: شنیدم ابا عبدالله (امام صادق عليه السلام) فرمود: عصای موسی چوب آسی از درخت بهشتی بود؛ هنگامی که خواست به سوی مدین برود، جبرئیل عليه السلام آن را برای او آورد. آن عصا با تابوت آدم در دریاچه طبریه (قصبه اردن و نام قریه‌ای در واسط قاموس) قرار دارد و آن‌ها هرگز پوسیده نمی‌شوند و تغییر پیدا نمی‌کنند تا آنکه حضرت قیام می‌فرماید و هر دو را بیرون می‌آورد.

سید بن طاووس در ملاحم و فتن از نعیم، درباره تابوت سکینه نقل می‌کند:

۱. الملاحم و الفتن فی ظهور الغائب المنتظر عليه السلام، باب ۱۴۴، ص ۵۳؛ الغیبه نعمانی، ص ۲۳۷، ح ۲۶؛ علل الشرایع، ج ۱، ص ۱۶۱، ح ۳؛ بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۲۹.

۲. محمد، الصبان، اسعاف الراغبین (حاشیه نور الأبصار)، ص ۱۲۷.

۳. الغیبه نعمانی، ص ۲۳۸، ح ۲۷؛ بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۵۱.

فیما ذكره نعيم في ظهور تابوت السكينة على يده من بحيرة طبرية. حدثنا نعيم حدثنا يحيى بن سعيد العطار البصري عن سليمان بن عيسى قال: بلغني انه على يد المهدي ظهر تابوت السكينة من بحيرة طبرية حتى يحمل فيوضع بين يديه البيت المقدس فاذا نظرت اليه اليهود أسلمت إلا قليل منهم؛ سليمان بن عيسى گفت: به من چنین رسیده است که تابوت سکینه از بحیره طبریه به دست مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ظاهر می شود تا اینکه آن را در بیت المقدس می آورند و در خدمت آن حضرت می گذارند. هنگامی که یهود به آن تابوت نگاه می کنند، جز عده کمی، همه آن ها اسلام می آورند.

یهودیان از گذشته های دور به تابوت سکینه اعتقاد فراوان داشته اند و بنابراین، با دیدن این معجزات و آوردن تابوت، همه آن ها جز تعداد اندکی به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف ایمان می آورند. بدیهی است هر یهودی ای که پس از این نشانه ها لجاجت و عناد ورزد، خداوند او را نابود می کند و در نتیجه «خَسِرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ» خواهد شد.

در صحیح بخاری از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده که حضرت فرمود: «قیامت برپا نمی شود تا آنکه شما با یهود بجنگید. در آن هنگام به اندازه ای از آنان کشته خواهد شد که حتی سنگی که یهودی ای در آن پناه گرفته، چنین می گوید: ای مسلمان! این کسی که در کنار من پناه گرفته، یهودی است؛ او را به قتل برسان».^۱

صهیونیست ها که بیشترین استفاده ابزاری را در جهان مسیحیت از داستان آرماگدون کرده اند، هیچ گاه به مردم خود نگفته اند که در آخرالزمان یهود و سفیانی با هم متحد می شوند و جنگی که در منطقه آرماگدون اتفاق می افتد، درواقع به دلیل طمع ورزی در مال دنیا (طلا، نقره، نفت، اورانیوم و...) میان نیروهای شر انجام می شود و مسلمانان و یاران امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف هیچ نقشی در آن ندارند. آنان در بیشتر محصولات خود به دروغ، مسلمانان و امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را نیروهای شر و مقصر در واقعه آرماگدون و خود را نیروهای خیر معرفی می کنند. ضمن اینکه به دروغ این جنگ را جنگی هسته ای و شیمیایی نشان

۱. الملاحم والفتن، باب ۱۵۳، ص ۷۱.

۲. صحیح بخاری، ج ۳، ص ۲۳۲.

می‌دهند. یهودیان صهیونیست که در ماجرای آرماگدون، با فریب جلو می‌آیند، به مردمان خود و جهانیان دروغ می‌گویند و به حضرت محمد ﷺ و حضرت مسیح ﷺ اعتقادی ندارند، باید از منتظران دیگر منتظرتر باشند و بیشتر برای ظهور آماده باشند. باید از این همه ظلم، خیانت، تجاوز و انسان‌کشی دست بردارند و از پیامدهای ظلم و ستم خود بترسند. آنان دو موعود خود، یعنی مسیح ﷺ و محمد ﷺ را نپذیرفتند، اما به هر حال از دست موعود سوم نجات نخواهند یافت. در روایات چنین آمده است که جماعتی از یهودیان، اطراف «دجال» را می‌گیرند که با ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و بازگشت عیسی علیه السلام و کشته شدن دجال، آنان نیز قتل عام می‌شوند و برای همیشه از صحنه تاریخ پاک خواهند شد.^۱

صهیونیسم بین‌الملل به صورت هنرمندانه از تک‌تک این موضوعات، در جهت اهداف نادرست برای تشکیل «اسرائیل بزرگ» بهره برده است و در همین جهت توانسته مسیحیان را منحرف کند. آنان مسیح را نپذیرفتند و از او پیروی نکردند و حتی به گمان خود، عیسی مسیح علیه السلام را به صلیب کشیدند. اکنون بازمانده‌های آنان، مسیحیان ساده‌انگار و تندرو را که در انتظار مسیح بودند، به سوی خود و اهداف شیطانی خود جذب کرده‌اند. آنان در این باره چنان قوی عمل کرده‌اند که مسیحیان، به ویژه گروه راست‌گرا را فریب داده‌اند که مسیحیان مذهبی تندرو هستند و تعداد قابل توجه و بانفوذی را هم در آمریکا و اروپا تشکیل می‌دهند؛ تاجایی که این گروه، در مبارزه با اسلام و مسلمانان، از صهیونیست‌ها هم پیشی گرفته‌اند. این گروه با نام «صهیونیسم مسیحی» شناخته می‌شوند.

۱۲-۳. نابودی سفیانی و یهودیان

نابودی سفیانی با نابودی یهودیان هم‌زمان است؛ چراکه آن‌ها حامی اصلی سفیانی و لشکر او هستند. بخشی از یهودیان در جنگ داخلی آرماگدون کشته می‌شوند و تعدادی از آن‌ها که همراه لشکر سفیانی باقی مانده‌اند، به دست لشکریان امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف نابود می‌شوند و تعدادی از دوازده هزار مدفون شده در واقعه «خسف بیداء» یهودیان هستند. یهودیان بدترین مخلوقات خدایند. در تاریخ یهود، قرآن کریم و داستان‌های پیامبران

درحالی‌که تمام درهای سعادت به روی آن‌ها گشوده شده، اما از روی کبر و غرور و عناد و لجاج، آگاهانه به مخالفت برخاستند؟ ممکن است مقدم داشتن اهل کتاب بر مشرکان در این آیه، به این دلیل باشد که آن‌ها دارای کتاب آسمانی، عالمان و دانشمندان بودند و نشانه‌های پیامبر اسلام ﷺ در کتاب‌های آن‌ها به صراحت آمده بود. بنابراین، مخالفت آن‌ها زشت‌تر و بدتر است.^۱

یهودیان که به سخنان حضرت موسی ﷺ عمل نکردند و از مسیح ﷺ و محمد مصطفی ﷺ نیز پیروی نکردند، فقط در صورتی که پیش از ظهور منجی عالم، مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف توبه کنند، به اسلام روی آورند و از مخالفت با مسلمانان دست بردارند، عفو امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف شامل حالشان خواهد شد؛ هرچند براساس روایات، بعید است چنین کاری را انجام دهند.^۲

رهبر فرزانه انقلاب در این باره می‌فرماید:

دشمن‌ترین اشخاص با این عقیده و با شخص آن بزرگوار، ستمگران عالم هستند. از روز غیبت آن حضرت، بلکه از روز ولادت ایشان تا امروز، آن کسانی که وجودشان با ستم و زورگویی همراه بوده، به دشمنی با این بزرگوار، با این پدیده الهی، با این نور و شمشیر الهی مشغول شدند. امروز هم مستکبران و ستمگران عالم، با این فکر و این عقیده، مخالف و دشمن هستند و می‌دانند که این عقیده و عشق که در دل‌های مسلمانان، به خصوص در دل‌های شیعه است، برای هدف‌های ستمگرانه آن‌ها مزاحم است.^۳

۱. تفسیر نمونه، ج ۲۷، ص ۲۳۰-۲۳۱.

۲. کشف الغمّة، ج ۳، ص ۳۲۵؛ کتاب سلیم بن قیس، ص ۷۷۵؛ بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۱۶، ج ۵۲، ص ۲۷۲، ج ۱۶۷، از أَصْبَغِ بْنِ نُبَاتَةَ از أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام در آن فرمایشی که به مردم فرمود: سَلُونِي قَبْلَ أَنْ تَفْقِدُونِي لِأَنِّي بِطَرِيقِ السَّمَاءِ أَعْلَمُ مِنَ الْعُلَمَاءِ وَ بِطَرِيقِ الْأَرْضِ: ينابيع المودة، ج ۳، ص ۶۶ و ج ۵۳، ص ۹ و ۸۳؛ منتخب الأثر، ص ۴۵۲ و ۴۵۶؛ تاریخ غیبت کبری، ص ۵۲۱؛ روزگار رهایی، ج ۱، ص ۴۶۷.

۳. مقام معظم رهبری رحمته الله، فصلنامه انتظار، ش ۲، ص ۳۲، به نقل از روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۷۷/۹/۱۵.

فصل پانزدهم پیشگویی قرآن کریم درباره آخرالزمان

در قرآن کریم، آخرین کتاب و معجزه آسمانی که حجت زنده‌ای برای همه جهانیان است، پیشگویی‌های بسیاری درباره مسائل گوناگونی آمده است؛ همچون فتح امپراطوری روم، پایان جهان و سرنوشت بشر در آخرالزمان. در جای جای این کتاب الهی، آیات بسیاری را می‌بینیم که درباره آینده بشارت می‌دهد. این بشارت‌ها براساس روایات مستند و معتبر، درباره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و قیام جهانی اوست.

آیات فراوانی در قرآن کریم وجود دارد که پایان جهان، نبرد حق و باطل و سرانجام تاریخ بشر در آخرالزمان را به زیبایی به تصویر می‌کشد و این نشان‌دهنده خط مستقیمی است که خداوند از آغاز آفرینش بشر تا پایان جهان ترسیم کرده است. این موضوع را می‌توان در مبعوث کردن ۱۲۴۰۰۰ پیامبر الهی، امامت و ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در آخرالزمان و پایان جهان به روشنی مشاهده کرد.

در قرآن کریم آیات بسیاری درباره آخرالزمان، جایگاه و مقام مهدی صاحب‌الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف آمده است که جز امامان معصوم علیهم السلام از تفسیر آن‌ها درمانده‌اند. به همین دلیل، باید به مفسران واقعی آن مراجعه کنیم که از بطن و تأویل این آیات آگاه هستند تا از سرنوشت بشر و جهان باخبر شویم.

تاکنون کتاب‌های فراوانی درباره آیات مربوط به آخرالزمان نوشته شده است. کتاب *المحجة فی ما نزل فی القائم الحجة* علیه السلام نوشته محدث عالی قدر مرحوم سید هاشم بحرانی (م. ۱۱۰۷ق) شامل ۱۳۲ آیه کلام الله مجید درباره صاحب الزمان علیه السلام و مستند به کتاب‌های مفسران اسلامی و کتاب‌های حدیثی است. علامه محمدباقر مجلسی (م. ۱۱۱۱ق)، در کتاب *بحار الأنوار* این دائرة المعارف بزرگ شیعه، در جلد ۵۱، حدود هفتاد آیه را درباره منجی آخرالزمان علیه السلام به احادیث اهل بیت علیهم السلام مستند کرده است. در جلد پنجم کتاب *معجم احادیث الإمام المهدی* علیه السلام که زیر نظر شیخ علی کورانی در مؤسسه المعارف الإسلامية نوشته شده، ۲۶۰ آیه درباره حوادث آخرالزمان آمده است. برخی از آثاری که آیات مربوط به امام زمان علیه السلام در آن‌ها بررسی شده، عبارت‌اند از: *ملاحم القرآن* نوشته ابراهیم انصاری زنجان‌ی، *طریق الی المهدی المنتظر* علیه السلام نوشته سعید ایوب، *قاطع البیان فی الآیات المؤولة بصاحب الزمان* علیه السلام نوشته فضل الله عابدی خراسانی (که ۲۰۲ آیه را تأویل و تطبیق کرده است)، *سیمای امام زمان* علیه السلام در *آئینه قرآن* نوشته علی اکبر مهدی پور (که ۱۴۰ آیه جمع‌آوری کرده است)، *الإمام المهدی فی القرآن والسنة* نوشته سعید ابومعاش (که همه آیات به ترتیب سوره‌ها همراه روایات آمده است).

منابع معتبر و تفسیری اهل سنت نیز این آیات را بررسی کرده‌اند؛ کتاب‌هایی مانند *تفسیر المنار* شیخ محمد عبده (ج ۶، ص ۵۷)، *تفسیر مفاتیح الغیب* فخر رازی، *تفسیر انوار التنزیل* قاضی بیضاوی (ج ۴، ص ۱۳۲)، *تفسیر کشاف* زمخشری (ج ۲، ص ۳۵۵)، *التفسیر الکبیر* (ج ۱۶، ص ۴۰) و *تفسیر قرطبی* (ج ۸، ص ۱۲۱).

تعداد مفسران اهل سنت بسیار است. به دلیل اهمیت مسئله، نام منابعی را می‌آوریم که در آن‌ها، آیات پیشگویی قرآن درباره حوادث آخرالزمان و منجی آخرالزمان به تصریح آمده است:

۱. *تفسیر غرائب القرآن*، نظام نیشابوری؛
۲. *تفسیر الکشف و البیان*، ابواسحاق ثعلبی؛
۳. *تفسیر کشاف*، جاز الله زمخشری؛

۴. تفسیر کشف الأسرار، رشیدالدین میبیدی؛
۵. تفسیر مفاتیح الغیب، فخر رازی؛
۶. تفسیر الدر المنثور، جلال الدین سیوطی؛
۷. تفسیر المنار، شیخ محمد عبده مصری؛
۸. تفسیر روح البیان، اسماعیل حقی؛
۹. تفسیر روح المعانی، شهاب الدین الؤسی بغدادی؛
۱۰. تفسیر الجواهر، طنطاوی مصری^۱.

در ادامه، برخی از این آیات را بررسی و با استفاده از تأویل امامان معصوم علیهم السلام تلاش می‌کنیم قدری از این اقیانوس نامتناهی را بجشیم؛ شاید کمی از عطش وجودمان بکاهد.

۱. پنج آیه در پیشگویی آخرالزمان

۱-۱. منجی آخرالزمان، برقرارکننده حکومت عدل جهانی

در قرآن کریم آمده است:

وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ^۲ خداوند به کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند، وعده می‌دهد که قطعاً آنان را حکمران روی زمین خواهد کرد؛ همان‌گونه که به پیشینیان آن‌ها خلافت روی زمین را بخشید و دین و آیینی را که برای آنان پسندیده، پابرجا و ریشه‌دار خواهد کرد و ترس آن‌ها را به امنیت و آرامش تبدیل می‌کند؛ آن‌چنان که فقط من را می‌پرستند و چیزی را شریک من نخواهند کرد و کسانی که پس از آن کافر شوند، آن‌ها فاسقان‌اند.

سیاق آیه نشان می‌دهد که خداوند متعال در این آیه مبارک، بشارت‌ها و وعده‌های زیبایی را به افرادی می‌دهد که دو صفت ممتاز داشته باشند: اول اینکه، ایمان سراسر وجودشان را پر کرده باشد و دوم اینکه، افزون‌بر ایمان، اهل عمل صالح باشند و همه

۱. خورشید مغرب، ص ۱۲۳-۱۲۵.

۲. نور: ۵۵.

اعضا و جوارحشان برای خدمت در راه خدا آماده باشد.

۱-۱-۱. تفسیر آیه

در این آیه، خدای تعالی وعده‌دهنده است: «وَعَدَ اللَّهُ»، اما به چه کسی وعده داده است؟ «الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ»؛ به آنان که ایمان دارند و عمل صالح انجام می‌دهند؛ یعنی یاران ابا صالح عَلَيْهِ السَّلَام خود باید صالح باشند. چه چیزی به این افراد وعده داده شده است؟ براساس این آیه، مفاد وعده الهی را می‌توان به صورت ذیل بیان کرد:

الف. حکومت روی زمین

«لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ». بدون شک، آنان خلیفه روی زمین خواهند شد؛ خلافت روی زمینی که به گذشتگان آنان داده شده بود تا بتوانند جامعه‌ای کوچک از حکومت مستضعفان را با کمک یاران مؤمن و صالح تشکیل دهند. از این رو، در قرآن کریم بارها به حکومت صالحان تصریح شده است.

مفسران اهل سنت درباره اینکه مقصود از «الأرض» چیست، اختلافاتی را بیان می‌کنند. افرادی مانند زمخشری در تفسیر کشاف گمان کرده‌اند که این آیه خطاب به رسول خدا ﷺ و همراهان اوست.^۱ فخر رازی در تفسیر مفاتیح الغیب، با وجود روایات روشن در صحاح سته و کتب دیگر اهل سنت که از رسول خدا ﷺ نقل کرده‌اند، این آیه را به غلط درباره خلافت خلفای چهارگانه می‌داند.^۲

اولین دلیل نادرست بودن این نظر آن است که هرچند خلافت امیرمؤمنان علی علیه السلام نمونه‌ای از عدالت را به بشر نشان داد، همین حکومت نیز به دلیل مانع‌تراشی‌هایی که بر آن پدید آوردند، نتوانست موفقیت کامل را به دست آورد و سرانجام، حضرت علی علیه السلام را در آغاز راه به شهادت رساندند. در تاریخ نیز می‌خوانیم که خلفای چهارگانه نتوانستند در همه جهان عدالت و امنیت کامل را فراهم کنند؛ دلیل آن هم جنگ‌هایی است که در طول دوران این خلفا وجود داشت.

۱. الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، ج ۳، ص ۲۵۱.

۲. تفسیر مفاتیح الغیب، ج ۲۴، ص ۴۱۳.

دلیل دوم این است که حتی حکومت عدل امیرمؤمنان علیه السلام هم جهانی نبود و امنیت به طور کامل در تمام جهان محقق نشد؛ درحالی که منظور این آیه همه جهان است. سومین دلیل اینکه، منظور اصلی این آیه، حکومت کسی است که امنیت را در جهان پدید می آورد.

تفسیر نادرست برخی از این مفسران تعجب آور است که به دلیل متولد نشدن امام زمان علیه السلام در زمان نزول آیه، ایشان را مصداق این آیه نمی دانند. یکی شان با وجود احادیث معتبر که از اهل سنت نقل شده، چنین می نویسد: «والإمام المهدي لم يكن موجوداً حين النزول قطعاً بالإجماع فلا يمكن حمل الآية على وعده بذلك...». او به طبرسی که از مفسران بزرگ است و نیز تفسیر عیاشی اشکال می گیرد که با استناد به احادیث پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می گوید: تأویل این آیه مهدی موعود علیه السلام است؛ درحالی که خود او در صحاح شش گانه اهل سنت به چنین احادیثی از وجود مقدس رسول اسلام صلی الله علیه و آله فراوان برخورد کرده است.^۱

آلوسی در روح المعانی و قرطبی در الجامع لأحكام القرآن می نویسند: «گفته شده که منظور از "أرض" جزيرة العرب است». آن ها از دیگران چنین نقل می کنند: مقصود از کلمه «الأرض» تمامی زمین های جهان است و به حدیثی از رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کتاب صحیح استناد می کنند:

زمین، «مشارك الأرض ومغاربها» است: ففي الصحيح «زويت لي الأرض فرأيت مشارقها ومغاربها وسيلبلغ ملك أمتي ما زوي لي منها»؛^۲ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: زمین برای من گردآوری شد و تمام مشارق و مغارب آن را دیدم و به زودی حکومت امت من بر تمام آنچه در نظر من جمع و پیچیده شد (بر تمام زمین) استقرار خواهد یافت.

اما از آنجاکه الف و لام «الأرض» برای جنس است و ظهور در استغراق دارد و نیز با توجه به نداشتن قرینه ای که آن را به زمین خاصی برگردانیم، همه زمین دنیا را در بر

۱. روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، ج ۹، ص ۳۹۵.

۲. همان، ج ۹، ص ۳۹۳؛ محمد بن احمد، قرطبی، الجامع لأحكام القرآن ج ۱۳، ص ۲۹۸.

می‌گیرد.

بنابراین، منظور از خلافت و حکومت در این آیه، همه زمین و شامل همه جهان است. پس در این آیه کریمه به مؤمنانی که عمل صالح انجام می‌دهند، بشارت می‌دهد که بی‌گمان حکومت روی زمین از آن مؤمنان صالح خواهد شد و سرانجام جهان این است. اینکه خداوند فرمود: «كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ»؛ یعنی همان‌گونه که به پیشینیان آن‌ها خلافت روی زمین را بخشید، به شما هم خلافت و حکومت می‌رسد؛ منتهی آن پیشینیان یا خلیفه بودند و حکومت نداشتند یا اگر حکومتی داشتند، محدود به یک یا چند منطقه بود. به عبارت دیگر، خلافت و جانشینی حضرت داوود، سلیمان و دیگر پیامبران، به یک منطقه یا چند منطقه محدود بوده است.

آشکار است که ادامه تشکیل حکومت مؤمنان صالح در همه جهان باید به وسیله خلیفه و جانشین پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله انجام شود، ولی هیچ‌یک از امامان علیهم السلام جز امیرمؤمنان علیه السلام و امام حسن علیه السلام، آن هم در مدت کوتاه، حکومت تشکیل ندادند، ضمن آنکه حکومت آنان به یک یا چند ناحیه محدود بود؛ درحالی‌که این آیه خلافت و حکومت در تمام جهان را مطرح کرده است.

ب. تمکین جهان به دین اسلام

دومین وعده خداوند در این آیه به مؤمنان صالح، این است که دین و آیینی را که برای آنان پسندیده است، در زمین برقرار خواهد کرد: «وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ»؛ به این معنا که در آن زمان، با تعلیمات درست مکتب اسلام، این دین در همه جان‌ها نفوذ و گسترش می‌یابد و در همه شئون زندگی مردم ریشه می‌دواند؛ به این ترتیب که حکومت عدل و قوانین الهی بر همه جهانیان حاکم می‌شود و جهانیان دین اسلام را با رضایت کامل می‌پذیرند. بنابراین، همان‌طور که در قرآن کریم می‌خوانیم: «إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ»؛ دین در نزد خدا اسلام است، در آن زمان دین واقعی به مردم عرضه می‌شود و اسلام دین آینده همه جهانیان خواهد شد؛ همان دینی که خدا و مردم از آن

راضی هستند: «دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ».

«قُرْطَبی»، مفسر اهل سنت در الجامع لاحکام القرآن، درباره آن روزگار از سلیم بن عامر چنین نقل می‌کند:

شنیدم حضرت رسول اکرم ﷺ دوران آخرالزمان را پیشگویی کرد و فرمود: «ما على ظهر الأرض بيت حبر ولا مدر الا ادخله الله كلمة الاسلام؛ در زمین خانه‌ای از سنگ یا گِل باقی نمی‌ماند، مگر اینکه خداوند، اسلام را در آن وارد می‌کند».

ج. امنیت

سومین وعده خداوند در این آیه به مؤمنان صالح چنین است: «وَلْيَبْدِلْهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا؛ و ترسشان را به امنیت و آرامش تبدیل می‌کند»؛ یعنی امنیت را جایگزین ناآرامی و ترس آنان می‌کند و عوامل آن را برطرف می‌سازد و همه مردم در همه کوه زمین در آرامش و امنیت کامل زندگی می‌کنند.

تفسیر المیزان، نمونه و تفسیرهای دیگر، ضمن طرح اختلاف میان مفسران درباره نزول این آیه و مفاد آن می‌نویسد: سیوطی در اسباب النزول و طبرسی در مجمع البیان و سید قطب در فی ظلال و قرطبی در تفسیر خود (با تفاوتی مختصر) درباره شأن نزول این آیه چنین نقل کرده‌اند:

هنگامی که پیامبر و مسلمانان به مدینه هجرت کردند و انصار با آغوش باز آن‌ها را پذیرا شدند، تمامی عرب بر ضد آن‌ها قیام کردند و آن‌چنان بود که آن‌ها ناچار بودند اسلحه را از خود دور نکنند، شب با سلاح بخوابند و صبح با سلاح برخیزند (و حالت آماده‌باش دائم داشته باشند). ادامه این حالت بر مسلمانان سخت آمد. بعضی این مطلب را آشکارا گفتند: تا کی این حال ادامه خواهد یافت؟ آیا زمانی فراخواهد رسید که ما در شب با خیال آسوده استراحت کنیم، اطمینان و آرامش بر ما حکم فرما شود و جز از خدا از هیچ‌کس نترسیم؟ آیه فوق نازل شد و به آن‌ها بشارت داد که آری، چنین

۱. تفسیر الجامع لاحکام القرآن ذیل این آیه؛ مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۷، ص ۲۳۹.

زمانی فراخواهد رسید.^۱

علامه طباطبائی در تفسیر المیزان پس از نقل قولی از الدر المنثور می‌نویسد: «به شهادت کتاب خدا و ادله تاریخی، ثلث اهل مدینه از منافقان بودند».^۲

د. عبادت خدا

چهارمین وعده خداوند در این آیه، خداپرستی خالص بدون هر گونه شرک است؛ چنان‌که در این آیه آمده است: «يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا؛ آن چنان‌که فقط من را می‌پرستند و چیزی را شریک من نخواهند کرد».

علامه طباطبائی می‌نویسد:

اگر بخواهیم جمله «يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا» را با سیاق آیات بهتر وفق دهیم، باید حال از ضمیر در جمله «لَيَبْدِلَنَّهَا» بگیریم که معنا چنین می‌شود: «خدا، ترس ایشان را به امنیت تبدیل کرد، درحالی‌که ایشان من را پرستش کنند و چیزی را شریک من ندانند...». منظور از عبادت، خداپرستی خالص است؛ به طوری‌که هیچ شائبه‌ای از شرک - چه جلی و چه خفی - در آن راه نداشته باشد.^۳

باید گفت تحقق وعده‌های دوم تا چهارم در صورتی امکان‌پذیر است که وعده اول، یعنی حکومت مؤمنان صالح در همه زمین محقق شده باشد.

هـ. منکران فاسق

«وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ؛ و کسانی که پس از آن کافر شوند، آن‌ها فاسقان هستند». این کلام خداوند، نتیجه و دراصل اتمام حجت است؛ یعنی هر زمان حکومت جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف آمد و با معجزاتش همه را تسلیم و راضی کرد، امنیت را به ارمغان آورد، شائبه شرک‌ورزی را برداشت و عبادت آزادانه را به همه چشاند،

۱. اسباب النزول، ص ۱۶۳؛ مجمع البیان، ج ۷، ص ۱۵۲؛ قرطبی و فی ظلال، ذیل آیه مورد بحث به نقل از تفسیر نمونه، ج ۱۴، ص ۵۶۳؛ المیزان، ج ۱۴، ذیل همین آیه.

۲. همان.

۳. همان.

پس از آن، هرکس منکر باشد، فاسق خواهد بود.

براساس آنچه گذشت، برخی مفسران در تفسیر آیه مبارک اشتباه کرده‌اند و حکومت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و خلفای چهارگانه را مصداق آن دانسته‌اند یا مقصود از «الأرض» را زمین مکه، مدینه یا جزیره العرب دانسته‌اند. اگر این مفسران در تفسیر کلام خدا به مفسران واقعی قرآن، یعنی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم السلام مراجعه می‌کردند، به چنین اشتباهی دچار نمی‌شدند.

بنابراین، بی‌شک تطبیق این آیه بر تمام یا بعضی از خلفای راشدین نادرست است. همه آنچه درباره حکومت جهانی مؤمنان صالح در کلام خداوند مطرح شده، مطابق روایات متواتر شیعه و سنی در زمان ظهور مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف محقق خواهد شد. علامه طباطبائی در تفسیر المیزان می‌نویسد:

فالحق أن الآية إن أعطيت حق معناها. لم تنطبق إلا على المجتمع الموعود الذي سينعقد به ظهور المهدي عجل الله تعالی فرجه الشریف؛ حق مطلب این است که اگر بخواهیم حق معنای آیه را به آن بدهیم، فقط در زمان حکومت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است که مصداق واقعی این آیه به شکل گسترده، جامع و کاملش تحقق خواهد یافت و آیه جز با چنین حکومت جهانی که از مؤمنان صالح در آخرالزمان و با ظهور و حضور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف تشکیل شده، با هیچ حکومتی قابل تطبیق نیست. روایات فراوان دیگری نیز در کتاب‌های حدیثی اهل سنت از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وجود دارد که اگر مفسران به آن‌ها توجه می‌کردند، به این اشتباه گرفتار نمی‌شدند. در ادامه برخی از این احادیث را مرور می‌کنیم.

۱-۱-۲. تأویل آیه

الف. پیشگویی درباره مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف

اهل سنت از پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله نقل کرده‌اند که منظور این آیه، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است. در تفسیر روح المعانی از امام علی بن الحسین علیه السلام نقل شده که در تفسیر این

آیه فرموده است:

هم والله شیعتنا اهل البيت يفعل ذالك بهم على يد رجل منا وهو مهدي هذه الامة وهو الذي قال رسول الله ﷺ: فيه لو لم يبق من الدنيا الا يوم واحد لطول الله تعالى ذلك اليوم حتى يلى رجل من عترتي اسمه اسمي يملأ الارض عدلاً وقسطاً كما ملئت ظلماً وجوراً! آن‌ها به خدا سوگند! شیعیان ما هستند. خداوند این کار را به دست مردی از ما انجام می‌دهد و او مهدی این امت است و او همان کسی است که رسول خدا ﷺ درباره‌اش فرمود: اگر از عمر دنیا جز یک روز باقی نمانده باشد، خداوند آن روز را طولانی می‌کند تا مردی از عترت من که نام او نام من است، حاکم زمین شود و آن را از عدل و داد پر می‌کند؛ آن‌گونه که از ظلم و جور پر شده باشد.

ب. تأویل وجود مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف به ایمان به غیب

علامه نظام‌الدین حسن بن محمد نیشابوری از عالمان بزرگ اهل سنت در تفسیر غرائب القرآن، در تفسیر آیه «الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ» در سوره بقره نوشته است:

اخرج المراد بالغيب المهدي المنتظر الذي وعده الله في القرآن. وورد في الخبر «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ» لو لم يبق من الدنيا إلا يوم واحد لطول الله ذالك اليوم حتى يخرج رجل من أمتي يواطىء اسمه اسمي وكنيته كنيته يملأ الأرض قسطاً وعدلاً كما ملئت جوراً وظلماً! منظور از «غیب» در این آیه مبارک، همان مهدی منتظر عجل الله تعالی فرجه الشریف است که خداوند در آیه مبارک «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ...» به او وعده خلافت و جانشینی داده است.

۱. روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، ج ۹، ص ۳۹۶؛ رواة ابوداود فی کتاب المهدی، باب ۱؛ ابن‌ماجه فی کتاب الفتن، باب ۳۴؛ أحمد فی مسند (۹۹/۱)، (۲۸/۳)؛ با کمی تفاوت در بسیاری از منابع موثق شیعه موجود است. مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۷، ص ۲۴۰؛ تأویل الآیات الظاهرة، ص ۳۶۶-۳۶۷؛ تفسیر نور الثقلین، ج ۳، ص ۶۱۹؛ تفسیر عیاشی، ج ۳، ص ۱۳۶؛ تفسیر قمی، ج ۱، ص ۱؛ الغیبة نعمانی، ص ۱۲۶؛ الغیبة طوسی، ص ۱۷۷؛ شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۵۳۷؛ ح ۵۷۱؛ بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۵۴.
۲. حسن بن محمد، نظام الاعرج، تفسیر غرائب القرآن و رغائب الفرقان، ج ۱، ص ۱۴۴؛ رواة ابوداود فی کتاب المهدی، باب ۱؛ ابن‌ماجه فی کتاب الفتن، باب ۳۴. أحمد فی مسنده (۹۹/۱) (۲۸/۳).

ج. نبودن مشرکان در حکومت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

امام صادق علیه السلام در کلام زیبایی می فرماید:

فقط با آمدن قائم آل محمد صلی الله علیه و آله تأویل این آیه را درمی یابند: إِنَّهُ لَمْ يَجِءْ تَأْوِيلُ هَذِهِ الْآيَةِ وَلَوْ قَامَ قَائِمُنَا سَيَرَى مَنْ يُدْرِكُهُ مَا يَكُونُ مِنْ تَأْوِيلِ هَذِهِ الْآيَةِ. وَلَيَبْلُغَنَّ دِينَ مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله مَا بَلَغَ اللَّيْلُ حَتَّى لَا يَكُونَ مُشْرِكٌ عَلَى ظَهْرِ الْأَرْضِ كَمَا قَالَ اللَّهُ تَعَالَى وَيَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئاً^۱. تأویل و مصداق این آیه هنوز نیامده است. هنگامی که قائم ما قیام کند، کسی که او را درک می کند، تأویل این آیه را می بیند؛ هر آینه دین محمد صلی الله علیه و آله به هر جایی که شب برسد، می رسد (همه کره زمین) به صورتی که هیچ مشرکی بر روی زمین نخواهد بود؛ همان گونه که خداوند فرمود: آن چنان که فقط من را می پرستند و چیزی را شریک من نخواهند کرد.

د. مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و یاران او

دانشمند بزرگ اهل سنت، سلیمان بن ابراهیم قندوزی حنفی در *ینابیع المودة* حدیثی را از ابوبصیر از امام صادق علیه السلام نقل می کند:

عن أبي عبد الله عليه السلام في قوله: وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا. قال: «نزلت في القائم وأصحابه»^۲.

امامان معصوم علیهم السلام در تأویل و تفسیر این آیه مبارک فرموده اند: «هَذِهِ الْآيَةُ نَزَلَتْ فِي الْقَائِمِ الْمَهْدِيِّ عجل الله تعالی فرجه الشریف وَأَصْحَابِهِ»^۳ این آیه درباره مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف و یاران آن حضرت نازل شده است».

۱. بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۵۵، ح ۴۱.

۲. ینابیع المودة، ج ۳، ص ۲۴۵، ح ۳۱-۳۳؛ الکافی، ج ۱، ص ۲۵، ح ۲۲؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۴، ص ۸۹؛ الغیبة نعمانی، ص ۲۴۰، ح ۳۵؛ بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۵۴، ح ۳۴.

۳. همان.

هم امنیت در زمان ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

در تفسیر برهان در تأویل این آیه مبارک از امامان معصوم علیهم السلام چنین نقل شده است:
 قال نزلت فی علی بن ابی طالب علیه السلام والائمة من ولده «وَلَيَمَكُنَنَّ لَهُمْ دِينُهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا» قال عنی به ظهور القائم عجل الله تعالی فرجه الشریف؛
 این آیه درباره علی بن ابی طالب علیه السلام و امامان از فرزندان اوست. منظور در
 آیه «وَلَيَمَكُنَنَّ لَهُمْ دِينُهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا»
 ظهور قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف است.

و. آیه مبارک درباره ائمه هدی علیهم السلام

در روایت آمده است که منظور از این آیه قرآن، ائمه علیهم السلام هستند: «عن عبدالله بن
 سنان. قال: سألت أبا عبدالله علیه السلام عن قول الله جل جلاله: وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَ
 عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ. قال: هم
 الأئمة علیهم السلام». ۱.

در نتیجه، تأویل واقعی این آیه مبارک، زمان ظهور و تشکیل حکومت مهدی
 موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف در آخرالزمان محقق می‌شود. خداوند به مؤمنان صالح وعده می‌دهد که
 زمان ظهور، شما حکمرانان روی زمین خواهید شد، آنگاه دین و آیین اسلام جهانی
 می‌شود و ترس آن‌ها به امنیت و آرامش تبدیل می‌گردد؛ حکومتی که در آن، فقط خدا را
 می‌پرستند و شریکی برای خدا نمی‌گیرند.

۱-۲. امام و یارانش، وارثان زمین

در قرآن کریم آمده است:

وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ * إِنَّ فِي
 هَذَا لَبَلَاغًا لِقَوْمٍ عَابِدِينَ ۲ در «زبور» پس از ذکر (تورات) نوشتیم: بندگان
 شایسته‌ام وارث (حکومت) زمین خواهند شد؛ در این، ابلاغ روشنی برای

۱. البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۴، ص ۸۹؛ بحار الأنوار ج ۵۱، ص ۵۸، ح ۵۰.

۲. تفسیر قمی، ص ۱۰۸؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۴، ص ۸۹؛ الکافی، ج ۱، ص ۱۹۴.

۳. انبیاء: ۱۰۵-۱۰۶.

جمعیت عبادت‌کنندگان است.

در این دو آیه مبارک، این وعده بزرگ الهی آمده است که سرانجام زمین از آن صالحان می‌شود. آرزوی همه پیامبران الهی این بوده که صالحان وارثان حکومتی شوند که در آن به جای ظلم و بیداد، عدالت حاکم شود، همه انسان‌ها به تعالی و کمال برسند، فقط در فکر مسائل مادی و خوراک و پوشاک نباشند، بلکه بتوانند در این حکومت الهی معرفت یابند و به درجات عالی خداشناسی برسند و هیچ‌گاه خدا را نافرمانی نکنند.

۱-۲-۱. تفسیر آیه

برای تحلیل دقیق‌تر معنای آیه، واژه‌های آن را بررسی می‌کنیم: واژه «کتبنا» در این آیه، یعنی ما حکم کردیم و نوشتیم. اهل لغت گفته‌اند: «کَتَبَ» به معنای حتمی و قطعی بودن است.

در مفردات راغب آمده است: «از حکم امضا شده و از اثبات به کتابت تعبیر می‌شود. شیء ابتدا به ذهن می‌آید و موردخواست انسان قرار می‌گیرد، سپس آن را به گفت‌وگو می‌گذارد و پس از تصویب و پذیرفتن، برای عملی شدن ثبت و مکتوب می‌شود». بنابراین، خداوند در این آیه به صورت حتمی و قطعی وعده می‌دهد که زمین سرانجام به بندگان صالح می‌رسد.

همه مفسران موافق‌اند که این آیه مبارک درباره کتاب‌های آسمانی پیامبران است، اما درباره اینکه منظور از «زبور» کدام کتاب آسمانی است، اختلاف نظر دارند. گروهی منظور از «کتاب» را «تورات» و گروهی «زبور» و برخی هم «لوح محفوظ» می‌دانند.

بعضی معتقدند منظور از «ذکر» قرآن است؛ زیرا خدای عزوجل در چند جای از کلام خود، قرآن را «ذکر» نامیده است. براساس این قول، از آنجاکه زبور پیش از قرآن نازل شده، منظور از «بعد» در آیه مبارک، بعدیت رتبی است، نه زمانی.

زبور حضرت داوود علیه السلام یا مزمل یکی از کتاب‌های آسمانی است که در آن بشارت‌ها و حتی تعبیر مشابهی با قرآن کریم وجود دارد. در مزمل ۱۵۰ مزمور وجود دارد که به پیروزی صالحان بر اشرار اشاره یا تصریح دارد. همچنین در زبور تشکیل حکومت واحد

جهانی و تبدیل ادیان و مذاهب گوناگون به دین واحد جهانی را مشاهده می‌کنیم. در مزمور ۳۷، حضرت عیسی علیه السلام ریشه اشرار را منقطع می‌داند و مؤمنان و صالحان را وارث زمین برمی‌شمارد.^۱

«ذکر» در اصل به معنای یادآوری یا چیزی است که سبب تذکر و یادآوری است و در آیات قرآن نیز به همین معنا به کار رفته است. از این رو، بعضی گفته‌اند منظور از «ذکر» قرآن است و «زبور» همه کتاب‌های پیامبران پیشین است، ولی با توجه به تعبیراتی که در این آیه به کار رفته، چنین به نظر می‌آید: منظور از «زبور»، کتاب داوود علیه السلام و منظور از «ذکر» تورات است.

واژه «ارض» هنگامی که نکره به صورت مطلق و بدون قرینه باشد، همه کره زمین را دربرمی‌گیرد. این موضوع (حکومت بر همه زمین) تاکنون محقق نشده است، حتی در حکومت حضرت داوود علیه السلام و سلیمان علیه السلام و خاتم پیامبران علیهم السلام هم هیچ‌کدام بر همه جهان حکومت نداشته‌اند.

علامه طباطبائی رحمته الله در تفسیر المیزان درباره معنای «یرثها» می‌نویسد:

«أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِي الصَّالِحُونَ»؛ «وراثت» و «ارث» به طوری که راغب گفته، به معنای انتقال مالی به توست بدون اینکه معامله‌ای کرده باشی.^۲ منظور از «وراثت زمین» این است که سلطنت بر منافع، از دیگران به صالحان منتقل شود و برکات زندگی در زمین مختص ایشان شود و این برکات دنیایی است که به تمتع صالحان از حیات دنیوی برمی‌گردد که در این صورت، خلاصه مفاد آیه این می‌شود: «به زودی زمین از لوث شرک و گناه پاک شده، جامعه بشری صالح که خدا را بندگی کنند و به وی شرک نورزند، در آن زندگی کنند»؛ چنان که آیه «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ... يَعْبدُونَنِي لَا يَشْرِكُونَ بِي شَيْئاً» از آن خبر می‌دهد، و یا این برکات اخروی است که عبارت از مقامات قربی است که در دنیا برای خود کسب

۱. عهد قدیم، کتاب مزامیر داوود علیه السلام، مزمور ۳۷، ص ۸۵۶، آیات ۱-۱۷ و ص ۸۵۷، آیه ۲۹ و آیات ۳۹-۴۰.

۲. مفردات راغب، ماده وراث.

کردند؛ چون این مقامات هم از برکات حیات زمینی است؛ هرچند خودش از نعیم آخرت است؛ چنان که آیه «وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي صَدَقَنَا وَعْدَهُ وَأَوْرَثَنَا الْأَرْضَ نَتَّبِعُوا مِنَ الْجَنَّةِ حَيْثُ نَشَاءُ» که حکایت کلام اهل بهشت است و آیه «أُولَئِكَ هُمُ الْوَارِثُونَ الَّذِينَ يَرِثُونَ الْفِرْدَوْسَ» به آن اشاره می‌کنند. البته باید بدانیم که چنین استفاده مطلق از زمین، تاکنون برای کسی پیش نیامده است؛ در آینده نیز فقط برای کسانی فراهم خواهد شد که دارای این دو صفت «بندگان صالح» و «بندگان عابد» باشند و آنان وارثان زمین خواهند شد. این امر نیز تاکنون به معنای عام کلمه (همه کره زمین در اختیار بندگان صالح خداوند باشد) اتفاق نیفتاده است.^۱

با توجه به این آیه و آیه پس از آن، این «وراثت زمین» به کسانی تعلق می‌گیرد که دو صفت ممتاز را در خود داشته باشند: اولین صفت «بنده صالح خدا بودن» است. با دقت در آیه مبارک «عِبَادِي الصَّالِحُونَ»، «بنده» به «خدا» اضافه شده و فرموده «بنده من»؛ یعنی باید بنده خدا باشیم، نه بنده نفس و نه بنده دیگران، تا بتوانیم لیاقت استفاده از این موهبت الهی را داشته باشیم. «صالحون» به معنای شایستگی از هر نظر است؛ چراکه صالح یا شایسته بودن، معنایی عام و گسترده است که همه شایستگی‌های علمی، عملی، تقوا، بصیرت و مدیریت را دربرمی‌گیرد.

بنابراین، فقط «مستضعف بودن» نشانه پیروزی بر دشمنان و حکومت روی زمین نخواهد بود، بلکه افزون بر آن، از یک سو، «ایمان» و از سوی دیگر، «کسب شایستگی‌ها» لازم است و طبیعی است مستضعفان جهان تا زمانی که این دو اصل را به دست نیاورند، به حکومت روی زمین نخواهند رسید.

دومین صفت موردنیاز، «بنده خدا بودن» است که با تعبیر «عبادی» و «لِقَوْمٍ عَابِدِينَ» از آن یاد شده است؛ بدین معنا که مطیع و بنده خدا باشند، نه آنکه به هر سو بروند که نفس اماره فرمان دهد، و خود را چنان آزاد بداند که کاری خلاف بندگی خدا انجام ندهد. بنده خدا بودن، یعنی همه وجود از عشق به خدا سرشار باشد. به همین دلیل است که

۱. المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۴، ص ۳۳.

در آیه بعد با «إِنَّ» تأکید می‌کند: «إِنَّ فِي هَذَا لَبَلَاغًا لِّقَوْمٍ عَابِدِينَ»؛ در این سخن ابلاغ روشنی برای گروهی است که خدا را با اخلاص پرستش می‌کنند.

گروهی از مفسران، واژه «هذا» را اشاره به همه وعده‌هایی می‌دانند که در این سوره یا در تمام قرآن آمده است، اما براساس سیاق آیه، «هذا» به همان وعده‌ای اشاره می‌کند که در آیه پیشین به بندگان صالح خدا درباره حکومت داده شده بود.

کلمه «بلاغ» سه معنا دارد: به معنای کافی بودن، به آنچه آدمی به وسیله آن به آرزوی خویش می‌رسد و نیز به معنای بلوغ؛ بنابراین، معنای آیه آشکار خواهد شد. کلمه «هذا» به معارفی اشاره دارد که در سوره بیان شده است.^۱

۲-۲-۱. تأویل آیه

درباره این آیه برخی از مفسران بر این باورند که اگر همه این روایات مبنی بر ظهور و برپایی حکومت عدل مهدی موعود هم وجود نداشت، این آیه به تنهایی دلیل روشنی بر استقرار حکومت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف بود. با وجود این، به بیان چند روایت از شیعه و سنی بسنده می‌شود:

الف. قندوزی در *ینایع المودة* از امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام درباره مصداق قول خداوند تعالی در این آیه روایت می‌کند: مصداق آیه «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ»، حضرت قائم علیه السلام و یاران او هستند: «قالا: هم القائم وأصحابه».^۲

ب. «عن حسين بن محمد بن عبدالله بن الحسن عن أبيه عن أبي جعفر علیه السلام قال: قوله عز وجل «أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ» هم أصحاب المهدى في آخر الزمان؛ به روایت حسین بن محمد بن عبدالله بن حسن از پدرش امام باقر علیه السلام بندگان صالح و

۱. همان، ص ۳۲۹-۳۳۰ و ۳۲۴؛ تفسیر نمونه، ج ۱۳، ص ۵۶۰-۵۷۱.

۲. ینایع المودة، ج ۳، ص ۲۴۳، ح ۲۸؛ عقد الدرر، باب ۷، ص ۲۱۷؛ بحار الأنوار، ج ۹، باب ۱، ص ۲۲، ح ۱۱۱؛ تفسیر القمی، ج ۲، ص ۷۷؛ تفسیر الصافی، ج ۳، ص ۳۵۷؛ المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۴، ص ۳۳۷؛ به همین مضمون در تأویل الآیات الظاهرة، ص ۳۲۶-۳۲۷.

شایسته‌ای که وارثان زمین می‌شوند، یاران مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در آخرالزمان هستند؛^۱ یعنی وارثان زمین بندگان صالح و مؤمن به رهبری عبد صالح خدا، اباصالح المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف هستند.

ج. در تأویل «عبادی الصالحون»، اهل سنت از امامان معصوم علیهم السلام نقل کرده‌اند که مقصود، امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و یاران او هستند. پس تأویل به باطن قرآن در میان اهل سنت نیز بوده است؛ زیرا بزرگان، محدثان و مفسران آنان تنها به تفسیر ظاهر آیه نپرداخته‌اند، بلکه به بطن و تأویل آیه تمسک کرده‌اند. برای نمونه، ابن کثیر از مفسران بزرگ اهل سنت در تفسیر خود درباره مصداق این آیه مبارک می‌نویسد:

يقول تعالى مخبرا عما حتمه وقضاه لعباده الصالحين من السعادة في الدنيا و الآخرة ووراثه الأرض في الدنيا والآخرة؛^۲ خداوند در این آیه مبارک، بر بندگان صالح خود بشارت می‌دهد که در دنیا و آخرت آنان را سعادت‌مند کند و آنان را وارث زمین و بهشت گرداند.

آلوسی روایت دیگری را در تفسیر القرآن الکریم آورده است که مسلم، ابوداود و ترمذی صاحبان سه کتاب از کتاب‌های شش‌گانه صحاح اهل سنت - از قول ثوبان از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل می‌کنند که حضرت فرمود: «إن الله تعالى زوى لى الأرض فرأيت مشارقها و مغاربها و أن أمتى سیبلغ ملکها ما زوى لى منها؛^۳ خداوند برای من زمین را جمع کرد، پس من مشرق‌ها و مغرب‌های آن را مشاهده می‌کردم و امت من زود است که به آن خواهند رسید».

آلوسی پس از نقل اقوال گوناگون درباره این آیه می‌گوید: «وإن قلنا بأن جميع ذلك یکون فى حوزة المؤمنین أيام المهدى عجل الله تعالی فرجه الشریف عنه و نزول عيسى عليه السلام فلا حاجة إلى ما

۱. تأویل الآيات الظاهرة، ص ۳۲۶، مجمع البیان، ج ۷، ص ۶۶؛ تفسیر صافی، ج ۳، ص ۳۵۷؛ مختصر مجمع البیان، ج ۲، ص ۳۴۹؛ تفسیر القمی، ج ۲، ص ۷۷؛ تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، ج ۸، ص ۴۸۰؛ تفسیر منهج الصادقین فی إلزام المخالفین، ج ۶، ص ۱۱۵؛ تفسیر نور الثقلین، ج ۳، ص ۴۶۴؛ خلاصة المنهج، ج ۳، ص ۲۸۸؛ بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۴۷.

۲. تفسیر القرآن العظیم (ابن کثیر)، ج ۵، ص ۳۳۷.

۳. روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، ج ۹، ص ۹۸.

ذکر! اگر بگوییم این آیه، به عصر مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و نزول عیسی علیه السلام مربوط است، به اقوال دیگر نیاز نیست».

صاحب تفسیر مفاتیح الغیب پس از نقل سخنانی که در تفاسیر، «ارث بردن زمین» را به بهشت معنا کرده‌اند، در قول دوم، به این حقیقت اذعان کرده است که «ارث بردن صالحان» در دنیاست و در قول سوم، حتی تصرف «ارض مقدسه» را نیز آورده و آن را در زمان نزول عیسی علیه السلام دانسته که براساس منابع اهل سنت، پس از ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف باز می‌گردد.

و ثانیها: أن المراد من الأرض أرض الدنيا فإنه سبحانه وتعالى سيورثها المؤمنين في الدنيا وهو قول الكلبي وابن عباس في بعض الروايات ودليل هذا القول قوله سبحانه: وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا إِلَى قَوْلِهِ: لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ^۱ وقوله تعالى: قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ اسْتَعِينُوا بِاللَّهِ وَاصْبِرُوا إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ^۲ و ثالثها: هي الأرض المقدسة يرثها الصالحون، ودليله قوله تعالى: وَأَوْثَرْنَا الْقَوْمَ الَّذِينَ كَانُوا يَسْتَزِعِفُونَ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَمَعَارِبَهَا الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا^۳ ثم بالآخرة يورثها أمة محمد صلى الله عليه وآله وسلم عند نزول عيسى بن مريم عليه السلام.

زمخشری از بزرگ‌ترین عالمان اهل سنت، در کشف تصریح می‌کند که امت پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم زمین را به ارث می‌برند: «وعن ابن عباس رضی الله عنه: هي أرض الجنة. وقيل: الأرض المقدسة. ترثها أمة محمد صلى الله عليه وآله وسلم».

در نتیجه، روایاتی که در تأویل این آیه مبارک بیان شد، تصریح دارند به اینکه مهدی صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و یاران ایشان، وارثان همه جهان خواهند شد و بر جهان حکومت خواهند کرد. این حکومت جهانی که در زمان پیامبران و جانشینان ایشان نبوده، در زمان ظهور تحقق پیدا خواهد کرد و حکومت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف مصداق تام و کامل این آیه مبارک است.

۱. همان.

۲. نور: ۵۵.

۳. اعراف: ۱۲۸.

۴. اعراف: ۱۳۷.

۱-۳. منجی آخرالزمان عجله، پیشوای جهانی مستضعفان

«وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ»^۱ اراده ما بر این قرار گرفته است که بر مستضعفان زمین منت بگذاریم و آن‌ها را پیشوایان و وارثان (روی زمین) قرار دهیم».

۱-۳-۱. تفسیر آیه

این آیه مبارک در ادامه داستان قوم موسی علیه السلام است. براساس نظر بیشتر مفسران شیعه و سنی، سیاق آیه و شأن نزول آن درباره قوم بنی اسرائیل است که فرعون به استضعافشان کشیده بود.^۲ ظاهر آیه نیز بر قانونی کلی در عالم دلالت دارد که اراده و مشیت همیشگی خداوند برای مستضعفان تا روز قیامت است؛ چراکه همواره در طول تاریخ، مستکبران به زیردستان خود ستم می‌کردند.

بیدادگری فرعون بیش از حد تصور بود. او بنی اسرائیل را به بردگی گرفته بود و قصد داشت جمعیت بنی اسرائیل را نابود کند. یکی از فرعون‌های مصر برای ساختن قبر خود (هرم معروف «خوفو» که در نزدیکی پایتخت مصر «قاهره» قرار دارد) یکصد هزار برده را در طول بیست سال به کار گرفت و هزاران نفر از آن‌ها را در طول این مدت به ضرب شلاق یا با فشار کار به قتل رساند. فرعون برای نابودی آنان دستور داده بود فرزندان پسرشان را بکشند و دختران را برای خدمتکاری و کنیزی نگاه دارند: «يَسْتَضِعُّ طَائِفَةٌ مِنْهُمْ يَذَبِّحُ أَبْنَاءَهُمْ وَيَسْتَحْيِي نِسَاءَهُمْ»^۳ آن چنان این گروه را به ضعف و ناتوانی کشانید که پسران آن‌ها را سر می‌برید و زنان آن‌ها را برای خدمت زنده نگاه می‌داشت».

در این آیه مبارک با صراحت آمده است که اراده خداوند بر این قرار گرفته تا بر مستضعفان زمین منت گذارد و آن‌ها را پیشوایان و وارثان روی زمین قرار دهد؛ اگرچه

۱. قصص: ۵.

۲. الکشاف، ج ۳، ص ۳۹۲؛ مجمع البیان، ج ۷، ص ۳۷۴-۳۷۵؛ مفاتیح الغیب، ج ۲۴، ص ۵۷۷-۵۷۹؛ تفسیر القرآن العظیم (ابن کثیر)، ج ۶، ص ۱۹۸-۱۹۹؛ المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۶، ص ۸-۱۰؛ فی ظلال القرآن، ج ۵، ص ۲۶۷۴؛ الدر المنثور فی تفسیر المأثور، ج ۵، ص ۱۲۰-۱۲۱.

۳. قصص: ۴.

فرعون و مانند او ادعای خدایی کرده و می‌کنند، ولی اراده خداوند بر همه اراده‌ها غلبه می‌کند.

هدف خداوند از بیان مشکلات قوم بنی‌اسرائیل قصه‌گویی نیست، بلکه برای عبرت گرفتن ما از سرگذشت آن‌هاست. مفسران بزرگ معتقدند هر آیه‌ای در قرآن که داستان قومی را بیان می‌کند، نباید در آن مورد خاص محصور شود. این مفاهیم جامع را که برای همه اعصار و قرون است، باید بر مصداق‌های کلی‌تر و وسیع‌تر تطبیق کنیم.

برای مثال، در داستان فرعون و بنی‌اسرائیل، خداوند قانون کلی اراده و مشیت الهی را برای مستضعفان تا قیامت بیان می‌فرماید. مستکبران عالم همه توان خود را در بهره‌کشی و استثمار مستضعفان به کار می‌گیرند و زندگی خود را در نابودی آنان می‌دانند، اما خداوند برخلاف خواست آنان اراده کرده است تا مستضعفان را به پیشوایی زمین برساند.

برای فهم بهتر، معنای واژه‌های این آیه را بررسی می‌کنیم: واژه «نرید» با صیغه مضارع -که بر استمرار دلالت دارد- آمده است تا به ما بفهماند این سنت و اراده دائمی و حتمی تا قیام قیامت پابرجاست. ممکن است نمونه پیروزی مستضعفان بر مستکبران در بنی‌اسرائیل به دست حضرت موسی علیه السلام اتفاق افتاده باشد، ولی نمونه کامل آن در حکومت عدل جهانی است که در آخرالزمان محقق می‌شود.

کلمه «الْمَنْ» در مفردات راغب به این صورت توضیح داده شده است:

«الْمِنَّةُ: النِّعْمَةُ الثَّقِيلَةُ؛ منت به معنای نعمت سنگین است» و به همین دلیل، پیش از این «مَنْ» به عنوان واحد وزن استفاده می‌شد. اینکه کسی بر دیگری منت نهاد؛ یعنی او را از نعمت گران بار کرد. این کلمه به دو شکل استفاده می‌شود: ۱. منت عملی، مانند آیه «وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا»؛ می‌خواهیم به آنان که در زندگی ضعیف شمرده شده‌اند، نعمتی بدهیم که از سنگینی آن گران بار شوند و این منت خدا، همان نعمت‌های سنگین و ارزشمندی است که به انسان‌ها داده است. ۲. منت قولی و زبانی، مانند آیه «يُمْنُونَ عَلَيْكَ أَنْ أَسْلَمُوا؛ بر تو منت می‌نهند که مسلمان شده‌اند» و این منت

زبانی به قصد تحقیر و از جمله کارهای زشت و ناپسند است.^۱
«مستضعف» از ماده ضعف است: «وَالضَّعْفُ خِلَافُ الْقُوَّةِ»^۲ ضعف خلاف قوت است.^۳

طریحی در التحقيق فی کلمات القرآن الکریم می نویسد: «فالمستضعف بصيغة المفعول يقابله المستكبر بصيغة الفاعل، والمستكبر هو الذي استضعف وطلب ضعف الضعيف»^۴ استضعاف آن است که کسی ضعف شخصی را طلب کند و مستضعف کسی است که ضعیف شمرده شده است». بنابراین، واژه «مستضعف» چون به باب «استفعال» رفته است، به کسی گفته می شود که او را به ضعف کشانده اند، نه اینکه در ذات خود ضعیف باشد. به عبارت دیگر، مستضعف به کسی گفته می شود که توان بالقوه دارد، ولی مستکبران مانع به فعلیت رسیدن آن می شوند. مستضعف گونه های مختلفی دارد: فکری، فرهنگی، اقتصادی، اخلاقی و سیاسی. آنچه قرآن بیشتر بر آن تأکید می کند، مستضعف سیاسی و اخلاقی است.

جباران مستکبر برای تحکیم پایه های سیاست ظالمانه خود، پیش از هر چیز قربانیان خود را به استضعاف فکری و فرهنگی می کشانند و سپس آنان را از نظر اقتصادی استثمار می کنند تا قدرتی برای آن ها باقی نماند و به فکر قیام بر ضد حکومت نیفتند.

در قرآن مجید، در پنج مورد از «مستضعفین» سخن به میان آمده است که عموماً زیر فشار جباران قرار داشتند. قرآن، همه جا به حمایت از مستضعفان برخاسته، از آن ها به نیکی یاد کرده و آن ها را مؤمنانی مجاهد، تلاش گر و زیر فشار ظلم و ستم دانسته است که مشمول لطف خدا هستند. در این آیه، خداوند براساس اراده و مشیت خود، مستضعفان را مشمول نعمت های خود، رهبری، وارث حکومت مستکبران و رسیدن آنان به حکومت جهانی دانسته است.^۵

۱. المفردات فی غریب القرآن، ص ۷۷۷؛ رک. المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۶، ص ۸-۱۰.

۲. المفردات فی غریب القرآن، ص ۵۰۶.

۳. التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۷، ص ۳۲.

۴. المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۶، ص ۸-۱۰؛ تفسیر نمونه، ج ۱۶، ص ۲۵-۳۴.

«ائمه»: امام به معنای پیشوا، شامل پیشوای هر گروهی هر چند کوچک می‌شود که به کاری مشغول هستند؛ اگرچه معصوم نباشند، ولی امام معصوم به معنای واقعی فقط ائمه هدی علیهم‌السلام را در بر می‌گیرد.

۲-۳-۱. تأویل آیه

در تأویل این آیه باید گفت براساس روایات اهل سنت و شیعیان، این آیه بشارتی برای تمامی مستضعفان جهان در طول تاریخ است.

الف. یوسف و فرزندان او

اهل سنت، تأویل را در برابر سیاق، شأن نزول و ظاهر آیه قبول دارند. برای مثال، در همین آیه مبارک، سیوطی با پذیرفتن ظاهر و سیاق آیه که درباره قوم بنی اسرائیل است، تأویل آیه را چنین بیان می‌کند:

أخرج ابن أبي شيبة وابن المنذر وابن أبي حاتم عن علي بن أبي طالب عليه السلام في قوله «وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ» قال يوسف وولده؛ في الدر المنثور؛ در الدر المنثور است که ابن ابی شیبہ، ابن منذر و ابن ابی حاتم از علی بن ابی طالب علیه السلام روایت کرده‌اند که ذیل آیه «وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ»، فرموده: «مستضعفین فی الارض» عبارت است از یوسف و فرزندان^۱.

از این نوع استفاده سیوطی از آیه که تفسیر به ظاهر قرآن نیست و به نوعی تأویل و بطن قرآن است، چنین برمی‌آید که تأویل نزد بزرگان و مفسران اهل سنت امری معتبر است. علامه طباطبائی در این باره، پس از نقل قول زمخشری می‌نویسد: «شاید منظور همان بنی اسرائیل باشند؛ وگرنه ظهور آیه برخلاف معنای یوسف و فرزندان^۲ش معلوم است».

ب. پیشگویی آیه درباره امامان معصوم علیهم‌السلام تا روز قیامت

روایات شیعی براساس جری (تطبیق کلام کلی بر مصادیق)، این آیه را بر ائمه

۱. الدر المنثور فی تفسیر المأثور، ج ۵، ص ۲۰.

۲. المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۶، ص ۱۴.

هدی علیه السلام و حجة بن الحسن علیهما السلام تطبیق کرده‌اند که برخی از این روایات در ادامه بررسی می‌شود.

۱. در معانی الأخبار از محمد بن سنان از مفضل بن عمر، روایت شده است:
سمعت أبا عبد الله عليه السلام يقول إن رسول الله صلى الله عليه وآله نظر إلى علي والحسن والحسين عليهم السلام فبكى وقال أنتم المستضعفون بعدى قال المفضل فقلت له ما معنى ذلك يا ابن رسول الله قال: معناه إنكم الأئمة بعدى إن الله عز وجل يقول: «وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ»؛ فهذه الآية جارية فينا إلى يوم القيامة؛^۱ از امام صادق عليه السلام شنیدم که می‌فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله نگاهی به علی و حسن و حسین علیهم السلام کرد، گریست و فرمود: شما پس از من مستضعف خواهید شد. مفضل می‌گوید عرضه داشتم: معنای این کلام رسول خدا چیست؟ فرمود: معنایش این است که پس از من شما امام هستید؛ چون خداوند عزوجل می‌فرماید: «وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ». پس این آیه تا روز قیامت درباره ما جریان دارد و این پیشوایی تا روز قیامت در ما جاری است.
۲. امام علی بن ابی طالب علیه السلام درباره این آیه می‌فرماید: «هُمُ آلُ مُحَمَّدٍ يَبْعَثُ اللَّهُ مَهْدِيَهُمْ بَعْدَ جَهْدِهِمْ قِيَعُهُمْ وَيَذِلُّ عَدُوَّهُمْ؛ این افراد خاندان پیامبر هستند که خداوند مهدی آنان را پس از انکارشان برمی‌انگیزد، به آنان عزت می‌دهد و دشمنانشان را خوار و ذلیل می‌کند».^۲

۳. در تفسیر قمی ذیل آیه «وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ أِمْرِ تَمُوسَىٰ...» گفته شده است: پدرم از حسن بن محبوب، از علاء بن رزین، از محمد بن مسلم، از ابی جعفر امام باقر علیه السلام برایم نقل کرد:

وقتی مادرش به او حامله شد، اثر حملش ظاهر نگشت تا هنگام متولد شدنش و فرعون زنانی از قبط را بر زنان بنی اسرائیل مأمور کرده بود تا آنان را

۱. معانی الأخبار، ص ۷۹، ح ۱؛ شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۵۵۵، ح ۵۸۹.

۲. ينابيع المودة، ص ۴۳۷؛ الغيبة طوسی، ص ۱۸۴، ح ۱۴۳؛ بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۵۴، ح ۳۵ و ج ۵۱، ص ۶۳، ح ۶۴؛ منتخب الأنوار المضيئة، ص ۱۷؛ منتخب الأثر، ج ۲، ص ۲۹.

زیر نظر بگیرند که کدام یک حامله است تا گزارش دهند و این به آن دلیل بود که به او خبر رسید که بنی اسرائیل گفته‌اند: فرزندی به نام موسی بن عمران در میان ما به وجود می‌آید و طومار زندگی و حکومت فرعون و یارانش به دست او در هم می‌پیچد. در آن هنگام فرعون سوگند خورد که از این به بعد هر فرزند پسری را که برای آنان به دنیا آید، می‌کشم تا آنچه آنان می‌خواهند انجام نشود و برای همین در میان مردان و زنان ایشان جدایی انداخت و مردان را زندانی کرد.^۱

شیخ صدوق در کمال‌الدین و تمام النعمة و نیز قندوزی حنبلی و دیگران روایت ولادت آن حضرت را چنین نقل کرده‌اند:

قالت حكيمة قرأت على أمة نرجس وقت ولادته التوحيد والقدر وآية الكرسي فأجابني من بطنها بقراءة ثم وضعتني ساجدا إلى القبلة فأخذه أبوه وقال انطق بإذن الله فتعوذ وسمي وقرأ «وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ» الآيتين وصلى على محمد وعلى وفاطمة والأئمة واحدا واحدا باسمه إلى آخرهم؛^۲ حكيمة خانم می‌فرماید: در وقت ولادت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف من سوره توحيد، قدر و آية الكرسي را برای مادرش نرجس خواندم. پس، از داخل شکم مادر قرائت من را پاسخ داد. سپس او را به سوی قبله نهادم و پدرش او را گرفت و فرمود: نام خدا و اعوذ را قرائت کن و این آیه را قرائت کرد: «وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ» و صلوات بر محمد صلی الله علیه و آله، علی علیه السلام، فاطمة علیها السلام و نام تمامی ائمه علیهم السلام را تا آخر آنان (قائم آل محمد عجل الله تعالی فرجه الشريف) شمرد.

۴. ربیعة بن ناجد از علی بن ابی طالب علیه السلام نقل می‌کند که حضرت فرمود:

ليعطفن علينا (الدنيا) عطف الضروس على ولدها ثم قرأ وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ الآية؛^۳ دنیا پس از چموشی و سرکشی، همچون شتری که از دادن شیر به دوشنده‌اش خودداری می‌کند و آن را برای بچه‌اش نگاه

۱. المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۶، ص ۱۵-۱۶.

۲. کمال‌الدین و تمام النعمة، ج ۲، باب ۴۱، ح ۱ و ۲؛ الصراط المستقیم، ج ۲، ص ۲۱۰، ح ۱؛ ینابیع المودة، ص ۴۵۰.

۳. شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۱۹، ص ۲۹؛ نهج البلاغه، کلمات قصار، ش ۲۰۹؛ شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۵۵۶ و ۵۹۰؛ تأویل الآیات الظاهرة، ص ۴۰۷؛ بحار الأنوار، ج ۲۴، ص ۱۷۰، ح ۵ و ۶.

می دارد، به ما روی می آورد، سپس آیه «وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ» را تلاوت کرد.
«الضروس» به شتری گویند که در آغاز بچه خود را شیر نمی دهد و سرکشی و لگدپرانی می کند، ولی سرانجام به وی میل و عطوفت می کند.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: «بزرگان دینی و هم فکran ما بر این واقعیت تصریح می کنند که این بیان امیرمؤمنان علیه السلام، نوید از آمدن امام و پیشوای بزرگی است که فرمانروای زمین و زمان می شود و همه کشورها در قلمرو قدرت او قرار می گیرند»^۱.

۵. در تفسیر البرهان از عالم حنفی شیبانی از کشف البیان، از امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام نقل می کند که این دو بزرگوار فرمود:

إِنَّ هَذِهِ الْآيَةَ مَخْصُوصَةٌ بِصَاحِبِ الْأَمْرِ الَّذِي يَظْهَرُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ وَيُبِيدُ الْجَبَابِرَةَ وَ الْفِرَاعِنَةَ وَيَمْلِكُ الْأَرْضَ شَرْقًا وَ غَرْبًا فَيَمْلَأُهَا عَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ جَوْرًا^۲؛ همانا این آیه به صاحب امری مخصوص است که در آخرالزمان ظهور کرده، جباران و فرعونیان را نابود خواهد کرد و شرق و غرب زمین را مالک می شود. پس زمین را از عدل و داد پر می کند؛ همان گونه که از ظلم پر شده است.

۴-۱. امام جلوه حق و نابودکننده باطل

در قرآن کریم می خوانیم: «وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا»^۳ و بگو: حق آمد و باطل نابود شد؛ به طور یقین باطل، نابودشدنی است».

تفسیر آیه: در آیات پیشین، خداوند به راست گویی و توکل بر خدا برای پیروزی حق بر باطل اشاره می فرماید. در این آیه نیز به پیروزی قطعی حق بر باطل تصریح می کند؛ زیرا خداوند در این آیه به پیامبرش بشارت می دهد که به آنان بگو: حق آمد و باطل نابودشدنی است؛ چراکه به یقین، باطل همانند کف روی آبی می ماند که نابودشدنی است.

۱. شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۱۹، ص ۲۹.

۲. البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۴، ص ۲۵۴؛ الغیبة طوسی، ص ۱۸۴؛ ینابیع المودة، ص ۴۵۰؛ بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۵، ح ۳۴ و ۳۵.

۳. اسراء: ۸۱.

۱-۴-۱. تفسیر آیه

طبرسی در تفسیر مجمع‌البیان در معنای «إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا» می‌نویسد: «باطل ثبات ندارد و سرانجام تباه می‌شود».^۱ تفسیر جوامع الجامع معنای «كَانَ زَهُوقًا» را چنین بیان می‌کند: «باطل مضمحل می‌شود و دیگر ثابت نیست».^۲ همچنین گفته‌اند: «شُرک و شیطان از بین برود» و در ادامه می‌نویسد: «أَيُّ شَانِهِ أَنْ يَكُونَ مَضْمَحَلًّا غَيْرَ ثَابِتٍ؛ يَعْنِي أَصْلًا شَأْنُ بَاطِلٍ، أَوْ مِنْ رَفْتِنِ اسْتِ».^۳ به عبارت دیگر، خداوند اصلی کلی و سنتی همیشگی را مطرح می‌کند که اگرچه باطل چند صباحی جولان می‌دهد، همانند کف روی آب تهی و از بین رفتنی است و عاقبت، این حق است که پیروز و جاویدان می‌ماند. طبیعت باطل این است که سرانجام آن، نابودی و فناست؛ زیرا «إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا». بنابراین، براساس این کلام خدای تعالی ممکن است باطل مدتی عرض اندام کند، ولی چون میان تهی، ساختگی، بی‌ریشه و غیر واقعی است و اصولاً با سنت الهی و قوانین هستی ناهماهنگ است، نابودشدنی خواهد بود، اما حق برخلاف باطل، واقعی، همراه با راستی، درستی، دارای عمق و ریشه و هماهنگ با قوانین آفرینش است و چنین چیزی باید باقی بماند.

پیروان حق به سلاح ایمان، منطق، وفای به عهد، صدق حدیث، فداکاری، گذشت و آمادگی برای جانبازی تا مرز شهادت متکی هستند، نور آگاهی قلبشان را روشن کرده است، از هیچ چیز جز الله نمی‌ترسند، به غیر او متکی نیستند و همین رمز پیروزی آن‌هاست.

باطل همچون حباب است: «فَأَمَّا الرَّيْدُ فَيَذْهَبُ جُفَاءً وَأَمَّا مَا يَنْفَعُ النَّاسَ فَيَمْكُثُ فِي الْأَرْضِ»^۴ کف‌های روی آب چشمکی می‌زند، غوغایی می‌کند و خاموش می‌شود و آب می‌ماند که سبب حیات است».

۱. مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن، ذیل همین آیه.

۲. تفسیر جوامع الجامع، ج ۲، ص ۳۴۳.

۳. تفسیر روح‌البیان، ج ۵، ص ۱۹۴.

۴. تفسیر نمونه، ج ۱۲، ص ۲۶۱.

۲-۴-۱. تأویل آیه

در روایات امامان معصوم علیهم السلام به این واقعیت اشاره شده است که دولت باطل از بین می‌رود و در آخرالزمان، همه حکومت‌های باطل نابود می‌شوند.

الف. در تفسیر برهان روایتی از امام باقر علیه السلام در تأویل این آیه آمده است: «فِي قَوْلِهِ عَزَّ وَجَلَّ وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ قَالَ إِذَا قَامَ الْقَائِمُ عَلَيْهِ السَّلَام ذَهَبَتْ دَوْلَةُ الْبَاطِلِ؛ امام در معنا و تأویل این آیه مبارک فرمود: هنگامی که قائم آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم قیام کند، دولت باطل می‌رود».

در بعضی از روایات «ذَهَبَتْ» به صورت متعدی «اَذْهَبَتْ» آمده است؛ یعنی دولت باطل از بین برده می‌شود.

از این روایت که در تأویل این آیه مبارک آمده، چنین استفاده می‌شود که حق و باطل نمی‌توانند با یکدیگر جمع شوند.

ب. در روایت دیگری حکیمه خاتون، قابله حضرت می‌گوید: زمانی که مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف تولد یافت، بر بازوی راستش این جمله نقش بسته بود: «جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا»^۱.

ج. کلینی در اصول کافی از ابواسحاق نقل می‌کند که گفت: فرد مطمئنی از یاران علی علیه السلام برایم حدیثی نقل کرد که امام در خطبه‌ای درباره یاران حضرت و بشارت به منتظران فرمود:

عَنْ أَبِي إِسْحَاقَ قَالَ حَدَّثَنِي الثَّقَلَانِ مِنَ أَصْحَابِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِمَا السَّلَام أَنَّهُمْ سَمِعُوا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَام يَقُولُ فِي خُطْبَةٍ لَهُ... مُنْتَظِرُونَ لِدَوْلَةِ الْحَقِّ وَسَيَحِقُّ اللَّهُ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ وَيَمْحَقُ الْبَاطِلَ هَا هَا طُوبَى لَهُمْ عَلَى صَبْرِهِمْ عَلَى دِينِهِمْ فِي حَالِ هُدْنَتِهِمْ وَبِأَسْوَاقِهِمْ إِلَى رُؤْيَيْهِمْ فِي حَالِ ظُهُورِ دَوْلَتِهِمْ وَسَيَجْمَعُنَا اللَّهُ وَإِيَاهُمْ فِي جَنَّاتٍ عَدْنٍ وَ

۱. البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۵۷۶؛ کافی، ج ۸، ص ۲۸۷، ح ۴۳۲؛ شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۴۵۳، ح ۴۸۰؛ بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۶۲، ح ۶۲؛ القرآن وفضایل أهل البيت، ص ۲۹۱.

۲. تفسیر نور الثقلین، ج ۳، ص ۲۱۳، ش ۴۱۰ به نقل از: الخرائج و الجرائح؛ الغيبة للطوسی، ص ۲۳۹؛ کشف الغمة، ج ۲، ص ۴۹۸؛ الصراط المستقیم، ج ۲، ص ۲۱۰، ح ۱؛ بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۱، ح ۲۷.

مَنْ صَلَحَ مِنْ آبَائِهِمْ وَأَزْوَاجِهِمْ وَذُرِّيَّاتِهِمْ؛^۱ ابواسحاق گوید: موثقان از اصحاب امیرمؤمنان علیه السلام برایم گفتند: شنیدند که امیرمؤمنان در یکی از خطبه‌های خود می‌فرمود: آنان همیشه در انتظار دولت حق نشسته‌اند و خدا به زودی حق را به کلمات خود محقق می‌کند و باطل را از بین می‌برد؛ های‌های! خوشا به حالشان! که در زمان صلح و آرامش بر دینشان شکیبایی ورزیدند. هان از اشتیاق به دیدارشان! خداوند در زمان ظهور دولتشان، ما، ایشان، پدران، همسران و فرزندان نیکوکارشان را در بهشت برین جمع خواهد کرد.

براساس تفسیر و تأویل این آیه، قانون کلی هستی بر این تعلق دارد که ممکن است باطل همچون حباب روی آب چند صباحی جولان دهد، ولی سرانجام از بین خواهد رفت. در آخرالزمان، مهدی موعود علیه السلام که مصداق واقعی حق است، با ظهور خود ریشه باطل را می‌خشکاند و دولت حق را ظاهر می‌کند.

باید گفت این آیه و روایات، در امام زمان علیه السلام منحصر نبوده است و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز مصداق آن است، ولی روشن‌ترین مصداق این آیه و روایات، مهدی موعود علیه السلام است. او دولت حق و عدالت را در همه جهان برپا می‌کند و باطل، یعنی همه شرک و مشرکان مستکبر را از بین می‌برد.

۵-۱. نور امام زمان علیه السلام در آخرالزمان

در قرآن کریم آمده است: «وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا؛ و زمین (در آن روز) به نور پروردگارش روشن می‌شود».^۲

۱-۵-۱. تفسیر آیه

راغب درباره معنای «أَشْرَقَتِ» در مفردات می‌نویسد: «أَشْرَقَتْ: أَضَاءَتْ؛ یعنی تایید و درخشید».^۳ علامه طباطبائی درباره منظور از «وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا...؛ اشراق زمین به نور پروردگار» می‌نویسد:

۱. اصول کافی، ج ۱، ص ۳۳۵، ح ۳.

۲. زمر: ۶۹.

۳. المفردات فی غریب القرآن، ص ۴۵۱.

«اشراق الارض» به معنای نورانی شدن زمین است و معنای کلمه «نور» معروف است. البته این کلمه در کلام خدای تعالی در بسیاری موارد به همان معنای معروف، یعنی نور حسی آمده و در بعضی موارد به عنایتی بر ایمان و بر قرآن نیز اطلاق شده است و آن عنایت این است که ایمان و قرآن حقایق را برای دارنده‌اش روشن می‌کند که اگر ایمان و قرآن نبود، به آن حقایق دست نمی‌یافت.^۱

ایشان سپس وجوهی را از تفسیر روح المعانی نقل می‌کند. در ادامه سه دیدگاه از دیدگاه‌های مفسران درباره منظور از اشراق و روشنایی به نور الهی در این آیه مبارک بیان می‌شود:

۱. جمعی گفته‌اند منظور از «نور رب»، حق و عدالت است که خداوند صفحه زمین را در آن روز با آن نورانی می‌کند.

علامه مجلسی در بحار الأنوار می‌گوید: «أَيُّ أَضَاءَتِ الْأَرْضُ بِعَدْلِ رَبِّهَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ لِأَنَّ نُورَ الْأَرْضِ بِالْعَدْلِ؛ زمین به عدل پروردگار در روز قیامت روشن می‌شود؛ زیرا نور زمین به عدالت است».

بعضی دیگر، حدیث معروف نبوی را بر این معنا شاهد گرفته‌اند؛ آنجا که می‌گوید: «الظُّلُمُ ظُلُمَاتُ يَوْمِ الْقِيَامَةِ؛ ظلم در قیامت در صورت تاریکی و ظلمت مجسم می‌شود».

زمخشری در کشاف نیز همین معنا را می‌گزیند و می‌گوید: «در آن روز، زمین از اقامه عدل و گسترش قسط در حساب و ارزیابی حسنات و سیئات روشن می‌شود».^۲

۲. بعضی دیگر معتقدند غیر از نور خورشید و ماه اشاره به نوری است که خداوند چنین نوری را فقط مخصوص آن روز می‌آفریند.

۳. علامه طباطبائی می‌گوید:

۱. المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۷، ص ۲۹۴.

۲. همان، ص ۲۹۵.

منظور از روشن شدن زمین به نور پروردگار که از ویژگی‌های روز قیامت است، همان انکشاف غطاء و کنار رفتن پرده‌ها و حجاب‌ها، ظاهر شدن حقایق اشیاء و اعمال انسان‌ها از خیر و شر و اطاعت و عصیان و حق و باطل است. سپس به آیه ۲۲ سوره قاف بر این معنا استدلال می‌کند: «لَقَدْ كُنْتَ فِي غَفْلَةٍ مِّنْ هَٰذَا فَكَشَفْنَا عَنْكَ غِطَاءَكَ فَبَصَرُكَ الْيَوْمَ حَدِيدٌ؛ تو در غفلت از این موضوع بودی، ما پرده را از جلوی چشمت کنار زدیم و امروز چشمت به خوبی می‌بیند».

درست است که این اشراق الهی، در آن روز همه چیز را دربرمی‌گیرد، ولی آوردن واژه «زمین» در این میان، به آن دلیل است که هدف اصلی، بیان حال مردم روی زمین در آن روز است.

این تفسیرها با یکدیگر مخالفتی ندارند و قابل جمع خواهند بود؛ هرچند تفسیر اول و سوم مناسب‌تر به نظر می‌رسد.^۱

۲-۵-۱. تأویل آیه

امامان معصوم علیهم‌السلام برخلاف ظاهر آیه که مفسران آن را به معنای روز قیامت می‌دانند، تأویل آیه را «تجلی نور خدا در زمین» معنا کرده‌اند.

الف. در آخرالزمان، با نور امام زمان علیه‌السلام بی‌نیاز از خورشید

علی بن ابراهیم بن هاشم قمی در تفسیر قمی از مفضل بن عمر نقل می‌کند که امام صادق علیه‌السلام در معنای این آیه می‌فرمود:

فی قوله: «وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا» قال رب الأرض یعنی إمام الأرض، فقلت فإذا خرج یكون ما إذا قال إذا يستغنی الناس عن ضوء الشمس ونور القمر و یجتزون بنور الإمام؟ رب الأرض، یعنی امام أرض، و هرگاه ظهور کند، مردم از نور

۱. المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۷، ص ۲۹۴-۲۹۷؛ تفسیر نمونه، ج ۱۹، ص ۵۶۸-۵۶۹، به نقل از کتاب الإرشاد، تفسیر صافی، نور الثقلین.

۲. تفسیر قمی، ج ۲، ص ۲۵۳؛ به همین مضمون با کمی اختلاف در تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، ج ۱۱، ص ۳۳۸؛ تفسیر اثناعشری، ج ۱۱، ص ۲۷۰ به نقل از الإرشاد، ص ۳۶۳؛ بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۳۰؛ تفسیر نور الثقلین، ج ۴، ص ۵۰۴؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۴، ص ۷۳۳، ح ۹۲۹۳/ [۱].

آفتاب و ماه بی نیاز می شوند و به نور امام اکتفا می کنند.

ب. امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و روشنی زمین

علامه حافظ سلیمان قندوزی در *ینابیع المودة* به سند خود نقل می کند: امام رئوف علی بن موسی الرضا علیه السلام در جایی که از مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف یاد شده بود، این آیه مبارک را هنگام خروج مثال زدند؛ یعنی تأویل این آیه در زمان ظهور است: قال: عن أبي الحسن علي بن موسى الرضا عليه السلام - في حديث ذكر فيه (المهدي) وإنه الرابع من ولده - إلى أن قال - فإذا خرج. «وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا»^۱.

ج. امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و روشنی زمین به نور عدالت

ابن عربی در تفسیر این آیه مبارک می نویسد:

أَشْرَقَتِ أَرْضُ النَّفْسِ حِينَئِذٍ بِنُورِ رَبِّهَا وَ اتَّصَفَتْ بِالْعَدَالَةِ الَّتِي هِيَ ظِلُّ شَمْسِ الْوَحْدَةِ وَالْأَرْضُ كُلُّهَا فِي زَمَنِ الْمَهْدِيِّ عجل الله تعالی فرجه الشریف بِنُورِ الْعَدْلِ وَالْحَقِّ؛^۲ زمینِ نفس، در این زمان به نور پروردگار آن روشن می شود و به عدالتی که آن سایه خورشید وحدت است، متصف، و تمامی زمین در زمان مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به نور عدل و عدالت روشن می شود.

ای نور خدا جهان به خود روشن کن وز آمدنت پهن زمین گلشن
کن افسوس که من نگشته ام آماده خود آی و مرا رها ز قید من کن

بنابراین، به نظر امامان معصوم علیهم السلام در تأویل این آیه، امام نور خداست و مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف پس از ظهور خود جهان را روشن می کند.

آیات فراوان دیگری نیز درباره مهدی صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف به وسیله مفسران واقعی قرآن تفسیر و تأویل شده است که برای پرهیز از طولانی نشدن کلام، فقط نام کتاب های مربوط را بیان و از آوردن همه آن آیات پرهیز می کنیم. حضرت امام خامنه ای علیه السلام چه زیبا این معنا را بیان فرموده اند:

۱. ینابیع المودة، ص ۴۴۸.

۲. تفسیر ابن عربی، ج ۲، ص ۶.

اولیا، فرشتگان الهی، جبرئیل و میکائیل، شیعه و سنی، همه و همه منتظر ظهور هستند تا مصلح جهان ظهور کند؛ به‌ویژه در این چند سال اخیر جنبش خودجوشی در سراسر گیتی و در همه ملت‌ها و مذاهب برای ظهور برپا شده است. چنان‌که پیش از این گفته شد، براساس اعتقاد مسیحیان، این جنبش‌ها به دلیل گذر از سال ۲۰۰۰ میلادی با سرعتی وصف‌ناپذیر در حال شکل‌گیری برای ظهور عیسی علیه السلام است. همان عیسی بن مریم علیه السلام که بنابر روایات معتبر شیعه و سنی، هم‌زمان با مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف ظهور و در بیت المقدس به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف اقتدا می‌کند و بنابراین، همه جهان چشم‌انتظار و مشتاق ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف هستند.

سیر شتابان افراد مشتاق برای ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در ایران اسلامی به‌طور عموم و در مراکز علمی، فرهنگی به‌طور ویژه و مهم‌تر از همه در «حوزه علمیه مبارکه قم» شتاب بیشتری به خود گرفته است.

امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف همان وجود نازنینی است که به دستور امام هادی علیه السلام هیچ‌کس حتی نام مبارکش را از ترس جان بر زبان جاری نمی‌کرد. صدها سال است که شیعیان برای تقیه نام شریف مهدی فاطمه عجل الله تعالی فرجه الشریف را بر لب نمی‌آوردند یا اگر بگویند، حتماً باید به‌طور پنهانی و به‌صورت رمز (م. ح. م. د) باشد.

در این چند سال اخیر می‌بینیم که در هر مکان، کوچه و خیابانی، نام زیبا و دل‌گشای مهدی صاحب‌الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را به روش‌های گوناگون (محمد بن الحسن العسکری، بقیه الله، ابا صالح المهدی، امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، مصلح جان و جهان و ...) نه‌تنها بر زبان می‌آورند، که آن را فریاد می‌کنند.

امروز، بر در هر خانه، مغازه و پشت هر خودرویی دعای «اللهم عجل لولیک الفرج» می‌درخشد. امروز، انتظار همه کشورهای جهان را شاهد هستیم. همه منتظر مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف، مصلح جهان، فریادرس بینوایان و دردمندان هستند. او که فرزند خاتم پیامبران صلی الله علیه و آله و علی بن ابی طالب علیه السلام و فاطمه زهرا علیها السلام و امامان از نسل امام حسین علیه السلام است و خود نیز خاتم اوصیا به‌شمار می‌آید.

امروز، دشمنان خونخوار و تادندان مسلح نظامی و فرهنگی آشکارا به مزدوران خود دستور می‌دهند تا در مصاحبه‌های خود با مراکز خبررسانی وابسته به صهیونیسم جهانی، با صراحت تمام مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف را تکذیب کنند و حتی منکر او شوند؛ زیرا در غیر این صورت، جیره و مواجب این مزدوران دین فروش را قطع می‌کنند و این خود بزرگ‌ترین دلیل ترس صهیونیسم جهانی و آمریکا از مصلح عالم، ابی‌صالح المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است.

امروز، شاهد هستیم که شیعیان دعای ندبه را - که دعای فراق و هجران، درخواست پایان بخشیدن به این دوری و نیز تمثای ظهور است - با شکوه فراوان در هر صبح جمعه می‌خوانند؛ به ویژه آنکه این دعا، در اعیاد چهارگانه (فطر، قربان، غدیر و روز جمعه) با عظمت بیشتری بر پا می‌شود.

امروز، شاهد هستیم که دعای امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف «اللهم کن لولیک الحجة...» در سخنرانی‌ها، قنوت‌های نماز و پس از اقامه نماز به صورت انفرادی یا به جماعت خوانده می‌شود. امروز، شاهد هستیم که دعای عهد، دعای افتتاح و دعاهایی که به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف مربوط است، به فراوانی خوانده می‌شود. امروز، شاهد هستیم که در محافل گوناگون، انجمن‌ها، مؤسسه‌ها، مراکز تخصصی مهدویت و صدا و سیما، نام مهدی فاطمه عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌درخشد و درباره او به بحث و گفت‌وگو می‌پردازند. امروز، شاهد هستیم که کتاب‌های بسیار ارزشمندی درباره وجود نازنین بقیه الله عجل الله تعالی فرجه الشریف منتشر می‌شود و حتی ناشرانی هستند که فقط کتاب‌هایی را چاپ می‌کنند که درباره آن وجود عزیز نوشته شده باشد.

همه مراکز موجود با عناوین گوناگون مهدویت، اجلاس‌ها، سمینارها، کنگره‌ها و کنفرانس‌های فراوان و پر محتوا با حضور اساتید فن (حوزه و دانشگاه)، مراکز پاسخ‌گویی به سؤالات مهدویت، نشان‌دهنده عمق و شدت علاقه مردم به این مقوله است.

مسجد مقدس جمکران از چند دهه گذشته با شتاب زیادی گسترش یافته، ساختمان‌سازی آن با کمک‌های مردمی انجام شده است و حرکت سیل خروشان افراد

مشتاق به این مسجد در ایام هفته، به ویژه شب‌های چهارشنبه بشارت می‌دهد که ظهور نزدیک است. آری، یار بی‌پرده در تجلی است: «فَاغْتَبِرُوا يَا أُولِيَ الْأَبْصَارِ».

به تعبیری، ظهور مانند غیبت صغری و غیبت کبری قابل تقسیم است و به ظهور صغری و کبری تقسیم می‌شود. به یقین می‌توان ادعا کرد که امروز «عصر ظهور» است و بیشتر نشانه‌های غیر حتمی ظهور تحقق یافته و ظهور صغری محقق گشته است. مفضل از امام صادق علیه السلام درباره زمان ظهور پرسید و حضرت فرمود:

قَالَ الْمُفَضَّلُ يَا مَوْلَايَ فَكَيْفَ بَدْءُ ظُهُورِ الْمَهْدِيِّ عليه السلام ... وَ يَكْثُرُ ذَلِكَ عَلَى أَفْوَاهِ الْمُحَقِّقِينَ وَ الْمُبْطِلِينَ وَ الْمُوَافِقِينَ وَ الْمُخَالِفِينَ؛ لِيَلْزِمَهُمُ الْحُجَّةُ بِمَعْرِفَتِهِمْ بِهِ عَلَى أَنَّهُ قَدْ قَضَضْنَا وَ دَلَّلْنَا عَلَيْهِ وَ نَسَبْنَاهُ وَ سَمَّيْنَاهُ وَ كَنَيْنَاهُ وَ قُلْنَا سَمِيَّ جَدِّهِ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله وَ كُنْيَهُ لِئَلَّا يَقُولَ النَّاسُ مَا عَرَفْنَا لَهُ اسْمًا وَ لَا كُنْيَةً وَ لَا نَسَبًا وَ اللَّهُ لَيَتَحَقَّقُ الْإِيضَاحُ بِهِ وَ بِاسْمِهِ وَ نَسَبِهِ وَ كُنْيَتِهِ عَلَى أَلْسِنَتِهِمْ حَتَّى لَا يَسْمِيَهُ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ كُلُّ ذَلِكَ لِلزُّورِ الْحُجَّةِ عَلَيْهِمْ؛ مفضل گفت: در وقت ظهورش چگونه است؟ فرمود: ای مفضل! او در وضع شبهه‌ناکی آشکار می‌شود تا امرش روشن شود، نامش بالا رود، کارش آشکار شود، نام و کنیه و نسبش برده شود و آوازه او در زبان پیروان حق و باطل و موافقان و مخالفان زیاد برده شود تا به واسطه شناختن او حجت بر مردم تمام شود. همچنین ما داستان ظهور او را برای مردم نقل کرده‌ایم و نشان داده‌ایم و نام، نسب و کنیه او را برده و گفته‌ایم: او هم نام جدش پیامبر خدا و هم کنیه اوست تا مبادا مردم بگویند که اسم، کنیه و نسب او را نشناختیم. به خدا سوگند! کار او به واسطه روشن شدن نام، نسب و کنیه‌اش محقق می‌شود که بر زبان‌های مردم بالا رفته است.^{۱ و ۲}

آری، این زمان، عصری است که امام عصر علیه السلام خروج و ظهور می‌کند؛ زیرا اینک هم موافق و هم مخالف درباره او گفت‌وگو می‌کنند. موافقان در اشتیاق دیدارش اسم و کنیه‌اش را بر زبان جاری می‌کنند و محققان موافق و مخالف درباره معرفت به او

۱. بحار الأنوار، ج ۵۳، باب ۲۸، ص ۳-۴.

۲. مهدی موعود علیه السلام، ص ۱۱۴۷.

سخن می‌گویند. موافقان لحظه‌شماری می‌کنند، ولی مخالفان به یقین رسیده‌اند که ظهور حضرت و تشکیل حکومت عدل جهانی او با نابودی آنان برابر است. بنابراین، آشکارا می‌بینیم که صهیونیسم بین‌الملل به‌عنوان دشمن‌ترین دشمنان امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف برای جلوگیری از ظهور یا ناموفق کردن قیام ابا صالح المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به هرکاری دست می‌زنند و همه این‌ها، نشانه نزدیکی ظهور و فرج است. امام سجاد علیه السلام چه زیبا فرمودند: «انتظار الفرج من أعظم الفرج؛ انتظار فرج از بزرگ‌ترین گشایش‌هاست»^۱.

ما امروز در وانفسای آخرالزمان فقط به خداوند امید بسته‌ایم و قلب‌های گناهکارمان را آب و جارو زده‌ایم و به انتظار مهمان گران‌قدر و ارجمندی هستیم تا قدم‌هایش را توتیای چشمانمان کنیم.

اکنون، در انتظار ظهور کبرای آقا و سرورمان ثانیه‌شماری می‌کنیم: «إلى متى أحار قيك يا مولاي؛ تاکی حیران و سرگردان تو باشم مولای من؟»

بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران امام خمینی رحمته الله ما را چه زیبا دل‌داری و تسلی می‌دهد:

غم مخور ایام هجران رو به پایان می‌رود	این خماری از سر ما می‌گساران می‌رود
پس‌رده را از روی ماه خویش بالا می‌زند	غمزه را سر می‌دهد، غم از دل و جان می‌رود
بلبل اندر شاخسار گل هویدا می‌شود	زاغ با شرمساری از گلستان می‌رود
محفل از نور رخ او نورافشان می‌شود	هرچه غیر از ذکر یار از یاد زندان می‌رود ^۲

اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا مِنْ أَعْوَانِهِ وَ أَنْصَارِهِ بِمُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ
«وَأَخِرُ دَعْوَانَا إِنْ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ»

۱. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۱، باب ۳۱، ص ۲۳۰؛ بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۲۲.

۲. امام خمینی رحمته الله، دیوان شعر، ص ۱۱۱.

کتابنامه

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه.
۳. ابراهیم بن محمد، ثقفی، الغارات، تهران: عطار، ۱۳۷۹.
۴. ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبة الله، شرح نهج البلاغه، ۲۰ جلد در ۱۰ مجلد، قم: انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی، ۱۴۰۴ق.
۵. ابن ابی العز، علی بن علی، شرح عقیده الطحاویه، بیروت: مکتبه دارالبیان، ۱۳۶۷.
۶. ابن ابی جامع، علی بن حسین، الوجیز فی تفسیر القرآن العزیز، قم: دار القرآن الکریم، ۱۴۱۳ق.
۷. ابن ابی شبیه، عبدالله بن محمد، المصنف فی الاحادیث والآثار، بمبئی: دارالسلفیه، ۱۴ق.
۸. ابن اثیر، علی بن محمد، اسد الغابه فی معرفه الصحابه، مصر: بی نا، بی تا.
۹. ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق)، الأمالی، بی جا: اسلامیه، ۱۳۶۲ش.
۱۰. _____، التوحید، قم: اکرام، ۱۳۸۹.
۱۱. _____، الخصال، تهران: علمیه، ۱۳۷۴ق.
۱۲. _____، ثواب الأعمال وعقاب الاعمال، قم: اخلاق، ۱۳۹۳.
۱۳. _____، علل الشرایع، ۱ جلد، قم: مکتبه الداوری، بی تا.
۱۴. _____، عیون أخبار الرضا (ع)، ۲ جلد در یک مجلد، جهان، ۱۳۷۸ق.

۱۵. _____، کمال الدین و تمام النعمة، ۲ جلد در یک مجلد، قم: دار الکتب الإسلامية، ۱۳۹۵ق.
۱۶. _____، معانی الأخبار، ۱ جلد، قم: انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۱.
۱۷. _____، من لا یحضر الفقیه، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بی‌تا.
۱۸. ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، فتح الباری بشرح صحیح البخاری، بیروت: دار احیاء التراث العربی، بی‌تا.
۱۹. _____، لسان المیزان، بیروت: دارالفکر، ۱۴۰۷ق.
۲۰. ابن حنبل، احمد بن محمد، المسند، بیروت: دارالجبل، ۱۴۱۰ق.
۲۱. ابن حیون، نعمان بن محمد، دعائم الإسلام، ۲ جلد، مصر: دارالمعارف، ۱۳۸۵ق.
۲۲. ابن خلکان، احمد بن محمد، وفيات الأعیان وانباء ابناء الزمان، مصر: الدار الطباعة المصریه، ۱۲۷۵ق.
۲۳. ابن شعبه، حسن بن علی، تحف العقول، ۱ جلد، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۰۴ق.
۲۴. ابن شهر آشوب، محمد بن علی، المناقب آل ابیطالب، تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۹۲.
۲۵. ابن صباغ، علی بن محمد، الفصول المهمة فی معرفة الأئمة، قم: المجمع العالمی لاهل البيت، ۱۴۳۲ق.
۲۶. ابن طاووس، سید علی بن موسی، اقبال الأعمال، ۱ جلد، تهران: دار الکتب الإسلامية، ۱۳۶۷ش.
۲۷. _____، التحصین، ۱ جلد، قم: مؤسسه دارالکتاب، ۱۴۱۳ق.
۲۸. _____، فرج المهموم، ۱ جلد، قم: دار الذخائر، بی‌تا.
۲۹. _____، الأمان، ۱ جلد، قم: مؤسسه آل البيت علیه السلام، ۱۴۰۹ق.
۳۰. _____، الطرائف فی معرفة الطوائف، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۲۰ق.
۳۱. _____، الملاحم والفتن، قم: صلوات، ۱۳۸۸.
۳۲. _____، جمال الأسبوع، ۱ جلد، قم: رضی.

۳۳. ———، فتنه و آشوبهای آخرالزمان ملاحم و الفتن، ترجمه محمد جواد نجفی، کتاب فروشی اسلامیة، بی تا.
۳۴. ابن عاشور، محمد طاهر، التحریر و التنویر، تونس: الدار التونسیه للنشر، ۱۹۶۹ م.
۳۵. ابن عجبیه، احمد بن محمد، البحر المذید فی تفسیر القرآن المجید، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۳۸۴.
۳۶. ابن عساکر، علی بن حسن، تاریخ دمشق، بیروت: دار صادر، ۱۳۷۷.
۳۷. ابن غضائری، احمد بن حسین، رجال ابن الغضائری، ۷ جلد در سه مجلد، قم: مؤسسه اسماعیلیان، ۱۳۶۴ ق.
۳۸. ابن فهد حلی، احمد بن محمد، التحصین، ۱ جلد، قم: مدرسه امام مهدی علیه السلام، ۱۴۰۶ ق.
۳۹. ابن قولویه، جعفر بن محمد، کامل الزیارات، ۱ جلد، نجف: مرتضویه، ۱۳۵۶ ق.
۴۰. ابن قیم جوزیه، محمد بن ابی بکر، المنار المنیف فی الصحیح والضعیف، بیروت: بی نا، بی تا.
۴۱. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، البدایه و النهایه، بیروت: مکتبه المعارف، ۱۴۱۱ ق.
۴۲. ———، تفسیر القرآن العظیم، بیروت: دارالکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون، ۱۴۱۹ ق.
۴۳. ———، دلائل النبوه، بیروت: دارالکتب البنانی، ۱۴۲۰ ق.
۴۴. ابن ماجه، محمد بن مزید، سنن، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۳۹۵ ق.
۴۵. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، ۱۵ جلد در سه جلد، چاپ اول، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۶ ق.
۴۶. ابن ندیم، محمد بن اسحاق، الفهرست، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۶.
۴۷. ابو حیان، محمد بن یوسف، البحر المحیط فی التفسیر القرآن، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۳۶۹.
۴۸. ابو نعیم، احمد بن عبدالله، ذکر اخبار اصبهان، تهران: صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران، انتشارات سروش، ۱۳۷۷.
۴۹. ابوالفتوح رازی، حسین بن علی، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۴۰۸ ق.

۵۰. ابومعاش، سعید، الإمام المهدي عليه السلام في القرآن والسنة؛ چاپ دوم، مشهد: آستان قدس رضوی، ۱۴۲۵ق.
۵۱. ابویعلی، احمد بن علی، مسند ابی یعلی الموصلی، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۸ق.
۵۲. ابی بکر، محمد بن عبدالله (ابن عربی)، عارضه الاحوذی بشرح صحیح الترمذی، بیروت: دارالکتب العلمیه، بی‌تا.
۵۳. آخوند خراسانی، محمد کاظم بن حسین، رسائل، قم: مرصاد، ۱۳۸۲.
۵۴. ایربلی، علی بن عیسی، کشف الغمّة، ۲ جلد، تبریز: مکتبه بنی‌هاشمی، ۱۳۸۱ق.
۵۵. استرآبادی، علی، تأویل الآیات الظاهرة، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم: ۱۴۰۹ق.
۵۶. اصفهانی، سید محمد تقی، مکیال المکارم، ترجمه سید مهدی حائری قزوینی، چاپ سوم، بی‌جا: دفتر تحقیقات و انتشارات بدر، ۱۴۷۶ق.
۵۷. آقا بزرگ تهرانی، محمد محسن، الذریعه الى تصانیف الشیعه، بیروت: دارالاضواء، ۱۴۰۳ق.
۵۸. اکرم زعیت، سرگذشت فلسطین یا کارنامه سیاه استعمار، ترجمه: علی اکبر هاشمی رفسنجانی، چاپ اول، قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۶۲.
۵۹. آل غازی، عبدالقادر ملاحویش، بیان المعانی، دمشق: مطبعة الترقی، ۱۳۸۲.
۶۰. آلوسی، محمد بن عبدالله، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ق.
۶۱. امام رضا علیه السلام علی بن موسی، صحیفة الرضا، ۱ جلد، کنگره جهانی امام رضا علیه السلام، ۱۴۰۶ق.
۶۲. امام سجاد علی بن الحسین علیه السلام، الصحیفة السجادیة، ۱ جلد، قم: دفتر نشر الهادی، ۱۳۷۶.
۶۳. امام عسکری، ابومحمد حسن بن علی، التفسیر المنسوب الی الامام العسکری، قم: مدرسه امام مهدی علیه السلام، ۱۴۰۹ق.
۶۴. امین، محسن، آشنایی با امام زمان علیه السلام، تهران: طور، ۱۳۷۵.
۶۵. امینی، عبد الحسین، الغدیر، تهران: بنیاد بعثت، ۱۳۸۷.

۶۶. بحرانی، سید هاشم بن سلیمان، البرهان فی تفسیر القرآن، تهران: بنیاد بعثت، ۱۴۱۶ق.
۶۷. ———، حلیه الأبرار، قم: بی نا، بی تا.
۶۸. بخاری، محمد بن اسماعیل، التاریخ الکبیر، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴ق.
۶۹. ———، صحیح البخاری، شش جلد، بیروت: دار ابن کثیر، ۱۴۰۷ق.
۷۰. بدرالعینی، محمود بن احمد، عمدة القاری شرح صحیح بخاری، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی، بی تا.
۷۱. برزنجی، محمد بن رسول، الاشاعه لاشرط الساعه، قاهره: دارالحديث، ۱۴۲۳ق.
۷۲. برقی، احمد بن محمد، رجال البرقی، ۱ جلد، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۳ق.
۷۳. بروجردی، حسین بن رضا، تفسیر الصراط المستقیم، قم: مؤسسه انصاریان، ۱۳۷۴.
۷۴. بروجردی، سید محمد ابراهیم، تفسیر جامع، قم: انصار المهدی، ۱۳۸۸.
۷۵. بغوی، حسین بن مسعود، معالم التنزیل فی التفسیر القرآن، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۳۸۳.
۷۶. بهبهانی، وحید، الفوائد الحائریه، قم: مجمع الفکر الاسلامی، ۱۳۷۳.
۷۷. بهشتی، محمد، ادیان و مهدویت، چاپ دوم، تهران: امیر، بی تا.
۷۸. بیضاوی، عبدالله بن عمر، أنوار التنزیل وأسرار التأویل، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۸ق.
۷۹. پیشوایی، مهدی، سیره پیشوایان علیهم السلام، قم: مؤسسه تعلیماتی و تحقیقاتی امام صادق علیه السلام، ۱۳۷۰.
۸۰. ترمذی، محمد بن عیسی، سنن، زاهدان: اولوالباب، ۱۳۹۷.
۸۱. تقی الدین حلی، حسن بن علی، رجال ابن داود، ۱ جلد، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۸۳ق.
۸۲. توفیقی، حسین، هزاره گرای در فلسفه تاریخ مسیحیت، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۸.
۸۳. تونه ای، مجتبی، موعودنامه، چاپ پنجم، تهران: میراث ماندگار، ۱۳۸۷.

۸۴. ثعلبی، ابواسحاق احمد بن محمد، الکشف والبيان عن تفسیر القرآن، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۲۲ق.
۸۵. جرجانی، ابوالفتح بن مخدوم، آیات الاحکام، تهران: نوید، ۱۳۶۲.
۸۶. جمعی از نویسندگان، تاریخ عصر غیبت، چاپ سوم، قم: مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۸۰.
۸۷. —، تاریخ عصر غیبت، قم: آینده روشن، ۱۳۹۰.
۸۸. —، نگین آفرینش، چاپ پنجم، تهران: بنیاد فرهنگی مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف، ۱۳۸۶.
۸۹. حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، بیروت: مکتبه العصریه، ۱۴۲۰ق.
۹۰. حائری تهرانی، علی، مقتنیات الدرر و ملتقطات الثمر، قم: دار الکتاب الاسلامی، ۱۴۳۳ق.
۹۱. حجازی، محمد محمود، التفسیر الواضح، مصر: دارالتفسیر، ۱۴۱۲ق.
۹۲. حر عاملی، محمد بن حسن، اثبات الهداة بالنصوص والمعجزات، ۷ جلدی، ترجمه: احمد جنتی، تصحیح سید هاشم رسولی محلاتی، چاپ اول، تهران: دار الکتاب الاسلامیه، ۱۳۶۶ش.
۹۳. حسکانی، عبیدالله بن عبدالله، شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، ۱۴۱۱ق.
۹۴. حسینی بحرانی، هاشم، سیمای حضرت مهدی عجته در قرآن، تهران: آفاق، ۱۳۸۵.
۹۵. حسینیان قمی، مهدی، «دفاع از روایات مهدویت»، مجله انتظار، ش ۸ و ۹، ۳۳۵-۳۵۵، تابستان و پاییز ۱۳۸۲.
۹۶. حکیمی، محمد رضا، خورشید مغرب، چاپ ۲۳، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۱.
۹۷. حلی، رضی الدین علی بن یوسف، العدد القویه لدفع المخاوف الیومیه، قم: مکتبه آیت الله المرعشی العامه، ۱۳۶۶.
۹۸. حموئی جوینی، ابراهیم بن محمد، فرائد السمطین من فضائل المرتضی والبتول و السبطین والأئمه من ذریتهم عجل الله تعالی فرجه الشریف، بیروت: مؤسسه المحمودی، ۱۳۵۷.

۹۹. حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، قم: اسماعیلیان، ۱۴۱۵ق.
۱۰۰. خزاز رازی، علی بن محمد، کفایة الاثر، ۱ جلد، بیدار قم، ۱۴۰۱ق.
۱۰۱. خصیبی، حسین بن حمدان، الهدایة الکبری، قم: دارالزین العابدین، ۱۳۹۶.
۱۰۲. خمینی، سید روح الله، صحیفه نور، ۲۱ جلد، تهران: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۳۶۹.
۱۰۳. خوئی، سید ابوالقاسم، معجم رجال الحديث، نجف: مطبعة الادب، ۱۳۹۰.
۱۰۴. دارمی، عبدالله بن عبدالرحمن، سنن، بیروت: دارالکتاب العربی، ۱۳۶۶.
۱۰۵. دحلان، احمد زینی، تاریخ فتوحات اسلامیة، هرات: مطبعة فجریه، ۱۳۴۸.
۱۰۶. دخیل، علی محمد علی، الامام المهدی فی کلمات الاعلام فی السنه، بی جا: مشعر، ۱۴۲۹ق.
۱۰۷. دفتر نمایندگی امام در سپاه پاسداران، جهان زیر سلطه صهیونیسم، چاپ اول، سپاه پاسداران، بی جا: بی نا، ۱۳۶۱.
۱۰۸. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، زیر نظر محمد معین و سید جعفر شهیدی، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۳.
۱۰۹. دیلمی، حسن بن محمد، ارشاد القلوب، ۲ جلد در یک مجلد، بی جا: شریف رضی، ۱۴۱۲ق.
۱۱۰. —، اعلام الدین فی صفات المؤمنین، ۱ جلد، قم: مؤسسه آل البيت (علیهم السلام)، ۱۴۰۸ق.
۱۱۱. دیلمی، شیرویه بن شهردار، فردوس الاخبار، بیروت: دارالکتاب العربی، ۱۳۶۶.
۱۱۲. ذهبی، محمد بن احمد، سیر اعلام النبلاء، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۷ق.
۱۱۳. —، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، بی جا: دارالفکر العربی، بی تا.
۱۱۴. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، دمشق: دارالعلم الدار الشامیة، ۱۴۱۲ق.
۱۱۵. رحمتی شهرضا، محمد، هزارویک نکته پیرامون امام زمان (علیه السلام)، قم: مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۹.
۱۱۶. رضوانی، علی اصغر، حکومت حضرت مهدی در عصر ظهور، چاپ اول، قم: مسجد مقدس جمکران، بهار ۱۳۸۵.

۱۱۷. —، دفاع از مهدویت، چاپ اول، قم: مسجد مقدس جمکران، تابستان ۱۳۸۵.
۱۱۸. —، علایم ظهور، تفاوت علایم و شرایط ظهور، قم: مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۵.
۱۱۹. —، علایم ظهور، چاپ اول، قم: مسجد مقدس جمکران، تابستان ۱۳۸۵.
۱۲۰. —، منجی از دیدگاه ادیان، چاپ اول، قم: مسجد مقدس جمکران، تابستان ۱۳۸۵.
۱۲۱. —، موعودشناسی و پاسخ به شبهات، چاپ پنجم، قم: مسجد مقدس جمکران، تابستان ۱۳۸۵.
۱۲۲. زمخشری، محمود بن عمر، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، بیروت: دار الكتاب العربی، ۱۴۰۷ق.
۱۲۳. سبزواری، محمد، الجدید فی تفسیر القرآن المجید، بیروت: بی‌نا، بی‌تا.
۱۲۴. سجادی، جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، تهران: کومش، ۱۳۷۳.
۱۲۵. سجستانی، سلیمان بن اشعث، سنن، بیروت: دار ابن خرم، ۱۴۱۸ق.
۱۲۶. سمرقندی، خضر بن محمد، تنبیه الغافلین، بیروت: دارالارقم بن ابی الارقم، ۱۴۱۴ق.
۱۲۷. سید بن طاووس، علی بن موسی، التشریف بالمتن فی التعریف الفتن، قم: ذوی القربی، ۱۴۳۴ق.
۱۲۸. سیوطی، عبد الرحمن بن ابی بکر، الدر المنثور فی تفسیر المأثور، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ق.
۱۲۹. —، الحاروی للفتاوی، بیروت: بی‌نا، بی‌تا.
۱۳۰. شافعی مغربی، احمد بن محمد، ابزاروهم المکنون من کلام ابن خلدون، بی‌جا: بی‌نا، بی‌تا.
۱۳۱. شاه عبدالعظیمی، حسین، تفسیر اثنی عشری، تهران: میقات، ۱۳۶۳.
۱۳۲. شبر، عبدالله، الجواهر الثمین فی تفسیر الكتاب المبین، کویت: بی‌نا، بی‌تا.
۱۳۳. —، تفسیر القرآن الکریم، تهران: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۷ق.
۱۳۴. شبلنجی، مؤمن، نور الابصار فی مناقب آل البیت النبی المختار علیهم السلام، قم: شریف الرضی، ۱۳۷۳.

۱۳۵. شرتوتی، سعید، اقرب الموارد، سه جلد، قم: مکتبه آیت الله العظمی المرعشی النجفی، ۱۴۰۳ق.
۱۳۶. شریف لاهیجی، محمد بن علی، تفسیر شریف لاهیجی، تهران: دفتر نشر داد، ۱۳۷۳.
۱۳۷. شهرستانی، محمد بن عبد الکریم، الملل والنحل، ۲ جلد، بیروت: دارالمکتبه الهلال، ۱۹۹۸م.
۱۳۸. شوشتری، محمد تقی، قاموس الرجال، قم: الکتاب، بی تا.
۱۳۹. شوشتری، نور الله بن شریف الدین، احقاق الحق وازهاق الباطل، قم: مکتبه آیت الله المرعشی العامه، بی تا.
۱۴۰. شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، ۲۹ جلد، قم: مؤسسه آل البيت (علیهم السلام)، ۱۴۰۹ق.
۱۴۱. صادقی تهرانی، محمد، الفرقان فی التفسیر القرآن بالقرآن والسنه، لبنان: دارالتراث الاسلامی، ۱۳۵۲.
۱۴۲. صافی گلپایگانی، لطف الله، نوید امن وامان، ترجمه منظر صادق زیدی و کمیل اصغر زیدی، قم: مجمع جهانی اهل بیت (علیهم السلام)، ۱۳۸۵.
۱۴۳. —، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر (علیه السلام)، قم: مؤسسه السیده المعصومه (علیها السلام)، ۱۴۱۹ق.
۱۴۴. صالحی اندیمشکی، محمد، القرآن وفضائل اهل بیت (علیهم السلام)، بی جا: ذوی القربی، ۱۳۸۳.
۱۴۵. الصبان، محمد، اسعاف الراغبین (حاشیه نور الابصار)، مصر: بی نا، ۱۳۲۰ق.
۱۴۶. صدر، سید محمد، تاریخ غیبت کبری، تهران: نیک معارف، ۱۳۷۱.
۱۴۷. صدر، صدرالدین، المهدي امام دوازدهم (علیه السلام)، تهران: کتاب فروشی اسلامی، ۱۳۶۲.
۱۴۸. صفار، محمد بن حسن، بصائر الدرجات، ۱ جلد، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی، ۱۴۰۴ق.
۱۴۹. صمیری، مفلح بن حسن، غایة المرام فی شرح شرایع الاسلام، بیروت: دارالهادی، ۱۳۷۸.

۱۵۰. صنعانی، عبدالرزاق بن همام، المصنف، بیروت: المجلس العلمي، ۱۳۹۰ق.
۱۵۱. طباطبائی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۷ق.
۱۵۲. طبرانی، سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، عمان: دارالفکر، ۱۴۲۰ق.
۱۵۳. —، المعجم الكبير، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۴ق.
۱۵۴. طبرسی، احمد بن علی، الإحتجاج، ۱ جلد، مشهد: نشر مرتضی، ۱۴۰۳ق.
۱۵۵. طبرسی، فضل بن حسن، إعلام الوری فی اعلام الهدی، ۱ جلد، تهران: دار الکتب الإسلامية، بی‌تا.
۱۵۶. —، الصراط المستقیم، ۳ جلد در ۱ مجلد، نجف: کتابخانه حیدریه، ۱۳۸۴ق.
۱۵۷. —، تفسیر جوامع الجامع، تهران: دانشگاه تهران و مدیریت حوزه علمیه قم، ۱۳۷۷.
۱۵۸. —، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: ناصر خسرو، ۱۳۷۲.
۱۵۹. طبری آملی، محمد بن جریر، دلائل الإمامة، ۱ جلد، قم: دار الذخائر للمطبوعات بی‌جا: بی‌نا، بی‌تا.
۱۶۰. طبری، احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، قاهره: بی‌نا، بی‌تا.
۱۶۱. طبری، محمد بن جریر، جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار المعرفه، ۱۴۱۲ق.
۱۶۲. طبسی نجفی، محمد رضا، شیعه و رجعت، تهران: جمهوری، ۱۳۸۴.
۱۶۳. طبسی، محمد جواد، زنان در حکومت امام زمان علیه السلام، تهران: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام، بی‌تا.
۱۶۴. طبسی، نجم الدین، تا ظهور: پژوهشی جامع پیرامون آموزه و مباحث مهدویت، ۲ جلدی، قم: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام، مرکز تخصصی امامت و مهدویت، ۱۳۸۸.
۱۶۵. —، تا ظهور، قم: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود، ۱۳۸۸.
۱۶۶. طریحی، فخر الدین بن محمد، مجمع البحرین، تهران: کتاب فروشی مرتضوی، ۱۳۷۵.
۱۶۷. طنطاوی، محمد، التفسیر الوسیط القرآن الکریم، قاهره: بی‌نا، ۱۳۹۵ق.

۱۶۸. طوسی، محمد بن حسن، الغيبة، ۱ جلد، قم: مؤسسه معارف اسلامی، ۱۴۱۱ق.
۱۶۹. —، الفهرست، ۱ جلد، نجف: المكتبة المرتضوية، بی تا.
۱۷۰. —، رجال الشيخ الطوسی، ۱ جلد، قم: جامعه مدرسين حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۵ق.
۱۷۱. —، مصباح المتعبد، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۸ق.
۱۷۲. —، الأملی، ۱ جلد، قم: دارالثقافة، ۱۴۱۴ق.
۱۷۳. طیب اصفهانی، عبدالحسین، طیب البیان فی تفسیر القرآن، قم: مؤسسه جهانی سبطین علیه السلام، ۱۳۸۶.
۱۷۴. عاملی، جعفر مرتضی، الصحيح بین السیره الامام علی علیه السلام، بیروت: المركز الاسلامی للدراسات، ۱۴۳۰ق.
۱۷۵. عاملی، محمد بن حسن، الايقاظ فی اثبات الرجعة، ترجمه احمد جنتی، تهران: نوید، ۱۳۶۲ش.
۱۷۶. العظیم آبادی، شرف الحق، عون المعبود شرح سنن ابی داود، بیروت: دارالکتب العلمیه، بی تا.
۱۷۷. علامه حلی، حسن بن یوسف، الألفین، ۱ جلد، قم: دار الهجرة، ۱۴۰۹ق.
۱۷۸. —، رجال العلامة الحلی، یک جلد، قم: دار الذخائر، ۱۴۱۱ق. ه.
۱۷۹. علی بن موسی، امام هشتم، صحیفه الرضا، قم: نوید ظهور، ۱۳۹۲.
۱۸۰. عهد عتیق وعهد جدید، انجمن پخش کتب مقدسه در میان ملل، ۱۹۷۷-۱۹۷۸م.
۱۸۱. عیاشی، محمد بن مسعود، تفسیر العیاشی، ۲ جلد، تهران: چاپخانه علمیه، ۱۳۸۰ق.
۱۸۲. فتال نیشابوری، محمد بن احمد، روضة الواعظین وبصیره المتعظین، ۱ جلد، قم: رضی، بی تا.
۱۸۳. فخر رازی، محمد بن عمر، مفاتیح الغیب، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ق.
۱۸۴. فخر رازی، محمد بن عمر، مفاتیح الغیب، تهران: اساطیر، ۱۳۷۹.
۱۸۵. فقیه ایمانی، مهدی، الامام المهدی علیه السلام عند اهل السنة، چاپ دوم، قم: مجمع جهانی اهل البيت علیهم السلام، ۱۴۱۸ق.

۱۸۶. فیض الاسلام اصفهانی، سید علی نقی، ترجمه و شرح نهج البلاغه، بی‌جا: بی‌نا، بی‌تا.
۱۸۷. فیض قمی، عباس، گنجینه آثار قم، قم: مهر استوار، ۱۳۴۹.
۱۸۸. فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی، الأصفی فی تفسیر القرآن، تهران: لوح محفوظ، ۱۳۸۱.
۱۸۹. فیض کاشانی، ملا محسن، تفسیر الصافی، تهران: صدر، ۱۴۱۵ق.
۱۹۰. قرشی، علی اکبر، تفسیر احسن الحدیث، تهران: بنیاد بعثت، مرکز چاپ و نشر، ۱۳۹۰.
۱۹۱. قزوینی، سید محمد کاظم، از تولد تا بعد از ظهور، ترجمه: لطیف راشدی و سعید راشدی، چاپ اول، قم: مسجد مقدس جمکران، تابستان ۱۳۸۷.
۱۹۲. قزوینی، محمد کاظم، الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف من المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف الی الظهور (امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف): از ولادت تا ظهور، ترجمه و تحقیق علی کرمی و محمد حسینی، قم: الهدی، چاپ هشتم، ۱۳۸۷.
۱۹۳. قطب راوندی، سعید بن هبة الله، الخرائج و الجرائح، قم: مؤسسه الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ۱۳۶۸.
۱۹۴. قطب، سید، فی ظلال القرآن، بیروت: دار الشروق، ۱۴۱۲ق.
۱۹۵. قمی مشهدی، محمد بن محمد رضا، تفسیر کنز الدقائق، قم: مجتبی العراقی، بی‌تا.
۱۹۶. قمی، حسن بن محمد، تاریخ قم، تهران: برگ، ۱۳۹۳.
۱۹۷. قمی، شیخ عباس، سفینه البحار، تهران: اسوه، ۱۴۲۲ق.
۱۹۸. —، مفاتیح الجنان، چاپ بیست و سوم، بی‌جا: آیین دانش، ۱۳۹۲.
۱۹۹. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم، قم: دار الکتاب، ۱۳۶۷.
۲۰۰. —، تفسیر قمی، ۲ جلد، قم: مؤسسه دار الکتاب، ۱۴۰۴ق.
۲۰۱. قندوزی، سلیمان بن ابراهیم، ینابیع المودة، ۳ جلد در یک مجلد، تحقیق سید علی جمال اشرف الحسینی، چاپ دوم، قم: دار الأسوه للطباعة و النشر، ۱۴۲۲ق.
۲۰۲. کاتوزیان تهرانی، محمد علی، انوار المشعشعین، تهران: بی‌نا، ۱۳۲۷ق.
۲۰۳. کاشانی، فتح الله بن شکر الله، تفسیر منهاج الصادقین فی الزام المخالفین، تهران:

- کتاب فروشی محمد حسن علمی، ۱۳۳۶.
۲۰۴. ———، زبدة التفاسیر، قم: مؤسسه المعارف الاسلامیه، ۱۳۸۱.
۲۰۵. کاشفی، حسین بن علی، المواهب العلیه، بی جا: بی نا، بی تا.
۲۰۶. کاظمی، سید مصطفی بن ابراهیم، بشاره الإسلام، تهران: مؤسسه البعثه، بقسم الدراسات الاسلامیه، ۱۴۱۰ق.
۲۰۷. کامل، سلیمان، روزگار رهایی (یوم الخلاص)، ۲ جلد، ترجمه لطیف راشدی، چاپ اول، تهران: ارمغان طوبی، ۱۳۸۶.
۲۰۸. ———، یوم الخلاص، چاپ دوم، قم: مؤسسه دارالمجتبی، ۱۴۲۸ق.
۲۰۹. کتانی، محمد، نظم المتناثر من الحديث المتواتر، بیروت: بی نا، بی تا.
۲۱۰. کرمی، مرعی بن یوسف، فرائد الفوائد الفکری فی الامام المهدی المنتظر علیه السلام، قم المقدسه: مؤسسه المعارف الاسلامیه، ۱۴۲۱ق.
۲۱۱. کشی، محمد بن عمر، رجال الکشی، ۱ جلد، مشهد: دانشگاه مشهد، ۱۳۴۸.
۲۱۲. کفعمی، ابراهیم بن علی، بلد الامین، تهران: مکتبه الصدوق، ۱۳۸۳ق.
۲۱۳. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، چهار جلد، ترجمه: سید جواد مصطفوی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اهل بیت، بی تا.
۲۱۴. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ۸ جلد، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵.
۲۱۵. کنتوری، محمد حسین بن محمد قلی، فیض القدير، قم: مؤسسه در راه حق، ۱۳۶۵.
۲۱۶. کورانی، علی و دیگران، معجم احادیث الامام المهدی علیه السلام، پنج جلسه، قم: مؤسسه معارف اسلامی، ۱۴۱۱ق.
۲۱۷. کورانی، علی، عصر ظهور، ترجمه: مهدی حقی، چاپ چهارم، تهران: شرکت چاپ و نشر بین الملل وابسته به انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۵.
۲۱۸. کوفی، فرات بن ابراهیم، تفسیر فرات الکوفی، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، ۱۴۱۰ق.
۲۱۹. مبارکفوری، محمد عبدالرحمن بن عبدالرحیم، تحفه الاحوذی بشرح جامع الترمذی، بیروت: دارالفکر، ۱۴۲۴ق.
۲۲۰. متقی، علی بن حسام الدین، کنز العمال فی سنن الاقوال والافعال، بیروت: مؤسسه

- الرساله، ۱۴۱۳ق.
۲۲۱. مجلسی محمد باقر، آسمان و جهان، تهران: اسلامیه، ۱۳۸۵.
۲۲۲. —، بحار الأنوار، ۱۱۰ جلد، بیروت: مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۴ق.
۲۲۳. محسنی دایکندی، محمد عظیم، رجعت در عصر ظهور، قم: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام، مرکز تخصصی مهدویت، بی‌تا.
۲۲۴. محقق نائینی، میرزا محمد حسین، فوائد الأصول، قم: نشر اسلامی، ۱۴۰۴ق.
۲۲۵. محمد بن احمد، محلی، عبدالرحمن بن ابی بکر؛ سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، تفسیر الجلالین، بیروت: مؤسسه النور للمطبوعات، ۱۴۱۶ق.
۲۲۶. محمد صدیق، حسن، الاذاعه لما کان وما یكون بین الساعه، جده: دارالمدنی، ۱۴۰۶ق.
۲۲۷. محمدی اشتهاودی، محمد، حضرت معصومه علیها السلام فاطمه علیها السلام دوم، قم: اخلاص، ۱۳۸۰.
۲۲۸. —، نگاهی به زندگی حضرت مهدی علیه السلام، قم: نشر مطهر، ۱۳۷۴.
۲۲۹. محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، ترجمه حمیدرضا شیخی، ۱۵ جلدی، چاپ دوم، قم: دارالحديث، ۱۳۷۷.
۲۳۰. مدیر شانه‌چی، کاظم، علم الحديث، مشهد: دانشگاه مشهد، مؤسسه چاپ و انتشارات، ۱۳۴۴.
۲۳۱. مرزوی، نعیم ابن حماد، الفتن، تحقیق ابوعبد الله ایمن محمد عرفه، قم: مکتبه الحیدریه، ۱۴۲۴ق.
۲۳۲. مسعودی، علی بن حسین، التنبيه والاشراف، تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۶۵.
۲۳۳. —، مروج الذهب، تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۷۴.
۲۳۴. مسلم بن الحجاج، صحیح مسلم، پنج جلد، بیروت: دار احیاء التراث العربی، بی‌تا.
۲۳۵. مطهری، مرتضی، جاذبه و دافعه علی علیه السلام، چاپ دهم، تهران: صدرا، ۱۳۶۹ش.
۲۳۶. —، قیام و انقلاب مهدی علیه السلام، چاپ پنجم، قم: انتشارات حکمت، ۱۳۹۸هـ.
- ق.
۲۳۷. —، مجموعه آثار تهران: صدرا، ۱۳۷۲.

۲۳۸. مظفر، محمد رضا، عقائد الامیه، بیروت: دارالصفوه، ۱۴۱۳ق.
۲۳۹. مظهری، محمد ثناء الله، تفسیر مظهری، کراچی پاکستان: دارالاشاعت، ۱۹۹۹م.
۲۴۰. مفید، محمد بن محمد، أربع رسالات فی الغیبة، ۴ جلد در یک مجلد، قم: انتشارات کنگره جهانی شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.
۲۴۱. —، الإختصاص، ۱ جلد، قم: کنگره جهانی شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.
۲۴۲. —، الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، ۲ جلد، ترجمه: سید هاشم رسولی محلاتی، تهران: علمیه اسلامی، بی تا.
۲۴۳. —، الإرشاد، ۲ جلد در یک مجلد، قم: کنگره جهانی شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.
۲۴۴. —، الإعلام، ۱ جلد، قم: کنگره جهانی شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.
۲۴۵. —، الأمالی، ۱ جلد، قم: کنگره جهانی شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.
۲۴۶. —، أوائل المقالات، یک جلد، قم: کنگره جهانی شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.
۲۴۷. —، کتاب المزار، ۱ جلد، قم: کنگره جهانی شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.
۲۴۸. مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، عقد الدرر فی اخبار المنتظر علیه السلام، تحقیق عبد الفتاح محمد حلو؛ تعلیق علی نظری منفرد، قم: مسجد مقدس جمکران، ۱۴۲۴ق.
۲۴۹. مقریزی، احمد بن علی، السلوک لمعرفه دول الملوک، قاهره: دارالکتب والوثائق القومیه، بی تا.
۲۵۰. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، تفسیر نمونه، چاپ چهلیم، تهران: دارالکتب السلامیه، ۱۳۸۰ش.
۲۵۱. مکارم شیرازی، ناصر، الأمثل فی تفسیر کتاب الله المنزل، قم: مدرسه الامام علی بن ابی طالب علیه السلام، ۱۳۸۴.
۲۵۲. —، حکومت جهانی مهدی علیه السلام، قم: نسل جوان، ۱۳۸۰.
۲۵۳. —، زهرا علیها السلام برترین بانوی جهان، قم: هدف، ۱۳۷۰.
۲۵۴. منتجب الدین، علی بن عبید الله، الفهرست، ۱ جلد، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی، ۱۳۶۶.
۲۵۵. منتهی الآمال، تهران: پیام آزادی، ۱۳۷۹.
۲۵۶. مهدی پور، علی اکبر، اماکن زیارتی منتسب به امام زمان علیه السلام، مشهد: یوسف فاطمه علیهم السلام، ۱۳۹۰.

۲۵۷. مودودی، ابوالاعلیٰ، البیانات، لاهور: بی‌نا، بی‌تا.
۲۵۸. میر جمکرانی، سید عباس، رسالت آرماگدون، روزنامه کیهان، ۲۶ خرداد ۱۳۸۲، ص ۵.
۲۵۹. ناصف، منصور علی، التاج الجامع للاصول، قاهره: عیسی البابى الحلبي، ۱۹۳۲-۱۳۳۵م.
۲۶۰. نجاشی، احمد بن علی، رجال النجاشی، ۲ جلد در یک مجلد، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۷ق.
۲۶۱. نخجوانی، نعمت الله، الفواتح الالهیه، تهران: مولی، ۱۳۹۵.
۲۶۲. نظام الأعرج، حسن بن محمد، تفسیر غرائب القرآن و رغائب الفرقان، بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۶ق.
۲۶۳. نعمانی، محمد بن ابراهیم، الغیبه، ۱ جلد، تهران: مکتبه الصدوق، ۱۳۹۷ق.
۲۶۴. نهاوندی، علی اکبر، العبقری الحسان فی اموال مولانا صاحب الزمان (علیه السلام)، تهران: دبستانی، ۱۳۶۵ق.
۲۶۵. نوری طبرسی، حسین بن محمد تقی، نجم الثاقب (چاپ سنگی)، تصحیح شیخ محمدتقی معرفت خوانساری، بی‌جا: شیراز، بی‌تا.
۲۶۶. ———، مستدرک الوسائل، ۱۸ جلد، قم: مؤسسه آل البيت (علیهم السلام)، ۱۴۰۸ق.
۲۶۷. نووی، محمد، مراح لبید لکشف معنی القرآن المجید، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۷ق.
۲۶۸. نووی، یحیی بن شرف، شرح صحیح مسلم، بیروت: دارالکتب العربی، بی‌تا.
۲۶۹. نیشابوری، ابراهیم بن منصور، قصص الانبیاء، تهران: بی‌نا، بی‌تا.
۲۷۰. نیلی نجفی، علی بن عبدالکریم، منتخب الأنوار المضيئة، ۱ جلد، قم: چاپخانه خیام، ۱۴۰۱ق.
۲۷۱. الهامی، داوود، آخرین امید، بی‌جا: مکتب اسلام، ۱۳۷۷.
۲۷۲. هلالی کوفی سلیم بن قیس، کتاب سلیم بن قیس (اسرار آل محمد (علیهم السلام))، ۱ جلد، قم: الهادی، ۱۴۱۵ق.
۲۷۳. همدانی، رضا بن محمد هادی، کتاب الصلاة من مصباح الفقیه، تهران: حاج سید جواد علوی، ۱۳۷۴.

۲۷۴. هیشمی، علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، بیروت: بی نا، بی تا.
۲۷۵. ———، موارد الظمان الی زوائد ابن حبان، بیروت: مؤسسه الرساله، ۱۴۰۸ق.
۲۷۶. یزدی حائری، علی بن زین العابدین، الزام الناصب فی الإثبات للحجة الغائب، ۲ جلد، چاپ چهارم، قم: مؤسسه مطبوعاتی حق بین، ۱۳۹۷ق.
۲۷۷. یوسفیان، مهدی، امام مهدی علیه السلام در قرآن، چاپ ششم، تهران: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی معه السلام موعود و جده الشریف، مرکز تخصصی مهدویت، ۱۳۸۸ق.